



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روشن تر از خورشید

وظایف امت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در عصر غیبت

احمد رضا مرتضوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روشن تر از خورشید : وظایف امت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

نویسنده:

احمد رضا مرتضوی

ناشر چاپی:

دار النشر اسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	روشن تر از خورشید : وظایف امت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۶	فهرست کتاب
۲۶	پیشگفتار
۳۰	فصل اول: مردم آخر الزمان
۳۰	اشاره
۳۱	معنای آخر الزمان
۳۱	اشاره
۳۲	ویژگی های مردم در آخر الزمان
۳۲	۱. عده ای از ایشان اهل دقت و تعمق اند و از ایمان عظیمی برخوردار هستند
۳۴	۲. اکثر مردم آخر الزمان، آلوده به گناهان و زشتی ها هستند
۳۵	۳. در آن دوران، برادر و دوست قابل اعتماد و مال حلال، بسیار کمیاب شوند
۳۶	۴. چاره ای جز عزلت از جامعه ی آلوده نیست
۳۸	۵. به شکل آدمی و قلب های شیطانی
۳۹	۶. عرفان های دروغین رواج پیدا می کند
۳۹	۷. عبادات ایشان هم ریائی خواهد بود
۴۰	۸. مردم آخر الزمان گناهانشان را به گردن خدا می اندازند
۴۰	۹. گروهی از علمای آخر الزمان هم فاسد شوند
۴۳	۱۰. زنان آخر الزمان
۴۴	۱۱. تجمل گرایی و تفریحات ناسالم
۴۴	۱۲. از خدا راضی نیستند
۴۵	۱۲. فرزندان در آخر الزمان

۴۵	۱۳. دین به کالایی بی ارزش مبدل شود
۴۵	۱۴. مردم گرگ می شوند
۴۵	۱۵. علم نایاب شود
۴۶	۱۶. شعائر دینی کم اهمیت شود
۴۶	۱۷. گناهان بزرگ رواج یابند
۶۰	۱۸. دین و دینداری در آخر الزمان
۶۴	۱۹. اوضاع آشفته ی اجتماعی
۷۵	۲۰. اوضاع اقتصادی
۷۶	قاریان قرآن
۷۸	فصل دوم: آشنایی با دشواری های زمان غیبت
۷۸	اشاره
۸۰	۱- دوران غیبت طولانی
۸۰	۲- دوران غضب خدا
۸۱	۳- دوران حیرت
۸۲	۴- دوران اختلاف
۸۴	۵- دورانی که تمام پناهگاه ها فرو ریزد
۸۵	۶- دوران یأس
۸۷	۷- دوران سختی و بلاء
۹۰	۸- دورانی که همه ی اصناف، طعم حکمرانی را بچشند
۹۱	۹- دوران گمراهی
۹۱	۱۰- دوران حزن و سختی
۹۲	۱۱- دوران هرج و مرج
۹۴	۱۲- دوران مدعیان دروغین
۹۴	اشاره
۹۵	به خون امام عَلَیْهِ السَّلَام تشنه اند
۹۶	راه امتحان مدعیان مهدویت

۹۶ دوران امتحان
۱۰۰ دوران گمشدگان
۱۰۲ فصل سوم: غربال و امتحانات دشوار زمان غیبت
۱۰۸ فصل چهارم: راه نجات
۱۰۸ اشاره
۱۱۰ ۱- تمسک به ولایت
۱۱۰ ۲- مدارا با خلق
۱۱۱ ۳- ایمان مستحکم و تأیید به روح القدس
۱۱۲ ۴- پناه بردن به خدا
۱۱۳ ۵- سر نگهداری
۱۱۳ ۶- اخلاص
۱۱۴ ۷- دعای غریق
۱۱۴ ۸- پرهیز از شهرت طلبی
۱۱۵ ۹- دوری از دشمن اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ
۱۱۵ ۱۰- قوت یقین و شناخت و تسلیم
۱۱۶ ۱۱- دعا برای تعجیل فرج
۱۱۷ ۱۲- عمل به وظایف منتظران
۱۱۸ فصل پنجم: وظایف امت امام عصر عَلَیْهِ السَّلَامُ در عصر غیبت
۱۱۸ اشاره
۱۲۰ وظیفه اول: معرفت
۱۲۰ اشاره
۱۲۰ اهمیت معرفت امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ
۱۲۵ طلب معرفت
۱۲۹ معنای معرفت
۱۳۱ کمترین حد معرفت
۱۳۱ ثواب معرفت

- ۱۳۴ وظیفه دوم: انتظار
- ۱۳۴ اشاره
- ۱۳۸ مرحله ی اضطرار
- ۱۴۲ انتظار، نه عجله!
- ۱۴۵ ثواب انتظار
- ۱۵۰ صفات منتظر
- ۱۵۱ وظیفه سوم: مراقبت از دین
- ۱۵۳ وظیفه چهارم: مقابله با تحریف یا اصلاح دین
- ۱۵۶ وظیفه پنجم: رجوع به عالمان ربانی
- ۱۵۹ وظیفه ششم: احیای ذکر و یاد حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۶۲ وظیفه هفتم: گریه در فراق حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَام
- ۱۶۸ وظیفه هشتم: پرهیز از عجله و شتاب
- ۱۷۱ وظیفه نهم: تمسک به اصل ولایت و برائت
- ۱۷۴ وظیفه دهم: صبر و ثبات قدم
- ۱۷۹ وظیفه یازدهم: پیشگیری از قساوت قلب
- ۱۸۰ وظیفه دوازدهم: شرکت نکردن در هرگونه جهاد ابتدایی و یا قیام مسلحانه
- ۱۸۰ اشاره
- ۱۸۱ ۱: امر به خانه نشینی
- ۱۸۱ اشاره
- ۱۸۵ آثار خانه نشینی
- ۱۸۶ ۲: از عجله در قیام بپرهیزید
- ۱۸۷ ۳: در کنار امام زمانتان جهاد کنید
- ۱۸۸ ۴: هر بیعتی قبل از ظهور بیعت کفر و نفاق است
- ۱۸۹ ۵: بر ضد کسی خروج نکنید
- ۱۹۵ ۶: قیام پیش از ظهور بی فائده و بر گرفتاری ها می افزاید
- ۱۹۷ ۷: هر بیرقی پیش از قائم عَلَیْهِ السَّلَام بیرق طاغوت است

- ۱۹۸ ----- ادعای امامت ----- ۸
- ۱۹۹ ----- حکومت های ظالمین تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت ----- ۹
- ۲۰۲ ----- امر به سکوت و تقیه ----- ۱۰
- ۲۰۳ ----- وظیفه سیزدهم: اجتناب از یاری رساندن به ظالمین و همکاری با حاکم جائز -----
- ۲۱۰ ----- وظیفه چهاردهم: تقیه تا زمان ظهور -----
- ۲۱۱ ----- وظیفه پانزدهم: کمک به حفظ جامعه اسلامی از طریق مواسات با برادران -----
- ۲۱۳ ----- وظیفه شانزدهم: دوری از تفرقه -----
- ۲۱۸ ----- وظیفه هفدهم: پرهیز از شک و ریب -----
- ۲۲۱ ----- وظیفه هجدهم: دعا برای فرج حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَام -----
- ۲۲۱ ----- اشاره -----
- ۲۲۳ ----- دعای در غیبت -----
- ۲۲۹ ----- وظیفه نوزدهم: تقوی و عبادت -----
- ۲۳۳ ----- وظیفه بیستم: عدم تعیین وقت برای ظهور -----
- ۲۳۹ ----- فصل ششم: سیمای یاران حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَام -----
- ۲۳۹ ----- اشاره -----
- ۲۴۲ ----- ۱- بینش عمیق -----
- ۲۴۲ ----- اشاره -----
- ۲۴۲ ----- الف) بینش عمیق نسبت به خدای متعال -----
- ۲۴۳ ----- ب) بینش عمیق نسبت به امام عَلَیْهِ السَّلَام -----
- ۲۴۳ ----- ۲- عبادت و بندگی -----
- ۲۴۴ ----- ۳- عشق به امام عَلَیْهِ السَّلَام -----
- ۲۴۴ ----- ۴- اطاعت -----
- ۲۴۴ ----- ۵- شجاعت -----
- ۲۴۶ ----- ۶- یکدلی -----
- ۲۴۶ ----- ۷- ایثار -----
- ۲۴۶ ----- ۸- نظم و انتظام -----

۲۴۷ ۹- نجابت و پاکدامنی
۲۴۸ ۱۰- علم و شناخت دین
۲۴۸ اشاره
۲۴۸ رجعت مردگان
۲۵۱ یاوران فرا زمینی
۲۵۴ زنان در سپاه امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام
۲۶۰ فصل هفتم: سختی امر ظهور
۲۶۶ فصل هشتم: سیره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام
۲۹۰ فصل نهم: وقایع پس از ظهور
۳۲۴ فصل دهم: سه ادب پیرامون امام زمان
۳۲۴ اشاره
۳۲۵ ۱. حرمت ذکر نام آن حضرت
۳۲۷ ۲. صدقه دادن برای سلامتی امام عَلَيْهِ السَّلَام
۳۲۸ ۳. قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت و گذاشتن دست بر سر
۳۳۲ فهرست منابع
۳۴۰ درباره مرکز

روشن تر از خورشید : وظایف امت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرتضوی، احمدرضا، 1360-

عنوان و نام پدیدآور: روشن تر از خورشید : وظایف امت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت / احمدرضا مرتضوی.

مشخصات نشر: قم: دارالنشر اسلام، 1400.

مشخصات ظاهری: 312 ص.

شابک: 978-964-475-245-2

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [309] - 312؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: وظایف امت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت.

موضوع: آخر الزمان

End of the world

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

Muhammad ibn Hasan, Imam XII: موضوع

موضوع: آخر الزمان (اسلام)

(End of the world (Islam

آخر الزمان (اسلام) -- احادیث

End of the world (Islam) -- Hadiths

مهدویت

Mahdism

مهدویت -- احادیث

Mahdism-- Hadiths

فتن و ملاحم

Seditions and riots*

رده بندی کنگره: P222/3

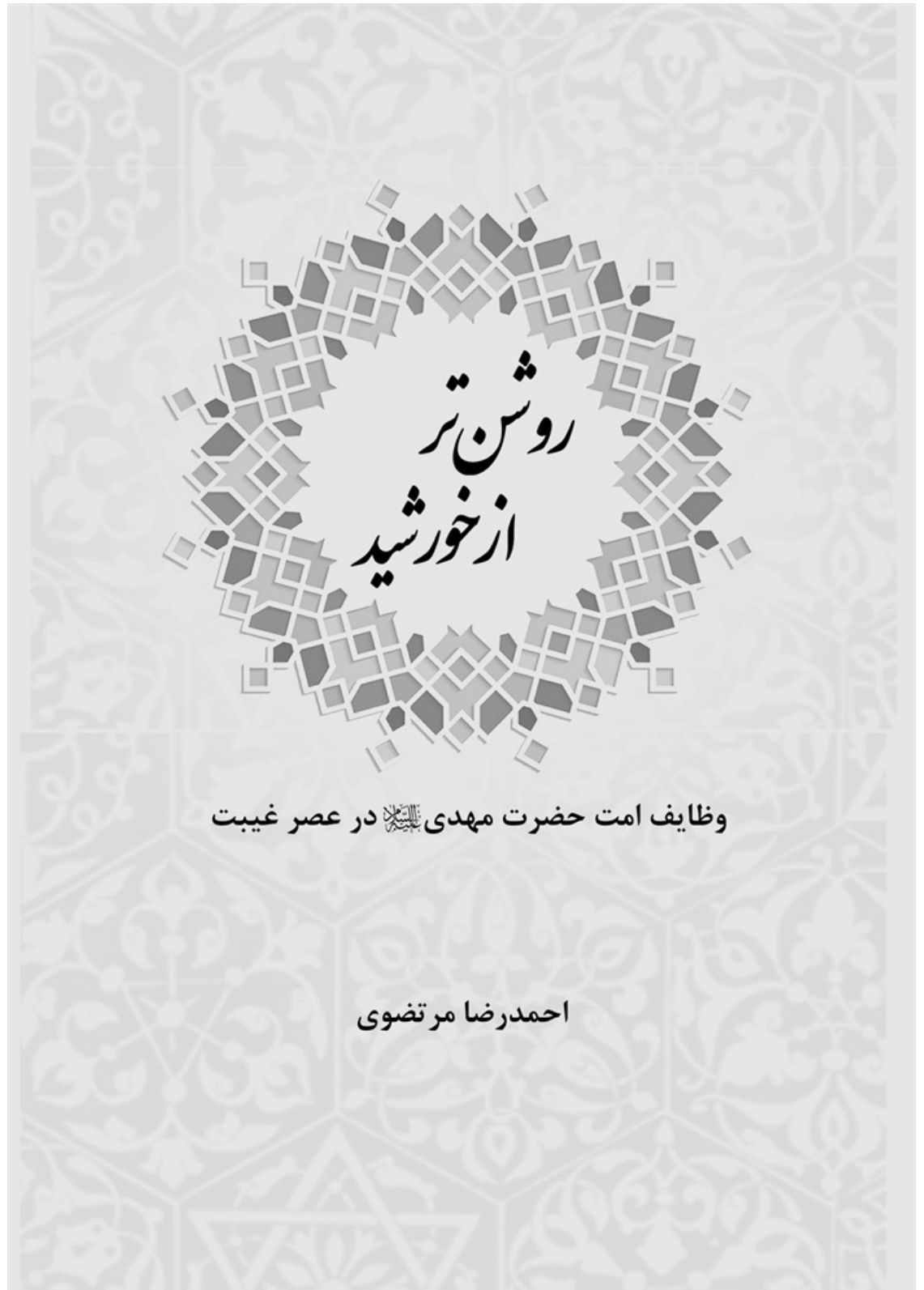
رده بندی دیویی: 297/462

شماره کتابشناسی ملی: 7548438

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ص: 1

اشاره



وظایف امت حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ در عصر غیبت

احمد رضا مرتضوی

ص: 3

روشن تراز خورشید

مولف: احمد رضا مرتضوی

انتشارات: عطر عترت

تنظیم: فرشته میرفندرسکی

طراح جلد:

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۴۰۰

تعداد صفحات / قطع: ۳۱۲ / وزیری

شاپک:

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۰۰/۰۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش

۰۹۱۳۱۶۸۶۳۶۱

پیشگفتار... 11

*فصل اول: مردم آخر الزمان... 15

معنای آخر الزمان... 16

ویژگی های مردم در آخر الزمان... 17

1. عده ای از ایشان اهل دقت و تعمق اند و از ایمان عظیمی برخوردار هستند... 17

2. اکثر مردم آخر الزمان، آلوده به گناهان و زشتی ها هستند... 19

3. در آن دوران، برادر و دوست قابل اعتماد و مال حلال، بسیار کمیاب شوند... 20

4. چاره ای جز عزلت از جامعه ی آلوده نیست... 21

5. به شکل آدمی و قلب های شیطانی... 23

6. عرفان های دروغین رواج پیدا می کند... 24

7. عبادات ایشان هم ریائی خواهد بود... 24

8. مردم آخر الزمان گناهانشان را به گردن خدا می اندازند... 25

9. گروهی از علمای آخر الزمان هم فاسد شوند... 25

10. زنان آخر الزمان... 28

11. تجمل گرایی و تفریحات ناسالم... 29

12. از خدا راضی نیستند... 29

12. فرزندان در آخر الزمان... 30

13. دین به کالایی بی ارزش مبدل شود... 30

14. مردم گرگ می شوند... 30

15. علم نایاب شود... 30

16. شعائر دینی کم اهمیت شود... 31

17. گناهان بزرگ رواج یابند... 31

18. دین و دینداری در آخر الزمان... 42

19. اوضاع آشفته ی اجتماعی... 46

20. اوضاع اقتصادی... 56

قاریان قرآن... 57

ص: 5

*فصل دوم: آشنایی با دشواری های زمان غیبت... 59

1- دوران غیبت طولانی... 61

2- دوران غضب خدا 61

3- دوران حیرت... 62

4- دوران اختلاف... 63

5- دورانی که تمام پناهگاه ها فروریزد... 65

6- دوران یأس... 66

7- دوران سختی و بلاء... 68

8- دورانی که همه ی اصناف، طعم حکمرانی را بچشند... 71

9- دوران گمراهی... 72

10- دوران حزن و سختی... 72

11- دوران هرج و مرج... 73

12- دوران مدعیان دروغین... 75

به خون امام عَلَیْهِ السَّلَامُ تشنه اند... 76

راه امتحان مدعیان مهدویت... 77

13- دوران امتحان... 77

14- دوران گمشدگان... 81

*فصل سوم: غربال و امتحانات دشوار زمان غیبت... 83

*فصل چهارم: راه نجات... 89

1- تمسک به ولایت... 91

2- مدارا با خلق... 91

3- ایمان مستحکم و تأیید به روح القدس... 92

4- پناه بردن به خدا 93

5- سرنگهداری... 94

6- اخلاص... 94

7- دعای غریق... 95

8- پرهیز از شهرت طلبی... 95

9- دوری از دشمن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... 96

ص: 6

10- قوّت یقین و شناخت و تسلیم... 96

11- دعا برای تعجیل فرج... 97

12- عمل به وظایف منتظران... 98

*فصل پنجم: وظایف امت امام عصر عَلَیْهِ السَّلَامُ در عصر غیبت... 99

وظیفه اول: معرفت... 101

اهمیت معرفت امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ... 101

طلب معرفت... 106

معنای معرفت... 110

کمترین حد معرفت... 112

ثواب معرفت... 112

وظیفه دوم: انتظار... 115

مرحله ی اضطرار... 119

انتظار، نه عجله!... 123

ثواب انتظار... 126

صفات منتظر... 130

وظیفه سوم: مراقبت از دین... 131

وظیفه چهارم: مقابله با تحریف یا اصلاح دین... 133

وظیفه پنجم: رجوع به عالمان ربانی... 136

وظیفه ششم: احیای ذکر و یاد حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ... 139

وظیفه هفتم: گریه در فراق حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ... 142

وظیفه هشتم: پرهیز از عجله و شتاب... 148

وظیفه نهم: تمسک به اصل ولایت و برائت... 151

وظیفه دهم: صبر و ثبات قدم... 154

وظیفه یازدهم: پیشگیری از قساوت قلب... 159

وظیفه دوازدهم: شرکت نکردن در هرگونه جهاد ابتدایی و یا قیام مسلحانه... 160

1: امر به خانه نشینی... 161

2: از عجله در قیام پرهیزید... 166

3: در کنار امام زمانتان جهاد کنید... 167

ص: 7

4: هر بیعتی قبل از ظهور بیعت کفر و نفاق است... 168

5: بر ضد کسی خروج نکنید... 169

6: قیام پیش از ظهور بی فائده و برگرفتنی ها می افزاید... 175

7: هر بیرقی پیش از قائم عَلَیْهِ السَّلَامُ بیرق طاغوت است... 177

8: ادعای امامت... 178

9. حکومت های ظالمین تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت... 179

10. امر به سکوت و تقیه... 182

وظیفه سیزدهم: اجتناب از یاری رساندن به ظالمین و همکاری با حاکم جائر... 183

وظیفه چهاردهم: تقیه تا زمان ظهور... 190

وظیفه پانزدهم: کمک به حفظ جامعه اسلامی از طریق مواسات با برادران... 191

وظیفه شانزدهم: دوری از تفرقه... 193

وظیفه هفدهم: پرهیز از شک و ریب... 198

وظیفه هجدهم: دعا برای فرج حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ... 201

وظیفه نوزدهم: تقوی و عبادت... 207

وظیفه بیستم: عدم تعیین وقت برای ظهور... 211

*فصل ششم: سیمای یاران حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ... 217

1- بینش عمیق... 220

الف) بینش عمیق نسبت به خدای متعال... 220

ب) بینش عمیق نسبت به امام عَلَیْهِ السَّلَامُ... 221

2- عبادت و بندگی... 221

3- عشق به امام عَلَیْهِ السَّلَامُ... 222

4- اطاعت... 222

5- شجاعت... 222

6- یكدلی... 224

7- ایثار... 224

8- نظم و انتظام... 224

9- نجابت و پاکدامنی... 225

10- علم و شناخت دین... 226

ص: 8

رجعت مردگان... 226

یاوران فرازمینی... 229

زنان در سپاه امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام... 232

1. فتواء... 232

2. ام ایمن... 233

3. حبابه ی والیه 233

4. زبیده... 234

5. سمیه... 234

6. ام خالد احمسیه... 235

7. ام سعید... 235

8. صبانہ... 235

9. ام خالد جهنیه... 236

*فصل هفتم: سختی امر ظهور... 237

*فصل هشتم: سیره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام... 243

*فصل نهم: وقایع پس از ظهور... 267

*فصل دهم: سه ادب پیرامون امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام... 301

1. حرمت ذکر نام آن حضرت... 302

2. صدقه دادن برای سلامتی امام عَلَيْهِ السَّلَام... 304

3. قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت و گذاشتن دست بر سر... 305

فهرست منابع... 309

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام علي محمد و آله الطاهرين لا سيما علي ناموس الدهر و امام العصر، الحجة الثاني عشر و اللعنه الدائمه علي اعدائهم اجمعين.

ظهور منجی موعود، یک اعتقاد عمومی در تمامی ادیان است. کتاب های مقدس آسمانی، چه آنها که بخشی یا تمام آنها وجود دارد و چه آنها که منقولاتی از آنان در کتاب های دیگر آمده است، بشارت داده اند که جهان در سیطره ی ظلم و فساد نمی ماند؛ بلکه جماعت صالحان به امامت "رهبر موعود" عدل و داد را در گیتی، حاکم خواهند کرد.

ریشه دار بودن اعتقاد به مهدی و منجی، موجب آماده بودن مردم اعصار گوناگون برای پذیرش و تبعیت وی شده و می شود. از همین رو، این مفهوم، موجب سوء استفاده فریبکاران و شیادانی شده است که در طول تاریخ با ادعاهای دروغین، خود را مهدی یا از یاران او معرفی کردند تا از رهگذر عقیده ی پاک مردم به نیت آلوده خویش دست یابند.

اتفاقاً بسیاری از این مدعیان، در نقشه خود موفق شده و به مقصود خود رسیده اند؛ چه مدعیان کوچکی که اهداف مالی و رمالی داشته اند، و چه مدعیان بزرگی که توانستند با

این ادعا، حکومت های عریض و طویل یا مذاهب منحرف دیرپا و گسترده ای برای خویش دست و پا کنند.

همچنین دشمنان اسلام و انسانیت که همواره در ترس از حاکمیت عدل و انسان کامل به سر می برند، از یک سو با ساخته و پرداخته کردن سؤالات و شبهات، تلاش دارند که یا اعتقاد به ظهور منجی را در دل آدمیان، سست کنند؛ و از سوی دیگر با تحمیق رسانه ای و ساختن فیلم های سینمایی، چهره ای هولناک از آن مرد الهی بیافرینند!

از طرف دیگر، آشنا نبودن جامعه ی شیعی با وظایفش در این دوران، موجب امتداد غیبت امام عَلَیْهِ السَّلَامُ شده و امر ظهور را به تأخیر می اندازد و طبعاً اگر منتظران آن حضرت به وظایف خویش آگاه باشند و بدان عمل نمایند در تعجیل فرج، مؤثر خواهند بود.

آنچه که باید دانست این است که آمادگی مردم، تأثیر به سزائی در ظهور و یا غیبت منجی دارد. رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در ضمن بیان جریان حضرت موسی و ظهور او برای مردم بنی اسرائیل، به تأثیر مردم در زمان ظهور منجی اشاره کرده اند.

امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کنند که فرمودند:

«وقتی وفات یوسف عَلَیْهِ السَّلَامُ فرا رسید شیعیان و خاندان خود را جمع کرد و به آنها گفت: سختی شدیدی به آنها خواهد رسید که در آن مردانشان را بکشند و شکم زنان باردانشان را پاره کنند و کودکانشان را سر ببرند تا آنگاه که خداوند حق را در قائم که از فرزندان لای بن یعقوب است ظاهر سازد و او مردی گندمگون و بلند قامت است و صفات او را بر شمرد، پس ایشان به آن وصیت متمسک شدند و غیبت و شدت بر بنی اسرائیل واقع شد و آنها مدت چهار صد سال، منتظر قیام قائمشان بودند تا آنکه ولادت او را بشارت دادند و علامات ظهورش را مشاهده کردند و سختی آنها شدت یافت و دشمنان با سنگ و چوب به ایشان حمله کردند و فقیهی که به احادیث او آرامش می یافتند تحت تعقیب قرار گرفت و او نیز مخفی شد و با او نامه نگاری کردند و گفتند: ما در گرفتاری ها به کلام تو آرامش می یافتیم؛ پس آن فقیه، ایشان را به بیابان ها برد و نشست و با آنها حدیث قائمشان و صفات او و نزدیکی ظهور او را می گفت و آن شب شبی مهتابی بود

و در این میانه، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در آمد در حالی که نوجوانی بیش نبود. چون آن فقیه او را بدید، از صفاتش او را شناخت، برخاست و بر قدوم او افتاد و بر آن بوسه داد و گفت: سپاس خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا آنکه تو را به من نشان داد و چون پیروانش چنین دیدند دانستند که او صاحب ایشان است و به شکرانه ی خدای تعالی بر زمین افتادند و موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ جز این نگفت " که امیدوارم خداوند در فرج شما تعجیل کند" و بعد از آن غایب شد و به شهر مدین رفت و آن سالیان را نزد شعیب، مقام کرد و این غیبت دوم از غیبت اولی بر آنها سخت تر بود و آن پنجاه و چند سال مقدر گشت، و گرفتاری آنها شدت گرفت و آن فقیه نیز خود را مخفی ساخت و کسی را به نزد او فرستادند و گفتند ما بر استتار تو شکیبایی نداریم، پس به بیابانی بیرون شد و آنها را خواست و آنها را خوشدل ساخت و به آنها اعلام کرد که خدای تعالی به او الهام کرده است که پس از چهل سال، فرج ایشان را خواهد رسانید همگی گفتند: "الحمد لله" پس خدای تعالی وحی فرمود: که به ایشان بگو به خاطر الحمد لله که بر زبان جاری کردید آن را به سی سال تقلیل دادم، گفتند: "کلّ نعمه فمن الله"؛ هر نعمتی از جانب خداوند است. وحی آمد که به آنها بگو آن را بیست سال کاهش دادم. گفتند: "لا یأتی بالخیر إلا الله"؛ این خداست که خیر را جاری می کند. وحی آمد که به آنها بگو آن را به ده سال کاستم. گفتند: "لا یصرف السوء إلا الله"؛ این خداوند است که بدی را دور می سازد. پس خداوند به آن فقیه وحی کرد که به ایشان بگو: "از جای خود حرکت نکنید که اذن فرج شما را دادم" در این میان، موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در حالی که سوار بر حماری بود ظاهر شد و آن فقیه خواست او را به شیعیان معرفی کرده و موجبات استبصار آنها را فراهم سازد، موسی آمد و فقیه پرسید: فرزند که هستی؟ گفت: فرزند عمران، گفت: او فرزند کیست؟ گفت: فرزند قاهت فرزند لاوی فرزند یعقوب، گفت: چه آورده ای؟ گفت: رسالت از جانب خدای تعالی. آن فقیه برخاست و به دست موسی بوسه داد؛ سپس در میان ایشان نشست و به آنها بشارت داد و دستورات موسی را به ایشان ابلاغ کرد

و سپس ایشان را متفرّق ساخت و از این زمان تا فرج ایشان که به غرق فرعون حاصل شد، چهل سال فاصله بود.» (1)

خوب بنگرید که چگونه سخنان منتظران منجی بنی اسرائیل، در ظهور او مؤثر بوده و تسلیم بودنشان برای پروردگار، موجب تعجیل در فرج منجی و فرج خودشان شده است. بی شک اگر ما هم با وظایف خویش آشنا باشیم و در انجام آنها جدّیت نماییم، در تعجیل فرج، مؤثر خواهیم بود. ان شاء الله

ما در این کتاب علاوه بر آشنایی با وظایف منتظران، با امور دیگری چون وقایع و اتفاقات پس از ظهور نیز آشنا خواهیم شد.

امیدوارم که این نوشتار، و لو ثانیه ای فرج مولا و اربابمان را نزدیک کرده و مورد قبول حضرت صدیقه شهیده سلام الله علیها واقع شود.
آمین رب العالمین

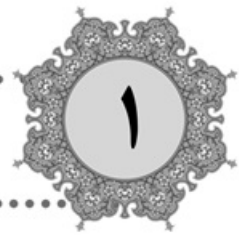
شیخ احمد رضا مرتضوی

ص: 14

1- . کمال الدین 1/145



مردم آخر الزمان



با وجود آنکه لغت و یا اصطلاح آخر الزمان در قرآن کریم نیامده است؛ ولی آیاتی درباره ی آینده ی جوامع انسانی در قرآن، دیده می شود که بر حکومت توحید و عدل در فردای زندگی انسان و خلافت و وراثت صالحان بر زمین و پیروزی حق بر باطل دلالت می کند.

این دوره که در روایات پیامبر و ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ با نام آخر الزمان یاد شده در دو معنا به کار رفته است؛ یک؛ مدت زمان بین آغاز نبوت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا وقوع قیامت و دیگری دوران غیبت امام دوازدهم عَلَیْهِ السَّلَامُ، لذا بنابر برخی روایات، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پیامبر آخر الزمان معرفی شده اند و همچنین در بسیاری از احادیث، اصطلاح آخر الزمان به زمانی اطلاق شده که در آن، منجی عالم حضرت مهدی موعود عَلَیْهِ السَّلَامُ ظهور می کنند.

در اخبار و احادیث، ویژگی هایی برای آخر الزمان بیان شده است؛ از جمله آزمون های سخت و فتنه های آخر الزمان، ظهور منجی و جدال بین حق و باطل، و همچنین غلبه حق بر باطل و آغاز عصر طلایی جهان.

از آن رو که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: «مهدی در آخر الزمان قیام خواهد کرد.»⁽¹⁾ آشنایی با فضای حاکم بر آن دوران ضروری می نماید. به همین دلیل برخی از اخبار پیرامون آخر الزمان را در این فصل ذکر می کنیم.

ص: 16

1- . عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْمَهْدِيُّ يُخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. غيبت طوسی / 178

1. عده ای از ایشان اهل دقت و تعمق اند و از ایمان عظیمی برخوردار هستند

راوی گوید: از امام چهارم عَلِيهِ السَّلَامُ راجع به توحید پرسش شد، فرمودند:

«خدای عزوجل می دانست که در آخر الزمان مردمی محقق و موشکاف به وجود می آیند از این رو سوره ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و آیات اول سوره حدید را تا «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» نازل فرمود؛ پس هر که برای خداشناسی غیر از این، جوید، هلاک شده است.» (1)

و همچنین رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ درباره ی ایشان به امیر مؤمنان حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«ای علی! بهترین مردم از نظر ایمان و بزرگ ترین ایشان از حیث یقین، کسانی هستند که در آخر الزمان خواهند آمد، آنهایی که پیامبران را ندیده اند و امامشان نیز غایب است؛ پس به سیاهی ای بر سفیدی ایمان آورده اند.» (2)

درباره ی جمله "ایمان به سیاهی بر سفیدی" دو معنا به ذهن می رسد؛ اول اینکه شاید منظور، ایمان به آیات مکتوب قرآن و روایاتی باشد که بر کاغذهای سفید با مرکب های سیاه، مکتوب شده است و مردم آخر الزمان با وجود آنکه پیامبر و حجج الهی علیهم صلوات الله را ندیده اند؛ ولی با خواندن کلمات ایشان به آنها ایمان آورده و تصدیقشان می کنند. اما معنای دومی که به ذهن می رسد این است که شاید مقصود رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ از بیان این تعبیر، نشان دادن دشواری ها و ابهامات فروان در دوران آخر الزمان باشد، به این معنا که مردم زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و عصر ظهور معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، در مقایسه با مردم آخر الزمان، چنان از فروغ و روشنایی برخوردار بوده اند که وضعیت مردم

ص: 17

1- . عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى قَوْلِهِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ فَمَنْ رَامَ وَرَاءَ ذَلِكَ فَقَدْ هَلَكَ. كافي

91 / 1

2- . عَنْ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَذْكُرُ فِيهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَالَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَمِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَبَابَتَهُمْ الْحَبَّةُ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ. من لا يحضره الفقيه 4/366 و كمال الدين 1 / 288 و بحار الأنوار 52/125

آخرالزمان را تشبیه به حالت تاریک و روشنی کرده اند که از شبهات و اختلافات آکنده است. به همین دلیل، وضعیت آن دوران را به ترکیبی از سیاهی و سفیدی تشبیه کرده اند و ارزش ایمان در آن زمان را نسبت به سائر ازمنه ستوده اند.

در روایات، این دسته از مردم را به عنوان برادران پیامبر صَدِّمِیَ اَللَّهِ عَلَیْهِ وَ اَلِهِ وَ سَلَمِ نام برده اند. به عنوان مثال حضرت باقرالعلوم عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«روزی پیامبر اکرم صَدِّمِیَ اَللَّهِ عَلَیْهِ وَ اَلِهِ وَ سَلَمِ در جمعی از اصحاب خویش، دوبار فرمودند: خداوندا! برادران مرا به من بنمایان. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمودند: نه! شما اصحاب من می باشید، برادران من، مردمی در آخر الزمان هستند که به من ایمان می آورند، با اینکه مرا ندیده اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، به من شناسانده است. ثابت ماندن آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار با دست، در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که پاره ای از ذغال را در دست نگاهدارد. آنها چراغ های شب تار می باشند، و پروردگار آنان را از هر فتنه ی تیره و تاری نجات می دهد.»(1)

این دسته از مردم به خاطر ایمان قوی و استقامتی که بر دین صحیح از خود نشان می دهند و نسبت به دستورات و فرامین اولیای امر الهی، تسلیم و فرمانبردار هستند، در تمام حسناتی که مردم صدر اسلام در زمان آشکار بودن حجج الهی انجام داده اند شریک خواهند بود.

حکم بن عیینه روایت نموده که گفت: وقتی در جنگ نهروان، حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ، خوارج را به قتل رسانیدند، مردی به خدمت ایشان رسید و عرض کرد: خوشا به حال ما که در رکاب شما در چنین میدانی حاضر بودیم و در کنار شما، خوارج را کشتیم! حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ به او فرمودند:

ص: 18

1- . عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهِ وَ سَلَمِ ذَاتَ يَوْمٍ وَ عِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ اَصْحَابِهِ اَللَّهُمَّ لَقِنِي اِخْوَانِي مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ اَصْحَابِهِ اَمَا نَحْنُ اِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَا اِنَّكُمْ اَصْحَابِي وَ اِخْوَانِي قَوْمٌ فِي اٰخِرِ الزَّمَانِ اٰمَنُوا وَ لَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَفْتِيهِمُ اللَّهُ بِاسْمِ مَا نِيهِمْ وَ اَسْمَاءِ اٰبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ اَصْدِلَابِ اٰبَائِهِمْ وَ اَرْحَامِ اُمَّهَاتِهِمْ لِاَحَدِهِمْ اَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَيَّ دِينِهِ مِنْ خَرْطِ اَلْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ اَوْ كَالْقَابِضِ عَلَيَّ جَمْرِ اَلْغَضَا اُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّبُهُمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ. بحار الأنوار 52/ 123

«قسم به خداوندی که دانه را شکافت و آدمی را بیافرید، مردمی در اینجا با ما آمده اند که هنوز خداوند، پدران و نیاکان آنها را خلق نکرده است! آن مرد، عرض کرد: مردمی که هنوز خلق نشده اند چگونه می توانند با ما آمده باشند؟! امام عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: آری! آنها مردمی هستند که در آخر الزمان می باشند و در این هدف که ما داریم آنها نیز شریک هستند و تسلیم ما می باشند؛ پس آنها در آن راه که ما گام برمی داریم شرکای حقیقی و واقعی ما می باشند.» (1)

البته پس از این درباره ی ثواب عبادت در دوران غیبت و همچنین فضیلت انتظار فرج به تفصیل سخن خواهیم گفت. اما به هر حال اینان عده ی قلیلی هستند که بر دین حق در آخر الزمان، استوار می مانند در حالی که گروه بسیاری از مردم، با کردارها و صفات ناپسند، خو گرفته اند.

2. اکثر مردم آخر الزمان، آلوده به گناهان و زشتی ها هستند

جابر از امام پنجم حضرت باقر العلوم عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«در آخر الزمان مردمی خواهند بود که از گروه خاصی پیروی می کنند که ریاکارند، و تظاهر می کنند که قاری قرآن و اهل عبادت اند. آنان تازه کار و ساده لوح اند، نه امر به معروفی را بر خود واجب می دانند نه نهی از منکری را، مگر زمانی که از ضرر و زیان محفوظ باشند» (2).

پیوسته در این راه برای خود عذر و بهانه می تراشند. اینان از اشتباهات و لغزش های عالمان پیروی می کنند و در انتظار مردم به نماز و روزه، و اعمالی که برای مال و جانشان خطری ندارد، روی می آورند. اگر زمانی شرایطی پیش آید که نماز خواندن هم سبب بروز مشکلی برای مال ها و بدن هایشان شود، نماز را نیز

ص: 19

1- . عن الْحَكَمِ بْنِ عُمَيْرَةَ قَالَ لَمَّا قَتَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْخَوَارِجَ يَوْمَ النَّهْرَوَانَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ طُوبَى لَنَا إِذْ شَهِدْنَا مَعَكَ هَذَا الْمَوْقِفَ وَقَتَلْنَا مَعَكَ هَؤُلَاءِ الْخَوَارِجَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي هَذَا الْمَوْقِفِ أَنَّا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ آبَاءَهُمْ وَلَا أجدَادَهُمْ بَعْدُ فَقَالَ الرَّجُلُ وَكَيْفَ يَشْهَدُنَا قَوْمٌ لَمْ يُخْلَقُوا قَالَ بَلَى قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَشْرِكُونَنَا فِيْمَا نَحْنُ فِيهِ وَ يُسَلِّمُونَ لَنَا فَأُولَئِكَ شُرَكَائُنَا فِيْمَا كُنَّا فِيهِ حَقًّا حَقًّا. بحار الأنوار 52/131

2- . بر اساس روایات فروان و فتاوای فقهاء بر مبنای آن روایات، فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر لسانی و عملی به شرطی واجب و یا مجاز است که جان و مال مسلمانی در خطر نباشد. لذا شاید منظور از این فرمایش امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ ترك امر به معروف و نهی از منکر قلبی باشد و یا منظور ضررهای اندك است؛ یعنی افراد، به خاطر دفع بعضی از ضررهای مادی، حاضر نیستند به این فریضه عمل کنند؛ مثلا کاسبی که برای از دست ندادن مشتری حاضر نیست او را نهی از منکر کند. والله العالم

ترک می کنند؛ همان گونه که کامل ترین و والاترین فرایض را ترک کردند. همانا امر به معروف و نهی از منکر فریضه عظیمی است که اقامه دیگر فرایض به آن وابسته است. زمانی که مردم این گونه شدند و دنباله رو چنین افرادی گشتند، غضب خدا بر آنان کامل می شود و خداوند همه ی مردم را عقوبت می کند؛ بدین ترتیب نیکوکاران، همراه با فاسقان و کودکان نیز همراه با بزرگ ترها هلاک خواهند شد...» (1)

3. در آن دوران، برادر و دوست قابل اعتماد و مال حلال، بسیار کمیاب شوند

پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«کمترین چیزی که در آخرالزمان موجود است برادر قابل اعتماد و یا درهمی از مال حلال است.» (2)

و در روایت دیگر، محمد بن هارون می گوید که به امام هادی عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض کردم: از پدرانتان به ما خبر رسیده است که زمانی بر مردم خواهد رسید که هیچ چیز، از برادرِ همدم و به دست آوردن یک درهم مال حلال، کمیاب تر نیست. حضرت در پاسخ فرمودند:

«ای محمد! هر چیز کمیابی بالآخره به دست می آید؛ و لکن در دورانی به سر می بری که هیچ چیز از به دست آوردن درهم حلال و برادر خداجو دشوارتر نیست.» (3)

ص: 20

1- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَقَرَّوْنَ وَ يَتَنَسَّكُونَ حُدُثَاءَ سَفَهَاءٍ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لِأَنفُسِهِمْ الرُّخْصَ وَ الْمَعَاذِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادِ عَمَلِهِمْ يَقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ مَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَّتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفَضُوهَا كَمَا رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَايِضِ وَ أَشَدَّ رَفْهًا إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تَقَامُ الْفَرَايِضُ هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَ الصَّعَاظُ فِي دَارِ الْكِبَارِ...» كافي 5/ 55 و تهذيب 6/180

2- . قَالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: أَقَلُّ مَا يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَخٌ يُوْتِقُ بِهِ أَوْ دِرْهَمٌ مِنْ حَلَالٍ. تحف العقول / 54

3- . مِنْ كِتَابِ مَسَائِلِ الرَّجَالِ لِمَوْلَانَا أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الْجَلَّابُ قُلْتُ لَهُ رُوِيَتْ عَنْ أَبِيكَ أَنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَكُونُ شَيْءٌ أَعَزَّ مِنْ أَخٍ أَيْسٍ أَوْ كَسْبٍ دِرْهَمٍ مِنْ حَلَالٍ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ الْعَزِيزَ مَوْجُودٌ وَ لَكِنَّكَ فِي زَمَانٍ لَيْسَ شَيْءٌ أَعْسَرَ مِنْ دِرْهَمٍ حَلَالٍ وَ أَخٍ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان / 58 و بحار الانوار

100/10

وقتی امام هادی علیه السلام یافتن برادر حقیقی و کسب مال حلال را در زمان خودشان بسیار دشوار می دانند؛ پس حال ما دلمردگان عصر غیبت چگونه است؟

4. چاره ای جز عزلت از جامعه ی آلوده نیست

چنین جامعه ی آلوده ای که انسان در آن، از یافتن برادر واقعی و به دست آوردن مال حلال، محروم است سزاوار حضور مؤمنینی نیست که به دنبال حفظ و حراست از عقاید و مقدساتشان هستند. به همین دلیل در فرمایشات آل الله علیه السلام امر به کناره گیری از ایشان شده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که عافیت در آن ده قسمت داشته باشد که نه قسمتش در دوری و عزلت از مردم و یک قسمتش در سکوت باشد.» (1)

و امام پنجم علیه السلام فرمودند که امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره می فرمودند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که خوشحال ترین ایشان آن کسی است که در خانه اش نشسته است.» (2)

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

بهترین مردم در آخرالزمان "ثومة" است. (3)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی معنای این لغت فرموده اند:

«کسی است که مردم را خوب می شناسد؛ ولی ایشان او را نمی شناسند و یا از راز دلش خبر ندارند.» (4)

از اینجا معلوم می شود که منظور از اعتزال، پرهیز از شهرت طلبی است نه عدم آشنایی با ضروریات اجتماع و جامعه ای که در آن زندگی می کند.

ص: 21

1- . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِزَالِ النَّاسِ وَوَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ. خصال 437/2 و بحار الأنوار 339/75 و ثواب الأعمال 178 و تحف العقول 446

2- . عَنْ أَبِي حَنْزَلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ أَحْسَنُ نُهُمُ حَالًا مَنْ كَانَ جَالِسًا فِي بَيْتِهِ. الغيبة للنعماني 200 / والتحصيلين 18 / مستدرک الوسائل 388 / 11

3- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: خَيْرُ النَّاسِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ الرَّجُلُ التُّومَةُ الْمَجَازَاتِ النَّبَوِيَّةِ / 276

4- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ غَيْبَتْ نِعْمَانِي / 141

همنشینی با گروه زیادی از مردم در آن زمان، بسیار آزار دهنده و مصیبت بار خواهد بود و به همین خاطر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرموده اند:

«البته بر مردم زمانی آید که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آن است که خودش را ببینی، و ملاقات کردن با او برایت بهتر از آن است که او را بیازمائی، و اگر بیازمائی اش احوال (ناخوشایند) برایت ظاهر شود. دینشان پول آنها است، و همتشان شکمشان، و قبله آنها زنانشان، برای قرص نانی تعظیم کنند، و برای درهمی سجده نمایند، سرگردان و مست باشند، نه مسلمان اند و نه نصرانی.»(1)

ائمہ اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بهترین کاری که یک مؤمن در آخرالزمان می تواند انجام دهد را حفظ زبان و کناره گیره از جامعه ی فاسد، معرفی فرموده اند. به عنوان مثال جابر جعفری از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند و خوشا بر کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند، کمترین ثوابی که برای آنها خواهد بود این است که باری تعالی به آنها ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید، پس به ثواب نیکوی خود شما را مژده می دهم، و شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید، از شما می پذیرم و از شما در می گذرم و برای شما می بخشم و به واسطه ی شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آنها بگردانم، و اگر شما نبودید بر آنها عذاب می فرستادم جابر گوید گفتم: یا ابن رسول الله! برترین عملی که در آن زمان مؤمن انجام می دهد چیست؟ فرمودند: حفظ زبان و خانه نشینی.»(2)

ص: 22

1- . عَنْ أُمِّ هَانِئِ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ إِذَا سَمِعْتَ بِاسْمِ رَجُلٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَلْقَاهُ فَإِذَا لَقَيْتَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُجَرِّبَهُ وَ لَوْ جَرَّبْتَهُ أَظْهَرَ لَكَ أَحْوَالَ دِينِهِمْ دَرَاهِمُهُمْ وَ هِمَّتُهُمْ بَطُونُهُمْ وَ قِبَلَتُهُمْ نَسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَ يَسْجُدُونَ لِلدُّرْهَمِ حَيَارَى سَكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَ لَا نَصَارَى. أعلام الدين/291

2- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِئُ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَقُولُ عِبَادِي وَ إِمَانِي أَمَنْتُمْ بِسِرِّي وَ صَدَّقْتُمْ بِعَيْبِي فَأَبْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَانْتُمْ عِبَادِي وَ إِمَانِي حَقًّا مِنْكُمْ أُنْقَبَلُ وَ عَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفَرُ وَ بِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي الْعَيْثَ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمَلُهُ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ قَالَ حِفْظُ اللِّسَانِ وَ لُزُومُ الْبَيْتِ. كمال الدين 1

5. به شکل آدمی و قلب های شیطانی

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«زمانی برای مردم فرارسد که صورت هایشان به شکل آدمی؛ ولی قلب هایشان، قلب های شیطانی است. همچون گرگ های گرسنه خونریزند، و از کارهای منکری که انجام داده اند دست برنمی دارند. اگر از آنان پیروی کنی تو را متهم سازند و اگر با آنان سخن گویی تو را تکذیب کنند و اگر از آنان غائب شوی تو را غیبت کنند.

سنت، در میان آنان بدعت است و بدعت، سنت. صبور و حلیم، نزد ایشان، حيله گر و خائن است و خائن نزد ایشان حلیم و صبور. مؤمن در میان آنان مستضعف است، و بدکار، بلند مرتبه. کودکانشان شرورند و زنانشان خبیث و بدجنس و پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نمی کند. پناه بردن به آنان، خواری است و تکیه کردن به آنان، ذلت و زاری است. و طلب کردن از آنچه در دستانشان است فقر و ناداری است. به همین جهت، خداوند، بارش آسمان را در زمان مناسب بر ایشان حرام کرده و در زمان غیر مناسب باران می بارد و بدترینشان را بر ایشان مسلط گرداند تا عذابی سخت بر آنان وارد سازند، پسرانشان را می کشند و زنانشان را زنده نگه می دارند، پس خوبانشان دعا می کنند؛ اما مستجاب نمی شود.»(1)

و ایضا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«زمانی برای مردم فرارسد که شکم هایشان خدایانشان است و زنانشان، قبله آنان و دینارهایشان، دینشان و شرف و افتخارشان، کالاهای ایشان است. از ایمان فقط نامی و از اسلام تنها نشانی و از قرآن فقط درسی باقی می ماند. ساختمان مساجدشان آباد و قلب هایشان از هدایت خراب و ویران است. علمایشان بدترین مردمان روی زمین اند. در این هنگام، خداوند آنان را به چهار خصلت مبتلا می کند، جور

ص: 23

1- . قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْآدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ كَأَمْثَالِ الذُّبَابِ الضَّرَّارِ سَفَاكُونَ لِلدَّمَاءِ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ إِنْ تَابَعْتَهُمْ أَتَابُوكَ وَإِنْ كَذَّبْتَهُمْ كَذَّبُوكَ وَإِنْ تَوَارَيْتَ عَنْهُمْ اغْتَابُوكَ السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَ الْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ وَ الْحَلِيمُ بَيْنَهُمْ عَادِرٌ وَ الْعَادِرُ بَيْنَهُمْ حَلِيمٌ وَ الْمُؤْمِنُ فِيهِمْ مُسْتَضَعٌّ وَ الْفَاسِقُ فِيهِمْ مُشْرَفٌ صَبِيحَانُهُمْ عَارِمٌ وَ نِسَاءُهُمْ شَاطِرٌ وَ سَخِيحُهُمْ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا تَجَاءً إِلَيْهِمْ خَزِيٍّ وَ الْإِعْتِدَادُ بِهِمْ ذُلٌّ وَ طَلَبُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ فَقْرٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَحْرِمُهُمُ اللَّهُ قَطْرَ السَّمَاءِ فِي أَوَانِهِ وَ يَنْزِلُهُ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ يَسَّ لَطًّا عَلَيْهِمْ شِرَارُهُمْ فَيَسُومُونَهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يَذْبَحُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسَّ تَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ فَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ . بحار الانوار 22/453

سلطان، قحطی دوران، ظلم والیان و ستم قاضیان. پس صحابه تعجب کردند و گفتند: ای رسول خدا! آیا آنان بت ها را می پرستند فرمودند: آری! هر درهمی نزد آنان بتی است.»(1)

6. عرفان های دروغین رواج پیدا می کند

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به اباذر فرمودند:

«ای اباذر! مردمی در آخر الزمان خواهند بود که در زمستان و تابستان، لباس پشمی بپوشند(صوفیان) و به گمانشان با اینکار بر دیگران برتری دارند. ملائکه ی آسمان بر ایشان لعنت می فرستند.»(2)

7. عبادات ایشان هم ریائی خواهد بود

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نقل کنند که فرمودند:

«به زودی بر امت من زمانی فرا خواهد رسید که به خاطر طمع در دنیا، باطنشان پلید و ظاهرشان نیکو می گردد، عملشان ریائی بوده و هرگز نمی ترسند که خداوند متعال بلایی عمومی و فراگیر نازل کند، که در آن حال، مردم همانند انسان غریق، او را بخوانند؛ ولی اجابتشان نکند.»(3)

و همچنین فرموده اند:

«در آخرالزمان، عبادت کنندگان نادان و قاریان فاسقی پدید خواهد آمد»(4)

ص: 24

1- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَأْتِي عَلَي النَّاسِ زَمَانٌ يُطُونُهُمْ آلِهَتُهُمْ وَ نِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ وَ دَنَائِرُهُمْ دِينُهُمْ وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرْسُهُ مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ أَشَدُّ خَلْقِ اللَّهِ عَلَي وَجْهِ الْأَرْضِ حِينَئِذٍ ابْتَلَاهُمْ اللَّهُ بِأَزْبَعِ خِصَالٍ جَوْرٍ مِنَ السُّلْطَانِ وَ قَحْطٍ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُلْمٍ مِنَ الْوَلَاةِ وَ الْحُكَامِ. فَتَعَجَّبَ الصَّحَابَةُ وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْعْبُدُونَ الْأَصْدَنَامَ قَالَ نَعَمْ كُلُّ دِرْهَمٍ عِنْدَهُمْ صَدَنَمٌ. بحار الانوار 22 / 453 و جامع الأخبار شعیری 129 / و مستدرک الوسائل 11 / 376

2- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَا أَبَادِرُّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَدْيَفِهِمْ وَ شَيْءَ تَابِئِهِمْ، يَرُونَ أَنَّ لَهُمُ الْفَضْلَ بِذَلِكَ عَلَي غَيْرِهِمْ، أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمْ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ. أمالی طوسی / 539 و مکارم الاخلاق / 471

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: سَيَأْتِي عَلَي النَّاسِ زَمَانٌ تَخْبَثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَ تَحْسُنُ فِيهِ عِلَا نِيَّتُهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا لَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفُ يَعْمُهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ فَيَدْعُوهُ دَعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ. کافی 2/296 و ثواب الاعمال / 253

4- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عِبَادٌ جَهَّالٌ وَ قُرَاءٌ فَسَقَةٌ. روضة الواعظین 2 / 484

8. مردم آخر الزمان گناهانشان را به گردن خدا می اندازند

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«در آخر الزمان گروهی خواهند آمد که معصیت خدا کرده و می گویند: "خدا خودش برای ما چنین مقدر کرده است". کسی که ایشان را رد کند مانند آن است که در راه خدا شمشیر کشیده باشد.» (1)

9. گروهی از علمای آخر الزمان هم فاسد شوند

در اخبار نورانی اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ با وجود آنکه در زمان غیبت، مردم را به تبعیت از علمای ربانی فراخوانده اند؛ لکن از عده ای از علمای آخر الزمان با تعابیر تنیدی یاد کرده، مردم را به عدم پیروی از ایشان فرمان داده اند.

امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ به ابوهاشم جعفری فرموده اند:

«زمانی بر مردم بیاید که چهره های آنان خندان و شاد باشد؛ ولی دل هایشان تیره و تاریک. سنت پیامبر و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نزد آنان بدعت، و بدعت در بین آنان سنت باشد. مؤمن بین آن ها حقیر بوده، و فاسق گناهکار، محترم و با وقار باشد. حاکمان آنها نادان و ستمگرند و علمای آنها به در کاخ ها و خانه های ستمگران رفت و آمد دارند (درباری اند)، ثروتمندان، توشه ی فقرا را می دزدند، و کوچک ترها از بزرگ ترها پیش می افتند، و هر نادانی نزد آنها اهل خُبره به حساب می آید و هر آگاهی، فقیر شمرده می شود. بین با اخلاص و شگاک، فرق نمی گذارند و میش را از گرگ ها تشخیص نمی دهند، علمای آنها بدترین مردم روی زمین می باشند؛ زیرا آنان میل به فلسفه و صوفی گری دارند. به خدا سوگند! آنها منحرف اند. در دوستی مخالفین ما اهل بیت، زیاده روی می کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می کنند. اگر به مقامی رسیدند، از خوردن رشوه سیر نمی شوند، و اگر خوار شدند (و به جایی نرسیدند) خدا را ریاکارانه عبادت می کنند. بیدار باشید! اینها راهزنان مؤمنان هستند و دعوت کننده به فرقه گمراهان (هم چون صوفیه). هر کسی آنها را درک کرد، از آنها دوری نماید

و

ص: 25

1- . عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قال: يكون في آخر الزمان قوم يعملون بالمعاصي ثم يقولون الله قدرها علينا الراد عليهم يومئذ كالشاهر سيفه في سبيل الله. متشابه القرآن و مختلفه 1 / 202

دین و ایمان خود را (از خطر آنان) حفظ کند. سپس فرمودند: ای اباهاشم! این حدیثی است که پدرم از پدرانش از جعفر بن محمد علیهم السلام نقل کرده است، و این از اسرار ما می باشد؛ پس آن را جز بر اهلش آشکار نکن» (1)

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ هم فرموده اند:

«در آخرالزمان علمایی خواهند آمد که با وجود آنکه دیگران را به زهد در دنیا فرا می خوانند، خود زهد نمی ورزند و با آنکه مردم را به آخرت ترغیب می کنند، خود به آن رغبتی ندارند، و دیگران را از ورود به دربار فرمانروایان نهی می کنند؛ اما خود، با ایشان رفت و آمد می کنند، از تنگدستان دوری می کنند و به ثروتمندان نزدیک می شوند، آنان ستمگران و دشمنان خدایند» (2)

پیامبر مهر و رحمت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در کلامی بس طویل درباره ی اوضاع مردم آخرالزمان به ابن مسعود مطالبی را فرموده اند که ما بخشی از آن را در اینجا نقل می کنیم. آن بزرگوار فرموده اند:

«علماء و فقهاء آن زمان، خائن و فاجرند. (3) آنها بدترین خلق خدایند، و همچنین پیروان ایشان و کسانی که به نزد ایشان می روند، و از ایشان (فتوی) می گیرند و به آنها محبت می ورزند و با آنها مجالست و مشورت می نمایند. آن عالمان که بدترین خلق خدایند ایشان را به دوزخ می کشانند. کر و کور و لال اند و باز نخواهند گشت و در قیامت، کر و کور و لال محشور می گردند، و جایشان در دوزخ است که هرگاه شعله ای از آن فرو نشیند خدا بر شعله هایش می افزاید، و هرگاه پوست هایشان

ص: 26

1- . عَنِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ يَا أَبَا هَاشِمٍ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى النَّاسِ وَجُوهُهُمْ صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ مُظْلِمَةٌ مُتَكَدِّرَةٌ السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَ الْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَهُمْ مُحَقَّرَةٌ وَ الْفَاسِقُ بَيْنَهُمْ مُوقَّرٌ أَمْرًاؤُهُمْ جَاهِلُونَ جَائِرُونَ وَ عُلَمَاءُؤُهُمْ فِي أَبْوَابِ الظُّلْمَةِ سَائِرُونَ أَعْيَانًاؤُهُمْ يَسْرِقُونَ زَادَ الْفُقَرَاءُ وَ أَصَاغِرُهُمْ يَتَقَدَّمُونَ عَلَى الْكِبَرَاءِ وَ كُلُّ جَاهِلٍ عِنْدَهُمْ خَبِيرٌ وَ كُلُّ مُجِيلٍ عِنْدَهُمْ فَقِيرٌ لَا يُمَيِّزُونَ بَيْنَ الْمُخْلِصِ وَ الْمُرْتَابِ لَا يَعْرِفُونَ الضَّانَ مِنَ الذَّنَابِ عُلَمَاءُؤُهُمْ شَرَارُ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لِأَنَّهُمْ يَمِيلُونَ إِلَى الْفُلْسَافَةِ وَ التَّصَوُّفِ وَ أَيْمَ اللَّهِ إِنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ الْعُدُولِ وَ التَّحَرُّفِ يِبَالِغُونَ فِي حُبِّ مُخَالَفِينَا وَ يُضِلُّونَ شِيعَتَنَا وَ مَوَالِينَا إِنْ نَالُوا مَنْصَبًا لَمْ يَشْبَعُوا عَنِ الرِّشَاءِ وَ إِنْ خُذِلُوا عَبَدُوا اللَّهَ عَلَى الرِّبَاءِ أَلَا إِنَّهُمْ قَطَاعُ طَرِيقِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الدُّعَاءُ إِلَى نَحْلَةِ الْمُلْحِدِينَ فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ فَلْيَحْذَرُهُمْ وَ لِيُصْنُ دِينَهُ وَ إِيْمَانَهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا هَاشِمٍ هَذَا مَا حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ مِنْ أَسْرَارِنَا فَآكُتْمُهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ. إثبات الهداة 4/204 و مستدرک الوسائل 11/380

2- . عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: سَيَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عُلَمَاءٌ يَزْهَدُونَ فِي الدُّنْيَا وَ لَا يَزْهَدُونَ وَ يَرْغَبُونَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَا يَرْغَبُونَ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الدُّخُولِ عَلَى الْوَلَاةِ وَ لَا يَنْتَهُونَ وَ يُبَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ وَ يَقْرُبُونَ الْأَعْيَانَ أَوْلِيكَ هُمْ الْجَبَّارُونَ أَعْدَاءُ اللَّهِ مَجْمُوعَهُ وَ رَامَ 1 / 301

3- . شاید مراد کسانی هستند که در کسوت فقیه و عالم دین حاشیه نشین مجلس قدرتمندان و دنیاپرستانند؛ ولی در واقع فقه و تقوایی ندارند.

بریان شود، پوست هایی دیگر به جایش روئیده شود تا عذاب را بچشند و چون به دوزخ در افتند صدای شعله های آتش را بشنوند که برهم می غلطد و هرگاه خواهند که از دوزخ به در آیند بدان در افکنده شوند و به آنها گفته می شود که عذاب آتش را بچشید و در آنجا برای ایشان شعله ها و بازدمها است که آنها نمی شنوند.

ای پسر مسعود! آن عالم نمایان، ادعا می کنند که بر دین و روش و احکام من هستند و حال آنکه از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم.

ای پسر مسعود: در ملاء و آشکار با ایشان منشین، و در بازارها با آنها معامله مکن، و راه را نشانشان مده، و آب به آنها میاشام، که خداوند می فرماید: "هرکه زندگی و زیور دنیا بخواهد اعمالش را در دنیا پاداش می دهیم و در آنجا ضرری نمی برند." و می فرماید: "هر که دانه ی دنیا می خواهد می دهیمش و در آخرت نصیبی نخواهد داشت."

ای پسر مسعود! جمعی از امت من بیایند (یعنی عالمان سوء) که عداوت و دشمنی و جدال در میان ایشان برخیزد و در دنیا گمراه کننده این امت می باشند. قسم به خدایی که مرا به حق پیغمبری داد! خداوند آنها را به زمین فرو برد و بوزینه و خنزیرشان گرداند.

ابن مسعود گوید: پس پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به گریه افتادند و ما هم از گریه ی ایشان به گریه افتاده، پرسیدیم یا رسول الله! چرا می گریید؟ فرمودند: دلم بر این بیچارگان و اشقیاء می سوزد که خداوند می فرماید: "آن هنگام که ناله و فریادشان را بشنوی و فرار نتوانند کرد؛ بلکه دستگیر شوند." و مراد از این آیه علما و فقها می باشند.

ای پسر مسعود! هر که علم را برای دنیا آموزد، و مهر دنیا و زیورهای آن را بر علم برتری دهد و برگزیند، مستوجبِ خشم خداوند است و با یهود و نصاری که کتاب خدا را پشت سر نهادند، در پائین ترین قسمت های دوزخ بماند که خداوند می فرماید: "چون آنچه را که می شناختند و خبر داشتند بر ایشان آمد بدان کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر مردم کافر."

ای پسر مسعود! هر که قرآن را برای دنیا و زیورهای آن آموزد خداوند بهشت را بر او حرام گرداند.

ای پسر مسعود! هر که پیاموزد و عمل نکند، خداوندش در قیامت، کور محشور سازد، و هر که دانش را برای ریاء و به دست آوردن دنیا فرا گیرد، خداوند برکت آن

را از وی بگیرد و روزی را بر او تنگ سازد، و او را به خود واگذارد، و هر کسی را که خدا به خودش واگذارد هلاک گردد؛ که خداوند می فرماید: " هر که لقاء و دیدار خدا را خواهد باید عمل صالح کند و کسی را در عبادت خداوند شریک نگیرد." (1)

10. زمان آخر الزمان

اصبغ بن نباته گوید: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«در آخر الزمان زانی ظاهر شوند: بی حجابان و برهنگان، خود آراستگان برای غیر شوهران، رها کردگان آئین، داخل شدگان در آشوب ها. به شهوات و مسائل جنسی تمایل داشته، و به سوی لذات و خوشگذرانی ها شتابان اند. محرّمات الهی را حلال شمرده و وارد دوزخ شوند.» (2)

ص: 28

1- قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ يَا تَبِيَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ فِيهِ عَلَى دِينِهِ مِثْلُ الْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ بِكَفِّهِ فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنْبًا وَإِلَّا أَكَلَتْهُ الذَّنَابُ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ عَلِمَاؤُهُمْ وَفَقَهَاؤُهُمْ وَخَوْنَةُ فِجْرَةٍ إِلَّا إِيَّاهُمْ أَشْرَارُ خَلَقَ اللهُ وَكَذَلِكَ أَتْبَاعُهُمْ وَمَنْ يَأْتِيهِمْ وَيَأْخُذُ مِنْهُمْ وَيُجِبُّهُمْ وَيُجَالِسُهُمْ وَيُشَاوِرُهُمْ أَشْرَارُ خَلَقَ اللهُ يَدْخُلُهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ صَمٌّ بِكُمْ عُمِّي فَهُمْ لَا يَرِجْعُونَ وَنَحْشُ رُحْمٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمِيًّا وَبُكْمًا وَصَمًّا مَاوَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِذَا الْقُوفَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَقُورُ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْعَيْظِ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ. يَا ابْنَ مَسْعُودٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ عَلَى دِينِي وَسُنَّتِي وَمِنْهَا جِي وَشَرَّ رَائِعِي إِيَّاهُمْ مِنِّي بُرَاءً وَأَنَا مِنْهُمْ بُرِيءٌ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ لَا تُجَالِسُوهُمْ فِي الْمَلَأِ وَلَا تَبَايَعُوهُمْ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا تَهْدُوهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ وَلَا تَسْمُوهُمْ الْمَاءَ قَالَ اللهُ تَعَالَى مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُخْسِرُونَ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصيبٍ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَا بَلَوَى أُمَّتِي مِنْهُمْ الْعَدَاوَةَ وَالبُغْضَاءَ وَالجِدَالَ أَوْلَيْكَ أَذْلَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي دُنْيَاهُمْ وَالَّذِي بَعْتَنِي بِالْحَقِّ لَيْخَسِفَنَّ اللهُ بِهِمْ وَيَمَسَّ خُصْمَهُمْ قَرْدَةً وَخَنَازِيرَ قَالَ فَبَكَى رَسُولُ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَكَينَا لِبُكَائِهِ وَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ رَحْمَةً لِلْأَشْقِيَاءِ يَقُولُ اللهُ تَعَالَى وَلَوْ تَرَى إِذْ فِرْعَوْنُ فَلا قُوَّةَ وَأَخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ يَعْنِي الْعُلَمَاءَ وَالفُقَهَاءَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا وَآثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللهِ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي الذَّرِكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ مَعَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى الَّذِينَ نَبَدُوا كِتَابَ اللهِ تَعَالَى قَالَ اللهُ تَعَالَى فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى الْكَافِرِينَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ لِلدُّنْيَا وَزِينَتِهَا حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ يَا ابْنَ مَسْعُودٍ مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ حَسَدَ ربه اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى وَمَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِئَاءً وَسَمْعَةً يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا نَزَعَ اللهُ بَرَكَتَهُ وَصَنَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَوَكَلَهُ اللهُ إِلَى نَفْسِهِ وَمَنْ وَكَلَهُ اللهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ قَالَ اللهُ تَعَالَى فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا. مكارم الأخلاق/ 450 و بحار الانوار 74/99

2- : الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَرْزَمَةِ نِسْوَةٌ كَاشَفَاتُ عَارِيَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَجِلَاتٍ لِلْمَحْرَمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ. مَنْ

لا يحضره الفقيه 390/3 روضة المتقين 8/107

رسول خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

«ای پسر مسعود! پس از من اقوامی خواهند آمد که غذاهای خوب و رنگارنگ می خورند و بر مرکب، سوار می شوند در حالی که خود را به آرایش ویژه زنان برای شوهر، می آریند و همچون زنان جلوه گری می کنند و همانند شاهان ستمکار زندگی می کنند. آنان منافقان این امت در آخرالزمان اند که شراب می نوشند و در پی بازی با دوشیزه گان اند و بر مرکب شهوت سوار می شوند و نمازهای جماعت را ترک می گویند و با سهل انگاری از نماز شامگاهان، باز می مانند و در خوردن، زیاده روی می کنند.»(1)

در حدیث است که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر گروهی گذر کردند که مشغول بازی با شطرنج بودند؛ پس فرمودند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که شطرنج بازی کنند و جز جبار و گردنکش با شطرنج، بازی نکند و گردنکشان از آتش اند.»(2)

12. از خدا راضی نیستند

جابر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«روزگاری می آید که مردم از پروردگار خود شکایت می کنند. عرض کردم: چگونه از پروردگارشان شکایت می کنند؟ فرمودند: به این صورت که شخص می گوید: به خدا سوگند که مدتهاست کمترین سودی نبرده ام و فقط از سرمایه ام می خورم. وای بر تو! آیا جز این است که سر و ته مال تو، از پروردگار توست؟!»(3)

ص: 29

1- . عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي وَصِيَّةٍ طَوِيلَةٍ قَالَ: سَيَأْتِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَآلْوَانَهَا وَيَرْكَبُونَ الدَّوَابَّ وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهِمَا وَيَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ وَزِينَتُهُنَّ مِثْلُ زِينَةِ الْمُلُوكِ الْجَبَّارَةِ هُمْ مُدَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ شَارِبُونَ بِالْفَهْوَاتِ لَا عِبُونَ بِالْكَعَابِ رَاكِبُونَ الشَّهَوَاتِ تَارِكُونَ الْجَمَاعَاتِ رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ مُفْرَطُونَ فِي الْغَدَوَاتِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا. وسائل الشيعة 15 / 343

2- . مَرَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُومُ يَلْعَبُونَ بِالشُّطْرَنْجِ فَقَالَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَلْعَبُونَ بِهَا وَلَا يَلْعَبُ بِهَا إِلَّا كُلُّ جَبَّارٍ وَالجَبَّارُ مِنَ النَّارِ يَعْنِي الشُّطْرَنْجَ.. نهج الحق و كشف الصدق / 568

3- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَشْكُونَ فِيهِ رَبَّهُمْ قُلْتُ وَ كَيْفَ يَشْكُونَ فِيهِ رَبَّهُمْ قَالَ يَقُولُ الرَّجُلُ وَاللَّهِ مَا رِيحْتُ شَيْئًا مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَلَا آكُلُ وَلَا أَشْرَبُ إِلَّا مِنْ رَأْسِ مَالِي وَيَحْكُ وَ هَلْ أَصَلُّ مَالِكَ وَ ذِزْوَتُهُ إِلَّا مِنْ رَبِّكَ. کافی 5/312

12. فرزندان در آخر الزمان

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند:

«وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان! عرض شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه! از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمی دهند، و اگر فرزندان، خود، در پی فراگیری بروند منعشان می کنند و تنها از این خوشنودند که آنها درآمد مالی داشته باشند هر چند ناچیز باشد. سپس فرمودند: من از این پدران بریء و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.» (1)

13. دین به کالایی بی ارزش مبدل شود

رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«زمانی بر مردم فرارسد که انسان، اهمیتی ندهد که دینش تلف شود مشروط به آنکه دنیایش سالم بماند.» (2)

14. مردم گرگ می شوند

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«زمانی رسد که مردم در آن دوران گرگ شوند؛ پس هرکسی که چنین نشود خوراک گرگ ها خواهد شد.» (3)

15. علم نایاب شود

ابان بن تغلب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

«زمانی بر مردم بیاید که در آن دچار "سبطه" شوند و علم جمع گردد همچنان که مار در سوراخ خویش، خود را گرد می کند و به هم می آورد (چنبر می زند)، و در این

ص: 30

1- . عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ. جامع الاحاديث 21/408

2- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ. تحف العقول 52

3- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ النَّاسُ فِيهِ ذَنَابًا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ ذَنْبًا أَكَلَتْهُ الذُّنَابُ. تحف العقول / 54

حال که آنان چنین به سر می برند ناگاه ستاره ای بر آنان می دمد، عرض کردم: "سبطه" چیست؟ فرمودند: فاصله ای زمانی است که امام حاضر نباشد. عرض کردم: پس در آن میان ما چه کنیم؟ فرمودند: بر همان چیزی که بودید باقی باشید، تا خداوند ستاره ی شما را برایتان برآورد». (1)

16. شاعر دینی کم اهمیت شود

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کنند که فرمودند:

«از برای مؤذن در فاصله ی اذان و اقامه، ثوابی است برابر ثواب شهیدی که در راه خدا در خون خود می غلظد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ای رسول خدا! (با این فرمایش شما) پس از این، مردم در اذان و اقامه گفتن بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت. فرمودند: چنین نخواهد شد! زمانی فرا می رسد که اذان و اقامه را به مستضعفان واگذارند، و خداوند متعال، گوشت بدن این مستضعفان را بر آتش جهنم حرام می کند.» (2)

17. گناهان بزرگ رواج یابند

حمران می گوید: در نزد امام صادق علیه السلام سخن از خلفای جور رفت، و اینکه نسبت به شیعه نظر بدی دارند. حضرت علیه السلام فرمودند:

«من با منصور دوانیقی حرکت می کردم، و او در کاروان پادشاهی خود سوار بر اسبی بود و جلوی او چند اسب سوار، و پشت سرش چند اسب سوار دیگر در حرکت بودند و من هم در کنار او بر الاغی نشسته بودم. او به من رو کرد و گفت: ای ابا عبد الله! کار شد، (یعنی ما بر امر خلافت مسلط شدیم) و شایسته است که تو هم به قدرتی که خداوند به ما داده و باب عزتی که بر ما گشاده است شاد باشی، و

ص: 31

1- . أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرُرُ الْعِلْمُ فِيهَا كَمَا تَأْرُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفِتْرَةُ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصَبُ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ. الغيبة للنعماني / 159 و کمال الدین 2/349

2- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لِلْمُؤَذِّنِ فِيمَا بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ الْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَجْتَلِدُونَ عَلَى الْأَذَانِ فَقَالَ كَلَّا إِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُطْرَحُونَ الْأَذَانَ عَلَى ضَعْفَائِهِمْ فَيَتَلَكَّ لُحُومَ حَرَمِهَا اللَّهُ عَلَى النَّارِ. من لا يحضره الفقيه 1 / 283 و ثواب الاعمال / 32

به مردم نگو که تو و خاندانت در امر خلافت از ما شایسته تر هستید، تا ما را نسبت به خودت و آنها عصبانی نکنی. امام عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: من گفتم کسی که برای تو از جانب من این گزارش را فرستاده دروغ گفته است. او به من گفت: آیا بدان چه گفته ای سوگند می خوری؟ من گفتم: همانا مردم، افسون گر و جادوگران اند؛ یعنی دوست دارند دل تو را از من چرکین کنند، تو به سخن آنان گوش مده؛ زیرا ما به تو نیازمندتریم از تو به ما. او به من گفت: آیا یادت می آید که یک روز از تو پرسیدم: آیا برای ما سلطنتی هست؟ و تو پاسخ دادی، آری! سلطنتی طولانی و پهناور، که پیوسته در کار خود مهلت خواهید داشت، و در دنیا پتان وسعت، تا اینکه خون ناحقی از ما را در ماه حرام و شهر حرام [مکه] بریزید.؟

من دانستم که حدیث را حفظ کرده است؛ پس گفتم: شاید خداوند عزوجل تو را کفایت کند؛ یعنی تو را حفظ کند از اینکه مرتکب چنین امری شوی؛ زیرا من شخص خاص تو را در نظر نداشتم، و آن حدیثی بوده است که من آن را روایت کردم، شاید فرد دیگری از خاندانت مرتکب چنین کاری شود. در این هنگام، منصور خاموش شد، و چون به خانه آمدم یکی از دوستان و شیعیان ما نزد من آمد و گفت: قربانت گردم! به خدا سوگند من تو را در موكب منصور دیدم که بر الاغی سوار بودی، و او بر اسبی سوار، و چنان با شما سخن می گفت که گویی شما زیر دست او هستید، و پیش خود گفتم: این حجّت خدا بر خلق، و صاحب الامر است که باید از او پیروی شود، و آن دیگری نابکار است و اولاد پیامبران را می کشد، و بر زمین، آن گونه که خدا دوست ندارد خون می ریزد، و امام در موكب اوست و سوار بر الاغی، و این چنین تردید به دلم راه یافت، تا آنکه بر خودم و دینم ترسیدم. امام فرمودند: من به او گفتم: اگر تو فرشتگانی را می دیدی که در جلو و عقب و سمت راست و چپ من بودند هر آینه او را خوار می شمردی، و آنچه را هم داشت کوچک می گرفتی. او گفت: اکنون دلم آرام گرفت.

او سپس گفت: اینان تا کی سلطنت خواهند کرد و چه هنگام از دست ایشان آسایشی به دست خواهد آمد؟ من گفتم: آیا نمی دانی که هر چیزی مدّتی دارد؟ او گفت: آری!.

من گفتم: آیا دانشت برای تو سودی خواهد داشت؟ بدان که این امر، هر گاه

موعدهش فرارسد، از یک چشم به هم زدن سریع تر خواهد بود؟ اگر تو وضع ایشان را نزد خداوند می دانستی بیشتر و سخت تر، آنها را دشمن می داشتی، و اگر تو یا همه ی مردم زمین بکوشید، تا آنان را در گناه بیشتری که در آن به سر می برند در آورید نتوانید. پس شیطان، تو را از جای به در نبرد و نلغزاند؛ زیرا عزّت از آن خدا و رسول و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند.

آیا نمی دانی که هر که منتظر امر ما باشد و بر آزار و ترس خود صبر کند، فردا با ما محشور شود؟ هرگاه دیدی که حق و اهل حق از میان رفتند و ناحق، همه جا را فرا گرفت، و قرآن، کهنه شمرده شد و در آن، تحریفاتی به وجود آوردند، و آن را برحسب رأی و نظرها، تفسیر و تأویل کردند. و دیدی که دین، وارونه گشته همچون ظرف آب، و اهل باطل بر حق، چیره گشته اند، و شرّ و بدی، آشکار است و از آن، بر حذر نمی دارند، و بدکاران را معذور می شمارند، و فسق، هویدا شده و مردان به مردان کفایت کنند و زنان به زنان. و دیدی مؤمن، دم می بندد و سخن او پذیرفته نمی آید، و فاسق، دروغ می گوید و دروغ و افترایش را باز پس نمی زنند. و دیدی که کوچک، بزرگ را خوار می شمارد، و پیوند خویشی، گسسته می گردد، و دیدی که با ستاینده ی فسق و فجور، ملاطفت شده، و سخن او رد نمی شود، و پسران، خود را به جای زنان قرار می دهند و زنان با زنان ازدواج می کنند، و تملّق و ستایش رو به فزونی نهاده، و مرد، ثروت خویش را در غیر طاعت خدا خرج می کند و از این کار جلوگیری نمی شود و دستش را نمی گیرند. و دیدی که اگر کسی کوشش عبادی مؤمن را ببیند از آن به خدا پناه ببرد، و همسایه، همسایه را بی هیچ مانعی بیازارد، و دیدی کافر، شاد است بدان چه (از مصائب) در مؤمن ببیند، و خوش است بدان چه از فساد در زمین می بیند، و دیدی که آنان که از خدا نمی هراسند و آشکارا می می نوشند و برای نوشیدن آن انجمن می کنند، و دیدی که آمر به معروف خوار است، و فاسق نسبت بدان چه خدا دوست ندارد، ستوده و توانمند است و دیدی قرآن دانان، خوار می شوند و هر که هم آنان را دوست می دارد خوار می گردد، و راه خیر، بسته شده و راه شرّ و بدی، باز است و مردم در آن راهپیمایی کنند، و خانه ی خدا بی زائر مانده و فرمان ترک آن را می دهند، و مرد می گوید آنچه را که خود عمل نمی کند، و دیدی که مردان خویش را برای استفاده مردان آماده می کنند و زنان خود

را برای زنان. و دیدی که مرد از نشیمنگاهش امرار معاش کند، و زن از شرمگاهش کسب درآمد کند، و دیدی زنان، انجمن می کنند چنان که مردان، و دیدی بنی عباس را که آشکارا زنانگی پیشه کرده و خضاب بندند و موی سرشان را به گونه ای شانه زنند، چنانچه زنان برای شوهران خود، و به مردان به خاطر شرمگاهشان پول دهند.

و دیدی انسان توانگر، گرامی تر است از انسان مؤمن، و ربا پدیده ای است که بر آن، عیب گرفته نمی شود، و زنان را به زنا بستانند، و دیدی که زن با شوهر خود، بر سر همبستر شدن با مردان، سازش کند، و دیدی بیشتر مردم، و بهترین خانه ها، آن باشد که زنان را در فسقشان یاری می رسانند، و مؤمن را دیدی که غمگین است و تحقیر شده و ذلیل، و دیدی که بدعت و زنا آشکار شده است و مردم به گواه باطل اعتماد می کنند، و دیدی که حلال، حرام و حرام، حلال شمرده می شود، و دیدی که حکم دین به رأی و نظر، معین می شود، و قرآن و احکامش معطل مانده است، و برای جسارت به (احکام) خدا و ارتکاب کار بد، مردم انتظار شب را نمی کشند، و دیدی که مؤمن نمی تواند کارهای زشت را انکار کند مگر به قلبش، و دیدی مال فراوانی در راه به خشم آوردن خدا خرج می شود، و والیان و فرماندهان، کافران را نزدیک خویش می سازند، و اهل خیر را از خود دور می کنند، و در حکومت، رشوه می گیرند، و دیدی فرمانروایی و گرفتن منصب به مزایده گذارده می شود، و دیدی مردان با محرمان خود زنا می کنند، و بدانها از گرفتن زن اکتفا کنند. و دیدی که مرد به صرف تهمت و گمان، کشته می شود، و به خاطر خواهی مرد، غیرت ورزی کنند، و جان و مال در راه عشق او دهند، و دیدی که مرد را برای همبستر شدن با زن به نکوهش گیرند، و دیدی که مرد از کسب هرزگی زنش، نان می خورد، و این حقیقت را می داند و نگهش می دارد، و دیدی که زن بر شوهر خود تسلط دارد، و آنچه را شوهر نمی خواهد انجام می دهد، و به شوهر خود خرجی و پول جیبی می دهد، و دیدی که مرد، زن و دخترش را به اجاره می دهد، و به خوراک و نوشیدنی پستی راضی می شود، و دیدی که سوگند به خداوند عزوجلّ به ناحق فراوان شده، و دیدی که قماربازی پدیدار گشته است، و آشکارا شراب می فروشند و مانعی ندارد، و دیدی زن ها، خود را به کفّار می بخشند، و ساز و آواز آشکار گشته، و مردم از آن گذر کنند و هیچ کسی دیگری را از آن منع نکند و کسی جرأت نکند جلو آن را

بگیرد، و دیدی کسی که از تسلط او می ترسند، مردم را خوار می کند. و دیدی نزدیکترین مردم به فرمانروایان کسی است که، ناصیبان و دشنام دهندگان به ما اهل بیت، را مدح و ثنا کند، و دیدی هر که ما را دوست دارد او را ناحق شمارند و گواهی را نپذیرند، و دیدی که در گفتار ناحق، با هم رقابت کنند، و دیدی که قرآن و شنیدنش بر مردم گران است، و شنیدن باطل بر مردم آسان، و دیدی همسایه از ترس زبان همسایه او را گرامی می دارد، و دیدی حدود الهی معطل شده، و در آن بنا بر هوی و هوس عمل می شود، و دیدی که مساجد، با زیور آلات آراسته گشته است، و دیدی که راستگوترین مردم در میان ایشان کسی است که افترا زند و دروغ گوید، و دیدی شرّ و سخن چینی پدیدار شود، و دیدی ستمگری شیوع یافته، و غیبت را سخن خوشمزه می شمارند و مردم بدان یکدیگر را مژده می دهند، و دیدی به حج می روند، و جهاد می طلبند؛ ولی نه برای رضای خدا، و دیدی سلطان، مؤمن را به خاطر کافر، خوار می کند، و ویرانی بر آبادانی چیره می گردد، و مردم از کم فروشی روزی می خورند، و خونریزی را سبک و آسان می شمردند، و مردم برای طلب دنیا ریاست می طلبند و انسان، خود را به بد زبانی شهره کند، تا از او ترسند، و امور را بدو واگذار کنند.

و دیدی نماز را خوار و سبک می شمارند، و دیدی مردی را که مال فراوان دارد؛ ولی از زمان دارایی آن، زکاتش را نپرداخته است، و دیدی قبر مرده را نبش کنند، و مخدوشش سازند و کفنش را بفروشند، و دیدی که آشفتگی فراوان شده، و مرد، شب کند در غفلت و خماری، و بامداد کند در مستی، و باکی ندارد که مردم در چه وضعی باشند، و دیدی که با چهارپایان نزدیکی شود، و بهائم یکدیگر را بدرند، و دیدی مردی را که به محل نماز خود برود و برگردد در حالی که جامه ای به تن ندارد (کفش و یا لباسش را دزدیده اند)، و دیدی دل مردم، سخت شده و دیدگانشان خشکیده، و یاد خدا بر آنها گران است. و دیدی حرام خوردن پدیدار شده، و در آن با یکدیگر رقابت می کنند، و دیدی که نمازگزار برای خودنمایی به مردم، نماز می خواند، و دیدی مسأله دان و فقیه دین، جز برای دین، مسأله می آموزد، و دنیا و ریاست می جوید، و دیدی مردم به همراه کسی هستند که غالب است و چیرگی دارد، و دیدی طالب حلال، نکوهش و طالب حرام، ستایش، می شود و بزرگش

می دارند، و دیدی که در حرمین [مکه و مدینه] کاری می کنند که پسند خدا نیست، و کسی جلوی ایشان را نمی گیرد، و احدی میان آنها و کردار زشتشان مانع نشود.

و دیدی در حرمین [مکه و مدینه] اسباب لهو پدیدار شده و دیدی مردی که به حق سخن می گوید یا امر به معروف و نهی از منکر کند؛ ولی کسی نزد او برمی خیزد و وی را اندرز می دهد که: "این تکلیف تو نیست"، و دیدی مردم با یکدیگر چشم و همچشمی می کنند و به مردم بد اقتدا می نمایند، و دیدی روش خیر و راه آن، تهی است و کسی از آن گذر نمی کند، و دیدی مُرده را به باد مسخره می گیرند، و کسی از اینکار در هراس نمی افتد و در هر سال، شرّ و بدعت، بیش از سال گذشته می گردد، و دیدی مردم و محافل، جز از توانگران پیروی نمی کنند، و دیدی به گدا چیزی می دهند، تا در برابر به او بخندند، و برای غیر خدا به او ترحم می شود. و دیدی نشانه های آسمانی هست؛ ولی کسی از آنها هراس نمی کند، و دیدی مردم چون بهائم بر هم می جهند، و کسی از ترس مردم، منکر کار آنها نمی گردد، و دیدی که مرد جز در راه خدا خرج بسیاری می کند و در راه اطاعت الهی از اندک، دریغ می ورزد، و دیدی ناسپاسی از پدر و مادر پدیدار شده است، و پدر و مادر را به چشم کم می نگرند و والدین در نظر فرزند، از همه بدتر باشند، و فرزندان از افتراء به آن دو، شاد گردند. و زنان را دیدی که بر حکومت چیره شده اند و هر کاری را به دست گرفته اند و کاری انجام نشود جز آنچه آنها طرفدارش باشند، و دیدی شخصی به پدرش افترا می زند، و بر پدر و مادر خود نفرین می فرستد و از مرگشان شاد می شود، و دیدی چون مردی روزش را به سر آورد، در حالی که چون در آن روز، گناه بزرگی اعم از هرزگی و کم فروشی و درآمدن به بستر حرام و می خواری نکرده، دلتنگ و غمناک گردد و پندارد که آن روز بر او نامبارک بوده و جزو عمرش حساب نشده است.

و دیدی که سلطان، خوراک را انبار کند و نگهدارد تا گران بفروشد، و دیدی خمس و سهم امام به ناحق تقسیم می شود و با آن قمار می زنند و می خواری می کنند، و دیدی که با شراب به مداوای بیماری می پردازند و برای بیمار، نسخه ی آن را می گیرند و از آن، درمان می طلبند، و دیدی مردم، همه در ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک دینداری، هماهنگ شده اند، و دیدی باد بر پرچم اهل نفاق می وزد و پرچم اهل حق، بی حرکت است، و دیدی در برابر گفتنِ اذان و خواندن نماز، مزد می گیرند، و دیدی

مسجدها پر می شود از کسانی که از خدا نمی هراسند و در آنها برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق، گرد می آیند و به وصف نوشابه های مست کننده می پردازند.

و دیدی که پیشنمازِ مست (از شراب یا قدرت)، برای مردم نماز می خواند و با آنکه مستی است لا یعقل، مستی او را نکوهش نمی کنند، و هر گاه مست شود گرامیش می دارند و از او ملاحظه می کنند و می ترسند، در حالی که او رهاست، و کیفر نمی شود و مستی او را معذور می دارند، و دیدی که مال یتیم خور را به شایستگی می ستایند و قاضیان بر خلاف آنچه خدا امر کرده، حکم می کنند، و دیدی فرمانروایان، شخص خیانتکار را برای طمع، امین ساخته اند، و دیدی فرمانروایان که ارث را برای اهل فسق، و بدکاری و جسارت بر خدا تخصیص می دهند، تا از آنها حق و حسایی بگیرند، و آنها را واگذارند، تا هر چه می خواهند انجام دهند، و دیدی بر سر منبرها به تقوی توصیه می شود؛ ولی خود گوینده، بدان عمل نمی کند، و دیدی که وقت نماز را به چیزی نمی گیرند، و دیدی صدقه و زکات را به وساطت دیگران به مستحقان دهند و قصد رضای خدا در دادن آنها در میان نیست، و به سبب درخواست مردم آن را پرداخت می کنند، و دیدی نهایت هم مردم، شکم و شهوت آنهاست، و باکی از این ندارند که چه بخورند و با که همبستر شوند و بینی که دنیا بدیشان روی آورده است، و دیدی که نشانه های حق و درستی پوسیده شده اند.

در این هنگام بر حذر باش، و از درگاه خداوند سبحان، نجات بخواه و بدان که مردم، گرفتار خشم خدایند و خداوند به آنها مهلت می دهد برای امری که با آنها خواهد کرد و تو مراقب خویش باش، و بکوش تا خداوند عزوجل تو را بر خلاف روش آنها ببیند، و اگر عذابی برایشان فرستاد و تو در میان آنها قرار داشتی، به دریافت رحمت الهی شتافته ای، و اگر از آنها جدا باشی آنان گرفتار عذاب شوند و تو از آنچه ایشان در آن اندرند، از جسارت بر خداوند عزوجل بیرون آمده ای. و بدان که خداوند اجر نیکوکاران را تباه نمی کند و همانا که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (1)

ص: 37

1- . عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذَكَرَ هَوْلَاءَ عِنْدَهُ وَ سَوْءَ حَالِ الشَّيْعَةِ عِنْدَهُمْ فَقَالَ: إِنِّي سِرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ الْمُنْصُورِ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ خَيْلٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ خَيْلٌ وَ أَنَا عَلَى حِمَارٍ إِلَى جَانِبِهِ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ كَانَ فَيَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَفْرَحَ بِمَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْقُوَّةِ وَ فَتَحَ لَنَا مِنَ الْعِزِّ وَ لَا تُخْبِرَ النَّاسَ أَنَّكَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنَّا وَ أَهْلَ بَيْتِكَ فَتُغْرِبُنَا بِكَ وَ بِهِمْ قَالَ فَقُلْتُ وَ مَنْ رَفَعَ هَذَا إِلَيْكَ عَنِّي فَقَدْ كَذَبَ فَقَالَ لِي أَتَحْلِفُ عَلَيَّ مَا تَقُولُ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّ النَّاسَ سَ حَرَّةٌ يَعْنِي يُحِبُّونَ أَنْ يُفْسِدُوا قَلْبَكَ عَلَيَّ فَلَا تُمْكِنُهُمْ مِنْ سَمِّكَ فَإِنَّا إِلَيْكَ أَحْوَجُ مِمَّا إِلَيْنَا فَقَالَ لِي تَذَكَّرُ يَوْمَ سَأَلْتُكَ هَلْ لَنَا مَلِكٌ فَقُلْتُ نَعَمْ طَوِيلٌ عَرِيضٌ شَدِيدٌ فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهْلَاةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ فُسَّحَةٌ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّى تَصِيَّبُوا مِنَّا دَمًا حَرَامًا فِي شَهْرِ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ قَدْ حَفِظَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكْفِيكَ فَإِنِّي لَمْ أَخْصِكَ بِهَذَا وَ إِنَّمَا هُوَ حَدِيثٌ رَوَيْتَهُ ثُمَّ لَعَلَّ غَيْرَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَوَلَّى ذَلِكَ فَسَكَتَ عَنِّي فَلَمَّا رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي أَتَانِي بَعْضُ مَوَالِينَا فَقَالَ جَعَلْتُ فِي دَاخِلِكَ وَ اللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُكَ فِي مَوْكِبِ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيْكَ يَكَلِّمُكَ كَأَنَّكَ تَحْتَهُ فَقُلْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي هَذَا حُجَّةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي يُقْتَدَى بِهِ وَ هَذَا الْآخِرُ يَعْمَلُ بِالْجَوْرِ وَ يَقْتُلُ الْأَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءَ وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ فِي الْأَرْضِ بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ شَكٌّ حَتَّى خَفْتُ عَلَى دِينِي وَ نَفْسِي قَالَ فَقُلْتُ لَوْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ حَوْلِي وَ بَيْنَ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَا حَقَّزَنَةَ وَ اخْتَفَرْتَ مَا هُوَ فِيهِ فَقَالَ الْآنَ سَ كُنَّ قَلْبِي ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ مَتَى هَوْلَاءَ يَمْلِكُونَ أَوْ مَتَى الرَّاحَةُ مِنْهُمْ فَقُلْتُ أَلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِدَّةً قَالَ بَلَى فَقُلْتُ هَلْ يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِذَا جَاءَ كَانَ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ إِنَّكَ لَوْ تَعْلَمُ حَالَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ هِيَ كُنْتَ لَهُمْ أَشَدَّ بُغْضًا وَ لَوْ جَهَدْتَ أَوْ جَهَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ يَدْخُلُوهُمْ فِي

أَشَدُّ مَا هُمْ فِيهِمْ مِنَ الْإِثْمِ لَمْ يَقْدِرُوا فَلَا يَسْتَفْرِتُكَ الشَّيْطَانُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنْ
انْتَظَرَ أَمْرًا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي رُؤْمَرَتِنَا إِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ سَلَ جِلَ الْبِلَادِ وَ
رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خُلِقَ وَ أَحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وَجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفِي الْمَاءُ وَ رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ تَعَلَّوْا
عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ أَصْحَابُهُ وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ
الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يَقْبَلُ قَوْلَهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا يَرُدُّ عَلَيْهِ كَذِبَهُ وَ فِرْيَتَهُ وَ رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ الْكَبِيرَ وَ رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَ
رَأَيْتَ مَنْ يَمْتَدِحُ بِالْفِسْقِ يَصْهَحُ مِنْهُ وَ لَا يَرُدُّ عَلَيْهِ قَوْلَهُ وَ رَأَيْتَ الْغُلَامَ يُعْطِي مَا تُعْطِي الْمَرْأَةُ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَرَوَّجْنَ النِّسَاءَ وَ رَأَيْتَ الشَّنَاءَ قَدْ
كُتِرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْمَالَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ وَ رَأَيْتَ النَّاطِرَ يَتَعَوَّدُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الْاجْتِهَادِ وَ
رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مَرَحًا لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَ رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ
عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْأَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُودًا وَ رَأَيْتَ
أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُحْتَقَرُونَ وَ يُحْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكًا وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عَطِلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ وَ
رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ يَتَسَمَّونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشتُهُ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشتُهُ الْمَرْأَةَ مِنْ فَرْجِهَا وَ
رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرَّجَالُ وَ رَأَيْتَ التَّائِبَ فِي وُلْدِ الْعَبَاسِ قَدْ ظَهَرَ وَ أَظْهَرُوا الْخِصَابَ وَ امْتَسَّ طُوبَى كَمَا تَمَسَّطُ الْمَرْأَةُ
لِزُوجِهَا وَ أَعْطُوا الرَّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ تُوْفِسَ فِي الرَّجُلِ وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرَّبَا
ظَاهِرًا لَا يُعَيَّرُ وَ كَانَ الرِّثَا تُمْتَدِحُ بِهِ النِّسَاءُ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرَّجَالِ وَ رَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَ خَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ
عَلَى فِسْقِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُونًا مُحْتَقِرًا ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الرِّثَا قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَعْتَدُونَ بِشَاهِدِ الزُّورِ وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ
رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحْرَمُ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَ عَطِلَ الْكِتَابَ وَ أَحْكَمَهُ وَ رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يَسْتَحْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفِقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يُقَرَّبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ
رَأَيْتَ الْوَلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَ رَأَيْتَ الْوَلَاةَ قَبَالَةَ لِمَنْ زَادَ وَ رَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكِحْنَ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقْتُلُ عَلَى التَّهْمَةِ وَ
عَلَى الظَّنِّ وَ يَتَغَايَرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكْرَ فَيَبْدُلُ لَهُ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيَّرُ عَلَى إِيْتَانِ النِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنْ
الْفُجُورِ يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يَقِيمُ عَلَيْهِ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَسْتَهَيُّ وَ تُفْئِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَكْرِي امْرَأَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ وَ
يَرْضَى بِالدَّيْنِيِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ رَأَيْتَ الْأَيْمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الزُّورِ وَ رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا لَيْسَ لَهُ
مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْدُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ رَأَيْتَ الْمَلَاهِيَّ قَدْ ظَهَرَتْ يَمْرُ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَا يَجْتَرِي أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَ رَأَيْتَ
الشَّرِيفَ يَسْتَدِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ وَ رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يَمْتَدِحُ بِشَمْنِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ رَأَيْتَ مَنْ يُحِبُّنَا يُرَوَّرُ وَ لَا يَقْبَلُ شَهَادَتَهُ وَ
رَأَيْتَ الزُّورَ مِنَ الْقَوْلِ يُتَّفَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يَكْرُمُ الْجَارَ
خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَ رَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عَطَّلَتْ وَ عَمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرَتْ وَ رَأَيْتَ أَصْدَقَ النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِي
الْكَذِبِ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ ظَهَرَ وَ السَّعْيَ بِالنَّمِيمَةِ وَ رَأَيْتَ الْبُغْيَ قَدْ فَسَأَ وَ رَأَيْتَ الْغَيْبَةَ تُسْتَمْلَحُ وَ يُبَشِّرُ بِهَا النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ رَأَيْتَ طَلَبَ
الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَدُلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنَ وَ رَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ
وَ الْمِيزَانِ وَ رَأَيْتَ سَفْكَ الدَّمَاءِ يُسْتَخَفُّ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرِّئَاسَةَ لِعَرَضِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَرُ نَفْسَهُ بِحُبِّ اللِّسَانِ لِيُتَّقَى وَ تُسْنَدَ إِلَيْهِ الْأُمُورُ
وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخِفَّتْ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ ثُمَّ لَمْ يُزَكِّهِ مِنْهُ مَلَكَةً وَ رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُنْبَسُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يُؤْذَى وَ تُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَ
رَأَيْتَ الْهَرْجَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمَسِّي نُسُوانًا وَ يُصَبِّحُ سَكْرَانًا لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْبُهَائِمَ تُنْكِحُ وَ رَأَيْتَ الْبُهَائِمَ يَفْرُسُ بَعْضُهَا
بَعْضًا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُخْرِجُ إِلَى مَصَلَّةٍ وَ يَرْجِعُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَ رَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ فَسَّتْ وَ جَمَدَتْ أَعْيُنُهُمْ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ
عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ السُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَّفَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْمُصَلِّيَ إِتْمَا يُصَلِّي لِيَرَاهُ النَّاسُ وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَّقَهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرِّئَاسَةَ وَ
رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يَذُمُّ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يَمْدَحُ وَ يُعَظَّمُ وَ رَأَيْتَ الْحَرَمِينَ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ لَا

يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَلَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَيَبِينُ الْعَمَلِ الْفَيْسِحِ أَحَدٌ وَرَأَيْتِ الْمَعَارِفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ وَرَأَيْتِ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ وَيَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَيَتَتَدُونَ بِأَهْلِ الشُّرُورِ وَرَأَيْتِ مَسَّ لَمَكِ الْخَيْرِ وَطَرِيقَهُ خَالِيًا لَا يَسَّ لَمَكُهُ أَحَدٌ وَرَأَيْتِ الْمَيِّتَ يُهْرَأُ بِهِ فَلَا يَقْرَعُ لَهُ أَحَدٌ وَرَأَيْتِ كُلَّ عَامٍ يَحْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَالْبِدْعَةِ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَرَأَيْتِ الْخَلْقَ وَالْمَجَالِسَ لَا يَتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ وَرَأَيْتِ الْمُحْتَاجَ يُعْطَى عَلَى الضَّحِكِ بِهِ وَيُرْحَمُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللَّهِ وَرَأَيْتِ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَقْرَعُ لَهَا أَحَدٌ وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَتَسَافِدُونَ كَمَا يَتَسَافِدُ الْبَهَائِمُ لَا يَنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ وَرَأَيْتِ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَيَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَرَأَيْتِ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَاسْتَحْفَفَ بِالْوَالِدَيْنِ وَكَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَالِدِ وَيَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا وَرَأَيْتِ النِّسَاءَ وَقَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَغَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهِنَّ فِيهِ هَوَى وَرَأَيْتِ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَيَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَيَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا وَرَأَيْتِ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مَكِيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْدِيَانِ حَرَامٍ أَوْ شَرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيرًا حَزِينًا يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عَمْرِهِ وَرَأَيْتِ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَرَأَيْتِ أَمْوَالَ ذَوِي الْقُرْبَى تُقَسَّمُ فِي الزُّورِ وَيَتَقَامَرُ بِهَا وَتُشْرَبُ بِهَا الْخُمُورُ وَرَأَيْتِ الْخَمْرَ يَتَدَاوَى بِهَا وَيُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَيَسْتَسْفَى بِهَا وَرَأَيْتِ النَّاسَ قَدْ اسْتَوُوا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَرَكَ التَّدْبِينَ بِهِ وَرَأَيْتِ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ وَأَهْلَ التَّفَاقِ قَائِمَةً وَرِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحْرَكُ وَرَأَيْتِ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَالصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ وَرَأَيْتِ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِدَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ - مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَأَكْلَ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَيَتَوَاصَدُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكِرِ وَرَأَيْتِ السُّكْرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَهُوَ لَا يَعْقِلُ وَلَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَإِذَا سَكَرَ أَكْرَمَ وَاتَّقَى وَخِيفَ وَتَرَكَ لَا يُعَاقَبُ وَيُعَذَّرُ بِسُكْرِهِ وَرَأَيْتِ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ وَرَأَيْتِ الْقُضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَرَأَيْتِ الْوَلَاةَ يَأْتِمُنُونَ الْخَوْنَةَ لِلطَّمَعِ وَرَأَيْتِ الْمِيرَاثَ قَدْ وَصَدَعَتْهُ الْوَلَاةُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ وَيُخَلُّونَهُمْ وَمَا يَسْتَهْوَنَ وَرَأَيْتِ الْمَنَابِرَ يُؤْمَرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَلَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ وَرَأَيْتِ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَحْفَفَ بِأَوْقَاتِهَا وَرَأَيْتِ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا يُرَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَيُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ وَرَأَيْتِ النَّاسَ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَفُرُوجُهُمْ لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَمَا نَكَحُوا وَرَأَيْتِ الدُّنْيَا مُقْبَلَةً عَلَيْهِمْ وَرَأَيْتِ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَاطْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ النَّجَاةَ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّمَا يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرِ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَّقِبًا وَاجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَكُنْتَ فِيهِمْ عَجَلْتَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَإِنْ أُخْرَتْ ابْتُلُوا وَكُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَأَنْ رَحِمْتَ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ. الكافي 8/36 و بحار الانوار 52/254

در روایت دیگری مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که کارهای زشت، آشکار می گردد، و پرده های عفت و شرم، پاره می شود. زناکاری و تجاوزهای ناموسی علنی شده، و مال یتیمان را حلال می شمارند و می خورند. رباخواری شیوع پیدا می کند، و در کیل ها و وزن ها، کم و کاست می کنند. شراب را به اسم نبیذ، حلال شمرده و می خورند، و رشوه را به عنوان هدیه و شیرینی می گیرند، و به نام امانت داری خیانت می نمایند. مردها خود را به شکل زنان و زنان خود را به صورت مردها در می آورند، و به احکام و دستورات نماز، بی اعتنائی می کنند، و حج خانه خدا را برای غیر خدا به جا می آوردند.»

پس وقتی که این زمان فرا برسد؛ خداوند آنها را از فیوضات خود، محروم می کند تا جائی که ماه (رمضان و شوال) برای آنها مخفی می شود به طوری که گاهی در دو شب دیده می شود که معلوم می شود روز عید فطر را به عنوان ماه رمضان، روزه گرفته اند با این که روزه ی آن حرام بوده است و زمانی شب اول رمضان مخفی می شود، که دو روز آن را روزه نگرفته و به عنوان آخر ماه شعبان می خورند و روز عید فطر را به خیال اینکه آخر ماه رمضان است روزه می گیرند.

در این وقت باید ترسید از این که خداوند به طور ناگهانی آنها را کیفر کند؛ چرا که به دنبال آن کارها، بلاها مردم را فرا می گیرد، تا جایی که کسانی صبح، سالم هستند؛ ولی شب، در دل خاک و قبر آرمیده اند و گاهی شب سالم اند و بامدادان در زمره ی مردگان هستند.

وقتی چنین روزگاری پیش آمد، لازم است انسان همیشه وصیت کرده باشد که مبادا بلایی بر او فرود آمده و بدون وصیت بمیرد و واجب است نماز را در اول وقت آن بخواند چون ممکن است تا آخر وقت، زنده نباشد.

هر یک از شما آن زمان را درک کرد بدون وضو نخواهد و اگر برایش امکان دارد

همیشه با وضو باشد چه ترس آن است که مرگ، ناگهانی برسد، لذا خوب است با وضو باشد که روح با طهارت، خدا را ملاقات نماید.

من شما را ترساندم اگر بترسید و آگاه نمودم، اگر آگاه گردید و شما را پند دادم در روایت دیگری مولای متقیان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرمایند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که کارهای زشت، آشکار می گردد، و پرده های عفت و شرم، پاره می شود. زناکاری و تجاوزهای ناموسی علنی شده، و مال یتیمان را حلال می شمارند و می خورند. رباخواری شیوع پیدا می کند، و در کیل ها و وزن ها، کم و کاست می کنند. شراب را به اسم نبیذ، حلال شمرده و می خورند، و رشوه را به عنوان هدیه و شیرینی می گیرند، و به نام امانت داری خیانت می نمایند. مردها خود را به شکل زنان و زنان خود را به صورت مردها در می آورند، و به احکام و دستورات نماز، بی اعتنائی می کنند، و حج خانه خدا را برای غیر خدا به جا می آورند.»

پس وقتی که این زمان فرا برسد؛ خداوند آنها را از فیوضات خود، محروم می کند تا جائی که ماه (رمضان و شوال) برای آنها مخفی می شود به طوری که گاهی در دو شب دیده می شود که معلوم می شود روز عید فطر را به عنوان ماه رمضان، روزه گرفته اند با این که روزه آن حرام بوده است و زمانی شب اول رمضان مخفی می شود، که دو روز آن را روزه نگرفته و به عنوان آخر ماه شعبان می خورند و روز عید فطر را به خیال اینکه آخر ماه رمضان است روزه می گیرند.

در این وقت باید ترسید از این که خداوند به طور ناگهانی آنها را کیفر کند؛ چرا که به دنبال آن کارها، بلاها مردم را فرا می گیرد، تا جایی که کسانی صبح، سالم هستند؛ ولی شب، در دل خاک و قبر آرمیده اند و گاهی شب سالم اند و بامدادان در زمره ی مردگان هستند.

وقتی چنین روزگاری پیش آمد، لازم است انسان همیشه وصیت کرده باشد که مبادا بلایی بر او فرود آمده و بدون وصیت بمیرد و واجب است نماز را در اول وقت آن بخواند چون ممکن است تا آخر وقت، زنده نباشد.

هر یک از شما آن زمان را درک کرد بدون وضو نخوابد و اگر برایش امکان دارد همیشه با وضو باشد چه ترس آن است که مرگ، ناگهانی برسد، لذا خوب است با وضو باشد که روح با طهارت، خدا را ملاقات نماید.

من شما را ترساندم اگر بترسید و آگاه نمودم، اگر آگاه گردید و شما را پند دادم چنانچه پند گیرید؛ پس در پنهان و آشکار، از خدا بترسید و نباید کسی از شما بمیرد، مگر این که مسلمان باشد؛ زیرا هر کس به جز اسلام، آئینی داشته باشد از او پذیرفته نیست و در آخرت، زیان کار است.» (1)

و همچنین محمد بن مسلم گوید که از حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می فرمودند:

«خداوند، قیام کننده ی اهلیت را با رعب، یاری داده و با نصرتش مؤید می سازد. زمین در زیر پای او نور دیده می شود، و گنج ها (و معادن) خود را برای او آشکار می سازد. سلطنتش شرق و غرب عالم را فرا گرفته، و خداوند به وسیله ی او دین خود را بر همه مسلک ها و ادیان باطله، غالب گرداند، هر چند مشرکان نخواهند. ویرانه ای در روی زمین نمی ماند مگر اینکه آن را آباد می سازد و عیسی روح الله نازل می شود و پشت سر او نماز می گزارد.»

راوی گوید: من عرض کردم: یا ابن رسول الله! قیام کننده ی شما کی خواهد آمد؟ فرمودند:

«هنگامی که مردها مانند زنان و زنها شبیه مردان گردند و مردها به مردها و زنان به زنها اکتفا کنند، و زنها بر زین ها سوار شوند، و شهادت های ناحق، قبول و گواهی عادلان رد شود و خونریزی و زنا و خوردن ربا را آسان شمارند، و از اشرار به واسطه ی ترس از زبانشان ملاحظه شود. هنگامی که سفیانی از شام و شخص یمنی از یمن خروج

ص: 41

1- . عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَرْتَفِعُ فِيهِ الْفَاحِشَةُ وَتُتَصَّعُّ وَتُهْتَكُ فِيهِ الْمَحَارِمُ وَ يُعْلَنُ فِيهِ الزُّنَا وَ يُسَدُّ تَحَلُّ فِيهِ أَمْوَالُ الْيَتَامَى وَ يُؤْكَلُ فِيهِ الرَّبَا وَ يُطْفَفُ فِي الْمَكَايِلِ وَ الْمَوَازِينِ وَ يُسَدُّ تَحَلُّ الْخَمْرِ بِالنَّبِيدِ وَ الرَّشْوَةُ بِالْهَدْيَةِ وَ الْحَيَاةُ بِالْأَمَانَةِ وَ يُسَدُّ تَبَهُ الرَّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ يُسَدُّ تَحَفُّ بِحُدُودِ الصَّلَاةِ وَ يُحَجُّ فِيهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ انْتَفَخَتِ الْأَهْلَةُ تَارَةً حَتَّى يُرَى الْهَيْلَالُ لَيْلَتَيْنِ وَ خَفِيَتْ تَارَةً حَتَّى يُفْطَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ فِي أَوَّلِهِ وَ يُصَامُ لِلْعِيدِ فِي آخِرِهِ فَالْحَدَرَ الْحَدَرَ حِينَئِذٍ مِنْ أَخَذِ اللَّهُ عَلَى غَفْلَةٍ فَإِنَّ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ مَوْتُ ذَرِيْعٍ يَخْتَطِفُ النَّاسَ اخْتِطَافاً حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لِيُصَبِّحَ سَالِماً وَ يُمَسِّي دَفِيناً وَ يُمَسِّي حَيّاً وَ يُصْبِحُ مَيِّتاً فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ وَجَبَ التَّمُدُّمُ فِي الْوَصِيَّةِ قَبْلَ نَزُولِ الْبَلِيَّةِ وَ وَجَبَ تَقْدِيمُ الصَّلَاةِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا خَشْيَةً فَوْتِهَا فِي آخِرِ وَقْتِهَا فَمَنْ بَلَغَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَلَا يَبِيْتَنَّ لَيْلَةً إِلَّا عَلَى طَهْرٍ وَ إِنَّ قَدَرَ أَنْ لَا يَكُونَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ إِلَّا طَاهِراً فَلْيَفْعَلْ فَإِنَّهُ عَلَى وَجَلٍ لَا يَدْرِي مَتَى يَأْتِيهِ رَسُولُ اللَّهِ لِقَبْضِ رُوحِهِ وَ قَدْ حَدَرْتُكُمْ وَ عَرَفْتُكُمْ إِنْ عَرَفْتُمْ وَ وَعَظْتُكُمْ إِنْ اتَّعَظْتُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي سَرَائِرِكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ. فضائل الأشهر الثلاثة

91/ و بحار الانوار 303 /93

پدید آید و جوانی پاک سیرت (نفس الزکیه) از آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ در بین رکن و مقام به نام محمد بن الحسن به قتل رسد، و صدایی از آسمان بیاید که: "حق در پیروی از قیام کننده ی آل محمد و شیعیان اوست." در آن وقت، مهدی ماقیام خواهد کرد. پس موقعی که آشکار می شود، تکیه به کعبه داده و سیصد و سیزده مرد، گرد او جمع می شوند. اول سخنی که می گوید این آیه شریفهاست: "بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (2) یعنی باقی مانده ی سفرای الهی در روی زمین برای شما بهتر است اگر بدانید؛ سپس می فرماید: "انا بقیه الله فی ارضه؛" منم آن بقیه سفرای الهی در روی زمین. چون ده هزار نفر مرد، نزد وی گرد آمدند قیام می کند. در آن وقت، در تمام روی زمین معبودی جز خدای یگانه نخواهد بود. و هر بتی یا امثال بت، آتشی در آن می افتد و می سوزد و این ظهور بعد از غیبت طولانی او خواهد بود. خداوند خواسته معلوم کند که چه کسانی در غیبت او، از وی پیروی می کنند و چه کسانی به وی ایمان می آورند. (3)

18. دین و دینداری در آخر الزمان

آنطور که از روایات فراوان بر می آید حفظ دین در آخر الزمان بسیار دشوار می شود به حدی که در بعضی از اخبار وارد شده است که نگهداشتن آتش در کف دست در آن دوران از نگهداشتن دین آسان تر خواهد بود.

ص: 42

1- . بیابانی است بین مکه و مدینه

2- . سوره هود آیه 86

3- . عن محمدٍ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَصْدَلِّي خَلْفَهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا تَشَدَّبَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوجَ وَ قَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رَدَّتْ شَهَادَاتُ الْعَدْلِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالْذَّمِّ وَ ازْتَكَبَ الزَّنَاءَ وَ أَكَلِ الرَّبَا وَ أَتَّقِيَ الْأَشْدَّ رَأْ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ خَرَجَ الشُّفِيَانِيُّ مِنَ السَّامِ وَ الْيَمَانِيُّ مِنَ الْيَمَنِ وَ خُسِفَ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ وَ جَاءَتْ صَدْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ فِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ اسْمُهُ نَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعُقَدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ. إثبات الهداة 5/346 و

بحار الأنوار 191 / 52

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«زمانی بر مردم برسد که نگهدارنده ی دین، مانند کسی است که پاره ای از آتش در مشت گرفته باشد.» (1)

اوضاع آن زمان به شکلی خواهد بود که اگر کسی حتی به یک دهم عمل کند اهل نجات خواهد بود.

رسول اعظم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصحابشان فرمودند:

«امروزه شما در زمانی زندگی می کنید که اگر یک دهم آنچه را که بدان مأمور شدهاید ترک کنید هلاک خواهید شد؛ و این در حالی است که روزی بر مردم برسد که اگر به یک دهم از دین خدا عمل کنند نجات یابند.» (2)

با این وجود، ثواب عمل این مردم، پنجاه برابر مردم زمان رسول خداست. لذا آن بزرگوار به یارانشان فرمودند:

«زمانی بیاید که اگر کسی بر دینش استوار بماند برای او اجر پنجاه تن از شما خواهد بود.» (3)

همان بزرگوار فرموده اند:

«زمانی بیاید که قرآن در دل های مردم کهنه شود آنطور که لباسی بر بدن پوسیده شود.» (4)

و فرمودند:

«در آخرالزمان مردمی می آیند که در مساجد تشکیل حلقه داده، می نشینند و از دنیا و علایق آن سخن می گویند با اینان همنشین مشو که خداوند را با اینان کاری نیست.» (5)

ص: 43

1- . عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ. امالی طوسی / 485 و بحار الانوار 22/454

2- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مَنْ تَرَكَ عَشْرَ مَا أَمَرَ بِهِ هَلَكَ وَ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَنْ عَمِلَ بِعَشْرِ مَا أَمَرَ بِهِ نَجَا. كنز الفوائد 1/217 و أعلام الدين في صفات المؤمنين / 150

3- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. امالی طوسی / 485

4- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَخْلُقُ الْقُرْآنُ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ كَمَا تَخْلُقُ الثِّيَابُ عَلَى الْأَبْدَانِ
مجموعه ورام 217 / 1

5- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَ حُبُّهُمُ الدُّنْيَا لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ. جامع الأخبار شعیری / 70

حذیفه این صاحب اسرار نبی اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز گفته است :

«روزی خواهد آمد که اگر تمام اهل مسجد را زیر و رو کنم مؤمنی در بین ایشان نیابم»(1)

حضرت خاتم الانبیاء صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره وضعیت دینداری مردم آخرالزمان چنین فرموده اند:

«به زودی زمانی برای مردم فرارسد که از عالمان فرار می کنند چنانچه گوسفند از گرگ می گریزد. در آن صورت خداوند آنان را به سه چیز مبتلا خواهد کرد؛ اول: برکت را از اموال شان برمی دارد. دوم: سلطانی ستمگر را بر آنان مسلط می گرداند. سوم: بدون ایمان از دنیا می روند.»(2)

امیر مؤمنان حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز در کلامی که در نهج البلاغه نیز از ایشان نقل شده درباره اوضاع مساجد آخر الزمان فرموده اند:

«بر مردم، روزگاری بیاید که از قرآن، جز نشانی و از اسلام، جز نامی نماند. در آن روزگار، مسجدهایشان از حیث بنا آباد؛ ولی از جهت رستگاری ویران است. ساکنان و آباد کنندگانش، از بدترین مردم روی زمین خواهند بود. فتنه ها از آنجا بیرون آید و خطاکاریها در پناه آنها مأوا گیرد. هر که خواهد از آن فتنه ها کناره گیرد، بگیرندش و به میان فتنه اش افکنند. و هر که خود را واپس دارد به سوی فتنه هایش رانند. خدای تعالی فرماید: سوگند به خودم که بر ایشان فتنه ای برگمارم، آنسان، که مردم بردبار را در آن حیران گذارم و خداوند چنین خواهد کرد. از خداوند می خواهیم که از لغزش و غفلت ما درگذرد.»(3)

و باز درباره ی نابودی ارزش ها در آخرالزمان فرموده اند:

ص: 44

1- . قال حذیفه: یأتی علی الناس زمانٌ لو اعترضتُ بکِنائتی أهلَ المسجدِ ما أصبتُ مؤمناً. تاج العروس من جواهر القاموس 91 / 10
2- . قال رسولُ الله صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سیأتي زمانٌ علی أمتی یفرون من العلماءِ کما یفرُّ الغنمُ عن الذئبِ فإذا کانَ کذلکَ ابتلاهمُ اللهُ تعالیٰ بثلاثةِ أشیاءٍ الأولُ یرفعُ البرکةَ من أموالهمُ والثانی سَلَطَ اللهُ عَلَیْهِمْ سَلْطَاناً جائراً والثالثُ یخرجون من الدُّنیا بلا إیمانٍ. جامع

الاحبار شعیری 130 و مستدرک الوسائل 376/11

3- . قال علی عَلَیْهِ السَّلَامُ: یأتی علی الناس زمانٌ لا یبقی فیهم من القرآنِ إلا رسْمُهُ و من الإسلامِ إلا اسمُهُ و مساجدُهم یومئذٍ عامرةٌ من البِناءِ خرابٌ من الهُدی سَ کائنها و عمَارها شرُّ أهلِ الأرضِ منهمُ تخرجُ الفتنَةُ و إلیهم تأوی الخطیئةُ یردُّون من شدِّ عَنها فیها و یسوقون من دَآخِرِ عَنها إلیها یقولُ اللهُ سَ بحانهُ فی حلفتُ لأبعثنَّ علی أولیک فتنةً [أتركُ] تتركُ الحلیم فیها حیران و قد فعلَ و نحنُ نسَ تقیلُ اللهُ عثرَةَ الغفلةِ. کمال الدین 66 / 1 و نهج البلاغه حکمت 369

«روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را، و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه، و ناتوان نگردد جز عادل. در آن روزگار، کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان منت گذاری، و عبادت، نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان، حکومت با مشورت زنان، و فرماندهی خردسالان، و تدبیر خواجهگان اخته شده اداره می گردد.»(1)

عمل عبادی حج نیز به مقاصد شوم، آلوده شده و جز اسمی از آن باقی نخواهد ماند. امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ از قول جد بزرگوارشان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرموده اند:

«زمانی بر مردم می آید که حج فرمانروایان به جهت تفریح و حج ثروتمندان برای تجارت و حج فقیران برای گدایی خواهد بود.»(2)

انحرافات و بدعت ها چنان در دین خدا رسوخ کند که دل های مؤمنین راستین، با دیدن آنها به درد آید. امام رضا عَلِيهِ السَّلَامُ به نقل از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می فرمایند:

«زمانی خواهد آمد که دل مؤمن، در درونش آب می شود چنان که سرب در آتش، ذوب می گردد و این بدان جهت است که گرفتاری ها و بدعت هایی در دینشان می بینند که قدرت دگرگونی و تغییر آن را ندارند.»(3)

همان حضرت که عالم آل محمد علیهم السلام اند می فرمایند:

«برخی از کسانی که مودت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته اند، زیان و فتنه انگیزی شان بر شیعیان ما، از دجال بیشتر است. پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! چرا فتنه ی ایشان از دجال بیشتر است؟ فرمودند: زیرا با دشمنان ما مهر و مودت می ورزند و نسبت به دوستان ما دشمنی و عداوت می نمایند. هرگاه چنین

ص: 45

1- . قَالَ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُقَرَّبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُصَدَّقُ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ يَعْتَدُونَ الصَّدَقَةَ غُرْمًا وَ صِيْلَةَ الرَّحِمِ مَدًّا وَ الْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ فَعِدَّةٌ ذَلِكَ يَكُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ الْإِمَاءِ وَ إِمَارَةَ الصَّبِيَّانِ وَ تَدْبِيرِ

الْخِصْيَانِ. نهج البلاغه حکمت 102 و خصائص الأئمة عَلَيْهِم السَّلَامُ / 96 و بحار الانوار 52/276 و عيون الحكم و المواعظ / 554

2- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِم السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ نُزْهَةً وَ حَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تِجَارَةً وَ حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةً. تهذيب الأحكام 5 / 463

3- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْأَنْكُ فِي النَّارِ يَعْنِي الرِّصَاصَ وَ مَا ذَاكَ إِلَّا لِمَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ وَ الْأَحْدَاثِ فِي دِينِهِمْ لَا يَسْتَطِيعُ لَهُ غَيْرًا. امالی طوسی / 518 و وسائل الشيعة 16 / 140

شد، حق و باطل به هم می آمیزد و حقیقت، مشتبه گردیده در نتیجه، انسان مؤمن از منافق باز شناخته نمی شود»(1)

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ هم درباره حال و هوای دینداری در آخرالزمان فرموده اند:

«به زودی زمانی بر ائمت من بیاید که علما را جز به لباس نیکو نشناسند و قرآن را جز برای نشان دادن صدای خوش نخوانند و خدا را جز در ماه رمضان، عبادت نکنند. پس هرگاه چنین زمانی فرارسد، خداوند، فرمانروایی بر آنان مسلط گرداند که نهعلم دارد و نه بردباری و نه رحم»(2)

19. اوضاع آشفته ی اجتماعی

جامعه ای که مطلوب امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ است آن جامعه ای است که دارای این دسته افراد باشد: مردمی راستگو و حلال خور که از مال شبهه ناک هم اجتناب کرده و اهل ستم و خیانت با چشم و گوش و زبان نیستند، و عالمانی که زهد و خیر خواهی در اندیشه ی ایشان نهاده شده، و دانش آموزانی که با شوق و تلاش به اندوختن علم مشغول اند، و پیرانی که وقار و متانت، شعارشان بوده، و جوانانی که توبه و عبادت در سر رشته ی امورشان قرار دارد، و زنانی که حیاء و عفت سرلوحه ی زندگی ایشان است، و ثروتمندانی که با تواضع به فقرا می بخشند، و تنگدستانی که قناعت و شکیبایی می ورزند، و حاکمان دلسوزی که به رعیت، خوشرفتار و دلسوزند و رعیتی که در تعامل با دیگران انصاف دارند.

این یک جامعه ی مطلوب مهدوی است که خود آن بزرگوار، در دعایشان بدان تصریح فرموده(3) و در صدد تأسیس آن هستند؛ ولی با این حال، دولت آن بزرگوار در شرایطی در عالم،

ص: 46

1- . عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ مِمَّنْ يَتَّخِذُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمَنْ هُوَ أَشَدُّ لَعْنَةً عَلَى شَيْعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِمَاذَا قَالَ بِمُؤَالَاةِ أَعْدَائِنَا وَ مُعَادَاةِ أَوْلِيَائِنَا إِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ اخْتَلَطَ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَ أَشَدُّهُ الْأَمْرُ فَلَمْ يُعْرِفْ مُؤْمِنٌ مِنْ مُنَافِقٍ. صفات الشيعه / 8

2- . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَعْرِفُونَ الْعُلَمَاءَ إِلَّا بِثَوْبٍ حَسَنٍ وَ لَا يَعْرِفُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا بِصَوْتٍ حَسَنٍ وَ لَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَ لَا حِلْمَ لَهُ وَ لَا رَحْمَةَ لَهُ. بحار الانوار 22/454

3- . عن المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النَّبِيِّ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ أَمَلْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَى عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمُؤَعِظَةَ وَ عَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشَّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَى مَسَائِكِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَى الشُّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَى الْعُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ وَ عَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْحَلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. بلدالامين / 350

مستقر می شود که حال و هوای اجتماع، نه تنها شباهتی به این فضا ندارد؛ بلکه درست در جهت مقابل، به انواع و اقسام آلودگی ها ملوث است. نه پیرانشان اهل وقار و عبادت و نه جوانانشان با توبه، انس دارند و نه زنانشان با حیا و عفت، نه رعیت ایشان با انصاف و مروت و نه حاکمان، رحم و شفقتی دارند. این همان جامعه ی آخرالزمانی است که باید با ظهور منجی به یکباره اصلاح و دگرگون شود. به بعضی از روایات در این باره توجه فرمایید. سلمان فارسی گوید: خدمت حضرت امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ عرض کردم: قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند:

«قائم، ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید: کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد، حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد، قرآن را با غنا بخوانند، پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق، محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورت هایشان همانند سپر می باشد و بصره خراب گردد. در این موقع، قیام کننده ی ما از فرزندان امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ قیام می کند.»(1)

ابان بن تغلب درباره ی وضعیت اجتماعی آن زمان از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کند که آن حضرت فرمودند:

«چگونه خواهید بود آن زمان که کساد و تعطیلی در بین دو مسجد (مسجد الحرام و مسجد النبی یا مسجد کوفه و مسجد سهله) واقع شود؛ پس علم در آن جمع گردد همچنان که مار، خود را در سوراخ خویش گرد می کند و شیعیان در میان

ص: 47

1- . قَالَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالِيًا فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِكَ فَتَنَفَسَ الصُّعْدَاءُ وَقَالَ لَا يَطْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أَمْرُ الصَّبِيَّانِ وَيَضِيْعَ حُقُوقُ الرَّحْمَنِ وَيَتَغَنَّيَ بِالْقُرْآنِ فَإِذَا قُتِلَتْ بَنِي الْعَبَّاسِ أَوْلِيَا الْعَمَى وَالْإِلْتِبَاسِ أَصْحَابِ الرَّمِيِّ عَنِ الْأَقْوَاسِ بُوْجُوْهِ كَالْتَّرَاسِ وَخَرِبَتْ الْبَصْرَةُ هُنَاكَ يَوْمَ الْقَائِمِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. العدد القوية / 75 و بحار الأنوار

275 / 52

خویش دچار اختلاف شوند و پاره ای دیگری را دروغگو خوانند و بعضی در روی عده ای دیگر، آب دهان اندازند. عرض کردم: خیری در آن زمان نیست، فرمودند: (بلکه) همه ی خیر در همان زمان است " و این سخن را سه بار تکرار کردند " و منظور آن حضرت نزدیک شدن فرج بود». (1)

جابر بن عبدالله انصاری نیز نقل کند که حضرت امیرالمؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ بالای منبر بصره خطبه ی رسایی ایراد کرده و پس از حمد و ثنای الهی فرمودند:

«ای اهل کوفه و بصره! (بیاید زمانی که) ثروتمندان شما در شام و فقیرانتان در بصره باشند.»

جابر گوید: عرض کردم: چه زمانی چنین شود؟ فرمودند: «آن هنگام که در امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شصت خصلت آشکار شود " تا آنجا که فرمودند": زمانی که مرگ در بین علما و فقها بیفتد و اشرار و نادانان، عمر طولانی کنند و امت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نماز را ضایع کنند و به دنبال شهوات رفته، امانتداری اندک و در عوض، خیانت، فراوان شود. قهوه نوشیده و با شامات بازی کنند (2). نماز عشاء را به جا نیاورند و با ناسزا گفتن به پدران و مادران، با یکدیگر شوخی کنند. زمانی که صداها در مساجد به دعوا و خصومت بلند شده و آنجا را محل کسب و تجارت قرار دهند و در معاملات، خیانت کنند و از عذاب خدا نهراسند و فراوان، گناه کنند و کارهای خوبشان اندک باشد و معصیت رب العالمین نموده و بارانشان بی فائده و فرزندانشان مایه اندوه و غصه شوند. همان زمانی که قاضیان، رشوه بگیرند و زنان، حقوق ها را بدهند و حیا اندک شده و پنهانی ها آشکار شود و هوا تیره و آلوده شود و راه ها ناامن گردد و ترس و نگرانی فزونی یافته و مردم فاسد شده و ساعات بی برکت شود و قناعت، زشت منظر گردد و اشرار، بیشتر شده و اخیار، کمتر شوند و راه ها بسته شود و اسرار فاش شوند و همجنس بازی فراوان شده و ظلم سلاطین، فزونی یابد و شیطان ها فریب کاری کنند و دیانت به ضعف گراید و

ص: 48

1- . عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا وَقَعَتِ السَّبْطَةُ بَيْنَ الْمَسِّ جَدَيْنِ فَيَارِزُ الْعِلْمُ فِيهَا كَمَا تَارِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا وَ اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ بَيْنَهُمْ وَ سَمَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ وَ يَتُّفَلُ بَعْضُهُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ فَقُلْتُ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُولُهُ ثَلَاثًا يُرِيدُ قُرْبَ الْفَرَجِ. غيبت نعمانی / 159 و بحار الانوار 52/134

2- . شاید نام يك بازی و یا به قرینه دیگر روایات منظور دختران باشد

مال یتیم را بخورند و مساکین را از خویش برانند، و پارتی بازی در قضاوت ها رایج شود و بین سلاطین، جنگ به راه افتد، و مردم، سفیه و نادان شوند، و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء کنند و دیوارها را نما و زینت کنند و قصرها را بلند و رفیع بسازند و شهادتِ دروغ دهند و کسب و کارشان در مضیقه و تنگی واقع شود و عرضه ی اجناس کمیاب شود و گناهان بزرگ، کوچک شمرده شود و زنان بر زین سوار شوند، در آن هنگام، یک سال، چون یک ماه و ماه چون یک هفته و یک هفته مانند یک روز و یک روز چون یک لحظه بگذرد و آن یک لحظه نیز ارزش و قیمتی نخواهد داشت!

جابر گوید: پرسیدم: یا امیرالمؤمنین! این وقایع چه زمانی اتفاق می افتد؟ فرمودند:

«زمانی که زوراء (تهران و یا بغداد) آباد شود؛ پس مردمی پدید آیند با صورت های آدمی و قلب های شیطانی که مانند گرگ های درنده، بسیار خونریز و سفاک اند. اگر از ایشان پیروی کنی تو را بدگویی کنند و عیبت نمایان سازند و اگر از ایشان تبعیت کنی غیبت کنند؛ پس انسانِ حلیم در بین ایشان، اغواگر و انسان پلید، در بینشان حلیم شمرده شود. مؤمن در میانشان، بس ضعیف و خوار است؛ ولی در عوض، فاسق بینشان شریف و مورد احترام است. کودکشان نرم خو و جوانانشان بی حیا و پیرانشان منافق و دورو هستند. خردسالان، احترام بزرگترها را نگه نمی دارند و ثروتمندان به داد فقرا نمی رسند و پناه بردن و کمک خواستن از ایشان، جز خزی و خواری چیزی نصیب آدمی نمی کند. اگر چیزی از ایشان درخواست کنی جز فقر، نصیبی عایدت نشده و اگر از ایشان، عزتی بطلبی جز ذلت، بهره ای نیاندوزی. در ظاهر و آشکار با تو برادرند؛ ولی در خفا دشمنان تو اند. پس در چنین زمانی خدا اشرار را بر ایشان مسلط کرده و دعای خوبانشان را هم مستجاب نمی کند. در آن دوران، حاکمان و سلاطین، بر مبنای سخنان این و آن، مردم را مؤاخذه و دستگیر نمایند و قاضیان، قبول رشوه نموده و فقیهان به تأویلات حکم کنند (شاید منظور حکم بر مبنای مصالح است) و صالحان و خوبان نیز با دین، رزقِ دنیایشان را کسب کرده و از راه دین بخورند.» (1)

ص: 49

1- . عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: رَفِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْبَرِ الْبَصْرَةِ فَخَطَبَ خُطْبَةً بَلِيغَةً فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَهْلَ الْعِرَاقَيْنِ الْكُوفَةِ وَالْبَصْرَةِ اغْنَاؤُكُمْ بِالسَّامِ وَقَرَأُكُمْ بِالْبَصْرَةِ قَالَ جَابِرٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ إِذَا ظَهَرَ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ فِي الْمَشْرِاجَةِ سِتُّونَ خَصْمَةً إِلَى أَنْ قَالَ إِذَا وَقَعَ الْمَوْتُ فِي الْفُقَهَاءِ وَ الْعُلَمَاءِ وَ عَمَّرَتِ الْأَشْرَارُ وَ الشُّفَهَاءُ وَ صَبِعَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ الصَّلَوَاتِ وَ اتَّبَعَتِ الشَّهَوَاتِ وَ قَلَّتِ الْأَمَانَاتُ وَ كَثُرَتِ الْحَيَاتَانُ وَ سَرَبُوا الْقَهَوَاتِ وَ لَعَبُوا بِالسَّمَامَاتِ وَ نَامُوا عَنِ الْعَمَمَاتِ وَ تَفَاكَّهُوا بِشَمِّ الْأَبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَ رَفَعُوا الْأَصْوَاتِ فِي الْمَسَاجِدِ بِالْخُصُومَاتِ وَ جَعَلُوهَا مَجَالِسَ لِلتَّجَارَاتِ وَ غَشَوْا فِي الْبِضَاعَاتِ وَ لَمْ يَنْخَسُوا التَّقَمَاتِ وَ أَكْثَرُوا مِنَ السَّيِّئَاتِ وَ أَقْلُوا مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ عَصَوْا رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ صَارَ مَطَرُهُمْ قَيْظًا وَ وُلْدُهُمْ غَيْظًا وَ قَبِلَتِ الْقِضَاءُ الرُّشَاءَ وَ أَدَّتِ الْحُقُوقُ النِّسَاءَ وَ قَلَّ الْحَيَاءُ وَ بَرِحَ الْخِفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ أَظْلَمَ الْهَوَاءُ وَ اسْوَدَّ الْأَفْقُ وَ خِيفَتِ الطُّرُقُ وَ اسْتَدَّتْ الْبُؤْسُ وَ انْفَسَدَ النَّاسُ وَ قَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ شَبَّتِ الْقِتَاعَةُ وَ كَثُرَتِ الْأَشْرَارُ وَ قَلَّتِ الْأَخْيَارُ وَ انْقَطَعَتِ الْأَسْفَارُ وَ ظَهَرَتِ الْأَسْرَارُ وَ كَثُرَ اللُّوْطُ وَ جَارَتِ السَّلَاطِينُ وَ اسْتَحْوَذَتِ الشَّيَاطِينُ وَ صَدَّ عَفَ الدِّينِ وَ أَكَلُوا مَالَ الْيَتِيمِ وَ نَهَرُوا الْمَسَاكِينَ وَ صَارَتِ الْمُدَاهَنَةُ فِي الْقِضَاءِ وَ الْحُرُوبِ فِي السَّلَاطِينِ وَ السَّفَاهَةُ فِي سَائِرِ النَّاسِ وَ تَكَافَأَ الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ زَخِرْفُوا الْجِدَارَاتِ وَ عَلَوْا عَلَى الْقُصُورِ وَ شَهِدُوا بِالزُّورِ وَ ضَاقَتِ الْمَكَاسِبُ وَ عَزَّتِ الْمَطَالِبُ وَ اسْتَصَمَّ عَزُوا الْعِظَائِمُ وَ عَلَتِ الْفُرُوجُ عَلَى السُّرُوجِ فَحِينِيذٍ تَصِيرُ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ وَ الشَّهْرُ كَالْأَسْبُوعِ وَ الْأَسْبُوعُ كَالْيَوْمِ وَ الْيَوْمُ كَالسَّاعَةِ وَ السَّاعَةُ لَا قِيَمَةَ لَهَا قَالَ جَابِرٌ قُلْتُ وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ إِذَا عَمَّرَتِ الزُّورَاءُ إِلَى أَنْ قَالَ فَحِينِيذٍ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْأَدَمِيِّينَ وَ قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ سَفَاكُونَ الدِّمَاءِ أَمْثَالُ الدَّنَابِ

الضَّوَارِي إِنْ تَابَعْتَهُمْ عَابُوكَ وَإِنْ غَبَّتْ عَنْهُمْ اغْتَابُوكَ وَالْحَلِيمُ فِيهِمْ غَاوٍ وَالْغَاوِي فِيهِمْ حَلِيمٌ وَالْمُؤْمِنُ فِيهِمْ مُسْتَضَى عَفْوٍ وَالْفَاسِقُ فِيهِمْ شَرِيفٌ صَبِيهُهُمْ عَارِمٌ وَشَابُهُمْ شَاطِرٌ وَشَدَّيْحُهُمْ مُنَافِقٌ لَا يُوقِّرُ صَغِيرَهُمْ كَبِيرَهُمْ وَلَا يَعُودُ غَنِيَّهُمْ فَقِيرَهُمْ وَالْإِلْتِجَاءُ إِلَيْهِمْ خِزْيٌ وَطَلَبُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ قَفْرٌ وَالْعِزُّ بِهِمْ ذُلٌّ إِخْوَانُ الْعَلَانِيَةِ أَعْدَاءُ السَّرِيرَةِ فَحِينَنْدِ يَسْلُطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَشَدَّ رَأْسَهُمْ وَيَدْعُو خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ دَعَاؤُهُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَأْخُذُ السَّلَاطِينُ بِالْأَقَاوِيلِ وَالْقَضَاءُ بِالْبِرَاطِيلِ وَالْفُقَهَاءُ بِمَا يَحْكُمُونَ بِالتَّأْوِيلِ وَالصَّالِحُونَ يَأْكُلُونَ الدُّنْيَا بِالدِّينِ الْخَبَرِ. وَهَذِهِ الْخُطْبَةُ طَوِيلَةٌ مَعْرُوفَةٌ قَدْ نَقَلَ بَعْضُ أَجْرَائِهَا ابْنُ شَدَّ هَرَّاشُوبَ فِي الْمَنَاقِبِ وَبَعْضَ هَا الشَّيْخُ حَسَنُ بْنُ سَدِّ لَيْمَانَ الْجَلِّيُّ فِي مُنْتَخَبِ الْبَصَائِرِ. مُسْتَدْرِكُ

مولای متقیان حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در کلام نورانی دیگری فرمودند:

«زود باشد که روزگاری بر مردم بیاید که حق در آن پنهان، و باطل، ظاهر و مشهور گردد، و در آن زمان، نزدیک ترین افراد به مردم و والیان ایشان، دشمن ترین آنان می باشند، و وعده ی حق، نزدیک شده و الحاد، عظیم گردد و فساد، ظاهر شود، در یک چنین دورانی، اهل ایمان گرفتار شوند، و زلزله های شدید (در اعتقادات مردم) رخ دهد، و از سر اضطراب، نام های اشرار را بر خود بندد، و تمام تلاش مؤمن، حفظ خون و جان خود از دست نزدیکترین افراد به خویش است؛ سپس خداوند، فرج و گشایش خود را برای اولیایش جاری، و صاحب امر را بر دشمنان خود چیره و پیروز سازد.» (1)

ص: 50

1- قال امیر المؤمنین علیه السلام: ... أما إنه سيأتي على الناس زمان يكون الحق فيه مسطوراً و الباطل ظاهراً مشهوراً و ذلك إذا كان أولى الناس به أعداهم له و اقترب الوعد الحق و عظم الإلحاد و ظهر الفساد - هنالك ابتلي المؤمنون و زلزلوا زلزالاً شديداً و نحلهم الكفار أسماء الأشرار فيكون جهد المؤمن أن يحفظ مهجته من أقرب الناس إليه ثم يتيح الله الفرج لأوليائه فيظهر صاحب الأمر على أعدائه. الاحتجاج

1/251 و البرهان 5 / 835

«زمانی بر مردم فرا می رسد که تنها حيله گران سخن چين، مقرّبند و تنها فاجران بدکار، ظريف و لطيف شمرده می شوند و افراد با انصاف، ضعيف و ناتوان محسوب خواهند شد. در آن زمان، کمک به نیازمندان، خسارت و ضرر، و صله ی رحم (که حق مسلم خویشاوندان است) منت، و عبادت (که وظیفه ی هر انسانی در پیشگاه خداست) وسیله ی برتری جویی بر مردم خواهد بود. در آن زمان، حکومت به دست زنان و مشورت کيزان و فرمانروایی کودکان اداره خواهد شد.» (1)

به خاطر وجود انحرافات و دنیاطلبی های اکثر مردم، مؤمنین واقعی و پارسایان خدا ترس، در جامعه ی آخر الزمان به چنان ذلتی دچار شوند که پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره اش فرموده اند:

«زمانی بیاید که مؤمن در آن زمان از گوسفندش ذلیل تر باشد» (2)

جامعه که ترکیبی از زن و مرد، عالم و متعلم، کوچک و بزرگ، و فقیر و غنی... است، به صورتی باور نکردنی دچار انحطاط و دگرگونی شده به شکلی که هیچ چیزی سر جایش نباشد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده اند:

«زمانی بر امت من فرا رسد که امیرانشان ستمگر و دانشمندانشان حریص و عبادت کنندگانشان، ریاکار و تاجرانشان، رباخوارند. زنانشان به فکر زینت و آرایش اند و پسرانشان غم ازدواج دارند. در این هنگام، امت من، همچون کسادی بازارها به رکود مبتلا شود و رواجی ندارد. مردگان، داخل قبرها از خیر آنان ناامیدند و نیکان بین آنان زندگی نمی کنند، در این زمان فرار کردن بهتر از ماندن است» (3)

ص: 51

1- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُعْرَفُ فِيهِ إِلَّا الْمَاحِلُ وَلَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ وَلَا يُؤْتَمَنُ فِيهِ إِلَّا الْخَائِنُ وَلَا يَحُونُ إِلَّا الْمُؤْتَمَنُ يَتَّخِذُونَ الْفَيْءَ مَغْنَمًا وَالصَّدَقَةَ مَغْرَمًا وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا وَالْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ وَتَعَدِّيًّا وَذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ سُلْطَانِ النَّسَاءِ وَمُشَاوَرَةِ الْإِمَاءِ وَإِمَارَةِ الصَّبِيَّانِ. بحار الأنوار 75 / 22

2- . قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانُ الْمُؤْمِنِ فِيهِ أَذَلُّ مِنْ شَاتِهِ. نهج الفصاحة / 799

3- . قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ أَمْرَاؤُهُمْ يَكُونُونَ عَلَى الْجَوْرِ وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَعِبَادُهُمْ عَلَى الرِّبَا وَتُجَارُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَنِسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا وَعِلْمَانُهُمْ فِي التَّرْوِيجِ فَعِدَّةٌ ذَلِكَ كَسَادُ أُمَّتِي كَكَسَادِ الْأَسْوَاقِ وَلَيْسَ فِيهَا مُسَدِّتٌ تَقِيمُ الْأَمْوَاتِ آيُسُونَ فِي قُبُورِهِمْ مِنْ خَيْرِهِمْ وَلَا يُعِيشُونَ الْأَحْيَاءَ فِيهِمْ فَعِدَّةٌ ذَلِكَ الْهَرَبُ خَيْرٌ مِنَ الْقِيَامِ. جامع الأخبار / 130 و بحار الانوار 22/454 و اعلام الدين / 285

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از جد اطهرشان رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ روایت کنند که فرمودند:

«زمانی بر مردم خواهد آمد که جز از راه کشتار و گردنکشی به حکومت نمی رسند و جز از طریق غصب و بخل، بی نیاز نمی شوند، و جز در اثر خارج شدن از دین و پیروی از هوس ها، محبت مردم را به دست نمی آورند. پس هر که آن دوران را درک کند و با اینکه توانایی بر بی نیاز ساختن خود دارد، تنگدستی را تحمل کند، و با اینکه قدرت بر جلب محبت دیگران دارد، بر دشمنی آنان شکبیا باشد، و با اینکه می تواند به عزت، دست یابد خواری را تحمل کند، خداوند پاداش پنجاه صدیق را به او خواهد داد.» (1)

امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز درباره اوضاع پیش از ظهور فرموده اند:

«...گروهی میان مردم ظهور می کنند که بهره ای از نیکی ندارند و با اینکه مردم را به فرزند من فرا می خوانند، خود از او بیزارند. گروهی پست و بی بهره از خوبی اند؛ فرمانروای شروران و فریب دهنده ی گردنکشان و هلاک کننده ی پادشاهان اند. از اطراف کوفه پدیدار می شوند و فرمانده ی ایشان، مردی سیاه چرده و سیاه دل، سست عقیده، و بی بهره از نیکی، فرومایه، تندخو، خشن و بی اصل و نسب است که از زیر دست مادرانی تباهاکار و از بدترین تبارها بیرون آمده است. خداوند، آنان را از باران رحمتش سیراب نکند... لعنت خدا بر سرکشان و طاغیان بنی امیه و بنی عباس؛ خیانتکارانی که فرزندان پاک مرا می کشند و حق مرا در این باره پاس نمی دارند و در آنچه با حریم من می کنند، از خدا نمی هراسند! بی گمان، بنی عباس، روزی مانند روز طموح خواهند داشت که مانند زن آبستن، فریاد خواهند زد. وای بر پیروان فرزندان عباس! از جنگی که میان نهانند و دینور رخ می دهد! آن، جنگ فقیران پیرو علی است به فرماندهی مردی از همدان که همنام پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ است و موصوف به صفاتی مانند خلقت معتدل و خلق نیکو و زیبایی و

ص: 52

1- .عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ فِيهِ الْمُلْكُ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَ التَّجْبِيرِ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَضَبِ وَ الْبُخْلِ وَ لَا الْمَحَبَّةُ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَ اتِّبَاعِ الْهَوَى فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْبُغْضَةِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَ صَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى وَ صَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ تَوَابَ خَمْسِينَ صَدِيقًا مِمَّنْ صَدَّقَ بِهِ. كافي / 2

91 و مشکاة الأنوار / 19

شادابی می باشد. صدایی تکان دهنده، مژگانی بلند و گردنی کشیده دارد، میان موهایش فرق باز کرده و دندان های جلوییش از هم فاصله دارند، بر اسب که می نشیند، مانند ماه شب چهارده در شب تاریک می درخشد. با گروهی حرکت می کند که بهترین گروهی است که به خدا پناه برده، به او نزدیکی جسته و به فرمایشش گردن نهاده اند. آنان، قهرمانان عرب اند که خود را به آن جنگ سخت و ناخوشایند می رسانند، و در آن روز، عقب نشینی و شکست، از آن دشمنان است و آن روز برای دشمن، روز مصیبت و ریشه کن شدن است.» (1)

در خبری دیگر، نزال بن سبره گوید: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلِيهِ السَّلَامُ برای ما خطبه خوانده و بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر محمد و آل او عَلِيهِمُ السَّلَامُ فرمودند:

«ای مردم! از من پرسید، پیش از آن که مرا بجوید و نیابید "و سه بار این را فرمودند."»

پس صعصعه بن صوحان برخاسته و گفت: ای امیر مؤمنان! دجال، کی خروج می کند؟ امام عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«بنشین که خداوند، سختت را شنید و آنچه را خواستی، دانست. به خدا سوگند! آن که از او پرسیده شده، از آن که پرسیده، آگاه تر نیست؛ اما این مسئله، نشانه ها و علامت هایی دارد که در پی هم و گام به گام می آیند و اگر بخواهی، تو را از آنها با خبر می کنم. صعصعه گفت: آری! ای امیر مؤمنان! فرمودند: حفظ کن، که از نشانه های آن است: هنگامی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را تباه کنند و دروغ

ص: 53

1- . قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيهِ السَّلَامُ: ... حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمْ عِصَابَةٌ لَا خَلْقَ لَهُمْ عَلَى الْأَشْدَّارِ مُسْلَطَةٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ مُفْتَنَةٌ وَ لِلْمَلُوكِ مُبِيرَةٌ تَظْهَرُ فِي سَوَادِ الْكُوفَةِ يَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ وَ الْقَلْبِ رَثُّ الدِّينِ لَا خَلْقَ لَهُ مُهَجَّنٌ زَيْنٌ عَتْلٌ تَدَاوَلَتْهُ أَيْدِي الْعَوَاهِرِ مِنَ الْأَمْهَاتِ مِنْ شَرِّ نَسْلِ لَا سَقَاهَا اللَّهُ الْمَطْرَ فِي سَنَةِ إِظْهَارِ غَيْبَةِ الْمُتَغَيَّبِ مِنْ وَدَيِّ صَاحِبِ الرَّايَةِ الْحَمْرَاءِ وَ الْعَلَمِ الْأَخْضَرِ أَيُّ يَوْمٍ لِلْمُخَيَّبِينَ بَيْنَ الْأَنْبَارِ وَ هَيْتَ ذَلِكَ يَوْمَ فِيهِ صَدَقَ الْأَكْرَادُ وَ الشُّرَاةُ وَ خَرَابَ دَارِ الْفِرَاعَةَ وَ مَسَّ كَنْ الْجَبَابِرَةِ وَ مَاوَى الْوَلَاةِ الظَّلْمَةِ وَ أُمَّ الْبِلَادِ وَ أُخْتِ الْعَادِ تِلْكَ وَ رَبِّ عَلِيٍّ يَا عَمْرُو بْنَ سَعْدٍ بَعْدَادُ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْعِصَابَةِ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَ بَنِي الْعَبَّاسِ الْخَوَنَةِ الَّذِينَ يَقْتُلُونَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وَدَيِّ وَ لَا يُرَاقِبُونَ فِيهِمْ ذِمَّتِي وَ لَا يَخَافُونَ اللَّهَ فِيمَا يَقْعَلُونَهُ بِحُرْمَتِي إِنْ لَبَّيْتُ الْعَبَّاسِ يَوْمًا كَيَوْمِ الطَّمُوحِ وَ لَهُمْ فِيهِ صَدْرُ رَحَةٍ كَصَدْرَةِ الْحُبْلَى الْوَيْلُ لِسَيِّعَةِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْحَرْبِ الَّتِي سَنَحَ بَيْنَ نَهْأَوْنَدَ وَ الدَّيْنُورِ تِلْكَ حَرْبُ صَعَالِيكَ شَيْعَةَ عَلِيٍّ يَقْدُمُهُمْ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ اسْمُهُ عَلَى اسْمِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَنْعُوتٌ مَوْصُوفٌ بِإِعْتِدَالِ الْحُلُقِ وَ حُسْنِ الْحُلُقِ وَ نَصَارَةِ اللَّوْنِ لَهُ فِي صَوْتِهِ ضَجَاجٌ وَ فِي أَشْفَارِهِ وَطْفٌ وَ فِي عُنُقِهِ سَطْعٌ أَفْرَقَ الشَّعْرَ مُفَلَّجٌ الثَّنَائِيَا عَلَى فَرَسِهِ كَبْدَرٍ تَمَامٌ إِذَا تَجَلَّى عِنْدَ الظَّلَامِ يَسِيرٌ بِعِصَابَةٍ خَيْرِ عِصَابَةٍ أَوْتٌ وَ تَقَرَّبَتْ وَ دَانَتْ لِلَّهِ بِيَدَيْنِ تِلْكَ الْأَبْطَالِ مِنَ الْعَرَبِ الَّذِينَ يَلْحَقُونَ حَرْبَ الْكُرَيْبَةِ وَ الدَّبْرَةَ يَوْمَئِذٍ عَلَى الْأَعْدَاءِ إِنْ لَلْعَدُوِّ يَوْمَ ذَلِكَ الصَّيْلَمِ وَ الْإِسْتِصَالَ. غيبت نعمانی 147/

گفتن را حلال بشمرند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمان های بلند بسازند و دین را به دنیا بفروشند و نابخردان را به کار بگمارند و با زنان، مشورت کنند و از خویشان بپزند و از هوس ها پیروی کنند و خون ها را سبک بشمرند و بردباری را ناتوانی و ستم را افتخار بپندارند و فرمانروایان، نابکار، و وزیران، ستمکار و مسئولان، خیانتکار و قاریان، تباہکار باشند و گواهی دروغ، پدیدار گردد و فسق و فجور و تهمت و نسبت نادرست و گناه و سرکشی هویدا شود و قرآن ها را زینت کنند و مسجدها را بیاریند و مناره ها را برافرازند و بدان را گرامی بدارند و صف های [نماز] پر و پیوسته و دل هایشان با هم ناسازگار باشد و پیمان ها شکسته و وعده ی خدا، نزدیک شود و زنان به خاطر حرص دنیا، با همسران خود در تجارت، شریک شوند و صداهای فاسقان، بلند گردد و به آنها گوش بسپارند، و پست ترین قوم، بزرگ آنها شود و از فرد نابکار به خاطر شرارتش، پرهیزند و دروغگو تصدیق شود و امانت را نزد خیانتکار بنهند و بردگان و آوازه خوانان را به خدمت گیرند و آخر این امت، اول آن را لعنت کند و زنان بر زین ها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت جویند و گواهی دهند، بی آن که حاضر بوده باشد، گواهی دهد و دیگری بی آنکه آن را بداند، گواهی دهد تا حقی را به عهده ی کسی بگذارد و دین را برای غیر آن، فرا بگیرند و عمل دنیا را بر آخرت، مقدم بدارند و در درون، گرگ باشند و در بیرون، میش بنمایند و دل هایشان از مردار، بدبوتر و از بوته ی تلخ، تلخ تر شود. در این هنگام، تند و با شتاب، سریع و بی تأخیر به قیام (مهدی عَلَیْهِ السَّلَام) بیوندید و آن هنگام، بهترین جاها، بیت المقدس است و روزگاری بر مردم می آید که هر یک از شما آرزو می کند که از ساکنان آن جا باشد. پس اصبع بن نباته برخاسته و گفت: ای امیر مؤمنان! دجال کیست؟ فرمود: هان که دجال، صائد "صید کننده"، پسر صید است! شوربخت، کسی است که او را تصدیق کند و خوش بخت، کسی است که او را تکذیب کند. از شهری به نام اصفهان، از روستایی؛ از آن جا که بهیهودیه شناخته می شود خروج می کند. چشم راستش ساییده شده است، اما چشم چپش مانند ستاره ی صبح، در پیشانی اش می درخشد و لخته خونی در آن دیده می شود. میان دو چشمش، نوشته شده است: "کافر"، به گونه ای که هر باسواد و بی سواد آن را می خواند. در دریاها فرو می رود و خورشید، همراهش حرکت

می کند. پیش رویش، کوهی از دود و پشت سرش، کوهی سفید است که مردم آن را خوارک می پندارند و هنگامی خروج می کند که قحطی شدیدی همه جا را فرا گرفته است. زیر پایش، درازگوشی سفید است که هر گامش یک میل است و زمین برای او منزل به منزل نور دیده می شود و از آبی نمی گذرد، جز آن که تا روز قیامت، در زمین فرو می رود. با بالاترین آوایش، ندایی می دهد که جنّ و انسان و شیطان ها از این سو تا آن سوی آسمان، آن را می شنوند. او می گوید: "دوستانم به سویم بیایید. من کسی هستم که آفریدم و معتدل ساختم، تقدیر کردم و ره نمودم. من، خدای برتر شمایم؛ ولی دشمن خدا، دروغ می بافد! او فرد یک چشمی است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود، در حالی که خدای شما یک چشم نیست، غذا نمی خورد و در بازارها راه نمی رود و جا به جا نمی شود. خداوند، بسیار برتر و والاتر از اینهاست. هان که بیشتر پیروانش در آن روزگار، زنازادگان هستند و کسانی که ردای سبز به تن دارند. او در شام، بر بالایی گردنه ای به نام گردنه اُفقی، سه ساعت از روز جمعه گذشته، به دست کسی که عیسی بن مریم علیه السّلام پشت سر او نماز می خواند، کشته خواهد شد!..." (1)

ص: 55

1- . عن نزال بن سبره قال: حَظَبْنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي ثَلَاثًا فَقَامَ إِلَيْهِ صَعْصَعَةُ بْنُ صُوحَانَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: افْعُدْ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَعَلِمَ مَا أَرَدْتَ وَاللَّهِ مَا الْمَسْئُولُ عَنْهُ بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَلَكِنْ لَذَلِكَ عَلَامَاتٌ وَهَيئَاتٌ يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا كَحَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَإِنْ شِئْتَ أَتْبَأْتُكَ بِهَا قَالَ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: احْفَظْ فَإِنَّ عَلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا الْكُذِبَ وَ أَكَلُوا الرِّبَا وَ أَخَذُوا الرِّشَا وَ شِيدُوا البُنْيَانَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ شَاوَرُوا النِّسَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَفُّوا بِالْدمَاءِ وَ كَانَ الْجِلْمُ ضَعْفًا وَ الطُّلْمُ فُحْرًا وَ كَانَتِ الْأُمَرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوُزَرَاءُ ظَلَمَةً وَ الْعُرَفَاءُ حَوْنَةً وَ الْقُرَاءُ فَسَقَةً وَ ظَهَرَتِ سَهَادَةُ الرُّورِ وَ اسْتَعْلِنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْإِنَّمُ وَ الطُّغْيَانُ وَ حَلِيَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخْرَفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ طَوَلَّتِ الْمَنَارَاتُ وَ أُكْرِمَتِ الْأَشْرَارُ وَ ارْذَحَمَتِ الصُّفُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ وَ نُفِضَتِ الْعُهُودُ وَ اقْتَرَبَ الْمَوْعُودُ وَ شَارَكَ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتِ أَصْوَاتُ الْفَسَاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ رَعِيمَ الْقَوْمِ أَزْدَلَهُمْ وَ انْتَهَى الْفَاجِرُ مَخَافَةَ شَرِّهِ وَ صَدِّقَ الْكَاذِبُ وَ أُوْتِمِنَ الْخَائِنُ وَ اتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَ الْمَعَازِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَهَا وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ وَ تَسَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدَ الشَّاهِدُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخِرُ قَضَاءً لِذِمَامٍ بَغَيْرِ حَقِّ عَرَفَةٍ وَ نَفَقَهُ لِعَیْرِ الدِّينِ وَ آثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبَسُوا جُلُودَ الصَّنَانِ عَلَى قُلُوبِ الدُّنَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَتْنُ مِنْ الْجِيفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ فَعِنْدَ ذَلِكَ الْوَحَا الْوَحَا ثُمَّ الْعَجَلُ الْعَجَلُ خَيْرَ الْمَسَاكِينِ يَوْمَئِذٍ بَيْتُ الْمَقْدِسِ وَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَتَمَتَّى أَحَدُهُمْ أَنَّهُ مِنْ سَكَّانِهِ فَقَامَ إِلَيْهِ الْأَصَبُغُ بْنُ بُبَاةٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدَّجَالِ فَقَالَ أَلَا إِنَّ الدَّجَالَ صَائِدُ بْنُ الصَّيْدِ فَالْشَّقِيُّ مِنْ صَدَقَةٍ وَ السَّعِيدُ مِنْ كَذِبِهِ يَخْرُجُ مِنْ بَلَدَةٍ يُقَالُ لَهَا أَصَفَهَانُ مِنْ قَرْيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ عَيْنُهُ الْيَمْنَى مَمْسُوحَةٌ وَ الْعَيْنُ الْآخَرَى فِي جَبْهَتِهِ تُضِيءُ كَأَنَّهَا كَوْكَبُ الصُّبْحِ فِيهَا عِلْقَةٌ كَأَنَّهَا مَمْرُوجَةٌ بِالدَّمِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ كَافِرٌ يَقْرُؤُهُ كُلُّ كَاتِبٍ وَ أُمِّيٌّ يَحُوضُ الْبِحَارَ وَ تَسِيرُ مَعَهُ الشَّمْسُ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبَلٌ مِنْ دُحَانٍ وَ حَلْفُهُ جَبَلٌ أَبْيَضُ يَرَى النَّاسُ أَنَّهُ طَعَامٌ يَخْرُجُ حِينَ يَخْرُجُ فِي قَحْطٍ شَدِيدٍ تَحْتَهُ حِمَارٌ أَقْمَرُ خُطُوهُ حِمَارِهِ مِثْلُ تَطْوِي لَهُ الْأَرْضُ مِنْهَا لَا يَمُرُّ بِمَاءٍ إِلَّا غَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْخَافِقِينَ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ يَقُولُ إِلَيَّ أَوْلِيَائِي أَنَا الَّذِي خَلَقْتُ فَسَوَى وَ قَدَّرْتُ فَهَدَى أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى وَ كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ إِنَّهُ أَعْوَرَ يَطْعَمُ الطَّعَامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ إِنَّ رَبُّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ بِأَعْوَرَ وَ لَا يَطْعَمُ وَ لَا يَمْشِي وَ لَا يُزُولُ تَعَالَى اللَّهُ عَن ذَلِكِ عَلَوًّا كَبِيرًا أَلَا وَ إِنَّ أَكْثَرَ أَتْبَاعِهِ يَوْمَئِذٍ أَوْلَادُ الرِّثَا وَ أَصْحَابُ الطَّيَالِسَةِ الْخُصْرِ يَقْتُلُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالشَّامِ عَلَى عَقَبَةٍ تُعْرَفُ بِعَقَبَةِ أُفَيْقٍ لِثَلَاثِ سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ عَلَى يَدٍ مِنْ بَصْرَةَ لِي الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَلْفُهُ...»

هشتمین حجت پروردگار، حضرت ابالحسن الرضا علیه السلام از امیرمؤمنان علی علیه السلام پیرامون وضعیت خرید و فروش در آخرالزمان فرموده اند:

«بر مردم روزگاری می آید، سخت گزنده که توانگر از شدت بخل، مال خود را با دندان نگه می دارد، و حال آنکه او را چنین نفرموده اند. خدای سبحان، می فرماید: "بخشندگی را میان خود فراموش مکنید" در آن روزگاران، انسان های بد، بلند پایه شوند و نیکان، خوار گردند و با درماندگان و مضطربانی که مجبورند چیزی را بفروشند و یا بخرند، معامله کنند؛ و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معامله با چنین کسانی را در حالت اضطرار منع فرموده اند.» (1)

از این روایت و امثال آن به وضوح، روشن است که در آخرالزمان، ثروتمندان از رسیدگی به حال فقرا امتناع کرده و هر کسی که پولی دارد به دنبال بیچاره ای می گردد که از فرط اضطرار، چون تأمین هزینه ی درمان و مانند آن، ناچار به فروش ما یملکش شده، تا بتواند آن جنس را از او به کمتر از بهای اصلی اش خریداری کند یا اینکه اگر کالایی در اختیار دارد به دنبال گرفتاری می گردد که مجبور به تهیه ی آن است تا بتواند به بهایی گزاف، آن را به این بیچاره بفروشد!

ص: 56

1- . عن الرضا، علیه السلام بإسناد ناده عن الحسن بن بن علي عليه السلام قال: خطبنا أمير المؤمنين عليه السلام على المنبر قال سيأتي على الناس زمان يعرض الموسير على ما في يديه ولم يؤمر بذلك قال الله تعالى ولا تنسوا الفضل بينكم و سيأتي على الناس زمان يقدم الأشرار و ليسوا بأخيار و يباع المصطر و قد نهى رسول الله ص عن بيع المصطر و عن بيع الغرر و عن بيع الثمار حتى تدرك فاتقوا الله أيها الناس و احفظوني في أهل بيتي و أصلحوا ذات بينكم. مستدرک الوسائل 13 / 283

«زمانی به مردم برسد که با افراد مضطر و بیچاره معامله شود؛ در حالی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از چنین معامله ای نهی کرده اند.» (1)

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ افرادی را که اهل چنین معامله ای هستند، بدترین مردم نامیده و ایشان را شرار الناس خوانده اند. (2)

اما یکی از بزرگترین آفات اقتصادی آن زمان، حلال شمردن ربا و فراگیر شدن آن است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«زمانی فرا برسد که ربا را با نام خرید و فروش و شراب را به نام نبیذ، و رشوه را به نام هدیه، حلال بشمارند.» (3)

رباخوری آنچنان رایج شود که احدی از شرش در امان نماند. نبی خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند:

«دوره ای بیاید که نماند کسی مگر آنکه ربا بخورد و اگر ربا هم نخورد گرد آن بر او بنشیند.» (4)

قاریان قرآن

قرائت قرآن هم که از بهترین عبادات است در آخرالزمان از لوث فتنه ها و بدعت ها مصون نمی ماند. پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده اند:

«قرآن را به لحن و صوت عربی بخوانید و از لحن های گنهکاران و اهل فسوق پرهیزید که زمانی بر مردم خواهد آمد که قرآن را با چهچه های غنا و نوحه خواهند خواند»

ص: 57

- 1- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُبَاعُ فِيهِ الْمُضْطَرُونَ وَقَدْ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ عَنْ بَيْعِ الْمُضْطَرِّينَ. أعلام الدين / 105
- 2- . عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ يَعَضُّ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا فِي يَدِهِ وَيُنْسَى الْفَضْلَ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ثُمَّ يَنْبِرِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ يُبَاعُونَ الْمُضْطَرِّينَ أَوْلِيكَ هُمْ شَرَّاءُ النَّاسِ. وسائل الشيعة 17 / 448
- 3- . قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُسْتَحَلُّ فِيهِ الرَّبَا بِالْبَيْعِ وَالْحَمْرُ بِالنَّبِيذِ وَالشُّحْتُ بِالْهُدْيَةِ. مستدرک الوسائل 13 / 332
- 4- . قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ. مستدرک الوسائل 13 / 333

خواند در حالی که قرآن فقط گلهای ایشان را به خود مشغول کرده و دل های ایشان و دل های کسانی که از این قاریان خوششان می آید (از آن خالی و) دگرگوناست.»(1)

و همچنین فرموده اند:

«به زودی می آید زمانی بر امت من که شناسند علما را مگر با لباس زیبا (یعنی علامت یک عالم در آن زمان لباس نیکوی اوست) و قرآن را نمی شناسند مگر با صدای زیبا و خدا را نمی پرستند مگر در ماه رمضان وقتی که اینطور شد، خداوند مسلط می کند بر آنها حاکمی را که نه علمی داشته باشد و نه حلمی و نه رحمی»(2)

ص: 58

1- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اقْرءُوا الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا، وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونِ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَأَهْلِ الْكِبَائِرِ! فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُرْجَعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالتَّوْحِ وَالرَّهْبَانِيَّةِ، لَا يَجُوزُ تَرَاقِيهِمْ، قُلُوبُهُمْ مَغْلُوبَةٌ وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ. هداية الأمة / 6

36

2- . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَعْرِفُونَ الْعُلَمَاءَ إِلَّا بِثَوْبٍ حَسَنٍ وَلَا يَعْرِفُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا بِصَوْتٍ حَسَنٍ وَلَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَلَا حِلْمَ لَهُ وَلَا رَحْمَةَ لَهُ. بحار الانوار 453 / 22

آشنایی با دشواری های زمان غیبت

۲

یکی از وظایفی که برای هر مؤمنی در فرمایشات آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ترسیم شده است این است که باید به زمان خویش و مقتضیات آن آگاه بوده و آن را بشناسد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در همین زمینه فرموده اند:

«بر انسان عاقل لازم است که زمان خویش را بشناسد و جایگاهش را بداند و مراقب زبانش باشد.»(1)

ضرورت شناخت دوران غیبت که دشوارترین ازمنه است بر هیچ کس پنهان نبوده و قطعاً یکی از ثمرات علم به زمان و دوران زندگی، مصونیت از انحرافات و فتن است. لذا ششمین حجت پروردگار که درود خدا بر ایشان باد فرموده اند:

«کسی که زمان خویش را بشناسد شبهات بر او هجوم نمی آورد»(2)

کسی که امروزه، عالم به زمانش باشد می داند که اکنون، دوران امامت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ بوده و در زمان غیبت ایشان به سر می برد نه در زمان امامت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ یا سائر ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. برای او وظایفی ترسیم شده که باید به آنها عمل کند و او ملت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است نه امام دیگر. پس باید بداند که زمان غیبت چه زمانی است و وظایف خویش را در آن بداند تا بتواند به آنها عمل کند.

ص: 60

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلِّسَانِهِ. کافی 116/2

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَائِسُ. کافی 1 / 27 و تحف العقول / 356

از این دوران با تعبیر مختلفی یاد شده که به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

1- دوران غیبت طولانی

اصبغ بن نباته گوید: امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام را یاد کرده و فرمودند:

«به تحقیق او را چنان غیبتی باشد که نادان لب به سخن گشوده و بگوید: خدا را با آل محمد علیهم السلام کاری نیست.» (1)

و امام به حق ناطق، حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نیز فرموده اند:

«به خدا قسم! مهدی شما چنان غیبتی کند که انسان جاهل و نادان بگوید خدا را با آل محمد کاری نیست؛ سپس مانند شهاب ثاقب بیرون

آید و زمین را پر از عدل و داد کند آنچنان که از ظلم و جور پر شده باشد.» (2)

2- دوران غضب خدا

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که خداوند از آفریدگانش خشمگین شود، ما (اهل بیت) را از مجاورت با آن ها دور می سازد.» (3)

و همچنین مفضل بن عمر از امام ششم علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:

«نزدیکترین و پسندیده ترین حالت بندگان به خدای عزوجل آنگاه است که حجت خدا ناپدید گردد و بر آنها آشکار نباشد و جایش را

ندانند و با این حال بدانند که حجج و بینات خدا از میان نرفته است، در این وقت هر بام و شام در امید فرج باشید. و سخت ترین خشم

خدا بر دشمنانش آنگاه باشد که حجت خدا ناپدید شود و بر آنها آشکار نباشد، خدا دانسته است که دوستانش در شک نیفتند و اگر

ص: 61

1- . عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَمَا لِيَغِيْبَنَّ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ

حَاجَةٌ. كَمَالِ الدِّينِ 1 / 302

2- . قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا وَاللَّهِ لِيَغِيْبَنَّ عَنْكُمْ مَهْدِيكُمْ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مِنْكُمْ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ ثُمَّ يَقْبَلُ

كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. كَمَالِ الدِّينِ 2 / 342

3- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ نَحَانًا عَنْ جَوَارِهِمْ. كَافِي 1/343

می دانست که شک می کنند يك چشم به هم زدن حجت خود را از آنان نهان نمی داشت، و این در موقعی باشد که بدترین مردم باشند.»(1)

3- دوران حیرت

اصبغ بن نباته گوید: «روزی خدمت مولانا امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ رسیدم و ایشان را دیدم که به اندیشه فرو رفته و انگشت خود را بر زمین می کوفتند و یا می کشیدند. عرض کردم: ای امیر المؤمنین! (می بینم) بر روی زمین می زنی! آیا به آن دلبستگی دارید؟ فرمودند:

«نه به خدا قسم! هرگز ساعتی نه به آن علاقه داشته ام و نه به دنیا؛ لکن در فکر فرزندی از نسل خودم بودم که همان مهدی است و زمین را پر از عدل و دادگری خواهد کرد همچنان که لبریز از ستم و جفاکاری شده باشد؛ (امت) او را دوران سرگردانی و غیبت خواهد بود که طی آن گروه هایی گمراه و پاره ای دیگر نیز به هدایت دست می یابند.»

پس عرض کردم، ای امیر مؤمنان! مدت آن سرگردانی و غیبت چقدر خواهد بود؟ فرمودند:

«دوره ای از روزگار، پرسیدم: وقوع این امر حتمی است؟ فرمودند: آری! به همان اندازه حتمیت دارد که ولادت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ حتمیت دارد. پرسیدم: آیا من آن زمان را در می یابم؟ (من تا آن موقع زنده هستم؟) فرمودند: ای اصبغ! چگونه چنین کاری برایت ممکن است؟ (بدان که) آنان برگزیدگان این امت اند که همراه با نیکوکاران این اهل بیت خواهند بود. گفتم: پس از آن چه خواهد شد؟ فرمودند: خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد که خدا را خواسته ها و انگیزه ها است و به عواقبی و مصالحی در این امر نظر دارد.»(2)

ص: 62

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجُجُ اللَّهِ عَنْهُمْ وَبَيِّنَاتُهُ فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَدِّحًا وَ مَسَاءً وَإِنْ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَرْتَابُونَ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَرْتَابُونَ لَمَا غَيَّبَ عَنْهُمْ حُجَّتَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ. كَمَالِ الدِّينِ 337/2 وَ كَافِي 333/1 وَ كِتَابِ الْغَيْبِ طَوْسِي 457/ وَ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ 123

2- . عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فَوَجَدْتُهُ مُفَكَّرًا يَتَكَلَّمُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ تَتَكَلَّمُ فِي الْأَرْضِ أَرْغَبَةٌ مِنْكَ فِيهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا سَاعَةً قَطُّ وَ لَكِنَّ فِكْرِي فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسَّةً طَائِفًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَصِلُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَكَمْ تَكُونُ تِلْكَ الْحَيْرَةُ وَ الْغَيْبَةُ فَقَالَ سَبَبْتُ مِنَ الدَّهْرِ فَقُلْتُ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ فَقَالَ نَعَمْ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ قُلْتُ أُدْرِكُ ذَلِكَ الرَّمَانَ فَقَالَ أَنَّى لَكَ يَا أَصْبَغُ بِهَذَا الْأَمْرِ أَوْلَيْكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ أَبْرَارِ هَذِهِ الْعِثْرَةِ فَقُلْتُ ثُمَّ مَاذَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَإِنَّ لَهُ إِزَادَاتٍ وَ غَايَاتٍ وَ نِهَايَاتٍ. كَافِي 1/338 وَ كَفَايَةُ الْاِثْرِ 220/ وَ غَيْبِ نِعْمَانِي 60/ وَ دَلَاتِلِ الْإِمَامَةِ 529/ وَ بَحَارِ الْاِنْوَارِ 21/218

و از همان حضرت است که فرمودند:

«ای شیعیان! گویا می بینم شما را که چون شترانی که به دنبال مرتعی می گردند و نمی یابند سرگردان و متحیر خواهید شد.» (1)

4- دوران اختلاف

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«امر ظهور واقع نخواهد شد مگر پس از آنکه پاره ای از شما در روی بعض دیگر آب دهان اندازند و تا اینکه پاره ای از شما دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغگو بنامند» (2)

اصبغ بن نباته هم از امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«بسان زنبور عسل در میان پرندگان باشید؛ چون در میان پرندگان، پرنده ای نیست مگر اینکه زنبور عسل را ناتوان و کوچک می شمارد، و اگر پرندگان می دانستند در اندرون آنان چه برکتی نهفته است هرگز با او چنان رفتاری نمی کردند (یعنی او را رها نکرده و آزاد نمی گذاشتند)، با مردم به زبان ها و جسم های خویش، آمیزش داشته باشید (یعنی حشر و نشر زبانی و جسمانی)؛ ولی با دل های خویش و رفتارتان از آنان دوری کنید. قسم به آنکه جان من به دست اوست! آنچه را دوست می دارید (یعنی اقامه ی دولت عدل) نخواهید دید مگر پس از آنکه پاره ای از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و تا جایی که بعضی از شما عدّه ی دیگر را دروغگویان بنامد و تا آنجا که از شما (یا از شیعه من) باقی نماند مگر (عدّه ای ناچیز) همچون بی مقداری سر مه در

ص: 63

-
- 1- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي عَقْبَةَ الشَّاعِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَأَنِّي بِكُمْ تَجُولُونَ جَوْلَانَ الْإِبِلِ تَبْتَغُونَ الْمَرْعَى فَلَا تَجِدُونَهُ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ. كمال الدين 304 / 1
 - 2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَنْفَلُ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَحَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَحَتَّى يُسَمِّيَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ. غيبت نعمانی / 206

چشم و نمک در غذا. اکنون برای شما مثالی می‌زنم و آن عبارت از مثلِ مردی است که دارای گندمی باشد پس آن را پاک نموده و در خانه ای ریخته باشد و آن را به امید خدا در آنجا رها کرده باشد، بعد به سر وقتِ گندم خود باز گردد و ناگاه ببیند که در آنکرم افتاده است، پس آن را بیرون آورده پاک نماید؛ سپس آن را بدان خانه باز گردانیده و آن را رها نموده، مدتی در آنجا بماند باز نزد آن برگشته و ببیند که دیگر بار، تعدادی کرم به آن رسیده است، پس آن را خارج ساخته و تمیز و پاک نموده (به محلّ اول) باز گردانیده باشد و پیوسته این کار همچنان تکرار شود تا اینکه از آن همه گندم، فقط مثنی گندم خالص از خوشه که کرم نتوانسته هیچ آسیبی به آن برساند باقی بماند. شما نیز همین گونه مورد جداسازی قرار می‌گیرید تا اینکه از شما باقی نماند مگر جماعتی که فتنه‌ها به آنها زیانی نمی‌رساند». (1)

از عمیره بنت نفیل روایت شده است که گفت: شنیدم حسن بن علی (یا حسین بن علی) عَلَيَّهِمَا السَّلَامُ می‌فرماید:

«آن امر که شما انتظارش را می‌کشید واقع نخواهد شد تا اینکه پاره ای از شما از دیگری بیزاری جوید و بعضی از شما در روی دیگری آب دهان اندازد و پاره ای از شما بر کفر دیگری شهادت دهد و پاره ای از شما، عدّه‌ی دیگر را نفرین و لعن کند، پس به آن حضرت عرض کردم: خیری در چنین زمانی نیست. پس امام عَلَيَّهِ السَّلَامُ فرمودند: تمامی خیر در همان زمان است، قائم ما قیام می‌کند و همه اینها را از بین می‌برد». (2)

ص: 64

1- . عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كُونُوا كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا وَهُوَ يَسْتَنْصِفُ عِفْهَا وَ لَوْ عَلِمَتِ الطَّيْرُ مَا فِي أَجْوِفِهَا مِنَ الْبِرْكََةِ لَمْ تَفْعَلْ بِهَا ذَلِكَ خَالَطُوا النَّاسَ بِالسِّنِّتِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ زَايَلُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا تَرَوْنَ مَا تُحِبُّونَ حَتَّى يَنْفُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَسْمِيَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَدَّابِّينَ وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ أَوْ قَالَ مِنْ شَيْءٍ يَعْتَبِي إِلَّا كَالنَّحْلِ فِي الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ وَ سَأَصْرَبُ لَكُمْ مَثَلًا وَ هُوَ مَثَلُ رَجُلٍ كَانَ لَهُ طَعَامٌ فَتَقَاهُ وَ طَيَّبَهُ ثُمَّ أَدْخَلَهُ بَيْتًا وَ تَرَكَهُ فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ أَصَابَهُ السُّوسُ فَأَخْرَجَهُ وَ تَقَاهُ وَ طَيَّبَهُ ثُمَّ أَعَادَهُ إِلَى الْبَيْتِ فَتَرَكَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ أَصَابَتْهُ طَائِفَةٌ مِنَ السُّوسِ فَأَخْرَجَهُ وَ تَقَاهُ وَ طَيَّبَهُ وَ أَعَادَهُ وَ لَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَقِيَ مِنْهُ رِزْمَةٌ كَرِزْمَةِ الْأَنْدَرِ لَا يَضْرِبُهَا السُّوسُ شَيْئًا وَ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُمَيِّزُونَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ شَيْئًا. غيبت نعمانی / 209

2- . عَنْ عَمِيرَةَ بِنْتِ نَفِيلٍ قَالَتْ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ (الْحَسِينَ بْنِ عَلِيٍّ) عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ يَنْفُلَ بَعْضُكُمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَشْهَدَ بَعْضُكُمْ بِالْكَفْرِ عَلَى بَعْضٍ قُلْتُ مَا فِي ذَلِكَ خَيْرٌ قَالَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمًا فَيَرْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ. غيبت طوسی / 438 و غيبت نعمانی / 206

عبد الکریم هم روایت می کند که: نزد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ از امام قیام کننده یاد شد؛ پس حضرت فرمودند:

«چگونه چنین چیزی ممکن است؟ در حالی که زمانه هنوز چندان گردش نکرده است که گفته شود: او مرده یا هلاک شده است؟ اصلاً کجای عالم است؟ من عرض کردم: منظور از گردش روزگار چیست؟ فرمودند: وقوع اختلاف در بین شیعه.» (1)

و از مالک بن ضمیره روایت شده که گفت: امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای مالک! چگونه خواهی بود وقتی که شیعیان این چنین اختلاف کنند و انگشتان خویش را داخل هم نموده، بعضی را در میان بعضی دیگر فرو بردند»

پس عرض کردم: ای امیر المؤمنین! در چنان حال اثری از خیر نخواهد بود. آن حضرت فرمودند:

«تمامی خیر در آن هنگام است. ای مالک بن ضمیره! بدان! هنگامی که قائم ما به پا خواهد خاست، هفتاد مرد را که بر خدا و رسول او صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ دروغ می بندند پیش می کشد (فرا می خواند) و آنان را می کشد؛ سپس خداوند ایشان را جملگی بر امری واحد گرد می آورد (متفق می سازد)» (2)

5- دورانی که تمام پناهگاه ها فرو ریزد

در زمان غیبت، که مردم امامشان را گم کرده اند، هر کسی برای خویش به دنبال پناهگاه و مرجعی می گردد تا بوی امام و مراد خویش را از او استشمام کند؛ لکن هرچه که به زمان ظهور نزدیک تر شویم این پناهگاه ها فرو می ریزند تا مردم به یکباره احساس بی پناهی کرده، عاجزانه ظهور یار را طلب نمایند.

حسن بن علی بن فضال از امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل کرده است که حضرت فرمودند:

ص: 65

1- . عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ قَالَ: ذَكَرَ عِدَّةٌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْقَائِمُ فَقَالَ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَسْتَدِرِّ الْفُلُكُ حَتَّى يُقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَيِّ وَادٍ سَلَكَ فَقُلْتُ وَ مَا اسْتِدَارَةُ الْفُلُكِ فَقَالَ اخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ بَيْنَهُمْ. غيبت نعمانی / 157

2- عَنْ مَالِكِ بْنِ ضَمِيرَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَالِكُ بِنَ ضَمِيرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا وَ شَبَّكَ أَصَابِعَهُ وَ أَدْخَلَ بَعْضَهُمَا فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمًا فَيَقْدِمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ. غيبت نعمانی / 206

«گویا شیعه را می بینم، آن زمان که سومین (1) نفر از فرزندانم را نمی یابند و به دنبال این هستند که کسی امور آنان را به دست گیرد و شؤنشان را تدبیر نماید؛ ولی او را نمی یابند، عرض کردم: چرا ای پسر رسول خدا؟! حضرت فرمودند: زیرا امامشان غائب می گردد. عرض کردم: چرا؟ فرمودند: به این دلیل که در هنگام قیام، بیعتکسی در گردن او نباشد (و به اجبار با ظالم زمان خود بیعت نکرده باشد)». (2)

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیز در این باره فرموده اند:

«دل های مردانی از شما از این سختتان (اعتقاد به ولایت) روی درهم می کشد پس سعی کنید اول اندکی از آن را در اختیارشان قرار دهید، پس چنانچه شخص بدان اقرار نمود افزونش سازید و هر که انکار کرد پس رهاش کنید، همانا ناگزیر است که فتنه ای پیش آید که در آن، همه ی یاران یک دل و مراجع مورد اعتماد از پای درآیند چندان که افراد موشکاف [و محافظه کار] نیز در آن از پای در آیند تا آنجا که کسی بر جای نماند مگر ما و شیعیان ما». (3)

6- دوران یاس

ابوجارود گوید: از امام پنجم عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم: قیام کننده ی شما چه زمانی برمی خیزد؟ فرمودند:

«شما آن زمان را درک نخواهید کرد. گفتم: اهل آن زمان را درک می کنم؟ فرمودند: خیر! قیام کننده ی ما زمانی بر خواهد خاست که شیعه نا امید و مأیوس شده باشد». (4)

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نیز در روز خیبر به حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«ای علی! بپرهیز از حسدهایی که در سینه های مردم است از برای تو که ظاهر

ص: 66

1- . سومین نفر از فرزندان امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام حضرت امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام می باشند فلذا، ظاهرا در نقل متن حدیث، اشتباهی رخ داده و باید چهارمین باشد نه سومین.

2- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ خَالِهِ أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا قَالَ: قَالَ لِي الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْنَ مَنَزِلُكَ بِبَغْدَادِ قُلْتُ الْكَرْخُ قَالَ أَمَا إِنَّهُ أَسْلَمَ مُؤْضِعٍ وَ لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَدَّمَاءَ صَبَلِمَ تَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَ لِيَجَةِ وَ بَطَانَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي. عيون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام 2/7 و كمال الدين 371/2

3- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: إِنَّ حَدِيثَكُمْ هَذَا لَتَشْمِزُّ مِنْهُ قُلُوبُ الرِّجَالِ فَانْبُدُوهُ إِلَيْهِمْ تَبْدَأَ فَمَنْ أَقْرَبَهُ فَرِيدُوهُ وَ مَنْ أَنْكَرَ فَذَرُوهُ إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ تَكُونَ فِتْنَةٌ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَ و لِيَجَةِ حَتَّى يَسْقُطَ فِيهَا مَنْ يَشُقُّ الشَّعْرَةَ بِشَعْرَتَيْنِ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا نَحْنُ وَ شِيعَتُنَا. كافي 1/370 و غيبت نعماني 202

4- . عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُ، مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: يَا أَبَا الْجَارُودِ، لَا تُدْرِكُونَ. فَقُلْتُ: أَهْلَ زَمَانِهِ. فَقَالَ: وَ لَنْ تُدْرِكَ أَهْلَ زَمَانِهِ، يَقُومُ قَائِمُنَا بِالْحَقِّ بَعْدَ إِيَّاسٍ مِنَ الشَّيْعَةِ. إثبات الهداة 5/200 و دلائل الامامة 455

نخواهند ساخت آنها را مگر بعد از رحلت من. آن گروه را حق سبحانه و تعالی از رحمت خود رانده، و ایشان را لعنت کنندگان یعنی ملانکه با همراه همه ی آفریدگان؛ لعنت می کنند، و همه ی این طایفه سزاوار لعنت اند.»

سپس آن مظهر رحمت و مهربانی بنا به گریستن گذاشتند؛ پس مردم گفتند: یا رسول الله! سبب گریه ی شما چیست؟ فرمودند:

«جبرئیل به من خبر داد که نابکاران، بر این علی، ظلم کنند، و حق او را به ناحق بستانند، و با وی مقاتله نمایند؛ و فرزند او را شهید کنند، و بعد از او بر اهل بیت من ظلم بی حساب نمایند، و خبر داد جبرئیل که این وضعیت همواره باشد تا قیام کننده ی ایشان قیام کند، و کلمه ی ایشان بلند شود؛ و همه ی امت، بر محبت ایشان اجتماع نمایند، و دشمنانشان کم شوند، و کسانی که از ایشان بدشان می آید ذلیل گردند، و مباح ایشان بسیار شود، و چون بلاد، متغیر گردد و عباد ضعیف شوند و از فرج مایوس و ناامید شوند، آنگاه قیام کننده ی ما در میان ایشان ظاهر شود. و او هم نام من باشد، و پدر او هم نام پسر من (حسن)، و او از ولد دختر من باشد که حق را ظاهر سازد، و باطل را ناچیز گرداند، و شمشیر در میان ایشان نهد تا گروهی از مردم با رغبت به او، و گروهی از ترس، پیروی اش کنند.»

بعد از آن گریه ی آن حضرت تسکین یافته فرمودند:

«ای گروه اهل ایمان! بشارت باد شما را به فرج که وعده ی الهی را خلاف نیست، و حکم او تغییر پذیر نمی باشد که او حکیم خبیر است، و فتح الهی نزدیک است.» (1)

داود بن کثیر رقی گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! این امر (یعنی حکومت حق و الهی) چندان بر ما به درازا کشید که دلتنگ شدیم و از اندوه، جانمان به لب رسید، فرمودند:

ص: 67

1- . قال رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم لعلي عليه السلام: اتق الصغائين التي لك في صُدُورِ مَنْ لَا يُظْهِرُهَا إِلَّا بَعْدَ مَوْتِي أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ثُمَّ بَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقِيلَ مِمَّ بَكَوْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَ وَيَمْنَعُونَ حَقَّهُ وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ وَلَدَهُ وَيَظْلِمُونَ بَعْدَهُ وَأَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَعَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَأَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ وَكَانَ الشَّانِي لِهِمْ قَلِيلًا وَكَانَتْ الْمَادِحُ لَهُمْ وَذَلِكَ حِينَ تَغْيِيرِ الْبِلَادِ وَتَضَعُ الْعِبَادِ وَالْإِيَّاسِ مِنَ الْفَرَجِ وَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ فِيهِمْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اسْمُهُ كَاسِمِي وَاسْمُ أَبِيهِ كَاسِمُ ابْنِي وَهُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِي يُظْهِرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيُخَمِّدُ الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَيَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ بَيْنَ رَاغِبٍ إِلَيْهِمْ وَخَائِفٍ لَهُمْ قَالَ وَسَكَنَ الْبُكَاءَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلَفُ وَفَضَاءَهُ لَا يُرَدُّ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَاحْفَظْهُمْ وَارْزُقْهُمْ وَكُنْ لَهُمْ وَانصُرْهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَ لَا تُذَلِّهِمْ وَاحْلُفْنِي فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. كشف الغمه 1/ 398 و بحار الأنوار 28/ 45

«همانا این امر در نهایت ناامیدی (مردم) و سخت ترین مرتبه ی دلتنگی و اندوه ایشان محقق شود. ناگاه ندا کننده ای از آسمان به نام قائم و پدرش آواز سر می دهد.»

عرض کردم: فدایت شوم نام او چیست؟ آن حضرت فرمودند:

«اسم او اسم پیامبر و نام پدرش نام وصی پیامبر است.» (1)

7- دوران سختی و بلاء

محمد بن مسلم گوید از امام ششم حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می فرمودند:

«پیش از قیام حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نشانه هایی از طرف خدای عزوجل برای مؤمنان عیان شود.»

عرض کردم: خدا مرا فدایت کند آن نشانه ها چیست؟ فرمودند:

«آن، گفته ی خدای عزوجل است (در سوره بقره آیه 155) هر آینه شما را گرفتار کنیم و مقصود، مؤمنین است که پیش از ظهور قیام کننده عَلَيْهِ السَّلَام به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال و جان و میوه جات مبتلا شوند؛ و مژده بده صابران را. خدا می فرماید شما را گرفتار کنیم به ترس از پادشاهان بنی فلان (بنی عباس) در دوره ی آخر سلطنت آنها و گرسنگی به واسطه ی گرانی نرخ ها و نقصان اموال به واسطه ی کساد تجارت و کمی سود و نقصان نفوس به واسطه مرگ و میر فراوان و نقصان میوه جات به واسطه کمی برداشت محصولات زراعتی و مژده بده صابران را در این موقع به تعجیل ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَام. سپس فرمودند: ای محمد! این است تأویل آن آیه. به درستی که خدای تعالی می فرماید نمی داند تأویل قرآن را مگر خدا و راسخون در علم (یعنی ائمه عَلَيْهِم السَّلَام)» (2)

ص: 68

1- . عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَلَيْنَا حَتَّى ضَاقَتْ قُلُوبُنَا وَ مِتْنَا كَمَا قَالَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيَسٌ مَا يَكُونُ وَ أَشَدُّ عَمَّا يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا اسْمُهُ قَالَ اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ وَصِيِّ. بحار الأنوار 38/51

2- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ عَلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَنَبَلُونَكُمْ بِعِنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَيْءٍ مِنْ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ قَالَ يَبْدُوهُمْ بِشَيْءٍ مِنْ الْخَوْفِ مِنْ مَلُوكِ بَنِي فَلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَ الْجُوعِ بِغَلَاءِ اسْمِ عَارِهِمْ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ قَالَ كَسَادُ التَّجَارَاتِ وَ قِلَّةُ الْفَضْلِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذَرِيْعٍ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ قَالَ قِلَّةُ رَيْعٍ مَا يُزْرَعُ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ. كمال الدين 2 / 649 و الإرشاد 2 / 377 و دلائل الإمامة 483

در خبری که شیخ مفید نقل کرده راوی به امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض می کند: ما بهتر هستیم یا اصحاب حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ؟ حضرت می فرمایند:

«شما بهتر از اصحاب مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ هستید؛ زیرا شما از دولت های ظالم، شب و روز بر جان امام خود و جان خودتان بیمناک می باشید و اگر نماز می خوانید، با حالت تقیه است و اگر روزه می گیرید، باز در تقیه است و اگر حج می کنید آن هم در تقیه است و اگر (در محکمه شرع و حضور قاضی) گواهی بدهید (به جرم تشیع) گواهی شما پذیرفته نیست، و از این قبیل چند چیز دیگر شمردند.»

پس راوی عرض کرد: وقتی این طور باشد چرا آرزویی دیدن قائم عَلَیْهِ السَّلَامُ را داشته باشیم؟ فرمودند:

«سبحان الله! نمی خواهی عدالت، آشکار گردد و راه ها امن شود، و مظلوم مورد ترحم قرار گیرد؟» (1)

سعید بن جبیر نیز روایت می کند که گفت شنیدم حضرت امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرمودند:

«در حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ چند سنت از سنن پیغمبران است؛ یک سنت از آدم و یک سنت از نوح و یک سنت از ابراهیم و یک سنت از موسی، و یک سنت از عیسی و یک سنت از ایوب و یک سنت از محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. اما سنتی که از آدم و نوح دارد: طول عمر است، و از ابراهیم پنهان بودن ولادتش و دوری گزیدن وی از مردم و از موسی، ترس و غیبت از مردم و از عیسی اختلافی که مردم در باره او دارند و از ایوب، فرج بعد از شدت و سختی ها و از محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قیام با شمشیر است!» (2)

ص: 69

1- . عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ عَبْدٍ لِلَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا أَفْضَلُ نَحْنُ أَوْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَقَالَ لِي أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَذَلِكَ أَنْكُمْ تُمْسُونَ وَتَصْبِحُونَ خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَيْمَةِ الْجَوْرِ إِنْ صَدَّقْتُمْ فَصَلَّاتِكُمْ فِي تَقِيَةٍ وَإِنْ كَذَبْتُمْ فَصَدَّقْتُمْ فِي تَقِيَةٍ وَإِنْ حَجَجْتُمْ فَحَجَّجْتُمْ فِي تَقِيَةٍ وَإِنْ شَهِدْتُمْ لَمْ تَقْبَلْ شَهَادَتِكُمْ وَعَدَّ أَشْيَاءَ مِنْ نَحْوِ هَذَا مِثْلَ هَذِهِ فَقُلْتُ فَمَا نَتَمَنَّى الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ عَلَى هَذَا قَالَ لِي سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَطَهَّرَ الْعَدْلُ وَيَأْمَنَ السُّبُلُ وَيُنْصَفَ الْمَظْلُومُ. الإختصاص /20 وإثبات الهداة 5/ 181 و بحار الأنوار 52/144

2- . عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي الْقَائِمِ مِثْلَ سُنَنِ مَنْ سَنَّ الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُنَّةَ مِنْ آدَمَ وَ سُنَّةَ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّةَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّةَ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّةَ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّةَ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ مِنْ نُوحٍ فَطُولُ الْعُمُرِ وَأَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوَلَادَةِ وَاعْتِزَالُ النَّاسِ وَأَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْخَوْفُ وَالْغَيْبَةُ وَأَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَأَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ. بحار الأنوار 51/217

سلیمان بن خالد از وجود مبارک حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«پیش از ظهور قیام کننده، دو نوع مرگ (فراگیر) خواهد بود؛ یکی مرگ قرمز؛ یعنی مردن به شمشیر (منظور جنگ ها و خونریزی هاست) و دیگر، مرگ سفید که همان طاعون (بیماری های مسری) خواهد بود. در اثر این مرگ ها از هر هفت نفر، پنج تن بمیرند.» (1)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز وضعیت بلاهای فراگیر پیش از ظهور را اینگونه ترسیم نموده و فرموده اند:

«پیش از آنکه قیام کننده، ظهور کند خدای متعال، مردم گناهکار را به آتشی که در آسمان ظاهر می شود و قرمزی که آن را فرا می گیرد و فرورفتگی که در بغداد و بصره پیدا می شود و خونریزی هایی که در آن واقع می گردد و خانه های آن که ویران می شوند و مردم آن که نابود می گردند مبتلا می کند. خدا همه ی عراقی ها را به خوفی که چاره ای از آن ندارند تنبیه می فرماید.» (2)

و ایضا امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ ظاهر نمی شوند مگر در موقع ترس شدید و زلزله و فتنه و بلائی که به مردم می رسد و پیش از آن، مردم دچار طاعون (بیماری های مسری) و اختلاف سخت شده و ملت عرب، گرفتار کشت و کشتار می شوند. مردم دچار پراکندگی در دین و دگرگونی در اوضاع و احوال می گردند تا آنجا که از بزرگی ستم و درندگی و هاری مردم و هرج و مرج، شبانه روز، آرزوی مرگ کنند. پس خروج حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ وقتی صورت می گیرد که مردم نومید و مأیوس از گشایش باشند. ای خوشا به حال کسی که حضرتش را درک کند و از یاورانش باشد و وای بر کسی که اوامرش را مخالفت نماید.» (3)

ص: 70

1- . عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أَيْضٍ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةٍ خَمْسَةُ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ السَّيْفِ وَ الْمَوْتُ الْأَيْضُ الطَّاعُونُ. كمال الدين 655 / 2

2- . الْحُسَيْنُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُبَذَّرِ الْخُوزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يُزْجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلِّلُ السَّمَاءَ وَ حَسْفٌ بِبَغْدَادَ وَ حَسْفٌ بِبَلَدِ الْبَصْرَةِ وَ دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَقَعُ فِي أَهْلِهَا وَ سُمُولٌ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ. الإرشاد 368 / 2

3- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بِلَاءٍ يَصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ وَ تَشْتَتُّ فِي دِينِهِمْ وَ تَغْيِرُ فِي حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمَتَمَنَّى الْمَوْتِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظْمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً فَخُرُوجُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ يَكُونُ عِنْدَ الْيَأْسِ وَ الْقَنُوطِ مِنْ أَنْ نَرَى فَرَجاً فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلُ لِمَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ. غيبت نعمانی / 230 و عقد الدرر 44/

در روایت دیگری همان امام بزرگوار، پرده از روی اسرار برداشته به یکی از یاران‌شان به نام حلبی می‌فرماید:

«هنگامی که حسین بن علی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ کشته شدند، اهل ما شنیدند که قائلی در مدینه می‌گفت: امروز بلاء بر این امت نازل شده و دیگر رنگ سرور و شادی را نخواهند دید تا وقتی که قیام کننده‌ی شما قیام کند و سینه‌ها را با قیامش شفا داده و دشمنانتان را بکشد، و در عوض آن تنها مانده‌ای که خوش قیامش نشد و به انتقام او، تنها مانده‌هایی را بکشد. اهل ما از شنیدن این صدا به فرج آمده و گفتند: ما گوینده‌ی این صدا را نمی‌شناسیم که کیست؟! پس بعدا که خبر شهادت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به ایشان رسید حساب کردند دیدند دقیقا سخن و تکلم آن متکلم، همان شبی بود که روزش حضرت امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به شهادت رسیدند.» راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم! تا کی شما و ما در سوز این کشتار و وقوع آن، سوخته و در خوف و سختی به سر می‌بریم؟ حضرت فرمودند:

«تا زمانی که هفتاد مرتبه فرج و گشایش (جزیی) حاصل شده به طوری که بین هر فرج و فرج دیگر فاصله بوده و به هم متصل نباشند و چون فرج هفتادمین رسید، پرچم‌ها پیدا شده که به ترتیب می‌آیند و سپس ایستاده و درنگ می‌کنند گویا مرواریدهایی بوده که منظم به رشته کشیده شده‌اند؛ پس کسی که آن وقت را درک کند چشمش روشن باد.»(1)

8- دورانی که همه‌ی اصناف، طعم حکمرانی را بچشند

پیش از ظهور امام عَلَیْهِ السَّلَامُ تمام اصناف مردم، امکان حکمرانی پیدا کرده تا حساب کار دستشان بیاید و اهمیت حرکت امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ را درک کنند. ان شاء الله

ص: 71

1- . عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِعَ أَهْلَنَا قَائِلًا يَقُولُ بِالْمَدِينَةِ الْيَوْمَ نَزَلَ الْبَلَاءُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ فَلَا تَرُونَ فَرَجًا حَتَّى يَتُومَ قَائِمُكُمْ فَيَسْفِي صُدُورَكُمْ وَيَقْتُلَ عِدْوَكُمْ وَيَنَالُ بِالْوَتْرِ أَوْ تَارًا فَفَزِعُوا مِنْهُ وَقَالُوا إِنَّ لِهَذَا الْقَوْلِ لِحَادِثًا قَدْ حَدَّثَ مَا لَا نَعْرِفُهُ فَأَتَاهُمْ خَبْرُ قَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ ذَلِكَ فَحَسِبُوا ذَلِكَ فَإِذَا هِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي تَكَلَّمَ فِيهَا الْمُتَكَلِّمُ فَقَالَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِلَيَّ مَتَى أَنْتُمْ وَنَحْنُ فِي هَذَا الْقَتْلِ وَالْخَوْفِ وَالشَّدَّةِ فَقَالَ حَتَّى يَأْتِيَ سَبْعُونَ فَرَجًا أَجْوَابٌ وَيَدْخُلُ وَقْتُ السَّبْعِينَ فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ السَّبْعِينَ أَقْبَلَتْ الرِّيَّاتُ [الآيَاتُ] تَتَرَى كَأَنَّهَا نِظَامٌ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الْوَقْتَ قَرَّتْ عَيْنُهُ... اثبات الهداة 5 / 152 و كامل الزيارات / 336

این موضوع در دنیای ما بسیار جالب است؛ زیرا سران احزاب و زعمای هر قوم، پیوسته برنامه می دهند و می گویند: چنانچه ما زمامدار شدیم، در رفاه حال مردم و اجرای قانون و بسط عدالت و... چنین و چنان خواهیم کرد؛ ولی هنگامی که به حکومت بر مردم می رسند، اگر از سلف خود بدتر نباشند بهتر نخواهند بود!

امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ظهور صاحب الامر تحقق نمی پذیرد، مگر آن که هر صنفی از بندگان خدا به حکومت بر مردم برسند، تا نگویند اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم! سپس مهدی قیام می کند و با حق و عدالت حکومت می نماید.»⁽¹⁾

9- دوران گمراهی

محمد بن مسلم گوید: مردی از حضرت امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ پرسید: قیام کننده ی شما در چه وقتی ظاهر می شود؟ فرمودند:

«چون گمراهی بسیار، و هدایت اندک، و ستم و فساد، فراوان گردد؛ در آن هنگام به نام قیام کننده عَلَيهِ السَّلَامُ در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان فریاد بلند شود و آن حضرت در روز عاشورا قیام فرمایند.»⁽²⁾

10- دوران حزن و سختی

امام حسن عسکری عَلَيهِ السَّلَامُ به یکی از شیعیانشان فرمودند:

«پیوسته شیعیان ما در اندوه هستند تا اینکه فرزندانم ظهور کنند. کسی که پیامبر به او بشارت داده است که زمین را از قسط و عدل پر می کند. پس صبر کن و تمام شیعیان مرا به صبر امر کن، که همانا زمین برای خداست، و آن را به هر کسی از

ص: 72

1- . عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِدْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ وُلُوا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوُؤَلِيْنَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ. غيبت نعمانی / 274 و إثبات الهداة 5 / 367 و بحار الانوار 52/244

2- . عن محمد بن مسلم قال: سأل رجل أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ متى يظهر قائمكم؟ قال: إذا كثرت الغواية وقلت الهداية وكثر الجور و الفساد إلى أن قال: فعند ذلك ينادى باسم القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ في ليلة ثلاث وعشرين من شهر رمضان ويقوم في يوم عاشورا. إثبات الهداة

بندگان که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت از آن متقین است، و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو و بر تمام شیعیان ما.»(1)

11- دوران هرج و مرج

رسول معظم اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«قیامت برپا نشود مگر آن که پیش از آن قیام کننده ای از ما زمانی که خدا به او اذن دهد بپا خیزد؛ پس هر که تبعیتش کرد نجات یافته و هر کسی که از او بازماند هلاک شود. پس ای بندگان خدا، خدا را خدا را در نظر بگیرید و چون ظهور کرد بهسویش بروید و لو اینکه به حالت سینه خیز بر روی برف و یخ باشد.»

اصحاب گفتند: ای رسول خدا! او کی قیام خواهد کرد؟ حضرت فرمودند:

«زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا بگیرد و او نهمین فرزند از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.»(2)

عمار یاسر این صحابی مخلص رسوا خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فدایی امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ به واسطه ی اخباری که از معدن رسالت شنیده، گفته است:

«دولت خانواده پیغمبر شما در آخر الزمان خواهد بود. و ظهور آن دولت، علامات دارد. موقعی که این علائم را دیدید در جای خود نشسته و از هر گونه اقدامی خودداری کنید تا آن علائم بگذرد. وقتی که روم و ترک بر شما حمله آورده و لشکرها آراستند، و خلیفه شما (مسلمین) که کارش جمع آوری اموال بود، جان داد و مردی

ص: 73

1- . وجدت بخط بعض علمائنا على ظهر كتاب ثواب الأعمال نسخة مكتوب من أبي محمد الحسن بن علي العسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ إلى أبي الحسن علي بن الحسين بن بابويه القمي و هو طويل يقول فيه عَلَيْهِ السَّلَامُ: و عليك بالصبر و انتظار الفرج فإن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَرُ الْفَرْجَ وَ لَا يَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَ لَدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا فَاصْبِرْ يَا شَيْخِي يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيُّ وَ أَمْرٌ جَمِيعٌ شَيْعَتِي بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى جَمِيعِ شَيْعَتِنَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. مناقب آل أبي طالب 4/426 و اثبات الهداة 5 / 203

2- . عن أبي امامة قال: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم منا و ذلك حين يأذن الله له فمن تبعه نجا و من تخلف عنه هلك، فالله الله عباد الله ائتوه و لو حبوا على الثلج، قلنا: يا رسول الله و متى يقوم قائمكم قال: إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و هو التاسع من صلب الحسين. إثبات الهداة 5 / 144

درست کار به جای او نشست، و چند سال بعد از بیعتش از خلافت خلع شد؛ نابودکننده دولت آنها از همان جا که روز نخست دولتشان بوجود آمد می آید، آنگاه روم و ترک به جان هم می افتند و جنگ های زیادی در زمین روی می دهد، در آن موقع، کسی از قلعه دمشق صدا می زند: "وای بر ساکنان زمین از شرّی که نزدیک است!" و سمت غربی مسجد دمشق به زمین فرو می رود. حتی دیوارش نیز در هم فرو می ریزد. و سه نفر در شام قد علم می کنند، و هر سه طالب سلطنت هستند. یکی از آنها سیاه و سفید است، و دیگری سرخ و سفید است و سومی از خاندان ابوسفیان می باشد و او از نهر کلب (1) است و مردم را در دمشق حاضر می کند، و غریبان به مصر حمله می آورند. وقتی آنها وارد مصر شدند، همین علامت آمدن سفیانی است. قبل از آن، کسی قیام می کند که مردم را دعوت به پیروی از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می نماید، ترك ها در حیره (محلّی نزدیک کوفه بوده) و رومیان در فلسطین فرود می آیند. در آن هنگام عبداللّه (دجال) قیام می کند و در سر نهر قرقیساء (2) به لشکر ترک و روم می رسد و جنگ سختی در می گیرد و پادشاه مغرب همه جا را زیر پا می گذارد و مردان را کشته و زنان را اسیر می کند. آنگاه به قیس (3) بر می گردد. سفیانی در جزیره (4) فرود می آید، و شخص یمنی نیز خروج می کند. هر چه شخص یمنی و سلطان مغرب به غنیمت برده اند، همه را سفیانی از آنها می گیرد؛ و سپس به کوفه می رود و یاران آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را به قتل می رساند و مردی از ناموران آنها را می کشد. در آن موقع، مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ قیام می کند. امیر لشکر او مردی به نام شعیب بن صالح است. وقتی اهل شام دیدند مردم شام با پسر ابوسفیان بیعت کرده اند؛ همه با او به مکه می روند. در آن وقت، مرد پاکدلی از (بنی هاشم) به قتل می رسد، و برادر وی نیز در مکه است؛ ولی دسترسی به او پیدا نمی کنند. آنگاه صدایی از آسمان شنیده می شود که می گوید: ای

ص: 74

1- نهر الكلب محلی واقع میان بیروت و صیدا است.

2- قرقیسا محلی در کنار نهر فرات بوده.

3- قیس از قدیم بلوکی از مصر واقع در سمت غربی رود نیل بوده است.

4- جزیره که آن را «جزیره اقور» هم می گویند واقع در بین شط دجله و فرات است جزیره در همسایگی شام و مشتمل بر «دیار مضر» و «دیار بکر» است چون در بین دو شط دجله و فرات واقع شده لذا جزیره خوانده می شود حران، رها، رفه، رأس عین، نصیبین، سنجانر خابور، ماردین، آمد میافارقین و موصل از شهرهای مهم جزیره است. (این چهار پاورقی اخیر به نقل از کتاب مهدی موعود تالیف آقای دوانی است)

مردم امیر شما فلانی است و این همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»(1)

12- دوران مدعیان دروغین

اشاره

در زمانی که مردم، امام خویش را نمی بینند و از احوال او خبر ندارند، شرایط برای کسانی که از این وضعیت اسفبار، سوء استفاده کرده و دکانی برای خرید و فروش دین بگشایند، کاملاً مساعد است. امام صادق علیه السلام در کلامی گهربار به همین مطلب اشاره کرده، می فرماید:

«قیام کننده ظهور نخواهد کرد مگر آنکه پیش از او دوازده نفر از سادات قیام کرده و همگی (با ادعای امامت) مردم را به سوی خویش بخوانند.»(2)

و همچنین همان بزرگوار فرمودند:

«قیام کننده ی ما ظهور نمی کند، تا اینکه دوازده نفر قیام کنند و جملگی بر این گفته متفق شوند که ایشان او را دیده اند (و از او در این قیام اجازه دارند)؛ ولی مهدی علیه السلام ایشان را تکذیب کند.»(3)

ص: 75

1- . عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ دَوْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَلَهَا أَمَارَاتٌ فَإِذَا رَأَيْتُمْ فَالزُّمُوا الْأَرْضَ وَكُفُّوا حَتَّى تَجِيَّءَ أَمَارَاتُهَا. فَإِذَا مَسَّتْ تَارَتَ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرُكُ وَجَهْرَتِ الْجِيُوشُ وَمَاتَ خَلِيفَتُكُمْ الَّذِي يَجْمَعُ الْأَمْوَالَ وَاسْتُخْلِفَ بَعْدَهُ رَجُلٌ صَاحِبٌ فَيُخْلَعُ بَعْدَ سِنِينَ مِنْ بَيْعَتِهِ وَيَأْتِي هَلَاكُ مُلْكِهِمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ وَيَتَخَذُ الْفُ التُّرُكُ وَالرُّومُ وَتَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَيَنَادِي مُنَادٍ مِنْ سُورِ دِمَشَقٍ وَيُلِّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَدْرٍ قَدِ افْتَرَبَ وَيُحَسِّفُ بَعْزِيٍّ مَسَّ جَدِهَا حَتَّى يَحْرَّ حَانِطَهَا وَيُظْهِرُ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بِالشَّامِ كُلَّهُمْ يَطْلُبُ الْمَلِكُ رَجُلٌ أَبْعَ وَرَجُلٌ أَصْهَبَ وَرَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ أَبِي سُفْيَانَ يَخْرُجُ فِي كَلْبٍ وَيَحْضُرُ النَّاسَ بِدِمَشَقٍ وَيَخْرُجُ أَهْلُ الْغَرْبِ إِلَى مِصْرَ. فَإِذَا دَخَلُوا فَتِلْكَ إِمَارَةُ الشُّفْيَانِيِّ وَيَخْرُجُ قَبْلَ ذَلِكَ مَنْ يَدْعُو لِأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَنْزِلُ التُّرُكُ الْحِيرَةَ وَتَنْزِلُ الرُّومُ فَلَسَ طِينٍ وَيَسْبِقُ عَبْدُ اللَّهِ عَبْدَ اللَّهِ حَتَّى يَلْتَقِيَ جُنُودَهُمَا بِعَرْقِيسِيَاءَ عَلَى التَّهْرِ وَيَكُونُ قِتَالٌ عَظِيمٌ وَيَسِيرُ صَاحِبُ الْمَغْرِبِ فَيَقْتُلُ الرَّجَالَ وَيَسْبِي النِّسَاءَ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي قَيْسٍ حَتَّى يَنْزِلَ الْجَزِيرَةَ الشُّفْيَانِيِّ فَيَسْبِقُ الْيَمَانِيَّ [فَيَقْتُلُ] وَيَحُورُ الشُّفْيَانِيُّ مَا جَمَعُوا. ثُمَّ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَقْتُلُ أَعْوَانَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيَقْتُلُ رَجُلًا مِنْ مَسْجَمِيهِمْ ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ عَلَى لَوَائِهِ شَيْ عَيْبُ بْنُ صَالِحٍ وَإِذَا رَأَى أَهْلَ الشَّامِ قَدِ اجْتَمَعَ أَمْرُهَا عَلَى ابْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَالْحِقُوا بِمَكَّةَ فَعِنْدَ ذَلِكَ تُقْتَلُ النَّفْسُ الرَّكِيَّةُ وَأَخُوهُ بِمَكَّةَ صَدِيعَةُ فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فَلَانٌ وَذَلِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. غيبت طوسی / 46

2- . عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلُّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ. الإِرشاد / 2 / 368 و غيبت طوسی / 437 و كشف الغمة / 2 / 459

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَقُومَ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا كُلُّهُمْ يُجْمَعُ عَلَى قَوْلِ إِنْهُمْ قَدْ رَأَوْهُ فَيَكْذِبُونَهُمْ. غيبت نعمانی / 277 و بحار الأنوار / 52/244

امری که دل انسان مؤمن را در سینه، به درد می آورد این است که همین مدعیان مقام امامت که خود نیز از بنی هاشم اند به پاره پاره کردن امام عزیز ما سلام الله علیه حریص اند.

ابو خالد کابلی نقل می کند که بعد از رحلت حضرت امام زین العابدین علیه السلام خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسیده و عرض کردم: فدایتان کردم! از اخلاص و انس من نسبت به پدر بزرگوارتان و ترسی که از دشمنان داشتم اطلاع دارید؟ فرمودند: بلی! مقصودت چیست؟ عرض کردم: پدر بزرگوارتان طوری صاحب الامر را برای من توصیف فرمودند که اگر او را در راهی ببینم دستش را می گیرم. امام فرمودند:

«ابو خالد! مقصودت چیست؟ گفتم: می خواهم نام او را بفرومائید تا او را به نام بشناسم فرمودند: ابو خالد! به خدا قسم! از امر عظیمی پرسش نمودی. اگر برای دیگری گفته بودم به تو نیز می گفتم. مطلبی پرسیدی که اگر برخی از اولاد فاطمه سلام الله علیها بدانند او را قطعه قطعه می کنند.» (1)

ظاهراً مقصود حضرت باقر علیه السلام این است که مردم نه تنها در انتظار دولت حق و عدالت نیستند؛ بلکه حتی در بنی فاطمه سلام الله علیها که همخون آن بزرگوارند هستند کسانی که با آن حضرت که بر پاکنده ی دولت حق و مجری عدالت واقعی است تا آن پایه کینه دارند که حاضرند ایشان را بکشند و قطعه قطعه اش نمایند تا اینگونه برای رسیدن به امیال شیطانی خود مانعی در پیش نداشته باشند و بتوانند حکمرانی خویش را ادامه دهند.

ص: 76

1- . عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ قَالَ: لَمَّا مَضَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلْتُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ عَرَفْتَ انْقِطَاعِي إِلَى أَبِيكَ وَأُنْسِي بِهِ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ قَالَ صَدَقْتَ يَا أَبَا خَالِدٍ فَتَرِيدُ مَاذَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَقَدْ وَصَفَ لِي أَبُوكَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ بِصِدْقٍ لَوْ رَأَيْتَهُ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ لَأَخَذْتُ بِيَدِهِ قَالَ فَتَرِيدُ مَاذَا يَا أَبَا خَالِدٍ قُلْتُ أُرِيدُ أَنْ تُسَمِّيَهُ لِي حَتَّى أَعْرِفَهُ بِاسْمِهِ فَقَالَ سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ وَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ مَا كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا وَ لَوْ كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ وَ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ أَنْ يَقْطَعُوهُ بَضْعَةً بَضْعَةً. غيبت نعمانی / 289 و غيبت طوسی / 333

همانطور که ملاحظه فرمودید پیش از ظهور امام عَلِيهِ السَّلَام، عده‌ی زیادی با داعیه‌ی مهدویت و امامت، مردم را به خویش دعوت خواهند کرد. حال سوال اینجاست که یک مؤمن منتظر از کجا باید بین پیشوای راستگو و پیشوای دروغگو تمییز داده، مدعیان دروغین را بشناسد؟ عده‌ای به صِدْرَفِ تأیید این و آن، و یا دیدن خواب‌های کذایی، نورانیت چهره! و یا سیادت و غیره، از کسی پیروی کرده و دین و دنیایشان را به پای او می‌ریزند. اما ششمین حجت خدا حضرت جعفر صادق عَلِيهِ السَّلَام تکلیف شیعیان خویش را معین کرده و فرموده اند:

«برای صاحب الامر دو غیبت است، در نخستین آنها به سوی خانواده اش مراجعت می‌کند. و در دیگری مردم می‌گویند: هلاک شد و معلوم نیست که در کدام وادی افتاده است.»

مفضل گوید: عرض کردم: اگر چنان شد. ما چه کنیم؟ فرمودند:

«هر گاه کسی مدعی امامت شد، مسائلی را از او بپرسید که فقط امام می‌تواند آنها را جواب دهد (اگر پاسخ نادرست گفت، او امام نیست).» (1)

13- دوران امتحان

جابر جعفری روایت می‌کند که: به امام محمد باقر عَلِيهِ السَّلَام عرض کردم: فرج شما کی خواهد بود؟ فرمودند:

«هیئات! هیئات! فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر این که شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! تا آنجا که خدا آلودگی را برطرف کند، و پاکی بماند.» (2)

ص: 77

- 1- . عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى أَهْلِهِ وَالْأُخْرَى يُقَالُ هَلَكٌ فِي أَيِّ وَاذٍ سَلَكَ قُلْتُ كَيْفَ نَصْنَعُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ قَالَ إِذَا ادَّعَاهَا مُدَّعٍ فَاسْأَلُوهُ عَنْ أَشْيَاءٍ يُجِيبُ فِيهَا مِثْلَهُ. کافی 1/340
- 2- . عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرَبَلُوا ثُمَّ تُغْرَبَلُوا ثُمَّ تُغْرَبَلُوا يَوْمَ يَذْهَبُ اللَّهُ تَعَالَى الْكُدِرَ وَيُبْقِي الصَّفْوَةَ. غیبت طوسی / 339

علی بن رئاب از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«هنگامی که با امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ پس از کشته شدن عثمان، بیعت به عمل آمد، بر فراز منبر رفته خطبه ای ایراد کرده و فرمودند: «ای مردم! بدانید که گرفتاری شما دگر بار مانند همان روزی که خداوند پیامبر خویش را برانگیخت باز گردید. سوگند به کسی که او را به حق برانگیخت! حتما آشفته و درهم شوید و بدون شک، غربال گردید، تا آنکه پائین مرتبه ی شما به بلند پایه شما، و بلند پایه ی شما به پائین مرتبه ی شما باز گردد (زیر و رو شوید) و پیشی گیرند البتّه آنها که عقب ماندند، و عقب مانند آن سبقت گیرندگانی که پیشی گرفتند. به خدا سوگند! هیچ نشانه ای را پنهان نکرده ام و هیچ دروغی بر زبان نرانده ام، و من را از این مقام و چنین روز آگاه ساخته بودند.» (1)

همچنین عبدالله بن حمّاد از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده که یکی از یاران آن حضرت بر ایشان وارد شده و عرض کرد: فدایت کردم! به خدا قسم من شما و هر کسی که دوستدار شماست دوست می دارم. ای سرورم! چقدر شیعه ی شما زیادست! حضرت فرمودند: بگو آنان چه مقدارند؟ عرض کرد: بسیار زیاد. حضرت فرمودند: می توانی آنان را بشماری؟ عرض کرد: تعدادشان بیشتر از اینها است؛ پس امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«آگاه باش هرگاه آن عدّه ی وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند شمارشان کامل شود، آنگاه چنان که شما می خواهید خواهد شد؛ لکن شیعه ی ما کسی است که صدایش از حدّ گوش خودش نمی گذرد و نیز کینه و ناراحتی درونش از حدّ پیکر او تجاوز نمی کند، و ما را آشکارا (به خاطر تقیه) نمی ستاید و با دشمنان ما نمی ستیزد، و با عیبجویان ما همنشینی نمی کند، و با بدگویان ما همسخن نمی شود و آنان را که با ما دشمن هستند دوست نمی دارد و با دوستان ما دشمنی نمی ورزد.»

ص: 78

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا بُوِيعَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَقْتَلِ عُثْمَانَ صَدَّ عِدَ الْمُنْبَرِ وَ خَطَبَ خُطْبَةً ذَكَرَهَا يَقُولُ فِيهَا أَلَا إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ صَ وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَلَنَّ بَلْبَلَةً وَ لَتُعْرَبَلَنَّ عُرْبَلَةً حَتَّى يَعُودَ أَسَدُ فُلُكُمُ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسَدَ فُلُكُمُ وَ لَيْسَ بَقَرْنَ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لَيَقْصُرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا وَ اللَّهُ مَا كُنْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَ لَا كَذَبْتُمْ كَذِبَةً وَ لَقَدْ بُنِيتُ بِهَذَا الْمَقَامِ وَ هَذَا الْيَوْمِ. غيبت نعمانی / 201

عرض کردم: پس چه کنم با این شیعه گوناگون که گویند ما بر طریق تشیع هستیم؟ فرمودند:

«اینان خود گرفتار جدائی و آزمایش خواهند گشت و تبدیل و جابجایی در میانشان رخ خواهد داد و به قحطی و کمبود که نابودشان سازد (مبتلا شوند) و شمشیری که خونشان بریزد و اختلافاتی به هم رسد که پراکنده شان کند. همانا شیعه ما کسی است که همچون سگان، پارس نکند و همانند کلاغ، حرص نرزد و نزد مردم به گدایی دست نیازد؛ اگر چه از گرسنگی بمیرد.»

عرض کردم: فدایت شوم! چنین افرادی را که بدین صفت موصوف اند در کجا جستجو کنم؟ فرمودند:

«آنان را در گوشه و کنار زمین بجوی، آنان کسانی هستند که زندگی سبکی دارند و خانه به دوش اند. اگر حاضر باشند شناخته نمی شوند و اگر از نظرها پنهان شوند کسی متوجه آنان نمی گردد و اگر بیمار شوند عیادت نمی شوند و اگر خواستگاری کنند با آنان ازدواج نشود، و اگر وفات یابند بر جنازه ی آنان کسی حضور نیابد، آنان کسانی اند که در اموالشان با یکدیگر مواسات می کنند و در قبرهای خود با یکدیگر دیدار و ملاقات دارند و خواسته هایشان با یکدیگر برخورد و اختلاف پیدا نمی کند هر چند از شهرهای گوناگون باشند.» (1)

و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«به همراه مهدی علیه السلام از عرب، تعداد ناچیزی خواهد بود.»

به آن حضرت عرض شد: همانا از عرب کسانی که این امر را توصیف می کنند فراوان اند. فرمودند:

ص: 79

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي وَاللَّهِ أُحِبُّكَ وَأُحِبُّ مَنْ يُحِبُّكَ يَا سَيِّدِي مَا أَكْثَرَ شِيعَتِكُمْ فَقَالَ لَهُ أَذْكَرُهُمْ فَقَالَ كَثِيرٌ فَقَالَ تَحْصِيهِمْ فَقَالَ هُمْ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا لَوْ كَمَلْتِ الْعِدَّةَ الْمُوصُوفَةَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ وَ لَكِنْ شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَعْدُو صَوْتَهُ سَمِعَهُ وَلَا شَحَنَاؤُهُ بَدَنَهُ وَلَا يَمْدَحُ بِنَا مُعَلِنًا وَلَا يُخَاصِمُ بِنَا قَالِيًا وَلَا يُجَالِسُ لَنَا عَائِيًا وَلَا يَحْدِثُ لَنَا ثَالِيًا وَلَا يُحِبُّ لَنَا مُبْغِضًا وَلَا يُبْغِضُ لَنَا مُحِبًّا فَقُلْتُ فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهِذِهِ الشَّيْعَةِ الْمُخْتَلِفَةِ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِنَّهُمْ يَتَشَبَّهُونَ فَقَالَ فِيهِمُ التَّمْيِيزُ وَ فِيهِمُ التَّمْحِيزُ وَ فِيهِمُ التَّبْدِيلُ يَأْتِي عَلَيْهِمْ سِتْرٌ نُونٌ تُفْنِيهِمْ وَ سَيْفٌ يَقْتُلُهُمْ وَ اخْتِلَافٌ يُبَدِّدُهُمْ إِنَّمَا شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَهْرُ هَرِيرَ الْكَلْبِ وَلَا يَطْمَعُ طَمَعَ الْغُرَابِ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ بِكَفِّهِ وَإِنْ مَاتَ جُوعًا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيْنَ أَطْلُبُ هَؤُلَاءِ الْمُوصُوفِينَ بِهِذِهِ الصِّفَةِ فَقَالَ أَطْلُبُهُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ أَوْلِيكَ الْخَفِيضُ عَيْشُهُمْ الْمُنتَبِلَةُ دَارُهُمُ الَّذِينَ إِنْ شَهِدُوا لَمْ يُعْرَفُوا وَإِنْ غَابُوا لَمْ يُنْتَقَدُوا وَإِنْ مَرَضُوا لَمْ يُعَادُوا وَإِنْ خَطَبُوا لَمْ يُرَوْجُوا وَإِنْ مَاتُوا لَمْ يُشْهَدُوا أَوْلِيكَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ يَتَوَاسَوْنَ وَ فِي قُبُورِهِمْ يَتَرَاوَرُونَ وَ لَا تَخْتَلِفُ أَهْوَاؤُهُمْ وَ إِنْ اخْتَلَفَتْ بِهِمُ الْبُلْدَانُ. غيبت نعمانی / 204

«مردم ناگزیرند از اینکه مورد امتحان و پاکسازی و جداسازی و غربال قرار گیرند و در آینده ی نزدیک، مردم بسیاری از غربال خارج خواهند شد.» (1)

و از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده اند که آن حضرت فرمودند:

«به خدا سوگند! بدون تردید بسان درهم شکستن شیشه، درهم خواهید شکست البته آن شیشه به صورت اولیه باز گردانده شود (آن را ذوب کرده از نو بسازند) و بدان صورتی که بوده باز می گردد. به خدا سوگند! حتما درهم خواهید شکست همچون شکستن سفال، و همانا سفال البته می شکند؛ ولی (بدان صورت نخستین) چنان که بوده است باز نمی گردد (قابل ترمیم نیست) [و] به خدا قسم حتما غربال خواهید شد و سوگند به خدا بدون شک از یکدیگر جدا خواهید شد [و] به خدا قسم پاکسازی خواهید گشت تا جایی که از شما جز اندکی باقی نماند" و در این حال، حرکتی حاکی از بی اعتنائی به مردم به دست خود داده و کف دست خویش را به یک سو برگرداندند» (2).

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیثی پرده از روی حکمت این امتحانات دشوار برداشته و پس از ذکر جریان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«قیام کننده ی ما نیز چنین است؛ زیرا ایام غیبت او طولانی می شود تا حق محض و ایمان صافی از کدر آن، مشخص شود و هر کسی که از شیعیان، طینت ناپاکی دارد از دین بیرون رود، کسانی که ممکن است چون بوی حکومت و فرمانروایی و امنیت در عهد مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را استشمام کنند (برای رسیدن به بهره ای از آن) نفاق ورزند.» (3)

ص: 80

1- . عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمَحَّصُوا وَيُمَيِّزُوا وَيُعْرَبَلُوا وَيَسَخَّرُوا مِنَ الْعَرَبِ خَلْقٌ كَثِيرٌ. غیبت نعمانی / 206

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: وَاللَّهِ لَتُكْسَرَنَّ الرَّجَاحُ وَتَكْسُرُ الرَّجَاحُ وَإِنَّ الرَّجَاحَ لَيُعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ وَاللَّهِ لَتُكْسَرَنَّ الْفَخَّارَ فَإِنَّ الْفَخَّارَ لَيَتَكْسَرُ فَلَا يَعُودُ كَمَا كَانَ وَاللَّهِ لَتُعْرَبَلَنَّ وَاللَّهِ لَتُمَيِّزَنَّ وَاللَّهِ لَتَمَحَّصَنَّ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ وَصَعَرَ كَفَّهُ. غیبت نعمانی / 210

3- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ فَإِنَّهُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيُصَدِّحَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ وَيَصْفُوَ الْإِيمَانُ مِنَ الْكَدْرِ بِإِزْدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْءِ الَّذِينَ يُخَشَى عَلَيْهِمُ النِّفَاقُ إِذَا أَحْسُوا بِالِاسْتِخْلَافِ وَالتَّمَكِينِ وَالْأَمْنِ الْمُتَشَرِّفِي عَهْدِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... كمال الدين 2/356 و البرهان 4/94

مولای ما حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«پیامبر اکرم صَدَّ لَمَّى اَللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به من فرمودند: یا ابا الحسن! شایسته است که خداوند، گمشدگان را وارد بهشت کند. سپس امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: مقصود پیغمبر صَدَّ لَمَّى اَللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مؤمنینی هستند که در زمان غیبت به سر می برند و از امامی که جایش نامعلوم و خودش از نظرها غائب است، پیروی می نمایند. آنها عقیده به امامت او دارند، و به ذیل عنایتش چنگ می زنند، و منتظر آمدن او هستند و یقین به وجود او دارند، و شکی ندارند. بردبار و صبور بوده، و تسلیم خواسته حق اند. و از این جهت گم شده هستند که از یافتن مکان امام خود و از شناختن شخص او گم شده اند. دلیل بر این مطلب این است که وقتی خداوند، خورشید را که راهنمای اوقات نماز است، از نظر بندگانش بپوشاند، آنها می توانند وقت نماز را به تأخیر بیندازند تا موقعی که آشکار شود، و وقت برای آنها روشن گردد و یقین کنند که ظهر شده است. همین طور با کسی که منتظر آمدن امام است و چنگ به دامان امامت او زده، در تمام فرایض الهی و واجباتی که به عهده دارد تا انجام دهد مدارا شده "البته نه تا حدی که فرایض خدا از معنی واجب بودن خارج شود" و وقتی انجام داد از او پذیرفته است؛ پس این بنده هم صبر می کند و هم نظر به رحمت حق دارد و غیبت امامش ضرری به عقیده او نمی رساند.» (1)

ص: 81

1- . قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا أَبَا الْحَسَنِ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخَلَ أَهْلَ الضَّلَالِ الْجَنَّةَ وَ إِنَّ مَا عَنَى بِهِ ذَا الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا فِي رَمَنِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْإِثْمَامِ بِالْإِمَامِ الْخَفِيِّ الْمَكَانِ الْمَسْتُورِ عَنِ الْأَعْيَانِ فَهُمْ بِإِمَامَتِهِ مُعْرُونَ وَ بِعُرْوَتِهِ مُسْتَمْسِكُونَ وَ لِخُرُوجِهِ مُنْتَظَرُونَ مُوقِفُونَ غَيْرُ سَاكِنِينَ صَابِرُونَ مُسْلِمُونَ وَ إِنَّ مَا صَلُّوا عَنْ مَكَانِ إِمَامِهِمْ وَ عَنْ مَعْرِفَةِ شَخْصِهِ يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَجَبَ عَنْ عِبَادِهِ عَيْنَ الشَّمْسِ الَّتِي جَعَلَهَا دَلِيلًا عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَمُوسَعٌ عَلَيْهِمْ تَأْخِيرُ الْمُوقَّتِ لِيَسْبِينَ لَهُمُ الْوَقْتُ بِظُهُورِهَا وَ يَسْتَيَقِنُوا أَنَّهَا قَدْ زَالَتْ فَكَذَلِكَ الْمُنْتَظَرُ لِخُرُوجِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُتَمَسِّكُ بِإِمَامَتِهِ مُوسَعٌ عَلَيْهِ جَمِيعُ فَرَائِضِ اللَّهِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْهِ مَقْبُولَةٌ مِنْهُ بِحُدُودِهَا غَيْرِ خَارِجٍ عَنْ مَعْنَى مَا فُرِضَ عَلَيْهِ فَهُوَ صَابِرٌ مُحْتَسِبٌ لَا تَضُرُّهُ غَيْبَةُ إِمَامِهِ. بحار الأنوار 52/143

غربال و امتحانات دشوار زمان غیبت

۳

مسأله غربال و جدا شدن سیره از ناسیره (1) یکی از موضوعات مهم در باب مهدویت است که ائمه ی هدی عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فراوان درباره اش سخن گفته اند. ما نیز بعضی از فرمایشات ایشان را در اینجا ذکر می کنیم باشد که همگی به خود آمده و از خدای خویش بخواهیم تا ما را از این امتحانات سخت دوران غیبت، سربلند بیرون بیاورد.

راوی گوید: امام ششم عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چگونه باشید آنگاه که بی امام هدایتگر و وسیله ی دانش، بمانید و از یکدیگر بیزاری جوئید. آنگاه باشد که آزمایش شوید و امتحان گردید و غربال شوید. در آن زمان است که شمشیرهای مخالف در میان آید و اول روز، امارتی برپا شود؛ ولی آخر روز، کشتار و خلع از حکومت، پیش آید.» (2)

در خبری دیگر منصور گوید: امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای منصور! این امر (ظهور) بر شما در نیاید مگر پس از یأس و ناامیدی و به خدا قسم نیاید مگر آنکه از یکدیگر متمایز شوید، نه به خدا سوگند! این امر بر شما در نیاید مگر آنکه سخت، امتحان شوید، نه به خدا سوگند! این امر بر شما در

ص: 84

1- . سیره به معنای زر تمام عیار و رایج و ناسیره به معنی زر ناخالص است.

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيتُمْ بِلاَ إِمَامٍ هُدَى وَ لاَ عَلمٍ يَتَبَرَّأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمَيِّزُونَ وَ تَمَحَّصُونَ وَ تُغْرَبُلُونَ وَ عِنْدَ ذَلِكَ اِخْتِلافُ السِّيفِينَ (السنين) وَ إِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَ قَتْلٌ وَ خَلْعٌ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ. كمال الدين 2/348

نیاید مگر آنکه هر که باید شقی شود شقی بشود و هر که باید سعید شود سعید بشود.»(1)

زراره بن اعین گوید از امام صادق جعفر بن محمد عَلَیْهِمَا السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«به درستی که برای قیام کننده پیش از آنکه قیام کند غیبتی است.»

عرض کردم: قربانت شوم! برای چه؟ فرمودند:

«می ترسد" و به شکم و گردن خود اشاره کردند؛ سپس فرمودند: اوست منتظری که مردم در تولدش شک کنند، برخی گویند چون پدرش مرده است فرزندی از او نمانده و برخی گویند دو سال پیش از وفات پدر متولد شده؛ نه به خدا قسم! که خدا دوست دارد خلقتش را امتحان کند و در این وقت اهل باطل، به شک افتند.»(2)

در حدیثی دیگر ابوبصیر از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که آن حضرت فرمودند:

«از عرب ها اندکی همراه مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ خواهد بود!»

به آن حضرت عرض شد از عرب افرادی که این امر را توصیف می کنند (یعنی معتقد به امامت و غیبت هستند) فراوان اند. فرمودند:

«به ناچار باید مردم، پاک شوند و جدا شوند و غربال گردند و خلق فراوانی از غربال به در خواهند رفت.»(3)

خواننده ی عزیز! خوب بنگر و به دقت تأمل کن که غربال آخرالزمان، تا چه حد بی رحم است که خلق بسیاری از آن کسانی که در آن بوده اند از آن خارج خواهند شد.

ص: 85

1- . عَنْ مَنْصُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشَقِيَ مَنْ شَقِيَ وَيَسْعَدَ مَنْ سَعَدَ. كمال الدين 2 / 346 و منتخب الانوار المضيئه/79

2- . عَنْ زُرَّارَةَ بِنِ أَعِينٍ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ قُلْتُ وَ لِمَ ذَاكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَقَالَ يَخَافُ وَ أَشَدَّ أَرِيَّهُ إِلَى بَطْنِهِ وَ عُنُقِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ الْمُنتَظَرُ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِيهِ وَ لَا دَيْتَهُ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ إِذَا مَاتَ أَبُوهُ مَاتَ وَ لَا عَقِبَ لَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ قَدْ وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ بِسِتِّ نَتِينٍ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ خَلْقَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ. كمال الدين 2 / 346

3- . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيْلٌ لَطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرِ قَدْ اقْتَرَبَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَمْ مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ نَفَرٌ يَسِيرٌ قُلْتُ وَاللَّهِ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ فِيهِمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُمَيِّزُوا وَ يُغْرَبَلُوا وَ يَسْتَخْرُجُ الْغُرَبَالَ خَلْقًا كَثِيرًا. العدد القوية / 74 و

غیبت نعمانی / 204 و إثبات الهداة / 5 / 159

خدایا! تو خودت به فریاد ما ناتوانانی برس که چاره ای جز استعانه به محضر تو و اولیائت نداریم. خداوندا! ما را از ثابت قدمان بر حق قرار ده و مقدر کن تا از افرادی باشیم که در غربال امتحانات، از آن بیرون نشویم. بار پروردگارا! از تو می خواهیم که فرج دوستان خود را نزدیک فرموده و ما را در جایگاه برگزیدگان و در ردیف اشخاصی که از برگزیدگان پیروی می کنند و از اولیائی که از آنان راضی هستی و آنان را برای یاری دینت و خلیفه ات انتخاب فرموده ای قرار ده که توئی ولی احسان و جواد متان.

باز در همین زمینه ابوبصیر از حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«به خدا قسم! حتما باید تمیز یابید، به خدا قسم حتما باید پاک شوید، به خدا قسم! حتما باید غربال شوید همان طور که گندم را از زؤان (1) غربال می کنند.» (2)

و همچنین امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای شیعه آل محمد! حتما باید امتحان شوید همچون سرمه را که در چشم، امتحان می کنند. آدمی داخل شدن سرمه را به چشمش می فهمد؛ ولی نمی داند کی از چشم او بیرون می رود و این چنین خواهد شد که مردی صبح کند در حالی که بر جاده امامت ما است و شب می کند در حالی که از راه به در شده است و (یا اینکه) شب می کند در حالی که بر جاده امر ما است؛ ولی صبح می کند در حالی که از راه به در شده است.» (3)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به بعضی از امتحانات دشوار عصر غیبت اشاره کرده می فرمایند:

«ناچار باید پیش از قیام قیام کننده، سالی باشد که مردم در آن سال، گرسنگی بکشند و از دو ناحیه، ترس و سختی آنان را فرا گیرد از کشتار و از کم بود ثروت ها و جان ها و میوه ها و این مطلب در کتاب خدا به طور روشن بیان شده است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: وَ لِنَبْلُوَنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ

ص: 86

1- زؤان: دانه ای است که غالبا با خوشه گندم می روید و مانند گندم است؛ ولی از آن کوچک تر است و خواب آور.

2- عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَاللَّهِ لَتُمَيِّزَنَّ وَاللَّهِ لَتَمَحِّصَنَّ وَاللَّهِ لَتُعْرَبَلَنَّ كَمَا يُعْرَبَلُ الزُّؤَانُ مِنَ الْقَمْحِ. غیبت نعمانی / 205

3- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَتَمَحِّصَنَّ يَا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ تَمَحِّصَ الْكُحْلَ فِي الْعَيْنِ وَإِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي مَتَى يَقَعُ الْكُحْلُ فِي عَيْنِهِ وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَكَذَلِكَ يُصَبِّحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَيُمْسِي وَيُقَدِّمُ خَرَجَ مِنْهَا وَيُمْسِي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَ يُصْبِحُ وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا. غیبت نعمانی / 206

جابر جعفی هم گوید که از حضرت ابوجعفر محمد بن علی، امام باقر علیهما السلام درباره ی معنای آیه شریفه وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَى ءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ پرسیدم، فرمودند:

«ای جابر! این آیه، یک معنای ویژه دارد و یک معنای همگانی اما گرسنگی ویژه در کوفه خواهد بود که خداوند آن را مخصوص دشمنان آل محمد می کند و آنان را از گرسنگی می کشد و اما همگانی در شام خواهد بود و آنان را آنچنان ترس و گرسنگی فرا می گیرد که مانندش [هرگز] گریبانگیرشان نشده باشد. گرسنگی ایشان پیش از قیام مهدی علیه السلام است؛ ولی ترس، پس از قیام او خواهد بود.» (3)

حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام هم فرمودند:

«به خدا قسم آنچه که چشم به راه آن دارید انجام نپذیرد تا آنکه پاک شوید و تمیز یابید و تا آنکه نماند از شما مگر کمتر و باز کمتر.» (4)

خوب در سخن امام عزیزتر از جان، حضرت رضا علیه السلام بیاندهشید که نمی فرمایند "پس از غربال های سخت، نماند مگر عده ای نادر از مردم"؛ بلکه می فرمایند: "پس از غربال های سخت، نماند مگر عده ای اندر از مردم" یعنی از نادر و کمیاب هم، نادر تر!

و ابراهیم ابن هلال گوید که به همان امام بزرگوار عرض کردم: ای ابالحسن! فدایتان شوم! پدرم در انتظار امر شما از دنیا رفت، و من نیز به سنی رسیده ام که می بینید، نگرانم که بمیرم و از چیزی خبرم ندهید؟ امام سلام الله علیه فرمودند: ای ابا اسحاق! تو نیز

ص: 87

1- . بقره / 155: و قطعاً شما را با چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن مال ها و نقصان در جان ها و میوه ها خواهیم آزمود.

2- . عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبِيْنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَى ءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ. غيبت نعمانی / 251

3- . عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى - وَ لَنْبَلُونَكُمْ بِشَى ءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ الْآيَةَ فَقَالَ يَا جَابِرُ ذَلِكَ خَاصٌّ وَ عَامٌّ فَأَمَّا الْخَاصُّ مِنَ الْجُوعِ فَبِالْكُوفَةِ وَ يَخْصُ اللَّهُ بِهِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ فِيهِلِكُهُمْ وَ أَمَّا الْعَامُّ فَبِالسَّامِ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ وَ جُوعٌ مَا أَصَابَهُمْ مِنْهُ قَطُّ وَ أَمَّا الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْخَوْفُ فَبَعْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. غيبت نعمانی / 251

4- . قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ تُمَيِّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَذْدَرُ فَلَا تُذَرُّ. غيبت نعمانی 208

شتاب می کنی؟ عرض کردم: آری به خدا قسم! شتابزده هستم و چرا نباشم در حالی که همی بینید که سنم به کجا رسیده است؟. فرمودند: به خدا قسم ای ابواسحاق! این کار نمی شود مگر آنکه تمیز یابید و پاک شوید و تا آنکه نماند از شما مگر اندکی سپس کف دست خود را (به علامت بی اعتنائی) برگردانند.»(1)

ص: 88

1- . عن ابراهيم بن هلال قال: قلت لأبي الحسن عليه السلام جعلت فداك مات أبي علي هذا الأمر وقد بلغت من السنين ما قد ترى أموت ولا تخبرني بشيء فقال يا أبا إسحاق أنت تعجل فقلت إي والله أعجل وما لي لا أعجل وقد كبر سني وبلغت أنا من السن ما قد ترى فقال أما والله يا أبا إسحاق ما يكون ذلك حتى تميزوا وتمحصوا وحتى لا يبقى منكم إلا الأقل ثم صعر كفه. غيبهت نعماني / 208



راه نجات



پس از اینکه در فصل های پیشین، با کژری های آخرالزمان، دشواری های دوران غیبت و امتحانات سخت آن دوره، آشنا شدیم، بی صبرانه و با اشتیاق، به جستجوی راهی می گردیم تا ما را از این پرتگاه های هولناک برهاند و ما را در زمره ی آن عده ی بسیار قلیلی قرار دهد که از طوفان ها و گرداب های هلاکت، رهایی یافته و در ساحل امن و نجات، لنگر انداخته اند. با توجه به احادیث ائمه ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، نجات یافتگان آخرالزمان بسیار اندک اند که به عنوان نمونه می توان به روایتی که پیش از این، از حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل شد اشاره کرد و همچنین فرموده اند که سرگردانی این امت، چندین برابر بیشتر از تحیر و سرگردانی بنی اسرائیل خواهد بود(1) و بسان گله ی سرگردانی که هرچه به دنبال چراگاه می گردد آن را نمی یابد به دنبال راه نجاتی می گردند و خوبان و اخیار، از کبریت احمر که کیمیگران آن را اکسیر اعظم می نامند کمیاب تر می شوند(2) حال در این شرایط و انفسا چه باید کرد؟

امامان هدایت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ که پدران دلسوز این امت اند با نهایت شفقت و مهربانی، راه خلاصی از این شداید را به ما آموخته و راه خلاصی را به ما نشان داده اند، و اینک بر ماست که با پیروی خالصانه از فرامین ایشان، خود را از مصائب عصر غیبت، برهانیم.

ص: 90

-
- 1- . قال امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ: ... لَکِنْ تَهْتُمُ کَمَا تَاهَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَی عَهْدِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ لَعَمْرِي لِيُضَاعَفَنَّ عَلَیْکُمُ التَّيَّةُ مِنْ بَعْدِي أَضْعَافَ مَا تَاهَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ... کافی 8/66
 - 2- . اعلام الوری 227 /2

در ادامه ی این مبحث، با راه های نجات از شدايد دوران غيبت آشنا می شويم و از خدای متعال برای عمل به این فرامين، مدد می جوييم.

1- تمسک به ولایت

نعيم صحاف گوید: از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ معنای این قول خدای عزوجل را پرسيدم! "خدا را اطاعت کنید و پيغمبر را اطاعت کنید" (1) فرمودند:

«هان به خدا سوگند! پيشينيان شما هلاک نشدند و هيچ کسی هم تا زمان قيام قيام کننده ی ما عَلَيْهِ السَّلَامُ هلاک نشود، جز به سبب ترک نمودن ولایت ما و انکار حق ما. همانا رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از دنيا نرفتند، مگر آنکه حق ما را به گردن این امت، ثابت و لازم ساختند، و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدايت کند.» (2)

و همچنين امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ هم فرموده اند:

«خوشا به حال کسی که در غيبت حضرت مهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ به امر ما چنگ زده و قلبش پس از هدايت، منحرف نشود.» (3)

2- مدارا با خلق

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند: «سازگاری با مردم، نصف ايمان است و نرمی با آنها نيمي از خوشی زندگی است. سپس امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: با نيکان در خفا مراوده کنید و با بدکاران در آشکارا، و بر آنها حمله نکنید که بر شما ستم کنند؛ زیرا زمانی برای شما پيش آيد که انسان ديندار نجات نیابد، جز آن کسی که مردم،

ص: 91

1- . تغابن / 12

2- . عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَعِيمِ الصَّحَّافِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ فَقَالَ عَرَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِيْمَانَهُمْ بِمُؤَالَاتِنَا وَ كُفْرَهُمْ بِهَا يَوْمَ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ وَ هُمْ ذُرِّي فِي صَدْلِ أَدَمَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ فَقَالَ أَمَّا وَاللَّهِ مَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ مَا هَلَكَ مَنْ هَلَكَ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا فِي تَرْكِ وَ لَا يَتَنَا وَ جُحُودِ حَقَّنَا وَ مَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَلْزَمَ رِقَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ حَقَّنَا وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. کافی 1 / 436 و البرهان 5/393 و بحار الأنوار 23 / 38

3- . قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَنْعُ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ... كمال الدين 2/358

ابلهش دانند و خود او هم آماده باشد و تحمل کند که به او گویند ابله و بی عقلاست.» (1)

نبی خاتم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرموده اند:

«زمانی بیاید که علما را در آن، چون دزدان بکشند. ای کاش که ایشان در آن وقت خود را به حماقت بزنند.» (2)

یعنی در آن وقت، دانستن، جرم خواهد بود، و اگر کسی علم خویش را در بعضی از امور، آشکار کند، چون راهزنان، گردنش را بزنند؛ لذا رسول گرامی اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده اند: ای کاش دانشمندان آن عصر خود را به نادانی و حماقت بزنند.

3- ایمان مستحکم و تأیید به روح القدس

ابو خالد کابلی روایت نموده که امام علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«ای ابو خالد! فتنه هایی پدید خواهد آمد که مانند شب ظلمانی، تاریک باشد. کسی از آن فتنه ها نجات پیدا نمی کند مگر آنان که خداوند از آنها پیمان گرفته (که در راه حفظ ایمان پیوسته ثابت بمانند) آنها چراغ های هدایت و چشمه های دانش می باشند. پروردگار، آنها را از هر فتنه و آشوب تاریک، نجات خواهد داد. گویا صاحب الامر را می بینم که بر بالای نجف شما، واقع در پشت کوفه با سیصد و اندی مرد، بر آمده، در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در جانب چپ و اسرافیل در جلو او قرار دارند؛ پس پرچم پیغمبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به اهتزاز در آورده و آهنگ قومی نمی کند جز این که آنها را به دیار عدم بفرستد.» (3)

ص: 92

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ مُدَارَاةُ النَّاسِ نَصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نَصْفُ الْعَيْشِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالَطُوا الْأَبْرَارَ سِرًّا وَ خَالَطُوا الْفَجَّارَ جَهَارًا وَ لَا تَمِيلُوا عَلَيْهِمْ فَيُظْلِمُوكُمْ فَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنَّنَا أَنَّهُ أَبْلَهُ وَ صَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ [لَهُ] إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ. كافي 2/117

2- . قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَأْتِي النَّاسَ زَمَانٌ يُقْتَلُ فِيهِ الْعُلَمَاءُ كَمَا يُقْتَلُ اللَّصُوصُ فَيَأْتِي الْعُلَمَاءَ تَحَامُّقُوا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ. روضة الواعظين 2/485

3- . عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَابَلِيِّ قَالَ قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا خَالِدٍ لَتَأْتِيَنَّ فِتْنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَنْابِيعُ الْعِلْمِ يُنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ كَأَنِّي بِصَاحِبِكُمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ بَطْهَرِ كُوفَانٍ فِي ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بَضْعَةِ عَشَرَ رَجُلًا جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامَهُ مَعَهُ رَايَةٌ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قَدْ نَشَرَهَا لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. امالی مفید 45/ و بحار الانوار 51/135

مفضل گوید: شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمودند:

«پرهیزید از شهرت دادن و فاش کردن (خصوصیات امر امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ) همانابه خدا که امام شما سال های سال از روزگار این جهان، غایب شود و هر آینه شما در فشار آزمایش قرار گیرید تا آنجا که بگویند: امام مُرده، یا کشته شده، و به کدام دره افتاده است؛ ولی دیده اهل ایمان بر او اشک بارد، و شما مانند کشتی های گرفتار امواج دریا، متزلزل و سرنگون شوید، و نجات و خلاصی نیست، جز برای کسی که خدا از او پیمان گرفته و ایمان را در دلش ثبت کرده و به وسیله ی روحی از جانب خود، تقویتش نموده باشد. همانا دوازده پرچم و نشانه ی شبیه هم برافراشته گردد که هیچ یک از دیگری تشخیص داده نشود (حق از باطل شناخته نشود).

مفضل گوید: من گریستم و عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ حضرت به شعاعی از خورشید که در ایوان تابیده بود اشاره کرده و فرمودند:

«ای ابا عبد الله! این آفتاب را می بینی؟ عرض کردم: آری! فرمودند: به خدا! امر ما از این آفتاب روشن تر است. (یعنی علوم و معجزات و اخلاق و کمالات امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ برای راهنمایی مردم، به حق، از آفتاب روشن تر است). (1)

4- پناه بردن به خدا

موسی بغدادی گوید: از امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«گویا شما را می بینم که پس از من درباره ی جانشین من اختلاف می کنید، آگاه باشید که هر کس مقرّ به ائمه بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد اما فرزندان مهدی را منکر شود، مانند کسی است که به همه ی انبیاء الهی و رسولانش اقرار داشته باشد؛ اما

ص: 93

1- . عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الشَّيْخَ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِيَّاكُمْ وَالتَّوْبَةَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَغَيِّبَنَّ سَبْتًا مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لَيَحْمِلَنَّ حَتَّى يَقَالَ مَاتَ هَلَكَ بِأَيِّ وَاذٍ سَلَكَ وَ لَتُدَمَعَنَّ عَلَيْهِ عَيْونُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَيَكْفَأَنَّ تَكْفُوفَ السَّفِينَةِ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ فَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ لَتُرْفَعَنَّ اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالَ فَبَكَيْتُ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ نَصْنَعُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ أَتَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لَأَمْرُنَا أَبِينُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ. کافی 1 / 336 و غیبت نعمانی / 152 و کمال الدین 2/347 و بحار الأنوار 51 / 147 و الهدایة الكبرى 360

نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند و منکر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مانند کسی است که جمیع انبیاء الهی را انکار کند؛ زیرا اطاعت از آخر ما، مانند اطاعت از اول ماست و منکر آخر ما مانند منکر اول ماست. آگاه باشید که برای فرزندم غیبی است که مردم در آندچار شک و ریب شوند مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید.» (1)

5- سر نگهداری

راوی گوید از مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«فتنه ای کور و تاریک، بر شما سایه اندازد که جز "نومه" کسی از آن نجات نیابد. پرسیده شد: نومه چیست؟ فرمودند: آن کسی است که مردم ندانند در فکرش چه می گذرد.» (2)

6- اخلاص

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندشان امام حسین علیه السلام فرمودند:

«نهمین فرزند تو ای حسین! قائم به حق و آشکار کننده ی دین و گستراننده ی عدل خواهد بود. امام حسین علیه السلام فرمودند: این امر هر آینه حتمی است و خواهد شد؟ مولا- علی علیه السلام فرمودند: بلی به حق آنکه محمد را به نبوت، مبعوث گردانید و او را بر جمیع خلائق برگزید. اما این امر واقع نخواهد شد مگر بعد از غیبت و حیرتی که ثابت نمانند در آن، بر دین خود، مگر مخلصانی که به یقین رسیده باشند. آنان که حق تعالی میثاقشان را به ولایت ما اخذ کرده و در قلوبشان ایمان را نوشته و از جانب حق، تأیید شده می باشند.» (3)

ص: 94

1- . مَوْسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ بَعْدِي فِي الْخَلْفِ مِنِّي أَلَا إِنَّ الْمُتَقَرِّ بِالْأَيْمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ الْمُنْكَرِ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوَّلِنَا وَ الْمُنْكَرِ لآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا أَمَا إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ. كَمَالِ الدِّينِ 2/409 و كفاية الأثر / 295 و الصراط المستقيم 2 / 232

2- . عَنْ مَتَيْلِ بْنِ عَبَّادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الطُّفَيْلِ يَقُولُ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَظَلَّكُمْ فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ عَمِيَاءٌ مُنْكَشِفَةٌ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا النُّومَةُ قِيلَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَمَا النُّومَةُ قَالَ الَّذِي لَا يَعْرِفُ النَّاسُ مَا فِي نَفْسِهِ. غَيْبِ طَوْسِي / 465

3- . عَنْ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ النَّاسُ مِنَ الْوَلَدِ يَا حَسَنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ الْمُظْهَرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ فَقَالَ إِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ لَكِنَّ بَعْدَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ لَا يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحِ مِنْهُ. إِعْلَامُ الْوَرَى / 426

7- دعای غریق

عبدالله بن سنان گوید: من با پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم؛ پس آن حضرت فرمودند:

«چگونه باشید آنگاه که به حالی در آئید که امام هدایت را نبینید و نشانه‌ی هدایت رؤیت نشود و هیچ کسی نجات نیابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند.» پدرم گفت: در آن شب ظلمانی که چنین امری واقع شود ما چه کنیم؟ فرمودند:

«هرگاه چنین شود "و البته تو آن زمان را هرگز در نمی‌یابی" پس به آن چه در نزد شماست (از دین و معارف ما) بیابیزید و از آن جدا نشوید تا وضع بر شما روشن شود» (1).

و همچنین همو از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمودند:

«به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن، بی‌نشانه‌ای هویدا و امام هدایت، بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد، مگر آنکه دعای غریق را بخواند.»

عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمودند:

«بخوان: "یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک"»

من گفتم: "یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلب القلوب و الأبصار ثبت قلبی علی دینک" امام فرمودند:

«خدای تعالی مقلب القلوب و الأبصار است؛ و لیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» (2)

8- پرهیز از شهرت طلبی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«امیر المؤمنین علیه السلام بر منبر کوفه فرمودند: «به راستی که فتنه‌هایی ظلمانی و کدر

ص: 95

1- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامًا هُدًى وَ لَا عِلْمًا يُرَى فَلَا يَنْجُو مِنْ تِلْكَ الْحَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ فَقَالَ أَبِي هَذَا وَ اللَّهُ الْبَلَاءُ فَكَيْفَ نَصَّ نَعُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حِينَئِذٍ قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ وَ لَنْ تُدْرِكَهُ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَتَّضِحَ لَكُمْ الْأَمْرُ. غيبت نعمانی / 159 و الإمامة و التبصرة / 127

2- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَتَصِيْبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْتَقُونَ بِهَا عِلْمَ يُرَى وَ لَا إِمَامٍ هُدًى وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمًا يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمًا يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَقْلَبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مَقْلَبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. كمال الدين 2 / 351 و منتخب الانوار المضيئه

و تاریخ، پشت سر دارید که جز کسی که عنوانی در مردم ندارد و به کلی قدرش مجهول و ناشناخته است کسی از آن نجات نمی یابد، به آن حضرت عرض شد: ای امیر مؤمنان! آن کیست؟ فرمودند: آن کسی است که مردم را می شناسد؛ ولی مردم او را نمی شناسند، و بدانید که زمین از حجت خدای عزوجل خالی نمی ماند؛ ولی خدای عزیز به زودی دیده ی خلقش را به خاطر ظلم و جورشان و گناهی که نسبت به خودشان مرتکب شده اند از دیدن او نابینا می سازد، و اگر زمین یک ساعت از حجت خدا خالی بماند اهل خود را فرو می برد؛ لکن آن حجت، مردم را می شناسد و آنان او را نمی شناسند، چنان که یوسف، مردم را (برادرانش را) می شناخت و آنها او را نمی شناختند.»(1)

9- دوری از دشمن اهل بیت علیهم السلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«کسی که از ما پیروی کند، گمراه نمی گردد و هر که ما را انکار کند راه نمی یابد. و هر کسی دشمن ما را یاری کند نجات نمی یابد و آن که ما را به دشمن بسپارد هرگز یاری نگردد. پس به جهت طمع دنیا و دارایی اندکی که از دست شما رفتنی است و شما نیز از آن جدا خواهید شد، از ما جدا نشوید»(2)

10- قوت یقین و شناخت و تسلیم

ابوحوزه ثمالی از امام سجّاد علیه السلام روایت کند که فرمودند:

«... برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر خواهد بود... و اما غیبت دوم، طولانی می شود تا به غایتی که بیشتر معتقدین به آن امام، از این امر باز گردند و بر آن ثابت نمانند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در

ص: 96

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فِتْنًا مُظْلِمَةً عَمِيَاءَ مُنْكَسِفَةً لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا التَّوَمَةُ قِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا التَّوَمَةُ قَالَ الَّذِي يَعْرِفُ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعِمِّي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ سَاعَةً وَاحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النَّاسَ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ. غيبت نعمانی / 141

2- . قال اميرالمؤمنين عليه السلام: ... لا يضلُّ من تبعنا ولا يهتدي من انكرنا ولا ينجو من أعان [علينا] عدونا ولا يعان من أسلمنا فلا تتخلّفوا عَنَّا لِطَمَعِ دُنْيَا وَ حُطَامِ زَائِلٍ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ تَزُولُونَ عَنْهُ... خصال 2 / 631 و عيون الحكم و المواعظ / 545

دلش حرجی از آنچه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.»(1)

11- دعا برای تعجیل فرج

احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد شدم و می خواستم از جانشین پساز ایشان پرسش کنم؛ پس خود آن بزرگوار آغاز سخن کرده و فرمودند:

«ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم عَلَیْهِ السَّلَامُ زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت، به واسطه ی اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد.»

احمد گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ پس حضرت، شتابان برخاسته و داخل خانه شدند و سپس در حالی بازگشتند که بر شانه ی مبارکشان کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید. پس فرمودند:

«ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجت های او گرامی نبودی، این فرزندم را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذو القرنین است، او غیبی طولانی خواهد داشت که هیچ کسی در آن نجات نمی یابد مگر آنکه خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعاء به تعجیل فرج، موفق سازد.»

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟ پس آن کودک بزرگوار به زبان عربی فصیح به سخن درآمده و فرمودند:

«أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ " منم باقی مانده حجج خدا روی زمین و منم انتقام گیرنده ی از دشمنان خدا. ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده و رؤیت، جستجوی نشانه مکن! »

ص: 97

1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَفِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ وَالْإِمَامَةُ فِي عَقِبِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ بِقِيَّتِهِ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. كمال الدين 1/323

احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام عسکریّ عَلَیْهِ السَّلَامُ باز گشته و گفتم: ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منتی که بر من نهادید بسیار است، بفرمائید آن سنتی که از خضر و ذو القرنین دارد چیست؟ فرمودند:

«ای احمد! غیبت طولانی.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟ فرمودند:

«به خدا سوگند! چنین است، تا به غایتی که اکثر معتقدین به او از دین باز گردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امری از امر الهی و سری از سرّ ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است، آنچه به تو عطا کردم بگیر و پنهان کن و از شاگردان باش تا فردا با ما در علّیین باشی.» (1)

12- عمل به وظایف منتظران

در روایات و اخبار آل الله عَلَیْهِمُ السَّلَامُ برای منتظران امام عصر "اوراحنا له الفداء" وظایف و تکالیفی ترسیم شده است که اگر کسی به آنها عمل نماید اهل نجات خواهد بود. ما در فصل بعد به بیان و ذکر این وظایف خواهیم پرداخت ان شاء الله.

ص: 98

1- . عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْجَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يُخَلِّهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْعَيْثُ وَبِهِ يُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَنَهَضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْرِعًا فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَعَلَى عَاتِقِهِ غُلامٌ كَانَ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكِنْيَتُهُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مِثْلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمِثْلُهُ مِثْلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي فَنَطِقَ الْغُلامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصَبَحَ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَخَرَجْتُ مُسْرورًا فَرِحًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ عُدْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَمَ سُرُورِي بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ فَمَا السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِيهِ مِنَ الْخَضِرِ وَذِي الْقَرْنَيْنِ فَقَالَ طُولُ الْغَيْبَةِ يَا أَحْمَدُ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ غَيْبَتُهُ لَتَطُولُ قَالَ إِي وَرَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ وَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَهْدَهُ لَوْلَا بَيْنَتَا وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَآيِدَةً بِرُوحٍ مِنْهُ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَاكْتُمَهُ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا عَدَا فِي عَلِيِّينَ. كمال الدين 2 / 384 وإعلام الوری/ 439

وظایف امت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ در عصر غیبت

۵

بر شما خواننده ی عزیز، پوشیده نیست که هر قومی امامی دارد و خدای متعال ایشان را با آن امام می شناسد و در قیامت هم آنها را با امامشان فرا خواهد خواند. حال که این چنین است هر قومی باید با وظایفی که امام آن عصر، برای ایشان ترسیم کرده آشنا باشند و بدانها عمل کنند. در توضیح این مطلب باید بگویم که ما ملت امام علی یا امام حسین و یا امام رضا عَلَیْهِمُ السَّلَامُ نیستیم؛ بلکه ما ملت امام زمان، مهدی آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ هستیم. شیعه در ادوار مختلف تاریخی از همین عدم شناختِ وظیفه، ضربه ها خورده و مثلاً در زمان حضرت مجتبی عَلَیْهِ السَّلَامُ، به صلح ایشان با معاویه اعتراض کرده و گفته است چرا مانند امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ عمل نمی کنید؟ و در دوران امامت سید مظلومان حضرت اباعبدالله الحسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به ایشان اعتراض کرده که چرا مانند برادران امام حسن عَلَیْهِ السَّلَامُ با یزید صلح نمی کنید؟ و در زمان ائمه دیگر عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به آن بزرگواران جسارت کرده و گفته اند که چرا خانه نشینی اختیار کرده و مانند امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ قیام نمی کنید؟! و عده ای هم که دیدند حرفشان نزد ائمه ی اطهار مقبولیت ندارد، خود، عجلولانه دست به قیام زده و فرقه های منحرف گوناگونی چون زیدیه را پدید آوردند.

عزیزان من! انسان در هر زمانی، امامی و وظیفه ای دارد و معنا ندارد که بخواهد به تکلیفی عمل کند که توسط امام قبلی برای امت آن زمان، ترسیم شده است. ما ملت امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ بوده و در عصر غیبت ایشان به سر می بریم و باید ببینیم برای این دوره چه

تکالیفی برای ما تعیین شده است. یکی از معانی روایاتی که ما را به شناخت زمانی که در آن هستیم دستور می دهد همین است؛ یعنی " بدان که در چه زمانی هستی تا شبهات بر تو هجوم نیاورند". (1) امروز در زمان امام حسن عَلَیْهِ السَّلَامُ نیستی که بخواهی صلح کنی و یا در عصر حضرت ابوالفضل عَلَیْهِ السَّلَامُ نیستی که بخواهی بجنگی؛ بلکه در عصر امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ و دوره ی غیبت ایشان زندگی می کنی؛ تو را چکار به صلح حسنی و یا جنگ حسینی؟! تو باید ببینی که امام زمانت برای این دوران چه وظایفی به گردنت گذاشته اند تا بتوانی به آن عمل کرده و زمان خود را قیاس به این و آن نکنی.

وظیفه اول: معرفت

اشاره

اولین و مهمترین وظیفه، شناخت و معرفت به امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ است و آنچه که از ما خواسته اند معرفت به امام زمان خودمان است، به این معنا که اگر کسی سایر ائمه را بشناسد؛ ولی امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؛ چرا که هرکسی را با امام زمان خودش می شناسند و در قیامت هم با او شناخته شود. (2) البته این را هم باید بگویم که شناخت امام هر زمان بدون شناخت سایر امامان، میسر نمی باشد.

اهمیت معرفت امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ

بسیاری از اصحاب امام باقر و امام صادق عَلَیْهِمَا السَّلَامُ نقل کرده اند که ایشان فرموده اند:

«بنده، مؤمن نمی شود مگر آنکه خدا و رسول و همه ی امامان و مخصوصا امام زمانش را بشناسد و در همه ی امور به وی رجوع کرده و تسلیم او باشد. سپس فرمودند: چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد.» (3)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در ضمن نامه ای طولانی به مفضل می فرمایند:

«... به تو گوشزد می کنم که ریشه ی دین و پایه آن، یک نفر است و آن یک نفر،

ص: 101

1- عن ابی عبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ: الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَیْهِ اللَّوَاِئِسُ. کافی 1 / 27 و تحف العقول / 356

2- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ»؟ قَالَ: «إِمَامِهِمُ الَّذِي بَيْنَ أظْهُرِهِمْ، وَهُوَ قَائِمٌ أَهْلِ زَمَانِهِ». کافی 2 / 710

3- عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ حَدَّثَنَا غَيْرٌ وَاحِدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَیْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرُدَّ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمَ لَهُ ثُمَّ قَالَ كَيْفَ يَعْرِفُ الْآخَرَ وَ هُوَ يَجْهَلُ الْأَوَّلَ. کافی 1/180

یقین و ایمان است. او پیشوای مردم و امام اهل زمان است که هر کسی او را بشناسد خدا و دینش را شناخته و هر که منکر او شود منکر خدا و دینش گردیده و جاهل به امام، جاهل به خدا و دین اوست؛ پس دین و آئین و حدود پروردگار شناخته نمی شود مگر به وسیله امام هر زمان.

به همین جهت می گویم شناختن مردانی معین و مشخص، دین خدا است. این معرفت، دو نوع است؛ نوع اول: شناخت واقعی با بصیرت که به وسیله ی این معرفت، راه خدا را تشخیص دهد و به معرفت خدا برسد. این معرفت که ثابت است و عارف با این اوصاف، موجب ستایش است و باید خدا را به خاطر آن سپاس گوید؛ چرا که این عرفان یک موهبت الهی است که به هر کسی بخواهد می دهد.

نوع دوم معرفت، ظاهری است و اینها کسانی هستند که ما را بر حق می دانند اما دارای بصیرت اهل معرفت باطن نیستند و هرگز با آن معرفت ظاهری به شناخت واقعی خدا نمی رسند. چنانچه در این آیه می فرماید: **وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ** پس کسی که به ظاهر گواه بر حق باشد؛ ولی قلب او چنین گواهی را ندهد و بصیرت در مورد گفته خود نداشته باشد هرگز به او پاداشی مانند کسی که دارای ایمان قلبی و بصیرت است نمی دهند. همین طور است کسی که سخن به جور و ستم بگوید ولی نه با اعتقاد و از درون قلب، عقاب و کیفر او مانند کسی نیست که همین سخن را از روی اعتقاد می گوید و بر آن عقیده قلبی دارد...» (1)

ص: 102

1- . عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ انه كتب الي المفضل: «... ثُمَّ أَخْبِرْكَ أَنَّ أَصْلَ الدِّينِ هُوَ رَجُلٌ وَ ذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الْيَقِينُ، وَ هُوَ الْإِيمَانُ، وَ هُوَ إِمَامٌ أَهْلٍ زَمَانِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللَّهَ وَ دِينَهُ (وَ مَنْ أَنْكَرَهُ أَنْكَرَ اللَّهَ وَ دِينَهُ، وَ مَنْ جَهَلَهُ جَهَلَ اللَّهَ وَ دِينَهُ)، وَ لَا يُعْرِفُ اللَّهَ وَ دِينَهُ وَ شَرَّ رَائِعُهُ بَغَيْرِ ذَلِكَ الْإِمَامِ، كَذَلِكَ جَرَى بِأَنَّ مَعْرِفَةَ الرَّجَالِ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. وَ الْمَعْرِفَةُ عَلَى وَجْهَيْنِ: مَعْرِفَةٌ ثَابِتَةٌ عَلَى بَصِيرَةٍ يُعْرِفُ بِهَا دِينَ اللَّهِ، فَهَذِهِ الْمَعْرِفَةُ الْبَاطِنَةُ الثَّابِتَةُ بِعَيْنِهَا، الْمَوْجِبُ حَقُّهَا، الْمُسْتَوْجِبُ عَلَيْهَا الشُّكْرُ لِلَّهِ، الَّذِي مَنْ عَلَيكُمْ بِهَا مَنَّا مِنَ اللَّهِ، يُمْنُ بِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ مَعَ الْمَعْرِفَةِ الظَّاهِرَةِ. وَ مَعْرِفَةٌ فِي الظَّاهِرِ، فَأَهْلُ الْمَعْرِفَةِ فِي الظَّاهِرِ الَّذِينَ عَلِمُوا أَمْرَنَا بِالْحَقِّ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ بِهِ، (لَا يَسْتَحِقُّ أَهْلُهَا مَا يَسْتَحِقُّ أَهْلُ الْمَعْرِفَةِ بِالْبَاطِنِ عَلَى بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَا يَصِدُّ لِمَا يَبْتَلِكُ الْمَعْرِفَةِ الْمُقَصِّرَةَ إِلَى حَقِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، كَمَا قَالَ فِي كِتَابِهِ وَ لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ فَمَنْ شَهِدَ شَهَادَةَ الْحَقِّ لَا يَعْقِدُ عَلَيْهِ قَلْبُهُ، (وَ لَا يُبْصِرُ مَا يَتَكَلَّمُ بِهِ، لَمْ يُبْنِ اللَّهُ عَلَيْهِ ثَوَابَ مَنْ عَقَدَ عَلَيْهِ قَلْبَهُ عَلَى بَصِيرَةٍ فِيهِ). وَ كَذَلِكَ مَنْ تَكَلَّمَ بِجَوْرِ لَا يَعْقِدُ عَلَيْهِ قَلْبُهُ، لَا يُعَاقَبُ عَلَيْهِ عُقُوبَةً مِنْ عَقَدَ قَلْبَهُ وَ نَبَتَ عَلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ...»

مختصر البصائر / 243

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز درباره ی ارزش معرفت فرموده اند:

«منظور خدا از حکمت در این آیه " و هر کسی که خدا به او حکمت عطا کند خیر کثیر به او عطا کرده است " معرفت است.» (1)

سلیمان بن خالد هم از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ی این آیه نقل کرده که فرموده اند:

«حکمت عبارت است از معرفت و بصیرت در دین. هر کدام از شما فقیه در دین باشد حکیم است، شیطان از مردن هیچ کسی در جهان

خوشحال نمی شود به اندازه ی خوشحالی اش از مردن یک فقیه.» (2)

و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرمودند:

پدرم حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند: «در کتابی که یادگاری جدم حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است نظر کردم دیدم نوشته بود: ارزش و

بهای هر انسانی، به اندازه ی معرفت اوست...» (3)

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ هم فرموده اند:

«تنها کسی خدای عزوجل را بشناسد و پرستش کند که هم خدا را بشناسد و هم امام از ما خاندان را و کسی که خدای عزوجل را نشناسد و

امام از ما خاندان را نشناسد غیر خدا را شناخته و عبادت کرده، این چنین مانند عامه ی مردم که به خدا گمراه اند.» (4)

والله که حضرت باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ راست گفتند؛ زیرا خدایی که به وسیله ی غیر ائمه هدی عَلَيْهِم السَّلَامُ معرفی شود، جوان خوش سیمائی

است با موهای فروری که در قیامت برای مردم جلوه گری کند؛ پس هر که به چنین خدایی معتقد باشد، حقا که خدا را شناخته است.

محمد بن مسلم که از ثقات اصحاب ائمه است گوید شنیدم که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمودند:

ص: 103

1- . أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا قَالَ الْمَعْرِفَةُ. بحار الأنوار 1 / 215

2- . عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا فَقَالَ إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةُ

وَ التَّقِيُّ فِي الدِّينِ فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ وَ مَا أَحَدٌ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا لَيْسَ مِنْ فِقْهِهِ. بحار الأنوار 1/215

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ

كُلِّ امْرِيٍّ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ ... بحار الأنوار 2 / 184

4- . عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَرَفَ إِمَامَهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَنْ لَا

يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَ اللَّهُ ضَالًّا. کافی 1/181

«هرکه دینداری خدای عزوجل کند به وسیله عبادتی که خود را در آن به زحمت افکند؛ ولی امام و پیشوایی که خدا معین کرده نداشته باشد، زحمتش پذیرفته نخواهد شد و خود او گمراه و سرگردان است و خدا اعمال او را مبعوض و دشمن دارد، حکایت او حکایت گوسفندی است که از چوپان و گله خود گم شده و تمام روز سرگردان می رود و بر می گردد، چون شب فرا رسد گله ای با شبان به چشمش آید، به سوی آن گراید و به آن فریفته شود و شب را در خوابگاه آن گله به سربرد، چون چوپان، گله را حرکت دهد، گوسفند گمشده، گله و چوپان را ناشناس بیند، باز متحیر و سرگردان در جستجوی شبان و گله ی خود باشد که گوسفندانی را با چوپانش ببیند؛ پس اینبار به سوی آن رود و به آن فریفته گردد، شبان او را صدا زند که بیا و به چوپان و گله خود پیوند که تو سرگردانی و از چوپان و گله خود گمگشته ای، پس ترسان و سرگردان و گمراه، حرکت کند و چوپانی که او را به چراگاه رهبری کند و یا به جایش برگرداند نباشد، در همین میان، گرگ، گم شدن او را غنیمت شمارد و او را بخورد. به خدا ای محمد! کسی که از این امت باشد و امامی هویدا و عادل از طرف خدای عزوجل نداشته باشد چنین است، گم گشته و گمراه است و اگر با این حال بمیرد با کفر و نفاق مرده است، بدان ای محمد! که پیشوایان جور و پیروان ایشان از دین خدا به دور اند، خود گمراه اند و مردم را نیز گمراه کنند، اعمالی را که انجام می دهند چون خاکستری است که تبدادی در روز طوفانی به آن تازد، و از کردارشان چیزی دست گیرشان نشود. این است گمراهی دور. (1)»

آری! به خدا سوگند هر که از تحت سرپرستی شما آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فرار کند گرفتار

ص: 104

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعِبَادَةٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحِيرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاةٍ صَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَقَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ ذَاهِبَةً وَجَائِيَةً يَوْمَهَا فَلَمَّا جَنَّهَا اللَّيْلُ بَصُرَتْ بِقَطِيعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَاعْتَرَّتْ بِهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي مَرْبِضٍ بِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعَهُ أَنْكَرَتْ رَاعِيَهَا وَقَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحِيرَةً تَطْلُبُ رَاعِيَهَا وَقَطِيعَهَا فَبَصُرَتْ بِغَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَحَنَّتْ إِلَيْهَا وَاعْتَرَّتْ بِهَا فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِي الْحَقِي بِرَاعِيكَ وَقَطِيعِكَ فَأَنْتِ تَائِهَةٌ مُتَحِيرَةٌ عَنْ رَاعِيكَ وَقَطِيعِكَ فَهَجَمَتْ ذِعْرَةً مُتَحِيرَةً تَائِهَةً لَا رَاعِي لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يَرُدُّهَا فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذُّئْبُ ضَيْعَتَهَا فَأَكَلَهَا وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ظَاهِرٌ عَادِلٌ أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِهًا وَإِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ مَاتَ مَيْتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أُمَّةَ الْجُورِ وَاتَّبَاعَهُمْ لَمَعُزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَاضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ النَّبِيُّ يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البَعِيدُ. کافی 1/183

گرگان دین ساز و مذهب تراشان دغل و فریبکار می شود. پدر و مادرم به فدای شما ای صاحبان امر و ای ستارگان هدایت.

راستگوترین راستگویان یعنی حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در کلامی ضمن توضیح مقام امامت فرموده اند: «هر که از امت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حَقِّ واجب امامش را شناسد، طعم و شیرینی ایمانش را بیابد و لذت خرمی اسلامش را بچشد؛ زیرا خدای تبارک و تعالی امام را به پیشوایی خلقش منصوب کرده و بر روزی خواران اهل جهانش حجت قرار داده و تاج و قارش بر سر نهاده و از نور جباریتش به او افکنده و بارشته ای الهی تا آسمان کشیده که فیوضات خدا از او منقطع نشود و آنچه نزد خداست جز از طریق وسائل او به دست نیاید و خدا اعمال بندگان را جز با معرفت او نپذیرد آنچه از امور مشتبه تاریک و سنت های مشکل و فتنه های ناآشکار بر او وارد شود، حکمش را می داند. خدای تبارک و تعالی همیشه امامان را برای رهبری خلقش از اولاد حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و از فرزندان بلا واسطه هر امامی برای امامت برگزیند و انتخاب کند و ایشان را برای خلقش بپذیرد و بپسندد...» (1)

کسی که به مقام معرفت برسد گویا در خیمه ی امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ حاضر است و در خدمت ایشان می باشد. امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ درباره همین موضوع، به فضیل بن یسار فرموده اند:

«کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، مانند مردم جاهلیت مرده و هرکه بمیرد و به امامش عارف باشد، تقدم یا تأخر این امر (ظهور) او را زیان ندهد، هر که بمیرد و در حالی که امامش را می شناسد مانند کسی است که در زیر خیمه ی امام قیام کننده، همراه ایشان باشد.» (2)

ص: 105

1- . الصادق عَلَیْهِ السَّلَامُ: ... فَمَنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَاجِبَ حَقِّ إِمَامِهِ وَجَدَ طَعْمَ حَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ وَ عَلِمَ فَضْلَ طَلَاوَةِ إِيْمَانِهِ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَصَبَ الْإِمَامَ عَلِمًا لِخَلْقِهِ وَ جَعَلَهُ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ مَوَادِّهِ وَ عَالَمِهِ وَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَاجَ الْوَقَارِ وَ غَشَّاهُ مِنْ نُورِ الْجَبَّارِ يُمَدُّ بِسَبَبِ إِلَى السَّمَاءِ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهُ مَوَادَّةٌ وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِجِهَةِ أَسِّ بَابِهِ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ أَعْمَالَ الْعِبَادِ إِلَّا بِمَعْرِفَتِهِ فَهُوَ عَالِمٌ بِمَا يَرِدُ عَلَيْهِ مِنْ مُلْتَبَسَاتِ الدُّجَى وَ مُعَمَّيَاتِ السُّنَنِ وَ مُسَبَّهَاتِ الْفِتَنِ فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَخْتَارُهُمْ لِخَلْقِهِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عَقَبِ كُلِّ إِمَامٍ يَصْطَفِيهِمْ لِذَلِكَ وَ يَجْتَبِيهِمْ وَ يَرْضَى بِهِمْ لِخَلْقِهِ وَ يَرْضِيهِمْ كَافِي 1/203

2- . عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةُ جَاهِلِيَّةٍ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَصِدْرُهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسَّطِ طَاطِهِ. غيبت نعمانی / 330 و کافی 1/372 و

بحار الأنوار 142 / 52 و مرآة العقول 189 / 4

و نکته پایانی این که جز با معرفت امام عَلِيهِ السَّلَامُ نتوان خدا را شناخت؛ پس کسانی که در لسان عوام الناس به عنوان "عارف باللّه" و... شناخته می شوند؛ در حالی که ولایت نداشته و شیعه دوازده امامی نیستند، به غلط بدین نام معروف شده اند؛ چرا که هرگز نتوان عارف باللّه شد مگر پس از شناخت امام؛ پس کسی که امامش را شناخته و منکراوست چگونه عارف به خداست؟!

ابوحزمه ثمالی گوید: امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«همانا خدا را کسی پرستد که او را بشناسد و اما کسی که خدا را نشناسد او را این گونه (مانند عامه از مردم) گمراهانه می پرستد.

عرض کردم: قربانت کردم معرفت خدا چیست؟ فرمودند:

«باور داشتن به خدای عزوجل و باور داشتن به پیغمبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و دوست داشتن حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ و پیروی از او و از ائمه هدی عَلِيهِمُ السَّلَامُ و بیزاری جستن به خدای عزوجل از دشمن ایشان. این چنین شناخته می شود خدای عزوجل.» (1)

و امام حسین عَلِيهِ السَّلَامُ نیز در پاسخ کسی که از ایشان پرسیده بود معرفت خدا چیست؟ فرمودند:

«اینکه اهل هر زمان، امام خود را که اطاعت او واجب است بشناسند.» (2)

طلب معرفت

درباره طلب معرفت و بیان مصداق معرفت، روایتی بسیار زیبا از حضرت موسی بن جعفر عَلِيهِ السَّلَامُ در کتب روایی ما نقل شده که لازم است با دقت در عبارات آن، نکات لطیف فراوانش را درک کنیم.

محمد بن فلان رافعی گفت: پسر عمویی داشتم به نام حسن ابن عبد الله، مردی

ص: 106

1- . عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا يَعْبُدُ اللَّهُ مَنْ يَعْرِفُ اللَّهَ فَأَمَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ فَإِنَّمَا يَعْبُدُهُ هَكَذَا صَدَّابًا لَا قَلْبُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ تَصْدِيقُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَصْدِيقُ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَوْلَاةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْإِثْمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْبِرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هَكَذَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. کافی 1/180

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ إِذَا عَبَدُوهُ اسْتَتَعَنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي أُمَّتِي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ. بحار الانوار 5/312

پارسا و از بهترین عبادت کنندگان روزگار بود، گاهی به ملاقات سلطان می رفت و با او سخنان درشت می گفت و پند و اندرز می داد و امر به معروف و نهی از منکر می نمود و چون مرد پرهیزکار و بی ادعایی بود، سلطان سخنان او را تحمل می نمود و پیوسته با همین وضع، زندگی می کرد. یک روز حضرت موسی بن جعفر عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد مسجد شده و چون او را دیدند پیش او رفته به او فرمودند: «چقدر من خوشم می آید از این حال که داری و از دیدنت خوشحال می شوم جز اینکه معرفت نداری! برو و معرفت طلب کن. عرض کرد: فدایت شوم! معرفت چیست؟ فرمودند: برو علم دین بیاموز و حدیث یاد بگیر. عرض کرد: از چه کسی؟ فرمودند: از انس بن مالک و فقهای مدینه، و بعد آن حدیث را به من بگو تا برایت تصحیح کنم. آن مرد رفت و از آنها مطالبی گرفت و آنها را برای موسی بن جعفر عَلَیْهِ السَّلَامُ خواند، فرمودند: همه ی اینها باطل است، برو و معرفت طلب کن.»

آن مرد، که خیلی به دین خویش اهمیت می داد، پیوسته در جستجوی امام بود تا روزی ایشان را در حالی که به باغ خویش می رفتند تعقیب کرد و در بین راه، جلو آن جناب را گرفته، عرض کرد: فدایت شوم! من در پیشگاه پروردگار از شما شکایت می کنم. مرا بگو که معرفت چیست؟.

امام عَلَیْهِ السَّلَامُ، حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ را معرفی کرده و فرمودند: «بعد از پیغمبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ راهنمای خلق امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ بودند و جریان ظلم ابابکر و عمر را برای او توضیح دادند و او قبول کرد؛ سپس پرسید: بعد از حضرت امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ چه کسی بود؟ فرمودند: حسن بن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ و بعد از ایشان حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ تا رسید به نام خودشان پس سکوت کردند. عرض کرد: آقا! امروز حجت خدا کیست؟ فرمودند: اگر بگویم می پذیری؟. عرض کرد: آری! فدایت شوم! فرمودند: امروز من حجت پروردگار در روی زمینم. گفت: آقا جان! یک دلیل که قانع کننده باشد برای من می آوری؟ فرمودند: آری! برو پهلوی آن درخت " و اشاره به درخت معروف به ام غیلان کردند" و به او بگو موسی ابن جعفر تو را می گوید که پیش من بیا. گفت: پیش درخت رفتم و پیغام را رساندم و به خدا قسم زمین را می شکافت و می آمد تا رسید مقابل امام و آن حضرت اشاره نمودند تا برگشت.

پس، اقرار به مقام امامت آن جناب نمود و دیگر سکوت اختیار کرد و کسی ندید بعد از آن صحبت کند. و قبل از این جریان خواب های خوب می دید که به وقوع می پیوست؛ ولی از آن پس، دیگر چنین خواب هایی هم نمی دید. یک شب حضرت صادق علیه السلام را در خواب دید از قطع شدن خواب شکایت نمود. امام در خواب به او فرمودند: ناراحت نباش! وقتی مؤمن در ایمان، استوار گردید، رؤیا از او قطع می شود. (1)

در این روایت نورانی، نکات زیادی برای مریدان راه معرفت وجود دارد.

نکته اول: اینکه ممکن است کسی اهل انجام اعمال خوب باشد و حتی در راه سیر و سلوک، رؤیاهای صادقه ی فراوانی هم ببیند؛ ولی به خاطر محروم بودن از داشتن معرفت، اهل سعادت و عاقبت به خیری نباشد. در همین زمینه جناب زراره از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

«مهمترین پایگاه دین و قله ی بلند آن و کلید و راه به سوی پیامبران و رضای خدا همانا اطاعت امام است... پس اگر شخصی تمام شب هایش به عبادت و روزهایش به روزه بگذرد و تمام ثروتش را در راه خدا صدقه دهد و هر سال تا آخر

ص: 108

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَلَانَ الْوَاقِعِيِّ قَالَ: كَانَ لِي ابْنٌ عَمٌّ يُقَالُ لَهُ- الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ كَانَ زَاهِدًا وَكَانَ مِنْ أَعْبَادِ أَهْلِ زَمَانِهِ وَكَانَ يَتَّبِعِيهِ السُّلْطَانُ لِحِدِّهِ فِي الدِّينِ وَاجْتِهَادِهِ وَرُبَّمَا اسْتَقْبَلَ السُّلْطَانُ بِكَلَامٍ صَعْبٍ يَعْظُهُ وَيَأْمُرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَكَانَ السُّلْطَانُ يَحْتَمِلُهُ لِصَلَاحِهِ وَ لَمْ تَزَلْ هَذِهِ حَالَتُهُ حَتَّى كَانَ يَوْمٌ مِنَ الْأَيَّامِ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَرَأَهُ فَأَوْمَأَ إِلَيْهِ فَأَتَاهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَلِيٍّ مَا أَنَا أَحَبُّ إِلَيْكَ مَا أَنتَ فِيهِ وَأَسَرُّنِي بِكَ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَتْ لَكَ مَعْرِفَةٌ فَأَذْهَبَ فَاطْلُبِ الْمَعْرِفَةَ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْمَعْرِفَةُ فَقَالَ لَهُ أَذْهَبَ وَ تَفَقَّهُ وَ اطْلُبِ الْحَدِيثَ قَالَ عَمَّنْ قَالَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَ عَنْ فُقَهَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ ثُمَّ أَعْرَضَ الْحَدِيثَ عَلَيَّ قَالَ فَذْهَبَ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُمْ ثُمَّ جَاءَهُ فَرَأَهُ عَلَيْهِ فَاسْمَقَطَهُ كُلَّهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْهَبَ وَ اطْلُبِ الْمَعْرِفَةَ وَ كَانَ الرَّجُلُ مَعِينًا [مَعْنِيًا] بِدِينِهِ فَلَمْ يَزَلْ مُتَرَصِّدًا أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى خَرَجَ إِلَى صَدِيعَةَ لَهُ فَتَبِعَهُ وَ لَحِقَهُ فِي الطَّرِيقِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَحْتَجُّ عَلَيْكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فِدْلَنِي عَلَى الْمَعْرِفَةِ قَالَ فَأَخْبَرَهُ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَخْبَرَهُ بِأَمْرِ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ فَتَقَبَّلَ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ فَمَنْ كَانَ بَعْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ سَكَتَ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَنْ هُوَ الْيَوْمَ قَالَ إِنْ أَخْبَرْتُكَ تَقْبَلُ قَالَ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ أَنَا هُوَ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَشِئْءٌ اسْتَدِلُّ بِهِ قَالَ أَذْهَبَ إِلَى تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَشَارَ إِلَى أُمَّ غَيْلَانَ فَقُلْ لَهَا يَقُولُ لَكَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ أَقْبَلِي قَالَ فَاتَّبَعْتُهَا قَالَ فَارْتَبْتُهَا وَ اللَّهُ تَجُبُّ الْأَرْضَ جُوبًا حَتَّى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ أَشَارَ إِلَيْهَا فَجَعَتْ قَالَ فَاقْرَأْ بِهِ ثُمَّ لَزِمَ السُّكُوتَ فَكَانَ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ يَتَكَلَّمُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ كَانَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ يَرَى الرَّؤْيَا الْحَسَنَةَ وَ يَرَى لَهُ ثُمَّ انْقَطَعَتْ عَنْهُ الرَّؤْيَا فَرَأَى لَيْلَةً أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ فَشَدَّ كَأَيْلِيهِ انْقِطَاعَ الرَّؤْيَا فَقَالَ لَا تَعْتَمَنَّ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا رَسَخَ فِي الْإِيمَانِ رُفِعَ عَنْهُ الرَّؤْيَا. کافی 1 / 353 و بصائر

الدرجات 1 / 255 و الارشاد 2 / 223 و بحار الانوار 48/52

عمر به حج برود؛ ولی آشنا به ولایت ولی خدا نباشد که او را دوست بدارد و تمام اعمالش به راهنمایی آن امام باشد پاداشی نزد خداوند ندارد، و از اهل ایمان شمرده نمی شود.» (1)

نکته دوم: معرفت یعنی شناخت ولی خدا و دشمنان او و دانستن ظلم هایی که به واسطه ی بدکاران در حق ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وارد شده است.

نکته سوم: اگر کسی به مقام معرفت رسید به درجه ی آرامش نائل می شود و از شرّ و شوری دست کشیده و خود را ملزم به تبعیت از امامش می داند. اگر آن والا مقام، سخن گفت، سخن می گوید و اگر سکوت فرمود، سکوت پیشه می کند.

نکته چهارم: به دلیل اینکه خدای مهربان، شکور است و از اعمال نیک بندگان تشکر می کند، اگر کسی عمل خوبی در این دنیا انجام داد؛ ولی سزاوار دریافت پاداش، در آخرت نبود، خداوند جزای او را در همین سرای فانی به او داده و مثلاً با نشان دادن رؤیاهای صادقه و مکاشفات و... و یا یک تشییع جنازه ی آبرومند برای او، با وی تسویه حساب می کند. پس دیدن خواب های کذایی و مکاشفات و امثال ذلک، نمی تواند اثبات مقامی برای کسی بکند. مهم، معرفت و اطاعت است که وظیفه ی ما بندگان می باشد.

علاوه بر روایت فوق درباره همین مطلب، روایت دیگری از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ است که ذکرش در اینجا خالی از لطف نیست.

مرحوم علامه تنکابنی در کتاب قصص العلماء از کتاب زینه المجالس نقل کرده که در زمان امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ شخصی مدعی بود که قادر است از اشیایی که دیگران پنهان کرده اند خبر دهد. مردم به عنوان سرگرمی و تفریح از راه های مختلف وی را امتحان می کردند. آن فرد، برخلاف انتظار حاضرین، به خوبی از پس امتحانات ایشان برمی آمد. تا اینکه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ سر رسیدند، و اوضاع را جويا شدند، مردم، جریان را شرح دادند. آن حضرت دست خود را مشت کردند و از او پرسیدند: در دست من چه چیزی است؟ او

ص: 109

1- . عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذُرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَا مُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَنْبِيَاءِ وَ رَضِيَ الرَّحْمَنُ الطَّاعَةَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ إِلَى حَفِيزًا أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَا يَتْلُو اللَّهَ فَيُؤَالِيَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بَدَلَالَةً مِنْهُ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ . بحار الانوار 23/

294

بعد از لحظاتی تأمل و فکر، با حالت تحیر و تعجب به امام خیره شد. امام عَلَیْهِ السَّلَامُ پرسیدند: چرا جواب نمی دهی؟ گفت: جواب را می دانم؛ ولی در تعجبم شما آن را از کجا آورده اید. آن شخص ادامه داد: در تمام کره ی زمین همه چیز مسیر طبیعی خود را می گذراند فقط در یک جزیره مرغی دو تا تخم گذاشته که یکی از آنها مفقود شده و آنچه در دست شماست باید همان تخم باشد. حضرت تصدیق کردند؛ سپس از او پرسیدند: چگونه به اینجا رسیده ای؟ جواب داد: "با مخالفت با هوای نفس"، هرچه دلم خواست خلافت را انجام دادم. حضرت از او خواستند تا مسلمان شود. جواب داد: دوست ندارم. امام عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: مگر قرار نبود با هوای نفست مخالفت کنی؟ طبق عهد خودت الان باید مسلمان شوی، چون دوست نداری مسلمان شوی. زمینه فراهم بود؛ هم به قدرت معنوی امام پی برد و هم در مقابل استدلال امام پاسخی نداشت. بعد از مسلمان شدن، قدرتغیبی خود را از دست داد. سراغ امام آمد و زبان به شکوه گشود که "قبلاً که مسلمان نبودم این قدرت را داشتم الان که خدا را پذیرفتم قدرتم را از دست داده ام! این چه دینی است؟" امام عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: تاکنون متحمل زحمتی شده بودی و خداوند در همین عالم، مزد زحمت تو را می داد و بعد از دریافت مزد، طلبی از خدا نداشتی چون با خدا بیگانه بودی و از الان آنچه عمل می کنی خداوند برای آن جایی که به آن نیازمندی ذخیره می کند و آنچه که قبلاً داشتی برای نیل به سعادت ابدی، سودی به تو نمی رساند. (1)

پس با توجه به این روایات باید بفهمیم که ممکن است کسی که معرفت، ولایت و دین ندارد بتواند از این قبیل امور غریبه انجام دهد و اینها کرامت و فضیلتی برای کسی نیست.

معنای معرفت

باید دانست که معرفت با علم تفاوت دارد و آنچه وظیفه ی ما و نجات دهنده ی از سوء عاقبت است معرفت است نه علم. کسانی که حضرت سیدالشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ را به شهادت رسانده و آنهایی که حق مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ را غصب کردند؛ همگی نسبت به حقانیت ایشان عالم بودند؛ ولی معرفت نداشتند. اگر کسی بگوید "شمر نمی دانست که سر از بدن چه کسی جدا می کند و درباره ی ایشان جاهل بوده است" در

ص: 110

حقیقت او را در فعل ناپسندش معذور داشته و دیگر کسی حق ندارد او را به خاطر این گناه عظیمش سرزنش و یا لعن و نفرین کند.

آری! شمر و امثال او به خوبی می دانستند که با چه کسی به نبرد آمده و خون چه کسی را می ریزند، عالم بودند؛ ولی عارف نبودند. نقیض علم، جهل، و نقیض معرفت، انکار است. و این همان قول خدای متعال است که در قرآن فرموده است: «يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها» (1) و امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: «المعرفةُ وَضِدُّهَا الإنكارُ» (2) معرفت در قلب جای دارد؛ ولی علم در مغز و حافظه ی انسان؛ لذا ممکن است علم انسان در اثر پیری و بیماری تحلیل رود؛ ولی معرفت که در دل جای گرفته با این امور زائل نمی شود. امامتقیان حضرت علی علیه السلام فرموده اند: «المعرفةُ نُورُ الْقَلْبِ» یعنی معرفت نور قلب است. (3)

کسی که معرفت یافت دیگر به دنبال نشانه ای نخواهد رفت و به فوز اعظم خواهد رسید. ابوبصیر گوید: روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم، فرمودند: «آیا به امام خویش معرفت داری؟ عرض کردم: آری به خدایی که جز او خدایی نیست! شما امام من هستید و "دست خود را روی زانوی ایشان گذاشتم". فرمودند:

«راست گفתי! خوب شناختی، چنگ بزنی به دامنش. عرض کردم: مایلیم علامت و نشانه ی امام را به من نشان دهید! فرمودند: بعد از شناختن امام، دیگر حاجتی به علامت نیست!...» (4)

شاید آن حالتی که اکثر ما نسبت به امامان علیهم السلام داریم علم باشد نه معرفت. علم کاری برای ما نخواهد کرد، اگر معرفتی در دل نباشد، همانطور که برای شمر و یزید و مأمون و... نکرد، با اینکه عالم به حضرات معصومین علیهم السلام بودند.

در زمینه ی معرفت، مردم سه دسته اند؛ عارف، منکر و مستضعف که بحث درباره ی این سه دسته، نیاز به مجالی دیگر دارد که ان شاء الله در تحقیقی مفصل و مجزا، بیان خواهد شد.

ص: 111

1- . نحل / 83

2- . کافی / 1 / 48

3- . عیون الحکم و المواعظ / 25

4- . عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) يَوْمًا قَالَ أَبُو بصيرٍ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي هَلْ تَعْرِفُ إِمَامَكَ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ وَأَنْتَ هُوَ قَالَ صَدَقْتَ قُلْتُ أُرِيدُ أَنْ تُعْطِيَنِي عِلْمًا قَالَ لَيْسَ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ عِلْمًا. الخرائج و الجرائح 2 / 636

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«کمترین حد معرفت امام آن است که انسان بداند او همپایه و هم میزان پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است مگر در درجه ی نبوت، و بداند که او وارث پیامبر است و طاعتش طاعت خدا و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد، و در برابر وی در هر امری تسلیم باشد، و امور را به سوی او بازگرداند (یعنی در هر کاری نظر امام را بخواهد) و در هر مشکل و حادثه ای، به کلام او رجوع کند. و بداند که امام پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، علی بن ابی طالب عَلِيهِ السَّلَامُ است؛ و پس از او حسن، و سپس حسین، و سپس علی بن الحسین، و سپس محمد بن علی، و سپس من، و سپس موسی پسر من، و پس از او علی پسرش، و پس از علی، پسرش محمد، و پس از محمد پسرش علی، و پس از علی، پسرش حسن؛ و سپس حجت بن الحسن عَلِيهِمُ السَّلَامُ است.» (1)

خواننده ی گرامی وقتی دانستن و پذیرش این امور، پایین ترین درجه ی معرفت باشد، اعلی درجه ی آن چگونه است؟ و همچنین نکته ی مهم و کلیدی دیگر این است که؛ هنگامی که امام عَلِيهِ السَّلَامُ می فرمایند «کمترین حد معرفت»؛ یعنی کمتر از آن را معرفت نمی دانند. حال سوال من از شما این است که به نظر شما چند درصد از جامعه ای که می شناسید این حداقل معرفت را دارا هستند؟

ثواب معرفت

شناخت امام زمان عَلِيهِ السَّلَامُ علاوه بر اینکه وظیفه است، پاداش و اجری بزرگ هم در نزد خدا دارد. امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«کسی که با (شناخت) امر ولایت بمیرد مانند کسی است که در خدمت امام زمان عَلِيهِ السَّلَامُ است و با ایشان به شهادت رسیده است.» (2)

ص: 112

- 1- . عن جعفر بن محمد عَلِيهِ السَّلَامُ: ... وَ أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوَّةِ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسَلُّيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَيْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي وَ بَعْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ بَعْدَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ بَعْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ ابْنُهُ وَ الْحُجَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ ثُمَّ قَالَ يَا مُعَاوِيَةُ جَعَلْتُ لَكَ أَصْلًا فِي هَذَا فَأَعْمَلْ عَلَيْهِ. بحار الأنوار 36/407
- 2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ مَاتَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ حَضَرَ مَعَ الْقَائِمِ وَ شَهِدَ مَعَ الْقَائِمِ الْمُحَاسِنِ 1/173 وَ إِثْبَات

امام ششم حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«هر یک از شما که با (شناخت) امر امامت ما بمیرد، مانند کسی است که در خدمت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ خیمه بر پا کرده؛ بلکه چون کسی است که کنار آن حضرت شمشیر زده؛ بلکه مانند آن کسی است که در رکاب ایشان شهید شده؛ بلکه به منزله ی آن است که به همراه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به شهادت رسیده است.» (1)

ابو بصیر نیز از امام عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به آیه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» سوال کرد که منظور از حکمت چیست؟ فرمودند:

«منظور از حکمت، معرفت امام است و اجتناب از کبائر. هر کس بمیرد و برگردد او بیعت امامی نباشد به مرگ جاهلیت مرده است. هان! آگاه باشید که بهانه ای از مردم به خاطر عدم شناخت امامشان نمی پذیرند. هر که با معرفت به امام خویش بمیرد، برایش ضرری نخواهد داشت که ظهور، محقق شود یا به تأخیر بیفتد. او مثل کسی است که با حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ در خیمه ی ایشان بوده است. راوی گفت: پس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ مختصری مکث نموده؛ سپس فرمودند: نه! بلکه مانند کسی است که در رکاب آن بزرگوار بجنگد؛ سپس فرمودند: نه! به خدا! مانند کسی است که در سپاه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به شهادت رسیده باشد.» (2)

و همان بزرگوار فرموده اند:

«کسی که این امر را (ولی خدا را) بشناسد و پیش از قیام حضرت صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بمیرد اجر کسی را دارد که با آن حضرت به شهادت رسیده است.» (3)

آنچه را که می توان به عنوان بشارتی بزرگ به حساب آورد، همین امر است که به لسان

ص: 113

1- . عن الإمام جعفر بن محمد الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى أَمْرِنَا هَذَا فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ ضَرَبَ فِئِدَ طَاطُهُ إِلَى رُواقِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ يَضْرِبُ مَعَهُ بِسَيْفِهِ، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ، بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

المحاسن 1 / 173 إثبات الهداة 5 / 139

2- . سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا مَا عَنَى بِذَلِكَ فَقَالَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابَ الْكِبَائِرِ وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي رَقَبَتِهِ بَيْعَةٌ لِإِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ فَمَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ بِالْإِمَامَةِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخَّرَ وَ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِئِدِ طَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَاتَلَ مَعَهُ ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ وَ اللَّهُ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ. أعلام الدين / 459

3- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ

مَنْ قُتِلَ مَعَهُ. الغيبة للطوسي / 460 وإثبات الهداة 5 / 13

صادق ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جاری شده است که؛ اگر انسان، امامش را بشناسد و پیش از ظهور آن بزرگوار، از دنیا برود، مانند آن است که در رکاب ایشان به شهادت رسیده است. در حقیقت، معرفت، بُعد زمان و مکان را از میان برداشته و وصل حقیقی که همان وصل باطنی است را برای عارف، تحصیل می نماید. و درست بالعکس، اگر کسی معرفت نداشته باشد حتی اگر به ظاهر، در خدمت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد و وصال ظاهری برایش محقق شده باشد، حقیقتاً و باطناً از ایشان دور است و ظهور و لقای امام "ارواحنافده" برایش ثمره ای نخواهد داشت. در این باره روایات فراوانی رسیده است که به شمه ای از آنها اشاره می شود.

در روایتی، زراره از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کند که فرمودند:

«امامت را بشناس که اگر او را شناختی برایت ضرری ندارد که امر ظهور محققشود یا به تأخیر بیفتد.» (1)

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره قول خدای تعالی "روزی که هر دسته از مردم را با امامشان می خوانیم" پرسیدم. فرمودند:

«ای فضیل! تو امامت را بشناس؛ زیرا هر گاه امامت را شناختی تقدم یا تأخر امر ظهور، زیانت ندهد، کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است، نه؛ بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد.» (2)

ابو بصیر هم گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: قربانت کردم! کی فرج و گشایش باشد؟ فرمودند:

«ای ابا بصیر! تو هم از جمله دنیاخواهانی؟ کسی که این امر را بشناسد، برای او به واسطه ی انتظارش، فرج حاصل شده است.» (3)

ص: 114

- 1- . عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ. کافی 1/ 371
- 2- . عَنْ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَقَالَ يَا فَضْلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِيْوَانِهِ قَالَ وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلِمَ. کافی 1/371 و غیبت نعمانی / 329
- 3- . عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَتَى الْفُرْجُ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِأَنْتَظَرِهِ. کافی 1/ 371

اسماعیل بن محمد خزاعی نیز گوید: من می شنیدم که ابوبصیر از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ می پرسید: به نظر شما من حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ را درک می کنم؟ فرمودند:

«ای ابوبصیر! مگر نه این است که تو امامت را می شناسی؟ عرض کرد: چرا به خدا! شما باید امام من "و دست حضرت را گرفت." حضرت فرمودند: ای ابوبصیر! به خدا از اینکه در سایه ی خیمه حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه به شمشیرت تکیه نکرده ای باکی نداشته باش (یعنی ثواب چنان کسی برای تو هست).» (1)

عمر بن ابان گوید: شنیدم امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرمودند:

«علامت را بشناس (یعنی امامت را بشناس) چون او را شناختی تقدم یا تأخر امر ظهور به توزیانی نرساند، همانا خدای عزوجل می فرماید: «روزی که هر دسته ای از مردم را با امامشان می خوانیم» پس هر که امامش را شناسد مانند کسی است که در خیمه ی امام منتظر باشد.» (2)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ عین همین مطلب را به حمران بن اعین هم فرموده اند. (3)

اما نکته ی مهم آن است که وقتی انسان کسی را شناخت، بی اختیار، چشم به راه و منتظر او می شود؛ پس به همین سبب، وظیفه ی معرفت بر انتظار، مقدم است. باید معرفت کسب کنیم تا بتوانیم منتظر موعود باشیم.

وظیفه دوم: انتظار

اشاره

یکی از مهمترین وظایف ملت امام دوازدهم و شیعیان اثنی عشری در دوران غیبت امام سلام الله علیه، انتظار فرج آن بزرگوار است. و معنای انتظار، علاوه بر وجود آمادگی های ظاهری و باطنی بر عدم عجله و شتاب در امور متعلق به آن حضرت هم دلالت دارد.

ص: 115

1- . عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْخُزَاعِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ رِيبَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا سَمِعْتُ فَقَالَ تَرَانِي أُدْرِكُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ أَلَسْتَ تَعْرِفُ إِمَامَكَ فَقَالَ إِي وَاللَّهِ وَأَنْتَ هُوَ وَتَتَاوَلَ يَدَهُ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا تَبَالِي يَا أَبَا بَصِيرٍ إِلَّا تَكُونَ مُحْتَبِيًّا بِسَيْفِكَ فِي ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. كافي 1/ 371 و غيبت نعماني 330/ و مرآة العقول 4/ 189 و بحار الأنوار 52/ 142

2- . عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اعْرِفِ الْعَلَامَةَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطِ الْمُنتَظِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. كافي 1/ 372 و غيبت نعماني 330/ و مرآة العقول 4/ 190

3- . كافي 1/ 372 و غيبت نعماني 331/

جناب عبد العظیم حسنی گوید: بر مولای خود امام جواد عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد شدم و می خواستم درباره ی قیام کننده پرسش کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او؟ امام عَلَیْهِ السَّلَامُ آغاز سخن کرده و فرمودند:

«ای ابوالقاسم! قیام کننده ی ما همان مهدی است. کسی که باید در غیبتش او را انتظار کشند و در ظهورش او را فرمان برند و او سومین از فرزندان من است و سوگند به کسی که محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را به نبوت، مبعوث فرمود و ما را به امامت، مخصوص گردانید اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آنقدر طولانی گرداند تا در آن، قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد و خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح فرماید چنان که امر موسی کلیم اللَّهُ عَلَیْهِ السَّلَامُ را اصلاح فرمود، او رفت تا برای خانواده اش شعله ی آتش بیاورد؛ اما چون برگشت، رسول و پیامبر بود. سپسفرمود: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.»(1)

و به ابوبصیر هم فرمودند:

«ای ابوبصیر! خوشا به حال شیعیان حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ که در زمان غیبتش منتظر ظهور او بوده و در دوران ظهورش مطیع فرامین ایشان هستند. همانا که آنها اولیاء خدایند که هیچ خوف و اندوهی ندارند.»(2)

ابوجارود گوید: به حضرت باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض کردم: من مردی کور و کهنسال هستم و بین من و شما مسافت زیادی هست و می خواهم که دینم را به من بیاموزید تا بدان چنگ زده و حجتی داشته باشم و به فرزندانم بیاموزم. پس امام عَلَیْهِ السَّلَامُ که از کلام من

ص: 116

1- . عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ أَلَمْ يَكُنْ أَوْ غَيْرَهُ فَأَبْتَدَأَنِي هُوَ فَقَالَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مَنْ هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءَةِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فِيمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُصَلِّحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَسِمَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَ هُوَ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ. كفاية الأثر / 280 و كمال الدين 2 / 377

2- . عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا أَبَا بصيرٍ طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. كمال الدين 2 / 357

خوششان آمده بود راست نشسته و فرمودند: کلامت را تکرار کن. من هم دوباره همان سخنان را عرض کردم. فرمودند:

«باشد ای ابا جارود! (دین خدا عبارت است از) شهادت به یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و اقامه نماز و پرداخت زکات و روزه ی ماه رمضان و حج بیت الله و دوست داشتن دوستان ما و دشمن داشتن دشمنان ما و تسلیم بودن در برابر امر ما و انتظار قیام کننده ی از ما و ورع و تلاش در دین.» (1)

یکی از دلایلی که انتظار فرج تا این حد، مورد تأکید و توصیه اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ قرار گرفته است این است که انسان منتظر را، به آینده و فردایی روشن امیدوار ساخته و همین امید، نقش بزرگی در سعی و کوشش او، ایفا می کند. امیر مؤمنان و امام عارفان حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ توصیه می فرمایند: «انتظار فرج و گشایش از جانب خدا داشته باشید و از رحمت او ناامید نباشید که محبوب ترین اعمال نزد خدای عزّوجلّ انتظار فرج و گشایش است» (2)

در حدیث دیگری، راوی از امام عَلَیْهِ السَّلَامُ درباره ی وظیفه ی شیعیان در عصر غیبت می پرسد و می گوید: شیعیان شما در آن زمان چه کنند؟ امام عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرماید:

«بر شما باد به دعا و انتظار فرج که به زودی نشانه ای برایتان آشکار می شود که خدا را بر آن ستوده و بدان چنگ بزنید. گفتم: چه دعایی بخوانیم؟ فرمودند: بگوئید: اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَعَرَفْتَنِي وُلاَةَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا آخِذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَلَا وَاقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوَلايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ یعنی: بار خدایا! تو خودت و فرستاده ات و فرشتگان و پیغمبرت و اولیای امرت را به من شناسانیدی، بار خدایا! من نگیرم جز آنچه تو عطا کنی، و هیچ

ص: 117

- 1- . عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي امْرُؤٌ ضَرِيرُ الْبَصَرِ كَبِيرُ السِّنِّ وَالشَّقَّةُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ بَعِيدَةٌ وَأَنَا أُرِيدُ أَمْرًا أَدِينُ اللَّهُ بِهِ [وَأَحْتَجُّ بِهِ] وَ أَتَمَسُّكَ بِهِ وَ أَبْلُغُهُ مَنْ [خَلَفْتُ] [قَالَ فَأَعْجَبَ بِقَوْلِي فَاسْتَوَى جَالِسًا] فَقَالَ يَا أَبَا الْجَارُودِ كَيْفَ قُلْتَ رُدَّ عَلَيَّ قَالَ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ نَعَمْ يَا أَبَا الْجَارُودِ سَهَادَةُ إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حَمْدُهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ إِقَامُ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءُ الزَّكَاةِ وَ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حُجُّ الْبَيْتِ وَ وُلايَةُ وَلِيِّنَا وَ عِدَاوَةُ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا وَ الْوَرَعُ وَ الْإِجْتِهَادُ. دعوات راوندی / 135
- 2- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَى اللَّهِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ. تحف العقول / 106

نگهدارنده ای جز تو برابیم نیست، بار خدایا! مرا از منازل دوستان دور مگردان و دلم را پس از آنکه هدایت کرده ای منحرف منما، بار خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای هدایت فرما.»(1)

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«دین امامان عَلِيهِمُ السَّلَامُ، خداترسی، راستگویی، صلاح و تلاش، رساندن امانت به صاحبش چه نیکوکار باشد چه بدکار، سجده های طولانی و نماز شب و دوری از گناهان و انتظار فرج به همراه صبر و خوش رفتاری با رفیقان و همسایگان می باشد.»(2)

اسماعیل جعفی نیز گوید: مردی نزد امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ آمد و دفتری با خود داشت، امام عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: «این دفتر مردی است که برای مناظره آمده و پرسش می کند از دینی که عمل در آن پذیرفته است.»

آن مرد گفت: خدایت رحمت کند، همین را می خواهم. امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«(آن دین) گواهی دادن به وحدانیت خدا و اینکه شریکی ندارد و اینکه محمد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بنده و رسول او است و اقرار کنی بدان چه از طرف خدا آورده است و ولایت ما خانواده و بیزاری از دشمن ما و تسلیم به امر ما و ورع و تواضع و انتظار قیام کننده ی ما؛ زیرا برای او دولتی است که وقتی خدا بخواهد آن را بیاورد.»(3)

ص: 118

1- . نَزَوِي بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجُعْفِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ مِنْ جُمْلَةِ حَدِيثِ بِإِسْنَادِهِ وَ ذَكَرَ فِيهِ غَيْبَةَ الْمَهْدِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قُلْتُ كَيْفَ تَصْنَعُ شَيْئًا يَعْنُكَ قَالَ عَلَيَكُمْ بِالِدَعَاءِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ سَيَبْدُو لَكُمْ عِلْمٌ فَإِذَا بَدَأَ لَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ تَمَسَّكُوا بِمَا بَدَأَ لَكُمْ قُلْتُ فَمَا نَدْعُو بِهِ قَالَ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسَكَ وَ عَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَ عَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَ عَرَفْتَنِي نَبِيَّكَ وَ عَرَفْتَنِي وِلَاةَ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ لَا آخِذٌ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ لَا وَاقِيٌ إِلَّا مَا وَفَيْتَ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَائِكَ وَ لَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ. مهج الدعوات / 332

2- . عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ فِي الْإِمَامَةِ يَشْتَمِلُ عَلَى النَّصِّ عَلَى الْأَيْمَةِ الْاِثْنِي عَشَرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى أَنْ قَالَ: دِينُهُمُ الْوَرَعُ وَ الصَّدْقُ وَ الصَّلَاحُ وَ الْاجْتِهَادُ وَ آدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ طَوْلُ السُّجُودِ وَ قِيَامُ اللَّيْلِ وَ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ. وسائل الشيعة / 19 / 75

3- . عَنْ إِسْمَاعِيلِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَعَهُ صَدْحِيْفَةٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ صَحِيْفَةٌ مُخَاصِمٍ يَسْأَلُ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يُقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ هَذَا الَّذِي أُرِيدُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ تَقَرَّرَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَ الْوَرَعُ وَ التَّوَاضُعُ وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا. کافی / 23 / 2 و امالی طوسی / 179 و مرآة العقول / 7 / 117 و الأصول الستة

عشر / 71

وقتی انسان، مولایش را شناخت و به او معرفت پیدا کرد، قهراً به انتظار او خواهد نشست و هرچه که این انتظار، قوی تر شود به مرحله ی اضطرار رسیده و از باب اینکه امام عَلِيهِ السَّلَامُ، پدر دلسوز و مهربان اند، برای او فرجی حاصل خواهد شد و او به لقای طلعت رشیده ی ارباب خوبی ها خواهد رسید و این است معنای سخن امام پارسایان حضرت سید ساجدان، علی بن الحسین عَلِيهِمَا السَّلَامُ که می فرمایند:

«انتظار فرج داشتن، خود از بزرگترین فرج هاست» (1).

و در تایید این مطلب است سخن حسن بن جهم که گوید: از حضرت کاظم عَلِيهِ السَّلَامُ درباره ی فرج پرسیدم، فرمودند:

«آیا نمی دانی که انتظار فرج، خود از فرج است؟ عرض کردم: خیر! نمی دانم مگر آنکه شما به من تعلیم دهید. فرمودند: آری! انتظار فرج، خودش بخشی از فرج است» (2).

ظاهراً یکی از معانی این اخبار آن است که این فرج، فرج جزئی و در حق آن کسیاست که در مرحله اعلای انتظار به حالت اضطرار رسیده است.

عبد الحمید واسطی روایت نموده که گفت: به امام محمد باقر عَلِيهِ السَّلَامُ عرض کردم: آقا جان! فدایتان شوم! به خدا قسم! در انتظار ظهور امام زمان عَلِيهِ السَّلَامُ دکان های خود را رها کرده ایم تا جایی که چیزی نمانده که از فقر و بیچارگی دست تکدی پیش مردم دراز کنیم. امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای عبد الحمید! آیا گمان می کنی که اگر کسی خود را وقف راه خدا کند خداوند راه روزی به روی او نمی گشاید و برایش فرجی نمی شود؟ آری و الله! خداوند حتما در رحمت خود را به روی او خواهد گشود. خدا رحمت کند کسی که خود را در اختیار ما گذاشته است. خدا رحمت کند آن کس که امر ما را زنده نگاه می دارد.»

ص: 119

-
- 1- . قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيهِ السَّلَامُ: انْتَظِرِ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ. بحار الانوار 52/122
 - 2- . عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَهُ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ مِّنَ الْفَرَجِ فَقَالَ أَوْ لَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ انْتَظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ قُلْتُ لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي فَقَالَ نَعَمْ انْتَظِرِ الْفَرَجَ مِنَ الْفَرَجِ. الغيبة للطوسی / 459

عرض کردم: اگر من پیش از آنکه به شرف ملاقات قیام کننده ی شما فائز گردم، بمیرم چگونه خواهم بود؟ فرمودند: هر کدام از شما که می گوید: "اگر مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بینم به یاری او برمی خیزم"، مانند کسی است که در رکاب او شمشیر بزند و کسی که در رکاب وی شهید شود مثل این است که دو بار شهید شده است." (1)

الله اکبر از این روایت عظیم و بشارت هایی که در آن برای منتظران مضطرّ صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بیان شده است.

در خبری دیگر، کرام بن عمرو گوید: من در درون خویش، سوگند یاد کرده بودم که تا قیام کننده از آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر نخیزد، هرگز در روز غذایی نخورم یعنی روزه بگیرم. روزی نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رفتم و به او عرض کردم: مردی از شیعیان شما برای خدا بر خویشتن واجب ساخته که هرگز در روز غذایی نخورد و روزه بگیرد تا زمانی که قیام کننده ی آل محمد قیام کند. فرمودند:

«ای کرام! روزه بدار؛ ولی در عید قربان و عید فطر و سه روز تشریق (روزهای دوازده و سیزده و چهارده ماه ذی الحجة) و هنگامی که در سفر به سر می بری از روزه داشتن خودداری کن { پس کارش را تایید کرده } و سپس فرمودند: هنگامی که حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کشته شد آسمان ها و زمین و هر که در آن بود و فرشتگان، همه به ناله در آمدند و گفتند: ای پروردگار ما! آیا به ما رخصت از بین بردن و هلاک نمودن بندگانت را می دهی، تا آنان را از روی زمین ریشه کن کنیم؟ زیرا که آنان، حریم و حرمت تو را شکستند، و حرام تو را روا داشتند، و برگزیده ی تو را کشتند. پس خدای تعالی به آنان وحی فرستاد: ای فرشتگان! و ای آسمان و زمین من! آرام باشید؛ سپس پرده ای از پرده ها را برداشت، و در این هنگام در پس آن پرده،

ص: 120

1- . عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ لَقَدْ تَرَكْنَا أَسْوَاقَنَا أَنْتِظَاراً لِهَذَا الْأَمْرِ حَتَّى لَبِوْشِكَ الرَّجُلُ مِنَّا أَنْ يَسْأَلَ فِي يَدِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ أَتَرَى مِنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجاً رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمَ قَالَ الْقَائِلُ مِنْكُمْ أَنْ لَوْ أُدْرِكْتُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتُهُ كَانَ كَالْمُقَارِعِ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْفِهِ لَا بَلْ كَالشَّهِيدِ مَعَهُ الشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ. الكافي 8 / 80 و کمال الدین 2 / 644 و المحاسن 1 / 173 و بحار الانوار 52 / 126 و إثبات الهداة 5 / 140

محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده وصی او نمایان شدند؛ پس خداوند از بین آنان دست امام دوازدهم را گرفت و فرمود: ای فرشتگان من! وای آسمان و زمین! انتقام آنان را به دست این شخص خواهم ستاند، و به وسیله ی این شخص از آنان انتقام می گیرم هر چند پس از گذشت مدّت زمانی باشد و این سخن را سه بار تکرار فرمود. (1)

خوب بنگرید که یاران ائمه ی طاهریین علیهم السّلام در زمان آن بزرگواران و با وجود حضور امام معصوم علیه السّلام برای درک زمان ظهور مهدی آل محمد علیهم السّلام دست به چه کارهایی می زدند و چگونه مشتاق زیارت آن حضرت بوده اند! آیا ما از آنها بر اینگونه اعمال سزاوارتر نیستیم؟. وای بر ما و جامعه ی ما!، وای بر خواص و عوام ما! که همگی، امام مظلوم خویش را فراموش کرده، هر یک به نوبه خویش، در دل های پوسیده، گوساله ای را جای او گذاشته و سامری وار بر گردش طواف می کنیم در حالی که سید و مولای ما به سبب اعمال زشت ما از ما بریده و رهسپار بیابان ها شده است.

البته بوده اند و هستند، افراد انگشت شماری که یاد حضرت، دل های ایشان را به خود مشغول کرده و مضطربانه چشم به راه قدوم مطهر اویند. شاید نام سید کریم پینه دوز، برای شما نامی آشنا باشد و بسیار از ایشان در بعضی از کتابهایی که درباره ی تشریف یافتگان به ساحت مقدس امام زمان علیه السّلام به چاپ رسیده است، خوانده باشید. نام و شهرت او "آقا سیدکریم محمودی" بود و در گوشه ای از بازار تهران به پینه دوزی و پاره دوزی مشغول بود، و به همین جهت مشهور به این عنوان شد.

آقا سیدکریم با وجود آن مقامات ولایی و توحیدی، تا حدودی گمنام بود و در زمان حیاتش فقط خواص و علمای اهل معنای تهران از حالات و مقاماتش باخبر بودند و نقل

ص: 121

1- . عَنْ كَرَامٍ قَالَ: حَلَفْتُ فِيَمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي أَلَّا أَكُلَ طَعَامًا بِنَهَارٍ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِكَ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ أَلَّا يَأْكُلَ طَعَامًا بِنَهَارٍ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ صُمْ يَا كَرَامُ وَلَا تَصُمْ الْعِيدَيْنِ وَلَا ثَلَاثَةَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَلَا إِذَا كُنْتَ مُسَافِرًا فَإِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قُتِلَ عَجَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهِمَا وَالْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا يَا رَبَّنَا أَتَأْذُنُ لَنَا فِي هَلَاكِ الْخَلْقِ حَتَّى نَجِدَهُمْ مِنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ بِمَا اسَّ تَحَلُّوا حُرْمَتَكَ وَقَتَلُوا صَفْوَتَكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَمَائِي وَيَا أَرْضِي اسْكُنُوا ثُمَّ كَشَفَ حِجَابًا مِنَ الْحُجُبِ فَإِذَا خَلْفَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ اثْنَا عَشَرَ وَصِيًّا لَهُ فَأَخَذَ بِيَدِ فُلَانٍ مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ يَا مَلَائِكَتِي وَيَا سَمَاوَاتِي وَيَا أَرْضِي بِهِذَا أَنْتَصِرُ مِنْهُمْ لِهَذَا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ جَاءَ فِي غَيْرِ رَوَايَةٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ بِهِذَا أَنْتَصِرُ مِنْهُمْ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ. الإِستبصار 2 / 100 / 52 و غيبت نعماني / 94 و الكافي 1 / 534

است که همچون آقا و مولایش حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه هر روز به صورت دائم، در هر صبح و شام، دقایقی را به یاد سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام گریه می کرده و بدون استثناء در طول سال، در هر صبح و شام به یاد مصائب حضرت سیدالشهداء علیه السلام می گریسته است.

آقا سیدکریم، در پرتو ارتباط خاص ولایی با امام زمان علیه السلام، به مقامات والای عرفانی و توحیدی دست یافته بود؛ تا آنجایی که بیشتر علمای اهل معنای تهران معتقد بودند که حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام به مغازه ی کوچک آن جناب تشریف می برده و با او هم صحبت می شدند. در دوران حیات آقا سیدکریم، تنها برخی از اولیای خدا و معدودی از دوستان صمیمی آن جناب از مقامات، حالات و تشرفات او باخبر بوده اند و همین عده ی اندک به برخی از تشرفات آقا سیدکریم، آن هم بعد از وفات او، اشاره کرده اند؛ به عنوان مثال بسیاری از حکایات و تشرفات آقا سید کریم، بعد از وفاتش، از طریق مرحوم "آیه الله حاج شیخ مرتضی زاهد" فاش شده است.

جناب شیخ عبدالکریم حامد نقل می کند که از جناب سیدکریم پینه دوز که هر هفته به ملاقات مولا توفیق می یافت، پرسیده شد: "چه کرده ای که به چنین توفیقی دست یافته ای؟" او در جواب گفته بود: "شبی در خواب بودم؛ جدم صَدِّمِیَ اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَمٍ را در عالم رویا دیدم. از ایشان تقاضای ملاقات امام عصر علیه السلام را نمودم، آن حضرت فرمودند: "در طول شبانه روز دو مرتبه برای فرزندم سیدالشهدا علیه السلام گریه کن!" از خواب بیدار شدم و این برنامه را به مدت یک سال اجرا نمودم تا به خدمت آن حضرت نایل آمدم.

در یکی از تشرفات، امام زمان علیه السلام خطاب به سیدکریم می فرمایند: "آیا کفش ما را نیز می دوزی؟" سید بلافاصله عرض می کند: "بله آقا جان! اما سه نفر جلوتر از شما کفششانرا آورده اند." امام زمان علیه السلام دقایقی بعد، بار دیگر می فرمایند: "سید! کفش ما را نمی دوزی؟" و سید می گوید: "چرا آقا جان! بعد از این سه کفش، می دوزم." دقایقی می گذرد و امام زمان علیه السلام برای بار سوم می پرسند: "سید! آیا کفش ما را نمی دوزی؟" در این هنگام، سید طاقت از کف می دهد و بر می خیزد و امام زمانش را در آغوش می گیرد و می گوید: "سید و آقای من! این قدر مرا امتحان نفرمایید! اگر یک مرتبه دیگر بفرمایید، فریاد می زنم و همه را خبردار می کنم که یوسف فاطمه در آغوش من است."

اما آنچه که باعث شد نام این ولی خدا را در اینجا ذکر کنیم این نکته بود که در یکی از تشرفات سید کریم، امام زمان ارواحنا فدا به او می فرمایند: اگر هفته ای بر تو بگذرد و ما را نبینی چه می کنی؟ سید در پاسخ می گوید: آقا جان! به خدا می میرم! و امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ به او می فرمایند: اگر این طور نبود، هر هفته ما را نمی دیدی. (1)

مسلم! اگر اضطرار سید کریم به حدی رسیده بود که اگر روزی یکبار امامش را نمی دید قالب تهی می کرد، آن طلعت نورانی را هر روز می دید. به این می گویند فرج جزئی. دوستان و منتظران عزیز زهرا عَلَیْهِمَا السَّلَامُ ما چند روز اگر امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ را نبینیم می میریم؟! آری! ما هنوز مضطر او نیستیم چون منتظرش نبوده ایم و چگونه منتظر کسی باشیم که او را نمی شناسیم؟!

انتظار، نه عجله!

شاید بسیاری از شیعیان، به خاطر اینکه از جانب ائمه ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ منع شده بودند که برای جهاد و قتال در لشکر حکومت های وقت، شرکت کنند و خود را از رسیدن به فوز جهاد و شهادت محروم می دیدند و در عوض، امر به انتظار و سکوت شده و مأمور بودند تا از تنازعات و شرکت در قیام ها و لو بر علیه دستگاه ظلم، دوری کنند؛ گمان می کردند که از خیری کثیر و ثوابی عظیم، محروم شده اند. البته عده ای از ایشان نیز چون زیدیان و بعضی از حسنی ها با اینکه می دیدند که امامشان در خانه نشسته و امر به صبر و انتظار، و نهی از قیام می نماید، با عدم امثال امر ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ قیام کرده و برای رسیدن به اجر جهاد و مبارزه با طاغوت و نیل به فوز شهادت، با دستگاه حاکمه درگیر می شدند و البته همه ی این حرکت ها از نظر ائمه طاهرین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ مردود بودند. لذا پیشوایان معصوم عَلَیْهِمُ السَّلَامُ به شیعیان خویش می فرمودند: شتاب نکنید، در هیچ قیامی شرکت نکنید، در کنار دستگاه ظلم و لو با مشرکین، قتال نکنید، منتظر قیام کننده ی ما باشید که همین انتظار، برای شما، اجر جهاد و شهادت، آن هم در رکاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را دارد. این حکمی است که نه مخصوص آن زمان؛ بلکه تا قیام حضرت صاحب عَلَیْهِ السَّلَامُ جریان دارد. لطفا خوب به روایات ذیل توجه فرمایید:

امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

ص: 123

1- . روزنه هایی از عالم غیب. تالیف آیت الله سید محسن خرازی

«برای کسی که در انتظار امر (فرج و ظهور) ما مرده است زبانی نیست و ضرری نکرده که در میان خیمه حضرت مهدی علیه السلام و در میان قشون او نمرده باشد.»(1)

حارث بن مغیره گوید: خدمت حضرت باقر علیه السلام بودیم، فرمودند:

«کسانی که از شما به امر ولایت عارف اند و در انتظار دولت ما به سر می برند و آرزوی پاداش نیک دارند؛ به خدا قسم مانند آن کسانی هستند که به همراه قیام کننده ی آل محمد علیه السلام، جهاد کرده اند. بعد فرمودند: به خدا قسم! مانند کسانی هستند که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیرشان جهاد نموده اند. سپس برای مرتبه سوم فرمودند: به خدا قسم! مانند کسانی هستند که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به درجه شهادت رسیده اند. همانا درباره ی شما آیه ای در قرآن هست. عرض کردم کدام آیه؟ فرمودند: وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ. کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند ایشان در نزد خدا صدیقان و شهیدانند و برای ایشان اجر و نورشان می باشد.» آنگاه فرمودند: به خدا قسم در نزد خدا صدیقان و شهداء محسوب شوید.»(2) و حضرت صادق علیه السلام فرموده اند:

«هرکسی از شما که بر ولایت ما در حال انتظار بمیرد مانند کسی است که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام حاضر شده است.»(3)

ص: 124

1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا صَرَّ مِنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا أَلَّا يَمُوتَ فِي وَسَطِ فُسْطَاطِ الْمُهَدِيِّ وَعَسْكَرِهِ. کافی 1/ 372 و مرآة العقول 4/ 190

2- . عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الْعَارِفُ مِنْكُمْ هَذَا الْأَمْرُ الْمُنتَظَرُ لَهُ الْمُحْتَسِبُ فِيهِ الْخَيْرَ كَمَنْ جَاهَدَ وَاللَّهِ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ بِسَبْغِهِ ثُمَّ قَالَ بَلْ وَاللَّهِ كَمَنْ جَاهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِسَبْغِهِ ثُمَّ قَالَ بَلْ وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي فُسْطَاطِهِ وَفِيكُمْ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قُلْتُ وَآيُ آيَةٍ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ثُمَّ قَالَ صِدْقُكُمْ وَاللَّهِ صَادِقِينَ شَهِدَاءَ عِنْدَ رَبِّكُمْ. تأويل الآيات / 640 و إثبات الهداة / 5 / 146 و البرهان / 5 / 291

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الَّذِي لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. غيبت نعمانی / 200 و کمال الدین / 2 / 644 و أعلام الدین / 449 و إثبات الهداة / 5 / 139

فیض پسر مختار نیز گوید: از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«هر کسی از شما در انتظار دولت حقه ی ما از دنیار برود مانند کسی است که با مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ در خیمه ی ایشان باشد. پس کمی مکث کرده و فرمودند: نه! چون کسی است که در رکاب آن بزرگوار شمشیر کشیده است. نه! مانند آن است که در کنار پیامبر صَدِّیِّ آلِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَمٌ به شهادت رسیده باشد.» (1)

و حضرت باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«هر مؤمنی شهید است، حتی اگر در بستر از دنیا رفته باشد و او مانند کسی است که در سپاه امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ حاضر شده است. سپس فرمودند: آیا کسی که خود را برای خدا محبوس می دارد (منتظر است و در هیچ قیام و خروجی شرکت نمی کند) خدا او را وارد بهشت نخواهد کرد؟» (2)

همان بزرگوار در کلام نورانی دیگری فرموده اند:

«آن کسی که از شما می گوید "اگر قائم عَلَیْهِ السَّلَامُ را درک کنم حتما به یاری او خواهیم رفت" مانند آن است که در رکاب او شمشیر کشیده؛ بلکه چون کسی است که با او به شهادت رسیده باشد.» (3)

حسین بن حمزه نیز از پدرش نقل می کند که گفت به حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض کردم: فدایتان شوم! سنم زیاد شده و استخوانم نازک شده و اجلم نزدیک است؛ می ترسم پیش از برپایی حکومت شما از دنیا بروم. فرمودند:

«ای ابا حمزه! گویا عقیده ات این است که شهید، تنها آن کسی است که کشته شود؟»

ص: 125

1- . عَنِ الْفَيْضِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشَدَّ هَدَمَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

المحاسن 174/1 و بحار الأنوار 126/52

2- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: كُلُّ مُؤْمِنٍ شَهِيدٌ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ، فَهُوَ شَهِيدٌ، وَهُوَ كَمَنْ مَاتَ فِي عَسَاكِرِ الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ). قَالَ: أَيْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ لَا يُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ! امالی طوسی / 676

3- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْقَائِلُ مِنْكُمْ إِنْ أَدْرَكَتْ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتَهُ، كَالْمُقَارِعِ بَيْنَ يَدَيْهِ بِسَيْفِهِ، لَا بَلْ كَالشَّهِيدِ مَعَهُ. إثبات

الهداة 106/5

گفتم: فدایت شوم همین طور است. فرمودند:

«ای ابا حمزه! هر کس ایمان به ما آورد و حدیث ما را تصدیق کند و انتظار ما را داشته باشد، مثل کسی است که زیر پرچم مهدی علیه السلام است؛ بلکه به خدا قسم! چون کسی است که زیر پرچم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.» (1)

خواننده ی گرامی! آیا بد است که در خانه بنشینیم، عبادت را انجام داده و منتظر امامت بمانیم و مانند کسی باشی که در خیمه ی امام علیه السلام سکونت داشته و مرگت، شهادت در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد؟ فعلا تو را امر به انتظار کرده اند نه جهاد.

(2)

ثواب انتظار

انتظار منتظر، علاوه بر اینکه خود، فرج و گشایشی در حال منتظر است و ثواب های بزرگی هم چون نیل به مقام شهادت دارد؛ به عنوان افضل اعمال و... نیز معرفی شده است که بجاست تا بعضی از روایات مربوط به آن در اینجا نقل شود.

مردی از مولای ما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: محبوب ترین عمل به درگاه پروردگار متعال چیست؟ فرمودند: «انتظار فرج.» (3)

در دیگر احادیث، انتظار فرج را عبادت؛ بلکه افضل عبادات نامیده اند. امام سجاد علیه السلام به واسطه ی پدران خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرموده اند:

«هر که به رزق کم خدا راضی باشد خداوند نیز از عمل اندک او خشنود شود و انتظار فرج عبادت است.» (4)

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

ص: 126

1- . الْحُسَيْنُ بْنُ حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَبِرَ سِنِّي وَ دَقَّ عَظْمِي وَ اقْتَرَبَ أَجَلِي وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يُدْرِكَنِي قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ الْمَوْتُ قَالَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمْزَةَ أَوْ مَا تَرَى الشَّهِيدَ إِلَّا مَنْ قُتِلَ قُلْتُ نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ لِي يَا بَا حَمْزَةَ مَنْ آمَنَ بِنَا وَ صَدَّقَ حَدِيثَنَا وَ انْتَبَهَرْنَا كَانَ كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ بَلْ وَ اللَّهُ تَحْتَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ. بحار الأنوار 27 / 138 و تأويل الآيات / 640

2- . البته در این باره بعدا به طور تفصیل سخن خواهیم گفت که منظور جهاد ابتدایی است نه جهاد دفاعی.

3- . قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَ عَنْهُ رَجُلٌ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ. بحار الأنوار 52 / 122

4- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ: مَنْ رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ، رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ، وَ انْتَبَهَرَ الْفَرَجَ عِبَادَةً. امالی طوسی / 405

«انتظار فرج، افضل عبادات است» (1)

و امیر مؤمنان عَلِيهِ السَّلَامُ نیز فرموده اند:

«بهترین عبادات، صبر و سکوت و انتظار فرج است.» (2)

ابو خالد کابلی گوید: بر مولای خود امام زین العابدین عَلِيهِ السَّلَامُ وارد شدم و به ایشان عرض کردم: یا ابن رسول الله! کسانی که خدای تعالی طاعت و موذتشان را واجب ساخته و اقتدای به آنان را پس از پیامبر اکرم صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ واجب گردانیده است چه کسانی هستند؟ فرمودند:

«اولی الامری که خدای تعالی آنها را ائمه مردم گردانیده و طاعتشان را بر آنها واجب ساخته است عبارتند از: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ؛ سپس حسن و سپس حسین دو فرزند علی بن ابی طالب عَلَیْهِمُ السَّلَامُ؛ سپس امر به ما منتهی گردید و بعد سخنی نفرمودند.»

گفتم: ای سرورم! از امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ برای ما روایت شده است که زمین از حجت خدای تعالی بر بندگانش خالی نمی ماند، حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمودند:

«فرزندم محمد و نام او در تورات، باقر است و علم را موشکافانه می شکافد، او حجت و امام پس از من است و پس از محمد فرزندش جعفر و او را در آسمان ها، صادق می گویند.»

گفتم: ای سرورم! چرا نام او صادق شده است در حالی که همه شما صادق هستید؟ فرمودند:

«پدرم از پدرانش از رسول خدا صلوات الله علیهم اجمعین روایت فرموده است: آنگاه که فرزندم جعفر بن محمد بن علی ابن حسین بن علی بن ابی طالب متولد شد نامش را صادق بگذارید که پنجمین از سلاله او فرزندی است که نامش جعفر است که از روی تجزی بر خدای تعالی و دروغ بستن بر او، ادعای امامت می کند و او نزد خدا، جعفر کذاب و مفتری بر خدای تعالی است و مدعی مقامی است که

ص: 127

1- . عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيهِ السَّلَامِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ. كَمَالِ الدِّينِ 1 / 287 و

تحف العقول / 403 و عيون الحكم و المواعظ / 18

2- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الصَّبْرُ وَ الصَّمْتُ وَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ. تحف العقول / 201

اهل آن نیست و مخالف پدر خویش و حسود بر برادر خود است. او کسی است که می خواهد در هنگام غیبتِ ولیّ خدای تعالی، او را بر ملا سازد. سپس علی بن الحسین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ به سختی گریستند آنگاه فرمودند: گویا جعفر کذاب را می بینم که طاعی زمانش را وادار می کند تا در امر ولی خدا و امام غایب، تفتیش کند و این به خاطر جهلی است که بر ولادت او دارد، و حرصی است که بر قتل او دارد، اگر به او دسترسی یابد، و طمعی است که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند.»

ابو خالد گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! آیا چنین چیزی واقع خواهد شد؟ فرمودند:

«به خدا سوگند! واقع خواهد شد و آن در صحیفه ای که نزد ماست مکتوب است، صحیفه ای که در آن ذکر محنت هایی است که بر ما پس از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جاری می شود.»

ابو خالد گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمودند:

«آنگاه غیبتِ ولیّ خدا طولانی خواهد شد. او دوازدهمین از اوصیای رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه ی پس از اوست. ای ابا خالد! مردمِ زمان غیبت آن امام که معتقد به امامت و منتظر ظهور او هستند از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفتی به آنها عطا فرموده است که غیبت، نزد آنان به منزله مشاهده است، و آنان را در آن زمان به مانند مجاهدین پیش روی رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که با شمشیر به جهاد برخاسته اند قرار داده است، آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین ما و داعیان به دین خدای تعالی در نهان و آشکارند، و فرمودند: انتظار فرج، خود بزرگترین فرج است.» (1)

ص: 128

1- . عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاذِبِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِالَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَتَهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ وَأَوْجَبَ عَلَى عِبَادِهِ الْإِقْتِدَاءَ بِهِمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لِي يَا كَذَّابُ إِنَّ أَوْلِي الْأُمْرِ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أئِمَّةً لِلنَّاسِ وَأَوْجَبَ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ابْنَا عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ أَنْتَهَى الْأَمْرَ إِلَيْنَا ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي رُوِيَ لَنَا عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ عَلَى عِبَادِهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ وَاسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ بَاقِرٌ يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا هُوَ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدِي وَ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ جَعْفَرٌ وَاسْمُهُ عِنْدَ أَهْلِ السَّمَاءِ الصَّادِقُ فَقُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ صَارَ اسْمُهُ الصَّادِقُ وَكُلُّكُمْ صَادِقُونَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا وُلِدَ ابْنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَمُّهُ الصَّادِقَ فَإِنَّ لِلْخَامِسِ مِنْ وُلْدِهِ وَوَلَدًا اسْمُهُ جَعْفَرٌ يَدْعِي الْإِمَامَةَ اجْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ وَكَذِبًا عَلَيْهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ جَعْفَرُ الْكَذَّابِ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمَدْعَى لِمَا لَيْسَ لَهُ بِأَهْلِ الْمُخَالَفِ عَلَى أَبِيهِ وَ الْحَاسِدُ لِأَخِيهِ ذَلِكَ الَّذِي يَرُومُ كَشْفَ سِتْرِ اللَّهِ عِنْدَ غَيْبَةِ وَليّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَكَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ كَأَنِّي بِجَعْفَرِ الْكَذَّابِ وَ قَدْ حَمَلَ طَاعِيَةَ زَمَانِهِ عَلَى تَفْتِيهِ أَمْرَ وَليّ اللَّهِ وَ الْمُعْتَبِ فِي حِفْظِ اللَّهِ وَ التَّوَكُّلِ بِحَرَمِ أَبِيهِ جَهْلًا مِنْهُ بِوَلَادَتِهِ وَ حِرْصًا مِنْهُ عَلَى قَتْلِهِ إِنْ ظَفِرَ بِهِ وَ طَمَعًا فِي مِيرَاثِهِ حَتَّى يَأْخُذَهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ قَالَ أَبُو خَالِدٍ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ ذَلِكَ لَكَائِنْ فَقَالَ إِي وَرَبِّي إِنْ ذَلِكَ لَمْ كُتُبْ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الَّتِي فِيهَا ذَكَرَ الْمَحْنُ الَّتِي تَجْرِي عَلَيْنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَبُو خَالِدٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا قَالَ ثُمَّ تَمَتَّتِ الْغَيْبَةَ بِوَلِيِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الْأئِمَّةَ بَعْدَهُ يَا أَبَا خَالِدٍ إِنْ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَعَطِّرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِندَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَ

جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَ
الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ انْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ. كمال الدين 1/ 319

ابراهیم کرخی نیز گوید: بر امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ وارد شدم و نزد ایشان نشسته بودم که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر عَلَیْهِمَا السَّلَامُ که در سن نوجوانی بودند تشریف آوردند؛ پس من برخاسته و ایشان را بوسیدم و نشستم؛ آنگاه امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای ابراهیم! آیا می دانی که پس از من او امام توست؟ بدان که اقوامی درباره ی او به هلاکت افتاده و اقوام دیگری به سعادت رسند، لعنت خدا بر قاتل او باد و خدا عذاب روحش را دو چندان کند. بدان که خدای تعالی از صلب او بهترین اهل زمین در عصر خود را خارج سازد که همانم جدش و وارث علم و احکام و فضایل اوست و معدن امامت و رأس حکمت است، و پس از شگفتی ها و کرامات مُسْتَحْسَنی که از وی به ظهور رسد، جَبَّار بنی فلان (عباس) از روی حسادت وی را خواهد کشت؛ و لکن خدای تعالی امرش را می رساند گرچه مشرکان را ناخوش آید و از صلب او امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ را که تکلمه ائمه دوازده گانه است خارج سازد و آنان را به کرامت خود مخصوص گرداند و در دار القدس خود فرود آورد، کسی که منتظر دوازدهمین آنان باشد مانند کسی است که شمشیرش را از غلاف بیرون کشیده و پیشاروی رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از آن حضرت دفاع نماید.»

راوی گوید: در این هنگام مردی از دوستان بنی امیه داخل شد و سخن منقطع گردید و من یازده بار دیگر به نزد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ رفتم تا از آن حضرت درخواست کنم که کلامشان را کامل کنند و بدان توفیق نیافتم تا آنکه در سال بعد بر امام وارد شدم و ایشان نشسته بودند، فرمودند:

«ای ابراهیم! او کسی است که پس از سختی شدید و بلای طویل و جزع و خوف، ظاهر شده و حزن و مشقت را از شیعیانش برطرف سازد و خوشا به حال کسی که آن زمان را درک کند، ای ابراهیم! تو را بس است.»

ابراهیم گوید: من هیچ گاه مسرورتر از آن زمان نبودم که پس از شنیدن این مژده از نزد امام صادق علیه السلام برمی گشتم. (1)

صفات منتظر

این انتظار که از شرائط دین و ایمان شمرده و برای آن، ثواب های عالی و متعالی در نظر گرفته شده طبیعتاً از هر منتظری پذیرفته نخواهد شد؛ بلکه برای منتظران حضرت منتظر علیه السلام صفاتی بیان شده که منتظر باید حائز آنها باشد.

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«مردم درباره ی ما به سه قسم تقسیم می شوند. اول؛ گروهی که ما را دوست دارند و در انتظار قیام قیام کننده ی ما هستند تا از دنیای ما بهره مند شوند. پس سخن می گویند و کلمات ما را حفظ می کنند؛ ولی از انجام اعمال ما کوتاهی دارند؛ پس به زودی خدا آنها را رهسپار جهنم می کند. دوم؛ گروهی که ما را دوست می دارند و سخن ما را می شنوند و کوتاهی از اعمال ما ندارند؛ ولی هدفشان این است که به این وسیله مردم را بخورند (یعنی مال ایشان را به دست آورده، آنها را استعمار کنند) خداوند شکم های آنها را پر از آتش می کند و به گرسنگی و تشنگی (در قیامت) گرفتار می شوند. سوم؛ گروهی هستند که ما را دوست دارند و سخن ما را حفظ

ص: 130

1- . عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنِّي لَجَالِسٌ عِنْدَهُ إِذْ دَخَلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ غَلَامٌ فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُهُ وَجَلَسْتُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِبْرَاهِيمُ أَمَا إِنَّهُ لَصَاحِبُكَ مِنْ بَعْدِي أَمَا لِيَهْلِكَنَّ فِيهِ أَقْوَامٌ وَيَسَّ عُدُّ فِيهِ آخَرُونَ فَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَصَاعَفَ عَلَى رُوحِهِ الْعَذَابَ أَمَا لِيُخْرِجَنَّ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي زَمَانِهِ سَمِيَّ جَدِّهِ وَوَارِثَ عِلْمِهِ وَأَحْكَامِهِ وَفَضَائِلِهِ وَمَعْدِنَ الْإِمَامَةِ وَرَأْسَ الْحِكْمَةِ يَمْتَلُئُهُ جَبَّارٌ بَنِي فُلَانٍ بَعْدَ عَجَانِبِ طَرِيفَةِ حَسَدٍ لَهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَالِغُ أَمْرِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ تَكْمِلَةَ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا مَهْدِيًّا اخْتَصَّهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَأَحَلَّهُمْ دَارَ قُدْسِهِ الْمُنْتَظَرِ لِلثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَدِيفُهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَدُبُّ عَنْهُ قَالَ فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي بَنِي أُمَيَّةَ فَانْقَطَعَ الْكَلَامُ فَعُدْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً أُرِيدُ مِنْهُ أَنْ يَسَّ تَتِمَّ الْكَلَامَ فَمَا قَدَرْتُ عَلَى ذَلِكَ فَلَمَّا كَانَ قَابِلُ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ جَالِسٌ فَقَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ هُوَ الْمَفْرُجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شَيْعَتِهِ بَعْدَ صَنْكِ شَدِيدِهِ وَبَلَاءِ طَوِيلٍ وَجَزَعٍ وَخَوْفٍ فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ حَسْبُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَمَا رَجَعْتُ بِشَيْءٍ أَسْرَ مِنْ هَذَا لِقَلْبِي وَلَا أَقْرَّ لِعَيْنِي. كمال الدين 2/ 334 و غيبت نعمانی / 91

می کنند و مخالفت با رفتار ما نمی کنند. آنها از ما ایند و ما از آنها.» (1) از اینجا معلوم می شود، آنهایی که به ظاهر، منتظر امام علیه السلام اند؛ ولی برای امر دنیا و در اعمالشان مانند ائمه اطهار علیهم السلام نیستند؛ نه تنها وارد جرگه ی منتظرین نشده اند؛ بلکه عاقبت ایشان هم آتش است.

در حدیث دیگر آمادگی برای ظهور را یکی دیگر از صفات منتظرین برشمرده اند.

ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«باید هر یک از شما برای خروج مهدی علیه السلام (سلاحی) آماده کند هر چند یک تیر باشد، که خدای تعالی هرگاه از نیت شما این مطلب را بداند، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آنکه قیام کننده را درک کند [و از یاران و یاوران او باشد]» (2)

و همچنین ابوخالد مکفوف از یکی از یاران خود نقل می کند که او گفت: «امام صادق علیه السلام فرمودند:

«برای آن کسی که این امر [ولایت و انتظار] را در نهان، ادعا می کند شایسته است که آشکارا نیز بر آن، دلیل بیاورد، عرض کردم: این برهان که باید آن را در آشکارا بیاورد چیست؟ فرمودند: حلال خدا را حلال بدارد و حرام خدا را حرام دارد، و او را ظاهری باشد که باطنش را تصدیق کند.» (3)

وظیفه سوم: مراقبت از دین

سومین وظیفه رعیت امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، مراقبت از دین و ایمان است. علی بن جعفر از برادر خود امام کاظم علیه السلام روایت کند که فرمودند:

ص: 131

1- . عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال: افترق الناس فينا على ثلاث فرق فرقة احنونا انتظار قائمنا ليصيبيوا من دنيانا فقالوا و حفظوا كلامنا و قصرنا عن فعلنا فسيحشهم الله الى النار و فرقة احنونا و سمعوا كلامنا و لم يقصروا عن فعلنا ليس تاكلوا الناس بنا فيملا الله بطونهم ناراً يسלט عليهم الجوع و العطش و فرقة احنونا و حفظوا قولنا و اطاعوا امرنا و لم يخالفوا فعلنا فاولئك منا و نحن منهم. تحف العقول / 514

2- . عن ابي بصير قال قال ابو عبد الله عليه السلام ليعدن احدكم لخروج القائم و لو سهماً فان الله اذا علم ذلك من نبيته رجوت لان ينسي في عمره حتى يدركه و يكون من اعوانه و انصاره. الغيبة للنعماني / 320 و بحار الأنوار / 52 / 366

3- . عن ابي خالد المكفوف عن بعض اصحابه قال: قال ابو عبد الله عليه السلام ينبغي لمن ادعى هذا الامر في السر ان يأتي عليه برهان في العلانية قلت و ما هذا البرهان الذي يأتي في العلانية قال يحل حلال الله و يحرم حرام الله و يكون له ظاهر يصدق باطنه. غيبة نعماني

«چون پنجمین امام از فرزندان امام هفتمین، غایب شود، الله! الله! که در دینتان مراقب باشید کسی آن را از شما زایل نسازد، ای فرزندان من! به ناچار صاحب الامر غیبتی دارد تا به غایتی که معتقدان به این امر، از آن باز گردند، این محنتی است که خدای تعالی خلقتش را به واسطه ی آن بیازماید و اگر پدران و اجداد شما دینی بهتر از این می شناختند از آن پیروی می کردند.»

راوی گوید: گفتم: ای آقای من! پنجمین از فرزندان هفتمین امام کیست؟ فرمودند:

«ای فرزندان من! عقل های شما از درک آن ناتوان است و خردهای شما تاب تحمل آن را ندارد؛ ولیکن اگر بمانید او را درک خواهید کرد.»(1)

یمان تمّار نیز گوید: خدمت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نشسته بودیم، به ما فرمودند:

«همانا صاحب الامر را غیبتی است، که هر کسی که در آن زمان، دینش را نگه دارد مانند آن است که درخت خار قتاد را با دست بتراشد(2) سپس با اشاره ی دست، مجسم فرموده و ادامه دادند: کدامیک از شما می تواند خار آن درخت را به دستش نگهدارد؛ پس لختی سر به زیر انداخته و باز فرمودند: همانا صاحب الامر را غیبتی است، که هر بنده ایی باید در آن از خدا پروا کند، و به دین خود بچسبد.»(3)

همین سفارش، از وجود مبارک رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز مؤکدا رسیده و ایشان هم فرموده اند:

«قسم به کسی که مرا به بشارت، مبعوث کرد! به تحقیق که مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست غایب شود تا جایی که اکثر مردم بگویند: خدا را در خاندان محمّد حاجتی نیست. و دیگران در اصل ولادت او شک کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود بایستی به دینش چنگ زده،

ص: 132

1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُرِيْلَنَكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ وَ لَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَا تَبْعُوهُ فُقُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ مَا الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ عَقُولُكُمْ تَصَدَّ عَنْ ذَلِكَ وَ أَحْلَامُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمَلِهِ وَ لَكِنْ إِنْ تَعِيشُوا فَسَوْفَ تُدْرِكُونَهُ. مسائل علی بن جعفر/325 و کمال الدین 2/359

2- . قتاد: درختی است که خار بسیار دارد و خارهایش مثل سوزن است و تراشیدن خارش باین طریقست که يك دست را بالای شاخه محکم گرفته، با دست دیگر تا پائین بکشند و این جمله در عرب مثلی است برای انجام کارهای دشوار و سخت.

3- . عَنْ يَمَانَ التَّمَّارِ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً أَلْتَمَسْتُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِقِتَادٍ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يُمَسِّكُ شَوْكَ الْقِتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلَيْتَقِيَ اللَّهُ عَبْدًا وَ لَيْتَمَسَّكَ بِدِينِهِ. کافی

1/335 و کمال الدین 2/343

مراقب آن باشد و به واسطه ی شک خود، راه شیطان را باز نسازد تا مبادا شیطان او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد که او بیشتر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی ایمانان قرار داده است.»(1)

وظیفه چهارم: مقابله با تحریف یا اصلاح دین

در عصر ائمه ی اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و پیش از شروع غیبت امام عَلَیْهِ السَّلَامُ، آن بزرگواران، با حساسیت فراوان، از تغییر، تحریف و یا اصلاح دین توسط مردم فریبکار، جلوگیری کرده و حتی اگر کسی کلمه ای را در دعا و یا زیارتی تغییر می داد با برخورد شدید امام عَلَیْهِ السَّلَامُ مواجه می شد. این رویه در زمان غیبت صغری هم ادامه داشت به شکلی که اگر کسانی چون "شلمغانی" قصد تغییر در دین را داشتند با توقیعات لعنیه ی امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ مواجه شده و مردم نیز به امر آن بزرگوار به لعن و نفرین ایشان می پرداختند تا مبادا کسی با طمع تحریف در دین، به گمراه نمودن دیگران سوق پیدا کند. اما متأسفانه با شروع غیبت کبری و با کم‌رنگ شدن تبری که دژ حفاظت از عقاید است و آغاز زمزمه های وحدت با منحرفین، آرام آرام، نحله های فاسدی چون تصوف و بهائیت و... در اندیشه های شیعی رخنه کرده و افکار حلاج ها، ابن عربی ها و جلال الدین بلخی ها با لباسی مبدل به اسم عرفان و غیر آن، وارد عقاید حقه ی شیعه ی اثنی عشریه شدند. عده ای نیز به مطامع دنیایی و اغراض مادی و حکومتی برای رسیدن به اهداف شومشان؛ عوض آنکه خود را با دین خدا هماهنگ کنند، دین را با تمایلات خویش، تطبیق داده و هر جایش را که با افکارشان ناسازگار پنداشتند، محو، سانسور، تغییر و یا اصلاح کرده و می کنند. امامان عزیز ما که درود خدا بر ایشان باد از آن رو که به این مهم، آگاه بوده اند شیعیان خویش را از این خطر، آگاه ساخته و بر حذر داشته اند.

حارث بن مغیره نصری از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده که به آن حضرت عرض کردم:

ص: 133

1- . عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وَوَدَيْ بَعْدِهِ مَعَهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَيَشْكُ آخِرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَلَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيُرِيَهُ عَنْ مِلَّتِي وَيُخْرِجَهُ مِنْ دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُوكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. كمال الدين 51 / 1

برای ما روایت شده که صاحب این امر، زمانی از نظرها ناپدید می شود؛ پس در آن حال ما چه کنیم؟ فرمودند:

«شما به همان امر نخستین که بر آن بودید بمانید تا وضع برای شما روشن شود.» (1)

ابان بن تغلب هم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: «زمانی بر مردم بیاید که در آن دچار (سببه) شوند و علم جمع گردد همچنان که مار در سوراخ خویش، خود را گرد می کند (چنبر می زند)، و در این حال که آنان چنین به سر می برند ناگاه ستاره ای بر آنان می دمد، عرض کردم: سببه چیست؟ فرمودند: زمانی است که امام حاضر نباشد. عرض کردم: پس در آن میان ما چه کنیم؟ فرمودند: بر همان چیزی که بودید باقی باشید، تا خداوند ستاره شما را برایتان بر آورد.» (2)

ابوحزمه ثمالی نیز گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«نزدیک ترین مردمان به خدای تعالی و داناترین مردمان به خدا و مهربان ترین ایشان به مردم، محمد و ائمه علیهم السلام هستند، پس هر جا که آنان داخل می شوند شما هم داخل شوید و از هر که آنها مفارقت کردند شما هم مفارقت کنید که حق در میان آنان است و آنان اوصیا هستند و ائمه در میان آنها هستند، پس هر کجا آنان را دیدید از ایشان پیروی کنید و اگر روزی آنان را ندیدید به خدای تعالی استغاثه کنید و به آن سنتی که پیش از آن داشتید عمل کنید و از آن تبعیت نمایید و آنان را که دوست می داشتید دوست بدارید و آنها را که دشمن می داشتید دشمن بدارید (دوست و دشمنتان را تغییر ندهید) که چه زود باشد که فرج شما در آید.» (3)

ص: 134

1- . عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّا نَرَوِي بِأَنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَفْقَدُ زَمَانًا فَكَيْفَ نَصْنَعُ عِنْدَ ذَلِكَ قَالَ تَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَبِينَ لَكُمْ. غيبت نعمانی / 159

2- . عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمَ فِيهَا كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَيَبِينَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ قُلْتُ فَمَا السَّبْطَةُ قَالَ الْفِتْرَةُ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ فَقَالَ كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ. غيبت نعمانی / 159 و کمال الدین 2/349

3- . عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَعْلَمَهُمْ بِهِ وَ أَرَأْفَهُمْ بِالنَّاسِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْأَيُّمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادْخُلُوا أَيْنَ دَخَلُوا وَ فَارِقُوا مَنْ فَارِقُوا عَنِّي بِذَلِكَ حُسَيْنًا وَ وُلْدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِمْ وَ هُمْ الْأَوْصِيَاءُ وَ مِنْهُمْ الْأَيُّمَةُ فَإِنَّمَا رَأَيْتُمُوهُمْ فَاتَّبِعُوهُمْ وَ إِنِ اصْبَحْتُمْ يَوْمًا لَا تَرَوْنَ مِنْهُمْ أَحَدًا فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ انظُرُوا السَّنَةَ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهَا وَ اتَّبِعُوهَا وَ أَحِبُّوا مَنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ وَ أَبْغَضُوا مَنْ كُنْتُمْ تُبْغِضُونَ فَمَا أَسْرَعَ مَا يَأْتِيكُمْ الْفَرَجُ. کمال الدین 1/328

در خبر دیگر، علی بن حارث بن مغیره از پدر خویش روایت کرده که او گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا فترتی خواهد بود که در آن، مسلمانان، امام خویش را شناسند؟ فرمودند: چنین گفته می شود. عرض کردم: پس ما چه کنیم؟ فرمودند:

«چون چنین شود به همان امر نخستین بیاویزید و همان را که برآید به دست داشته باشید تا آخر کار بر شما روشن گردد».(1) از این قبیل روایات، فراوان است که در بعضی فرموده اند: به همان سنت سابق عمل کن و در بعضی فرموده اند: دوست و دشمنی را تغییر مده.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آنگاه که صبح و شام می کنی در حالی که امامی را نمی بینی که از وی پیروی کنی؛ پس آن را که دوست می داشتی دوست بدار و آن را که دشمن می داشتی دشمن بدار تا خدای تعالی امام را آشکار کند».(2)

عبدالله بن سنان هم گوید: «من با پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم؛ پس آن حضرت فرمودند:

«حال شما چون باشد آنگاه که به حالی در آید که امام هدایت را نبینید و نشانه ی هدایت رؤیت نشود و هیچ کسی نجات نیابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند. پدرم گفت: در آن شب ظلمانی که چنین امری واقع شود ما چه کنیم؟ فرمودند: هر گاه چنین شود "و البته تو آن زمان را هرگز در نمی یابی" پس به آن چه در نزد شماست (از دین و معارف ما) بیاویزید و از آن جدا نشوید تا وضع بر شما روشن شود».(3)

ص: 135

- 1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُونُ فِتْرَةٌ لَا يَعْرِفُ الْمُسْلِمُونَ فِيهَا إِمَامَهُمْ فَقَالَ يُقَالُ ذَلِكَ قُلْتُ فَكَيْفَ نَصْنَعُ قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَتَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يُبَيِّنَ لَكُمْ الْآخِرَ. غيبت نعمانی / 158 و کمال الدین / 2 / 351
- 2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ لَا تَرَى إِمَامًا تَأْتُمُّ بِهِ فَأَحْبِبْ مَنْ كُنْتَ تُحِبُّ وَ أَبْغِضْ مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. کافی / 1 / 342 و کمال الدین / 2 / 348 و غيبت نعمانی / 158
- 3- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صِرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامَ هُدَى وَ لَا عِلْمًا يَرَى فَلَا يَنْجُو مِنْ تِلْكَ الْحَيْرَةِ إِلَّا مَنْ دَعَا بِدَعَاءِ الْغَرِيقِ فَقَالَ أَبِي هَذَا وَ اللَّهُ الْبَلَاءُ فَكَيْفَ نَصَّ نَعُ جُعِلَتْ فِدَاكَ حِينَئِذٍ قَالَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ وَ لَنْ تُدْرِكَهُ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَتَّضِحَ لَكُمْ الْأَمْرُ. غيبت نعمانی / 159 و الإمامة و التبصرة / 127

و زرارہ این یار مورد وثوق ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«بر مردم، روزگاری در آید که امامشان از آنها غایب شود.»

گوید: عرض کردم: مردم در آن زمان چه کنند؟ فرمودند:

«به همان امری که بر آن بوده اند متمسک شوند تا آنکه (سخن جدید ما) بر ایشان روشن شود.»(1)

وظیفه پنجم: رجوع به عالمان ربانی

در عصر غیبت، که مردم، امام خویش را نمی بینند؛ برای دریافت حقایق و معارف دین، چاره ای جز مراجعه به دانشمندان و متخصصان امر ندارند، اما نه هر کسی که لباس طبابت پوشید، پزشک حاذقی است و نه هر که ابزار درودگری به دست گرفت، نجار ماهری است.

و بدان که زیادند گرگ هایی که در لباس میش، گوسفندان گله را می درند و همه را به دیگر میشان، بدگمان می کنند. لذا آن عالمی سزاوار رجوع است که خصلتی نیکو داشته باشد و الا کم نبوده اند عالم نمایانی که دین رعیت را به غارت برده اند.

امام هادی عَلَیْهِ السَّلَامُ در وصف این عالمان ربانی فرموده اند:

«اگر پس از غیبت امام دوازدهم عَلَیْهِ السَّلَامُ نبودند علمایی که مردم را به سوی امام دعوت کنند و به سمت او راهنمایی نمایند، و با براهین الهی از او دفاع کنند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب (دشمنان اهل بیت) رهایی بخشند؛ همه ی مردم، از دین خدا دست کشیده و مرتد می شدند؛ لکن این علماء، کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می کنند، همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه، همان شخصیت های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می باشند.»(2)

ص: 136

1- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَقُلْتُ لَهُ مَا يَصْنَعُ النَّاسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ قَالَ يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَبَيِّنَ لَهُمْ كَمَالَ الدِّينِ 350/2 و إثبات الهداة 5/89

2- قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِكُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ، وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ، وَ الْمُتَّقِذِينَ لِضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شَبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدِّيهِ، وَ مِنْ فِخَاخِ النُّوَاصِبِ لِمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا اِزْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ، وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِّسُونَ أَرْزَمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمَسِّسُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلِيكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. تفسیر امام عسکری عَلَیْهِ

السَّلَامُ 344/ و احتجاج 1/18

خوب بنگرید که امام هادی عَلَیْهِ السَّلَامُ چه صفاتی برای یک عالم ربانی ذکر می کنند. اول: الداعین الیه؛ یعنی: مردم را به سوی امام عَلَیْهِ السَّلَامُ دعوت کنند. نه به سوی خود یا غیر امام. دوم: الدالین علیه؛ یعنی: مردم را به امام عَلَیْهِ السَّلَامُ دلالت و راهنمایی کنند. سوم: الدابین عن دین الله؛ یعنی: از دین خدا دفاع کنند و چهارم: المنقذین لضعفاء عباد الله...؛ یعنی: بندگان خدایی که در عقایدشان ضعیف هستند را از دست منحرفین نجات دهند.

در حدیث دیگر امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«پس هر فقیهی که مراقب نفسش بوده و حافظ دین خود است و با نفس خود مخالف است و مطیع امر مولی می باشد، بر عوام است که از چنین فقیهی تقلید کنند، و این شرایط تنها مشمول برخی از فقهای شیعی می گردد نه تمامشان...» (1) پس عالمی که عبد مطیع مولایش امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ باشد (مطیعاً لا مر مولا) نه اینکه خود را مولا بداند، و آن عالمی که مراقب دین خدا باشد نه عنوان و اعتبارات خویش را بر دین حق ترجیح دهد و آن دانشمندی که مردم را به امام بخواند نه اینکه برای خودش دکانی باز کند؛ این چنین عالمی همان کسی است که مردم، وظیفه دارند به او رجوع کنند.

در اینجا برای نمونه به ماجرای که برای یکی از مراجع عظام تقلید اتفاق افتاده و توسط بسیاری از علماء تایید شده است اشاره می کنیم.

آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی قدس سره از مراجع بزرگ و وارسته ای است که هم به محضر مبارک امام عصر عَلَیْهِ السَّلَامُ نایل آمده و هم به افتخار دریافت نامه و توقیع از سوی آن حضرت، مفتخر شده است. داستانی که خواهد آمد علاوه بر اینکه نشانگر عنایت و لطف دوازدهمین امام نور، حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به آن مرجع بزرگوار و آن عالم ربانی است، چراغی فروزان در پیش روی سایر علماء و دانشمندان است تا با طی طریق در مسیر روشن او، مرجعی مؤید، برای مردم بی پناه باشند.

مرحوم زاهدی نقل می کند که در بیت آیت الله حائری بودیم و یکی از علما که نامش را

ص: 137

1- قال الامام العسکری: ... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ. وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي بَعْضِ فُقَهَاءِ الشُّعْبَةِ لَا جَمِيعِهِمْ... تفسیر امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ / 300 و احتجاج 2/458

می برد، نیز آنجا بود. به تناسب، سخن از آیت الله اصفهانی به میان آمد که شیخ مذکور فرمود: من در عصر آن بزرگوار از کسانی بودم که گاه اشکال و ایراد به سبک معظّم له در رهبری معنوی و مذهبی جهان تشیّع داشتم. این ایراد تا هنگام تشرّف به عتبات عالیات و دیدار خصوصی با آن مرحوم ادامه داشت. به همین جهت هم، آنجا وقتی به محضرش رفتم، اشکالات خود و دیگران را گفتم. آن بزرگوار با کمال سعه ی صدر و گشادگی چهره جواب همه اشکال و ایرادهای مرا داد. سرانجام فرمود: من دستور دارم که اینگونه عمل کنم.

گفتم: از کجا و چه کسی دستور دارید؟ فرمود: از چه کسی می خواهید دستور داشته باشم؟ گفتم: یعنی از امام عصر علیه السّلام؟ فرمود: آری! و برخاست و درب صندوق خود را گشود و پاکتی را از آنجا برگرفت و به دست من داد. من به مجرد این که پاکت را گرفتم مضطرب و منقلب شدم. با حالتی وصف ناپذیر کاغذ را از پاکت درآوردم و آن را خواندم که از جمله این عبارت نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم. يا سيد ابوالحسن! اِرْحَصْ نَفْسَكَ و اجلس في دهليز بيتك و لا ترخ سترك (و اعن او اغث شيعتنا و موالينا) نحن نصرک ان شاء الله. المهدی یعنی: ای سید ابوالحسن! خودت را برای مردم ارزان کن (در دسترس مردم باش) و محل نشستنت را در دالان خانه ات قرار بده (خود را در اتاق های درونی خانه از مردم پنهان مکن) و پرده ای بین خود و مردم میانداز (مردم برای دیدار تو دچار مشکل و حاجب نباشند) و به داد شیعیان ما برس که ما خود، تو را یاری خواهیم کرد. المهدی

پرسیدم: این توقیع شریف را به وسیله چه کسی دریافت داشته اید؟ فرمود: به وسیله ی مردی عابد و پارسا و باتقوا به نام شیخ محمد کوفی که از هر جهت مورد وثوق و اطمینان است. اجازه گرفتم تا از آن نسخه ای بردارم مشروط بر اینکه تا سید در قید حیات است ابراز نکنم. (1)

آن عالمی که در لابه لای عناوین و اعتبارات اسیر نشود، از مشکلات مردم با خبر بوده و خود را از ایشان در پرده ی حجاب و حراست و تشریفات، نگه ندارد، خود را عبد مولايش بداند و به داد دوستان امام علیه السّلام برسد؛ بی شک همان کسی است که مورد تأیید امام علیه السّلام بوده و حضرتش یاری اش می کنند.

ص: 138

وظیفه ششم: احیای ذکر و یاد حضرت مهدی علیه السلام

غیبت امام و امتی که دنیا و دنیا طلبی مشغولش کرده و شیطانی که سرگرم تدلیس و فریب است؛ همه و همه دست به دست هم داده تا یاد امام عزیز را از دل ها بزدايد؛ اما وظیفه ی منتظران آن حضرت این است که یادش را زنده نگه دارند و از اوصاف او بگویند و بشنوند. همان امامی که سایر ائمه علیهم السلام اگر شرایط ایراد خطبه و سخن برایشان فراهم می شد از او می گفتند و خصال نیکویش را برای مردم بیان می کردند. امام باقر علیه السلام از آباء طاهری نشان علیهم السلام از امیر المؤمنین علیهم السلام چنین روایت کنند که بر منبر کوفه می فرمودند:

«از فرزندان من در آخر الزمان فرزندی ظهور کند که رنگش سفید متمایل به سرخی و سینه اش فراخ و ران هایش سطر و شانه هایش قوی است و در پشتش دو خال است، یکی به رنگ پوستش و دیگری مشابه خال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دو نام دارد؛ یکی نهران و دیگری آشکار. اما نام نهران او احمد و نام آشکارش محمد است، و چون پرچمش به اهتزاز درآید از مشرق تا مغرب را تابان کند و دستش را بر سر بندگان نهد و دل مؤمنان از برکت آن، چون پاره های آهن استوار گردد و خداوند، توانایی چهل مرد را به وی دهد و هر مؤمنی گر چه در گور باشد (به ظهورش) شادمان شود، و به دیدار هم روند، و مژده ظهور مهدی صلوات الله علیه را به یکدیگر دهند.» (1)

واقعاً آقای ما کیست که کسی چون سیدنا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام آنگاه که منبر روند از جمال و کمال او خطبه می خوانند و بذر محبت او را در دل ها می کارند. خطباء و سخنرانان در این زمان، چه مقدار در باب آن حضرت سخن می گویند؟ در رسانه ها تا چه حدی از او یاد می شود؟

باید عشق او را در دل ها پرورید چرا که محبت هر یک از امامان علیهم السلام اثری در دل دارد.

پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده اند:

ص: 139

1- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَيْضُ اللَّوْنِ مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَةِ مُبْدَحُ الْبَطْنِ عَرِيضُ الْفَخْدَيْنِ عَظِيمُ مُشَاشِ الْمَنْكَبَيْنِ بَطْهَرُهُ شَامَتَانِ شَامَةٌ عَلَى لَوْنِ جِلْدِهِ وَ شَامَةٌ عَلَى شِدْبِهِ شَامَةٌ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ لَهُ اسْمَانِ اسْمٌ يَخْفَى وَ اسْمٌ يَعْلُنُ فَأَمَّا الَّذِي يَخْفَى فَأَحْمَدُ وَ أَمَّا الَّذِي يَعْلُنُ فَمُحَمَّدٌ إِذَا هَزَّ رَأْيَتَهُ أَصَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ [فِي قَلْبِهِ] وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَرَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. كمال الدين 2/653

«هر که دوست دارد ملاقات کند خدا را در حالی که او روی مرحمت و لطفش را از وی بازنگرداند دوست بدارد و موالات کند با برادرم علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَامُ، و هر که بخواهد خدا را ملاقات کند و خدا از او راضی باشد دوست بدارد فرزند او حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ را، و هر که بخواهد ملاقات کند خدا را و به هیچ وجه خوف و ترس نداشته باشد فرزند دیگر او حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را دوست بدارد، و هر که بخواهد خدا را ملاقات کند و گناهان او ریخته شود و محو شده باشد دوست بدارد فرزند او علی را که سید سجده کنندگان است، و هر که دوست می دارد خدا را ملاقات کند و چشمش روشن باشد، فرزند او محمد بن علی را دوست بدارد که شکافنده علوم و دانش هاست، و هر که دوست دارد که خدا را ملاقات کند و نامه ی عملش را به دست راستش دهند که نشانه رستگاری اوست دوست بدارد جعفر بن محمد را، و هر که دوست می دارد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند دوست بدارد موسی بن جعفر را، و هر که دوست می دارد خدا را ملاقات کند در حالی که خندان و شادان باشد دوست بدارد علی بن موسی را، و هر که دوست می دارد که خدا را ملاقات کند و درجات او بلند باشد و سیئات او مبدل به حسنات شود فرزند او محمد را دوستبدارد، و هر که دوست می دارد خدا را ملاقات کند و حساب او به آسانی بگذرد دوست بدارد علی بن محمد هادی را، و هر که بخواهد خدا را ملاقات کند در حالی که از رستگاران باشد دوست بدارد حسن عسکری را، و هر که بخواهد خدا را ملاقات کند و دین او کامل و نیکو باشد، موالات و دوستی کند با حجه بن الحسن صاحب الزمان که مردم در انتظار او خواهند بود. اینها چراغ های فروخته الهی و شمع های فروزان آسمانی هستند. آنها پیشوایان دین و پرهیزکاران کتب ربوبی هستند. هر کسی با آنها موالات کند و دوستی نماید و تسلیم امر آنها گردد، من ضامن می شوم خداوند او را به بهشت ببرد.» (1)

ص: 140

1- . عن عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا مَا يَرْفَعُهُ إِلَى النَّسَبِ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ إِلَى سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لِي أَبِي قَالَ أَخِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى مُقْبِلًا عَلَيْهِ غَيْرَ مُعْرِضٍ عَنْهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا وَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ فَلْيُؤَالَ ابْنَهُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِ فَلْيُؤَالَ ابْنَهُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ يَمَحُصُ عَنْهُ ذُنُوبَهُ فَلْيُؤَالَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّجَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ قَرِيرٌ عَيْنٍ فَلْيُؤَالَ مُحَمَّدَ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ خَفِيفُ الظَّهْرِ فَلْيُؤَالَ جَعْفَرَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ فَلْيُؤَالَ مُوسَى الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ ضَاحِكٌ مُسْتَبَشِرٌ فَلْيُؤَالَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ رَفَعَتْ دَرَجَاتُهُ وَ بَدَّلَتْ سَيِّئَاتُهُ حَسَنَاتٍ فَلْيُؤَالَ مُحَمَّدَ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُحَاسِبَهُ اللَّهُ حِسَابًا يَسِيرًا فَلْيُؤَالَ عَلِيِّ الْهَادِي وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَهُوَ مِنَ الْفَائِزِينَ فَلْيُؤَالَ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيْمَانُهُ وَ حَسُنَ إِسْلَامُهُ فَلْيُؤَالَ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الزَّمَانِ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ م ح م د بَنِ الْحَسَنِ فَهَؤُلَاءِ مَصَابِيحُ الدُّجَى وَ أَيْمَةُ الْهُدَى وَ أَعْلَامُ التَّقَى فَمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ تَوَلَّاهُمْ كُنْتُ ضَامِنًا لَهُ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ. فضائل ابن شاذان / 166

این آقایی که باید دوستش داشت و نامش را احیاء نمود؛ متأسفانه غریب و تنهاست. اصبع بن نباته گوید: از امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«صاحب این امر، آواره، رانده شده و تک و تنها است.»(1)

اما هستند مؤمنینی که یاد امام در دلشان زنده و به عشق او نفس می کشند.

مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق از پدران بزرگوارشان روایت کرده است که حضرت عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ به منبر کوفه خطبه خوانده و فرمودند:

«بار الها! ناگزیر بایستی در زمین حجتی برای خلائق باشد تا ایشان را به دین تو هدایت کرده و علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو باطل نشود و پیروان اولیای تو پس از هدایت گمراه نشوند، او یا آشکار است ولی مطاع نیست و یا آنکه مستور است و منتظر ظهور. اگر چه شخص او در حالی که آنان را هدایت می کند غایب باشد؛ اما علم و آداب او در قلوب مؤمنین ثبت است و بدان عمل می کنند.»(2)

و محمد بن زیاد ازدی گوید: از سرور خود موسی بن جعفر عَلِيهِمَا السَّلَامُ از تفسیر این کلام الهی پرسیدم: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» فرمودند:

«نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب است.»

گفتم: آیا در میان ائمه عَلِيهِمُ السَّلَامُ کسی هست که غائب شود؟ فرمودند:

«آری! شخص او از دیدگان مردم غایب می شود اما یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی شود و او دوازدهمین ما امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را

ص: 141

1- . عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ الْفَرِيدُ الْوَحِيدُ. كَمَالِ الدِّينِ

1/303

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَلَا يَضِلَّ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُكْتَبٍ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هِدَايَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ. كَمَالِ الدِّينِ 1/302

آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنج های زمین را برایش آشکار کند و هر بعیدی را برای وی قریب سازد و به توسط وی تمامی جباران عنود را نابود کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد، او فرزند سرور کنیزان است، کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست تا آنگاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.» (1)

وظیفه هفتم: گریه در فراق حضرت مهدی علیه السلام

یکی دیگر از وظایفی که در روایات معصومین علیهم السلام برای ملت امام عصر علیه السلام برشمرده شده است گریه و اندوه در فراق و دوری آن بزرگوار است. به دلیل امثال همین امر، عاشقان آن سید مظلوم، هر جمعه که روز زیارتی آن عزیز است گرد هم جمع آمده و می خوانند:

«بر من سخت است که مردم را می بینم؛ ولی تو دیده نمی شوی و از تو نمی شنوم صدای محسوسی و نه راز و نیازی. بر من سخت است که فقط تو را گرفتاری فراگیرد و مرا نگیرد و از من به تو فریاد و شکایتی نرسد. جانم به فدایت! تو پنهان شده ای هستی که از میان ما بیرون نیستی. جانم به فدایت! تو دوری هستی که از ما دور نیست. جانم به فدایت! تو آرزوی هر مشتاقی که آرزو کند، از مردان و زنان مؤمن که تو را یاد کرده، و از فراق ناله کنند. جانم به فدایت! تو قرین عزتی که کسی بر او برتری نگیرد. جانم به فدایت! تو درخت ریشه دار مجدی که هم طرازی نپذیرد. جانم به فدایت! تو نعمت دیرینه ای که او را ماندنی نیست. جانم به فدایت! تو قرین شرفی که وی را برابری نیست. ای مولایم! تا چه زمانی سرگردان تو باشم؟ و تا چه زمان و با کدام بیان، تو را وصف کنم و با چه راز و نیازی؟ بر من سخت است که از سوی غیر تو پاسخ داده شوم و سخن

ص: 142

1- . مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْعَاطِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَ يَكُونُ فِي الْأَيَّامِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَيَّامِ يَهْلِكُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يَدُلُّ لَهُ كُلَّ صَدِّقٍ وَ يُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يَقْرُبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَ لَا دَنْتُهُ وَ لَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَّتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. كمال الدين 368 / 1

مسرت بخش بشنوم. بر من سخت است که برای تو گریه کنم؛ ولی مردم تو را وا گذارند، بر من سخت است که بر تو سخت بگذرد و نه بر دیگران. آیا کمک کننده ای هست که فریاد و گریه را در کنارش طولانی کنم؟ آیا بی تابی هست که او را در بی تابی اش، هنگامی که خلوت کند یاری رسانم؟ آیا چشمی هست که خار فراق در آن جا گرفته، پس چشم من او را بر آن خار خلیدگی مساعدت کند؟» (1)

ائمه طاهرین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ پیش از ولادت حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ از فراق آن عزیز، شوق رؤیش و سختی های دوران غیبت، به شدت می گریسته اند.

سدیر صیرفی گوید: من و مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب به حضور امام جعفر صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدیم؛ پس دیدیم که آن حضرت روی زمین نشسته و عبایی بی یقه پوشیده، که آستین هایش کوتاه بود، و در آن حال، مانند پدر فرزند مرده ی جگر سوخته، گریه می کردند و آثار حزن از رخسار مبارکشان پیدا بود به طوری که رنگشان تغییر کرده بود و در حالی که کاسه چشمانشان پر از اشک بود، می فرمودند: «ای آقای من! غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر تنم تنگ نموده و آرامش جانم را سلب کرده است! ای آقای من! غیبت تو مصائب مرا به اندوه ابدی که یکی بعد از دیگری از ما را می رباید و جمع ما را به هم می زند، کشانده است. من به اشک چشم و ناله های سینه ام که از مصائب و بلاهای گذشته دارم نمی نگرم، جز اینکه در نظرم بزرگ تر و بدتر از آنها مجسم می گردد.»

سدیر می گوید: از این امر عظیم و ناله های جانگداز، هوش از سر ما پرید و دل ما از جا کنده شد و پنداشتیم که مصیبت بزرگی برای حضرت روی داده است. من عرض کردم: ای فرزند بهترین مردم روی زمین! خدا دیدگان شما را نگریند. برای چه این طور

ص: 143

1- ... عَزِيزُ عَلِيٍّ اَنْ اَرَى الْخُلُقَ وَلَا تُرَى، وَلَا اَسْمَعَ لَكَ حَسِيسًا وَلَا نَجْوَى، عَزِيزُ عَلِيٍّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيْحٌ وَلَا شَكْوَى، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي اَنْتَ اُمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنِّي مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا فَحَتًّا، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ عَقِيْدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ اَثِيْلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا تُضَاهَى، بِنَفْسِي اَنْتَ مِنْ نَصِيْفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى، اِلَى مَتَى اَحَارُ فَيْكَ يَا مُؤَلَايَ وَ اِلَى مَتَى؟ وَ اَيَّ خِطَابٍ اَصْفُ فَيْكَ وَ اَيَّ نَجْوَى؟ عَزِيزُ عَلِيٍّ اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَ اُنَاغَى، عَزِيزُ عَلِيٍّ اَنْ اُبْكِيكَ وَ يَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزُ عَلِيٍّ اَنْ يَجْرِيَّ عَلَيْكَ دُوْنَهُمْ مَا جَرَى، هَلْ مِنْ مُعِيْنٍ فَاُطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَ الْبُكَاءَ؟ هَلْ مِنْ جَزُوْعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا؟ هَلْ قَدِيْتْ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَيَّ الْقَدَى. فرازهایی از دعای ندبه: مزار کبیر / 573

سیلاب اشک از دیدگانتان فرو می ریزید؟ و چه چیز باعث این مصیبت گشته است؟.

آن حضرت آه سختی کشیدند که از اثر آن، شکم مبارکش برآمده و به شدت، حالشان تغییر کرد؛ آنگاه فرمودند:

«امروز صبح در کتاب جفر (1) می نگرستم. این کتاب مشتمل است بر علم مرگ ها و بلاها و مصائب، و علم گذشته و آینده تا روز قیامت که خداوند متعال به محمد و امامان بعد از او ارزانی داشته است. در آن کتاب دیدم که نوشته قیام کننده ی ما متولد می گردد و غایب می شود. غیبت او طولانی می شود و عمرش به طول می انجامد. در آن زمان، اهل ایمان امتحان می شوند و به واسطه ی طول غیبتش شک و تردید در دل آنها پدید می آید و بیشتر آنها از دین خود برمی گردند و رشته ی اسلام را از گردن خود بیرون می آورند، با اینکه خداوند می فرماید: وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ (2) یعنی: رشته عمل هر کسی را به گردن خودش انداخته ایم. از مطالعه اینها رقت گرفتم و اندوه بر دلم مستولی گردید...» (3)

ص: 144

1- . محدث قمی در کتاب "سفینه البحار" می نویسد: شیخ بهائی در شرح اربعین فرموده: اخبار بسیاری رسیده که پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دو کتاب به املاء امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به نام «جفر» و «جامعه» باقی گذارده اند که آنچه تا روز قیامت پدید می آید در آن است. شیخ کلینی در کافی روایات بسیاری از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده که آن دو کتاب نزد حضرت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ است. آن دو کتاب پیوسته در نزد ائمه بوده و هر امامی آن را از امام پیش از خود به ارث می برده است.

2- . اسراء / 14.

3- . عَنْ سَدِيدِ الصَّبْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ اَنَا وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو بَصِيرٍ وَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ وَ عَلَيْهِ مَسْحٌ حَبِيرِيٌّ مَطْوُوقٌ بِلَا جَبِيبٍ مَقْصَرٌ الْكُمَيْنِ وَ هُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِدِ الشُّكْلَى ذَاتِ الْكَرْبِ الْحَرَى قَدْ نَالَ الْحُزْنَ مِنْ وَجْتِيهِ وَ شَاعَ التَّغْيِيرُ فِي عَارِضِهِ وَ أَبْلَى الدَّمُوعَ مَحْجَرِيَهُ وَ هُوَ يَقُولُ سَدِيدِي غَيْبَتِكَ نَفْتٌ رُقَادِي وَ صَدَّقْتَ عَلَيَّ مَهَادِي وَ ابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُوَادِي سَدِيدِي غَيْبَتِكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقَدَ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ يُعْنِي الْجَمْعُ وَ الْعَدَدُ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعَةٍ تَرْقَى مِنْ عَيْنِي وَ أَيْنَ يَقْتُرُ مِنْ صَدْرِي عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مُثْلَ بَعِينِي عَنْ غَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِي أَشَدِّهَا وَ أَنْكَرِهَا وَ نَوَائِبِ مَخْلُوطَةٍ بِغَضَبِكَ وَ نَوَازِلِ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ قَالَ سَدِيدٌ فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَا وَ تَصَدَّعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا مِنْ ذَلِكَ الْخَطْبِ الْهَائِلِ وَ الْحَادِثِ الْغَائِلِ وَ ظَنَنَّا أَنَّهُ سَمَتَ لِمَكْرُوهَةٍ قَارِعَةٍ أَوْ حَلَّتْ بِهِ مِنَ الدَّهْرِ بَانِقَةٌ فَقُلْنَا لَا أَبْكِي اللَّهُ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى عَيْنَيْكَ مِنْ آيَةٍ حَادِثَةٍ تَسْتَنْزِفُ دَمْعَتَكَ وَ تَسْتَمْطِرُ عَبْرَتَكَ وَ آيَةٌ حَالَةٍ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا الْمَاتَمَ قَالَ فَرَفَرَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَفْرَةً انْتَفَخَ مِنْهَا جَوْفُهُ وَ اشْتَدَّ عِنْدَهَا خَوْفُهُ وَ قَالَ وَ يَلِكُمْ نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَ هُوَ الْكِتَابُ الْمُسْتَمَلُ عَلَى عِلْمِ الْمَنَائِمَا وَ الْبَلَايَا وَ الرَّزَايَا وَ عِلْمِ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي خَصَّ اللَّهُ بِهِ مُحَمَّدًا وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَأَمَّلْتُ مِنْهُ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَ غَيْبَتَهُ وَ إِنْطَاءَهُ وَ طُولَ عُمُرِهِ وَ بُلُوقَ الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ وَ تَوَلَّدَ الشُّكُوكُ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ وَ ازْتِدَادِ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ وَ خَلْعِهِمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ فَأَحَدْتَنِي الرَّقَّةَ وَ اسْتَمَوْلْتُ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ ... الغيبة للطوسي / 168 و كمال الدين 2 / 352 و بحار الأنوار 51 / 222 و الوافي 2 / 419

وقتی که مولای ما حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ این چنین برای امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ و غیبت ایشان گریه می کنند؛ پس چرا ما آرام و بی خیال نشستیم؟ چرا ما از فراق آن حضرت خون گریه نمی کنیم؟

این ناله ها از امامی است که در آرزوی درک زمان دولت حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«اگر زمان حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ را درک می کردم عمرم را صرف خدمت به او می کردم.»⁽¹⁾

عبد السلام بن صالح هروی گوید: من از دعبل بن علی خزاعی شنیدم که می گفت: بر مولای خود امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ قصیده خود را که چنین آغاز می شود خواندم:

"مدارس آیاتی که از تلاوت تهی شده، و منزل وحیی که عرصه های آن به بیابان های بی آب و علف مبدل شده است."

و چون به این ابیات رسیدم:

"به یقین وقوع قیام امامی که قطعاً خروج کند و به نام خدا همه ی برکات را به خود می آورد حتمی است و در میان ما هر حقی را از باطل جدا می سازد و بر نیکی و بدی جزا می دهد، هر کس عملی نیکو کرد پاداش خیر، و هر که بدی کرد سزای بد به او می دهد."

امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ با شنیدن نام امام دوازدهم به سختی گریستند؛ سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمودند:

«ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است، آیا می دانی این امام کیست؟ و کی قیام خواهد کرد؟»

گفتم: نه ای مولای من! فقط شنیده ام که امامی از شما خروج می کند و زمین را از فساد پاک می سازد و آن را از عدل آکنده می سازد همان گونه که از ستم پر شده باشد. فرمودند:

«ای دعبل! امام پس از من، فرزندانم محمد است و پس از او فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش حجّت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ که قیام می کند و در دوران غیبتش منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و

ص: 145

1- . عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ خَلَادِ بْنِ الصَّفَّارِ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي. غیبت نعمانی / 245

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را آنقدر طولانی فرماید تا خروج کند و زمین را از عدل آکنده سازد همچنان که از جور پر شده باشد. اما کی خواهد بود، این خبر دادن از وقت است و پدرم از پدرانش روایت کنند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم گفتند: ای رسول خدا! قیام کننده از فرزندان شما کی خروج می کند؟ فرمودند: مثل او مثل قیامت است که «لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفِئِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (1).

صقر بن ابی دلف نیز گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«امام پس از من فرزندم علی است، دستور او دستور من و سخن او سخن من و طاعت او طاعت من است و امام پس از او فرزندش حسن است، دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و طاعت او طاعت پدرش باشد، سپس سکوت کردند. گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن کیست؟ پس آن حضرت به شدت گریسته و سپس فرمودند: پس از حسن فرزندش قیام کننده ی به حق، امام منتظر است. گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟ فرمودند: زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدین به امامش مرتد شوند قیام می کند، گفتم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمودند: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و

ص: 146

1- . عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ دَعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخُرَاعِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَقُولُ أَشَدُّتْ مَوْلَايَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى قَصِيَّةَ يَدَيْتِي الَّتِي أَوْلَاهَا مَدَارِسُ آيَاتِ عَفْتٍ مِنْ تِلَاوَةِ *** وَ مَهْطٍ وَ حِيٍّ مُقْفَرِ الْعَرَصَاتِ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى قَوْلِي.... خُرُوجِ الْإِمَامِ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ *** يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ يُمَيِّزُ فِينَا كَلَّ حَقٌّ وَ بَاطِلٌ *** وَ يُجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقِمَاتِ بَكَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ الشَّرِيفِ إِلَيَّ وَ قَالَ يَا خُرَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَا الْبَيِّنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَى يَقُومُ قُلْتُ لَا يَا مَوْلَايَ إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ وَ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ وَ يَمْلَأُهَا عَدْلًا فَقَالَ يَا دَعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدُ ابْنِي وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيُّ وَ بَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَ أَمَا مَتَى فَاخْبَارُ عَنِ الْوَقْتِ وَ قَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ قَالَ مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّئُهَا لَوْفِئِهَا إِلَّا هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً. كفاية الأثر / 275 و كمال الدين 2 / 372

مخلصان در انتظار قیامش باشند و شگاکان انکارش کنند، و منکران یادش را استهزاء کنند، و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند، و شتاب کنندگان ظهورش در غیبت او هلاک شوند، و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.»(1)

مرحوم محدث نوری در کتاب النجم الثاقب می نویسد: «گریه کردن برای امام زمان عَلِيهِ السَّلَامٌ دلایل و اسبابی دارد از جمله غیبت آن بزرگوار، محبت به ایشان و اینکه آن حضرت با وجودی که از همه سزاوارترند، از مقام خلافت و سلطنت به دوراند و حقشان را در دست دیگران می بینند...»(2)

گریه بر امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت وظیفه‌ی هر مؤمن است و این در روایات به صراحت بیان شده است. امیر مؤمنان علی عَلِيهِ السَّلَامٌ فرمودند:

«از رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پرسیدم که تعداد امامان پس از شما چند نفر است؟ فرمودند: نه نفر از فرزندان حسین عَلِيهِ السَّلَامٌ که نهمین ایشان قیام کننده‌ی ایشان است. اهل زمین و آسمان در فراقش محزون شوند و بسیار باشند مؤمنانی که از غیبتش متأسف و حیران شوند.»(3)

و حسن بن محبوب گوید: امام رضا عَلِيهِ السَّلَامٌ به من فرمودند:

«به ناچار فتنه‌ای سخت و هولناک خواهد بود که در آن، هر مرجع و پناهگاه‌هایساقط گردد و آن هنگامی است که شیعیان، سومین(4) از فرزندان مرا از دست بدهند

ص: 147

1- حَدَّثَنَا الصَّقْرِيُّ بْنُ أَبِي دُلْفٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيَّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامَ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ إِنَّ مَنْ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيَ الْقَائِمَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَلِمَ سَمَّيَ الْمُنْتَظَرَ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسَدِّعُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ. كمال الدين 2 / 378 و إعلام الوری / 436 و بحار الأنوار 51/30 و الصراط المستقیم 2 ؛ ص 230 و إثبات الهداة 2 ؛ ص 93 و كفاية الأثر / 283

2- النجم الثاقب 2 / 440

3- عن علي عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: قلت للنبي صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: فكم يكون بعدك؟ قال: تسعة من ولد الحسين عَلِيهِ السَّلَامُ تاسعهم قائمهم يحزن لفقداه أهل الأرض و السماء فكم مؤمن متأسف حيران ... الصراط المستقیم 2 ؛ ص 127

4- سومین نفر از فرزندان امام رضا عَلِيهِ السَّلَامٌ حضرت امام حسن عسکری عَلِيهِ السَّلَامٌ می باشند فلذا، ظاهراً در نقل متن حدیث، اشتباهی رخ داده و باید چهارمین باشد نه سومین. یا اینکه منظور از این قسمت حدیث، شهادت حضرت عسکری عَلِيهِ السَّلَامٌ باشد.

و اهل آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر وی بگریزد. سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد! همو که همانم جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او گریبان و طوق های نور است که از شعاع نور قدس، پرتو گرفته است و هنگام فقدان «آن آب گوارا» بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناک خواهند بود، گویا آنها را در نا امیدترین حالتشان می بینم، ندا می شوند به ندایی که از دور همان گونه شنیده می شود که از نزدیک؛ و آن ندا این است: مهدي عَلَيهِ السَّلَامُ رحمتی بر مؤمنان و عذابی بر کافران است.»(1)

وظیفه هشتم: پرهیز از عجله و شتاب

باید دانست که روزی حکومت عدل و رفاه در روی کره زمین، تشکیل خواهد شد و بساط ظلم و جور به طور کامل برچیده می شود و آن در زمانی اتفاق می افتد که خدا صلاح بداند و تعجیلِ بندگان در اراده ی مقدس او خلل و تاثیری نخواهد داشت؛ لذا شتاب مردم در امر ظهور، یا به نا امیدی ایشان منجر شده، و به خدا اعتراض و اشکال کنند که چرا آن حضرت را ظاهر نمی کند، و یا ایشان را در دام کسانی چون زیدیه خواهد انداخت که با وعده ی ایجاد عدالت و رفاه اجتماعی و اقامه ی دین و امر به معروف و نهی از منکر، دست به قیام زده و هدفی جز رسیدن به مقاصد شخصیه ی خود ندارند.

فضل کاتب می گوید: خدمت امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ بوم که نامه ای از ابومسلم خراسانی(2) برای ایشان رسید. حضرت فرمودند: نامه ی تو جواب ندارد از نزد ما بیرون برو. ما شروع کردیم با هم به نجوا کردن. فرمودند:

«ای فضل! چه سخنی را با هم نجوا می کنید! همانا خدا برای شتابِ بندگان،

ص: 148

1- . عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلَمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجَةِ وَذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كُلُّ حَرِّي وَ حَرَّانَ وَ كُلُّ حَزِينٍ وَ لَهْفَانٍ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَبِي وَ أُمِّي سَجَّيْ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ يَحْزَنُ لِمَوْتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ كَمَنْ مِنْ حَرِّي مُؤْمِنَةٍ وَ كَمَنْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا قَدْ نُوذُوا نِدَاءً يَسَّ مَعُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسَّ مَعُ مَنْ قَرَبَ يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَاباً عَلَى الْكَافِرِينَ. كمال الدين 2 / 370 و عيون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ 7 / 2

2- . ابو مسلم خراسانی در این نامه به امام عَلَيهِ السَّلَامُ وعده داده بود که اگر تمایل داشته باشند، با ایشان بیعت کند و پس از اسقاط حکومت، امر را به ایشان بسپارد.

شتاب نمی کند و از جای برآوردن کوهی آسان تر است از ساقط کردن حکومتی که هنوز عمرش به پایان نرسیده است؛ سپس فرمودند: همانا فلان پسر فلان و همینطور تا هفتمین بنی عباس را شمردند.»

من عرض کردم: قربانت گردم پس چه نشانی میان ما و شماست؟ امام عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای فضل! از جای خود حرکت نکن تا سفیانی خروج کند و هنگامی که سفیانی خروج کرد به سوی ما رو آرید و سه بار این کلام را تکرار کردند و فرمودند: این جریان از نشانه های حتمی (ظهور حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ) است.» (1)

در حدیث دیگر راوی گوید: خدمت امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ از سلاطین بنی عباس سخن به میان آوردیم، حضرت فرمودند:

«مردم به واسطه ی شتابشان برای این امر، هلاک گشتند. (چون برای تشکیل حکومت عدل، عجله داشتند؛ فریب بنی عباس را خورده و ایشان نیز مردم را به نام ما فریب دادند و مردم هم در راه برقراری حکومت آنها جانفشانی ها کردند.» همانا خدا برای شتاب بندگان، شتاب نمی کند، برای این امر، پایانی است که باید به آن برسد، و اگر مردم به آن پایان رسیدند ساعتی پیش و پس نیفتند.» (2)

ابوبصیر نیز از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«چرا به خروج امام قیام کننده، شتاب می کنید؟ به خدا قسم به جز جامه ای درشت بافت، نبوشد و به جز غذای ناگوار، نخورد و به جز شمشیر، در کار نباشد و در سایه ی شمشیر، مرگ است.» (3)

ص: 149

1- . عَنِ الْفَضْلِ الْكَاتِبِ قَالَ: كُنْتُ عِدَّ دَا أَيْ عِبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَاهُ كِتَابُ أَبِي مُسَدِّمٍ فَقَالَ لَيْسَ لِكِتَابِكَ جَوَابٌ أَخْرُجْ عَنَّا فَجَعَلْنَا يُسَارُّ بَعْضُ نَا بَعْضًا فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ تَسَارُّونَ يَا فَضْلُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ لَا يَعَجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ وَلَا زَالَةَ جَبَلٍ عَنْ مَوْضِعِهِ أَيْسَرُ مِنْ زَوَالِ مُلْكٍ لَمْ يَنْقُضِ أَجَلُهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانَ حَتَّى بَلَغَ السَّابِعَ مِنْ وُلْدِ فُلَانَ قُلْتُ فَمَا الْعَلَامَةُ فِيمَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ يَا فَضْلُ حَتَّى يَخْرُجَ السُّفْيَانِيُّ فَإِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَأَجِيبُوا إِلَيْنَا يَقُولُهَا ثَلَاثًا وَهُوَ مِنَ الْمَحْتُمِ. کافی 8/274

2- . عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عِبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذَكَرْنَا عِدَّةَ مُلُوكِ آلِ فُلَانَ فَقَالَ إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعَجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةَ يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا. کافی 1/369

3- . عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَاللَّهِ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الشَّعِيرُ الْجَسْبُ وَمَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ. غيبت نعمانی / 223 و غيبت طوسی / 459

آنچه که در این روایت، درباره ی غذا و طعامِ امامِ عَلَیْهِ السَّلَامُ ذکر شده، فقط مخصوص آنبزرگوار است نه همه ی مردم؛ زیرا در روایات دیگر که در آینده خواهد آمد، یکی از برکات دولت کریمه ی آن حضرت را رفاه عمومی مردم برشمرده اند. و آنچه که درباره ی شمشیر و شهادت ذکر کرده اند، مربوط به دوره ی قیام آن حضرت است که باید با دشمنان عدالت، نبرد کنند؛ ولی چون حکومت آن سرورِ مقدّس، در عالم برپا شد چنان آرامش و صلح و امنیتی جهان را فرا می گیرد که پیش از آن، نظیری نداشته است.

در روایات، ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ مستعجلین را مذمت کرده و ایشان را از هلاکت، انذار داده اند.

حضرت جواد الائمه عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«... پس از حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ فرزندش قیام کننده ی به حق، امام منتظر است.»

راوی گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟ فرمودند:

«(زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدین به امامتش مرتدّ شوند قیام می کند، گفتم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمودند: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدّتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند، و منکران یادش را استهزاء کنند، و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند، و شتاب کنندگان در ظهورش هلاک شوند، و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.»⁽¹⁾

عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می شود؟ فرمودند:

«ای مهزم! آنها که برای اینکار وقتی تعیین کردند دروغ گفتند، و کسانی که در آن،

ص: 150

1- حَدَّثَنَا الصَّمْرُ بْنُ أَبِي دُلْفٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٍّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُ الْحَسَنِ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيَ الْقَائِمَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَلِمَ سَمَّيَ الْمُنْتَظَرَ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنَكِّرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ. كَمَالِ الدِّينِ 2/ 378 و إعلام الوری / 436 و بحار الأنوار 51/30 و الصراط المستقیم 2 ؛ ص 230 و إثبات الهداة 2 ؛ ص 93 و كفاية الأثر /

شتاب کنند هلاک شوند و تنها کسانی نجات یابند که تسلیم ما باشند.»(1) در این باره روایات فراوان دیگری هم هست که بعضی از آنها را در ابواب بعدی ذکر خواهیم کرد. ان شاء الله

وظیفه نهم: تمسک به اصل ولایت و برائت

یکی دیگر از وظایف ما در عصر غیبت، چنگ زدن به ولایت آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و بیزاری از دشمنان ایشان است. زیارت قبور اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اقامه شعائر و مجالس ایشان و لعن به دشمنان این خاندان از مصادیق این تمسک است.

یونس بن عبد الرحمن گوید: بر حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستی؟ فرمودند:

«من قائم به حق هستم؛ ولیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و آن را از عدل و داد آکنده سازد آنچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، پنجمین از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر نفس خود می هراسد. اقوامی در آن غیبت، مرتد شده و اقوامی دیگر در آن، ثابت قدم خواهند بود. سپس فرمودند: خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ی ما متمسک هستند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم می باشند، آنها از ما و ما از آنهایم، آنها از امامت ما خشنود و ما نیز از ایشان به عنوان شیعیان راضی هستیم؛ پس خوشا بر احوال آنها و خوشا بر احوال آنها. به خدا سوگند آنان در روز قیامت هم درجه ی ما هستند.»(2)

ص: 151

1- . عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْزَمٌ فَقَالَ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مِهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَائِدُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ. کافی 1/368

2- . عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزْدَدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُوبَى لِمَنْ يَعْتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالِنَتِنَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شَيْعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. كفاية الأثر/269 و كمال الدين 2/361 و إعلام الوری /433 و إثبات الهداة 5/92

در خبری دیگر حضرت باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَامُ از قول جد اطهرشان صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرموده اند:

«خوشا بر احوال کسی که قیام کننده ی اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد، چنینکسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی ترین امت من خواهد بود.» (1)

و حضرت امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«خدای متعال به کسی که در غیبت حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ بر ولایت ما پایدار باشد، اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را عطا فرماید.» (2)

علامه مجلسی که رحمت خدا بر او باد در کتاب خویش ماجرای را نقل می کند که نشانگر لطف و عنایت حضرت مهدی "اروحنا فداه" به کسانی است که از دشمنان آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بیزاری می جویند. وی می فرماید:

«و از جمله تشرفات، حکایتی است که مشهور است، و در همه جا شایع گردیده و خبر آن به همه جا رسیده است، و مردم این زمان، بالعیان دیده اند، و آن حکایت ابوراجح حمّامی در حله است. حکایت را جماعتی از دانشمندان سرشناس و افاضل با صدق و صفا، نقل کرده اند؛ که از جمله شیخ زاهد عابد، محقق شمس الدین محمد بن قارون سلمه الله تعالی است. وی نقل می کرد که: روزی به حاکم حله که شخصی به نام "مرجان صغیر" بود گزارش دادند که این ابوراجح، دشمنان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، مخصوصاً آن چند ظالم نخستین را سبّ می کند و دشنام می دهد. حاکم هم ابوراجح را احضار نمود و دستور داد او را چندان زدند که تمام بدنش مجروح گشت و بی حال به زمین افتاد و دندان های ثنایایش ریخت. به دستور حاکم، زبان او را درآوردند و سوزنی آهنین در آن فرو بردند و بینش را پاره کردند و ریسمانی که از موی زبر تابیده شده بود در سوراخ آن بردند و ریسمان دیگری به آن بسته و به دست غلامان خود داد که در کوچه و بازار کوفه بگردانند، وقتی او را می گردانیدند، از هر طرف، مردم هجوم آورده و او را می زدند به طوری که بر

ص: 152

- 1- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُهُ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. كمال الدين 1 / 286
- 2- . قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوْلَاتِنَا فِي غَيْبَتِنَا قَائِمَنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شَهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ. كمال الدين 1/323 و إعلام الوری / 428

روی زمین افتاد و مرگ را جلوروی خود دید. چون این خبر را به حاکم دادند، دستور داد تا او را به قتل رسانند. مردمی که اطراف او بودند گفتند: او پیرمرد سالخورده ای است و آنچه باید ببیند، دید و فعلاً مرده ای بیش نیست، او را به همین حال بگذارید تا خود بمیرد و خون او را به گردن نگیرید، مردم چندان در این خصوص اصرار ورزیدند که حاکم دستور داد او را آزاد کنند.

در آن موقع صورت و زبان ابوراجح ورم کرده بود. پس کسان او آمدند، و آن نیمه جان را به خانه اش بردند، و هیچ کس تردید نداشت که همان شب خواهد مرد؛ ولی چون فردا مردم به دیدن او آمدند، دیدند ایستاده نماز می خواند و حالش کاملاً رضایت بخش است. دندان هایش که افتاده بود به حال اول برگشته و جراحات های بدنش به کلی بهبودی یافته و اثری از آن باقی نمانده؛ و زخم صورتش هم زایل گشته است! مردم از مشاهده ی وضع او به شگفت آمدند و ماجرا را از او جويا شدند. ابوراجح گفت: وقتی من مرگ را به چشم دیدم و زبانی نداشتم که خدا را بخوانم، ناچار با زبان دل به دعا پرداختم و آقا و مولای خویش حضرت صاحب الزمان عَلَیْهِ السَّلَامُ را به یاری طلبیدم. هنگام شب، خانه ام نورانی شد و در آن میان، امام عَلَیْهِ السَّلَامُ را دیدم که دست مبارک را روی صورتم کشیده و فرمودند: برخیز و برای نان خورانت کار کن که خداوند تو را شفا داد! چون صبح شد خود را این طور که می بینید مشاهده نمودم.

شمس الدین محمد بن قارون می گفت: به خدا قسم ابوراجح اصولاً مردی ضعیف البنیة، لاغر اندام، زرد رنگ و زشت رو بود و ریش کوتاهی داشت. من همه وقت به حمام او می رفتم و همیشه او را بدین حالت و شکل می دیدم؛ ولی چون آن روز صبح در میان جمعیت به دیدن او رفتم دیدم، قوی پی و خوش قامت شده، محاسنش بلند، رویش سرخ و به صورت جوان بیست ساله ای گشته بود، و تا زنده بود به همین شکل و هیئت ماند. چون این خبر شیوع یافت حاکم او را طلبید. حاکم که روز قبل او را به آن وضع دیده بود و امروز بدین حالت می دید که درست به عکس دیروز بود، رعب عظیمی به دلش راه یافت. حاکم قبلاً در محلی که به نام امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ معروف بود می نشست و پشت خود را به قبله می کرد؛ ولی بعد از این واقعه روی به قبله می نشست و با مردم (حله) با مدارا و نیکی رفتار می کرد! و از تقصیر مجرمین آنها می گذشت و با نیکان آنان نیکی می نمود؛ ولی این کار

هم سودی به حال او نبخشید و بعد از قلیل مدتی، درگذشت.» (1) منتظران امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ! آگاه باشید که لطف آن حضرت با ابوراجح و نجات او نشانه‌ی تأیید عمل آن شیعه با اخلاص است. پس تا زنده اید دست از دوستی با آل الله عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و دشمنی با دشمنانشان بر ندارید که این است راه نجات.

وظیفه دهم: صبر و ثبات قدم

امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند:

«از ما خاندان، دوازده مهدی خواهد بود که اولین آنها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آنها نهمین از فرزندان من است و او امام قیام کننده‌ی به حق است و خدای تعالی زمین را به واسطه او پس از آنکه بمیرد زنده کند و دین حق را به دست او بر همه‌ی ادیان، چیره نماید؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا و ثابت قدم باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند: اگر راست می گوئید این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید کسی که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد مانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاروی رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ مجاهده کرده است.» (2)

جابر جعفی نیز از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«زمانی بر مردم آید که امامشان از نظرها غایب باشد و خوشا به حال کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت قدم بمانند؛ چرا که کمترین ثوابی که برای آنها خواهد بود این است که باری تعالی به آنها ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود، شما را مژده

ص: 154

1- بحار الانوار 52/70

2- . قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلًا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤَدُّونَ وَ يُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَا إِنْ الصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ. عيون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ 1 / 68 و كمال الدين 1/317 و منتخب الأنوار المضيئة 78/ و

كفاية الأثر 232/

می‌دهم، و شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید، از شما می‌پذیرم و از شما در می‌گذرم و برای شما می‌بخشم و به واسطه‌ی شما باران بر بندگانم می‌بارم و بلا را از آنها بگردانم، و اگر شما نبودید بر آنها عذاب می‌فرستادم. جابر گوید: گفتم: یا ابرسول الله! برترین عملی که در آن زمان، مؤمن انجام می‌دهد چیست؟ فرمودند: حفظ زبان و خانه نشینی. (1)

ابن عباس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمودند:

«علی بن ابی طالب پس از من، امام امت و خلیفه من بر آنها خواهد بود و قیام کننده‌ی منتظری که زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد از فرزندان اوست و قسم به خدایی که مرا بشیر و نذیر مبعوث فرمود! کسانی که در دوران غیبتش بر اعتقاد به او ثابت قدم باشند از کبریت احمر کمیاب ترند.

آنگاه جابر بن عبدالله انصاری برخاست و پیش آمد و گفت: آیا قائمی که از فرزندان شماست غیبت دارد؟ فرمودند:

«به خدا چنین است تا در آن غیبت، مؤمنان باز شناخته شده و کافران نابود شوند، ای جابر! این امر از امور الهی و سرّی از اسرار ربوبی و مستور از بندگان خداست، مبادا در آن شک کنی که شک در امر خدای تعالی کفر است.» (2)

امام عزیزتر از جان، حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام نیز فرموده اند:

ص: 155

1- . عن جابر عن الباقر عليه السلام قال: يأتي على الناس زمان يغيب عنهم إمامهم فطوبى للثابتين على أمرنا في ذلك الزمان إن أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم الباري عز وجل عبادي آمنتم بربّي وصدقتكم بغيبّي فأبشروا بحسن الثواب مني أنتم عبادي وإماني حقاً منكم أتقبل و عنكم أعفو و بكم أسقي عبدي الغيث و أذفع عنكم البلاء و لولاكم لأنزلت عليهم عذابي قال جابر فقلت يا ابن رسول الله فما أفضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان قال حفظ اللسان و لزوم البيت. كمال الدين 1/330 و بحار 52/145

2- . عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم إن علي بن أبي طالب عليه السلام إمام أمّتي و خليفتي عليها من بعدي و من وّله القائم المنتظر الذي يملأ الله به الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً و الذي بعثني بالحق بشيراً إن الثابتين على القول به في زمان غيبته لا عز من الكبريت الأحمر فقام إليه جابر بن عبد الله الأنصاري فقال يا رسول الله و للقائم من وّلك غيبة قال إي و ربّي و ليحص الله الذين آمنوا و يمحق الكافرين يا جابر إن هذا الأمر أمر من أمر الله و سر من سرّ الله مطوي عن عباده فإياك و الشك فيه فإن الشك في أمر الله عز و جل كفر. كمال الدين 1/287 و إعلام الوری / 424 بحار الأنوار 38/126

«وَهَ كِه چِه نيكوست صبر و انتظار فرج! آيا سخن خداى تعالى را نشنيدى كه فرمود: چشم به راه باشيد كه من نيز با شما چشم به راهم؟ و فرمود: منتظر باشيد كه من نيز با شما از منتظرانم.؟ پس بر شما باد كه صبر كنيد كه فرج، پس از ياسمى آيد و پيشينيان شما از شما صابتر بودند.» (1)

جندل بن جنادة بن جبير يهودى بر پيامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وارد شد و پس از آنكه مسلمان شد - در حديثى طولانى - گفت: يا رسول الله! از جانشينان پس از خود مرا آگاه كن تا بدیشان توَسَّل جويم. پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«جانشينان من دوازده تن هستند... نخستين آنها سرور اوصيا و پدر امامان، على است، سپس دو فرزند او حسن و حسين، پس بدیشان توَسَّل جوى و نادانى نادانان تو را نفرديد، پس هر گاه على بن الحسين زين العابدين زاده شود خداوند جان تو بگيرد و آخرين توشه تو از دنيا جرعه اى شير است كه آن را مى آشامى.»

جندل گفت: ما در تورات و كتب انبيا، ايليا و شبر و شبير ديده ايم، پس اينها اسامى على، حسن و حسين هستند. پس از حسين چه كسانى هستند و نام آنها چيست؟ پيامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمودند:

«چون دوران حسين سپرى شود فرزند او على، امام است كه به زين العابدين ملقب است، پس از او پسرش محمد مى آيد كه به باقر ملقب است و پس از او پسرش جعفر كه صادق خوانده مى شود، پس از او پسرش موسى است كه كاظم خوانده مى شود، پس از او پسرش على است كه رضا خوانده مى شود، پس از او پسرش محمد است كه تقى و زكى خوانده مى شود و پس از او پسرش على است كه تقى و هادى خوانده مى شود و پس از او پسرش حسن است كه عسكرى خوانده مى شود و پس از او پسرش محمد است كه مهدى خوانده مى شود و قيام كننده و حجت است و غايب مى شود و سپس خروج مى كند، پس هر گاه خروج كند زمين را از عدل و داد پر كند چنان كه از ظلم و ستم آكنده است، خوشا به حال صابران

ص: 156

1- . عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ.

كمال الدين 2 / 645

در دوران غیبت او و خوشا به حال کسانی که دل به محبت آنها بسته اند، اینها همان کسانی هستند که خداوند آنها را در کتابش توصیف کرده و فرموده است: کسانی که به غیب ایمان دارند؛ سپس فرموده است: «ایشان حزب خدایند، هان! حزب خدا، همان رستگاران اند» (1)

یکی از راه های ثبات قدم در ایام غیبت، تقویت ایمان و عقیده است. راوی گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«فرزندم، قائم پس از من است و او همان کسی است که سنت های انبیاء علیهم السلام از طول عمر و غیبت در او جاری است تا جایی که دل ها به واسطه ی طول مدت غیبت، دچار قساوت گردد و جز کسی که خدای تعالی ایمان را در دلش نقش کرده و وی را با روحی از جانب خود مؤید ساخته است؛ در عقیده به امامت او ثابت نماند.» (2)

راه دیگر برای تحصیل ثبات قدم، اخلاص است.

مسعده نقل می کند که خدمت مولایم امام صادق علیه السلام بودم، ناگاه پیرمردی مسن که قامتش کمان شده بود در حالی که بر عصائی تکیه داده بود وارد شد؛ سپس بر آن حضرت

ص: 157

1- . جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: دَخَلَ جَنْدَلُ بْنُ جُنَادَةَ بْنِ جُبَيْرِ الْيَهُودِيِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَ - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: أَخْبَرَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ أَوْصِيَائِكَ مِنْ بَعْدِكَ لَا تَمَسُّكَ بِهِمْ. قَالَ: أَوْصِيَائِي الْإِثْنَا عَشَرَ. قَالَ جَنْدَلٌ: هَكَذَا وَجَدْنَاهُمْ فِي التَّوْرَةِ، وَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمِّهِمْ لِي. فَقَالَ: أَوْلَهُمْ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ أَبُو الْأَيْمَةِ عَلِيُّ، ثُمَّ ابْنَاهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، فَاسْتَمْسِكْ بِهِمْ وَلَا يَغْرَبَنَّكَ جَهْلُ الْجَاهِلِينَ، فَإِذَا وُلِدَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ يَقْضِي اللَّهُ عَلَيْكَ، وَيَكُونُ آخِرُ زَادِكَ مِنَ الدُّنْيَا شَرِبَةَ لَبَنٍ تَشْرَبُهُ. فَقَالَ جَنْدَلٌ: وَجَدْنَا فِي التَّوْرَةِ وَفِي كُتُبِ الْأَنْبِيَاءِ: إِيلِيَا وَشَبْرًا وَشَبِيرًا، فَهَذِهِ أَسْمَاءُ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَمَنْ بَعَدَ الْحُسَيْنِ، وَمَا أَسَامِيهِمْ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: إِذَا انْقَضَتْ مُدَّةُ الْحَسَنِ فَإِلَامًا ابْنُهُ عَلِيُّ وَيُلَقَّبُ بِزَيْنِ الْعَابِدِينَ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يُلَقَّبُ بِالْبَاقِرِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ جَعْفَرٌ يُدْعَى بِالصَّادِقِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُوسَى يُدْعَى بِالْكَاطِمِ، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ عَلِيُّ يُدْعَى بِالرِّضَا، فَبَعْدَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ يُدْعَى بِالْمَهْدِيِّ وَالْقَائِمِ وَالْحُجَّةِ، فَيَغِيبُ ثُمَّ يَخْرُجُ، فَإِذَا خَرَجَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ، طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ، أَوْلِيكَ الَّذِينَ وَصَّاهُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَقَالَ: الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ تَعَالَى أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. كفاية الاثر / 57 و البرهان 4 / 90 و بحار الأنوار 36 / 304

2- . الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ الْبَرَّازِ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سَنُّ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتَّعْمِيرِ وَ الْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبُ لِطُولِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ آيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ. كمال الدين 2/524

سلام کرد و امام علیه السلام جواب سلامش را دادند. پیرمرد عرض کرد: ای پسر رسول خدا! دستت را بده تا ببوسم. پس دست حضرت را بوسید داد و بعد از آن گریه کرد. حضرت صادق علیه السلام از او پرسیدند: پیرمرد! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: قربانتان شوم! صبر کرده ام و صد سال است که انتظار قائم شما را دارم، همی گویم در این ماه و آن ماه و اینسال و آن سال! همانا عمر من زیاده شده و استخوانم کوبیده، مرگم نزدیک است و در میان شما نمی بینم آنچه را که دوست دارم. می بینم شما را کشته شده و دور از وطن؛ ولی دشمنانتان را می بینم که در آسمان ها پرواز می کنند! چرا گریه نکنم؟

پس دیدگان حضرت صادق سلام الله علیه اشک آلود شد و فرمودند:

«ای پیرمرد! اگر خدا تو را باقی بگذارد و قیام کننده ی ما ببینی، تو را مقام و درجه ی بلندی خواهد بود و اگر مرگ تو فرارسد و آن حضرت را نبینی، روز قیامت با گوهر گرانبهای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهی بود که فرمودند: من دو گوهر گرانبها در میان شما می گذارم اگر چنگ به آن دو بزنی هرگز گمراه نمی شوی؛ آن دو کتاب خدا و اهل بیت من اند.»

پیرمرد گفت: در این هنگام با شنیدن این سخن شما (از مرگ) باکی ندارم. بعد پرسید: آقای من! بعضی از شما ائمه از بعضی دیگر برترید؟ حضرت فرمودند:

«نه! ما همه در فضل و برتری یکسانیم؛ ولی بعضی از ما علمشان از بعضی دیگر بیشتر است. بعد فرمودند: ای پیرمرد! بدان که شیعیان ما در زمان غیبت، در فتنه و حیرت، واقع می شوند و در این هنگام، مخلصین، در هدایت پا برجا می مانند. پس دعا کرده و فرمودند: بار الها شیعیان را در این امتحان و آزمایش کمک فرما.» (1)

ص: 158

1- . عَنْ مَسْعَدَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَتَاهُ شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ انْحَنَى مُتَّكِئًا عَلَى عَصَاهُ فَسَلَّمَ فَرَدَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجَوَابَ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ نَاولني يَدَكَ أَقبَلُهَا فَأَعْطَاهُ يَدَهُ فَقَبَّلَهَا ثُمَّ بَكَى فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يُبْكِيكَ يَا شَيْخُ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَقَمْتُ عَلَى قَائِمِكُمْ مُذْ مِائَةِ سَنَةٍ أَقُولُ هَذَا الشَّهْرَ وَهَذِهِ السَّنَةُ وَقَدْ كَبُرَتْ سِنِّي وَدَقَّ عَظْمِي وَاقْتَرَبَ أَجْلِي وَلَا أَرَى مَا أَحِبُّ أَرَاكُمْ مَعْتَلِينَ [مُقْتَلِينَ] مُشْرَدِينَ وَأَرَى عِدْوَكُمْ يَطِيرُونَ بِالْأَجْنِحَةِ فَكَيْفَ لَا أَبْكِي فَدَمَعَتْ عَيْنَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ يَا شَيْخُ إِنْ أَبْقَاكَ اللَّهُ حَتَّى تَرَى قَائِمَنَا كُنْتَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى وَإِنْ حَلَّتْ بِكَ الْمَنِيَّةُ حِينَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَعَ ثَقَلٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ نَقَلُهُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَقَالَ الشَّيْخُ لَا أَبَالِي بَعْدَ مَا سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ قَالَ يَا شَيْخُ إِنْ قَائِمَنَا يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ الْحَسَنِ وَالْحَسَنِ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدٌ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِ ابْنِي هَذَا وَأَشَارَ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهَذَا خَرَجَ مِنْ صُلْبِي نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ كُلُّنَا مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ فَقَالَ الشَّيْخُ يَا سَيِّدِي بَعْضُكُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ قَالَ لَا نَحْنُ فِي الْفَضْلِ سَوَاءٌ وَلَكِنْ بَعْضُنَا أَعْلَمُ مِنْ بَعْضٍ ثُمَّ قَالَ يَا شَيْخُ وَاللَّهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ الْآلِ وَإِنَّ شَيْعَتَنَا يَمْعُونَ فِي فِتْنَةٍ وَحَيْرَةٍ فِي غَيْبَتِهِ هُنَاكَ يُثْبِتُ عَلَى هُدَاهِ الْمُخْلِصِينَ اللَّهُمَّ أَعْنَهُمْ عَلَى ذَلِكَ. كفاية الأثر / 264 وإرشاد القلوب / 2 / 405

وظیفه یازدهم: پیشگیری از قساوت قلب

عبد العظیم حسنی از امام جواد از آباء بزرگوارشان از امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ چنین روایت کند که فرمودند: «برای قائم ما غیبتی است که مدّتش طولانی است. گویا شیعیان را در دوران غیبت او می بینم که مانند جولان دادن چهارپایان که به دنبال چراگاه می گردند اما آن را نمی یابند، پراکنده می شوند. بدانید هرکه در آن دوران در دینش استوار باشد و قلبش به واسطه ی طول غیبت امامش دچار قساوت نشود در روز قیامت، هم درجه ی من است؛ سپس فرمودند: هنگامی که قیام کننده ی ما قیام کند بیعت احدی بر گردن او نیست و به این دلیل است که ولادتش پنهان است و شخص او غایب می شود.» (1)

امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز فرموده اند:

«فرزندم، قائم پس از من است و او همان کسی است که سنت های انبیاء عَلَیْهِمُ السَّلَامُ از طول عمر و غیبت در او جاری است تا جایی که دل ها به واسطه ی طول مدّت غیبت، دچار قساوت گردد و جز کسی که خدای تعالی ایمان را در دلش نقش کرده و وی را با روحی از جانب خود مؤید ساخته است؛ در عقیده به امامت او ثابت نماند.» (2)

و همچنین مردی از اصحاب حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ گوید: شنیدم که آن حضرت می فرمودند:

«این آیه در سوره حدید که می فرماید: "مانند کسانی نباشید که پیش از این به آنان کتاب داده شد و روزگار طولانی بر آنان گذشت پس دلهایشان سخت شد و

ص: 159

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةٌ أَمَدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشُّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعْمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ إِلَّا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لِطَوْلِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَ لَادُنُهُ وَ يَغِيبُ شَخْصُهُ. كمال الدين 303/ 1

2- . الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ الْبَرَّازِ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالتَّعْمِيرِ وَ الْعَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُو الْقُلُوبُ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ. كمال الدين 2/524 و الخرائج و الجرائح 964/ 2

بسیاری از آنان از ایمان دست برداشته و خارج شدند" درباره ی مردم زمان غیبت نازل شده است؛... و منظور از روزگار طولانی، روزگار غیبت است. (1)

وظیفه دوازدهم: شرکت نکردن در هرگونه جهاد ابتدایی و یا قیام مسلحانه

اشاره

شرکت نکردن در هرگونه جهاد ابتدایی و یا قیام مسلحانه (2)

یکی از مهمترین وظایفی که در دوران پیش از ظهور و حتی در زمان ائمه ی پس از امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ به بعد بسیار مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، عدم شرکت در قیام های حق طلبانه و مشارکت نکردن در هرگونه جهاد ابتدایی بر علیه ظالمان و مستکبران است. البته ناگفته پیداست که جهاد دفاعی، چه دفاع از وطن باشد و چه دفاع از حرم، نه تنها ممنوع نیست؛ بلکه از ضروریات عقلی و واجبات شرعی می باشد. از آن رو که ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ می دانسته اند که عده ای چون زیدیه همواره با سوء استفاده از علایق دینی شیعیان، در صدد قیام و جهاد با دستگاه حکومت هستند، ایشان را از این قبیل حرکات، منع کرده و در عوض، از ایشان خواسته اند تا منتظر ظهور امام صاحب السیف عَلَیْهِ السَّلَامُ بمانند. آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ این منع را با الفاظ و تعابیر گوناگونی بیان کرده اند که به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد.

ص: 160

1- . أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمِشْمِيُّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ الَّتِي فِي سُورَةِ الْحَدِيدِ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ فِي أَهْلِ زَمَانِ الْغَيْبَةِ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَقَالَ إِنَّمَا الْأَمَدُ الْأَمَدُ الْغَيْبَةِ. غیبت نعمانی 24/

2- . بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، جهاد ابتدایی سه شرط دارد: 1. حضور معصوم: بنابر این شرط، در صورت عدم حضور معصوم، مانند زمان غیبت، جهاد ابتدایی جایز نیست... 2. قدرت کافی مسلمانان برای آغاز جهاد. 3. دعوت کفار به اسلام و اتمام حجت با آنها، پیش از آغاز جنگ « عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 3، 1377 ش، ص 139. » فقیهان بزرگی چون شیخ طوسی در کتاب النهایه، قاضی ابن براج در کتاب المهدب، ابن ادریس در کتاب السرائر، محقق حلی در کتاب الشرایع و کتاب المختصر النافع، علامه حلی در کتاب الرساله الفخریه، شهید اول در کتاب لمعه، شهید ثانی در کتاب روضه و صاحب جواهر در کتاب جواهر الکلام، حضور امام معصوم و یا نائب خاص او و اجازه وی، شرط انجام جهاد ابتدایی است. رهبر فقید انقلاب اسلامی نیز جهاد ابتدایی را از اختیارات فقیه ندانسته و آن را منوط به حضور و اذن امام معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ می دانند. «فی عصر غیبة ولیّ الأمر و سلطان العصر - عَجَلُ اللَّهِ فرجه - یقوم نوابه العامة؛ وهم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوى والقضاء، مقامه فی إجراء السياسات و سائر ما للإمام عَلَیْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْبَدْءَ بِالْجِهَادِ. تحریر الوسیله ج 1 ص 459. » با این حال عده ی کمی از فقهای شیعه مانند شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، و سلار دیلمی، و از معاصرین، سید ابوالقاسم خویی و شیخ محمد مومن حضور امام معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ را شرط جهاد ابتدایی ندانسته لذا از این رو انجام آن را در زمان غیبت جایز می شمردند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی فرمودند:

«... برهه ای از زمان بر مردم آید که پادشاهان، بعد از من و بعد از ایشان، دین خدا را تغییر دهند و کلام خدا را تحریف نمایند و دوستان خدا را بکشند، دشمنان خدا را عزیز دارند، بدعت ها فراوان شود، و سنت پیامبر کهنه گردد؛ تا آنگاه که زمین پر از ظلم و بیدادگری شود؛ پس خداوند به واسطه ی ما اهل بیت همه بلاها را از کسانی که خدا را در گرفتاری و سختی خوانده اند بر طرف کند تا اینکه زمین، پر از داد و دادگری شود آنچنان که پر از ظلم و ستم شده بود. آگاه باشید رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با من پیمان بسته اند که پس از سی سال از وفات او و بعد از آشکار شدن آشوب ها و اختلاف امت درباره ی من، و بیرون آمدن ایشان از دین خدای عزوجل، خلافت به من بر می گردد و مرا فرمان داده تا به جنگ ناکثین و مارقین و قاسطین بخیزم و هر کسی از شما که آن زمان را دریابد و در وقت آن جنگ ها باشد و بخواهد بهره ای جهاد ببرد باید آماده باشد. به خدا سوگند که آن جهادِ خالصِ واقعی است که کتاب خدا و سنت رسولش برای ما برگزیده است. خدای شما را رحمت کند، شما تا زمان ظهور دولت ما، از آنان باشید که خانه نشین هستند؛ پس هر کسی از شما که در این حال بمیرد از مظلومان و ستمدیدگان می باشد و هر کسی از شما زنده باشد (و دولت ما را ببیند) دریابد آنچه را که مایه ی چشم روشنی اوست ان شاء الله تعالی.» (1)

ابو بصیر هم روایت می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«موقعی که سلمان رضی الله عنه وارد کوفه شد و به آن شهر نظر افکند، مصیبت های کوفه را که بعدها پدید می آمد را برای مردم بیان کرد و حتی (فجایع)

ص: 161

1- قال امیر المؤمنین علیه السلام: ... فَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ بُرْهَةٌ مِنْ دَهْرِكُمْ مُلُوكٌ بَعْدِي وَ بَعْدَ هَؤُلَاءِ يَعْبُرُونَ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ يُحَرِّفُونَ كَلَامَهُ، وَ يَقْتُلُونَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، وَ يُعْزُونَ أَعْدَاءَ اللَّهِ، وَ بِهِمْ تَكْثُرُ الْبِدْعُ، وَ تَدْرُسُ السُّنَنُ، حَتَّى تُمَلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ عَدْوَانًا وَ بِدْعًا، ثُمَّ يَكْشِفُ اللَّهُ بَنَاءَ أَهْلِ الْبَيْتِ جَمِيعَ الْبَلَايَا عَنْ أَهْلِ دَعْوَةِ اللَّهِ بَعْدَ سِدَّةٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْعَظِيمِ حَتَّى تُمَلَأَ الْأَرْضُ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، أَلَا وَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّ الْأَمْرَ صَائِرٌ إِلَيَّ بَعْدَ الثَّلَاثِينَ مِنْ وَفَاتِهِ وَ ظُهُورِ الْفِتَنِ، وَ اخْتِلَافِ الْأُمَّةِ عَلَيَّ، وَ مُرُوقِهِمْ مِنْ دِينِ اللَّهِ، وَ أَمْرِنِي بِقِتَالِ النَّكَثِيِّينَ وَ الْمَارْقِيِّينَ وَ الْقَاسِيَةِ طَيْبِينَ، فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ ذَلِكَ الرَّمَانَ وَ تِلْكَ الْأُمُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ بِحَظِّهِ مِنَ الْجِهَادِ مَعِيَ فَلْيَفْعَلْ، فَإِنَّهُ وَ اللَّهُ الْجِهَادُ الصَّافِي، صَفَاهُ لَنَا كِتَابُ اللَّهِ وَ سُنَّةُ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَكُونُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَحْسَنِ بَيُوتِكُمْ إِلَى أَوَانِ ظُهُورِ أَمْرِنَا، فَمَنْ مَاتَ مِنْكُمْ كَانَ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، وَ مَنْ عَاشَ مِنْكُمْ أَدْرَكَ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. ارشاد القلوب 2/314 و بحار الأنوار 30/79

سلطنت بنی امیه و خلفای بعد از آنها را نیز ذکر نمود و آنگاه گفت: چون کار به اینجا کشید ملازم گلیم های خانه های خود باشید تا وقتی که حضرت پاک نهاد، پسر پاکزاد پاکیزه سرشت که غیبت می کند و از وطن و بستگانش دور مانده و رانده شده است، آشکار شود. «(1) و حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ در ضمن کلامی بس طولانی فرموده اند:

«... به خدا قسم! اگر نبود اینکه عجله می کردید و حق به تأخیر می افتاد، به شما خبر می دادم که در جوانان عرب و غیر عرب چه رخ خواهد داد... مانند گلیم، ملازم خانه ها باشید و عجول و فاش کننده اسرار نباشید. از اهل حق باشید تا به آن شناخته شوید و طبق آن یکدیگر را بشناسید...» (2)

جناب نعمانی نیز به واسطه ی ابوبصیر از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرموده اند:

«پدرم امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ به من فرمودند: ناگزیر آتشی از ناحیه ی آذربایجان زیانه خواهد کشید که هیچ چیز در مقابلش نتواند ایستاد، چون چنین شود خانه نشین باشید (بی طرف بمانید) و تا آنگاه که ما در خانه نشسته ایم شما نیز خانه نشین باشید و چون کسی که از طرف ما حرکت می کند (یعنی امام زمان عَلِيهِ السَّلَامُ) فعالیت خود را آغاز کرد، (به هر نحو ممکن) به سوی او بشتابید اگر چه بر دست و زانو. به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام، به فرمانی جدید از مردم بیعت می گیرد، فرمانی که بر عرب، سخت گران است، و پدرم فرمودند: وای بر سرکشان عرب از شری که روی نموده است.» (3)

ص: 162

1- . عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا دَخَلَ سَلْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الْكُوفَةَ وَنَظَرَ إِلَيْهَا ذَكَرَ مَا يَكُونُ مِنْ بِلَانِهَا حَتَّى ذَكَرَ مُلْكَ بَنِي أُمَيَّةَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ثُمَّ قَالَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالزُّمُوا أَحْلَاسَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى يَظْهَرَ الظَّاهِرُ بِنِ الظَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ ذُو الْغَيْبَةِ الشَّرِيدِ الطَّرِيدِ. غيبت طوسی / 163

2- . قَالَ اميرالمؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لَوْ لَا أَنْ تَسَّ تَعَجَّلُوا وَ يَتَأَخَّرَ الْحَقُّ لِنَبَاتِكُمْ بِمَا يَكُونُ فِي شَبَابِ الْعَرَبِ وَالْمَوَالِي فَلَا تَسْأَلُوا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْعِلْمَ قَبْلَ إِبَانِهِ وَلَا تَسْأَلُوهُمْ الْمَالَ عَلَى الْعُسْرِ فَتُبْحَلُوهُمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْهُمْ الْبُخْلُ وَ كُونُوا أَحْلَاسَ الْبُيُوتِ وَ لَا تَكُونُوا عُجَلًا بَدْرًا، [وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ تُعْرَفُوا بِهِ وَ تَتَعَارَفُوا عَلَيْهِ. كتاب سليم 716/2 و بحار الأنوار 263/34

3- . عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّهُ قَالَ لِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذْرِبَيْجَانٍ لَا يُقَوْمُ لَهَا شَيْءٌ وَ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَحْلَاسَ بِيُوتِكُمْ وَ أَلِيْدُوا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَوًّا وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابِ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَقَالَ وَيْلٌ لَطُغَاةِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ. غيبت نعمانی / 194

ابوالمرهف نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«محاضر (اسبان تندرو در مسابقه) هلاک شدند»

گوید: عرض کردم: محاضر چیست؟ فرمودند:

«همان شتابجویان اند (که خواستار شتاب و زودتر فرارسیدن امر خدا از موعد مقرر آن شدند). و مقربون (کسانی که قائل اند فرج نزدیک است) نجات یافتند، و قلعه بر پی ها و میخ هایش استوار است، چون گلیم های خانه های خود باشید (فَعَالِيَتِهَاي سِياسی نکنید و بی طرف بمانید) که غبار فتنه به زیان کسی است که آنرا برانگیزد، هیچ گاه آنان (دشمنان) برای شما گرفتاری و مصیبتی تدارک نمی بینند مگر اینکه خداوند، مشغولیتی برای آنان پیش می آورد، مگر کسی که خود متعرض ایشان شود و خود، خویشان را دم تیغ آنان دهد» (1).

حضرمی که از یاران حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ است گوید: من و ابان بر آقایمان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شدیم و این مقارن با زمانی بود که پرچم های سیاه در خراسان ظهور کرده بودند، عرض کردیم: نظر شما چیست؟ آن حضرت فرمودند:

«در خانه های خود بنشینید، هر گاه دیدید ما بر گرد مردی جمع شدیم شما نیز با سلاح به یاری ما برخیزید» (2).

در خبر دیگر، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«زبانهایتان را نگاه دارید و در خانه های خود بنشینید که هرگز کاری که مخصوص شما باشد دامنگیرتان نشود؛ بلکه همگانی باشد و همواره زبیده سپر بالای شما باشند» (3).

ابوجارود از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که به آن حضرت عرض کردم: مرا دستوری فرماید؛ پس فرمودند:

ص: 163

1- . عَنْ أَبِي الْمُرْهَفِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلَكَتِ الْمَحَاضِرُ بِيْرُ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْمَحَاضِرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ وَ ثَبَتَ الْحِصْنُ عَلَى أُوْتَادِهَا كُونُوا أَحْلَاسَ بِيُوتِكُمْ فَإِنَّ الْعَبْرَةَ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا وَ إِنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَكُمْ بِجَائِحَةٍ إِلَّا أَنَاهُمْ اللَّهُ بِشَاغِلٍ إِلَّا مَنْ تَعَرَّضَ لَهُمْ.

غیبت نعمانی / 196

2- . عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضَرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبَانُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ بِخُرَاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بِيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ. غیبت نعمانی / 197

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُّوا بِيُوتَكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تُخْصُونَ بِهِ أَبَدًا وَ يُصِيبُ الْعَامَّةَ وَ لَا تَزَالُ الزَّيْدِيَّةُ وَفَاءً لَكُمْ أَبَدًا. غیبت نعمانی / 197

«تورا به پرهیزگاری سفارش می کنم و نیز به اینکه خانه نشین باشی و در گردهمایی و جمع این مردم شرکت و فعالیت نکنی، و از آنان که از ما خاندان خروج می کنند دور باش که آنان چیزی به دست ندارند و به چیزی هم نائل نمی شوند، بدان که بنی امیه را حکومتی است که مردم توان بازستاندنش را ندارند و برای اهل حق، دولتی است که چون فرارسد خداوند زمامش را به هر کسی از ما خاندان بخواهد می سپارد، پس هر که از شما آن را دریافت، نزد ما در مقام بلند خواهد بود و اگر پیش از آن دولت، وفات یافته باشد؛ خداوند برایش نیکی خواسته است. بدان که هیچ گروهی برای برطرف ساختن ستم یا عزت بخشیدن دین، قیام نمی کنند؛ مگر اینکه مرگ و گرفتاری دامنگیرشانمی شود، و هیچ قومی برای دفع ظلم و عزت دین قیام نکنند، مگر اینکه بلا آنها را خواهد کشت، تا اینکه جمعیتی به پا خیزند که با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در بدر بوده اند که کشتگانشان به خاک سپرده نشود و به خاک افتادگانشان از زمین برداشته نشود و زخمیانشان مداوا نگردد، عرض کردم: آنان کیانند؟ فرمودند: فرشتگان» (1).

جابر جعفی هم از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«زمانی بر مردم آید که امامشان غایب باشد و خوشا بر کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند، کمترین ثوابی که برای آنها خواهد بود این است که باری تعالی به آنها ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید؛ پس به ثواب نیکوی خود شما را مژده می دهم، و شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید، از شما می پذیرم و از شما در می گذرم و برای شما می بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آنها بگردانم، و اگر شما نبودید بر آنها عذاب می فرستادم جابر گوید گفتم: یا ابن رسول الله! برترین عملی که در آن زمان مؤمن انجام می دهد چیست؟ فرمودند: حفظ زبان و خانه نشینی» (2).

ص: 164

1- . عن ابي جازود عن ابي جعفر عليه السلام قال: قلت له عليه السلام اوصني بني فقال اوصيك بتقوى الله و ان تلزم بيتك و تقعدي في دهماء هؤلاء الناس و اياك و الخوارج مما فاتهم ليسوا على شيء و لا الى شيء و اعلم ان لبيبي امة ملكا لا يسد تطيع الناس ان تردعه و ان لاهل الحق دولة اذا جاءت و لاها الله لمن يشاء مما اهل البيت فمن اذركها منكم كان عندنا في السنام الاعلى و ان قبضه الله قبل ذلك خار له و اعلم انه لا تقوم عصاة تدفع ضيما او تعز دينا الا صرعتهم المنيّة و البليّة حتى تقوم عصاة شهدوا بدرا مع رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لا يوارى قتيلهم و يرفع صريعهم و لا يداوى جريحهم قلت من هم قال الملايكة. غيبت نعماني /194

2- . عن جابر عن ابي جعفر الباقر عليه السلام انه قال: ياتي على الناس زمان يغيب عنهم امامهم فيا طوبى للثابتين على امرنا في ذلك الزمان ان اذنى ما يكون لهم من الثواب ان يناديهم البارئ جل جلاله فيقول عبادي و اماني امنتم بسري و صدقتم بعيني فابشروا بحسن الثواب مني فانتم عبادي و اماني حقا منكم اتقبل و عنكم اغمو و لكم اغفر و بكم اسقي عبادي الغيث و ادفع عنهم البلاء و لولاكم لانزلت عليهم عذابي قال جابر فقلت يا ابن رسول الله فما افضل ما يستعمله المؤمن في ذلك الزمان قال حفظ اللسان و لزوم البيت. كمال الدين 1

330/ و بحار الانوار 145/52

سدیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که فرمودند:

«ای سدیر! ملازم خانه ات باش و چون پلاسی از پلاس های خانه که روی زمین انداخته اند باش (یعنی از خانه بیرون مرو و در حرکتی شرکت مکن) و تا شب و روز، آرامش دارند تو هم آرام و ساکت باش، و چون به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرده (بی درنگ) به سوی ما کوچ کن اگر چه پای پیاده باشی.»

عرض کردم: قربانت گردم! آیا پیش از آن، خبری هست؟ فرمودند:

«آری! و با سه انگشت مبارک، به طرف شام اشاره کرده و فرمودند: در آنجا سه پرچم برافراشته می شود: یک پرچم حسنی و یک پرچم اموی، و پرچم سوم، قیسیاست. در اثنای آن گیر و دار سفیانی خروج می کند و طوری آنها را درو می کند که تا آن روز، نظیر آن را ندیده باشی.» (1)

و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«هیچ بنده ای نیست که خود را برای خدا محبوس کند (در هیچ حرکتی شرکت نکند) مگر آنکه خدا او را وارد بهشت خواهد کرد.» (2)

آثار خانه نشینی

در بعضی از احادیث ائمه اطهار عَلَيْهِم السَّلَامُ به آثار داخل نشدن در اجتماعات این چنینی پرداخته شده و به عنوان مثال حفص بن غیاث از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند که آن حضرت فرمودند:

«اگر می توانید، کاری کنید که شناخته نشوید و معروف نگردید! باکی بر تو نیست (یا چه می شود بر تو) اگر مردم مدح و ثنای تو را نگویند، و باکی بر تو نیست (یا چه می شود بر تو) اگر مورد نکوهش مردم باشی در صورتی که در پیشگاه خدای تبارک

ص: 165

1- عَنْ سَدِيرٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا سَدِيرُ الزَّمِ بَيْتَكَ وَكُنْ جَلَسًا مِنْ أَحْلَاسِهِ وَاسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَ لَوْ عَلَى رَجْلِكَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ هَلْ قَبْلَ ذَلِكَ شَيْءٌ قَالَ نَعَمْ وَأَشَارَ بِيَدِهِ بِثَلَاثِ أَصَابِعِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ ثَلَاثُ رَايَاتٍ رَايَةٌ حَسَنِيَّةٌ وَ رَايَةٌ أُمَوِيَّةٌ وَ رَايَةٌ قَيْسِيَّةٌ فَبَيْنَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ إِذْ قَدْ خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ فَيَحْصُدُهُمْ حَصْدَ الزَّرْعِ مَا رَأَيْتَ مِثْلَهُ قَطُّ. بحار الأنوار 270 / 52 و کافی 264 / 8

2- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا كَانَ عَبْدٌ لِيَحْسِبَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. وسائل الشيعة 15/54 و أمالي مفيد 350

و تعالی ستوده و روسفید باشی؟ همانا امیر مؤمنان عَلِيهِ السَّلَامُ همواره می فرمودند: خیری در دنیا نیست جز برای یکی از این دو نفر؛ یکی مردی که در هر روز خود، کار نیکی به کردارهای خود بیفزاید، و دیگر مردی که تهیه ی مرگ خود را با توبه و بازگشت ببیند... سپس فرمودند: اگر توانستی که از خانه ات بیرون نروی چنان کن؛ زیرا در بیرون رفتن از خانه این مسئولیت را داری که نباید غیبت کنی و نه دروغ بگویی و نه رشک بری، و نه خودنمایی کنی و نه ظاهر سازی (یا ظاهر آرائی) کنی و نه دورویی و چاپلوسی کنی.

سپس فرمودند: آری! دیر و عبادتگاه مسلمان، خانه اوست، چشم و زبان و گوش و جان و عورت خود را در خانه (از گناه) نگه می دارد. سپس فرمودند: به راستی که من امید نجات دارم برای کسانی از این امت که حق ما را بشناسند مگر برای سه دسته: اول؛ یار سلطان ظالم. دوم؛ شخص هواپرست و سوم؛ آنکه آشکارا بزهکاری و گناه کند...» (1)

2: از عجله در قیام بیهیزید

در یکی دیگر از تعبیرها ائمه هدی عَلِيهِمُ السَّلَامُ فرموده اند در قیام، عجله نکنید.

عبد الرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت گردم! به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم کی واقع می شود؟ فرمودند:

«ای مهزم! آنها که برای اینکار وقتی تعیین کردند دروغ گفتند، و کسانی که در آن، شتاب کنند هلاک شوند و تنها کسانی نجات یابند که تسلیم ما باشند.» (2)

ص: 166

1- . عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ إِنْ قَدَرْتُمْ أَنْ لَا تُعْرِفُوا فَاَفْعَلُوا وَ مَا عَلَيْكَ إِنْ لَمْ يَشْنِ النَّاسُ عَلَيْكَ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مَذْمُومًا عِنْدَ النَّاسِ إِذَا كُنْتَ مَحْمُودًا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - إِنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِأَحَدٍ رَجُلَيْنِ رَجُلٌ يَزِدَادُ فِيهَا كُلَّ يَوْمٍ إِحْسَانًا وَ رَجُلٌ يَتَدَارَكُ مَبِيَّتَهُ بِالتَّوْبَةِ وَ أَنِّي لَهُ بِالتَّوْبَةِ فَوَاللَّهِ أَنْ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ عَمَلًا إِلَّا بَوْلًا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ... ثُمَّ قَالَ: إِنْ قَدَرْتَ أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِكَ فَاَفْعَلْ فَإِنَّ عَلَيْكَ فِي خُرُوجِكَ أَنْ لَا تَغْتَابَ وَ لَا تَكْذِبَ وَ لَا تَحْسُدَ وَ لَا تَرَائِي وَ لَا تَتَصَنَّعَ وَ لَا تَدَاهِنَ ثُمَّ قَالَ نِعَمَ صَوْمَعَةَ الْمُسْلِمِ بَيْتُهُ يَكْفُ فِيهِ بَصَرُهُ وَ لِسَانُهُ وَ نَفْسُهُ وَ فَرْجُهُ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةِ صَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ صَاحِبِ هَوَى وَ الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ ... كافي 8/128

2- . عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَهْزَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُ مَتَى هُوَ فَقَالَ يَا مَهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَائِنُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسْلِمُونَ. كافي 1/368

و از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره این آیه که می فرماید: " امر خداوند به زودی فرا رسد در آمدنش شتاب نکنید" (1) روایت شده که آن حضرت فرمودند:

آن امر ما است، خدای عزوجل امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه [خداوند] مهدی را با سه لشکر یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس، و خروج آن حضرت همانند هجرت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است و این برابر فرمایش خدای تعالی است که: «همچنان که پروردگارت تو را به حق و راستی از خانه ات به در آورد». (2)

3: در کنار امام زمانتان جهاد کنید

در بعضی دیگر از روایات اینگونه آمده است که فقط در کنار امامتان جهاد کنید. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«روزی عباد بصری (که از صوفیان دکان دار دوران بود)، در راه مکه به حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ برخوردند و به ایشان (از باب امر به معروف با بی ادبی) عرض کرد: ای علی بن الحسین، آیا جهاد با سختی هایش را ترك کرده و رو به سوی حج با آسانی آن آورده ای؟! در حالی که خداوند در شأن مجاهدین می فرماید: "خدا از مؤمنان، جان ها و مال هایشان را بخیرد و به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد، در راه خدا جهاد می کنند؛ پس می کشند و کشته می شوند. و این وعده ای است راست و درست بر خدای متعال در تورات و انجیل و قرآن، و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر است. پس به این خرید و فروش که کردید شادمان باشید. و این است رستگاری و کامیابی بزرگ" (3).

حضرت سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمودند: آیه را تمام کن، پس ادامه داد: "همان توبه کنندگان و پرستندگان و ستاینندگان و روزه داران و رکوع کنندگان و سجد کنندگان و امر کنندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و نگهداران مرزهای خدای، و

ص: 167

1- نحل / 1

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْعَى تَعَجُّلُهُ قَالَ هُوَ أَمْرُنَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا تَسْعَى تَعَجُّلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرُّعْبِ وَ خُرُوجُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ. غيبت نعمانی / 198

3- توبه / 111

" حضرت فرمودند: هر گاه این گروه که دارای این صفات باشند را یافتی جهاد در کنار ایشان افضل از انجام حج است؟! « (2)

برید بن معاویه عجلای نیز در باره ی این فرمایش خدای عزوجل که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مراقب (مرزها) باشید» از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

یعنی صبر کنید بر انجام واجبات الهی و پایداری کنید در برابر دشمنان و مراقبامامتان [که به انتظارش هستید] باشید. « (3)

4: هر بیعتی قبل از ظهور بیعت کفر و نفاق است

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند:

«ای مفضل! هر بیعتی پیش از ظهور حضرت قائم علیه السلام بیعت کفر و نفاق و فریب است. خدا لعنت کند بیعت کننده و بیعت شونده را.» (4)

و حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند:

و حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند: فتنه هایی به پا خواهد شد. پس جماعتی به دور مردی از اهلبیت من جمع خواهند شد که در نزد خدا ارزشی ندارد پس کشته شده و یا می میرد پس آنگاه مهدی علیه السلام قیام خواهد کرد. (5)

ص: 168

1- توبه / 112

2- . عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَقِيَ عَبَادُ الْبَصْرِيِّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ تَرَكْتَ الْجِهَادَ وَصَدَّ مَعُونَتَهُ وَقَبِلْتَ عَلَى الْحَجِّ وَ لِيْنْتَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتُمْ الْآيَةَ فَقَالَ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَأَيْنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ فَالْجِهَادُ مَعَهُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ. کافی 5/22

3- . عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ - اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فَقَالَ اصْبِرُوا عَلَى آدَاءِ الْفَرَاغِ وَ صَابِرُوا عَدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُنْتَظَرَ. غيبت نعمانی / 199

4- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُفْضَلُ كُلُّ بَيْعَةٍ قَبْلَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْعَةٌ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ خَدِيعَةٍ، لَعَنَ اللَّهُ الْمُبَايِعَ لَهَا وَ الْمُبَايِعَ لَهُ. مختصر البصائر / 442 و الهداية الكبرى / 397 و بحار الأنوار / 8 / 53

5- . عن عمر بن علي أن علياً عليه السلام قال: تكون فتن، ثم تكون جماعة على رأس رجل من أهل بيتي ليس له عند الله خلاق فيقتل أو يموت، فيقوم المهدي. منتخب الاثر 16 / 3

جابر بن یزید از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«تا آسمان و زمین ساکن است شما نیز ساکن و بی جنبش باشید یعنی بر هیچ کس خروج نکنید که کار شما پوشیدگی ندارد، بدانید که آن نشانه ای از جانب خدای عزوجل است نه از جانب مردم، بدانید که آن نشانه روشن تر از خورشید است و بر نیکوکار و زشت کار پنهان نخواهد ماند، آیا صبح را می شناسید؟ این امر همانند صبح است که پنهان ماندن در آن راه ندارد» (1).

عالم جلیل القدر جناب نعمانی پس از ذکر این روایت، می نویسد: «ای شیعیان! خدا شما را رحمت کند! ببینید که این گونه امامان عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ما را ادب کرده اند و بنگرید به دستورشان و رسم خودشان در صبر و خودداری و انتظار فرج و اینکه فرموده اند: تندروها و شتابزدگان هلاک خواهند شد و آرزوکنندگان، دروغ می گویند و تسلیم شدگان را به نجات توصیف کرده اند و صابران و ثابت قدمان را ستوده اند و آنان را در ثبات به قلعه ای که بر پایه های خود استوار است تشبیه نموده اند؛ پس ادب را از آنان فرا گیرید، خدا شما را رحمت کند و اوامرشان را امثال کنید و به فرمانهایشان تسلیم شوید و از رویه ی آنان مگذرید و از کسانی نباشید که هوای نفس و شتابزدگی آنان را هلاک کرد و حرص، آنان را از راه یابی و راه روشن باز گردانید» (2).

امام موسی عَلَیْهِ السَّلَامُ به شیعیان خود فرمودند:

«ای گروه شیعه! با ترک طاعت سلطانتان خود را خوار نکنید؛ پس اگر عادل است از خدا بقایش را بخواهید و اگر ستمکار است از خدا بخواهید اصلاحش کند که صلاح شما در صلاح سلطان شما است. سلطان عادل چون پدر مهربانست؛ پس برایش بخواهید آنچه برای خود می خواهید و نپسندید برایش آنچه را که برای خود نمی پسندید» (3).

ابوخلد کابلی از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که آن حضرت فرمودند:

«گوئی می بینم که قومی در مشرق خروج کرده اند و خواستار حق اند ولی به ایشان

ص: 169

1- . عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: اسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أَيُّ لَا تَخْرُجُوا عَلَيَّ أَحَدٍ فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهَ خَفَاءٍ إِلَّا إِنَّهَا آيَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ مِنَ النَّاسِ إِلَّا إِنَّهَا أَصْوَابٌ مِنَ الشَّمْسِ لَا تَخْفَى عَلَيَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ أَعْرِفُونَ الصُّبْحَ فَإِنَّهَا كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهَ خَفَاءً. غيبت نعمانی / 200

2- . غيبت نعمانی / 200

3- . عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِشِيعَتِهِ يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ لَا تَدُلُّوا رِقَابَكُمْ بِتَرْكِ طَاعَةِ سُلْطَانِكُمْ فَإِنْ كَانَ عَادِلًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِبْقَاءَهُ وَ إِنْ كَانَ جَائِرًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِصْلَاحَهُ فَإِنَّ صِلَاحَكُمْ فِي صِلَاحِ سُلْطَانِكُمْ وَ إِنْ السُّلْطَانَ الْعَادِلَ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ الرَّحِيمِ فَاحْبُوا لَهُ مَا تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ وَ اكْرَهُوا لَهُ مَا تَكْرَهُونَ لِأَنْفُسِكُمْ. امالی صدوق/338 و وسائل الشيعه 16/220

داده نمی شود، باز خواستار آن می شوند و به آنان داده نمی شود، پس چون چنین می بینند شمشیرهای خود را برگردن خویش می افکنند (آماده کارزار می شوند) پس آنچه ایشان به دنبالش بودند به ایشان بدهند؛ ولی ایشان از پذیرفتن آن خودداری می کنند، تا اینکه قیام نمایند و آن را به کسی باز ندهند مگر به صاحب شما، کشتگانشان شهیدند، اما بدانید اگر من خود آن دوران را در می یافتم حتما خودم را برای صاحب این امر نگاه می داشتم (و در این حرکت شرکت نمی کردم)»(1)

جالب است با اینکه امام عَلِيهِ السَّلَام قیام ایشان را حق طلبانه می دانند؛ ولی باز از مشارکت در آن نهی می کنند و می فرمایند اگر من در چنین زمانی بودم خود را برای امام زمان عَلِيهِ السَّلَام نگه می داشتم.

ابومرهف نیز از امام باقر عَلِيهِ السَّلَام روایت کند که فرمودند:

«غبار بر سر کسی نشیند که آن را برانگیزد(2) و محاضیر هلاک شوند» گفتیم: قربانت گردم! محاضیر کیانند؟ فرمودند:

«شتاب کنندگان (در ظهور دولت حق، آنان که شتاب دارند هر چه زودتر دولت حقه برپا گردد). بدان که آنان (یعنی مخالفین شما) برای شما توطئه چینی نکنند مگر برای کسی که متعرض (حکومت) آنها شود؛ سپس فرمودند: ای ابا مرهف! بدان که هرگاه حکومت ها و مخالفین تان برای شما توطئه ای بکنند خدای عزوجل برای آنها کاری (که مانع اجرای نقشه آنها گردد) پیش آورد؛ سپس امام باقر عَلِيهِ السَّلَام لختی به زمین خیره شده و آنگاه فرمودند: ای ابا مرهف! عرض کردم: بله! فرمودند: آیا مردمی که خود را برای خدای عزوجل از شرکت در هر کار حکومتی، محروم کنند چنان بینی که خدا برای آنها گشایشی مقرر نفرماید؟ چرا به خدا سوگند! که به طور حتم خدا برای ایشان گشایشی مقرر سازد.»(3)

عیص بن قاسم گوید: شنیدم از امام صادق عَلِيهِ السَّلَام که می فرمودند:

ص: 170

1- . عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابُلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوُ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. غيبت نعمانی / 273

2- . ضرب المثلی است عربی؛ یعنی هر که فتنه ای برانگیزد زینش به خود او برگردد.

3- . عَنْ أَبِي الْمُرْهَفِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْغَبْرَةُ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا هَذَاكَ الْمَحَاضِرُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْمَحَاضِرُ بِيْرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ أَمَا إِنَّهُمْ لَنْ يُرِيدُوا إِلَّا مَنْ يَعْرِضُ لَهُمْ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الْمُرْهَفِ أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يُرِيدُواكُمْ بِمُجْحَفَةٍ إِلَّا عَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ بِسَاغِلٍ ثُمَّ نَكَتْ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الْمُرْهَفِ قُلْتُ لَبَيْكَ قَالَ أَتَرَى قَوْمًا حَبَسُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمْ فَرَجًا بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُمْ فَرَجًا. کافی 273 / 8 و وسائل الشیعة 51 / 15

«بر شما باد به تقوا و ترس از خدای یگانه ای که شریک ندارد... و اگر یکی از ما خاندان به نزد شما آمد (و شما را به شورش و قیام دعوت کرد) بنگرید تا روی چه منظور و هدفی می خواهید خروج و شورش کنید، و (برای توجیه کردن کارتان و عذرتراشی) نگوئید: زید خروج کرد (پس برای ما هم این کار جایز است)؛ زیرا زید، مرد دانشمند و راستگویی بود و شما را به خویشتن دعوت نمی کرد؛ بلکه او شما را به شخص پسندیده از آل محمد (و آنکه مورد پسند خدا است از ما خاندان، یا آنچه مورد پسند و رضایت آل محمد است) دعوت می کرد، و اگر پیروز شده بود به طور مسلم به همان که شما را به او دعوت کرده بود (یعنی همان عنوان پسندیده یا پسند آل محمد) وفاداری می نمود (و حق را به اهلیش می سپرد)؛ ولی آن کس که امروز خروج کند آیا به چه چیز شما را دعوت می کند؟ آیا به همان رضای آل محمد علیهم السّلام دعوت می کند؟ ما شما را گواه می گیریم که به چنین قیامی راضی نیستیم (و مورد پسند ما نیست) و این قیام کنندگان، امروزه که کسی با ایشان همراه نیست نافرمانی ما کنند؛ پس هنگامی که پرچم ها و بیرق ها را پشت سر خود ببینند حتما سخن ما را نشنوند (و به خواست ما عمل ننماید) مگر کسی که همه فرزندان فاطمه گرد او جمع شوند و با او همراهی کنند (یعنی امام زمان علیه السّلام). به خدا سوگند آن کس را که شما می خواهید نیست مگر کسی که همه (بنی فاطمه) برگرد او جمع شوند، همین که ماه رجب شد به نام خدای عزوجل رو آورید، و اگر خواستید تا ماه شعبان هم عقب اندازید زیانی نیست (و عیبی ندارد) و اگر بخواهید ماه رمضان هم (اقدام به کاری نکنید) و فریضه روزه را در میان خاندان خود بگیرید شاید این کار موجب نیروی بیشتری برای شما باشد، و همان خروج سفیانی (برای علامت و نشانه) شما را بس است.» (1)

عمر بن حنظله گوید: شنیدم از امام صادق علیه السّلام که می فرمودند:

ص: 171

1- . عیص بن القاسم قال سجدت ابا عبد الله عليه السلام يقول عليكم يتقوى الله وحده لا شريك له وانظروا لانفسكم... ان اتاكم ات منا فانظروا على اي شيء تخرجون ولا تقولوا خرج زيد فان زيدا كان عالما وكان صدوقا ولم يدعكم الى نفسه وانما دعاكم الى الرضا من آل محمد ولو ظهر لوفى بما دعاكم اليه انما خرج الى سلطان مجتمع لينقضه فالخارج منا اليوم الى اي شيء يدعوكم الى الرضا من آل محمد عليه السلام فنحن نهدكم انا لسنا نرضى به وهو يعصينا اليوم وليس معه احد وهو اذا كانت الرايات والالوية اجدر ان لا يسمع منا الا من اجتمعت بنو فاطمة معه فوالله ما صاحبكم الا من اجتمعوا عليه اذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله وان احببتم ان تتأخروا الى شعبان فلا ضير وان احببتم ان تصوموا في اهلكم فلعل ذلك يكون اقوى لكم وكفاكم بالسفياي علامه. كافي 8/264 ووسائل الشيعة 15/ 50

«پنج نشانه پیش از قیام حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ صورت خواهد گرفت؛ صیحه ی آسمانی، خروج سفیانی، فرورفتن (لشکر سفیانی در بیداء)، کشته شدن نفس زکیه، خروج یمانی. من عرض کردم: من به فدایت! اگر یکی از خاندان شما پیش از وقوع این نشانه ها خروج کند، با او خروج کنیم؟ فرمودند: نه.» (1)

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به سند پدران بزرگوار خویش از رسول اکرم صَدِّیِّ لَیَّ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کنند که به امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای علی! از جای کردن کوه های استوار، آسان تر است از براندازی حکومتی که هنوز زمان انقضایش نرسیده است.» (2)

مولای ما حضرت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز در کلامی که از ایشان نقل شده فرموده اند:

«پای بر زمین محکم کنید و بی حرکت بمانید و بر بلاها شکیبا باشید. مباد که دست ها و شمشیرهایتان را در راه خواهش های زبان های خود به کار برید. بر کاری که بدان مکلفتان نساخته اند مشتایید که هر کسی از شما در بستر خود بمیرد، در حالی که، حق خدای خود و پیامبرش و خاندان پیامبرش را شناخته باشد، به شهادت، مرده است و پاداش آن با خداست و ثواب کارهای نیکی را که در نیت داشته به او خواهد داد. نیت وی چون کشیدن شمشیری است برآن. هر چیز را مدت و پایانی است.» (3)

برید روایت کرده که امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ به وی فرمودند:

«ای برید! از معدودی از سادات دوری گزین.» و مقصود حضرت از این معدود، پیروان و همفکران زید بن علی بود که عقیده ضعیفی داشتند (اعتقاد به قیام و

ص: 172

1- . عن عمر بن حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيُّ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَنْخَرُجُ مَعَهُ قَالَ: لَا. كافي 8 / 310 و وسائل الشيعة 15/52

2- . عن جعفر بن مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَدِّیِّ لَیَّ اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنْ إِزَالَتَ الْجِبَالَ الرَّوَاسِي أَهْوَنُ مِنْ إِزَالَتِ مُلْكٍ لَمْ تَنْقُضِ أَيَّامَهُ. ووسائل الشيعة 15/53

3- . عن امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ: الزُّمُوا الْأَرْضَ وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سُيُوفِكُمْ فِي هَوَى السِّنِّتِكُمْ وَ لَا تَسَّ تَعْجَلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلِ اللهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللهِ وَ اسْتَوْجَبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاحَاتِهِ بِسَبَبِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجَلاً. نهج البلاغه خطبه 190 و وسائل الشيعة 15/55

حسین بن خالد کوفی از حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است که به آن جناب عرض کردم: فدای وجودت شوم! عبدالله بن بکیر از عبید بن زراره حدیثی روایت کرده و چنین گوید که من با حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ملاقات کردم در سالی که ابراهیم بن عبدالله بن حسن در آن سال خروج کرده بود. عرض کردم: فدای وجودت شوم! این ابراهیم بن عبدالله سخنانی چند گفته و مردم به سوی او شتافته اند شما در حق او چه می فرمایید؟ فرمودند: «از خدا بترسید و تا آسمان و زمین به جای خود باقی است شما از جای خود حرکت نکنید. حسین گوید: به امام هشتم عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم که عبدالله بن بکیر می گوید: به خدا قسم! اگر عبید بن زراره در گفته ی خود صادق باشد و این حدیث راست باشد نه خروجی خواهد شد و نه قائمی در آخر الزمان پیدا خواهد شد؛ چرا که معنی حدیث این است که تا آسمان و زمین برقرار است کسی پیدا نشود. حسین گوید حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«حدیث همان است که عبید بن زراره از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده است؛ اما نه به این نوعی که عبدالله بن بکیر تأویل و تفسیر کرده است؛ زیرا که مقصود حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از قول خود که فرموده اند: "ما سکنت السماء" تا آسمان آرام است این است که آسمان ساکن باشد و به اسم صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ ندا نکند و مراد ایشان از اینکه فرموده اند: "ما سکنت الارض" تا زمین آرام است این است که زمین ساکن باشد و لشکریان سفیانی را فرو نبرده باشد.»(2)

محمد بن مسلم نیز از امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که فرمودند:

«پرهیزکاری پیشه سازید، و با تقوی و کوشش در اطاعت خداوند بر این عقیده که

ص: 173

1- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا بُرَيْدُ ... وَ اتَّقِ الشُّدَّاذَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قُلْتُ وَ يُرِيدُ بِالشُّدَّاذِ الزَّيْدِيَّةَ لِضَعْفِ مَقَالَتِهِمْ وَ أَمَا كَوْنُهُمْ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لِأَنََّّهُمْ مِنْ بَنِي فَاطِمَةَ. بحار الأنوار 269 / 52

2- . عَنْ الْحَسَنِ بْنِ بَنِي خَالِدِ الكُوفِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدِيثُكَ كَانَ يَرْوِيهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكِيرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي وَ مَا هُوَ قُلْتُ رَوَى عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ أَنَّهُ لَقِيَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّنَةِ الَّتِي خَرَجَ فِيهَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ هَذَا قَدْ آلَفَ الْكَلَامَ وَ سَارَعَ النَّاسَ إِلَيْهِ فَمَا الَّذِي تَأْمُرُ بِهِ قَالَ فَقَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْكُنُوا مَا سَكَنْتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ قَالَ وَ كَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكِيرٍ يَقُولُ وَ اللَّهُ لَئِنْ كَانَ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ صَادِقًا فَمَا مِنْ خُرُوجٍ وَ مَا مِنْ قَائِمٍ قَالَ فَقَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْحَدِيثَ عَلَى مَا رَوَاهُ عُبَيْدٌ وَ لَيْسَ عَلَى مَا تَأْوَلُهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَكِيرٍ إِنَّمَا عَنَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَوْلِهِ مَا سَكَنْتِ السَّمَاءُ مِنَ النَّدَاءِ بِاسْمِ صَاحِبِكُمْ وَ مَا سَكَنْتِ الْأَرْضُ مِنَ الْخُسْفِ بِالْجَيْشِ. عيون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ 1 / 310 و امالی طوسی / 412 و وسائل الشيعة 15 / 55

دارید؛ کمک بجوئید. وقتی یکی از شما به سرای دیگر شتافت و درهای دنیا به روی او بسته شد، دین و پرهیزکاری او بیشترین چیزی است که مورد غبطه و رشک دیگران (که از آن بی نصیب هستند) واقع می شود. وقتی آدم قدم به سرای دیگر گذاشت می داند که به استقبال نعمت ها و وعده های الهی و مژده ی رفتن به بهشت، می رود و از کسی که می ترسیده ایمن است و یقین می کند که در دنیا بر حق بوده، و کسی که در جهت خلاف دین می رفته بر طریقه باطل و گمراه است؛ پس شما را (بر این عقیده) مژده می دهم، باز هم مژده میدهم. شما چه می خواهید؟ آیا نمی بینید که دشمنان شما (با وجود آنکه گمان می کنند در حال جهادند ولی) در ارتکاب گناهان الهی کشته می شوند و برای رسیدن به دنیای فانی، یکدیگر را به قتل می رسانند؛ ولی شما چنین نیستید و از آنها دوری جسته و در خانه های خود با طیب خاطر آسوده اید؟ بلای سفیانی که از دشمنان شماست برای شما کافی است. خروج او برای شما از علامات ظهور است، مع الوصف آن فاسق وقتی خروج می کند شما یکی دو ماه آسوده می مانید و خطری از وی نمی بینید او مردم بسیاری را به قتل می رساند؛ ولی شما جزو آنها نیستید. در این موقع یکی از اصحاب آن حضرت پرسید: در آن موقع، زنان و فرزندان خود را چه کنیم؟ فرمودند: مردان شما باید پنهان شوند؛ زیرا خطر او فقط متوجه (مردان) شیعیان ما می شود؛ ولی به خواست خدا زنان شما در معرض آسیب وی نخواهند بود. از حضرت پرسیده شد: دجال به کجا روی می آورد و آنها که از وی می گریزند به کجا می روند؟ فرمودند: هر کس می خواهد از او فرار کند به مدینه و یا به مکه و یا به بعضی از شهرها می رود. آنگاه فرمودند: چگونه در مدینه می توانید به سربرید؟ آنجا مقصد لشکر این فاسق (سفیانی) است. بنا بر این به مکه بروید؛ زیرا شما همه در آنجا گرد می آئید که فتنه او نه ماه به اندازه مدت حاملگی زنان است و از این مدت تجاوز نمی کند. ان شاء الله.» (1)

ص: 174

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَاسْتَعِينُوا عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَإِنْ أَشَدَّ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ اغْتِبَاطًا بِمَا هُوَ فِيهِ مِنَ الدِّينِ لَوْ قَدْ صَارَ فِي حَدِّ الْأَخِرَةِ وَانْقَطَعَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ فَإِذَا صَارَ فِي ذَلِكَ الْحَدِّ عَرَفَ أَنَّهُ قَدْ اسْتَقْبَلَ النَّعِيمَ وَالْكَرَامَةَ مِنَ اللَّهِ وَالْبُشْرَى بِالْجَنَّةِ وَأَمِنْ مِمَّنْ كَانَ يَخَافُ وَيَقْنَنُ أَنَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَنْ خَالَفَ دِينَهُ عَلَى بَاطِلٍ وَأَنَّ هَالِكٌ فَأَبْشِرُوا ثُمَّ أَبْشِرُوا مَا الَّذِي تَرِيدُونَ أَلَسْتُمْ تَرَوْنَ أَعْدَاءَكُمْ يَقْتُلُونَ فِي مَعْاصِي اللَّهِ وَيَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا عَلَى الدُّنْيَا دُونَكُمْ وَأَنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ آمِنِينَ فِي عَزْلَةٍ عَنْهُمْ وَكَفَى بِالسُّفْيَانِيِّ نِقْمَةً لَكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَهُوَ مِنَ الْعَلَامَاتِ لَكُمْ مَعَ أَنَّ الْفَاسِقَ لَوْ قَدْ خَرَجَ لَمَكَثْتُمْ شَهْرًا أَوْ شَهْرَيْنِ بَعْدَ خُرُوجِهِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكُمْ مِنْهُ بَأْسٌ حَتَّى يَقْتُلَ خَلْقًا كَثِيرًا دُونَكُمْ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَكَيْفَ نَصْنَعُ بِالْعِيَالِ إِذَا كَانَ ذَلِكَ قَالَ يَتَعَيَّبُ الرَّجَالُ مِنْكُمْ عَنْهُ فَإِنَّ خَيْفَتَهُ وَشِدَّتَهُ فَإِنَّمَا هِيَ عَلَى شِيعَتِنَا فَأَمَّا النِّسَاءُ فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ بَأْسٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى قِيلَ إِلَى أَيْنَ يَخْرُجُ الرَّجَالُ وَيَهْرَبُونَ مِنْهُ فَقَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهُمْ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى مَكَّةَ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْبِلَادِ ثُمَّ قَالَ مَا تَصْنَعُونَ بِالْمَدِينَةِ وَإِنَّمَا يَقْصِدُ جَيْشُ الْفَاسِقِ إِلَيْهَا وَلَكِنْ عَلَيْكُمْ بِمَكَّةَ فَإِنَّهَا مَجْمَعُكُمْ وَإِنَّمَا فَتَنَتْهُ حَمَلُ امْرَأَةٍ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ وَلَا يَجُوزُهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ. بحار الأنوار 52/140

و در نهایت به نصیحت امام صادق علیه السلام به محمد بن نعمان اشاره می‌کنم که فرمودند:

«... ای پسر نعمان! در دوران حکومت ظلم، راه خود پیش گیر، و با افراد مشکوک و خطرناک، با سلام و تعارف روبرو شو، که هر کسی که متعرض حکومت شود، خود را به کشتن و هلاکت انداخته، و خداوند می‌فرماید: "خود را به دست خود به مهلکه نیندازید." ای پسر نعمان! ما خاندانی هستیم که پیوسته شیطان، افرادی بیگانه از ما و دین ما را در جرگه‌ی ما وارد می‌کند، و آنگاه که آنها را (به اعتبار ما) معروف گردانید، و مردم آنان را شناختند و در چشم ایشان، معتبر شدند، دستور می‌دهد که به ما دروغ بندند، و هر وقت یکی از آنها از دنیا رود؛ دیگری را به جایش می‌گمارد...»(1)

6: قیام پیش از ظهور بی فائده و بر گرفتاری‌ها می‌افزاید

شاید عده‌ای با نیت‌های پسندیده‌ای چون اقامه‌ی عدل و ریشه‌کن کردن ظلم و برای رضای خدا دست به قیام می‌زدند و مسلماً افرادی را که با ایشان می‌جنگیده‌اند در زمره‌ی بدترین بندگان خدا و فاسدترین ایشان بوده‌اند؛ ولی امامان معصوم علیهم السلام با بصیرت الهی که داشته‌اند خبر داشتند که این حرکتها نه تنها سودی ندارد؛ بلکه در صورت موفقیت، جز بر درد و اندوه ائمه و شیعیان نشان نخواهد افزود؛ چرا که اینکار لوازمی دارد که هنوز مهیا نشده و اگر آماده بود، خود پروردگار مهربان، بهتر می‌دانست و به مولای ما حضرت صاحب الامر علیه السلام اذن خروج می‌داد.

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرموده‌اند:

«به خدا سوگند هیچ یک از ما پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام خروج نکند؛ جز آنکه حکایتش حکایت جوجه‌ای است که پیش از درآمدن بالهایش از میان آشیانه

ص: 175

1- قال الصادق علیه السلام: ... يا ابن النعمان إذا كانت دولة الظلم فامش واستقبل من تتقى به بالتحية فإن المتعرض للدولة قاتل نفسه و موبقها إن الله يقول ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة يا ابن النعمان إنا أهل بيت لا يزال الشيطان يدخل فينا من ليس منا ولا من أهل ديننا فإذا رفعه و نظر إليه الناس أمره الشيطان فيكذب علينا و كلما ذهب واحد جاء آخر... تحف العقول: 310 و بحار الانوار 75: 288

خود پرواز کند؛ پس کودکان او را بگیرند و با او بازی کنند.» (1)

و روایت شده که چون زید بن علی تصمیم بر قیام گرفت، حضرت باقر علیه السلام به او فرمودند:

«ای زید! مثل قیام کننده از این خانواده قبل از ظهور مهدی علیه السلام مانند جوجه ای است که هنوز پر و بال در نیاورده و از آشیانه بیرون شود معلوم است که بر زمین می افتد و بازیچه ی بچه ها می شود. از خدا بترس در حفظ جان خویش، مبادا فردا تو را در کناسه کوفه به دار آویزند و همان طور نیز شد.» (2)

و جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«مثل خروج قیام کننده ی ما خاندان، مانند خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و مثل آن کسی که از ما خاندان، قبل از قیام مهدی علیه السلام به پا خیزد بسان جوجه ای است که پرواز کند و از آشیانه ی خود فرو افتد و کودکان با آن به بازی پردازند (دستخوش بازیچه کودکان شود).» (3)

امام صادق علیه السلام هم فرمودند:

«هیچ فردی از ما خاندان، برای زدودن ستم، یا زنده کردن حقی قیام نکرده، و تا پیش از قیام قائم ما علیه السلام، قیام نخواهد کرد، مگر آن که گرفتاری ها او را از پای در آورده و در می آورد و قیام او بر ناراحتی و سختی های ما و شیعیان ما افزوده و می افزاید.» (4)

از این روایت و روایات مشابه بر می آید که اگر کسی پیش از قیام قائم علیه السلام بپا خیزد و

ص: 176

1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ إِلَّا كَانَ مِثْلَهُ كَمَثَلِ فَرْخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَّانُ فَعَبَثُوا بِهِ. الكافي 264 / 8 ووسائل الشيعة: ج 15؛ ص 51 و مرآة العقول 26/259 و بحار الأنوار 303 / 52

2- . يُرْوَى أَنَّ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ لَمَّا عَزَمَ عَلَى الْبَيْعَةِ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا زَيْدٍ إِنَّ مِثْلَ الْقَائِمِ مِنْ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ مَهْدِيِّهِمْ مِثْلُ فَرْخٍ نَهَضَ مِنْ عُشَّةٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْتَتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ سَقَطَ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَّانُ يَتَلَاعَبُونَ بِهِ فَاتَّقِ اللَّهَ فِي نَفْسِكَ أَنْ تَكُونَ الْمَصْلُوبَ غَدًا بِالْكَنَاسَةِ فَكَانَ كَمَا قَالَ. مناقب آل أبي طالب 4/188 و بحار الأنوار 263 / 46

3- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِثْلُ خُرُوجِ الْقَائِمِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ كَخُرُوجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمِثْلُ مَنْ خَرَجَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِثْلُ فَرْخٍ طَارَ فَوْقَ مَنْ وَكْرِهِ فَتَلَاعَبَتْ بِهِ الصَّبِيَّانُ. غيبة نعمانی 199 / و بحار الأنوار 139 / 52

4- . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يُنْعَشَ حَقًّا إِلَّا أَصَّ طَلَمْتُهُ الْبَلِيَّةُ، وَكَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَشِيْعَتِنَا. صحيفة سجادية 20/

داعیه ی امامت داشته باشد و مردم را به خود بخواند یا با آنکه داعیه امامت ندارد و مردم را به خویش نمی خواند اما برای قیام مسلحانه اش اذن از امام زمانش نداشته باشد، گرچه هدفش مقدس باشد؛ ولی حرکت او باعث اذیت آل الله عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و شیعیان ایشان و در نهایت، محکوم به شکست است.

7: هر بیرقی پیش از قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ بیرق طاغوت است

یکی دیگر از این تعبیرها، بلند کردن پرچم به عنوان قیام است. ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«هر پرچمی که پیش از قیام حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ بلند شود پس صاحبش طاغوتی است که به جای خدا پرستیده شود.»(1)

این روایت از وجود امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز نقل شده و با اسانید مختلف، در کتب روایی فراوانی چون کافی(2)، غیبت نعمانی(3)، اثبات الهداة(4)، وافی(5)، وسائل الشیعه(6)، هدایه الامه شیخ حر عاملی(7)، البرهان(8)، مرآة العقول(9) و بحار الانوار(10) ذکر شده است.

در بعضی از احادیث نیز با تعبیر دیگری ذکر شده است مثلاً از حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده که فرمودند:

«ما اهل بیت رایتی داریم که هر کسی از آن پیش افتد از دین بیرون رفته است و هر کسی از آن پس افتد نابود شده است و هر کسی پیرو آن باشد به حق واصل شده است.»(11)

ص: 177

- 1- . عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. الكافي 8 / 295 و بحار الانوار 52/143 و مرآة العقول 26/325 و البرهان 2 / 92
- 2- . کافی 8 / 295
- 3- . غیبت نعمانی 118/
- 4- . اثبات الهداة 5 / 154
- 5- . وافی 2/249
- 6- . وسائل الشیعه 15/52
- 7- . هدایه الامه 5/522
- 8- . البرهان 92/2
- 9- . مرآة العقول 26/325
- 10- . بحار الانوار 52/143
- 11- 10. عَنْ عُبَيْدِ بْنِ كَرِبٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ رَايَةً مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا مَحَقٌّ وَ مَنْ تَبِعَهَا لَحِقَّ. کمال الدین 2 / 654

تعبیر دیگر ادعای امامت است که به شدت مورد عتاب ائمه هدی عَلَیْهِمُ السَّلَامُ واقع شده است. سوره بن کلیب از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که آن حضرت در باره ی فرمایش خداوند که فرموده: "روز قیامت، خواهی دید آنان که به خدا دروغ بسته اند چهره هایشان سیاه گشته آیا جز در جهنّم جایگاهی برای متکبران است؟" فرمودند:

«مراد کسی است که بگوید: من امام هستم و امام نباشد، عرض کردم: اگر چه علوی و فاطمی باشد؟ فرمودند: اگر چه علوی و فاطمی باشد، سؤال کردم هر چند از فرزندان علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ باشد؟ پاسخ فرمودند: هر چند از فرزندان علی بن ابی طالب باشد.» (1)

فضیل هم گوید: «امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«هر کسی که مقام ما؛ یعنی امامت را ادعا کند کافر است یا اینکه فرمودند: مشرک است.» (2)

و ایضا از همان امام همام عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت است که فرمودند:

«هر کسی خروج کرده و مردم را به سوی خود فرا خواند در صورتی که کسی در میان مردم باشد که از او برتر است (یعنی با وجود امام معصوم عَلَیْهِ السَّلَامُ، قیام کند) پس چنین شخصی، گمراه و بدعت گذار است و هر که ادعای امامت از جانب خدا کند و واقعاً امام نباشد او کافر است.» (3)

و روایتی که از ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ با الفاظ مختلف و سندهای معتبر در کتب روایی شیعه به وفور نقل شده است که فرمودند:

«سه گروه اند که خداوند به آنان نظر نمی افکند و عبارت اند از: کسی که ادعا کند امام است و امام نباشد و کسی که امامتِ امام بر حقی را انکار کند و کسی که

ص: 178

1- . عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ قَالَ مَنْ قَالَ إِنِّي إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قُلْتُ وَ إِن كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِن كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قُلْتُ وَ إِن كَانَ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ إِن كَانَ مِنْ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ . غيبت نعمانی / 114 و بحار الانوار 25/114

2- . عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ ادَّعَى مَقَامَنَا يَعْنِي الْإِمَامَةَ فَهُوَ كَافِرٌ أَوْ قَالَ مُشْرِكٌ . غيبت نعمانی / 115

3- . عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يسارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ خَرَجَ يَدْعُو النَّاسَ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُبْتَدِعٌ وَ مَنْ ادَّعَى الْإِمَامَةَ مِنَ اللَّهِ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ فَهُوَ كَافِرٌ . غيبت نعمانی / 115

پندارد آن دو نفر یاد شده، بهره ای از اسلام دارند»(1)

9. حکومت های ظالمین تا زمان ظهور ادامه خواهد داشت

در بعضی دیگر از روایات خبر داده اند که دولت ظلم تا زمان ظهور برپا خواهد بود؛ پس فائده ای در حرکت و مبارزه ی مسلحانه ی شما نخواهد بود.

امام پنجم حضرت باقر عَلِيهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه " بگو حق آمد و باطل نابود شد" فرمودند:

«منظور قیام مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ است پس هنگامی که قیام کننده ی اهل بیت عَلِيهِم السَّلَامُ ظهور کند دولت باطل برچیده خواهد شد.»(2)

زراره از حضرت صادق عَلِيهِ السَّلَامُ نقل کرده است که آن حضرت درباره ی قول خداوند: " و ما روزگاران را در میان مردم، دست به دست می گردانیم" فرمودند:

«همواره از هنگامی که خداوند آدم را آفریده حکومتی از آن خدا و حکومتی برای ابلیس بوده است. پس حکومت خداوند کو؟ آیا به جز یک قائم هست؟»(3)

امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ هم فرموده اند:

«دولت بنی عباس به آسانی و بدون اینکه مشکلی در آن باشد صورت می گیرد، اگر ترک و دیلم و سند و هند و بربر و طیلسان علیه آنان با هم گرد آیند نیز نمی توانند آن را از قدرت بر کنار کنند و پیوسته در نعمت و کامکاری، حکومت خویش را به سر خواهند برد؛ تا اینکه طرفداران و کارکنان دولتی ایشان از آنان کناره جوئی کنند و خداوند بر آنان، گبری بی دین را چیره گرداند و او از همان جا خروج می کند که حکومت ایشان از آنجا آغاز شده، بر هیچ شهری نمی گذرد مگر آنکه آن را می گشاید، و هیچ پرچمی برابر او برافراشته نمی شود مگر اینکه آن را سرنگون می سازد، و هیچ نعمتی نمی ماند، مگر اینکه آن را از بین می برد. وای بر کسی که با او به ستیز برخیزد؛ پس پیوسته این چنین خواهد

ص: 179

1- . ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ وَ مَنْ جَحَدَ إِمَامَةً إِمَامٍ حَقٌّ وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيْبًا. این روایت از امام سجاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم عَلِيهِم السَّلَامُ به طرق مختلفه ای نقل شده است. تفسیر عیاشی 1 / 178 و کافی 1 / 374 و

غیبت نعمانی / 111 و 115 و ثواب الاعمال / 215 و تقریب المعارف / 245 و بحار الانوار 69/138 و وسائل الشیعه 28 / 349

2- . عن ابي جعفر عَلِيهِ السَّلَامُ في قوله عز وجل: (فُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ) قال إذا قام القائم ذهب دولة الباطل. إثبات الهداة 5 / 64 و البرهان 3 / 576

3- . عن زرارة عن أبي عبد الله عَلِيهِ السَّلَامُ في قول الله: وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ ذُودُوا لَهَا بَيْنَ النَّاسِ قال: ما زال منذ خلق الله آدم دولة لله و دولة لإبليس، فأين دولة الله أما هو إلا قائم واحد؟ تفسیر عیاشی 1/199 و إثبات الهداة 1/164

بود تا به پیروزی رسد و پیروزش را به مردی از خاندان من بسپارد، که به حق سخن گوید و بدان عمل کند (شاید منظور امام زمان علیه السلام باشد)». (1)

علی بن ابی حمزه گوید: از مکه تا مدینه همراه موسی بن جعفر علیه السلام بودم، روزی به من فرمودند:

«ای علی! اگر همه اهل آسمان ها و زمین بر بنی عباس خروج کنند، زمین از خون همه ی آنان سیراب می شود (و حق، روی کار نیاید) تا آنگاه که سفیانی خروج کند»

به آن حضرت عرض کردم: ای سرور من! امر او از حتمیات است؟ فرمودند: آری! سپس اندکی سر به زیر افکند و بعد سر برداشته و فرمودند:

«حکومت بنی عباس، دولت حيله و نیرنگ است، از بین می رود تا جایی که گفته شود: دیگر چیزی از آن به جای نمانده است، سپس دوباره شروع به شکل گیری می کند تا جایی که گفته شود: چیزی بر سر آن نگذاشته است». (2)

و حسن بن جهم گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خداوند حال شما را اصلاح فرماید! مردم می گویند که سفیانی در حالی قیام می کند که دولت بنی عباس از میان رفته است. فرمودند: «دروغ می گویند! او قیام می کند و سلطنت بنی عباس همچنان برپا است». (3)

ظاهراً منظور از این روایات این است که حکومت بنی عباس دوباره تجدید شود چنان که در خبر قبل گذشت و یا اینکه منظور این است که هر حکومتی که بر مبنای فریب و تزویر

ص: 180

1- . عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ يُسْرٌ لَا عَسْرَ فِيهِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمُ التُّرْكُ وَ الدَّيْلَمُ وَ السُّدَّ وَ الْهِنْدُ وَ الْبَرْبَرُ وَ الطَّيْلَسَانُ لَنْ يُرْبِلُوهُ وَ لَا يَزَالُونَ فِي غَضَابَةٍ مِنْ مُلْكِهِمْ حَتَّى يَشِدَّ عَنْهُمْ مَوَالِيَهُمْ وَ أَصْحَابُ دَوْلَتِهِمْ وَ يُسَلِّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عِلْجاً يَخْرُجُ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ مُلْكُهُمْ لَا يَمُرُّ بِمَدِينَةٍ إِلَّا فَتَحَهَا وَ لَا تُرْفَعُ لَهُ رَايَةٌ إِلَّا هَدَّهَا وَ لَا نِعْمَةٌ إِلَّا أزالَهَا الْوَيْلُ ذَلِمَنْ نَاوَاهُ فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى يَظْفَرَ وَ يَدْفَعَ بِظَفْرِهِ إِلَى رَجُلٍ مِنْ عَتْرَتِي يَقُولُ بِالْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ. غيبت نعمانی / 250

2- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: زَامَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَقَالَ لِي يَوْمًا يَا عَلِيُّ لَوْ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ خَرَجُوا عَلَى بَنِي الْعَبَّاسِ لَسَدَّ قَيْتِ الْأَرْضِ بِدِمَائِهِمْ حَتَّى يَخْرُجَ السُّفْيَانِيُّ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي أَمْرُهُ مِنَ الْمُحْتَمومِ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ أَطْرَقَ هُنَيْئَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ مُلْكُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرٌ وَ خَدَعٌ يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ مَا مَرَّ بِهِ شَيْءٌ. غيبت نعمانی

302

3- . عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُمْ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ يَقُومُ وَ قَدْ ذَهَبَ سُلْطَانُ بَنِي الْعَبَّاسِ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّهُ لَيَقُومُ وَ إِنَّ سُلْطَانَهُمْ لَقَائِمٌ. غيبت نعمانی / 303 و بحار الأنوار / 52 / 251

تأسیس شود همان دولت عباسی است و لو اینکه سعودی، آل خلیفه و... نامیده شود.

امام باقر علیه السّلام درباره ی چگونگی اضمحلال بنی عباس فرموده اند:

«سفیهی از بنی عبّاس در نهان بمیرد و سبیش آن باشد که بر خواجه ای تجاوز کند و بخواهد با او لواط کند؛ پس او برخیزد و سرش را ببرد و چهل روز مرگش را نهان سازند و چون سواران در طلب آن خواجه روند هنوز اولین نفر آنها برنگشته باشد که ملکشان زایل شود.» (1)

محمد بن مسلم گوید: از حضرت باقر علیه السّلام پرسیدم: معنی آیه: **وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ** چیست؟ فرمودند:

«شب در این آیه، ظالم دومی است که ستم روا داشت بر امیر المؤمنین در حکومتی که تصاحب کرد و آن جناب دستور داشتند که صبر کنند تا دولت آنها منقضی گردد؛ سپس فرمودند:

وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ منظور از روز، قیام کننده ی از ما خانواده است که وقتی قیام کند بر دولت های باطل پیروز می شود (یعنی تا زمان آن حضرت شب است که به معنای قدرت داشتن دولت های باطل می باشد) قرآن برای مردم مثال می زند و خطاب به پیامبر و ما است و معنی آن را جز ما کسی نمی دانند.» (2) جابر جعفی نیز از حضرت صادق علیه السّلام درباره ی آیه **وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ** روایت کند که فرمودند:

«دولت ابلیس تا روز قیامت است و منظور از قیامت در اینجا روز قیام

ص: 181

1- . عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَمُوتُ سَفِيهَةٌ مِنْ آلِ الْعَبَّاسِ بِالسَّرِّ يَكُونُ سَبَبَ مَوْتِهِ أَنَّهُ يَنْكِحُ خَصِيًّا فَيَقُومُ فَيَذْبُحُهُ وَ يَكْتُمُ مَوْتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا سَارَتِ الرُّكْبَانُ فِي طَلَبِ الْخَصِيِّ لَمْ يَرْجِعْ أَوَّلُ مَنْ يَخْرُجُ إِلَى آخِرٍ مَنْ يَخْرُجُ حَتَّى يَذْهَبَ مُلْكُهُمْ.
كمال الدين 2/655

2- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى قَالَ اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَلَانَ غَشِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ - وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصْبِرُ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقَضِيَ، قَالَ: وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى قَالَ النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِذَا قَامَ عَلَبَ دَوْلَتَهُ الْبَاطِلُ وَ الْقُرْآنُ ضَرَبَ فِيهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ - وَ خَاطَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِهِ وَ نَحْنُ، فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرَنَا. تفسير قمی 2/ 425 و البرهان 5/677 و بحار الانوار 71/24

مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ است؛ سپس تلاوت کردند که "وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى" و فرمودند: آن روز درخشان، حضرت قیام کننده است وقتی قیام کند.»(1)

جابر از حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ درباره ی آیه: "وَ الْفَجْرِ" نقل کرده که فرمودند:

«منظور از فجر، حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ است. و شب های ده گانه، ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ هستند از امام حسن تا امام حسن عسکری" وَ الشَّفْعِ" امیر المؤمنین است با فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا" وَ الْوَتْرِ" خدای یکتا است که شریکی ندارد" وَ اللَّیْلِ إِذَا یَسْرُ" نیز حکومت خبتر (ظالم اول) است که حکومتش تا دامنه ی قیام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ ادامه خواهد داشت.»(2)

10. امر به سکوت و تقیه

اما یکی دیگر از این تعبیرها؛ فرمان به سکوت و تقیه است. درباره ی تقیه در ذیل وظیفه ی چهاردهم سخن خواهیم گفت؛ اما توجه شما را به یک نمونه از روایات در باب سکوت جلب می نمایم.

ابواسحاق گوید: جمعی از موثقین اصحاب امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل کردند که شنیدیم آن حضرت عَلَیْهِ السَّلَامُ در یکی از خطبه هایشان چنین می فرمودند:

«بار خدایا! من می دانم که بساط علم و دانش برچیده نمی شود و مایه هایش از میان نمی رود (یعنی هیچ گاه روی زمین را کفر و ضلالت محض فرا نمی گیرد و همیشه کم و بیش آثاری از توحید و هدایت یافت می شود) و می دانم که توروی زمینت را از حجتی بر خلق خالی نسازی که او یا آشکار باشد و فرمانش نبرند (مانند امیر المؤمنین و امام حسن عَلَیْهِمَا السَّلَامُ در دوران خلافت خود) و یا ترسان و پنهان (مانند امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ) تا حجت تو باطل نگردد (و مردم بر تو حجت نداشته باشند) و دوستانت بعد از آنکه هدایتشان فرمودی گمراه نشوند، ولی آنها کجایند و تعدادشان چقدر است؟

ص: 182

1- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى قَالَ دَوْلَةُ إِبْلِيسَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ يَوْمُ قِيَامِ الْقَائِمِ وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَ هُوَ الْقَائِمُ إِذَا قَامَ... بحار الأنوار 24 / 398

2- . عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى وَ الْفَجْرِ هُوَ الْقَائِمُ وَ اللَّيَالِي الْعَشْرُ الْأَيَّامَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ وَ الشَّفْعِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْوَتْرِ هُوَ اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسْرُ هِيَ دَوْلَةُ خَبْتَرٍ فَهِيَ تَسْرِي إِلَى قِيَامِ (دولة) الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. تأويل الآيات / 776 و البرهان 5 / 650 و بحار الأنوار 24 / 78

ایشان از لحاظ شماره بسیار اندک و از لحاظ ارزش، نزد خدای متعال بسیار بزرگ اند، ایشان پیرو پیشوایان دین و امامان رهبرند. همان امامانی که به آدابشان پرورش یافته و به راه آنها رفته اند. اینجاست که علم و دانش، ایشان را به حقیقت ایمان، آگاه ساخته و روحشان ندای پیشوایان دانش را لبیک گوید و همان احادیثی که بر دیگران مشکل آید برای ایشان دلنشین باشد و به آنچه تکذیب کنندگان، از آن وحشت دارند و متجاوزان، سرباز می زنند، انس و الفت دارند. آنها پیرو دانشمندان اند. با اهل دنیا همراه اند؛ ولی به امر خدا و نسبت به دین و برای ترس از دشمن خویش، تقیه را آیین خود سازند، و روح های ایشان به مقام بالا- مربوط است و دانشمندان و پیروانشان در زمان دولت باطل، لال و خاموشند و همیشه به انتظار دولت حق نشسته اند، خدا هم با کلمات خود (آیه یا آیات قرآن و یا مقدرات خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. آه آه! خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش، بر دینشان شکیبایی ورزیدند، آه! که چقدر به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان مشتاقم. خدا، ما و ایشان و پدران و همسران و فرزندان نیکوکارشان را در بهشت برین جمع خواهد کرد.» (1)

وظیفه سیزدهم: اجتناب از یاری رساندن به ظالمین و همکاری با حاکم جائر

پس از اینکه در بیان وظیفه ی دوازدهم به این نتیجه رسیدیم که شرکت در هرگونه قیام مسلحانه حتی برای مبارزه با کفار و ظالمین، پیش از ظهور، ممنوع است؛ شاید به ذهن عده ای برسد که پس می توان در کنار ظالمین، ایشان را در رسیدن به مقاصدشان یاری کرد. خیر! درست است که به ما فرموده اند بر ضد ایشان قیام نکنید؛ اما به ما اجازه یاریکردن ایشان را هم نداده اند.

ص: 183

1- . عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي التَّمِيمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّ أَحَدَ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمَّا جَاءَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَالْحَقُّ قَدْ بَدَأَ يَنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ وَسَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ وَسَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِ عَدْنٍ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ. کافی 1/ 335

از دیدگاه شیعه، هر نوع همکاری با نظام ستم، و لو به مقدار بسیار کم، همچون گرد آوری قلم و دوات، حرام به شمار می آید و در حکم عضویت در چنین نظامی است. دلیل این مسأله، در این نکته نهفته است که در صورت نبودن چنین افرادی به عنوان "اعوان الظلمه" اساساً یا نظام ظلم، مستقر نمی شد و یا اینکه حداقل، استمرار نمی یافت. پس استمرار و استمرار چنین نظام هایی مرهون همکاری آنهاست. این مسأله در روایات فراوانی، مذموم شمرده شده است. از اطلاق برخی از نصوص، استفاده می شود که نه تنها همکاری در اعمال ستمگرانه با نظام جور، حرام است؛ بلکه همکاری با حاکمان ستمگر، حتی در اعمالی که ظلم هم نیست، حرام و معصیت کبیره به شمار می آید.

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ در این باره می فرماید:

«کسی که اسم خود را در دیوان هدایای جباران از فرزندان فلانی (یعنی بنی عباس) ثبت کند، خداوند او را در روز قیامت به شکل خوک و یا حیران، محشور می کند.» (1)

امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ای دانشجو! همانا دانشمند را سه علامت است: علم و خویشتن داری و خاموشی. و عالم نما را سه علامت است: با نافرمانی نسبت به ما فوق خود کشمکش کند و به وسیله ی چیرگی به زیر دست خود، ستم کند. و از ستمکاران، پشتیبانی نماید.» (2)

حدید مدائنی از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کرده است که فرمودند:

«دین خود را با پرهیزگاری حفظ کرده و آن را با تقیه، قوت بخشید و از آن، با ابراز بی نیازی از همه جز خدا، (و نیز) با عدم ابراز نیاز خود به پادشاه وقت، محافظت کنید، و بدانید هر مؤمنی که در برابر یار سلطان و یا کسی که مخالف آیین اوست از روی آزمندی، فروتنی نماید خداوند او را به وی واگذارد و بر او خشم می گیرد، و اگر مالی در این رابطه نصیب او گردد، خداوند برکت (خود) را از آن مال بر می دارد، و اگر چیزی از آن مال را در راه حج یا عمره یا آزاد ساختن بنده ای مصرف

ص: 184

1- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ سَوَّدَ اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الْجَبَّارِينَ [مِنْ] وُلْدِ فُلَانٍ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِنْزِيراً [حیرانا]. ثواب الاعمال/ 261 و وسائل الشیعه 17 / 186

2- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَا طَالِبَ الْعِلْمِ إِنَّ لِلْعَالَمِ ثَلَاثَ عِلْمَاتٍ الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالصَّمْتَ وَ لِلْمُتَكَلِّفِ ثَلَاثَ عِلْمَاتٍ يُنَازِعُ مَنْ فَوْقَهُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ يَظْلِمُ مَنْ دُونَهُ بِالْغَلْبَةِ وَ يُظَاهِرُ الظَّلْمَةَ. کافی 1/37

کند، خداوند هیچ پاداشی برای آن مقرر نخواهد کرد.»(1)

بر اساس روایت منقول از سلیمان جعفری، کمک به پادشاهان ظالم، کفر تلقی شده و عامل آن در قعر جهنم فرو خواهد رفت. وی می گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کردم: نظر شما درباره ی اعمال سلطان چیست؟ ایشان فرمودند:

«ای سلیمان! همراهی و همکاری و تلاش برای برآورده کردن حوائج آنان، مساوی با کفر است، و عمداً به آنان نگاه کردن از گناهان کبیره ای به شمار می آید که مستحق آتش جهنم است.»(2)

علی بن ابی حمزه گفت: دوستی داشتم از منشیان و نویسندگان بنی امیه که از من خواهش کرد برایش اجازه بگیرم تا به خدمت حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام برسد. اجازه گرفتم. وقتی خدمت آن امام بزرگوار رسید سلام کرده و پس از اینکه نشست، عرض کرد: آقا! من در اداره ی حکومتی بنی امیه کار می کردم و از دنیای آنها ثروت زیادی انباشتم و کسی در این باره از من بازخواست نمی کرد.

فرمودند: «اگر بنی امیه نمی یافتند کسی را که نویسنده آنها باشد و مالیات جمع کند و جنگ نماید و در اجتماعات و تجمعات آنها حاضر شود، حق ما را غصب نمی کردند. اگر مردم اطراف آنها را نگیرند چیزی پیدا نخواهند کرد مگر همان اندازه ای که به دستشان برسد.»

آن مرد گفت: فدایت شوم! آیا راه نجاتی برایم هست؟ فرمودند:

«اگر راهی برایت بگویم عمل می کنی؟! عرض کرد: بلی! انجام می دهم. فرمودند: هر چه در کار حکومتی آنها به دست آورده ای رها کن. هر کدام را که می شناسی حقش را بده و هر کدام را که نمی شناسی از طرف آنها صدقه بده و من از جانب خدا برای تو ضمانت بهشت را می کنم.»

ص: 185

1- . عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَدِيدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَصُونُوا دِينَكُمْ بِالْوَرَعِ وَقُوهُ بِالْتَّقِيَةِ وَالْإِسْتِغْنَاءِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّهُ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ وَ لِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَلَبًا لِمَا فِي يَدَيْهِ مِنْ دُنْيَاةٍ أَخَمَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَقَّتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاةٍ فَصَارَ إِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ أَسْمُهُ الْبَرَكَةُ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْجُرْهُ عَلَى شَيْءٍ يُنْفِقُهُ فِي حَجٍّ وَ لَا عِتْقِ [رَقَبَةٍ] وَ لَا بَرٍّ . كافي 2/76 و ثواب الاعمال /246

2- . عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَقُولُ فِي أَعْمَالِ السُّلْطَانِ فَقَالَ يَا سُلَيْمَانُ الدُّخُولُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ الْعَوْنُ لَهُمْ وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ عَدِيلُ الْكُفْرِ وَ النَّظَرُ إِلَيْهِمْ عَلَى الْعَمْدِ مِنَ الْكِبَائِرِ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا النَّارُ . بحار الانوار 15/76

مدتی سر به زیر انداخت و در اندیشه بود؛ پس تصمیم خود را گرفته، سر برداشته وگفت: چشم! انجام می دهیم. علی بن ابوحمره گفت: من با او به کوفه برگشتیم هر چه داشت ردّ کرد، حتی لباس های تنش را، پس ما مقداری پول تهیه کردیم و لباسی برایش خریدیم و برای مخارج او پولی فرستادیم. چند ماهی بیش نگذشت که مریض شد. روزی به عیادتش رفتم، در حال جان دادن بود؛ پس چشم باز کرد و گفت: علی بن ابی حمزه! به خدا قسم! دوست تو حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به وعده ی خود وفا کردند. پس چون از دنیا رفت و کار کفن و دفن او را انجام دادیم خدمت حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ رفتم. همین که چشم امام عَلَیْهِ السَّلَامُ به من افتاد فرمودند:

«ای علی! به وعده ی خود نسبت به دوست تو وفا کردیم. عرض کردم: صحیح می فرمائید فدای شما شوم! هنگام مرگ، خودش هم به من گفت.» (1)

ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ درباره ی کار کردن برای حکومت ظالمین سوال کردم فرمودند:

«نه! هرگز! حتی قلم ایشان را در دوات زدن ممنوع است. همانا یکی از ایشان چیزی از دنیایش را به کسی نمی دهد مگر آنکه به همان مقدار، از دین او بگیرد.» (2)

ص: 186

1- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: كَانَ لِي صَدِيقٌ مِنْ كُتَّابِ بَنِي أُمَيَّةَ فَقَالَ لِي اسْتَأْذِنْ لِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَأْذَنْتُ لَهُ عَلَيْهِ فَأَذِنَ لَهُ فَلَمَّا أَنْ دَخَلَ سَلَّمَ وَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي كُنْتُ فِي دِيْوَانِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَأَصَبْتُ مِنْ دُنْيَاهُمْ مَا لَا كَثِيرًا وَأَعْمَصْتُ فِي مَطَالِبِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ لَا أَنْ بَنِي أُمَيَّةَ وَجَدُوا مَنْ يَكْتُبُ لَهُمْ وَيَجِبِي لَهُمُ الْفِيءَ وَيَقَاتِلُ عَنْهُمْ وَيَسْهُدُ جَمَاعَتَهُمْ لَمَا سَلَبْنَا حَقَّنَا وَ لَوْ تَرَكَهُمُ النَّاسُ وَمَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا وَجَدُوا شَيْئًا إِلَّا مَا وَقَعَ فِي أَيْدِيهِمْ قَالَ فَقَالَ الْفَتَى جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ لِي مَخْرَجٌ مِنْهُ قَالَ إِنْ قُلْتَ لَكَ تَفَعَّلَ قَالَ أَفَعَلَ قَالَ لَهُ فَاخْرُجْ مِنْ جَمِيعِ مَا اِكْتَسَبْتَ فِي دِيْوَانِهِمْ فَمَنْ عَرَفْتَ مِنْهُمْ رَدَدْتَ عَلَيْهِ مَالَهُ وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ تَصَدَّقْتَ بِهِ وَأَنَا أَضْمَنُ لَكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ قَالَ فَأَطْرَقَ الْفَتَى رَأْسَهُ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ ابْنُ أَبِي حَمْرَةَ فَرَجَعَ الْفَتَى مَعَنَا إِلَى الْكُوفَةِ فَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى ثِيَابُهُ الَّتِي كَانَتْ عَلَى بَدَنِهِ قَالَ فَفَسَدَتْ لَهُ فِسْدًا مَةً وَاسْتَرَيْنَا لَهُ ثِيَابًا وَبَعَثْنَا إِلَيْهِ بِنَفَقَةٍ قَالَ فَمَا أَتَى عَلَيْهِ إِلَّا أَشْهُرٌ قَلِيلٌ حَتَّى مَرَضَ فَكُنَّا نَعُودُهُ قَالَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ يَوْمًا وَهُوَ فِي السُّوقِ قَالَ فَفَتَحَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ وَفَى لِي وَاللَّهِ صَاحِبِكَ قَالَ ثُمَّ مَاتَ فَتَوَلَّيْنَا أَمْرَهُ فَخَرَجْتُ حَتَّى دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ يَا عَلِيُّ وَفِينَا وَاللَّهِ لَصَاحِبِكَ قَالَ فَقُلْتُ صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَكَذَا وَاللَّهِ قَالَ لِي عِنْدَ مَوْتِهِ. كافي 5/106

2- . عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَعْمَالِهِمْ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَ لَا مَدَّةَ قَلَمٍ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئًا إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ قَالَ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ. كافي 5/106

محمد بن مسلم هم گوید: بر در خانه ی حضرت باقر علیه السلام نشسته بودم؛ پس امام علیه السلام نظر کرده و دیدند که مردم، فوج فوج مشغول رفتن به جایی هستند. امام علیه السلام پرسیدند: در مدینه خبری شده است؟ کسی گفت: فدایتان شوم! والی جدیدی به مدینه وارد شده؛ پس مردم از یکدیگر سبقت می گیرند تا به (استقبالش رفته و به) او تبریک گویند! حضرت تصادق علیه السلام فرمودند:

«امروز به او تبریک می گویند در حالی که او یکی از درهای آتش جهنم است.» (1)

ابن ابی یعفور هم در گزارشی عجیب روایت کند که در خدمت امام ششم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام بودم که مردی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: خدا امورتان را اصلاح کند! بعضی از ما دچار تنگدستی شده و در همین احوال، برای کارهایی چون مشاغل ساختمانی و امثال آن، از طرف دولت، دعوت به کار می شویم، نظر مبارک شما در این باره چیست؟ فرمودند:

«من دوست ندارم گرهی برای آنان بزنم یا در مشک آب را برای ایشان ببندم؛ در حالی که در مقابل این عمل، مدینه مال من باشد. نه! نه! من حاضر نیستم قلم ایشان را در مرکب بزنم. همانا اعوان و یاران ظالمان در روز قیامت در خیمه ای از آتش هستند تا خدای تبارک و تعالی به حساب مردم رسیدگی کند.» (2)

یحیی بن ابراهیم نیز گوید:

«به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فلانی و فلانی و فلانی سلام رسانده اند فرمودند: سلام بر آنها. عرض کردم: از شما تقاضای دعا دارند. امام علیه السلام پرسیدند: چه گرفتاری دارند؟ عرض کردم: منصور دوانیقی (خلیفه عباسی) آنها را زندانی کرده است. فرمودند: آنها با منصور چکار داشتند. گفتم: منصور به آنها کاری واگذار نمود و بعد ایشان را زندانی کرد. فرمودند: «چرا با منصور همکاری می کنند؟ مگر من آنها را از این

ص: 187

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَابِ دَارِهِ بِالْمَدِينَةِ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَمْرُونَ أَفْوَجًا فَقَالَ لِبَعْضِ مَنْ عِنْدَهُ حَدَّثَ بِالْمَدِينَةِ أَمْرًا فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَوَلِيَّ الْمَدِينَةَ وَالِ فَعَدَا النَّاسُ يَهْتَنُّونَهُ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لِيُعْدَى عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ تَهْتَأُ بِهِ وَإِنَّهُ لَبَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ. کافی 5/107

2- . عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُ رَبِّمَا أَصَابَ الرَّجُلَ مِنَ الصَّنِيقِ أَوْ الشَّدَّةِ فَيَدْعَى إِلَى الْبِنَاءِ بَيْنِيهِ أَوْ النَّهْرِ يَكْرِيه أَوْ الْمُسِنَّةَ يُصَلِّحُهَا فَمَا تَقُولُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَحْبُّ أَنْي عَقَدْتُ لَهُمْ عُقْدَةً أَوْ وَكَيْتُ لَهُمْ وَكَاءَ وَإِنَّ لِي مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا لَا وَلَا مَدَّةَ بَقَلَمٍ إِنَّ أَعْوَانَ الظَّلْمَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي سُرَادِقٍ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَ الْعِبَادِ. کافی 107/5

کارها نهدی نکردم. همکاری با آنها آتش است» سپس دعا نموده و فرمودند: «خدایا دست منصور را از آنها کوتاه کن. راوی گفت: چون برگشتم آنها را آزاد کرده بودند.» (1)

در حدیث دیگر است که امام به حق ناطق حضرت جعفر بن محمد الصادق به یکی از اصحابشان فرمودند:

«آیا در امور حکومتی مداخله نمی کنی؟ عرض کرد: خیر! فرمودند: چرا؟ گفت: دینم را از دست ایشان می رهانم. فرمودند: واقعا به همین دلیل در مشاغل ایشان داخل نمی شود؟ عرض کرد: آری! امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: الآن دینت برایت سالم می ماند.» (2)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر آیه: "به ستمکاران، میل مکنید که آتش می سوزاندتان" فرمودند:

«مقصود، شخصی است که نزد سلطانی می رود و به مقداری که سلطان، دستش را در کیسه اش می کند تا به او عطایی بدهد، آرزومند زنده ماندنش است.» (3)

با آن که ساختن مسجد، ارزش و ثواب زیادی دارد به دستور داده اند که ظالمین را حتی در بنای مسجد، نباید یاری کرد؛ زیرا مسجد ساختن حاکم و حکومت ستمگر، حکم مسجد ضرار را دارد که بر اساس تقوا بنا نهاده نشده است. حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ظالمین و حکومت های جور را حتی در ساختن مسجد یاری نکنید.» (4)

امام صادق از قول پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ می فرماید:

«روز رستاخیز، ندایی بلند می شود که کجایند همکاران ستمگران و آنان که

ص: 188

1- . عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْـَاجِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَا نَ يُقْرِنُكَ السَّلَامُ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ فَقَالَ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قُلْتُ يَسْأَلُونَكَ الدُّعَاءَ فَقَالَ وَ مَا لَهُمْ قُلْتُ حَبَسَهُمْ أَبُو جَعْفَرٍ فَقَالَ وَ مَا لَهُمْ وَ مَا لَهُ قُلْتُ اسْتَ تَعْمَلُهُمْ فَحَبَسَهُمْ فَقَالَ وَ مَا لَهُمْ وَ مَا لَهُ أَلَمْ أَنَّهُمْ أَلَمْ أَنَّهُمْ أَلَمْ أَنَّهُمْ هُمُ النَّارُ هُمُ النَّارُ قَالَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اخْدَعْ عَنْهُمْ سُلْطَانَهُمْ قَالَ فَانصَرَفْتُ مِنْ مَكَّةَ فَسَأَلْتُ عَنْهُمْ فَإِذَا هُمْ قَدْ أُخْرِجُوا بَعْدَ هَذَا الْكَلَامِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. کافی 5 / 107

2- . عَنْ جَهْمِ بْنِ حَمِيدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا تَعْسَى سُلْطَانٌ هُوَ لَاءَ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ وَ لِمَ قُلْتُ فِرَاراً بِدِينِي قَالَ فَعَزَمْتُ عَلَى ذَلِكَ قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لِي الْآنَ سَلِمَ لَكَ دِينُكَ. کافی 5 / 108 و تهذيب الأحكام 6/332

3- . عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَأْتِي السُّلْطَانَ فَيُحِبُّ بَقَاءَهُ إِلَى أَنْ يَدْخُلَ يَدَهُ إِلَى كَيْسِهِ فَيُعْطِيَهُ. کافی 5 / 109

4- . عن ابن ابي عمير عن يونس بن يعقوب قال: قال لي أبو عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تُعْنَهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ. تهذيب الأحكام 6/338

برایشان دواتی آماده کرده و یا کیسه ای بسته و یا قلمی مهیا نموده اند؟ پس همه را با ستمگران محشور کنید.»(1)

و همچنین فرموده اند:

«روز قیامت، منادی ندا دهد "کجا ستمگران و یاران ایشان و آنهایی که خود را شبیه ایشان کرده اند". پس حتی آنهایی که قلمی برایشان تراشیده یا مرکبی آماده کرده اند همه را حاضر کرده و در تابوتی از آهن قرار داده و در آتش می افکنند.»(2)

و در روایت دیگری است که مردی به خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و قسم های مؤکد یاد نمود که از دوستان آن حضرت است؛ ولی امام علیه السلام روی از او برگردانده و به او نظر نینداختند؛ پس آن مرد به سمت صورت آن بزرگوار رفته و دومرتبه سخنش را تکرار نمود و باز امام علیه السلام از او روی برگرداندند و اینکار، سه بار تکرار شد؛ پس امام صادق علیه السلام به او فرمودند: «ای مرد! معاشرت را چگونه تأمین می کنی؟ گفت: در خدمت دربار سلطانم؛ ولی با این حال دوستدار شما هستم. حضرت فرمودند:

«جدّ اطهرم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «روز رستاخیز، ندایی بلند می شود که کجا ستمگران و یاران یاران ستمگران و آنان که برایشان دواتی آماده کرده و یا قلمی مهیا نموده اند؟ کجا ستمگرانی که با ایشان ساعتی نشست و برخاست کرده اند؟ پس همه را در خانه ای آتشین جمع کرده و پس از مفارقت از حساب بندگان به آتش در افکنند.»(3)

ص: 189

- 1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الظُّلْمَةُ وَ أَعْوَانُ الظُّلْمَةِ وَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاتًا أَوْ رَبَطَ لَهُمْ كَيْسًا أَوْ مَدَّهُمْ بِمَدَّةٍ قَلِمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ. ثواب الأعمال / 260
- 2- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الظُّلْمَةُ وَ أَعْوَانُ الظُّلْمَةِ وَ أَشْبَاهُ الظُّلْمَةِ حَتَّى مِنْ بَرِي لَهُمْ قَلَمًا أَوْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاةً فَيَجْعَلُونَ فِي تَابُوتٍ حَدِيدٍ ثُمَّ يُرْمَى بِهِمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ. وسائل الشيعة / 17 / 182 و مجموعه ورام 1/54
- 3- . رَوَى فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ فَمَتَّ لَهُ بِالْإِيمَانِ أَنَّهُ مِنْ أَوْلِيَائِهِ فَوَلَّى عَنْهُ بِوَجْهِهِ فَدَارَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ وَ عَاوَدَ الْيَمِينَ فَوَلَّى عَنْهُ فَأَعَادَ الْيَمِينَ ثَالِثَةً فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا هَذَا مِنْ أَيْنَ مَعَاشِكَ فَقَالَ إِنِّي أَخَذْتُ مِنَ السُّلْطَانِ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَكَ مُحِبٌّ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَى أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَ الظُّلْمَةُ أَيْنَ أَعْوَانُ الظُّلْمَةِ أَيْنَ مَنْ بَرَى لَهُمْ قَلَمًا أَيْنَ مَنْ لَاقَ لَهُمْ دَوَاةً أَيْنَ مَنْ جَلَسَ مَعَهُمْ سَاعَةً فَيُؤْتَى بِهِمْ جَمِيعًا فَيُؤْمَرُ بِهِمْ أَنْ يُضْرَبَ عَلَيْهِمْ بِسُورٍ مِنْ نَارٍ فَهُمْ فِيهِ حَتَّى يَفْرَغَ النَّاسُ مِنَ الْحِسَابِ ثُمَّ يُرْمَى بِهِمْ إِلَى النَّارِ. عوالي اللئالی 4/69

یکی دیگر از وظایف شیعیان در زمان غیبت، تقیه یعنی مخفی کردن عقیده و عمل از دشمنان به داعیه ی حفظ جان و مال و ناموس خود و یا سایر شیعیان است.

محمد بن مسلم از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«هرچه امر ظهور نزدیک تر شود تقیه شدیدتر خواهد شد.» (1)

حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چون بر پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل شد: ادْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. فرمودند: به من دستور تقیه داده اند. پس ده سال مردم را پنهانی ارشاد می کردند تا دستور آمد که آشکارا امر رسالت را اعلان کنند. حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز همین طور دستور داشتند؛ سپس هر یک از امامان به امام دیگری همین سفارش را می کردند و آنها در تقیه بودند تا قیام کننده ی ما برخیزد که در آن موقع، دیگر بساط تقیه جمع خواهد شد و شمشیر از نیام کشیده می شود و چیزی از مردم نمی گیرد و به آنها چیزی نمی دهد مگر با شمشیر.» (2)

حسین بن خالد گوید: امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«کسی که ورع نداشته باشد دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد. گرامی ترین شما نزد پروردگار کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند. گفتند: ای فرزند رسول خدا! تا به کی؟ فرمودند: تا روز وقت معلوم که روز خروج قیام کننده ی ما اهل بیت است، و کسی که تقیه را پیش از خروج قائم عَلَیْهِ السَّلَامُ ترک کند از ما نیست. گفتند: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمودند: چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، خداوند به واسطه ی وی، زمین را از هر ستمی پاک گرداند و از هر ظلمی منزه سازد و او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت کند و آنگاه که خروج کند

ص: 190

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلَّمَا تَقَارَبَ هَذَا الْأَمْرُ كَانَ أَشَدَّ لِلتَّقِيَّةِ. محاسن 1 / 259

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ادْفَعِ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَمَرْتُ بِالتَّقِيَّةِ فَسَارَّ بِهَا عَشْرًا حَتَّى أَمَرَ أَنْ يَصْدَعَ بِمَا أَمَرَ وَأَمَرَ بِهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَارَّ بِهَا حَتَّى أَمَرَ أَنْ يَصْدَعَ بِهَا ثُمَّ أَمَرَ الْأَيْمَةَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَسَارُّوا بِهَا فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَّةُ وَجَرَدَ السَّيْفُ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النَّاسِ وَلَمْ يُعْطِهِمْ إِلَّا بِالسَّيْفِ. بحار الأنوار 24 / 47

زمین به نورش روشن گردد و در میان مردم، میزان عدالت وضع کند و هیچ کسی به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او پیچیده شود و سایه ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان، نداکننده ای او را به نام ندا کند و به وی دعوت نماید به گونه ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می گوید: «الَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ» یعنی؛ آگاه باشید که حجت خدا کنار بیت الله ظهور کرده پس او را پیروی کنید که حق با او و در اوست. و این همان قول خدای تعالی است که فرموده است: **إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**. (1) «(2)

وظیفه پانزدهم: کمک به حفظ جامعه اسلامی از طریق مواسات با برادران

مواسات مانند «أسوه»، از ماده «أسو» است. این ماده بر درمان و تیمار و اصلاح کردن، دلالت دارد، فیروزآبادی در معنای «مواسات» می گوید:

"مواسات یعنی از مال خود به او بخشید و او را در آن شریک گردانید. و مواسات، در جایی است که شخص از کفاف (مورد نیاز) خود، به کسی ببخشد، و اگر از اضافه کفافش بدهد، مواسات نیست." (3)

ازهری با افزودن معنایی دیگر برای «مواسات» می نویسد:

"گفته می شود: «هو یؤاسی فی ماله»، یعنی: مال خود را به طور مساوی تقسیم می کند (می بخشد)" (4)

ص: 191

1- الشعراء/ 4.

2- . عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَعِيَّةَ لَهُ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّعِيَّةِ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى قَالَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمُ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَمَنْ تَرَكَ التَّعِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَيُقَدِّسُ بِهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَهُوَ الَّذِي يَشُكُّ النَّاسُ فِيهِ وَلَا دِيْنَهُ وَهُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَهُوَ الَّذِي يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ. إعلام الوری / 434 و کمال الدین / 2 / 371 و بحار الأنوار / 52 / 321

3- . القاموس المحيط / 4 / 299 .

4- . معجم تهذيب اللغة / 1 / 163

بنابراین، همدردی با دیگران و شریک ساختن آنان در بهره‌گیری از مواهب زندگی، از آن جهت که نوعی درمان و اصلاح اجتماعی است، «مواسات» نامیده می‌شود.

نکته قابل توجه در «مواسات مالی»، این است که شرط تحقق آن، نیازمند بودن شخص به چیزی است که در اختیار دیگران می‌گذارد.

به بیان روشن‌تر، کمک کردن به دیگران، سه درجه دارد که هر یک، عنوانی خاص و ارزشی متفاوت با دیگری دارد:

درجه اول: کمک کردن به نیازمندان از مازاد بر نیاز خود است که این نوع از کمک کردن، با توجه به چگونگی آن، «انفاق»، «اهدا»، «صدقه» و «سختا» و امثال آن نامیده می‌شود.

درجه دوم: شریک کردن نیازمندان با خویش و سهمیم کردن آنها در آنچه خود بدان نیازمند و علاقه‌مند است. این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود.

درجه سوم: واگذار کردن همه آنچه خود بدان نیاز دارد، به دیگران. این نوع از کمک‌رسانی، از بالاترین ارزش‌های اخلاقی شمرده می‌شود و «ایثار» نام دارد.

ایثار که کار آل الله است ولی از ما مواسات خواسته‌اند؛ یعنی برادران دینی مان را در همان چیزی که خود بدان نیازمندیم سهمیم کنیم.

ائمه بزرگوار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ درباره اهمیت مواسات تاکیدات فراوانی داشته‌اند به عنوان مثال پیامبر اکرم صَدَّ لِي آلُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فرموده‌اند:

«سید اعمال، سه چیز است: انصاف داشتن با مردم، مواسات نسبت به برادر [دینی]، و همواره به یاد خداوند متعال بودن» (1)

و امام کاظم حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند:

«مؤمن با چیزی برتر از مواسات نسبت به مؤمن، به خداوند عزوجل نزدیک نشده است.» (2)

اما این عمل عبادی ارزشمند، در زمان غیبت مورد تاکید بیشتری قرار گرفته و از وظایف منتظران قلمداد شده است.

ص: 192

1- . النبي صَدَّ لِي آلُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثٌ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ. خصال 125 / 1

2- . الكاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقَرَّبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مُوَاسَاةِ الْمُؤْمِنِ. جامع الاحاديث قمی 192/

مفضّل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السّلام از معنای قول خدای تعالی که می فرماید: " وَ الْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ " پرسیدم. فرمودند:

«(العصر) عصر خروج مهدی علیه السّلام است. إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ یعنی دشمنان ما خسارت می کنند. إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا یعنی کسانی که به آیات ما ایمان دارند، وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یعنی با برادران دینی خویش مواسات می کنند وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ یعنی به امامت، وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ یعنی یکدیگر را در دوران فترت و غیبت امام علیه السّلام به صبر توصیه می کنند.»(1)

وظیفه شانزدهم: دوری از تفرقه

یکی از رذائلی که همواره موجب اذیت ائمه علیهم السّلام بوده، تفرقه در بین دوستان و شیعیان است. به همین دلیل در بعضی از روایاتی که خواهد آمد، این مورد ناپسند را به عنوان یکی از عوامل غیبت و محرومیت از ملاقات با امام زمان علیه السّلام بر شمرده اند.

حضرت صاحب الامر علیه السّلام در نامه ای که برای شیخ مفید نوشته اند فرموده اند:

«... هر چند ما در جایی منزل کرده ایم، که از محل سکونت ستمگران دور است و این هم به علتی است که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را تا زمانی که دولت دنیا از آن فاسقان می باشد در این دیده است، ولی در عین حال، از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی ماند. ما از لغزش هایی که از بعضی شیعیان سر می زند از وقتی که بسیاری از آنها میل به بعضی از کارهای ناشایسته ای نموده اند که نیکان گذشته از آنها احتراز می نمودند و پیمانی که از آنها برای توجه به خداوند و دوری از زشتی ها گرفته شده و آن را پشت سر انداخته اند اطلاع داریم. گویا آنها نمی دانند که ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می آورد و دشمنانتان، شما را از میان می بردند. تقوی پیشه سازید و به ما اعتماد کنید و چاره این فتنه و امتحانی را که به شما رو آورده است از ما

ص: 193

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَعْنِي أَعْدَاءَنَا إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي بِأَيَاتِنَا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَعْنِي بِمُؤَاسَاةِ الْإِخْوَانِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ يَعْنِي بِالْإِمَامَةِ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ يَعْنِي فِي الْفِتْرَةِ. كمال الدين 2 / 656

بخواهید. امتحانی که هر کسی مرگش رسیده باشد، در آن نابود می‌گردد و آن کسی که به آرزوی خود رسیده باشد از ورطه آن به سلامت، بیرون می‌رود. آن فتنه و امتحان، علامت حرکت ما و امتیاز شما در برابر اطاعت و نافرمانی ماست. خداوند هم نور خود را کامل می‌گرداند هر چند مشرکان نخواهند. اگر شیعیان ما "که خداوند توفیق طاعتشان دهد"، با یکدیگر، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان، چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم». (1) جمعی از یاران مورد وثوق حضرت عسکری علیه السلام گزارش داده اند که آن امام بزرگوار، فرزند خویش حضرت مهدی علیه السلام را به ما که چهل نفر بودیم نشان داده و فرمودند:

«این آقا، امام شما پس از من است؛ پس در بین خویش دچار تفرقه نشوید که به هلاکت مبتلا خواهید شد و شما از این روز به بعد او را نخواهید دید.» (2)

در جریان تشرف علی بن ابراهیم بن مهزیار (3) در دوران غیبت صغری به خدمت امام زمان علیه السلام که توسط شیخ طوسی و دیگر بزرگان شیعه روایت شده، نکات مهمی پیرامون بحث مورد نظر ماست که در اینجا به نقل آن می‌پردازیم. او که خود از خاندان علم و تقوی است، داستان تشرفش خدمت امام عصر علیه السلام را اینگونه تعریف می‌کند: من بیست مرتبه

ص: 194

1- . قَدْ كَتَبَ إِلَى الشَّيْخِ الْمُفِيدِ نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا النَّائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي أَرَادَهُ اللَّهُ لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِيَسْبِعَتْنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا نَحِيْطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ [و مَعْرِفَتْنَا بِالذَّلِّ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُدَّ جَدِّحٍ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَايِعًا وَ تَبَدُّوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ] وَ إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَلْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَانْقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَ عَلَى انْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَدْ أَنَاَفَتْ عَلَيْكُمْ يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حَمَّ أَجْلُهُ وَ يُحْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ وَ هِيَ أَمَارَةٌ لِأَرْوَفِ حَرَكَتِنَا وَ مُبَائِتِكُمْ بِأَمْرِنَا وَ نَهْيِنَا وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ لَوْ أَنَّ أَشَدَّ يَاعَنَا [وَفَقَّهُمُ اللَّهَ لِيَطَاعَتِهِ] عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ... الخرائج و الجرائح 2/ 902 و بحار الانوار 53/177 و احتجاج 2/ 499

2- . محمد بن أيوب بن نوح و محمد بن عثمان العمري قالوا عرض علينا العسكري عليه السلام ابنه و نحن أربعون رجلا و قال هذا إمامكم بعدي فلا تفرقوا فتهلكوا في أديانكم أما إنكم لا ترونه بعد يومكم هذا. الصراط المستقيم 2/ 232

3- . وی فرزند ابراهیم بن مهزیار و برادرزاده علی بن مهزیار است که از اصحاب چهار تن از ائمه علیهم السلام بوده است.

به حج بیت الله الحرام مشرف شدم و در تمام این سفرها قصدم دیدن مولایم امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ بود؛ ولی در این سفرها هرچه بیشتر تفحص کردم، کمتر موفق به یافتن اثری از آن حضرت گردیدم. بالا-خره مأیوس شده و تصمیم گرفتم که دیگر به مکه نروم. وقتی که دوستان، عازم مکه بودند، به من گفتند مگر امسال به مکه مشرف نمی شوی؟ گفتم: نه! امسال گرفتاری هایی دارم و قصد رفتن به مکه را ندارم. شبی در عالم خواب شنیدم کسی می گوید: ای علی بن ابراهیم بن مهزیار! خداوند به تو فرمان داده که امسال نیز به حج روی. آن شب را هر طور بود به صبح آوردم، و با امیدی مهبیای سفر شدم، وقتی رفقا مرا دیدند تعجب کردند؛ ولی به آنها از علت تغییر عقیده ام چیزی نگفتم. شب و روز مراقب موسم حج بودم تا آنکه موسم حج فرا رسید و کارم را آماده کرده، با دوستان به آهنگ حج، رهسپار مدینه شدم. چون به سرزمین مدینه رسیدم از بازماندگان امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ جو یا شدم، اثری از آنها نیافتم و خبری نگرفتم. در آنجا نیز پیوسته در این باره فکر می کردم تا آنکه به قصد مکه از مدینه خارج شدم. پس به سرزمین جحفه رسیدم و یک روز در آنجا ماندم. در مسجد جحفه نماز گزاردم؛ سپس صورت به خاک نهاده و برایشرف خدمت اولاد امام یازدهم عَلَیْهِ السَّلَامُ به درگاه خداوند متعال، دعا و تضرع فراوان کردم. آنگاه به سمت عسفان و از آنجا به مکه رفتم و چند روزی در آنجا ماندم و به طواف خانه ی خدا و اعتکاف در مسجدالحرام پرداختم. پس از اعمال حج، دائماً در گوشه ی مسجد الحرام تنها می نشستم و فکر می کردم. گاهی با خودم می گفتم، آیا خوابم راست بوده یا خیالاتی بوده است که در خواب دیده ام.

شبی در مطاف، جوان زیبا و خوش بویی را دیدم که به آرامی راه می رود و در اطراف خانه ی خدا طواف می کند. دلم متوجه او شد. برخاستم و به جانب او رفتم. تا متوجه من شد، پرسید: اهل کجایی؟ گفتم: از اهل عراقم. پرسید: کدام عراق؟ گفتم: اهواز. پرسید: خصیب (ابن خصیب) را می شناسی؟ گفتم: خدا او را رحمت کند از دنیا رفت. گفت:

خدا او را رحمت فرماید که شب ها را بیدار بود و بسیار به درگاه خداوند می نالید و اشکش پیوسته جاری بود.

آنگاه پرسید: علی بن ابراهیم مهزیار را می شناسی؟ گفتم: بله! خودم هستم. گفت: ای ابوالحسن! خدا تو را حفظ کند. علامتی را که میان تو و امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ بود چه کردی؟ گفتم: اینک نزد من است. گفت: آن را بیرون آور. پس دست در جیب کردم و

آن را در آوردم. موقعی که آن را دید نتوانست احساساتش را کنترل کند و دیدگانش پر از اشک شد و زار زار گریست، به طوری که لباس هایش از سیلاب اشک، تر شد. آنگاه فرمود: ای پسر مهزیار! در پی چه هستی؟ گفتم: مشتاق دیدار امام محجوب عالم هستم. گفت: او محجوب نیست؛ بلکه اعمال شما او را از شما محجوب ساخته است. به محل اقامت خود برگرد، و با رفقایت خداحافظی کن، و چون شب فرارسید، به جانب "شعب بنی عامر" بیا که مرا در آنجا خواهی دید. من با خوشحالی فوق العاده ای به منزل رفتم، و وسائل سفر را جمع کردم و با رفقا خداحافظی نمودم و گفتم برایم کاری پیش آمده که باید چند روزی به جایی بروم. پس چون شب شد، خود را به "شعب بنی عامر" رساندم. دیدم همان جوان ایستاده و مرا صدا می زند: ای ابوالحسن! نزد من بیا. وقتی نزدیک وی رفتم، به من گفت پیاده شو تا نماز شب بخوانیم. پس از نماز شب، امر فرمود سجده کنم و تعقیب بخوانم. سپس سوار شدیم و راه افتادیم تا طلوع فجر دمید، پیاده شدیم و نماز صبح را خواندیم. وقتی که نمازش را تمام کرد سوار شد و به من هم دستور داد سوار شوم. من هم سوار شدم و با وی حرکت نمودم تا آنکه قله کوه طائف پیدا شد. هوا قدری روشن شده بود. پرسید: آیا چیزی می بینی؟ گفتم: آری! تل ریگی می بینم که خیمه ای بر بالای آن است و نور داخل آن، تمام صحرا را روشن کرده است! گفت: بله! درست است، منزل مقصود، همان جاست، جایگاه مولا و محبوب ما، در همان جا قرار دارد. سپس گفت: بیا برویم. وقتی مسافتی از راه را رفتیم، گفت: پیاده شو که در اینجا سرکشان، ذلیل، و جباران، خاضع می گردند. گفتم: شترها را چه بکنیم؟ گفت: اینجا حرم قائم آل محمد علیهم السلام است. کسی جز افراد با ایمان بدین جا راه نمی یابد، و هیچ کسی، جز مؤمن از اینجا بیرون نمی رود. پس مهار شتر را رها کردم، و به من دستور داد تا در بیرون چادر توقف کنم. وقتی برگشت، گفت: داخل شو که در اینجا جز سلامتی چیزی نیست. بشارت باد به تو، اذن دخول صادر شد.

وقتی وارد شده چشمم به جمال آقا افتاد، سلام کرده با شتاب به سویش رفته و خود را به دست و پای ایشان انداختم و صورت و دست و پای آن حضرت را بوسیدم. دیدم آن حضرت بر جایی نشسته اند، پارچه ای بر روی لباس پوشیده که قسمتی از آن را روی دوش مبارک انداخته اند. اندامشان در لطافت مانند گل بابوبه و رنگ مبارکشان گندمگون و در سرخی همچون گل ارغوانی است؛ ولی در عین حال چندان سرخ نبود. قطراتی از عرق

مثل شبنم بر آن نشسته بود، پاکیزه و پاک سرشت و نه بسیار بلند قد و نه چندان کوتاه بود؛ بلکه متوسط القامه، سر مبارکشان، گرد، پیشانی گشاده، ابروانش بلند و کمانی، بینی کشیده و میان برآمده، صورت کم گوشت، و بر گونه راستشان خالی سیاه بود (پدر و مادرم به فدای تو ای صاحب الزمان). وقتی سلام کردم، جوابی از سلام خود بهتر شنیدم. فرمودند: ای ابوالحسن! ما شب و روز منتظر ورودت بودیم، چرا این قدر دیر نزد ما آمدی؟

عرض کردم: آقای من! تاکنون کسی را نیافته بودم که دلیل و راهنمای من به سوی شما باشد.

فرمودند: آیا کسی را نیافتی که تو را دلالت کند؟! بعد انگشت مبارک را به روی زمین کشیده؛ سپس فرمودند: «لَا وَ لَكِنَّكُمْ كَثَرْتُمْ الْأَمْوَالَ وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَى ضِعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قَطَعْتُمْ الرَّحِمَ الَّذِي بَيْنَكُمْ، فَأَيُّ عُدْرٍ لَكُمْ الْآنَ؟» نه! لکن شماها امواتان را فزونی بخشیدید، و بر بینوانان از مؤمنین سخت گرفته، آنان را سرگردان و بیچاره کردید، و رابطه ی خویشاوندی را در بین خود بریدید (صله رحم انجام ندادید) دیگر شما چه عذری دارید؟

گفتم: توبه، توبه! عذر می خواهم. ببخشید، نادیده بگیرد. سپس فرمودند: ای پسر مهزیار، اگر نبود که بعضی از شما برای بعضی دیگر استغفار می کنید، تمام کسانی که بر روی زمین هستند، نابود می شدند به جز خواص شیعه؛ همان هایی که گفتارشان با رفتارشان یکی است؛ سپس مرا مخاطب ساختند و احوال مردم عراق را پرسیدند. عرض کردم: آقا چرا شما از ما دور و آمدنتان به طول انجامیده است؟ فرمودند: پسر مهزیار، پدرم، از من پیمان گرفته و به من امر فرموده که جز در کوه های سخت و بیابان های هموار نمانم. به خدا قسم! مولای شما امام حسن عسکری علیه السلام خود، رسم تقیه پیش گرفت و مرا نیز امر به تقیه فرمودند، و اکنون من در تقیه به سر می برم تا روزی که خداوند به من اجازه دهد و قیام کنم.

عرض کردم: آقا! چه وقت قیام می فرمایید؟ فرمودند: موقعی که راه حج را بر روی شما بستند و خورشید و ماه در یک جا جمع شدند و نجوم و ستارگان در اطراف آن به گردش درآمدند. عرض کردم: یابن رسول الله اینها کی خواهد بود؟

فرمودند: در فلان سال، دابه الارض، در بین صفا و مروه قیام کند در حالی که عصای موسی و انگشتر سلیمان با او باشد و مردم را به سوی شَرِّ سوق دهد... به سوی کوفه می آیم و مسجد آن را ویران می کنم و طبق ساختمان اول، آن را بنا می کنم و

ساختمان هایی را که ستمگران ساخته اند خراب می نمایم. و به همراه مردم حجّ اسلامی را انجام می دهم و به مدینه می روم، حجره و اطاق خاص حضرت رسول صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را خراب کرده، آن دو تن را که در آنجا مدفون هستند، بیرون می آورم و دستور می دهم آنها را با بدن های تازه به کنار بقیع بیاورند. امر می کنم آنها را به دو شاخه ی خشکیده به دار بیاورزند و مردم به وسیله ی آن دو، آزمایش می شوند، اما سخت تر از آزمایش اول. منادی از آسمان صدا می زند! ای آسمان! نابود کن. و ای زمین! بگیر. در آن روز بر روی زمین کسی باقی نمی ماند جز مؤمنی که قلبش خالص به ایمان باشد. عرض کردم: مولای من! بعد از آن چه می شود؟ فرمود: رجعت، رجعت!»(1)

خوب در این ماجرا تأمل فرمایید و بنگرید که امام عزیز ما عَلَیْهِ السَّلَام از ما چه انتظاراتی دارند.

وظیفه هفدهم: پرهیز از شک و ریب

اما تکلیف بعدی ما در این ایام، اجتناب از شک و تردید در دین و ولایت است. عبدالله کاهلی از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

«به یکدیگر بیبوندید و نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید، پس سوگند به آنکه دانه را شکافته و جانداران را از نیستی آفریده، شما را روزی فرا رسد که هیچ یک از شما جایی برای درهم و دینارش نیابد (یعنی به هنگام دولت امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَام محلی که در آن درهم و دینار خود را صرف کنید نیابید به خاطر بی نیازی همه ی مردم که با فضل خدا و ولیّ او حاصل شده است) عرض کردم: آن کی و چگونه خواهد بود؟ فرمودند: هنگامی که امامتان را نیابید، و همچنان باقی خواهید بود تا بر شما آشکار گردد بداندانان که خورشید بر دمد، در حالی که نومیدانه به سر می برید، شما را برحذر می دارم از شک و دودلی، ناباوری ها را از خود دور کنید، من شما را برحذر داشتم، پس برحذر باشید، کامیابی و هدایت شما را از خدا می خواهم.»(2)

ص: 198

1- . غیبت طوسی / 263 و دلائل الامامه / 541

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: تَوَاصَّ لُمُوا وَ تَبَاؤُوا وَ تَرَاخَمُوا فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ السَّيِّئَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَ قَدْ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ دِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْني لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ وَ فَضْلِ وَلِيِّهِ فَقُلْتُ وَ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ - فَقَالَ عِنْدَ فَقْدِكُمْ إِمَامَكُمْ فَلَا تَرَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَطَّلَعَ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطَّلَعُ الشَّمْسُ آيسَ مَا تَكُونُونَ فَأَيُّكُمْ وَ الشَّكَّ وَ الْإِزْتِيَابَ وَ انْفُؤَا عَن أَنْفُسِكُمُ الشُّكُوكَ وَ قَدْ حَدَّرْتُكُمْ فَأَحْذَرُوا أَسْأَلُ اللَّهَ تَوْفِيقَكُمْ وَ إِشَادَتَكُمْ. غیبت نعمانی / 150

حضرت ثامن الحجج عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز به سند پدران بزرگوار خویش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ نقل کرده اند که فرمودند:

«قسم به کسی که مرا به بشارت، مبعوث کرد! به تحقیق که مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست غایب شود تا جایی که اکثر مردم بگویند: خدا را در خاندان محمد حاجتی نیست. و دیگران در اصل ولادت او شک کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود بایستی به دینش چنگ زده، مراقب آن باشد و به واسطه شک خود، راه شیطان را باز نسازد تا مبادا شیطان، او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد که او پیشتر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی ایمانان قرار داده است.»(1)

ابن عباس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ روایت کند که فرمودند:

«علی بن ابی طالب پس از من، امام امت و خلیفه ی من بر آنها خواهد بود و قیامکننده ی منتظری که زمین را پر از عدل و داد نماید همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد از فرزندان اوست و قسم به خدایی که مرا بشیر و نذیر مبعوث فرمود! کسانی که در دوران غیبتش بر اعتقاد به او ثابت قدم باشند از کبریت احمر کمیاب ترند. آنگاه جابر بن عبدالله انصاری برخاست و پیش آمد و گفت: آیا قائمی که از فرزندان توست غیبت دارد؟ فرمودند: به خدا چنین است تا در آن غیبت، مؤمنان باز شناخته شده و کافران نابود شوند، ای جابر! این امر از امور الهی و سرّی از اسرار ربوبی و مستور از بندگان خدا است، مبادا در آن شک کنی که شک در امر خدای تعالی کفر است.»(2)

ص: 199

1- . عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لِيُغَيِّبَنَّ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي بَعْدَ مَعْهُدٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشْكُ آخِرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيَزِيلَهُ عَنِّي وَ يُخْرِجَهُ مِنِّي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُوئِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. كمال الدين 51 / 1

2- . عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامٌ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا مِنْ بَعْدِي وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ لَا عَزُّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأَحْمَرِ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِلْقَائِمِ مِنْ وُلْدِكَ غَيْبَةٌ قَالَ إِي وَ رَبِّي وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ يَا جَابِرُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِيٌّ عَنِ عِبَادِ اللَّهِ فَإِيَّاكَ وَ الشَّكَّ فِيهِ فَإِنَّ الشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُفْرٌ. كمال الدين 287 / 1 و إعلام الوری / 424 بحار الأنوار 126 / 38

ابوحزمه ثمالی گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرمودند: خروج سفیانی از امور محتوم است. فرمودند:

«آری! دیگر از امور محتوم، اختلاف بنی عَبَّاس و قتل نفس زکیّه و خود قیام قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ است. گفتم: آن ندا چگونه خواهد بود؟ فرمودند: نداکننده ای در ابتدای روز از آسمان چنین ندا کند: بدانید حق با علی و شیعیان اوست و بعد از آن در آخر همان روز، ابلیس لعنه الله ندا کند که حق با سفیانی و شیعیان اوست؛ پس باطل جویان به شک و ریب در آیند.»(1)

ابوبصیر گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«سنت های انبیاء با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است همه در قائم ما اهل البیت موبه مو و طابق التعل بالتعل پدیدار می گردد.»

ابوبصیر گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! قیام کننده ی شما اهل البیت کیست؟ فرمودند:

«ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است او فرزند سیده کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند؛ سپس خدای تعالی او را آشکار کند و بر دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در زمین بقعه ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود و همه دین از آن خدای تعالی گردد، گرچه مشرکان را ناخوش آید.»(2)

ص: 200

1- . عن أبي حمزة الثمالي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام إن أبا جعفر عليه السلام كان يقول إن خروج السفيناني من الأمر المحتوم قال لي نعم و اختلافاً و ولد العباس من المحتوم و قتل النفس الزكية من المحتوم و خروج القائم عليه السلام من المحتوم فقلت له كيف يكون ذلك النداء قال ينادي مناد من السماء أول النهار ألا إن الحق في علي و شيعته ثم ينادي إبليس لعنه الله في آخر النهار ألا إن الحق في السفيناني و شيعته فيرتاب عند ذلك المبطلون. كمال الدين 2 / 345

2- . عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام يقول إن ستن الأنبياء عليهم السلام بما وقع بهم من العيبت حادثة في القائم منا أهل البيت حذو التعل بالتعل و القذة بالقذة قال أبو بصير فقلت يا ابن رسول الله و من القائم منكم أهل البيت فقال يا أبا بصير هو الخامس من ولد ابني موسى ذلك ابن سيدة الإمام يعقوب غيبة يرتاب فيها المبطلون ثم يظهره الله عز و جل فيفتح الله على يده مشارق الأرض و مغاربها و ينزل روح الله عيسى ابن مريم عليه السلام فيصلي خلفه و تشرق الأرض بنور ربها و لا تبقى في الأرض بقعة عبد فيها غير الله عز و جل إلا عبد الله فيها و يكون الدين كله لله و لو كره المشركون. كمال الدين 2/345

زراره گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند:

«برای امام زمان پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است، عرض کردم: چرا؟ فرمودند: می ترسد "و با دست اشاره به بدن خود کردند"...

زراره گوید: من عرض کردم: قربانتان شوم! اگر من به آن زمان رسیدم چکار کنم؟ فرمودند:

«ای زراره! اگر به آن زمان رسیدی، با این دعا خدا را بخوان: اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي سِيسِ فرمودند: «ای زراره! به ناچار جوانی در مدینه کشته می شود، عرض کردم: قربانتان شوم! مگر لشکر سفیانی او را نمی کشند؟ فرمودند: نه! بلکه او را لشکر آل بنی فلان بکشند، آن لشکر می آید تا وارد مدینه می شود و آن جوان را می گیرد و می کشد؛ پس چون او را از روی سرکشی و جور و ستم بکشند، مهلتشان به سر آید، در آن هنگام امید فرج داشته باش ان شاء الله.» (1)

و حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند به حضرت ابراهیم وحی فرستاد که به زودی فرزندی برای تو متولد خواهد شد! ابراهیم هم به ساره (همسرش) خبر داد: ساره گفت: من پیر زن هستم! پس خداوند متعال وحی فرستاد به سوی ابراهیم که ساره به خاطر رد کردن کلام من، به زودی فرزندی می آورد و اولادش چهار صد سال گرفتار خواهند بود. آنگاه حضرت فرمود: چون گرفتاری بنی اسرائیل به طول انجامید، چهل صبح رو به درگاه الهی آورده، به گریه و زاری پرداختند. خدا هم به موسی و هارون وحی فرستاد که (با امداد غیبی)، آنها را از شر فرعون نجات دهند و صد و هفتاد سال از چهار صد

ص: 201

1- . عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِلْغُلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَوْمَ قَالَ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ يَخَافُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ ... يَا زُرَّارَةَ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ أَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةَ إِذَا أَدْرَكْتَ هَذَا الزَّمَانَ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي ثُمَّ قَالَ يَا زُرَّارَةَ لَا بَدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَلَيْسَ يَقْتُلُهُ جَيْشُ السُّفْيَانِيِّ قَالَ لَا وَ لَكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ يَجِيءُ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَدِينَةَ فَيَأْخُذُ الْغُلَامَ فَيَقْتُلُهُ فَإِذَا قَتَلَهُ بَغِيًا وَ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا لَا يُمَهَّلُونَ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَقَّعِ الْفَرَجَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. کافی 1/337

سال گرفتاری آنها را بر ایشان بخشید. سپس امام ششم عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: دقیقاً شما هم به همین بلا دچار شوید؛ پس اگر مثل بنی اسرائیل به درگاه خداوند به گریه و زاری پردازید؛ خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد. اما اگر چنین نباشید، این سختی و غیبت تا پایان مدتش ادامه خواهد داشت.» (1)

پس ای برادران و خواهران ایمانی! بیایید تا همگی با هم، مضطرانه خدا را برای فرج مولایمان بخوانیم و هم و غم خویش را یکی کرده و مجالس را به نیت فرج آن بزرگوار برپا سازیم، شاید آن خدایی که به بنی اسرائیل ترحم کرد و ایشان را بخشید باقی مانده ی غیبت مولای ما را هم به ما ببخشد.

در خبری دیگر است که احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری عَلِيهِ السَّلَامُ وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از ایشان پرسش کنم؛ آن حضرت آغاز سخن کرده و فرمودند:

«ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم عَلِيهِ السَّلَامُ زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت. به واسطه ی اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد. گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاسته و داخل خانه شدند و سپس برگشتند در حالی که بر شانه ی ایشان کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید، فرمودند: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجت های او گرامی نبودی این فرزندم را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و ذو القرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کسی در آن نجات نمی یابد مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعاء

ص: 202

1- . عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَيُؤَلَّدُ لَكَ فَقَالَ لِسَارَةَ فَقَالَتْ أَلِدُ وَ أَنَا عَجُوزٌ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنَّهَا سَتَلِدُ وَيُعَذَّبُ أَوْلَادُهَا أَرْبَعِمِائَةَ سَنَةٍ بَرَدَهَا الْكَلَامَ عَلَيَّ قَالَ فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ صَبَّحُوا وَبَكَوْا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَّاحًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ مُوسَى وَ هَارُونَ يُخَلِّصُهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَ مِائَةَ سَنَةٍ قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَيَّ مُنْتَهَاهُ. تفسير عیاشی 154/2 و بحار الأنوار 4/118

دعای در غیبت

در اینجا به یک نمونه از دعاهایی که توصیه شده در زمان غیبت امام علیه السلام خوانده شود اشاره می کنم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَدَلْتُ عَنْ دِينِي اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّبْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وَلَايَةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى وَالَيْتَ وَلَايَةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ فَتَبَيَّنْ عَلَيَّ دِينَكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَلِيِّنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَتَبَيَّنْ عَلَيَّ طَاعَةَ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ فَإِذْ ذَاكَ غَابَ عَنْ بَرِّيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلِّمٍ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَدَّ لَأْحُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِتْرِهِ فَصَبِّرْنِي عَلَيَّ ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَهُ وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَهُ وَلَا أَنْازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضَ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِيِّنِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا لِأَمْرِكَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْإِرَادَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى تَنْظُرَ إِلَيَّ وَلِيَّتِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ظَاهِرِ الْمَقَالَةِ وَاصِحِ الدَّلَالَةِ هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا

ص: 203

1- . عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يُخَلِّهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَبِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَنَهَضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْرِعًا فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَعَلَى عَانِقِهِ غُلَامٌ كَانَ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَلَى حُجَّتِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكَيْفِيَّةِ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغِيبنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقَفَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ ... كَمَالِ الدِّينِ 2 / 384 و إعلام الوری 439

مِنَ الْجَهَالَةِ أَبْرَزُ يَا رَبِّ مَشَاهِدَهُ وَ ثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ نَقَرُ عَيْنُهُ بِرُؤْيِيهِ وَ أَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَ تَوَقَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ احْسُرْنَا فِي زُرْمَتِهِ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ
 مِنْ سَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ
 بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمُرِهِ وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ وَ أَعِنُّهُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ
 وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي وَ الْمُهْتَدِي وَ الْقَائِمُ الْمَهْدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّكِي الرَّضِي الْمَرْضِي الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ اللَّهُمَّ وَ لَا
 تَسَّ لُبْنَا الْيَقِينِ لَطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَ لَا تُسِّدْنَا ذِكْرَهُ وَ انْظَارَهُ وَ الْإِيْمَانَ وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَ الدُّعَاءَ لَهُ وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ
 حَتَّى لَا يُقْطَعَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ ظُهُورِهِ وَ قِيَامِهِ وَ يَكُونَ بَيِّنَةً فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ
 وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ وَ قَوْلُ بَنَاتِنَا عَلَى الْإِيْمَانِ بِهِ حَتَّى تَسَلِّمَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَ الْحُجَّةِ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى وَ قَوْلَنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ
 تَبَتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِرْزِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ لَا تَسَّ لُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَ لَا عِنْدَ وَفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَقَّفَنَا وَ نَحْنُ عَلَى
 ذَلِكَ غَيْرِ شَاكِيْنَ وَ لَا نَاكِيْثِيْنَ وَ لَا مُرْتَابِيْنَ وَ لَا مُكْذِبِيْنَ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ آيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ أَنْصُرْ نَاصِرِيَهُ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيَهُ وَ دَمِّرْ عَلَى مَنْ نَصَبَ
 لَهُ وَ كَذَّبَ بِهِ وَ أَظْهَرْ بِهِ الْحَقَّ وَ أَمْتْ بِهِ الْبَاطِلَ وَ اسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنَ الدُّلِّ وَ انْعَشْ بِهِ الْبِلَاءَ وَ افْتَلِّ بِهٖ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ أَقْصِمْ بِهِ
 رُغُوسَ الصَّلَاةِ وَ دَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِيْنَ وَ الْكَافِرِيْنَ وَ أَبْرِزْ بِهِ الْمُتَنَفِقِيْنَ وَ النَّاكِثِيْنَ وَ جَمِيعَ الْمُخَالِفِيْنَ وَ الْمُلْحِدِيْنَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ
 بَرَاهِمَا وَ بَحْرِيهَا وَ سَهْلِيهَا وَ جَبَلِيهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَاراً وَ تُطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا
 امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ اصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَ غَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضاً جَدِيداً صَاحِحاً لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ
 مَعَهُ حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِيْنَ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرَةِ نَبِيِّكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ
 بَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ وَ أَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ نَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِيْنَ وَ
 عَلَى شِيَعَتِهِمُ الْمُتَتَّبِعِيْنَ وَ بَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ أَفْضَلَ مَا يَأْمَلُونَ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ سُؤْبَهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ
 غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْإِيْمَانَ وَ غَيْبَةَ وَ لِيْنًا وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَ كَثْرَةَ
 عَدُوِّنَا وَ قَلَّةَ

عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَمَا فَرُجَ ذَلِكَ بِمَتَّحِ مِنْكَ تُعَجِّلْهُ وَنَصِّرِ مِنْكَ تَعِزَّهُ وَ إِمَامَ عَدْلٍ نُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِيُؤْتِيَكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بِنِيَةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَدْتَهُ وَلَا حِدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ وَلَا سَيْلًا حَالًا إِلَّا أَكَلْتَهُ وَلَا زَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شَجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ وَازْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَبِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَعَذَّبْ أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ دِينِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ بِيَدِ وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَرْدَ مَنْ كَادَهُ وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا وَأَقْطَعْ عَنْهُ مَا دَتَّهُمْ وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ وَزَلْزِلْ لَهُ أَقْدَامَهُمْ وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَعْتَةً وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عِقَابَكَ وَأَخْرِجْهُمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعُنْهُمُ فِي بِلَادِكَ وَأَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَأَصْلِبْهُمْ نَارًا وَأَحْسُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا وَأَصْلِبْهُمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَأَذَلُّوا عِبَادَكَ اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بُولِيكَ الْقُرْآنَ وَارِنَا نُورَهُ سَدْرَ مَدَا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوُغْرَةَ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّي سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَمَمَّنْ لَا حَاجَةَ لَهُ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ السُّوءَ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَاكْشِفْ يَا رَبِّ الضَّرَّ عَنَّا وَلِيِّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا صَمِنْتَ لَهُ اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَاجْرِنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَايْرًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ. (1)

ص: 205

1- . کمال الدین 2/ 512 و البلد الامین / 306 و بحار الانوار 53/187: بار الها! خود را به من معرفی کن که اگر خودت را به من معرفی کنی پیامبرت را نشناسم، بار الها پیامبرت را به من معرفی کن که اگر پیامبرت را به من معرفی کنی حجتت را نشناسم، بار الها حجتت را به من معرفی کن که اگر حجتت را به من معرفی کنی از دین خود گمراه شوم، بار الها مرا به مرگ جاهلیت نمیران و قلبم را پس از هدایت منحرف مساز، بار الها همچنان که مرا به ولایت والیان مفترض الطاعه امر خود پس از رسالت هدایت کردی و من نیز ولایت آنان را پذیرفتم یعنی امیر المؤمنین و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی صلوات الله عليهم اجمعین. بار الها! مرا بر دین خود استوار بدار و مرا به طاعت خود بدار و قلبم را برای ولی امرت نرم کن و مرا از آنچه خلق را بدان امتحان می کنی سلامت بدار و مرا در اطاعت ولی امرت استوار کن ولی امری که او را از چشمان خلائق مستور ساختی و با اذن تواز مردمان غایب گردید و تنها امر تو را انتظار می برد و تو هنگامی را که صلاح امر ولایت در آن است بی تعلّم می دانی و به ظهور امر او فرمان می دهی و او را هویدا می سازی، پس مرا بر آن شکبیا ساز که تعجیل آنچه را که به تأخیر انداختی نخواهم و تأخیر آنچه را که معجل ساختی نطلبم و از مستورت پرده برداری، و از مکتومت تفحص، و در تدبیرت منازعه ننمایم و چون و چرا نکنم و نگویم چرا ولی امرت ظهور نمی کند در حالی که زمین از جور آکنده شده است. و همه امورم را به تو تقویض می کنم. بار الها! از تو می خواهم که ولی امرت را در حالی که ظاهر است و امر تو را جاری می سازد به من بنمایانی و من می دانم که سلطان و قدرت و برهان و حجت و مشیت و اراده و توانایی و نیرو و از آن توست، پس من و جمیع مؤمنین را بدان موفق بدار تا ولایت را بنگریم در حالی که گفتارش ظاهر و دلالتش واضح است و هادی و شافی از ضلالت و جهالت است. ای خدای من! مشاهد وی را ظاهر ساز و قواعدش را تثبیت کن و ما را از کسانی قرار بده که چشمشان به دیدار او روشن شود و ما را به خدمت او درآور و بر ملت او بمیران و همراه او محشور ساز. بار الها! او را از شر جمیع مخلوقات مصون دار و او را از مقابل و پشت و راست و چپ و بالا- و پائین حافظ باش که آن را که تو حافظ باشی ضایع نشود و رسول و وصی رسولت را نگاهبان باش. بار الها! عمر او را طولانی کن و بر اجلس بیفزای او را بر اموری که والی ساختی و حفظش را از وی

درخواست کردی کمک کن و کرامتت را بر وی بیفزای که او هادی و مهتدی و قائم مهدی است و طاهر تقیّ نقیّ زکیّ رضیّ مرضیّ و صابر مجتهد شکور است. بار الها! به واسطه غیبت طولانی و بی خبری ما از او یقین ما را سلب مکن و یاد و انتظار و ایمان و قوت یقین ما را در ظهورش و دعا و درود ما را بر او از خاطر ما مبر تا به غایتی که طول غیبتش در ظهور و قیامش ما را ناامید نسازد و یقین ما در این باب مانند یقین ما در قیام و قرآن رسالت باشد و قلوب ما را بر ایمان به او تقویت کن تا به غایتی که ما را به دست او بر منهای هدایت و حجت کبری و طریقه وسطی سالک سازی و ما را بر طاعت او نیرومند کن و بر پیروی او استوار دار و در حزب و اعوان و انصار و خرسندان از افعالش قرار بده و آن را در حیات و هنگام وفات ما از ما مگیر تا هنگام مرگ شکّ کننده و پیمان شکننده و مرتاب و مکذّب نباشیم. بار الها! فرج او را نزدیک ساز و او را با نصرت مؤید کن و یاورانش را یاری نما و خوارکنندگان را خوار ساز و ناصب و مکذّب او را هلاک کن و به واسطه او حقّ را ظاهر ساز و باطل را بمیران و بندگان مؤمنت را از خواری نجات بده و بلاد را آبادان کن و جباریه کفر را بکش و سران ضلالت را درهم شکن و جبّاران و کافران را خوار ساز و منافقین و پیمان شکنان و همه مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب و برّ و بحر و دشت و کوهسار نابود ساز تا به غایتی که احدی از ایشان و اثری از آثار آنها را باقی نگذاری و بلاد خود را از وجود آنها پاک سازی و سینه بندگان را تشفی ده و دین محوشده خود را تجدید کن و احکام تبدیل شده و سنن تغییر یافته خود را اصلاح کن تا به او دست او دین تو عودت کند در حالی که با طراوت و جدید و صحیح و عاری از کژی و بدعت باشد تا شعله های کفر را با عدلش خاموش سازی که او بنده تو است و او را برای خود برگزیدی و برای یاری پیامبرت پسندیدی و به واسطه علمت انتخاب نمودی و از گناهان بازداشتی و از عیوب مبرا کردی و بر غیوب مطلع ساختی و بر او نعمت ارزانی داشتی و از پلیدی طاهر و از ناپاکی پاکیزه ساختی. بار الها! بر او و بر پدران امام و طاهرش و همچنین بر شیعیان برگزیده آنان درود فرست و آنها را به آمال خودشان برسان و این را از ناحیه ما خالص از هر گونه شکّ و شبهه و ریا و سمعه قرار بده تا به غایتی که غیر تو را نخواهیم و جز وجه تو را نجوئیم. بار الها! به درگاه تو از فقدان پیامبر و غیبت ولیّ خود و سختی زمانه و وقوع فتنه ها و چیرگی دشمنان و کثرت دشمنان و کمی عددمان شکایت می کنیم. بار الها! با فتح عاجل و نصرت عزّتمند خود و امام عادلّی که ظاهر می سازی فرج را برسان اله الحق ربّ العالمین. بار الها! از تو مسألت می کنیم که به ولیّ خود اذن دهی تا عدل تو را در میان بندگان ظاهر سازد و دشمنان را در بلاد بکشد تا به غایتی که ای خدای من! برای ستم ستونی نماند جز آنکه آن را در شکنی و بنایی نماند جز آنکه آن را نابود سازی و هیچ نیرویی نماند مگر آنکه آن را سست کنی و رکنی نماند مگر آنکه آن را نابود سازی و هیچ حدّی نباشد جز آنکه آن را شکست دهی و سلاحی نماند مگر آنکه آن را از کار بیندازی و پرچمی نباشد جز آنکه آن را سرنگون کنی و شجاعی نباشد مگر آنکه او را بکشی و لشکری نماند جز آنکه آن را خوار سازی و سنگ خودت را بر فرق سر آنان بینداز و شمشیر قاطع خود را بر آنها فرود آور و باس خودت را که از قوم مجرم بازنگردد بر ایشان ببار و به دست ولیّ خود و بندگان مؤمن خود دشمنان خود و رسولت را عذاب کن. بار الها! از ولیّ و حجت خودت در زمین هراس دشمنش را کفایت کن و با کسی که با او کید کند مکر کن و با کسی که با او مکر کند مکر کن و مدار بدی را بر کسی قرار ده که بدی وی را بخواهد و مادّه آنها را از ایشان ببر و هراس وی را در قلوب آنها بیفکن و گامهایشان را بلرزان و آشکارا و ناگهانی آنها را بگیر و عقوبتت را بر ایشان جاری ساز و در میان بندگان خوار کن و در میان ملعون ساز و در درك اسفل جای ده و در محاصره شدیدترین عذاب خود در آور و آتشت را لا ینقطع به آنها برسان و قبور اموات آنها را مملوّ از آتش کن و آتش سوزان خود را از آنها دریغ مدار، که آنها نماز را ضایع ساخته و پیروی شهوات کرده و بندگان را خوار ساخته اند. بار الها! به واسطه ولایت قرآن را زنده کن و نور سرمدی خویش را که ظلمتی در آن نیست بما بنما و به واسطه او قلوب مرده را زنده کن و دلهای پرکینه را شفا بخش و آراء مختلفه را بر محور حقّ گرد آور و حدود معطله و احکام مهمله را اقامه کن تا به غایتی که حقّی باقی نماند جز آنکه آن را ظاهر سازد و عدلی نباشد جز آنکه آن را شکوفا کند، و ای خدای من! ما را از اعوان و تقویت کنندگان سلطنت و فرمانبرداران دستورات و خشنودان از افعال و تسلیم کنندگان احکامش قرار ده و از کسانی که هیچ حاجتی برای او به تقیه کردن از آنها نباشد، ای خدای من! تو کسی هستی که سوء را برطرف می کنی و آن هنگام که مضطرّ تو را بخواند اجابت کنی و از بلای عظیم نجات بخشی، ای خدای من

ضرر را از ولایت برطرف ساز و همچنان که برای او تضمین کردی او را خلیفه در زمین قرار ده. بار الها! مرا از دشمنان و اعداء آل محمد مگردان و مرا از اهل غیظ و غضب بر آل محمد قرار مده که من از آن به تو پناه می برم پس به من پناه ده و می خواهم به جوار تو درآیم پس مرا در جوار خود درآور. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و مرا به واسطه آنها در دنیا و آخرت رستگار ساز و از مقربین قرار بده.

عمار سباطی گوید: به امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ عبادت پنهانی با امام پنهان از شما خانواده در زمان دولت باطل، یا عبادت در زمان ظهور و دولت حق با امام آشکار از شما؟ فرمودند:

«ای عمار! به خدا که صدقه دادن پنهانی از صدقه دادن آشکارا بهتر است، و همچنین به خدا عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل، و ترس شما از دشمن و در حال صلح با دشمن (و تقیه از او مانند دوران ائمه عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بعد از امام حسین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ) بهتر است از کسی که عبادت کند خدای عزوجل را در زمان ظهور حق با امام بر حق، آشکار و در زمان دولت حق. عبادت با ترس و در زمان دولت باطل، مانند عبادت در زمان امنیت و دولت حق نیست (مانند زمان پیغمبر و زمان ظهور امام عصر صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ؛ زیرا عبادت پنهانی علاوه بر مشقت و صعوبتش از ریا

دورتر و به اخلاص و تقرب نزدیک تر است). و بدانید هر کسی از شما که در این زمان، نماز واجبش را در وقتش به جماعت گزارد و از دشمنش پنهان کند و آن را تمام و کامل به جا آورد، خدا برای او ثواب پنجاه نماز واجب به جماعت گزارده بنویسد و کسی که از شما نماز واجبش را فردی و در وقتش بخواند و درست و کامل به جا آورد، و از دشمنش پنهان کند، خدای عزوجل ثواب بیست و پنج نماز واجب فردی برایش بنویسد، و هر کسی از شما که یک نماز نافله را در وقتش بخواند و کامل ادا کند، خدا برای او ثواب ده نماز نافله بنویسد. و آنکه از شما کار نیکی انجام دهد، خدای عزوجل برای او به جای آن بیست حسنه بنویسد و حسنات مؤمن از شما را خدای عزوجل چند برابر کند، اگر حسن عمل داشته باشد و نسبت به دین و امام و جان خود به تقیه معتقد باشد و زبان خود را نگه دارد، همانا خدای عزوجل کریم است.»

من عرض کردم: قربانتان گردم! به خدا که شما مرا به عمل تشویق فرموده و برانگیختید؛ ولی من دوست دارم بدانم دلیلش چیست که اعمال ما از اعمال اصحاب امامی که آشکار باشد، در زمان دولت حق، بهتر است، با وجود اینکه همه یک دین داریم؟ فرمودند:

«زیرا شما در وارد شدن به دین خدای عزوجل و انجام دادن نماز و روزه و حج و هر کار خیر و دانشی بر ایشان سبقت دارید، و نیز نسبت به عبادت خدای متعال در پنهانی از دشمن با امام پنهان سبقت دارید، در حالی که مطیع او هستید و مثل او صبر می کنید، و در انتظار دولت حق می باشید، و درباره ی امام و جان خود از سلاطین ستمگر، ترس دارید، حق امام (چون منصب امامت و خمس) و حقوق خود را (مانند زکات و خراج) در دست ستمگران می بینید که از شما باز می گیرند و شما را به کسب و زراعت در دنیا و طلب روزی ناچار می کنند، علاوه بر موضوع صبر شما نسبت به دین و عبادتتان و اطاعت از امام و ترس از دشمنان، بدین جهات است که خدای عزوجل ثواب اعمال شما را چند برابر فرموده است، گوارا باد بر شما.»

عرض کردم: قربانتان گردم! پس در صورتی که ما در زمان امامت شما و فرمانبرداری از شما نیکوکارتر و با ثواب بیشتر از اصحاب دولت حق و عدالت باشیم، به نظر شما چرا آرزو کنیم که از اصحاب حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ باشیم و حق ظاهر شود؟ فرمودند:

«سبحان الله!! شما دوست ندارید که خدای تبارک و تعالی، حق و عدالت را در بلاد، ظاهر کند؟ و وحدت کلمه پدید آورد؟ و میان دل های پراکنده، الفت دهد؟ و مردم، خدا را در روی زمینش نافرمانی نکنند؟ و حدود خدا در میان خلقتش، اجرا شود و خدا، حق را به اهلش برگرداند تا حق، آشکار شود و از ترس هیچ یک از مردم، حق پوشیده نگردد، (اینها نتایجی است بسیار بزرگ و سودمند برای همگان که از ظهور امام زمان و برقراری دولت حق به دست می آید و چگونه می شود که مسلمان این آرزو را نداشته باشد) هان به خدا، ای عمار! هر کدام از شما (شیعیان) بر این حالی که اکنون دارید (عبادت با خوف و تقیه و انتظار) بمیرد از بسیاری از شهدای بدر و احد بهتر و برتر است، پس مژده باد شما را» (1)

حضرت رضا علیه السلام نیز فرمودند:

«... هر که بمیرد و امامان را نشناسد و به نام خودشان و پدرانشان از آنها پیروی نکند به مرگ جاهلیت مرده است، و از دین آنها ورع و عفت و راستی و صلاح و

ص: 209

1- . عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعِبَادَةُ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَبْتِرُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ أَمْ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَدَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فَقَالَ يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ وَاللَّهِ فِي السَّرِّ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ عِبَادَتُكُمْ فِي السَّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَبْتِرُ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ لِخَوْفِكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَحَالِ الْهُدْنَةِ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَلَيْسَ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ وَفِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ مَعَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَانًا مُسْتَبْتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفَيْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَانِيَةً وَمَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً فِي وَفَيْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ تَوَافِلَ وَمَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرِينَ حَسَنَةً وَيَصَدِّعُ اللَّهُ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَعَلَى إِمَامِهِ وَعَلَى نَفْسِهِ وَأَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً كَثِيرَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ رَغَبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَحَثَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا الْيَوْمَ أَفْضَلَ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَنَحْنُ وَهُمْ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَى الصَّلَاةِ وَالصُّومِ وَالْحَجِّ وَإِلَى كُلِّ فِعْلٍ وَخَيْرٍ وَإِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ سِرًّا مَعَ عَدُوِّكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُسْتَبْتِرِ مُطِيعُونَ لَهُ صَابِرُونَ مَعَهُ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفُونَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَحَقِّكُمْ فِي أَيْدِي الظُّلْمَةِ قَدْ مَعُوكُمْ ذَلِكَ وَاصْطَرُّوكُمْ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا وَطَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَعِبَادَتِكُمْ وَطَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَالْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ فَهَيِّبًا لَكُمْ هَيِّبًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَنَمَّي إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْقَائِمِ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَنَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَطَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَالْعَدْلِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظَهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقُّ وَالْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَتُقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظَهَرَ حَتَّى لَا يَسَّ تَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مُحَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ فَأَبَشِرُوا. كافي 1/ 333

کوشش و اداء امانت به نیک و بد و طول سجود و شب زنده داری و دوری از محارم و انتظار فرج است با صبر، و خوش همصحبتی و خوش همسایگی و احسان کردن و بی آزاری و گشاده روئی و نصیحت و مهربانی به مؤمنان.»(1)

جابر جعفی هم روایت می کند که بعد از خاتمه ی اعمال حج، با جمعی به خدمت امام محمد باقر علیه السلام رسیدیم و با حضرتش وداع نموده و عرض کردیم: یا ابن رسول الله! وصیتی به ما بفرمائید! فرمودند:

«باید اقویای شما به ضعفا کمک کنند، و اغنیای شما از فقرا دلجویی نمایند، و هر مردی از شما برای برادر دینی اش مانند خود خیرخواهی کند (آنچه برای خود می خواهد برای او نیز بخواهد) و اسرار ما را از نااهلان مخفی دارید، و مردم را بر گردن های ما مسلط نکنید، به گفته های ما و آنچه از ما به شما می رسانند توجه کنید، اگر دیدید موافق قرآن است، آن را بپذیرید، و چنانچه آن را موافق قرآن نیافتید، از نظر بیاندازید (یعنی اگر موافق قرآن بود کلام ماست و گر نه از ما نیست و مجعول است). و اگر مطلب بر شما مشتبه گشت، درباره ی آن تصمیمی نگیرید و آن را به ما عرضه دارید تا همان طور که برای شما بیان کرده اند تشریح کنیم. اگر شما چنین بودید که به شما سفارش کرده ایم و از این حدود تجاوز نکنید و پیش از ظهور قیام کننده ی ما، کسی از شما بمیرد، شهید از دنیا رفته است. و هر کسی او را درک کند و در رکاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد، و هر که در رکاب او یکی از دشمنان ما را به قتل رساند ثواب بیست شهید خواهد داشت.»(2)

ص: 210

1- . عن الرضا عليه السلام: ... مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَلَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَأَنَّ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعَ وَالْعِفَّةَ وَالصَّدْقَ وَالصَّلَاحَ وَالْإِجْتِهَادَ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ وَطُولَ السُّجُودِ وَالْقِيَامَ بِاللَّيْلِ وَاجْتِنَابَ الْمَحَارِمِ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَحُسْنَ الصُّحْبَةِ وَحُسْنَ الْجَوَارِ وَبَدَلَ الْمَعْرُوفِ وَكَفَّ الْأَذَى وَبَسَطَ الْوَجْهَ وَالنَّصِيحَةَ وَالرَّحْمَةَ لِلْمُؤْمِنِينَ تحف العقول / 416 و کمال الدین 2/337

2- عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ بَعْدَ مَا قَضَى بَيْنَنَا نُسُكَنَا، فَوَدَّعَنَا وَقُلْنَا لَهُ: أَوْصِنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ: لِيُعِنَ قَوْمِيكُمْ ضَعِيفِكُمْ، وَيُعْطِفَ غَنِيَكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ، وَلِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ، وَاکْتُمُوا أَسْرَارَنَا وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَعْنَاقِنَا، وَانظُرُوا أَمْرَنَا وَ مَا جَاءَكُمْ عَنَّا، فَإِنْ وَجَدْتُمُوهُ لِلْقُرْآنِ مُوَافِقًا فَخُذُوا بِهِ، وَإِنْ لَمْ تَجِدُوهُ مُوَافِقًا فَارْذُوهُ، وَإِنْ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ عَلَيْكُمْ فِيهِ فَقِفُوا عِنْدَهُ وَارْذُوهُ إِلَيْنَا حَتَّى نَشْرَحَ لَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مَا شَرَحَ لَنَا، وَإِذَا كُنْتُمْ كَمَا أَوْصَى بَيْنَكُمْ، لَمْ تَعُدُّوا إِلَى غَيْرِهِ، فَمَاتَ مِنْكُمْ مِيتٌ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ قَائِمُنَا كَانَ شَهِيدًا، وَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمَنَا فَقُتِلَ مَعَهُ كَانَ لَهُ أَجْرُ شَهِيدَيْنِ، وَمَنْ قَتَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَدُوًّا لَنَا كَانَ لَهُ أَجْرُ عَشْرِينَ شَهِيدًا. امالی طوسی / 232 و بشارة المصطفى / 113 و بحار الأنوار / 52 / 123 و إثبات الهداة / 5 / 151

و حضرت صادق عَلِيهِ السَّلَامُ در کلامی بس مهم فرمودند:

«آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند، عمل بندگانش را جز به وسیله ی آن نمی پذیرد؟ من گفتم: بفرمایید آن چیست؟ فرمودند: آن، گواهی دادن است به یگانگی خدا و رسالت محمد صَدِّ لِي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و اعتقاد به آنچه خدا فرموده و دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ائمه، و این بیزاری منحصر است فقط به دشمنان ما ائمه نه دیگران و تسلیم در برابر ما و پارسائی و کوشش در امر دین و صبر و انتظار برای ظهور قیام کننده ی ما عَلِيهِ السَّلَامُ. آنگاه فرمودند: ما را دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را بر سر کار می آورد. سپس افزودند: هر کسی مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیز کاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد و بدین گونه انتظار آن روز را کشد. اگر در این حالت بمیرد و بعد از مرگ او، مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ قیام نماید، ثواب کسی را دارد که آن حضرت را درک کرده است. پس سعی کنید و منتظر باشید، خوش به حال شما ای مردمی که خداوند، شما را مشمول رحمت خود گردانیده است.»(1)

وظیفه بیستم: عدم تعیین وقت برای ظهور

از بدترین آفاتی که منتظران و ارادتمندان به ساحت مهدوی سلام الله علیه را تهدید می کنند؛ تعیین کردن وقت، برای ظهور آن حضرت است. تا به حال افراد زیادی از عوام و خواص، علماء و جهلاء، عرفاء و صلحاء و... بوده اند که برای ظهور امام عصر " ارواحنا فداه و عجل الله فرجه" وقتی معین کرده اند و یا دست کم، محدوده ای برایش ترسیم نموده اند که همگی دروغ گفتند و عباد خدا را هم از راه به در کرده اند.

ص: 211

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ الْإِفْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ الْوَلَايَةُ لَنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي الْأَيْمَةَ خَاصَّةً وَ النَّسَبَ لِيَمِّ لَهُمْ وَ الْوَرَعُ وَ الْإِجْتِهَادُ وَ الطَّمَأِينَةُ وَ الْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ ثُمَّ قَالَ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتَهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. غيبت نعمانی /200 و اثبات الهداه 5/ 159 و بحار الانوار 52/140

«خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان وقت (ظہور امام زمان) معین کرده اند، عمل می کند! پرچم قائم علیہ السلام همان پرچم رسول خداست که جبرئیل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میدان جنگ به اهتزاز در آورد. آنگاه امام علیہ السلام فرمودند: به خدا قسم! این پرچم از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست. عرض کردم: پس از چیست؟ فرمودند: از برگ درخت بهشت است. پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در جنگ آن را برافراشتند؛ سپس پیچیده و به دست علی علیہ السلام دادند و پیوسته نزد آن حضرت بود تا اینکه در روز جنگ جمل، حضرت آن را برافراشته نمود و خدا او را پیروز گردانید. آنگاه حضرت علی علیہ السلام آن را پیچیدند و همیشه نزد ما بوده و هست و دیگر هیچ کسی آن را نمی گشاید تا اینکه قیام کننده ی ما قیام کند. وقتی او قیام نمود آن را به اهتزاز در می آورد و هر کسی در شرق و غرب عالم باشد آن را می بیند. رعب و ترس از او یک ماه زودتر از پیش روی و چپ و راست او رفته و در دل ها جای می گیرد، آنگاه فرمودند: او به خونخواهی پدرانش قیام می کند و سخت خشمگین است و از اینکه خداوند بر این خلق غضب نموده متأسف می باشد. او پیراهن پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را که در جنگ احد پوشیده بودند را به تن دارد و عمامه و زره پیغمبر را که به قامت وی سازگار است می پوشد، و ذو الفقار، شمشیر پیغمبر را هم در دست دارد؛ سپس شمشیر می کشد و هشت ماه از کشته ی بی دینان پشته ها می سازد. او نخست از بنی شیبیه شروع می کند، دست آنها را می برد و به کعبه می آویزد و جارچی او اعلام می کند که اینان دزدان خانه خدایند. آنگاه به قریش حمله می آورد، شمشیر آنها را می گیرد و با ضرب شمشیر سیرابشان می گرداند. او قیام نمی کند مگر بعد از آنکه، دشمنانش دو فرمان، یکی در بصره و دیگری در کوفه مبنی بر بیزاری از امیر

المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ بخوانند! (1) ابوعلی بن همّام گوید: از محمّد بن عثمان؛ وکیل دوم امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در غیبت صغری شنیدم که می گفت: از پدرم عثمان بن سعید؛ اولین وکیل امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در غیبت صغری شنیدم که می گفت: من نزد امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که از آن حضرت درباره ی خبری که از پدران بزرگوارشان روایت شده است پرسش کردند و آن این بود که " زمین از حجت الهی بر خلائق تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. " امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: این، حق است همچنان که روز روشن، حق است. گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمودند:

«فرزندم محمّد (سلام الله علیه)، او امام و حجت پس از من است، کسی که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. آگاه باشید! برای او غیبتی است که نادانان در آن، سرگردان شوند و مبطلان در آن، هلاک گردند و کسانی که برای ظهور، وقت، معین کنند دروغ گویند؛ سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است.» (2)

ص: 213

1- . أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُخْلِفَ وَفَتَّ الْمُؤَقَّتِينَ وَ هِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ سَدِيرَ بِهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هِيَ وَ اللَّهُ مِنْ قُطْنٍ وَ لَا كَتَّانٍ وَ لَا قَرٌّ وَ لَا حَرِيرٍ فَقُلْتُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ هِيَ قَالَ مِنْ وَرَقِ الْجَبَّةِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا إِلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ فَشَرَّهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَ هِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا قَامَ شَرَّهَا فَلَمْ يَبْقَ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ أَحَدٌ إِلَّا لَعَنَهَا وَ يَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا وَ وَرَاءَهَا شَهْرًا وَ عَن يَمِينِهَا شَهْرًا وَ عَن يَسَارِهَا شَهْرًا ثُمَّ قَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ يُخْرُجُ مُؤْتَوْرًا عَضْبَانِ أَسْفًا لِعُضْبِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَ عِمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ السَّابِغَةُ وَ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ذُو الْفَقَارِ يُجْرِدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرَجًا فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِنَبِيِّ شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَ يُعَلِّقُهَا فِي الْكُعْبَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ هُوَ لَا سَدِّ رَأَى اللَّهِ ثُمَّ يَتَنَاوَلُ قُرَيْشًا فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَقْرَأَ كِتَابَانِ كِتَابَ الْبَصْرَةِ وَ كِتَابَ الْكُوفَةِ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. الغيبة للنعماني / 289 و بحار الأنوار / 52 / 360

2- . أَبُو هَمَّامٍ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعَمْرِيَّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ عَيْنَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تُحَفِّقُ [تَحْفِقُ] فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ. كفاية الاثر / 296 و كمال الدين / 2 / 409 و الصراط المستقيم / 2 / 232

صقر بن ابي دلف نیز گوید: از امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می فرمودند:

«امام پس از من فرزندم علی است، دستور او دستور من و سخن او سخن من و طاعت او طاعت من است و امام پس از او فرزندش حسن است، دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و طاعت او طاعت پدرش باشد، سپس سکوت کردند. گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن کیست؟ پس آن حضرت به شدت گریسته و سپس فرمودند: پس از حسن فرزندش قیام کننده ی به حق، امام منتظر است. گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟ فرمودند: زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدین به امامتش مرتد شوند قیام می کند، گفتم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمودند: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند، و منکران یادش را استهزاء کنند، و تعیین کنندگان وقت ظهورش، دروغ گویند، و شتاب کنندگان ظهورش در غیبت او هلاک شوند، و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.»(1)

ابو بصیر هم گوید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره ی امام قیام کننده عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم؛ پس فرمودند:

«آنهایی که برای ظهور، وقت تعیین می کنند دروغ می گویند. ما اهل بیت هرگز وقتی تعیین نمی کنیم. سپس فرمودند: حتما خدا زمانی را که تعیین کنندگان

ص: 214

1- . حَدَّثَنَا الصَّقْرُ بْنُ أَبِي دُلْفٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٍّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ فَبَكَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سَمَّيَ الْقَائِمَ قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ سَمَّيَ الْمُنْتَظَرَ قَالَ لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيُنْكِرُهُ الْمُؤْمِنُونَ وَيَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ. كَمَالِ الدِّينِ 2/ 378 و إعلام الوری / 436 و بحار الأنوار 51/30 و الصراط المستقیم 2 ؛ ص 230 و إثبات الهداة 2 ؛ ص 93 و كفاية الأثر /

وقت، معلوم می کنند خلاف کند. «(1)

فضیل بن یسار نیز از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده گوید: به آن حضرت عرض کردم: آیا این امر وقت معینی دارد؟ فرمودند:

«کسانی که وقت معین می کنند دروغ می گویند، کسانی که وقت تعیین می کنند دروغ می گویند، همانا موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگامی که به دعوت پروردگار خود بیرون شد به قومش سی روز وعده داد، و هنگامی که خداوند بر آن سی روز ده روز افزود، قوم او گفتند: موسی با ما خلاف وعده کرد، پس کردند آنچه کردند؛ پس هر گاه ما حدیثی را برای شما بازگو کردیم و طبق آنچه برای شما گفته ایم پیش آمد شما بگوئید: خداوند راست فرموده است، و هر گاه حدیثی را برای شما بازگو کردیم و خلاف آنچه گفته ایم پیش آمد (در آن بداء شد) باز شما بگوئید، خداوند راست فرموده است، که دو بار پاداش داده خواهید شد.»(2)

مفضل گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: آیا از برای قیام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وقت معلوم معینی هست که مردم بتوانند بدانند؟ فرمودند:

«هرگز! خداوند وقتی معین نکند که مردم بدانند.»

مفضل گفت: چگونه ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وقت معلوم ندارد؟ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چون وقت ظهور، زمانی است که خدا فرموده: غیر ذات اقدس حق، احدی نداند و علم به آن وقت، خاص به خود اوست، و در قرآن گفته است: نزد اوست علم به قیامت، و نگفت نزد غیر او هم هست.»

عرض کردم: معنی «یمارون» چیست؟ فرمودند:

«یعنی مردم می گویند "مهدی کی متولد شده؟ و چه کسی او را دیده؟ و

ص: 215

1- . عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ ثُمَّ قَالَ أَبِي اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُخْلِفَ وَفَتَ الْمُؤَقَّتِينَ. غيبت نعمانی / 294 و بحار الأنوار / 52 / 118

2- . عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَعَاذَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفَنَا مُوسَى فَصَدَّ نَعُو مَا صَدَّ نَعُو فَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ فَجَاءَ عَلَيَّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ وَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ بِحَدِيثٍ فَجَاءَ عَلَيَّ خِلَافَ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ تَوَجَّرُوا مَرَّتَيْنِ. غيبت نعمانی / 294

حالا کجاست؟ و چه وقت آشکار می شود؟" اینها همه عجله در امر خدا و شک در قضای الهی و دخالت در قدرت اوست اینان کسانی هستند که در دنیا زیان می برند و پایان بد از آن کافران است.»

بار دیگر مفصل، اصرار در سؤال نمود و عرضه داشت: یعنی شما هم نمی توانید وقتی برای ظهور مهدی علیه السلام معین کنید؟ فرمودند:

«خیر! نه من می توانم وقتی معین کنم و نه دیگری می داند چه زمانی است، و هر کسی که برای مهدی ما وقتی معین کند، برای خدا در علم او، شریک قرار داده است و مدعی شده که سر خدا را می داند در صورتی که خداوند هر سرّی دارد برای این مخلوق که از خدا و اولیاء خدا برگشته اند واقع شده است.» (1)

ص: 216

1- عن مفضل بن عمر قال: سألت سيدي الصادق عليه السلام هل للمأمول المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقته يعلمه الناس؟ فقال: «حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعتنا». قلت: يا سيدي ولم ذاك؟ قال: «لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى سيء ملونك عن الساعة أيان مرساها قل إنما علمها عند ربي لا يجليها لوقتها إلا هو ثقلت في السماوات والأرض الآية، وهي الساعة التي قال الله يسئلونك عن الساعة أيان مرساها وقال عنده علم الساعة ولم يقل إنها عند أحد، وقال فهل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة فقد جاء أشراطها الآية، وقال افتربت الساعة وأنشئ القمر وقال ما يدريك لعل الساعة قريب. سيء تعجل بها الذين لا يؤمنون بها والذين آمنوا مشفقون منها و يعلمون أنها الحق إلا- إن الذين يمارون في الساعة لفي صلال بعيد». قلت: فما معنى يمارون؟ قال «يقولون متى وليد، و من رآه؟ و أين يكون؟ و متى يظهر؟ و كل ذلك استعجالاً لأمر الله، و شكاً في قضائه، و دخولاً في قدرته، أولئك الذي [الذين] خسروا الدنيا والآخرة و إن للكافرين لشراً مآب». قلت: أفلا توقت له وقتاً؟ فقال: «يا مفضل لا أوقت له وقتاً، و لا يوقت له وقتاً [وقتاً]، إن من وقت لمهدينا وقتاً فقد شارك الله في علمه، و ادعى أنه ظهر على سيرة، و ما لله من سيرة إلا و قد وقع إلى هذا الخلق المعكوس الضال عن الله، الراغب عن أوليائه الله. مختصر البصائر / 433

سیمای یاران حضرت مهدی علیه السلام



سیمای یاران حضرت مهدی علیه السلام



یکی از مهم ترین شرائط ظهور امام عصر "ارواحنا له الفداء و عجل الله فرجه" فراهم شدن یاران کارآمد است. یاران، همراهان و همزمانی توانمند که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد، به سامان نخواهد رسید.

قطعاً و یقیناً هر کسی آن هم بدون داشتن خصائص حسنه نمی تواند در زمره یاران حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ باشد. امام کاظم عَلَیْهِ السَّلَامُ به یکی از یارانشان در همین باره فرموده اند :

«ای ابن بُکَیر! من چیزی به تو می گویم که پدرانم آن را می گفتند» اگر در بین شما به تعداد افراد جنگ بدر بودند قائم ما قیام می نمود. ای بنده ی خدا! ما مردم را بررسی می کنیم و می دانیم مردم چه هستند، بعضی از آنها در دوستی با ما راستگویند و جانشان را برای ما نثار می سازند، و بعضی از آنها حقیقتی را که بر زبانشان جاری می کنند در قلبشان وجود ندارد، و بعضی از آنان همچون چشمی برای دشمنان ما بر علیه ما هستند، کلام ما را می شنوند و اگر در چیز اندکی از دنیا طمع پیدا کنند از دشمن بر ما دشمن تر می شوند، چگونه آنان خوشی و شادی را می بینند در حالی که چنین صفتی دارند؟ حق، طرفدارانی و باطل نیز پیروان ویژه ای دارد، اهل حق راهشان از اهل باطل جداست، انتظار امر ما را می کشند و از خدا امید دارند که بلندی دولت ما را ببینند، آنان پرگو و افشاگر و تهی و خودنما نمی باشند و به واسطه ی پیوندشان به ما کسب معاش نمی کنند، و طمعکار نیستند. خوبان و نیکان امت، و همچون نوری در تاریکی های زمین اند، و نوری در تاریکی های فتنه و ستم هستند، و نور هدایت اند

که روشنایی می دهند. دوستان خود را از امر خیر منع نمی کنند، و دشمنانشان هم نمی توانند در آنها طمع کنند. اگر نزد آنها کسی از ما به نیکی یاد کند، خوشنود و شادمان شوند، و دل‌هایشان آرام می گیرد و چهره هایشان بر افروخته می گردد، و اما اگر ما را به زشتی یاد کنند دل‌هایشان افسرده می شود، پوست بدنشان می لرزد و صورتشان سیاه می شود، و یاریشان را آشکار می کنند، آنچه در درون دل‌هایشان است ظاهر کنند، دامن همت بالا-زده و پا در جای پای ما می گذارند و به فرمان ما عمل می کنند و پارسایی و ترک دنیا از صورت های آنان مشاهده می شود، شب را بر خلاف معمول بین مردم به صبح می رسانند، و همچنان روز را به خلاف معمول مردم به شب می رسانند، و با راز و نیاز از خداوند تقاضای اصلاح امت به توسط ما را دارند، که خداوند ما را وسیله ی رحمت ضعیفان و توده ی مردم قرار دهد. ای عبد الله! آنان شیعیان ما و از ما و حزب مایند، و آنان اهل ولایت ما هستند.» (1)

آری! ایشان صالحینی هستند که هرکجا باشند خدا برای یاری امام عَلَیْهِ السَّلَامُ جمعشان می کند.

امام سجاد عَلَیْهِ السَّلَامُ درباره ی این خواص فرموده اند:

«ایشان از بسترهایشان مفقود می شوند (یعنی شبی که فردایش امر ظهور محقق می شود در بستر می خوابند؛ ولی صبح کسی ایشان را در بستر نمی بیند و سحر، با طی الارض به مکه می روند). ایشان سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر اند؛ پس صبح در مکه حاضر می شوند و این همان قول خداست که فرموده: "هرکجا

ص: 219

1- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنِّي لَأَقُولُ لَكَ قَوْلًا قَدْ كَانَتْ أَبَائِي عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقُولُهُ لَوْ كَانَ فِيكُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ لَقَامَ قَائِمُنَا يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّا نُدَاوِي النَّاسَ وَنَعْلَمُ مَا هُمْ فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَدِّقُنَا الْمَوَدَّةَ وَيَبْدُلُ مَهْجَتَهُ لَنَا وَمِنْهُمْ مَنْ لَيْسَ فِي قَلْبِهِ حَقِيقَةٌ مَا يُظْهَرُ بِلِسَانِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ هُوَ عَيْنٌ لِعَدُوِّنَا عَلَيْنَا يَسْمَعُ حَدِيثَنَا وَإِنْ أَطْمَعُ فِي شَيْءٍ قَلِيلٍ مِنَ الدُّنْيَا كَانَ أَشَدَّ عَلَيْنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَكَيْفَ يَرُونَ هَؤُلَاءِ الشُّرُورَ وَهَذِهِ صِدْقَتُهُمْ إِنْ لَلْحَقُّ أَهْلًا وَ لِلْبَاطِلِ أَهْلًا فَأَهْلُ الْحَقِّ فِي شَيْءٍ عُلِّ عَنِ أَهْلِ الْبَاطِلِ يَنْتَظِرُونَ أَمْرَنَا وَيَرْغَبُونَ إِلَى اللَّهِ إِنْ يَرَوْا دَوْلَتَنَا لَيْسُوا بِالْبُدْرِ الْمَذْبُوعِينَ وَلَا بِالْجَفَاةِ الْمُرَائِينَ وَلَا بِنَا مُسْتَأْكِلِينَ وَلَا بِالطَّمْعِينَ خِيَارَ الْأُمَّةِ نُورٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ نُورٌ فِي ظُلُمَاتِ الْفِتَنِ وَ نُورٌ هَدَى يَسْتَضَاءُ بِهِمْ- لَا يَمْنَعُونَ الْخَيْرَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَلَا يَطْمَعُ فِيهِمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِنْ ذَكَرْنَا بِالْخَيْرِ اسْتَبَشَرُوا وَ ابْتَهَجُوا وَ أَطْمَأَنَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَضَاءَتْ وَجُوهُهُمْ وَ إِنْ ذَكَرْنَا بِالْقُبْحِ اشْمَازَتْ قُلُوبُهُمْ وَ أَقْشَعَرَتْ جُلُودُهُمْ وَ كَلَحَتْ وَجُوهُهُمْ وَ أَبَدُوا نُصْرَتَهُمْ وَ بَدَا ضَمِيرُ أَفْنِدَتِهِمْ قَدْ شَمَرُوا فَاحْتَدَوْا بِحَدُونِنَا وَ عَمَلُوا بِأَمْرِنَا تَعْرِفُ الرَّهْبَانِيَّةَ فِي وَجُوهِهِمْ يُصْبِحُونَ فِي غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ وَ يُمَسُونَ فِي غَيْرِ مَا النَّاسُ فِيهِ يَجَارُونَ إِلَى اللَّهِ فِي إِصْلَاحِ الْأُمَّةِ بِنَا وَ أَنْ يَبْعَثَنَا اللَّهُ رَحْمَةً لِلضُّعَفَاءِ وَ الْعَامَّةِ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَوْلَيْكَ شَيْعَتُنَا وَ أَوْلَيْكَ مِنَّا وَ أَوْلَيْكَ حَزْبُنَا وَ أَوْلَيْكَ أَهْلُ وَلَايَتِنَا. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار/63

باشید خداوند جمعتان خواهد کرد." ایشان اصحاب امام قیام کننده اند.»(1)

به هر حال، دانستن ویژگی های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آن ویژگی ها، در واقع، تلاش برای زمینه سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است. بنابر این، آگاهی از این ویژگی هایی که در روایات آمده معیاری است که به کمک آن، می توانیم خود را محک بزینم و بدانیم که آیا در زمره ی یاران آن حضرت قرار داریم یا خیر؟. این فصل به بیان این ویژگی ها پرداخته است.

1- بینش عمیق

اشاره

یاران امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ از بینشی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی پیرامون خویش برخوردارند:

الف) بینش عمیق نسبت به خدای متعال

اساسی ترین ویژگی یاران حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی ایجاد می کند و نه تردیدها و شک ها در حریمش راه می یابد. حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرماید:

«مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته اند، و آنان یاوران مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ در آخر الزمان اند.»(2)

همچنین امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در وصف یاران امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرماید:

«آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.»(3)

این باور آن قدر با صلابت و استوار است که مرارت ها و مصیبت ها، در آن خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات، آرامش آنها را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سؤالات، در آن رخنه ای ایجاد نمی کند. آنان، از سرچشمه ی توحید ناب، سیراب اند و به حضرت حق، آن چنان که شایسته است اعتقاد دارند. حرم دل هایشان را بت های نفس، ثروت، و مقام

ص: 220

1- . قَالَ رَبُّنَا الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرْشِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرِ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى أَيْنَ

مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ. كمال الدين 2/654

2- . عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: وَبِحَالٍ لِلطَّلْقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَكِنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. بحار الانوار 52/229

3- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ. بحار الانوار 52/308

نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند، حضور ندارد. نتیجه ی این بینش عمیق، ایمان و تقواست. این دورا هم در چهره ی عبادت ها و راز و نیازشان می توان دید و هم در آینه ی تلاشی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند.

ب) بینش عمیق نسبت به امام عَلِيهِ السَّلَامُ

یاوران امام مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ، امام خود را می شناسند و به او اعتقاد دارند. امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ در این خصوص فرموده اند:

« آنان به امامت امام مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ اعتقاد راسخ دارند» (1)

این معرفت، شناخت شناسنامه ای و دانستن نام و نشان ایشان، و دانستن اسم پدر و مادر و محلّ تولّد ایشان نیست؛ بلکه معرفت به "حق ولایت" است. یعنی، فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک تر و سزاوارترند. نتیجه ی این بینش عمیق، محبت و اطاعت است.

2- عبادت و بندگی

یاران حضرت بقیه الله عَلِيهِ السَّلَامُ از پیشوای خود الگو گرفته و روزها و شب ها را با ذکر شیرین حق سپری می کنند. معرفت و ایمان در قلب هایشان ریشه دوانده و ایشان را به خضوع در برابر حق تعالی و تلاش در مسیر بندگی سوق می دهد. در این جا به بررسی روایاتی که عبادت و بندگی یاوران حضرت را توصیف می کند، می پردازیم:

پیامبر اکرم صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در مورد آنان می فرمایند:

«آنان در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاش اند» (2)

مولای متقیان حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ، عبادت و راز و نیاز یاوران امام مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ را این گونه ترسیم می کنند:

«در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند ناله ی مادرانِ پسر مرده» (3)

و در روایتی دیگر آمده است:

«مردان شب زنده داری که زمزمه ی نمازشان، مانند نغمه ی زنبوران کندو به گوش می رسد.

ص: 221

1- ... الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ. بحار الانوار 36 / 387

2- ... مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. بحار الانوار 36 / 207

3- . لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ، كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حَزَنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ قُوَامٌ بِاللَّيْلِ صُؤَامٌ بِالنَّهَارِ. الزام الناصب 2 / 165

شب ها را با شب زنده داری سپری می کنند و بر فراز اسب ها، خدا را تسبیح می گویند»(1)

3- عشق به امام عَلِيهِ السَّلَامُ

دلهای یاران امام مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ، سرشار از محبت ایشان است. این علاقمندی تا بدانحد است که حتی زین اسب ایشان را مایه ی برکت می دانند و به آن تبرک می جویند. امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ می فرمایند:

« به عنوان تبرک بر زین اسبِ امام عَلِيهِ السَّلَامُ دست می کشند»(2)

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، ایشان را مانند نگینی در بر می گیرند و جانشان را سپر بلایشان می کنند: امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ در این باره می فرمایند:

«در میدان رزم، آنان او را در میان می گیرند و در جنگ ها با جان خود، از ایشان محافظت می کنند...»(3)

چه بسیار است فاصله ی میان ما و یاران او، چرا که ما از جان و حتی وقت خود، برای ایشان سهمی قرار نداده ایم و چه زیاد است اهداف و آرمان هایی از ایشان که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت هایی از ایشان که بی پاسخ مانده است!!!

4- اطاعت

مقدم داشتن خواست حضرت، بر خواست خود، از دیگر شاخصه های یاوران حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ است. امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ در این خصوص فرموده اند:

« اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است»(4)

5- شجاعت

اگر جهاد و مبارزه، جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور این میدان و عزم هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن، قدم ها یارای حرکت نخواهد داشت.

ص: 222

1- . رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلِيَّ اطْرَافَهُمْ وَيُسَبِّحُونَ عَلِيَّ حُيُولَهُمْ. بحار الانوار 52/308

2- . يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ. الزام الناصب 2/244

3- . يَحْفُونَ بِهِ وَيُقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ... بحار الانوار 52/308

4- . هُمْ أَطْوَعُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا. بحار الانوار 52/308

امام علی عَلَیْهِ السَّلَامُ شجاعت ایشان را اینگونه توصیف می فرماید:

« همه شیرانی اند که از بیسه ها خارج شده و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا بر می کنند» (1)

و حضرت زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ هم می فرماید: «دلپایشان چون پاره های آهن شده است» (2)

و امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ نیز می فرماید:

«به هر کدامشان نیروی چهل مرد داده شده است. اگر به کوه های آهن روی آورند، آنها را قطعه قطعه می کنند» (3)

و باز در مورد شجاعت و دلیری یاران امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرماید:

«امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر کدام از دوستان ما از

شیر دلیرتر و از نیزه بران تر شوند و دشمنان را پایمال کنند و با دستانشان (بدون سلاح) ایشان را بکشند» (4)

ابو بصیر نیز در این باره از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«وقتی لوط عَلَیْهِ السَّلَامُ به قومش می گفت: "ای کاش در برابر شما توانایی می داشتم، یا به رکن شدید ماوی می گرفتم"، آرزو داشت که

توانایی حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ را داشته باشد و با این کلام استواری اصحاب او را یاد کرده است؛ زیرا مردی از اصحاب آن حضرت،

توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است و اگر بر کوه های آهن بگذرند آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند

تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.» (5)

ص: 223

1- . کَلَّهْم لَبِوْثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمَّوْا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لِأَزَالَتِهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا. الزام الناصب 2/165

2- . جُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ. بحار الأنوار 52/316

3- . إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرَّوْا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا. بحار الأنوار 52/316

4- . أُلْقِيَ الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِينَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرِي مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضِي مِنَ السِّنَانِ وَ يَطَأُ عَدُوَّنَا

بِقَدَمَتَيْهِ وَ يَقْتُلُ بِكَفَّيْهِ. بحار الأنوار 372 / 52 و كشف الغمة 133 / 2

5- . عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِهِ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ إِلَّا تَمَنَّى لِقُوَّةِ

الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لِأَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرَّوْا بِجِبَالِ

الْحَدِيدِ لَقَطَعُوهَا وَ لَا يَكْفُونَ سُبُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. كمال الدين 673 / 2 و إثبات الهداة 111 / 5

6- یکدلی

یاوران امام عصر عَلِيهِ السَّلَامُ، یکرنگ و یکدل اند: امام علی عَلِيهِ السَّلَامُ در مورد آنان می فرمایند:

«یاران مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ دل هایی متحد بر مبنای خیرخواهی دارند»⁽¹⁾ امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ در مورد آنان می فرمایند:

«اصحاب مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ به گونه ای با هم معاشرت می کنند که گویا از یک پدر و مادر هستند»⁽²⁾

و این نیست مگر به این سبب که هواها و خودخواهی ها را از جانشان زدوده، و به جای آن، خداخواهی و خداپرستی را نشانده اند. با این اتحاد و یکرنگی است که می توان به اهداف جهانی دست یافت و آرمان های الهی را تحقق بخشید. سپاهی که از اختلاف و چند دلی رنج می برد، چگونه می تواند سرفرازانه بام دنیا را فتح کند.

7- اینار

یاران حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ، سختی ها را به جان می خردند و از خوشی ها و لذایذ نفسانی چشم می پوشند و با دست های مهربانشان، خوبی ها و خوشی ها را به دیگران هدیه می دهند؛ تا از این رهگذر، قلب ها را نرم کنند و رهیدگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند. همین حالت است که آنان را مشتاق شهادت و لقاء الهی می کند.

از امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ روایت شده است که:

«آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند»⁽³⁾

8- نظم و انتظام

امیر مومنان حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ در مورد نظام عمومی که بر یاوران حضرت بقیه الله عَلِيهِ السَّلَامُ حاکم است می فرمایند:

ص: 224

1- . قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ. الزام الناصب 2 / 165

2- . إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقِي بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي وَأُمِّ. الزام الناصب 2 / 165

3- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ: فِي حَدِيثٍ فِي أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ. بحار الانوار 52/308

«گویا آنان را می نگریم، در شکل و هیأتی یکسان، قد و قامتی برابر و در جمال و برازندگی همانند و لباسشان نیز واحد است»⁽¹⁾.

9- نجابت و پاکدامنی

حدیثه یمانی روایت کرده که گفت از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می فرمودند:

«در موقع ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ گوینده ای از آسمان بانگ می زند: ای مردم! زمان حکومت جباران به پایان رسید و بهترین فرد امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به ولایت امر، برگزیده شده است، پس در مکه به وی ملحق شوید: آنگاه نجیبان از مصر و ابدال از شام و دستجات عراق که شب ها را به عبادت مشغول و روزها همچون شیر می باشند و دلهاشان مانند پاره های آهن است بیایند و در بین رکن و مقام با وی بیعت کنند.»

در این موقع عمران بن الحصین عرض کرد: یا رسول الله! آن مرد را برای ما توصیف کنید! فرمودند:

«او مردی از اولاد حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است... نامش نام من است، و در موقع ظهور او پرندگان جوجه های خود را در آشیانه هاشان و ماهیان در دریا های خودشان (با کمال آزادی و دور از هر گونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند. و جبرئیل و اسرافیل پیشاپیش او راه می روند، او زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد»⁽²⁾.

ص: 225

1- . كَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَالزِّيَّ وَاحِدٌ وَالْقَدُّ وَاحِدٌ وَالْحَسَنُ وَاحِدٌ وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ. التشریف بالمنن / 294

2- . عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ سَمِعْتُ حَدِيثَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ فَطَعَّ عَنْكُمْ مِدَّةَ الْجَبَّارِينَ وَوَلِيَّ الْأَمْرِ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ فَيَخْرُجُ النَّجَبَاءُ مِنْ مِصْرَ وَالْأَبْدَالُ مِنَ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ الْعِرَاقِ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ قَالَ عِمْرَانُ بْنُ الْحَصِينِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صِفْ لَنَا هَذَا الرَّجُلَ قَالَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ شِئْءٍ عَلَيْهِ عَبَاءُ تَانِ قَطَوَانِيَّتَانِ اسْمُهُ اسْمِي فَعِنْدَ ذَلِكَ تُفْرَخُ الطُّيُورُ فِي أَوْكَارِهَا وَ الْحِيَتَانِ فِي بَحَارِهَا وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَ تَقِيضُ الْعُيُونُ وَ تَنْبِتُ الْأَرْضُ ضِعْفَ أَكْلِهَا ثُمَّ يَسِيرُ مُقَدِّمَتَهُ جِبْرَائِيلُ وَ سَاقِيَهُ إِسْرَافِيلُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا. الإختصاص / 208 و إثبات الهداة / 5 / 182

حضرت صادق عَلَيهِ السَّلَامُ در ترسیم سیمای یاران صاحب الزمان عَلَيهِ السَّلَامُ می فرمایند:

«آن عده ای که با حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ قیام می کنند افراد نجیبی هستند که علم قضاوت و حکومت را دارا بوده و دین را می شناسند.» (1) با دقت در این موارد، به جاست که انسان، با تمام وجودش دعایی را که با عبارات مختلف در مجامع دعایی و روایی شیعه آمده است فریاد بزند که :

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَّارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتِّبَاعِهِ»

چرا که پیوستن به مجموعه ی با فضیلت یاران حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ برای همگان، امکان پذیر است؛ زیرا دلیل معتبری در دست نداریم که یاران امام مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ افرادی معین با نام و مشخصاتی خاص هستند. بنابراین، هر کسی می تواند با طرح این احتمال که شاید من یکی از یاران ویژه حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ باشم، انگیزه های درونی خود را تقویت کند و با تلاش فراوان، به جرگه ی یاران ویژه ی حضرت نائل آید.

از طرفی، اگر همت پیوستن به جمع یاران ویژه حضرت را نداشته باشیم، می توانیم جزء خیل عظیم همراهان حضرت و لشکر همگانی آن عزیز، قرار بگیریم. آری! باید بکوشیم تا جایی که ممکن است در این مسیر گام برداریم و البته نباید ناامید بود؛ چرا که هر کسی به مقدار توان و تلاش خویش، درجاتی از یآوری امام عَلَيهِ السَّلَامُ را خواهد داشت.

رجعت مردگان

اما نکته ی دیگری که باید دانست این است که بسیاری از خوبان عالم از زمان آدم تا روز ظهور، از جن و انس و ملک، برای یاری آن حضرت می شتابند حتی اگر پیش از آن، در زمره ی مردگان بوده باشند.

امام باقر عَلَيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چون حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ قیام کنند؛ مؤمنینی که از دنیا رفته اند مخیر می شوند؛ پس در قبر به ایشان گفته می شود: ای فلانی! صاحب تو آشکار شده است، اگر

ص: 226

1- . هَذِهِ [الْعِدَّةُ] الَّتِي يُخْرِجُ اللَّهُ فِيهَا الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، هُمُ النَّجْبَاءُ وَالْقُضَاةُ وَالْحُكَّامُ وَالْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ، يَمَسُّحُ بَطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يَسْتَبِيهُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ. دلائل الإمامة / 554

می خواهی به او ملحق شوی ملحق شو و اگر می خواهی در کرامت پروردگارت مقیم باشی، بمان.»(1)

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ هم به مفضل فرمودند:

«ای مفضل، تو و چهل و چهار مرد همراه حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ محشور می شوید، تو در سمت راست مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ امر و نهی می کنی، و مردم در آن روز از تو بیش از امروز اطاعت و فرمانبرداری می کنند.»(2)

و همان بزرگوار فرمودند:

«حضرت صاحب الزمان عَلِيهِ السَّلَامُ از پشت کعبه به همراه بیست و هفت تن ظهور می فرمایند که پانزده تن ایشان از قوم موسی عَلِيهِ السَّلَامُ هستند؛ یعنی همانان که به حق، هدایت می کردند و به آن توجه داشتند و هفت تن ایشان از اصحاب کهف اند و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر. آنان در التزام او و از یاران و فرماندهان سپاه اویند.»(3)

زید شحام از حضرت صادق عَلِيهِ السَّلَامُ نقل کرد که فرمودند:

«ارواح مؤمنین، آل محمد عَلِيهِمُ السَّلَامُ را در کوه های رَضُوا مشاهده می کنند و از غذای آنها می خورند و از آب ایشان می آشامند و با آنها به صحبت می پردازند تا هنگامی که قیام کننده ی ما اهل بیت قیام کند؛ وقتی او قیام کند خداوند آنها را بر می انگیزاند و می آیند با او در حالی که دسته دسته لبیک می گویند. در چنین موقعی یاهو سرایان به شک می افتند و ادعا کنندگان (ولایت) نابود می شوند و مقربین نجات می یابند.»(4)

ص: 227

1- . عَنْ سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةَ، قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ لِيُخَيَّرَ فِي قَبْرِهِ، إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، فَيُقَالُ لَهُ: قَدْ قَامَ صَاحِبُكَ، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ، وَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُقِيمَ فِي كَرَامَةِ اللَّهِ فَأَقِم. دلائل الإمامة / 479

2- . عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَا مُفَضَّلُ، أَنْتَ وَ أَرْبَعَةٌ وَ أَرْبَعُونَ رَجُلًا تُحْشَرُونَ مَعَ الْقَائِمِ، أَنْتَ عَلَى يَمِينِ الْقَائِمِ تَأْمُرُ وَ تَنْهَى، وَ النَّاسُ إِذْ ذَلِكَ أَطْوَعُ لَكَ مِنْهُمْ الْيَوْمَ. إثبات الهداة / 5 / 201 و دلائل الإمامة / 464

3- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ مَعَ سَبْعَةِ وَ عِشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ سَبْعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يُوْشَعُ بْنُ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبُو دَجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَ الْمُقَدَّادُ وَ مَالِكُ الْأَشْطَرِّ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا أَوْ حُكَّامًا. روضة الواعظين / 2 / 265

4- . عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ يَرُونَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جِبَالِ رَضَوَى فَتَأْكُلُ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ تَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ تُحَدِّثُ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَهُمُ اللَّهُ وَ أَقْبَلُوا مَعَهُ يَلْبُؤْنَ زُمْرًا فَرَمَّا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ وَ يَضْمَحِلُّ الْمُتَحِلُّونَ وَ يَنْجُو الْمُقَرَّبُونَ. بحار الأنوار / 6 / 243

عمار بن مروان هم گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمودند:

«به خدا سوگند! از شما پذیرفته می شود؛ به خدا سوگند! از شما آمرزیده می گردد. به راستی که بین شما و بین غبطه خوردن و دیدن شادی و روشنایی چشم، فاصله ای نیست مگر اینکه جان به اینجا برسد" و اشاره به حلقوم خود نمودند؛ سپس فرمودند: به راستی اگر آن لحظه فرارسد و (بنده ی خدا) در حالت احتضار (و جان سپردن) قرار گیرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، و اهل بیت ایشان، با حضرت علی علیه السلام، و جبرئیل و عزرائیل، نزدش حضور یابند. پس امیرالمؤمنین علیه السلام نزدیک وی آیند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گویند: این شخص، ما اهل بیت رسالت را دوست می داشت، شما هم او را دوست بدارید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بفرمایند: ای جبرئیل! به راستی این شخص، خدا و رسولش و آل او را دوست می داشت، پس او را دوست دار و با او مدارا کن. جبرئیل نیز به فرشته ی مرگ گوید: به راستی این شخص، خدا و رسولش و آل او را دوست می داشت، او را دوست دار و با او مدارا کن. سپس فرشته ی مرگ، نزد او آید و گوید: ای بنده خدا! برات آزادی خود را دریافت کرده ای؟ امان نامه ی بیزاری خود را گرفته ای؟ در زندگی دنیا به عصمت کبری چنگ زده ای و بدان تمسک جسته ای؟. سپس خداوند عزّ و جلّ، (روح) او را بالا می برد و آن شخص در همان حال می گوید: بلی!؛ پس از او پرسند: آن عصمت کبری چیست؟ پاسخ دهد که پذیرش ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. پس به او می گویند: درست گفتی! آنچه را که از آن می ترسیدی، خداوند تو را از آن در امان خواهد داشت و آنچه را که امید آن داشتی به آن رسیده ای، تو را بشارت باد بر همنشینی با گذشتگان صالح، رفقای همچون رسول خدا، علی مرتضی، فاطمه زهراء، و امامان علیهم السلام از فرزندان ایشان.

بعد از آن (روح از بدنش) به آرامی خارج گشته؛ و کفن و حنوط او از بهشت که همچون مشک خوشبوی لذتبخش است، آورده می شود و او را با این کفن، تکفین کنند و از این حنوط، خوشبوی کنند؛ سپس حله ای زرد رنگ از حله های بهشتی بر او بپوشانند. و چون او را در قبر گذارند، خداوند دری از درهای بهشت برایش بگشاید؛ و روح و ریحان بهشتی بر او وارد شود، سپس قبرش از جلو، راست و چپ به مقدار فاصله ی یک شهر، توسعه و گسترش یابد؛ و به او گفته شود: همانند عروس در رختخواب خود بیارام، تو را بر روح و ریحان، نعمت های بهشتی

و پروردگاری غیر غضبناک، بشارت باد. سپس در بهشت رضوان (برزخی) به زیارت و دیدار آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می رود و از خوردنی های ایشان میل می کند و از نوشیدنی هایشان می آشامد؛ و با آنها هم سخن و هم مجلس خواهد بود تا هنگامی که قیام کننده ی ما اهل بیت ظهور و قیام نماید، پس چون قیام کند خداوند، ایشان را از قبرها بیرون نماید و دسته دسته بر حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ لبیک گویند و در چنین موقعیتی اهل باطل در تردید افتند، مخالفان و توهین کنندگان به اهل بیت رسالت (لا- ابالی های بی دین) نابودگردند؛ و چه بسا افراد اندکی هلاک و مقربان نجات یابند؛ و بر همین اساس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: تو برادر من هستی، وعده گاه من و تو وادی السلام خواهد بود.»(1)

باوران فرا زمینی

یاران امام علیهِ السَّلَامُ حتی از عوالم دیگر به یاری حضرتش بر می خیزند تا آن ذخیره ی الهی را در راه تشکیل حکومت عدل مستقرّ جهانی یاری دهند. راوی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرد که فرمودند:

ص: 229

1- . عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مِنْكُمْ وَاللَّهِ يُقْبَلُ وَ لَكُمْ وَاللَّهِ يُغْفَرُ إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ أَنْ يَعْتَبِطَ وَ يَرَى الشَّرُورَ وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ إِلَّا أَنْ تَبْلُغَ نَفْسُهُ هَاهُنَا وَ أَوْ مَا بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ وَ احْتَضِرَ حَصْرَهُ رَهَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْأَيْمَةَ وَ عَلِيَّ وَ جَبْرِئِلَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَدْنُو مِنْهُ جَبْرِئِلُ [عَلِيٌّ ع] فَيَقُولُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ هَذَا كَانَ يُحِبُّكُمْ [يُحِبُّنَا] أَهْلَ الْبَيْتِ فَأَحْبَبُهُ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَا جَبْرِئِلُ إِنَّ هَذَا كَانَ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ آلَ [وَ آلَهُ] رَسُولِهِ فَأَحْبَبَهُ وَ أَزْفُقُ بِهِ وَ يَقُولُ جَبْرِئِلُ لِمَلَكَ الْمَوْتِ إِنَّ هَذَا كَانَ يُحِبُّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِ رَسُولِهِ فَأَحْبَبَهُ وَ أَزْفُقُ بِهِ فَيَدْنُو مِنْهُ مَلَكَ الْمَوْتِ فَيَقُولُ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَخَذْتَ فَكَأَكْ رَقَبَتِكَ أَخَذْتَ أَمَانَ بَرَاءَتِكَ تَمَسَّكَتَ بِالْعَصَمَةِ الْكُبْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ فَيُوقِّعُهُ [فَيَرْفَعُهُ] اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَقُولُ نَعَمْ فَيَقُولُ [لَهُ] وَ مَا ذَاكَ فَيَقُولُ وَ لَا يَأْتِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَيَقُولُ صَدَقْتَ أَمَّا الَّذِي كُنْتَ تَحْذَرُهُ فَقَدْ أَمَنَكَ اللَّهُ عَنْهُ [مِنْهُ] وَ أَمَّا الَّذِي كُنْتَ تَرْجُوهُ فَقَدْ أَدْرَكَتَهُ أُبَشِرُ بِالسَّلَفِ الصَّالِحِ مُرَافِقَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يَسْأَلُ نَفْسَهُ سَلًّا رَفِيقًا ثُمَّ يَنْزِلُ بِكَفَنِهِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ حَنُوطِهِ حَنُوطٍ كَالْمَسْكِ الْأَذْفَرِ فَيَكْفِنُ بِذَلِكَ الْكَفَنِ وَ يُحْنِطُ بِذَلِكَ الْحَنُوطِ ثُمَّ يُكْسِي حُلَّةً صَفْرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ فَإِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ فَتَحَّ اللَّهُ لَهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ عَلَيْهِ مِنْ رُوحِهَا وَ رِيحَانِهَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ عَنْ أَمَامِهِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمِ نَوْمَةَ الْعُرُوسِ عَلَى فِرَاشِهَا أُبَشِرُ بِرُوحِ وَ رِيحَانِ وَ جَنَّةِ نَعِيمٍ وَ رَبِّ غَيْرِ غَضْبَانَ ثُمَّ يَزُورُ آلَ مُحَمَّدٍ فِي جَنَانِ رَضْوَى فَيَأْكُلُ مَعَهُمْ مِنْ طَعَامِهِمْ وَ يَشْرَبُ مَعَهُمْ مِنْ شَرَابِهِمْ وَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا بَعَثَهُمُ اللَّهُ فَأَقْبَلُوا مَعَهُ يَلْبُونَ زَمْرًا زَمْرًا فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطَلُونَ وَ يَصْجَلُ الْمُجْلُونَ وَ قَلِيلٌ مَا يَكُونُونَ هَلَكْتَ الْمَحَاضِيرُ وَ نَجَا الْمُقَرَّبُونَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَ أَخِي وَ مِعَادُ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَادِي السَّلَامِ... كافي 3 / 131 و

الزهد / 81 و مدينة المعاجز 3 / 109

«خدا را شهری است که وسعت آن به اندازه مسیر چهل روز خورشید در آنجا گروهی هستند که هرگز خدا را معصیت نکرده اند و شیطان را نمی شناسند و نمی دانند که خدا ابلیس را آفریده است. ما در هر روز آنها را ملاقات می کنیم و نیازهای خود را از ما سؤال می کنند و از ما تقاضای دعا می نمایند. به آنها می آموزیم و آنها (دائماً) از ما می پرسند که قیام کننده ی ما کی ظهور خواهد کرد؟. آنها دارای عبادت و کوشش شدیدی هستند شهر آنها را درهایی است که بین هر لنگه درب تا لنگه ی دیگر، صد فرسخ است. اگر آنها را مشاهده کنید عمل خویش را حقیر خواهید شمرد. یک مرد از آنها یک ماه در سجده است که سر بر نمی دارد و غذای آنها تسبیح و لباس ایشان برگ درختان، و پوست چهره های آنها می درخشد. وقتی یکی از ما را مشاهده می کنند اطرافش را می گیرند و از جای پای او برای برکت بر می دارند. هنگام نماز، صدایی دارند شدیدتر از صدای باد تند، در میان آنها گروهی هستند که تا به حال، سلاح را به زمین نگذاشته اند. در انتظار قائم ما هستند و دعا می کنند که او را مشاهده نمایند. هر کدام از ایشان هزار سال عمر می کند؛ وقتی آنها را مشاهده کنی مجسمه ای از خشوع و تواضع و درخواست نزدیکی به خدا را خواهی دید. وقتی ما دیرتر پیش آنها برویم خیال می کنند این تأخیر از خشم و ناراحتی بوده (و نگران می شوند). پیوسته انتظار آن ساعتی را دارند که ما بیائیم و نه کسل می شوند و نه خسته. کتاب خدا را همان طور که به آنها آموخته ایم می خوانند و در بین آنچه ما به ایشان آموخته ایم چیزهایی است که اگر بر مردم بخوانند آن را انکار می کنند و نخواهند پذیرفت. وقتی راجع به قرآن سوالی برایشان پیش آید از ما می پرسند، و زمانی که ما برای آنها توضیح می دهیم با شرح صدر از ما می پذیرند و از شنیدن توضیح ما برای ما طلب طول عمر می کنند که ما را از دست ندهند و می دانند که منت خدا است بر آنها که ما به ایشان تعلیم می دهیم. آنها با امام، وقتی ظهور کند، قیام خواهند کرد و اسلحه داران ایشان جلوتر خواهند بود در حالی که دعا می کنند خداوند آنها را از کسانی قرار دهد که دین خدا را یاری می کنند، در میان ایشان پیر و جوان وجود دارد. هنگامی که جوانی از ایشان پیرمردی را مشاهده می کند؛ مانند بنده ای در مقابل او می نشیند و از جای حرکت نمی کند تا به او رخصت دهد. آنها خود به طریقی با امام ارتباط دارند که خواسته امام را از همه مردم بهتر می دانند و وقتی امام به آنها دستوری می دهد پیوسته آن کار

را انجام می دهند تا خود امام، ایشان را به کار دیگری مأمور نماید. اگر آنها به جمعیتی که بین مشرق و مغرب را فرا گرفته باشند حمله کنند در فاصله یک ساعت همه را از بین می برند، و آهن در آنها اثر نمی گذارد. دارای شمشیرهایی از آهن هستند اما غیر از این آهن ها، و اگر مردی از ایشان سلاحش را به کوهی فرود آورد آن را دو نیم می کند. امام به همراهی آنها با هند و دیلم، کرد و ترک و روم و بربر و ما بین جابرسا و جابلقا که دو شهر هستند یکی در مشرق و دیگری در مغرب جنگ خواهد کرد و با اهل هر دین که برخورد کنند آنها را دعوت به خدا و دین اسلام و اقرار به محمد صلی الله علیه و آله و سلم می کنند و هر کس، اقرار به اسلام نکند و نپذیرد، او را می کشند تا هر که در شرق و غرب و تمام دنیا هست اقرار آورد.» (1)

ص: 231

1- . عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ميراث العلم ما مبلغهُ أجماع هو من هذا العلم أم تفسر كل شيء من هذه الأمور التي نتكلم فيها؟ فقال: «إن لله عز وجل مدينتين: مدينة بالمشرق ومدينة بالمغرب، فيهما قوم لا يعرفون إبليس، ولا يعلمون بخلق إبليس، نلقاهم في كل حين، فيسألوننا عما يحتاجون إليه، ويسألوننا عن الدعاء فنعلمهم، ويسألوننا عن قائمنا متى يظهر، وفيهم عبادة واجتهاد شديد. ولما دبرناهم أبواب ما بين المصراع إلى المصراع مائة فرسخ، لهم تقديس وتمجيد، ودعاء واجتهاد شديد، لو رأيتهمم لا حتفرتهم عملكم، يصلي الرجل منهم شهراً لا يرفع رأسه من سجدة، طعامهم التسيح، ولباسهم الورع، وجوههم مشرقة بالثور، وإذا رأوا مناً واحداً احتشوه واجتمعوا إليه وأخذوا من أثره من الأرض يبركون به، لهم دوي إذا صدلوا كشد من دوي الرياح العاصف. منهم جماعة لم يصعوا السلاح منذ كانوا ينتظرون قائمنا، يدعون الله عز وجل أن يرهم إياه، وعمر أحدهم ألف سنة، إذا رأيتهم رأيت الخشوع والإستكانة، وطلب ما يقربهم إلى الله جل وعز، إذا احتسبنا عنهم ظنوا أن ذلك من سخط، يتعاهدون أوقاتنا التي تأتيهم فيها، فلا يسأمون ولا يفترون، يتلون كتاب الله عز وجل كما علمناهم، وإن فيما نعلمهم ما لوتلي على الناس لكفروا به ولأنكروه. يسألوننا عن الشيء إذا ورد عليهم من القرآن لا يعرفونه، فإذا أخبرناهم به انشرح صدورهم لما يستمعون منّا، وسألوا لنا البقاء وأن لا يفقدونا، ويعلمون أن المنة من الله تعالى عليهم فيما نعلمهم عظيمة، ولهم خزجة مع الإمام إذا قام، يستبقون فيها أصحاب السلاح، ويدعون الله عز وجل أن يجعلهم ممن ينتصر بهم لدينه، فهم كهول وشبان، إذا رأى شاب منهم الكهل جلس بين يديه جلسة العبد لا يقوم حتى يأمره، لهم طريق هم أعلم به من الخلق إلى حيث يريد الإمام عليه السلام، فإذا أمرهم الإمام عليه السلام بأمر قاموا إليه أبداً حتى يكون هو الذي يأمرهم بغيره، لو أنهم وردوا على ما بين المشرق والمغرب من الخلق لأقنوهم في ساعة واحدة، لا يعمل فيهم الحديد. لهم سيوف من حديد غير هذا الحديد، لو ضرب أحدهم بسيفه جبالاً لقدمه حتى يفصله، ويغزو بهم الإمام عليه السلام الهند والديلم والكرد والروم وبربر وفارس، وما بين جابرسا إلى جابلقا وهما مدينتان واحدة بالمشرق واحدة بالمغرب لا يأتون على أهل دين إلا دعوهم إلى الله عز وجل، وإلى الإسلام، والإقرار بمحمد صلي الله عليه وآله وسلم، والتوحيد، ولا يتنا أهل البيت. فمن أجاب منهم ودخل في الإسلام تركوه وأمروا عليه أميراً منهم، ومن لم يجب ولم يقم بمحمد صلي الله عليه وآله وسلم، ولم يقم بالإسلام، ولم يسلم قتلوه، حتى لا يبقى بين المشرق والمغرب وما دون الجبل أحد إلا آمن. مختصر البصائر/68 و بحار الانوار 27/44 و البرهان 1/109

و صد البته که جماعت نسوان و بانوان نیز در سپاه خاص و عام حضرت، مشارکت فراوان دارند.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمودند: «... یاران حضرت مهدی سیصد و سیزده نفرند که پنجاه تن ایشان زن هستند...» (1)

حتی عده ای از زنان پاک نهاد که پیش از ظهور حضرت از دنیا رفته اند با ظهور آن بزرگوار به دنیا رجعت کرده و در رکاب حضرتش خواهند بود مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

«سیزده زن همراه امام زمان علیه السلام هستند.»

گوید: به امام علیه السلام گفتم آنها در هنگام ظهور چه کاری انجام می دهند؟ فرمودند:

«مجر و حین جنگ را معالجه می کنند و جمع و پرستاری می نمایند؛ همچنان که زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم همین طور بود.»

مفضل گوید: عرض کردم: آنها را نام می برید؟ حضرت نه نفر ایشان را نام برده و فرمودند:

«قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه ی والیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صبانة ماشطه (آرایشگر در کاخ فرعون بود)، ام خالد جهیه» (2)

شاید منظور امام علیه السلام از ذکر این تعداد، فقط بانوانی باشند که در زمان حضرت مهدی علیه السلام زنده می شوند و مفضل ایشان را می شناسد.

اما این بانوان سعادت مند چه کسانی هستند؟

1. قنواء؛

دختر رشید هجری است که از اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است. وی دختر بزرگمردی است که در راه محبت و دوستی امیر مؤمنان به طرز دلخراشی

ص: 232

1- ... و یجی، و الله ثلاثمائة و بضعة عشر رجلا فیهم خمسون امرأة ... تفسیر عیاشی 65/1

2- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: يُكْرَهُ مَعَ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ثَلَاثَ عَشْرَةَ امْرَأَةً. قُلْتُ: وَمَا يَصْنَعُ بِهِنَّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجُرْحَى، وَيَقْمُونَ عَلَى الْمَرْضَى، كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. قُلْتُ: فَسَمَّيْنَنِي لِي. فَقَالَ: الْقِنَوَاءُ بِنْتُ رُشَيْدٍ، وَأُمُّ أَيْمَنَ، وَحَبَابَةُ الْوَالِيَّةِ، وَسَمِيَّةُ أُمِّ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، وَزُبَيْدَةَ، وَأُمُّ خَالِدِ الْأَحْمَسِيِّ، وَأُمُّ سَعِيدِ الْحَنْفِيِّ، وَصَبَانَةُ الْمَاشِطَةِ، وَأُمُّ

به شهادت رسید. از گفتار شیخ مفید بر می آید که قنواء به هنگام ورود پدرش نزد عبیدالله بن زیاد شاهد قطع دو دست و دو پای پدر خود بوده و به کمک دیگران بدن نیمه جان پدر را از دارالاماره بیرون آورده و به خانه منتقل کرده است. (1)

2. ام ایمن؛

اهل حبشه می باشد و نزد حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام بوده و پس از ایشان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ارث رسید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از ازدواج با حضرت خدیجه سلام الله علیها او را آزاد کردند. سرپرستی دوران کودکی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام را به عهده داشت و جزو اولین زنان مهاجر و همسر شهید و مادر شهید می باشد. ام ایمن، بسیار به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علاقه داشته است. در حدیث است که چون حضرت فاطمه سلام الله علیها به شهادت رسیدند؛ ام ایمن، سوگند خورد که در مدینه نماند؛ زیرا طاقت دیدن آن مواضع و محل هایی که حضرت صدیقه شهیده سلام الله علیها در آنجا دیده بود نداشت، لذا از مدینه خارج شد و به سوی مکه حرکت کرد، در بین راه آب او تمام شد و تشنگی بر او غلبه کرد؛ پس دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده و گفت: پروردگارا! من خدمتکار حضرت فاطمه سلام الله علیها هستم، آیا می خواهی مرا به واسطه عطش و در حال تشنگی بمیرانی؟ در این حال، خداوند متعال، دلوی آب از آسمان برای او فرستاد و او از آن آب نوشید و هفت سال از آب و غذا بی نیاز گردید، و مردم او را در روز بسیار گرم به دنبال کارهایی می فرستادند؛ ولی او هرگز تشنه نمی شد. (2)

3. حبابه ی والیه؛

بانویی است از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که تا زمان حضرت رضا علیه السلام زنده بود. طبق روایتی وی از حضرت امام علی علیه السلام نشانه ی امامت خواست؛ پس امام علیه السلام سنگ کوچکی از او طلب کرده و آن را با خاتم خود مهر زدند به صورتی که جای مهر به صورت برجسته بر سنگ حک شد؛ پس حضرت توضیح دادند که هر کسی مدعی امامت شد اگر بر این کار توانا باشد امام مفترض الطاعه است از این رو حبابه پس از شهادت هر امامی نزد امام بعدی می رفت و آنان مهر خود را بر همان سنگ می زدند و اثر آن نقش می بست، نوبت که به امام رضا علیه السلام رسید، حضرت نیز چنین کردند. حبابه نه ماه پس از شهادت امام رضا علیه السلام زنده بود و پس از آن بدرود حیات گفت. او از زنان والامقامی است که دوره زندگی هشت امام معصوم را درک کرد و پیوسته مورد لطف و عنایت ایشان

ص: 233

1- اعلام النساء المؤمنات 706/1

2- اعلام النساء المؤمنات 279/1

قرار داشت، در یک یا دو نوبت به وسیله امام زین العابدین و امام رضا عَلَیْهِمَا السَّلَامُ جوانی اش به او بازگردانده شد. روایت شده است که وقتی حبابه به خدمت امام زین العابدین عَلَیْهِ السَّلَامُ رسید، صد و سیزده سال از عمرش سپری شده بود، حضرت با انگشت سبابه خود اشاره ای کردند و جوانی اش بازگشت. (1)

4. زبیده؛

دختر جعفر و نوه ی منصور دوانیقی است که به چهار واسطه به عبدالله بن عباس می رسد. او مدتی همسر هارون خلیفه ی عباسی بود و امین فرزند او می باشد و وقتی که هارون متوجه مذهب او شد او را طلاق داد. با وجود رشد در خاندان بنی عباس ولی وی شیعه بوده است. زبیده کارهای خدماتی بسیاری داشت که یکی آبرسانی به عرفات است، همچنین نوشته اند وی صد کنیز داشت که پیوسته مشغول حفظ قرآن بودند و همیشه از محل سکونت او صدای تلاوت قرآن شنیده می شد. (2)

5. سمیه؛

همسر یاسر و مادر عمار و اولین شهیده در راه اسلام است. وی هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و بدین سبب، دشمن سخت به خشم آمده و بدترین شکنجه ها را بر او روا داشت، او و شوهرش یاسر در دام ابوجهل گرفتار آمدند و او نخست آنها را اجبار کرد که پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را دشنام دهند؛ اما آنها حاضر به چنین کاری نشدند، او نیز زره آهنی به سمیه و یاسر پوشانید و آنها را در آفتاب سوزان نگه داشت. پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ که گاه از کنارشان عبور می کردند، آنها را به صبر و مقاومت، سفارش می کردند و می فرمودند: ای خاندان یاسر! صبر پیشه سازید که وعده گاه شما بهشت است، سرانجام ابوجهل بر هر یک ضربتی وارد ساخت و ایشان را به شهادت رساند پس رحلت کرد در حالی که پیر بود و او اولین زن شهید در راه اسلام است. (3)

خداوند این زن را به پاداش صبر و مجاهدتی که در راه اعتلای اسلام نشان داد و بدترین شکنجه را از دشمن خدا تحمل کرد، در ایام ظهور مهدی آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ زنده خواهد کرد تا تحقق وعده ی الهی را ببیند و در لشکر ولی خدا به یاوران آن حضرت خدمت کند.

ص: 234

1- . اعلام النساء المؤمنات 334 / 1

2- . تاریخ اسلام 7 / 19

3- . بحار الانوار 18 / 241

شاید مقصود ام خالد مقطوعه الید (دست بریده) باشد که یوسف بن عمر، پس از به شهادت رساندن زید بن علی در کوفه، دست او را به جرم شیعه بودن قطع کرد. در کتاب رجال کشی درباره شخصیت و مقام این زن فداکار از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام، مطالبی ذکر شده است. بسیار شجاع و اهل برائت از دشمنان اهلبیت عَلَیْهِمُ السَّلَام بوده است.

ابوبصیر گوید: در خدمت امام صادق نشسته بودیم که ام خالد مقطوعه الید از راه رسید، حضرت فرمودند: ای ابابصیر، آیا میل داری که کلام ام خالد را بشنوی؟ من عرض کردم: آری ای فرزند رسول خدا! با شنیدن آن شادمان می گردم. در همان موقع ام خالد به خدمت امام آمد و سخن گفت، دیدم وی در کمال فصاحت و بلاغت صحبت می کند پس از امام درباره آن دو (یعنی اولی و دومی) پرسید؟ حضرت به آن زن فرمودند: دوستشان بدار، ام خالد گفت: هر گاه من پروردگارم را دیدار کردم بگویم: که شما به من دستور داده اید که دوستشان بدارم؟ فرمودند: آری! (او که فهمیده بود امام عَلَیْهِ السَّلَام از روی تقیه چنین پاسخی داده اند از راه دیگری وارد شد و) گفت: این شخص که روی تشک در کنار شما نشسته (یعنی ابوبصیر) به من دستور می دهد که از آنان بیزاری جویم، و کثیر النوا (که یکی از بزرگان زیدیه بوده) به من دستور می دهد که آن دو را دوست بدارم، پس کدامیک از این دو نفر در نزد شما بهترند و شما بیشتر او را دوست دارید؟ حضرت فرمودند: به خدا سوگند! این مرد در پیش من محبوب تر از کثیر النوا و یاران او است...» (1)

7. ام سعید؛

از اصحاب امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام و از روات کتاب کامل الزیارات است.

8. صبانه؛

در زمان فرعون زندگی می کرد و پیرو حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام بوده است و جریان ایشان را شیعه و سنی به این مضمون نقل کردند که او را به همراه فرزندان در تنور انداختند. وی همسر "حزقیل" پسر عموی فرعون و شغلش آرایشگری دختر فرعون

ص: 235

1- . عَنْ أَبِي بصیرٍ قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَتْ عَلَيْهِ أُمُّ خَالِدِ بْنِ يَسْفُفٍ بِنْتُ عُمَرَ تَسْتَأْذِنُ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْسُرُكَ أَنْ تَسْمَعَ كَلَامَهَا فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ أَمَّا الْآنَ فَأَذِنَ لَهَا قَالَ وَاجْلِسِي مَعَهُ عَلَى الطَّنْفِسَةِ ثُمَّ دَخَلَتْ فَتَكَلَّمَتْ فَإِذَا امْرَأَةٌ بَلِيغَةٌ فَسَدَّ اللَّهُ عَنْهُمَا فَقَالَ لَهَا تَوَلَّيْتَهُمَا قَالَتْ فَأَقُولُ لِرَبِّي إِذَا لَقَيْتُهُ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِوَلَايَتِهِمَا قَالَ نَعَمْ قَالَتْ فَإِنَّ هَذَا الَّذِي مَعَكَ عَلَى الطَّنْفِسَةِ يَا مُرْنِي بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا وَكَثِيرِ النَّوَاءِ يَا مُرْنِي بِوَلَايَتِهِمَا فَإِيَّاهُمَا خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ هَذَا وَاللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كَثِيرِ النَّوَاءِ وَأَصْحَابِهِ إِنَّ هَذَا يُحَاصِمُ فَيَقُولُ. وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. کافی 237/8

بوده است. او همانند شوهرش به پیامبر زمان خود، حضرت موسی، ایمان آورده بود اما همچنان ایمان خود را پنهان می کرد. روزی وی مشغول آرایش دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و بی اختیار نام خدا را بر زبان جاری ساخت، دختر فرعون گفت: آیا نام پدر مرا بر زبان آوردی؟ گفت: نه! بلکه نام کسی را بر زبان آوردم که پدر تو را آفریده است، دختر فرعون ماجرا را نزد پدر بازگو کرد و فرعون صبانۀ را احضار کرد و گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ گفت: هرگز! من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم. فرعون دستور داد تا تنور مسی برافروختند و همه بچه های آن زن را در حضورش در آتش افکندند، چون نوبت به طفل شیرخوارش رسید، صبانۀ می خواست به ظاهر از دین، برائت جوید که کودک شیرخوارش به زبان آمد و گفت: مادر! صبر کن که تو بر حق هستی! فرعونیان، آن زن و بچه شیرخوارش را در آتش افکندند، سوزاندند و خداوند در اثر صبر و تحمل آن زن در راه دین، او را در دولت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ زنده می گرداند تا هم به آن حضرت خدمت کند و هم انتقام خود را از فرعونیان بگیرد. در خبر است که چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را به اسراء بردند، در مسیر به بوی خوشی برخورد کردند پس از جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ سوال کردند: این بوی خوش از کجا و از کیست؟ پاسخ داد: این بوی خوش از قبر آن زن آرایشگر و دو فرزند و شوهر او است. (1)

9. ام خالد جهنیه؛

مطلبی درباره اش یافت نشد.

به هر حال اینان که مجموعه ای از فضیلت ها و خوبی ها هستند به گرد حجت زمان، پروانه وار، طواف کنند و آن یگانه ی دوران را در راه رسیدن به هدف والایش یاری رسانند. ما در ماندگان نیز از حضرت باری تعالی می خواهیم که به فضل و کرمش، ما را نیز در زمره ی این نیکان قرار دهد؛ همان هایی که چشم شان به طلعت رشیده ی حجت خدا روشن و قلبشان به دولت کریمه او خرسند می شود. آمین رب العالمین

ص: 236

سختی امر ظهور



تشکیل حکومت و دولتی که حضرت حجت بن الحسن f در پی تأسیس آن هستند و عدالتی که آن بزرگوار، در عالم منتشر خواهند نمود، آن هم با وجود آنکه پیش از آن، همه ی عالم را ظلم و بی عدالتی فراگرفته و مردم سرتاسر گیتی به خُلق های ناشایست خو گرفته اند کاری سهل و آسان نخواهد بود و قطعاً صالحین در این راه خون دلها خواهند خورد.

مفضّل بن عمر گوید: در حضور امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ از مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ یاد شد، عرض کردم: من امیدوارم که کار او به آسانی صورت پذیرد، پس شنیدم از آن حضرت که فرمودند:

«آن امر واقع نخواهد شد تا آنکه (شدائد و مشکلات به پایه ای برسد که) خون بسته شده و عرق را (از خویشتن) بزدائید.»⁽¹⁾

موسی بن بکر واسطی نیز از بشیر تَبال روایت کرده که گفت: هنگامی که به مدینه رسیدم به امام باقر عَلِيهِ السَّلَامُ عرض کردم: سنی ها می گویند که مهدی اگر قیام کند کارها به خودی خود برای او برقرار می شود و به اندازه حجامتی خون نمی ریزد، آن حضرت فرمودند:

«هرگز چنین نیست، سوگند به آنکه جانم به دست اوست! اگر کارها به خودی خود برای کسی برقرار و رو به راه می شد مسلماً برای رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ آنگاه که دندان های پیشین آن حضرت شکست و صورتش را زخم رسید درست می شد، نه! هرگز!

ص: 238

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِي سَهْوَةٍ فَقَالَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَالْعَرَقَ. غيبت نعمانی / 284 و إثبات الهداة 5 / 166

سوگند به آنکه جان من به دست اوست (چنین نخواهد شد) تا آنکه ما و شما، عرق و خون بسته شده را پاک کنیم؛ سپس آن حضرت، پیشانی خود را به عنوان نمودار آن حالت، پاک کردند»(1)

مفضل بن عمر هم گوید: در طواف کعبه نزد امام صادق علیه السلام بودم؛ پس به سوی من نگرسته و به من فرمودند: ای مفضل! چرا تو را اندوهگین و رنگ برگشته می بینم؟! عرض کردم: فدایتان شوم! به وضع بنی عباس می نگرم و به آنچه از این حکومت و قدرت و جبروت، که در اختیارشان است، که اگر آنها برای شما فراهم بود؛ مسلماً ما نیز در آن همراه شما می بودیم. امام علیه السلام فرمودند:

«ای مفضل! بدان که اگر چنان می شد چیزی (در کار) نبود جز پرداختن به کار سیاست در شب و تدبیر امور و درگیر کردن کار مردم بودن در روز، و خوردن غذای ناگوار و پوشیدن جامه خشن همانند امیر المؤمنین علیه السلام که در غیر این صورت، آتش (در انتظارمان) بود، پس آن کار از ما روی برتافت و بگردید، و ما اکنون می توانیم بخوریم و بیاشامیم، آیا تو این چنین دیده ای که خداوند ستمی را نعمت قرار دهد؟!»(2)

آری! حتی عده ی زیادی با دیدن روش و سنت امام علیه السلام در اداره ی حکومت، دست از اعتقاد خویش کشیده و در مقابل حضرتش شمشیر می کشند با وجودی که پیش از آن، خود، منتظر آمدن مهدی علیه السلام بوده اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که مهدی علیه السلام خروج کند کسانی که خود را از اهل این امر می پنداشته اند

ص: 239

1- . عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ قَالَ: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَ ذَكَرْتُ مِثْلَ الْحَدِيثِ الْمُتَقَدِّمِ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسَدٌ تَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا وَلَا يَهْرِيْقُ مِحْجَمَةً دِمٍ فَقَالَ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حِينَ أُدْمِيَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَ شُجَّ فِي وَجْهِهِ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَ الْعَلَقُ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ. غيبت نعمانی / 284

2- . عَنْ الْمُفَضَّلِ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالطَّوْافِ فَنَظَرَ إِلَيَّ وَ قَالَ لِي يَا مُفَضَّلُ مَا لِي أَرَاكَ مَهْمُومًا مُتَغَيِّرَ اللَّوْنِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نَظَرِي إِلَى بَنِي الْعَبَّاسِ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ هَذَا الْمُلْكِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْجَبْرُوتِ فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ لَكُمْ لَكُنَّا فِيهِ مَعَكُمْ فَقَالَ يَا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَاسَةُ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةُ النَّهَارِ وَ أَكْلُ الْجَشْبِ وَ لُبْسُ الْحَشِينِ شُبُهَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَّا فَالْتَّارُ فَرَوِي ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ وَ هَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً مِثْلَ هَذَا. غيبت نعمانی / 287

(یا کسانی که مردم، ایشان را از خاندان آن حضرت و منسوبان ایشان می دانسته اند) از این امر خارج خواهند شد و در سلک خورشیدپرستان و ماه پرستان داخل می شوند و (به عکس) افرادی چون خورشید پرستان و ماه پرستان، این امر را پذیرفته و داخل آن می گردند!»(1)

و فضیل بن یسار گوید: شنیدم که امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ می فرمودند:

«مهدی ما چون قیام کند، از جهل مردم، شدیدتر از آنچه رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با آن از سوی نادانان عصر جاهلیت روبرو شدند مواجه خواهند شد، راوی گوید: عرض کردم: این چگونه ممکن است؟ فرمودند: همانا رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در حالی به سوی مردم مبعوث شدند که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند؛ ولی قیام کننده ی ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی، کتاب خدا را بر علیه او تأویل می کنند و بر ضد او به واسطه ی قرآن، احتجاج می نمایند! سپس فرمودند: بدانید به خدا سوگند که موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.»(2)

و امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در ضمن حدیثی به ابوجارود فرمودند:

«...شانزده هزار تن از بتریه (زیدیه ای هستند که ابابکر و عمر را دوست دارند) که مسلح بوده و قاریان قرآن و فقهاء در دین اند و از کثرت سجده، پیشانی آنها زخم شده و لباسهایشان مندرس گشته و نفاق تمام وجودشان را پر کرده است، به حضرت می گویند: "ای فرزند فاطمه! بر گرد که ما نیازی به تو نداریم!" آنگاه حضرت در عصر روز دوشنبه در پشت نجف تا شب، تمامی آنها را به سرعت می کشد و هیچ یک از آنان، جان سالم به در نمی برد، و این در حالی است که اصحاب آن حضرت

ص: 240

1- . عن أبي عبد الله عليه السلام انه قال: إذا خرج القائم خرج من هذا الأمر من كان يرى أنه من أهله ودخل في سنة عبدة الشمس والقمر. غيبت نعماني / 317 و بحار الأنوار / 52 / 364

2- . عن الفضل بن يسار قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول إن قائمنا إذا قام الله يتقبل من جهل الناس أشد مما استقبله رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من جهال الجاهلية قلت وكيف ذلك قال إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أتى الناس وهم يعبدون الحجاره والصخور والعيدان والخشب المنحوتة وإن قائمنا إذا قام أتى الناس وكلهم يتأول عليه كتاب الله يحتج عليه به ثم قال أما والله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر والقمر. غيبت نعماني / 297 و اثبات الهداه / 5/167

هیچ یک آسیبی نمی بینند...»(1) و امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«زمانی که حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ در نجف کوفه، ظاهر شود، اهل کوفه بر او خروج می کنند در حالی که مصحف ها و کتاب های دینیشان را بر دوش دارند و در اطراف نیزه ها شعار دهند 646221 یا 247. (2)

پس می گویند: ای فرزند فاطمه! ما به تو نیازی نداریم. ما شما را امتحان کردیم و در شما خیری نیافتیم. از همانجایی که آمده اید بازگردید. پس همه ی آنها را می کشد و هیچ کدام نجات نمی یابند؛ حتی کسی نمی ماند که خبر کشته شدن آنها را ببرد.»(3)

مردم در آن روز دچار امتحانهای سختی خواهند شد تا فقط خوبان و صالحان در حکومت آن عزیز، به مکت و دولت دست یابند.

اسحاق بن عمار از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نقل کند که فرمودند:

«چون حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به مدینه بیایند و بخواهند که دیواری که بر قبر (آن دو نفر ظالم) است را خراب کنند، خداوند بادی شدید به همراه صاعقه های سهمگین نازل کند به حدی که مردم بگویند علت این وقایع، همین عمل آقا است؛ پس اصحاب آن حضرت از اطرافش پراکنده شوند تا جایی که احدی با او نماند! پس خود آن حضرت، کلنگ را به دست می گیرند و خود، اولین ضربه را می زنند؛ چون اصحاب آن حضرت، این صحنه را ببینند، یکی یکی باز می گردند و در آن روز، ملاک فضیلت ایشان در آن است که کدامیک زودتر باز می گردند. پس دیوار قبر آن دورا خراب کنند و هر دورا تر و تازه از خاک بیرون کشند؛ پس مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ آن دورا

ص: 241

1- . وَ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيُخْرِجُ مِنْهَا سِتَّةَ عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْبُثْرَةِ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ، قَرَأَ الْقُرْآنَ، فَفَهَّاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ قَرَحُوا جِبَاهَهُمْ، وَ شَمَّرُوا رِجْلَهُمْ، وَ عَمَّهُمُ النَّفَاقُ، وَ كُلُّهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، اَرْجِعْ لِحَاجَةِ لَنَا فِيكَ. فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ عَشْرَةَ الْإِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا يَقُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَ لَا يُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ.. دلائل الامامه / 455

2- . این اعداد عینا به همین شکل در منبع روایت ذکر شده و منظور از آنها را نمی دانم شاید رمزی باشد و شاید هم اشتباهی رخ داده باشد. والله اعلم

3- . أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ خَرَجَ إِلَيْهِ قَرَاءَ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَدْ عَلَّقُوا الْمَصَاحِفَ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَ اطْرَافِ رِمَاحِهِمْ شِعَارُهُمْ يَا 642121 یا 247 فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ قَدْ جَرَّبْنَاكُمْ فَمَا وَجَدْنَا عِنْدَكُمْ خَيْرًا اَرْجِعُوا مِنْ حَيْثُ جِئْتُمْ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ مُخْبِرٌ. منتخب الأنوار المصنئة / 193

لعنت کرده و از ایشان بیزاری جوید و به دارشان آویخته و سپس بدن نحسشان را به آتش بسوزاند و خاکسترشان را بر باد دهد.» (1) در باره علائم الظهور در روایات آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، مطالب فراوانی رسیده است؛ اما باید گفت که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرموده اند: ممکن است در باب همه ی این علائم، بداء حاصل شود؛ یعنی بر خلاف باور عمومی که منتظر علائم الظهور اند؛ هیچگاه این علامت ها واقع نشود و خدا امر و لیش را بدون حدوث آن علامت ها اصلاح کند و فرجش را مقدر فرماید. پس باید منتظر خود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بودن چشم به راه علائم الظهور.

ابوهاشم جعفری می گوید: در محضر امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ بودیم و سخن از سفیانی به میان آمد و آنچه در روایات آمده که کار او از حتمیات است. من به آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کردم: آیا خدا را در امور حتمی بدائی پدید می آید؟ فرمودند: بله! به آن حضرت عرض کردیم: پس با این ترتیب ما می ترسیم خدا در مورد اصل ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز بداء کند. فرمودند:

«قطعاً قائم از وعده هاست؛ سپس با استناد به آیه نهم سوره مبارکه آل عمران فرمودند: «خداوند خلاف وعده خود رفتار نمی کند» (2)

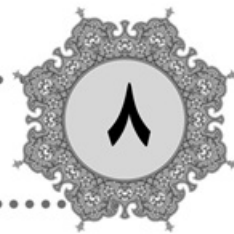
منظور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ این است که علائم الظهوری چون سفیانی، وعید الهی اند و وعید یعنی تهدید به آمدن عقوبتی در آینده؛ پس اگر خدا به این وعید و تهدیدش عمل نکند، فضل و رحمت اوست که شامل بندگان شده؛ ولی ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و بر پایی دولت کریمه ی ایشان، وعده ی خداست یعنی خبر دادن از واقعه ای نیکو برای بندگان و خدا در وعده اش خلاف نمی کند. دقت فرمایید.

ص: 242

1- . عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَدِمَ الْقَائِمُ وَ هَمَّ أَنْ يَكْسِرَ الْحَائِطَ الَّذِي عَلَى الْقَبْرِ بَعَثَ اللَّهُ رِيحاً شَدِيدَةً وَ صَوَاعِقَ وَ رُعُوداً حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ إِنَّمَا ذَا لِيَذَا فَيَتَفَرَّقُ أَصْحَابُهُ عَنْهُ حَتَّى لَا يَبْقَى مَعَهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَيَأْخُذُ الْمِعْوَلُ بِيَدِهِ فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَصُدُّ رَبُّ بِالْمِعْوَلِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ إِذَا رَأَوْهُ يَصُدُّ رَبُّهُ بِالْمِعْوَلِ فَيَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَضَّلَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ بِقَدْرِ مَا نَبَّهْتُمْ إِلَيْهِ فِيهِ دُمُونَ الْحَائِطِ ثُمَّ يُخْرِجُهُمْ أَغْضِينَ طَرِيِينَ فَيَلْعَنُهُمَا وَ يَتَبَرَّأُ مِنْهُمَا وَ يَصُدُّ لُهُمَا ثُمَّ يَنْزِلُهُمَا فَيَحْرِقُهُمَا ثُمَّ يَدْرِيهِمَا فِي الرِّيحِ. منتخب الأنوار المضيئة / 193 و بحار الأنوار 52/386

2- . عَنْ أَبِي هَاشِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَرَى ذَكَرَ السَّفِيَانِيَّ وَ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ مِنْ أَنَّ أَمْرَهُ مِنَ الْمُحْتَمِ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْمُحْتَمِ قَالَ: نَعَمْ قُلْتُ: نَخَافُ أَنْ يَبْدُو لِلَّهِ فِي الْقَائِمِ قَالَ: الْقَائِمُ مِنَ الْمِيعَادِ وَ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ. إثبات الهداة 5 / 167

سیره حضرت مهدی علیه السلام



یکی از مباحث مهم درباره ی هر حاکم و حکومتی این است که او با چه روش و سیره ای بر مردم و رعیت خویش حکمرانی خواهد کرد؟ کجا منزل می کند؟ مملکتش را از کجا اداره خواهد کرد؟ قصرش، سپاهیان، توزیع بیت المالش و... چگونه خواهد بود؟ ما در این فصل، بر اساس روایات معصومین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ با سیره ی حکومتی امام عصر "اوحنا فداه" آشنا خواهیم شد.

ابوبصیر گوید: حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«ای ابومحمد! گویا من فرود آمدن قائم را با اهل و عیالش در مسجد سهله می بینم. عرض کردم: مسجد سهله اقامتگاه اوست؟ فرمودند: آری! مسجد سهله جایگاه ادريس و ابراهيم خليل الرحمن بوده است. خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد جز اینکه در این مسجد، نماز گزارد و هم محل سکونت خضر در آن مسجد است. عرض کردم: قربانت گردم! مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ همیشه در آنجا اقامت می کند؟ فرمودند: آری! عرض کردم: بعد از او چه کسی در آن سکونت می کند؟ فرمودند: هر کسی که بعد از مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ خلیفه باشد. عرض کردم: با کافران ذمی چه می کند؟ فرمودند: مانند پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با آنها صلح می کند و آنها نیز با کمال ذلت جزیه به وی می پردازند. عرض کردم: با ناصبی ها و مخالفین شما چه می کند؟ امام فرمودند: در دولت ما، مخالفین ما، دیگر رخصتی برای دشمنی با ما ندارند؛ زیرا

ص: 244

در آن موقع، خداوند ریختن خون آنها را برای ما حلال کرده است. امروز کشتن آنها بر ما و شما حرام است، پس کسی تو را مغرور نسازد (تا با ایشان جهاد کنی) اما وقتی قائم ما قیام کند، خداوند به وسیله ی او انتقام پیغمبرش و ما را از دشمنان ما می گیرد.»(1)

ابو خالد کابلی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام وارد کوفه شوند تمام مؤمنین، در کوفه هستند و یا به کوفه می آیند...»(2)

و در روایت است که نقش پرچم آن بزرگوار "البيعه لله عزوجل" یعنی "بیعت برای خدا" می باشد.(3)

عبدالله بن عجلان گوید: ما نزد امام صادق علیه السلام از قیام مهدی علیه السلام یاد کردیم و من گفتم: چگونه می توانیم او را شناسایی کنیم؟ فرمودند:

«هر یک از شما که صبح از خواب برمی خیزد به زیر بالش سرش، نامه ای می یابد که بر آن نوشته است: طاعه معروفه (طاعتی نیکو).»(4)

سالم بن سلمه گوید: مردی برای حضرت صادق علیه السلام قرآن می خواند (و آن حضرت گوش می دادند) و من شنیدم که حروفی از آن که می خواند آن طور که مردم می خوانند نبود (و از نظر حروف و قرائت یا ترتیب آیات، تفاوت داشت با آنچه مردم می خوانند) حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

ص: 245

1- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّي أَرَى نَزُولَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَعِيَالِهِ، قُلْتُ: يَكُونُ مَنزَلُهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ، قَالَ: نَعَمْ، كَانَ فِيهِ مَنزِلٌ إِدْرِيسَ، وَكَانَ مَنزِلُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ... قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ لَا يَزَالُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِ أَبَدًا، قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: فَمِنْ بَعْدِهِ، قَالَ: هَكَذَا مِنْ بَعْدِهِ إِلَى انْقِضَاءِ الْخَلْقِ، قُلْتُ: فَمَا يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ. قَالَ: يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَيُؤَدُّونَ الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ، قُلْتُ: فَمَنْ نَصَبَ لَكُمْ الْعِدَاوَةَ، فَقَالَ: لَا يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا لِمَنْ خَالَفْنَا فِيهِ فِي دَوْلَتِنَا مِنْ نَصِيْبٍ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَلَّ لَنَا دِمَاءَهُمْ عِنْدَ قِيَامِ قَائِمِنَا، فَالْيَوْمَ مُحَرَّمٌ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ ذَلِكَ، فَلَا يُغَرِّتُكَ أَحَدٌ، إِذَا قَامَ قَائِمُنَا انْتَقَمَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَنَا أَجْمَعِينَ. المزار الكبير 134/ و إثبات الهداة 212/5 و بحار الأنوار 381/ 52

2- . عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاذِبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا دَخَلَ الْقَائِمُ الْكُوفَةَ لَمْ يَبَقْ مُؤْمِنٌ إِلَّا وَهُوَ بِهَا أَوْ يَجِيءُ إِلَيْهَا... غَيْبِ طَوْسِي / 455

3- . رُوِيَ أَنَّهُ يَكُونُ فِي رَابِعَةِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَيْعَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. كمال الدين 2 / 654

4- . عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ: ذَكَرْنَا خُرُوجَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ لَنَا أَنْ نَعْلَمَ ذَلِكَ فَقَالَ يُصْبِحُ أَحَدُكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ. كمال الدين 2 / 654

«از این قرائت خودداری کن (و این گونه نخوان؛ بلکه) تو نیز همانسان که مردم قرائت می کنند (و می خوانند) بخوان تا آنگاه که حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ بیابند و ایشان کتاب خدای عزوجل را بر حد خودش خواهند خواند و آن مصحفی که حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ نوشته است را بیرون آوردند، همانا که حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ آن را برای مردم آوردند و به آنها فرمودند که: این است کتاب خدا آنچنان که خدا بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل کرده است و من از دو لوح، آن را فراهم کرده ام، مردم گفتند: نزد ما مصحفی است که قرآن در آن گرد آمده و ما به این (قرآن تو) نیازی نداریم، پس حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: هان به خدا سوگند! که هرگز پس از امروز آن را نخواهید دید، و فقط بر من (لازم) بود که پس از فراهم کردن و جمع کردنش شما را بدان آگاه کنم تا آن را بخوانید.» (1)

حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«اگر دیدی که مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به کسی صد هزار درهم و به تو یک درهم عطا نمود برایت سنگین نباشد؛ چرا که امر به او تقویض شده است.» (2)

راوی گوید: نزد امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ نشسته بودم که معلی بن خنیس از آن حضرت پرسید: آیا وقتی امام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ قیام نمودند بر خلاف روش حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ رفتار خواهند کرد؟ فرمودند:

«آری! بدان جهت که امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ با منت گذاشتن و دست برداشتن (از مردم و مخالفین) رفتار می نمود برای اینکه می دانستند پس از شهادت ایشان پیروانشان به زودی مغلوب دشمنان خواهند شد و دشمنان بر ایشان چیره می شوند؛ ولی مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ چون قیام کند در میان ایشان با شمشیر و اسیر ساختن رفتار خواهد

ص: 246

1- . عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أَسْمَعُ حُرُوفًا مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَيَّ مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ حِدَّهُ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ أَخْرَجَهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَّغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنْ مَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَؤُوهُ. کافی 2/ 633 و إثبات الهداة 5/ 62 و مرآة العقول 12/ 523

2- . عن ابن هُبَيْرَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَأَيْتَ الْقَائِمَ قَدْ أُعْطِيَ رَجُلًا مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَأَعْطَاكَ دِرْهَمًا فَلَا يَكْبُرَنَّ ذَلِكَ فِي صَدْرِكَ فَإِنَّ الْأَمْرَ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ. الإختصاص / 329 و إثبات الهداة 5/ 142

کرد؛ زیرا او می داند که شیعه ی او پس از او هرگز مغلوب دشمنان نمی شوند»(1) عبد الملک بن اعین نیز درباره ی حاکمان زمین در آن روز گوید: در نزد امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ از جا برخاستم و (از پیری) تکیه بر دستم زده، گریستم؛ حضرت فرمودند: تو را چه شده است؟ عرض کردم: من امید آن داشتم که تا نیروئی در تن دارم حکومت حقه شما و پیروزیتان را درک کنم؟ فرمودند:

«آیا خوشنود نیستید که دشمنان شما همدیگر را بکشند، و شما آسوده در خانه های خود باشید؟ به راستی اگر این جریان بشود، (و هنگام ظهور و پیروزی ما گردد) بر مردی از شما نیروی چهل مرد داده شود و دل های شما چون پاره های آهن گردد که اگر با آنها به کوه ها زنند آنها را از جای برکنند، و شما در آن زمان، حاکمان روی زمین و خزانه داران آن باشید.»(2)

حضرت صادق هم در این باره عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«شیعیان در دولت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ رؤسای روی زمین و حکمران آن می باشند. به هر مردی از آنها قوت چهل مرد داده می شود؛ سپس فرمودند: امام محمد باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند: پیش از قیام مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ، وحشت دشمنان در دل شیعیان ما جای گرفته؛ اما وقتی مهدی ما خروج کند، هر یک از آنها از شیر دلیرتر و از نیزه چابک ترند، به طوری که دشمن ما را زیر پاهای خود له می کنند و با کف دست خویش (بدون سلاح) به قتل می رسانند.»(3)

ص: 247

1- . عَنِ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ أَيْسِرُ الْقَائِمِ بِخِلَافِ سِيرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ نَعَمْ وَذَلِكَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيَظْهَرُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالْبَسْطِ وَالسَّبِيِّ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَنْ يُظْهَرَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا. علل الشرائع 1/210 و غيبت نعمانی 232 و بحارالانوار 52/353

2- . عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعِينٍ قَالَ: قُمْتُ مِنْ عِنْدِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْتَمَدْتُ عَلَى يَدِي فَبَكَيتُ فَقَالَ مَا لَكَ فَقُلْتُ كُنْتُ أَرْجُو أَنْ أُدْرِكَ هَذَا الْأَمْرَ وَبِي قُوَّةٌ فَقَالَ أَمَا تَرْضَوْنَ أَنَّ عَدُوَّكُمْ يَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَأَنْتُمْ آمِنُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَجُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ لَوْ قُدِفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعَتْهَا وَكُنْتُمْ قَوْمَ الْأَرْضِ وَخَزَائِنَهَا كافي 8/294

3- . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُونُ مِنْ شِيعَتِنَا فِي دَوْلَةِ الْقَائِمِ سَنَامُ الْأَرْضِ وَحُكَّامُهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا. وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْقِي الرَّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِيْنَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَيْهِ وَيَقْتُلُهُ بِكَفَّيْنِهِ. الإختصاص 8/ و إثبات الهداة 5/ 181

اما درباره ی سیره ی اقتصادی امام عَلِيهِ السَّلَامُ، از جابر روایت است که گوید: مردی خدمت حضرت باقر عَلِيهِ السَّلَامُ رسید و من نیز آنجا حاضر بودم، عرض کرد: رحمت خدا بر شما باد. این پانصد درهم، زکات مال من است، از من گرفته و در موردش مصرف فرمایید. حضرت به او فرمودند: «خودت آن را بردار و صرف همسایگان و یتیم ها و فقراء و برادران مسلمانان بنما، دادن زکات به دست امام عَلِيهِ السَّلَامُ زمانی است که مهدی ما ظاهر شود چه آن که آن حضرت، مال را به طور مساوی و معادل بین خلق الله تقسیم می کنند چه اشخاص صالح بوده و چه فاجر باشند، و هر کسی که آن حضرت را اطاعت کند، اطاعت خدا را کرده و هر کسی نافرمانی و عصیان را نماید، نافرمانی خدا را کرده است؛ سپس حضرت فرمودند: آن حضرت را به خاطر این جهت «مهدی» نامیده اند که مردم را به امر مخفی و نهانی هدایت می فرماید، آن جناب، تورات و تمام کتب آسمانی دیگر را از غاری که در انطاکیه هست بیرون آورده و بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می فرماید، تمام اموال دنیا در خدمتش گرد می آید اعم از آنچه در دل زمین بوده یا روی آن باشد؛ سپس به مردم می فرماید: بیایید به سوی آن چیزی که به واسطه اش قطع ارحام نموده و خون ها ریخته و حرام های الهی را مرتکب شده اید (مقصود مال دنیا است) سپس به آنها آن قدر مال اعطاء کند که قبل از او احدی این مقدار اعطاء نکرده باشد.»(1)

یکی از مواردی که در تبیین سیره امام عَلِيهِ السَّلَامُ بدان پرداخته شده است مساله قیام ایشان با سیف یا شمشیر است. امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

ص: 248

1- . عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَفِيضْ هَذِهِ الْخَمْسَةَ مِائَةَ دِرْهَمٍ فَصَدَّعَهَا فِي مَوْضِعٍ عَمَّا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَصَدَّعَهَا فِي جِيرَانِكَ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ وَفِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ يَنْسِمُ بِالسُّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي يَهْدِي لِأَمْرِ حَفِيِّ يَسَّ تَخْرُجُ التَّوْرَةُ وَ سَائِرُ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ وَ تُجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا كُلُّهَا مَا فِي بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَاءَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَحَارِمَ اللَّهِ فَيُعْطِي شَيْئًا لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ. علل الشرائع 1 / 161

«در مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ سنّت‌هایی از انبیاء گذشته است... و اما سنت و روش از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ قیام به شمشیر است.» (1)

اما آیا منظور از این سیف، مطلق سلاح است یا قطعاً مراد همان شمشیر معهود است؟ و اگر امام عَلِيهِ السَّلَامُ با شمشیر قیام می‌کنند چگونه در برابر سلاح‌های پیشرفته روز، به پیروزی می‌رسند؟

در جواب سوال اول باید گفت که در هیچ روایتی کلمه سلاح نیامده؛ بلکه در همه ی اخبار کلمه سیف به معنای شمشیر ذکر شده است به علاوه اینکه در یکی از تشریفات که شیخ صدوق ناقل آن است امام عَلِيهِ السَّلَامُ با اشاره به شمشیر خویش می‌فرمایند: "با این شمشیر قیام خواهم کرد"

«...خدمتکار پیش رفت و پرده ای را که بر اتافی آویخته بود بالا-زد و گفت: داخل شو و من هم داخل شدم، دیدم جوانی در وسط اتاق نشسته است و بر بالای سرش شمشیر بلندی از سقف آویخته بود که نزدیک بود نوک آن شمشیر به سر آن جوان برخورد کند و آن جوان، مانند ماه شب چهارده در تاریکی شب‌ها می‌درخشید. سلام کردم و او با لطف و نیکویی پاسخ گفت؛ سپس فرمودند: آیا می‌دانی که من کیستم؟ گفتیم: به خدا سوگند نمی‌دانم! فرمودند: من قائم آل محمد هستم همان کسی که در آخر الزمان با این شمشیر قیام کند" و به آن شمشیر اشاره کردند" و زمین را پر از عدل و داد نمایم همان گونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.» (2)

اما در جواب سوال دوم باید گفت شاید به اعجاز آن حضرت، تمام سلاح‌های مجهز آن زمان، از کار بیفتند و این عمل، برای خدا و امام عصر "ارواحنا فداه" کاری بس سهل و آسان است. امامی که بنا دارند عدل را در عالم منتشر کنند؛ هرگز با ظلم به دیگران و لو

ص: 249

1- . عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي الْقَائِمِ مِمَّا سُنُّنَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ. كمال الدين 2/577

2- . سَمِعْنَا شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ يُقَالُ لَهُ أَحْمَدُ بْنُ فَارِسٍ الْأَدِيبُ يَقُولُ سَمِعْتُ بِهِمَدَانَ حِكَايَةً... ثُمَّ قَالَ لِي ادْخُلْ فَدَخَلْتُ الْبَيْتَ فَإِذَا فَتَى جَالِسٌ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ وَقَدْ عَلَّقَ فَوْقَ رَأْسِهِ مِنَ السَّقْفِ سَيْفٌ طَوِيلٌ تَكَادُ طَبَّتُهُ تَمَسُّ رَأْسَهُ وَالْفَتَى كَأَنَّهُ بَدْرٌ يَلُوحُ فِي ظِلَامٍ فَسَمِعْتُ فَرَدَّ السَّلَامَ بِاللِّطْفِ كَلَامٍ وَأَحْسَنَ بِهِ ثُمَّ قَالَ لِي أَتَدْرِي مَنْ أَنَا فَقُلْتُ لَا وَاللَّهِ فَقَالَ أَنَا الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَا الَّذِي أَخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ بِهَذَا السَّيْفِ وَأَشَارَ إِلَيْهِ فَأَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. كمال الدين 2/453

جزئی، بدین کار مبادرت نمی کنند. در سیره ی امام عَلَیْهِ السَّلَامُ، هدف، وسیله را توجیه نمی کند و مصلحت اندیشی هایی که همواره حکومت ها آنها را سرلوحه ی خویش قرار می دهند در نظام مهدوی عَلَیْهِ السَّلَامُ جایی ندارد. نبرد با شمشیر، عادلانه ترین جنگ هاست. چرا که جز آن کسی را که با تو سر نزاع دارد نمی کشی و به بی گناهان، آسیبی نمی زنی و حتی اگر آن شخص معاند، در حین مبارزه، تصمیم به توبه و ترک مخاصمه بگیرد می توانی او را ببخشی و از کشتنش صرف نظر کنی. ولی اگر با تفنگ و توپ و موشک با دشمنت جنگی، آن گلوله پس از شلیک، دیگر از فرمان تو خارج شده و معلوم نیست به چه کسی اصابت کند. شاید کسی را بکشد که توبه کرده و یا قصد بازگشت داشته، یا او را به زور به میدان آورده اند و تو سخن او را نشنیده و او کلام تو را استماع نکرده است.

اما جلوه دیگر سیره ی آن حضرت، در احکام جدیدی است که برای مردم آن زمان، تازگی دارد.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ به فرزند زراره فرموده اند:

«... بر شما باد که تسلیم امر ما باشید، و مطالب را به ما برگردانید و منتظر امر ما و امر خود و فرج ما و فرج خود باشید. پس اگر قیام کننده ی ما قیام کرد و سخنگوی ما سخن گفت، تعلیم قرآن و شرائع دین و احکام و واجبات را از نو شروع می کند و از نو یاد می دهد، به همان گونه ای که خداوند بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نازل کرد. وقتی که امام از نو قرآن را تعلیم دهد و از نو تفسیر بگوید، اهل تصابر (یعنی کسانی که یک رتبه علمی دارند و می گویند ما مفسر و محقق و فقیه و در معارف اسلامی متخصصیم)، در مقابل بیان حضرت موضع شدیدی می گیرند (چون آنها طور دیگری فهمیده و طور دیگری بیان می کنند) خداوند بر این مردم همان سنن امتهای قبل را بار کرده است. پس تغییر دادند، تحریف کردند و زیاد کردند و کم کردند پس آنچه امروز مردم بر آن هستند، از آنچه از جانب خداوند وحی به آن نازل شد، منحرف است.» (1)

ص: 250

1- . عن عبد الله بن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ... عَلَيْكُمْ بِالتَّسَلِيمِ وَ الرَّدِّ الْإِنِّيَا وَ انْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ فَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا عَجَلَ اللهُ فَرَجَهُ وَ تَكَلَّمَ بِتَكَلُّمِنَا ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّكَرَ أَهْلَ التَّصَابُرِ فِيكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْكَاراً شَدِيداً ثُمَّ لَمْ تَسْتَقِيمُوا عَلَى دِينِ اللهِ وَ طَرِيقَتِهِ إِلَّا مِنْ تَحْتِ حَدِّ السَّيْفِ فَوْقَ رِقَابِكُمْ إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رَكِبَ اللهُ بِهِ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَ بَدَّلُوا وَ حَرَّفُوا وَ زَادُوا فِي دِينِ اللهِ وَ نَقَصُوا مِنْهُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَ هُوَ مُحَرَّفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللهِ ... رجال کشی 139/ و إثبات الهداة 5/186 و بحار الأنوار 2/247

راوی گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چون قیام کننده قیام کند با خود، امری غیر از آنچه که پیش از آن بوده بیاورد.» (1)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«خداوند عزوجل در عالم ارواح، بین ارواح برادری قرار داد، دو هزار سال قبل از اینکه این اجساد را خلق کند؛ پس اگر قیام کننده ی ما اهل بیت عَلَيْهِم السَّلَامُ قیام کند، برادر از برادری که بین آنها در عالم ارواح، پیوند برادری بوده، ارث می برد و برادر در ولادت ارث نمی برد.» (2)

علی بن سالم می فرماید که از پدرم شنیدم که گفت: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از روایتی که فرموده اند: "من از کسی که اعتمادش بر رهن و گرو بیش از اعتمادش بر مؤمن باشد بیزارم" پرسیدم، پس فرمودند:

«این در زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند، گفتیم: پس خبری که روایت شده که ریح مومن بر مومن ربا است (نباید سود بگیرد)، معنای این خبر چیست؟ فرمودند: این در زمانی است که حق ظاهر شود و قائم ما اهل بیت قیام کند، و اما امروز اشکالی ندارد که به برادر مومنتش بفروشد و سودی هم بگیرد.» (3)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«اولین عدالتی که توسط حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ آشکار می شود آن است که منادی آن

ص: 251

1- . عَنْ أَبِي حَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ. كَافِي 536/1 وَ غَيْبِ طَوْسِي / 473 وَ إِثْبَاتِ الْهُدَاةِ 136/5 وَ بَحَارِ الْأَنْوَارِ 332//52

2- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى آخَى بَيْنَ الْأَرْوَاحِ فِي الْأَظْلَةِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْأَجْسَادَ بِالْفِي عَامٍ فَلَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَ الْأَخِ الَّذِي آخَى بَيْنَهُمَا فِي الْأَظْلَةِ وَ لَمْ يُورَثِ الْأَخَ فِي الْوِلَاةِ. مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه 352/4

3- . عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخَبْرِ الَّذِي رُوِيَ أَنَّ مَنْ كَانَ بِالرَّهْنِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَأَنَا مِنْهُ بَرِيءٌ فَقَالَ ذَلِكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُلْتُ فَالْخَبْرُ الَّذِي رُوِيَ أَنَّ رِيحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا مَا هُوَ قَالَ ذَلِكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَمَّا الْيَوْمَ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَبِيعَ مِنَ الْأَخِ الْمُؤْمِنِ وَ يَرَبِّحَ عَلَيْهِ. مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه 313/3

حضرت ندا می دهد: "کسانی که مشغول عمل مستحبی هستند استلام حجر الاسود و طواف دور کعبه را رها کنند تا کسانی که برای عمل واجب آمده اند حجر را ببوسند و به راحتی طواف کنند." (1)

امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«ریختن دو خون از جانب خدا در اسلام، حلال شمرده شده است؛ اما کسی به حکم خدا در این دو خون قضاوت نکرده است تا اینکه خدا قیام کننده ی ما اهل بیت را مبعوث کند. پس هنگامی که خداوند عزوجل او را مبعوث کند، در این دو خون، به حکم خدا حکم می کند و نیازی به بینه ندارد؛ پس دستور می دهند که زانیمُحصن (2)

را سنگسار کنند و آن کسی را که زکات نمی دهد گردن بزنند.» (3)

امام صادق و امام کاظم عَلَيهِمَا السَّلَامُ فرموده اند:

«آنگاه که مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ قیام کند به سه چیز حکم می کند که کسی پیش از او به آنها حکم نداده است: او پیرمرد زناکار را می کشد و مانع زکات را می کشد و برادر را از کسی که در عالم ارواح با او برادر شده بود، ارث می دهد.» (4)

امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ در کلامی دیگر فرمودند:

«چون حضرت صاحب الزمان عَلَيهِ السَّلَامُ قیام فرمایند، میان مردم با حکم داودی قضاوت می کند و نیازی به هیچ دلیل و شاهی ندارد، که خداوند همه چیز را به او الهام می فرماید و او با علم خود حکم می کند و به همه ی اقوام، آنچه را از او پوشیده دارند خبر می دهد و با آثار چهره ی افراد، دشمن خود را از دوست خویش تشخیص می دهد، و خداوند عزوجل می فرماید: «همانا در این عقوبت، اهل ایمان

ص: 252

1- . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيهِ السَّلَامُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمْ أَصَدَّ حَابِ النَّافِلَةِ لِأَصَدِّ حَابِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوْفَ بِالْبَيْتِ. من لا يحضره الفقيه 2/525

2- . زِنَايَ مُحْصِنَةٍ بِزَنَائِيٍّ كَفْتَهُ مِثْلُهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. مَنْ لَا يُحْضِرُهُ الْفَقِيه 2/525
دست کم، زن، همسر دار باشد.

3- . أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَنْهُ عَلَيهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الزَّانِي الْمُحْصِنَ يَرْجُمُهُ وَمَانِعَ الزَّكَاةِ يَصْرُبُ عَنْقَهُ. من لا يحضره الفقيه 2/11

4- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَابْنِ الْحَسَنِ عَلَيهِمَا السَّلَامُ قَالَا لَوْ قَامَ الْقَائِمُ لِحَكْمِ ثَلَاثٍ لَمْ يَحْكَمْ بِهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ يَقْتُلُ الشَّيْخَ الزَّانِيَّ وَيَقْتُلُ مَانِعَ الزَّكَاةِ وَيُورِثُ الْأَخَ أَخَاهُ فِي الْأُظْلَةِ. الخصال 169/1

درباره ی انتشار عدل و داد در روی زمین و مبارزه با بدعت ها و خرافات و همچنین نحوه ی ارتباط امام عَلِيهِ السَّلَامُ با عمالشان در سرتاسر گیتی هم، روایات زیبایی به ما رسیده که بعضی از آنها را در اینجا برای شما عزیزان نقل می کنیم.

امیرمؤمنان حضرت علی عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: «به راستی که خداوند هرگز دنیا را از بین نخواهد برد تا این که قائمی از خاندان ما قیام کند، او دشمنان ما را می کشد و از آنان جزیه نمی پذیرد و صلیب ها و بت ها را می شکند و نبردهای جهانی را به پایان می رساند و مردم را برای گرفتن مال فرا می خواند و به صورت برابر تقسیم کرده و در میان رعیت به عدالت و دادگری رفتار می کند... من از پیامبر خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ شنیدم که می فرمودند: ای علی! به زودی بنی امیه تو را لعنت خواهند کرد و در عوض یک لعنت، فرشتگان، هزار بار بر آنان لعن کنند، پس آنگاه که قائم عَلِيهِ السَّلَامُ قیام کند چهل سال بر آنان لعن کند.»(2)

و همان بزرگوار فرمودند:

«... اگر مهدی ما قیام نماید آسمان، بارانش را ببارد و زمین گیاهش را برویاند و کینه از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر در صلح و آشتی بوده، تا آنجا که زنی از عراق تا شام راه بیفتد و جز بر سبزه زاران، گام نهد و زیور و زینت خود را بر سر داشته باشد، و هیچ درنده ای او را به هیجان نیاورده و او از هیچ چیزی نترسد. اگر بدانید که جایگاه شما در میان دشمنان و بردباری شما بر آزاری که می شنوید چقدر والاست، قطعاً چشم هایتان روشن می گردد. و اگر مرا از دست بدهید پس از من کارهایی را خواهید دید که هر کدام از شما آرزوی مرگ کند به خاطر آنچه از منکران و سبک شمرندگان حق خدا و بیم بر جان خود، ببیند. پس در

ص: 253

1- . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يَخْرُجُ كُلُّ قَوْمٍ مَا اسَّ تَبَطُّوهُ وَ يَعْرِفُ وَلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ قَالَ اللهُ تَعَالَى إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَ إِنَّهَا لَسَبِيلٌ مُّقِيمٌ.
روضه الواعظین 2 / 266

2- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... فَإِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ يَقْتُلُ مُبْغِضِينَآ وَ لَا يَقْبَلُ الْجَزِيَّةَ وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْدَنَامَ وَ يَصْنَعُ الْحَرْبَ أَوْزَارَهَا وَ يَدْعُو إِلَى أَخْذِ الْمَالِ فَيَقْسِمُهُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَ أَمَّا الرَّابِعَةُ وَ الْخُمْسُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ يَا عَلِيُّ سَيَلْعَنُكَ بَنُو أُمَّيَّةَ وَ يَرُدُّ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ بِكُلِّ لَعْنَةٍ أَلْفَ لَعْنَةٍ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَعَنَهُمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً.
الخصال 2/578

چنین روزی همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و بر شما باد به بردباری و نماز و تقیه. بدانید که خداوند متعال از بندگانش کسانی را که رنگ عوض می کنند، دشمن می دارد. پس، از حق و ولایت اهل حق برکنار نشوید؛ زیرا که اگر کسی به جای ما دیگری را برگزیند نابود می گردد و دنیا از دستش فوت شده و با حسرت از دنیا می رود...» (1)

عبدالله بن عطاء از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که از آن حضرت درباره ی روش حضرت مهدی علیه السلام سؤال کردم که رفتارش چگونه است؟ فرمودند:

«چنان می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتار می کرد، آنچه قبل از او بوده همه را ویرانی کند» همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شالوده دوران جاهلیت را ویران ساختند» و اسلام را از نو آغاز می کند. (2)

بسط عدالت در زمان امام علیه السلام حتی شامل مظلومی که در عصرهای گذشته اتفاق افتاده هم می شود و خدای متعال ظالمین را به دنیا باز می گرداند تا به دست امام منتقم علیه السلام به سزای دنیایی خویش برسند.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«چون قیام کننده ی ما برخیزد، خداوند هر آزار دهنده ی به مؤمنین را به همان صورتی که در زمان حیات خود بوده به دنیا باز می گرداند تا مؤمنان حق خود را از آنها باز گیرند.» (3)

ص: 254

1- قال علي عليه السلام: ... ولو قد قام قائمنا لا نزلت السماء فطرها ولا خرجت الأرض نباتها ولا ذهب الشحاء من قلوب العباد ولا طلحت السباع والبهائم حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على الثبات وعلى رأسها زينتها لا يهيجها سجع ولا تخافه لو تعلمون ما لكم في مقامكم بين عدوكم وصبركم على ما تسعون من الأذى لقرت أعينكم ولو فقدتموني لرأيتم من بعدي أموراً يتمنى أحدكم الموت مما يرى من أهل الجحود والعدوان من أهل الأثرة والاسه تخفاف بحق الله تعالى ذكره والخوف على نفسه فإذا كان ذلك فاعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا وعليكم بالصبر والصلاة والتقية اعلموا أن الله تبارك وتعالى يبعث من عباده المتلون فلا تزولوا عن الحق ولا ية أهل الحق فإن من استبدل بنا هلك وفاتته الدنيا وخرج منها بحسرة. الخصال 2/626

2- عبد الله بن عطاء المكي عن شيخ من الفقهاء يعني أبا عبد الله عليه السلام قال: سألته عن سيرة المهدي كيف سيرته فقال يصنع كما صنع رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم أمر الجاهلية ويسه تأنيب الإسلام جديداً. غيبت نعماني 231/

3- عن الفضل بن عمر، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا قام قائمنا رد الله كل مؤذ للمؤمنين في زمانه في الصور التي كانوا عليها وفيها، بين أظهرهم، ليتصف منهم المؤمنون. دلائل الإمامة 464/

و امام باقر و امام صادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فرمودند:

«فرعون و هامان (اولی و دومی) دو شخص از جباران و گردنکشان قریش اند که خدا ایشان را هنگام قیام قائم آل محمد عَلَيْهِم السَّلَامُ زنده خواهد کرد و به خاطر اعمال گذشته ی ایشان از آنها انتقام خواهد کشید.» (1)

عبد الرحیم قصیر نیز نقل کرده که حضرت ابوجعفر باقر العلوم عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«اگر قیام کننده ی ما قیام کند حمیراء را به دنیا بر می گرداند تا بر او حدّ جاری کند و انتقام دختر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ یعنی حضرت فاطمه عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را از او بگیرد.»

عرض کردم: فدایت شوم! برای چه بر او حدّ جاری نماید؟ حضرت فرمودند:

«برای افتراء و بهتانى که به مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ زد.»

عرض کردم: چطور حق تعالی حدّ او را به تأخیر انداخت و آن را به دست حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ جاری می فرماید؟ حضرت فرمودند:

«زیرا خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را به عنوان رحمت مبعوثداشت و قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ را به عنوان نقیمت و عذاب (بر دشمنان) بر انگیزد.» (2)

در این باره در فصل بعد روایات بیشتری خواهیم دید.

اما در باب سیره ی شخصی و حکومتی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«چرا به خروج مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ شتاب می کنید؟! به خدا قسم! لباس او جز جامه ی درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و جز شمشیر و مرگ زیر سایه شمشیر چیزی نخواهد بود.» (3)

ص: 255

1- عن الباقر، و الصادق عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «أن فرعون و هامان هنا هما شخصان من جبارة قریش، يحييهما الله تعالى عند قيام القائم من آل محمد عَلَيْهِ السَّلَامُ في آخر الزمان، فينتقم منهما بما أسلفا». البرهان 4 / 254

2- عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحَمِيرَاءُ حَتَّى يَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهَا قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ لِمَ يَجْلِدُهَا الْحَدَّ قَالَ لِفِرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ قُلْتُ فَكَيْفَ آخِرَهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ رَحْمَةً وَ بَعَثَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقِيمَةً. علل الشرائع 2 / 580

3- عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا تَسْتَعْجَلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَاللَّهِ مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ. غيبت نعماني / 233 و إثبات الهداة 162 / 5

سدیر صیرفی هم نقل می کند که مردی از اهل جزیره کنیزی را به نذر بر خویشتن واجب کرده بود که به خانه خدا دهد (یعنی او را نذر خانه خدا کرده بود) و او را به مکه آورده بود، آن شخص گوید: من پرده داران خانه را ملاقات کردم و ایشان را از خبر آن کنیز آگاه ساختم و (چنان شد که) برای کسی از ایشان موضوع را بیان نمی کردم مگر اینکه [به من] می گفت: او را نزد من بیاور که خدا نذرت را خواهد پذیرفت (یعنی هر کدام از پرده داران خانه توقع داشت کنیز را به او بدهم). گوید: پس وحشت شدیدی از این موضوع به من راه یافت، آن ماجرا را به یکی از یاران خودمان که اهل مکه بود، گفتم، او به من گفت: آیا از من می پذیری؟ گفتم: آری! پس گفت: بنگر به مردی که رو به روی حجر الأسود نشسته است و مردانی گرد اویند و او ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام است، نزد او برو و او را از این امر آگاه کن، بین به تو چه می گوید؛ پس بدان عمل کن، گوید: نزد او رفتم و گفتم: خدا تو را رحمت کند من مردی از اهل جزیره ام و همراه من کنیزی است که در سوگندی که به عهده من بود او را برای خانه خدا بر خود نذر کرده ام و اکنون او را آورده ام و آن جریان را به پرده داران گفته ام و مواجه شدم به اینکه هیچ کس را ملاقات نمی کنم مگر آنکه می گوید: کنیز را نزد من بیاور، خداوند نذرت را قبول می کند، و از این واقعه وحشتی شدید به من، دست داده است؛ پس فرمودند: «ای بنده ی خدا! همانا خانه نه چیزی می خورد و نه می آشامد، پس کنیز خود را بفروش و جستجو کن و به همشهریانت که به زیارت این خانه آمده اند بنگر؛ پس هر که از ایشان که از خرجی اش درمانده است (پولش تمام شده) آن مبلغ را به او بده تا قادر به بازگشت به شهر خود باشد»

پس من نیز همان کار را کردم و بعد هیچ یک از پرده داران را ملاقات نمی کردم مگر اینکه می گفت با آن کنیز چه کردی؟ من ایشان را بدان چه امام باقر علیه السلام فرموده بودند آگاه نمودم و آنان به من می گفتند: او مردی دروغگو و ناآگاه است که نمی داند چه می گوید (معاذ الله). من گفته ی آنان را به امام باقر علیه السلام عرض کردم و آن حضرت فرمودند: تو سخن آنان را به من گفتی، آیا اکنون از من نیز به ایشان خواهی گفت؟ عرض کردم: آری! پس فرمودند:

«به ایشان بگو که ابوجعفر به شما پیغام داد، چگونه خواهید بود آن زمان که

دست ها و پاهایتان بریده شود و در کعبه آویخته گردد؛ سپس به شما گفته شود: " فریاد کنید که ما دزدان کعبه ایم ". راوی گوید: هنگامی که خواستم برخیزم فرمودند: البته من خود آن کار را نمی کنم؛ بلکه آن را مردی از خاندان من (امام زمان عَلِيهِ السَّلَام) انجام خواهد داد» (1)

امام صادق عَلِيهِ السَّلَام فرمودند:

«مردی بالای سر حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَام ایستاده و امر و نهی می کند ناگاه حضرت می فرماید: او را برگردانید، پس او را به پیش روی آن حضرت برمی گردانند و آن حضرت دستور می دهد گردن او زده شود؛ پس در خاور و باختر چیزی باقیمی ماند مگر اینکه از او می ترسد» (2)

شاید مراد کسانی است که از جانب آن حضرت عهده دار امور اجرایی هستند و به امر و نهی در امور می پردازند.

امام باقر عَلِيهِ السَّلَام فرمودند:

«هنگامی که مهدی ما قیام کند، دیگر قاطعی نیست.» (3)

ص: 257

1- . عَنْ سَدِيدِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَزِيرَةِ كَانَ قَدْ جَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ نَذْرًا فِي جَارِيَةٍ وَ جَاءَ بِهَا إِلَى مَكَّةَ قَالَ فَلَقِيْتُ الْحَجْبَةَ فَأَخْبَرْتُهُمْ بِخَبَرِهَا وَ جَعَلْتُ لَا أَذْكَرُ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ أَمْرًا إِلَّا قَالَ لِي جِنِّي بِهَا وَقَدْ وَفَى اللَّهُ نَذْرَكَ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ وَحَشَّةٌ شَدِيدَةٌ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَقَالَ لِي تَأْخُذْ عَنِّي فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ أَنْظِرِ الرَّجُلَ الَّذِي يَجْلِسُ بِحِذَاءِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ حَوْلَهُ النَّاسُ وَ هُوَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأْتَهُ فَأَخْبَرَهُ بِهِ ذَا الْأَمْرِ فَاَنْظُرْ مَا يَقُولُ لَكَ فَأَعْمَلُ بِهِ قَالَ فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ رَحِمَكَ اللَّهُ إِنِّي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَزِيرَةِ وَ مَعِيَ جَارِيَةٌ جَعَلْتُهَا عَلَيَّ نَذْرًا لِنَيْتِ اللَّهِ فِي يَمِينِ كَانَتْ عَلَيَّ وَ قَدْ أَتَيْتُ بِهَا وَ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلْحَجْبَةِ وَ أَقْبَلْتُ لَا أَلْقَى مِنْهُمْ أَحَدًا إِلَّا قَالَ جِنِّي بِهَا وَقَدْ وَفَى اللَّهُ نَذْرَكَ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ وَحَشَّةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ النَّبِيَّ لَا يَأْكُلُ وَ لَا يَشْرَبُ فَبِعَ جَارِيَتِكَ وَ اسْتَنْصِصْ وَ أَنْظِرْ أَهْلَ بِلَادِكَ مِمَّنْ حَاجَّ هَذَا النَّبِيَّ فَمَنْ عَجَزَ مِنْهُمْ عَنْ تَفَقُّهِهِ فَأَعْطِهِ حَتَّى يَقْوَى عَلَى الْعُودِ إِلَى بِلَادِهِمْ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمَّ أَقْبَلْتُ لَا أَلْقَى أَحَدًا مِنَ الْحَجْبَةِ إِلَّا قَالَ مَا فَعَلْتَ بِالْجَارِيَةِ فَأَخْبَرْتُهُمْ بِالَّذِي قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُونَ هُوَ كَذَّابٌ جَاهِلٌ لَا يَدْرِي مَا يَقُولُ فَذَكَرْتُ مَقَالَتَهُمْ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ قَدْ بَلَّغْتَنِي تُبَلِّغْ عَنِّي فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ قُلْ لَهُمْ قَالَ لَكُمْ أَبُو جَعْفَرٍ كَيْفَ بِكُمْ لَوْ قَدْ قُطِعَتْ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلُكُمْ وَ عُلِّقَتْ فِي الْكَعْبَةِ ثُمَّ يَقَالُ لَكُمْ نَادُوا نَحْنُ سَرَّاقُ الْكَعْبَةِ فَلَمَّا ذَهَبَتْ لِأَقْوَمِ قَالَ إِنِّي لَسْتُ أَنَا أَفَعَلُ ذَلِكَ وَ إِنَّمَا يَفْعَلُهُ رَجُلٌ مِنِّي.

غيبت نعمانی / 236 و بحار الانوار / 52 / 349

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُهُ وَيَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِيرُوهُ فَيَدِيرُونَهُ إِلَى قُدَامِهِ فَيَأْمُرُ بِصَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى فِي الْخَافِقِينَ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ. غيبت نعمانی / 239 و إثبات الهداة / 5 / 163

3- . عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَضْمَحَلَّتِ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ. بحار الانوار / 52 / 309

القطائع: جمع القطيعه به معنای زمین مزروعی یا غیر مزروعی است که از اموال بیت المال می باشد و حکومت ها آن زمین ها را به نزدیکان خود می دهند.

مفضل گوید: شنیدم امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ می فرمودند:

«اگر قیام کننده ی ما قیام کند، از دروغگویان شیعه شروع می کند؛ پس آن ها را می کشد.»(1)

از ابو حمزه ثمالی هم نقل شده که امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«زمین باقی نمی ماند مگر اینکه از ما اهل بیت عالمی در آن باشد که حق را از باطل بشناسد و فرمودند: تقیه در حقیقت برای جلوگیری از خونریزی ها ایجاد شده است. پس هرگاه تقیه منجر به خونریزی شود، دیگر تقیه نیست. به خدا سوگند که اگر شما را دعوت کنند که ما را یاری دهید قطعاً خواهید گفت: ما این کار را نمی کنیم؛ بلکه تقیه می کنیم و تقیه را از پدر و مادرتان دوست تر خواهید داشت و زمانی که حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ قیام کند، نیازی ندارد که در این باره از شما سؤال کند (و یا یاری طلبد) و درباره ی بسیاری از شما منافقان (شیعه نما)، حدّ خدا را جاری خواهد ساخت.»(2) ابوبصیر گوید: امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«حضرت مهدی عَلِيهِ السَّلَامُ خروج نخواهد کرد مگر حلقه ی سپاه به کمال و تمام رسیده باشد»

عرض کردم: عده ای که حلقه به آنها کامل شود چقدر است؟ فرمودند:

«ده هزار است که جبرئیل از سوی راست آن و میکائیل از طرف چپ آن قرار دارند؛ سپس پرچم را به اهتزاز در آورد و با آن روان گردد، پس هیچ کسی در مشرق و مغرب نماند مگر اینکه آن پرچم را لعنت کند و آن همان پرچم رسول

ص: 258

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَّابِي الشَّيْعَةِ فَفَتَلَهُمْ. رجال کشی / 299 و إثبات الهداة 5 / 186

2- . عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَفِيهَا مِنَّا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ قَالَ إِنَّمَا جُعِلَتِ النَّبِيَّةُ لِيُحَقَّنَ بِهَا الدَّمُ فَإِذَا بَلَغَتِ النَّبِيَّةُ الدَّمَ فَلَا تَقِيَّةَ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَوْ دُعِيتُمْ لِنَتَّصِرُ رُونََا لِقُلْتُمْ لَا نَفْعَلُ إِنَّمَا نَتَّقِي وَ لَكَانَتِ النَّبِيَّةُ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ آبَائِكُمْ وَ أُمَّهَاتِكُمْ وَ لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا احتَاجَ إِلَى مُسَاءَلَتِكُمْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَأَقَامَ فِي كَثِيرٍ مِنْكُمْ مِنْ أَهْلِ النِّفَاقِ حَدَّ اللَّهِ. تهذيب الأحكام 6 / 172

خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، که جبرئیل در روز بدر آن را فرود آورد. سپس فرمودند: ای ابا محمد! به خدا قسم! آن پرچم نه از پنبه است و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر، عرض کردم: پس از چه چیزی است؟ فرمودند: از برگ بهشتی است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز بدر آن را برافراشتند، و بعد آن را در پیچیده و به حضرت علی علیه السلام دادند؛ پس همچنان نزد آقا علی علیه السلام بود تا هنگامی که روز بصره فرا رسید؛ پس آن را برافراشتند و خداوند، پیروزی را نصیب ایشان ساخت؛ سپس آن حضرت آن را در هم پیچید و آن اینجا نزد ما است، و هیچ کسی آن را نخواهد گشود تا آنگاه که مهدی علیه السلام قیام کند، و چون او قیام نمود آن را بر خواهد افراشت و هیچ کسی در مشرق و مغرب باقی نماند مگر اینکه آن را لعنت کند (یعنی بیزاری از آن جوید) و ترس و هراس به مقدار یک ماه راه پیشاپیش آن و یک ماه از پس آن و یک ماه از جانب راست آن و یک ماه از چپ آن پرچم، در حرکت باشد؛ سپس فرمودند: ای ابا محمد! او در حالی که به مطالبه ی خون نیاکان خویش بر می خیزد، به خاطر خشم خداوند بر این مردم، خشمگین و متأسف است؛ پس پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که در روز احد به تن داشتند بر تن کرده و عمامه ی آن حضرت که سحاب نام دارد را بر سر می گذارد، و زره بلند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را پوشیده و شمشیر آن بزرگوار یعنی ذو الفقار را در کف می گیرد، پس هشت ماه با شمشیر برهنه بر دوش، جهاد کند و بی باکانه می کشد. نخستین مرحله شروعش با بنی شبیه است (پرده داران خانه کعبه) پس دست های ایشان را می برد و آنها را در کعبه می آویزد و منادی آن حضرت اعلام می کند: اینان دزدان خدایند؛ سپس به قریش می پردازد، و از ایشان جز شمشیر دریافت نمی کند و به ایشان جز شمشیر ارزانی نمی دارد (فقط شمشیر رد و بدل می کند) و او خروج نخواهد کرد تا آنگاه که دو فرمان مبنی بر بیزاری از علی علیه السلام خوانده می شود: فرمانی در بصره و فرمانی در کوفه» (1)

ص: 259

1- . عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَكُونَ تَكْمِلَةُ الْحَلَقَةِ قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِلَةُ الْحَلَقَةِ قَالَ عَشْرَةَ آلَافٍ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ يَهْزُ الرَّايَةَ وَ يَسِيرُ بِهَا فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ فِي الْمَشْرِقِ وَ لَا فِي الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا وَ هِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نَزَلَ بِهَا جَبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هِيَ وَ اللَّهُ قَطْنٌ وَ لَا كَتَانٌ وَ لَا قَزٌّ وَ لَا حَرِيرٌ قُلْتُ فَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ هِيَ قَالَ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا إِلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ نَشَرَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَ هِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ فَإِذَا هُوَ قَامَ نَشَرَهَا فَلَمْ يَبْقَ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعْنَهَا وَ يَسِيرُ الرَّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا وَ وَّرَاءَهَا شَهْرًا وَ عَنْ يَمِينِهَا شَهْرًا وَ عَنْ يَسَارِهَا شَهْرًا ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ يَخْرُجُ مَوْتُورًا غَضْبَانَ أَسْفًا لِعِظَابِ اللَّهِ عَلَى هَذَا الْخَلْقِ يَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ أُحُدٍ وَ عِمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ دِرْعُهُ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ السَّابِغَةُ وَ سَيْفُهُ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ذُو الْفَقَارِ يُجْرِدُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ يَقْتُلُ هَرْجًا فَأَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِنَبِيِّ شَيْبَةَ فَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ وَ يُعَلِّقُهَا فِي الْكَعْبَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَتَّأَوَّلُ فَرِيشًا فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يُقْرَأَ كِتَابَانِ كِتَابٌ بِالْبَصْرَةِ وَ كِتَابٌ بِالْكُوفَةِ بِالْبَرَاءَةِ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. غيبت نعمانی / 307 و بحار الانوار 52/360

ابوهاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ بودم که ایشان فرمودند:

«هنگامی که حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ قیام کنند، دستور می دهند، تا مناره ها و مقصوره هایی (1) که در مساجد است، ویران شود. با خود گفتم: چرا حضرت چنین می کنند؟ امام عسکری عَلَیْهِ السَّلَامُ رو به من کرده و فرمودند: چون اینها بدعت و نوآوری هایی است که پیامبر و امامی آن را نساخته است» (2)

امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«اولین کاری که امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ انجام می دهند این است که سقف مساجد را تخریب می کنند» (3)

شیخ حر عاملی در کتاب هدایه الامه می فرماید: «از بعضی از روایات اینگونه استنباط می شود که سزاوار است حائلی بین نمازگزار و آسمان نباشد.» (4)

امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«زمانی که حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ قیام کند ایمان را بر همه دشمنان ناصبی ما عرضه می کند؛ پس اگر از جان و دل ایمان نیاورد گردنش زده می شود یا همچون ذمیان

ص: 260

1- . در مسجد، فضای جداشده با پرده یا جداساز، که برای اداء نماز جدا می شود یا مزاری که در آن قرار دارد را مقصوره می گویند. مقصوره غرفه مانندی بود محصور که پیش نماز در آن می ایستاد. مقصوره عبارت است از دیواره یا مکانی بسته دور محراب مسجد برای محافظت حاکمان اسلامی ساخته شد. مقصوره مکانی است در نزدیکی محراب و منظور از ساخت آن هم چنین رعایت احترام و تجلیل از خلفا و خاصان بوده است. معاویه نخستین نفر در اسلام بود که مقصوره ساخت چون وی را زخمی زدند، و از آن جان بدر برد، پس برای محافظت خود مقصوره ساخت.

2- . حَدَّثَنَا أَبُو هَاشِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَدْمِ الْمَنَابِرِ وَالْمَقَاصِرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي لِأَيِّ مَعْنَى هَذَا قَالَ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ وَقَالَ مَعْنَى هَذَا أَنَّهَا مُحَدَّثَةٌ مُبْتَدَعَةٌ لَمْ يَبْنِهَا نَبِيٌّ وَلَا حُجَّةٌ. إِعْلَامُ الْوَرَى بِأَعْلَامِ الْهُدَى / 373 و غیبت طوسی / 207

3- . قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سَقْمُ الْمَسَاجِدِ فَيَكْسِرُهَا وَيَأْمُرُ بِهَا فَيُجْعَلُ عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى. مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه 1/236 و وسائل الشیعه 205/ 5 و إثبات الهداة 65/ 5

4- . يُفْهَمُ مِنْ بَعْضِ الرَّوَايَاتِ أَنَّهُ يُنْبَغِي أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَ الْمُصَلِّيِّ وَبَيْنَ السَّمَاءِ حَائِلٌ وَلَا حِجَابٌ. هِدَايَةُ الْاِمَمَه 183/ 2

امروز، جزیه می پردازد و به کمر او همیانی می بندد و آنان را از شهرها به بیابان ها می فرستد.»(1)

اصبغ بن نباته روایت کند که ما با حضرت امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ بودیم در حالتی که آن حضرت در میان بازار گردش می کردند و به فروشندگان دستور می دادند، کم فروشی نکنند، تا اینکه روز به نیمه رسید... . تا اینکه آن حضرت به دار الاماره رسیدند و پای مبارک را طوری به در زدند که زمین لرزید، بعد فرمودند:

«به خدا اگر بدانید که در اینجا چیست؟ به خدا سوگند! زمانی که قیام کننده ما قیام کند دوازده هزار زره و دوازده هزار کلاه خود که دو طرف دارد از این مکان بیرون آورد و بر اندام دوازده هزار نفر عجم از فرزندان عجم بپوشاند بعد فرمان دهد به کشتن هر کسی که بر خلاف ایشان است همانا من می دانم این را و می بینم آنچه آنچنان که هم اکنون می دانم و می بینم.»(2)

امام صادق عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«زمانی که قیام کننده ی ما قیام کند، خداوند متعال، گوش ها و چشم های شیعیان ما را چنان توانا می کند که میان آنان و آن حضرت یکی نباشد و از همان جایی که هست با شیعیان سخن می گوید و آنها سخنانش را می شنوند و ایشان را می بینند.»(3)

ابو خالد کابلی هم از امام سجاد عَلِيهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

ص: 261

1- . عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسَدِّ بْنِ سَبْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَإِلَّا صَدَّ رَبُّ عُنُقِهِ أَوْ يُؤَدِّي الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الدِّمَةِ وَيَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهَمِيَانَ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الْأَمْصَارِ إِلَى السَّوَادِ. کافی 227/8 و إثبات الهداة 5/63

2- . عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كُنَّا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَطُوفُ بِالسُّوقِ فَيَأْمُرُهُمْ بِوَفَاءِ الْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ حَتَّى انْتَصَفَ النَّهَارَ... حَتَّى انْتَهَى إِلَى بَابِ قَصْرِ الْأَمَارَةِ بِالْكُوفَةِ فَوَكَّزَ رَجُلَهُ فَتَزَلَّزَتِ الْأَرْضُ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْتُمْ مَا هَاهُنَا أَمَا وَاللَّهِ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأُخْرِجَ مِنْ هَذَا الْمَوْضِعِ اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ دِرْعٍ وَاثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ بَيْضَةٍ لَهَا وَجْهَانِ ثُمَّ أَلْبَسَهَا اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْعَجَمِ ثُمَّ لِيَأْمُرَهُمْ لِيَقْتُلُوا كُلَّ مَنْ كَانَ عَلَى خِلَافٍ مَا هُمْ عَلَيْهِ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ ذَلِكَ وَأَرَاهُ كَمَا أَعْلَمُ هَذَا الْيَوْمَ وَ أَرَاهُ. إرشاد القلوب 2/284

3- . عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنْ قَائِمُنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِيَسْمَعَنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى [لَا] يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ وَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ. الخرائج و الجرائح 2/840

«چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کنند دست خویش را بر سر مردمان قرار دهند پس عقولشان جمع و افکارشان کامل گردد.» (1)

حضرت زین العابدین علیه السلام در حدیثی دیگر فرمودند:

«هنگامی که قیام کننده ی ما قیام کند، خداوند بیماری را از شیعیان ما برطرف می سازد، و دل های آنان را همچون پاره های آهن می کند، و به هر مردی از آنها نیروی چهل مرد می دهد، و آنها حکام زمین و رؤسای اجتماع خواهند بود.» (2)

امام باقر علیه السلام ضمن حدیث مفصلی فرموده اند:

«چون قائم آل محمد علیه السلام قیام کند به کوفه می رود و چهار مسجد را در آن شهر ویران می کند و هر مسجدی را که دارای مناره باشد ویران می کند و هموار می سازد. راه های بزرگ را توسعه می دهد و تمام بخش های ساختمانی را که در خیابان و گذرگاه پیشروی داشته باشد و تمام ساختمانی را که بالاتر از در خانه باشد (ظاهراً یعنی مشرف بر ساختمان های دیگر باشد) و همه ناودان هایی را که در ممر مردم فرو می ریزد ویران می کند. هر بدعتی را از میان بر می دارد و هر سنت پسندیده را پا بر جا می دارد. قسطنطنیه و چین و سلسله کوه های دیلم را می گشاید و هفت سال فرمانروایی او طول می کشد که هر سال آن معادل ده سال است و سپس خداوند متعال آنچه را بخواهد انجام می دهد.»

به آن حضرت گفته شد: فدایت گردم! چگونه ممکن است مدت سال ها طولانی شود؟ فرمودند:

به فرمان خداوند حرکت فلک همراه با درنگ و کندی خواهد شد و بدین گونه برمدت شبانه روز و سال افزوده می شود. راوی این روایت می گوید به امام علیه السلام گفتم: می گویند اگر در حرکت فلک دگرگونی پیش آید تباه می شود. فرمودند: این سخن و اعتقاد زندیقان است؛ ولی مسلمانان چنین سخنی نمی گویند و همانا خداوند، ماه

ص: 262

1- . عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَاذِبِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَحْلَامَهُمْ (أَخْلَاقَهُمْ). کافی 25/1 و کمال الدین 2/675 و الخرائج و الجرائح 2/840

2- . قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا. خصال 2/541 و روضة الواعظین 2/295

را برای پیامبرش شکافته و به دو نیم فرموده است و پیش از آن هم، خورشید را برای یوشع بن نون برگردانده است و خداوند متعال به طولانی بودن روز قیامت خبر داده و فرموده است: معادل هزار سال از سال هایی است که شما می شمیرید. «(1)

حضرت صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«چون مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ ظهور کند به عدل، حکم می کند و جور و ستم در روزگار او از میان می رود و راه ها امن می شود، و زمین برکات خود را بیرون می آورد و حق هر کسی به او برمی گردد و اهل و پیروان همه ادیان، مسلمان می شوند و اعتراف به ایمان می کنند. مگر این گفتار خداوند را نشنیده ای که می فرماید: «و حال آنکه هر که در آسمان و زمین است، خواه و ناخواه مطیع فرمان خداوند است.»(2)

و آن حضرت در میان مردم به حکم محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حکم داود عَلَیْهِ السَّلَامُ حکم می کند و در آن هنگام، زمین گنجینه های خود را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می سازد و هیچ یک از شما در آن هنگام به سبب اینکه همه ی مؤمنان، توانگر و ثروتمندند کسی را نخواهد یافت که به او صدقه دهد و زکات خویش را بپردازد و دولت ما آخرین دولت هاست و هر دولتی، از هر خاندانی، پیش از ما به حکومت خواهد رسید که پس از اینکه روش ما را در حکومت دیدند نگویند اگر ما هم به دولت می رسیدیم همانند ایشان رفتار می کنیم و این همان گفتار خداوند است که می فرماید: و سرانجام پسندیده از پرهیزکاران است.»(3)

ص: 263

1- . قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ يَهْدُمُ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبْقَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مَسْجِدٌ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءً وَسَعَّ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَكَسَّرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ فِي الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكُنُفَ وَالْمَيَازِيبَ إِلَى الطَّرْفَاتِ وَلَا يَبْرُكُ بِدَعَا إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سِنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا وَيَفْتَحُ قَسَّ طَنْطِنِيَّةَ وَالصَّيْنَ وَجِبَالَ دَيْلَمَ فَيَمُكُّ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ سَنَةً [عَشْرُ سِنِينَ] مِنْ سِنِينِكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ قِيلَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَكَيْفَ يَطُولُ السُّنُونَ قَالَ يَا مُرَّ اللَّهُ الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقِلَّةِ الْحَرَكَةِ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَالسُّنُونَ قَالَ قُلْتُ لَهُمْ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ فَأَمَّا الْمَسْئَلَةُ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَرَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنِي نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَقَالَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ.

روضة الواعظين 2 / 264 و اثبات الهداه 5 / 164

2- . بخشی از آیه 83 سوره آل عمران.

3- . عَلِيُّ بْنُ عَقَبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأُخْرِجَتْ الْأَرْضُ بِرَكَاتِهَا وَرَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَحَكَمَ فِي النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَحُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَحِينَئِذٍ تَنْظُرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَتُبْدِي بِرَكَاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِيَبْرَهُ لِيَشْمُولَ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَلَمْ يَبْقَ أَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سِيرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمِثْلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

الإرشاد 2 / 384

در خبری دیگر، راوی گوید: به امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ عرض کردم: کسی از دوستان شماست که خون و مال بنی امیه را حلال می داند و یک امانتی، مربوط به آنها پیش این آمده است، (می خواهد در آن تصرف کند نظر شما چیست؟) امام عَلَيهِ السَّلَامُ فرمودند:

«امانت را به صاحبش برگردانید و لو اینکه مجوسی باشد. کشتن ایشان و تصاحب اموالشان ممکن نباشد تا زمانی که حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ قیام کنند پس او (چیزهایی را) حلال می کند و حرام می کند.» (1)

حضرمی گوید از حضرت ابا عبد الله عَلَيهِ السَّلَامُ شنیدم که می فرمودند:

«سیره و رفتار علی بن ابی طالب عَلَيهِ السَّلَامُ در بین اهل بصره برای شیعیان بهتر بود برای آنها از آنچه که آفتاب بر آن می تابید؛ چرا که آن حضرت می دانستند که اهل بصره بعداً صاحب دولت می شوند لذا اگر آنها را اسیر می فرمود بعداً آنها نیز شیعیان حضرت را اسیر می کردند»

راوی می گوید: عرضه داشتم: آیا حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ نیز به همین نحو، عمل می فرمایند؟ حضرت فرمودند:

«خیر! حضرت علی عَلَيهِ السَّلَامُ که بر اهل بصره منت گذاردند و متعرض آنها نشدند به خاطر این بود که آن حضرت می دانستند ایشان در آینده صاحب دولت می گردند؛ ولی حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ می دانند که ایشان دولتی نخواهند داشت لذا بر خلاف آن سیره با ایشان عمل می کنند.» (2)

محمد بن جعفر بن محمد عَلَيهِمَا السَّلَامُ از پدر خود امام صادق عَلَيهِ السَّلَامُ روایت کرده که فرمودند:

«هنگامی که حضرت مهدی عَلَيهِ السَّلَامُ قیام کند، در کشورهای روی زمین، کسانی را بر

ص: 264

1- . عَنْ الْحُسَيْنِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِكَ يَسْتَحِلُّ مَالَ بَنِي أُمَيَّةَ وَدِمَاءَهُمْ وَإِنَّهُ وَقَعَ لَهُمْ عِدَّةٌ وَدِيعةٌ فَقَالَ أَذُوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِنْ كَانُوا مَجُوسًا فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَكُونُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَحِلُّ وَيُحَرِّمُ. تهذيب الأحكام

351 / 6

2- . عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَسِيرَةُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِيعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ إِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ لَسَبَيْتُ شِيعَتَهُ قُلْتُ فَأَخْبَرَنِي عَنِ الْقَائِمِ أَيْسِرُ بِسِيرَتِهِ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ لِمَا عَلِمَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِيهِمْ خِلَافَ تِلْكَ السَّيْرَةِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَةَ لَهُمْ. تهذيب الأحكام 155 / 6

می انگیزد، در هر سرزمین یک نفر را، و به او می گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن (مکتوب) است عمل کن. پس فرمودند: و سپاهی به قسطنطنیه گسیل می دارد و چون آنان به کنار خلیج برسند بر قدم های خویش چیزی نویسند و بر روی آب، روان شوند؛ پس چون رومیان ایشان را بنگرند که بر آب راه می روند گویند: "اینان که اصحاب اویند این چنین بر آب گام بر می دارند پس او خود چگونه خواهد بود؟" در این هنگام دروازه های شهر را برای آنان می گشایند و آنان داخل آن شهر می شوند، و در آنجا آنچه بخواهند دستور می دهند» (1)

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«در عصر حکومت مهدی، مؤمنین پرندگان را از هوا به زیر می کشند و آنها را ذبح می کنند و گوشت های آنها را کباب کرده و می خورند؛ ولی استخوانش را سالم می گذارند و به آنها می گویند: "به اذن خداوند زنده شو!" پس آنها زنده می شوند و پرواز می کنند، و با آهوان صحرا نیز چنین کنند. در آن زمان نور سرزمین ها به وسیله نور امام علیه السلام تأمین می شود و دیگر مردم، به نور خورشید و ماه نیازی ندارند. بر روی زمین جنبنده ای اذیت گر و فسادکننده نمی باشد و بدی و گناه تمام می شود؛ زیرا این دعوت و حکومت، زمینی نمی باشد؛ بلکه آسمانی است، در آن زمان شیطان و سوسه و حسادت و فتنه انگیزی ندارد و زمین و درختان، خاری نداشته و همه جای زمین، سرسبز خواهد شد و هر چیزی از نباتات که چیده شود، بلافاصله جایگزین آن روئیده می شود و به حالت اول بر می گردد و لباسی که پدر برای پسرش می خرد تا هر مدتی که پسر بپوشد برای او مناسب است (اگرچه او بزرگ شود و رشید گردد باز لباس متناسب اندام او خواهد بود) و رنگ لباس هم به اختیار

ص: 265

1- . عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ وَيَبْعَثُ جُنْدًا إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ كَتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئًا وَمَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَكَيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَفْتَحُونَ لَهُمْ بَابَ الْمَدِينَةِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْكُمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ. دلائل الإمامة / 467 و الغيبة للنعماني / 219 و بحار الأنوار 52 / 365 إثبات الهداة 5 / 201

اوست (به هر رنگی که دوست داشته باشد، رنگ لباس تغییر می کند). در آن زمان، اگر کافر، داخل سوراخ سوسماری شود و یا پشت سنگ و یا درختی پنهان گردد، خداوند آن شیء را به نطق وادار می گوید "ای مومن! کافری در پشت من مخفی شده است، او را دستگیر کن و مومن او را می گیرد و می کشد. (کافر در دوران امام علیه السلام پناهگاهی ندارد) و برای ابلیس جایی و بدنی نمی ماند که در آن ساکن شود (و به وسوسه اش ادامه دهد) و مومنین با ملائکه مصافحه می کنند و به آن ها وحی می شود. (البته نه از سینه وحی انبیاء؛ بلکه شبیه وحی به مادر موسی) و مردگان به اذن خدا زنده می شوند.» (1)

ص: 266

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اسْتَنْزَلَ الْمُؤْمِنُ الطَّيْرَ مِنَ السَّمَاءِ، فَيَذْبُحُهُ، فَيَسْوِيهِ، وَيَأْكُلُ لَحْمَهُ، وَلَا يَكْسِرُ عَظْمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: أَحْيِي بِإِذْنِ اللَّهِ. فَيَحْيَا وَيَطِيرُ؛ وَكَذَلِكَ الطَّبَّاءُ مِنَ الصَّحَارِيِّ. وَيَكُونُ صَوَاءُ الْبِلَادِ نُورَهُ، وَلَا يَحْتَاجُونَ إِلَى شَمْسٍ وَلَا قَمَرٍ، وَلَا يَكُونُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ مُؤَذٍ، وَلَا شَرٌّ، وَلَا إِثْمٌ، وَلَا فَسَادٌ أَصْلًا، لِأَنَّ الدَّعْوَةَ سَمَاوِيَّةً، لَيْسَتْ بِأَرْضِيَّةً، وَلَا يَكُونُ لِلشَّيْطَانِ فِيهَا وَسْوَسَةٌ، وَلَا عَمَلٌ، وَلَا حَسَدٌ، وَلَا شَيْءٌ مِنَ الْفَسَادِ، وَلَا تَشْوُكُ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ، وَتَبْقَى زُرُوعُ الْأَرْضِ قَائِمَةً، كُلَّمَا أَخَذَ مِنْهَا شَيْءٌ نَبَتَ مِنْ وَقْتِهِ، وَعَادَ كَحَالِهِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْسُو ابْنَهُ الثَّوْبَ فَيَطُولُ مَعَهُ كُلَّمَا طَالَ، وَيَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَيُّ لَوْنٍ أَحَبَّ وَشَاءَ. وَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ الْكَافِرَ دَخَلَ جُحْرَ ضَبٍّ، أَوْ تَوَارَى خَلْفَ مَدْرَةٍ، أَوْ حَجَرٍ، أَوْ شَجَرٍ، لَأَنْطَقَ اللَّهُ ذَلِكَ السِّتْرِ الَّذِي يَتَوَارَى فِيهِ، حَتَّى يَقُولَ: يَا مُؤْمِنُ، خَلْفِي كَافِرٌ فَخُذْهُ. فَيَأْخُذُهُ وَيَقْتُلُهُ. وَلَا يَكُونُ لِابْلِيسَ هَيْكَلٌ يَسْكُنُ فِيهِ - وَالْهَيْكَلُ: الْبَدَنُ - وَيُصَافِحُ الْمُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، وَيُوحَى إِلَيْهِمْ، وَيُحْيَوْنَ - وَيَجْتَمِعُونَ - الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ. دلائل الإمامة / 462

وقایع پس از ظهور

۹

در آن روز رستاخیز که به حق بتوان آن را قیامت صغری نامید وقایعی اتفاق می افتد که در تاریخ بشریت سابقه نداشته است. اجازه دهید تا از لسان راستگویان؛ یعنی ائمه طاهرين عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در باب وقایع آن روز با شما سخن گویم.

بر اساس روایات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، امام عزیز ما قیام خویش را با ذکر مصیبت جدّ غریبشان حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ شروع کرده و خویش را با آن حضرت معرفی می کنند. در خبر است که ایشان هنگام ظهور پنج ندا می دهند:

الأول: ألا يا أهل العالم أنا الإمام القائم: آگاه باشید ای اهل عالم! من امام قیام کننده ام.

الثانی: ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم: آگاه باشید ای اهل عالم! منم شمشیر انتقام گیرنده.

الثالث: ألا يا أهل العالم إن جدی الحسين قتلوه عطشان: آگاه باشید ای اهل عالم! جد من حسین را تشنه کام کشتند.

الرابع: ألا- يا أهل العالم إن جدی الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ طرحوه عریانا: آگاه باشید ای اهل عالم! جد من حسین را عریان روی خاک افکندند.

الخامس: ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَحَقوه عدوانا: آگاه باشید ای جهانیان! جد من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند». (1)

پس برای انتقام از قاتلان مادر خویش به مدینه رفته و صحنه ای عجیب را به وجود می آورند.

بشیر گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به من فرمودند:

«آیا می دانی اولین کاری که مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ به آن مبادرت می ورزند چیست؟ عرض کردم: نه! فرمودند: آن دو (ظالم) را تر و تازه از قبر خارج کند؛ پس آنها را بسوزاند و خاکسترشان را بر باد دهد...» (2)

حنان بن سدير از پدرش روایت کند که گفت: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره ی آن دو نفر ظالم پرسیدم؟ حضرت فرمودند:

«ای ابوالفضل (کنیه سدير است) راجع به آن دو نفر از من چه می پرسی؟ به خدا سوگند! هیچ گاه کسی از ما نمرده است جز آنکه بر آن دو نفر خشمگین بوده است، و امروزه نیز کسی از ما نیست جز آنکه بر آن دو خشمگین است، و این چیزی است که پیران ما به خردسالان مان سفارش کنند، به راستی که آن دو نفر به حق ما ستم کردند و سهم ما را از ما منع کردند، و نخستین کسی بودند که بر گردن ما سوار شدند (و ما را کوبیدند) و رخنه ای را به روی ما در اسلام باز کردند که هرگز مسدود نشود تا روزی که قیام کننده ی ما قیام کند یا سخن گوی ما به سخن آید. سپس فرمودند: هان به خدا سوگند! اگر قیام کننده ی ما قیام کند یا سخن گوی ما به سخن آید از کارهای آن دو نفر، چیزهایی را که تا آن وقت، مکتوم و پنهان است آشکار سازد، و مکتوم سازد از کارهای آن دو آنچه را که بدان تظاهر می کرده اند، به خدا سوگند! هیچ گرفتاری و واقعه ای که بر سر ما خاندان آید پایه گذاری نشد جز آنکه اساس و پایه ی آن را آن دو نفر پایه گذاری

ص: 269

1- . إذا ظهر القائم عَلَيْهِ السَّلَامُ قام بين الركن و المقام و ينادي بندايات خمسة: الأول: ألا يا أهل العالم أنا الإمام القائم، الثاني: ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم، الثالث: إلا يا إهل العالم إنَّ جدِّي الحسين قتلوه عطشان، الرابع: ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ طرحوه عريانا، الخامس: ألا يا أهل العالم إنَّ جدِّي الحسين عَلَيْهِ السَّلَامُ سَحَقوه عدوانا. الزام الناصب 2/233

2- . عن بشير النَّبَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هَلْ تَدْرِي أَوَّلَ مَا يَبْدَأُ بِهِ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ لَا قَالَ يُخْرِجُ هَدَّيْنِ رَطْبَيْنِ غَضْبَيْنِ فَيُحْرِقُهُمَا وَيُذْرِيهِمَا فِي الرِّيحِ ... بحار الأنوار 386 / 52 و منتخب الأنوار المضيئة / 192 و إثبات الهداة 213 / 5

کردند، پس بر آن دو باد دوری از رحمت خدا و فرشتگان و همه ی مردمان» (1)

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کنند که فرمودند:

«چون مرا به آسمان ها بردند، خدایم به من وحی کرد که ای محمد! من بر زمین نظری افکندم و تو را از آن میان برگزیدم و تو را به پیامبری برگزیدم و از اسم خود برای تو اسمی برگرفتم که من محمودم و تو محمدی! سپس دوم بار بر زمین نظری افکندم و از آن میان، علی را برگزیدم و او را وصی و خلیفه تو قرار دادم و همسر دختر و پدر فرزندان ساختم و برای او اسمی از اسماء خود برگرفتم که من علی اعلی هستم و او علی است و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو تن آفریدم؛ سپس ولایت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم و کسی که آن را پذیرفت نزد من از مقررین است، ای محمد! اگر بنده ای مرا عبادت کند تا آنکه منقطع شود و مانند مشک کهنه، پوسیده گردد و در حالی که منکر ولایت ایشان است به نزد من آید او را در بهشت خود جای نمی دهم و تحت سایه ی عرشم در نیآورم، ای محمد! آیا دوست می داری که ایشان را ببینی؟ گفتم: آری ای پروردگار من! گفت: سرت را بلند کن، سرم را بلند کردم و به ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن علیهم الصلاة والسلام را دیدم در حالی که قائم علیه السلام در وسط آنان مانند ستاره ای درخشان بود. گفتم: پروردگار! آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان ائمه هستند و این قائم، کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و به توسط او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و او راحتِ دوستان من است و او کسی است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می دهد، ولات و عزّی (آن دو

ص: 270

1- . عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهُمَا فَقَالَ يَا أَبَا الْفَضْلِ مَا تَسْأَلُنِي عَنْهُمَا فَوَلَّى اللَّهُ مَا مَاتَ مِنَّا مَيِّتٌ فَطُؤُ إِلَّا سَاخِطًا عَلَيْهِمَا وَمَا مِنَّا الْيَوْمَ إِلَّا سَاخِطًا عَلَيْهِمَا يُوصِي بِذَلِكَ الْكَبِيرُ مِنَّا الصَّغِيرُ إِنَّهُمَا ظَلَمَانَا حَقًّا وَمَنَعَانَا فَيَنَّا وَكَانَا أَوَّلَ مَنْ رَكِبَ أَعْنَاقَنَا وَبَثَّقَا عَلَيْنَا بَثْقًا فِي الْإِسْلَامِ لَا يُسْكِرُ أَبَدًا حَتَّى يَتُومَ قَائِمُنَا أَوْ يَتَكَلَّمُ مُتَكَلِّمُنَا ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا أَوْ تَكَلَّمَ مُتَكَلِّمُنَا لَأَبْدَى مِنْ أُمُورِهِمَا مَا كَانَ يُكْتَمُ وَ لَكْتَمَ مِنْ أُمُورِهِمَا مَا كَانَ يُظْهَرُ وَاللَّهِ مَا أُسِّسَتْ مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا قَضِيَّةٍ تَجْرِي عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَّا هُمَا أَسَّسَا أَوْلَاهَا فَعَلَيْهِمَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ . کافی 8 / 245 و مرآة العقول 26/212 و بحار الانوار 30 / 269

ظالم پست) را تر و تازه بیرون می آورد و آنها را آتش می زند و فتنه ی مردم به آن دو، در آن روز از فتنه ی گوساله و سامری سخت تر است. (1)

عبد العظیم حسنی نیز گوید: به امام جواد عَلَیْهِ السَّلَامُ گفتم: امیدوارم شما قائم اهل بیت باشید، کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمودند:

«ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی است، اما قائمی که خدای تعالی به توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و داد نماید کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است، و او همانم و هم کنیه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و او کسی است که زمین برایش پیچیده شود و هر دشواری برایش هموار گردد و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: **أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً إِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (2)** و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون عقده که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی خشنود گردد. عبد العظیم گفت: ای سرورم! چگونه می داند که خدای تعالی

ص: 271

1- . عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ أَطْلَاعاً فَاخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيّاً وَشَقَقْتُ لَكَ مِنَ اسْمِي اسماً فَأَنَا الْمُحْمُودُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ ثُمَّ أَطَّلَعْتُ الثَّانِيَةَ فَاخْتَرْتُ مِنْهَا عَلِيّاً وَجَعَلْتُهُ وَصِيّاً وَخَلِيفَتَكَ وَرَوْجَ ابْنَتِكَ وَأَبَا دُرَيْتِكَ وَشَقَقْتُ لَهُ اسماً مِنْ اسْمَائِي فَأَنَا لَعْلِي [الْعَلِيُّ] الْأَعْلَى وَهُوَ عَلِيٌّ وَجَعَلْتُ فَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ مِنْ نُورِكُمْ ثُمَّ عَرَضْتُ وَلَا يَتَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَمَنْ قَبَلَهَا كَانَ عِنْدِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبْدًا عَبْدًا لَدُنِّي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ كَالشَّنِّ الْبَالِي ثُمَّ أَتَانِي جَاحِداً لَوْلَا يَتَهُمْ مَا اسْتَكْنَتْهُ جَنَّتِي وَلَا أَظْلَلْتُهُ تَحْتَ عَرْشِي يَا مُحَمَّدُ أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ قُلْتُ نَعَمْ يَا رَبِّي فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ ازْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلِيٍّ بْنِ الحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ وَ الحُجَّجَةَ بْنِ الحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ يَا رَبِّ مَنْ هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَيُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتُمْ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شَيْعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيقَيْنِ فَيَحْرِقُهُمَا فَلَفِتْنَهُ النَّاسَ بِهِمَا يَوْمَ يَزِيدُ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعَجَلِ وَ السَّامِرِيِّ. كمال الدين

1/252 و عيون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ 1/58

2- . بقره/ 148

خشنود گردیده است؟ فرمودند: در قلبش رحمت می افکند و چون به مدینه درآید لات و عزّی را (منظور، آن دو ظالم است) بیرون کشیده و آنها را بسوزاند.»(1) محمد بن عجلان گوید امام صادق علیه السلام فرمودند:

«چون حضرت مهدی علیه السلام قبر آن دورا نبش کنند عرب های شرق و غرب عالم با یکدیگر مکاتبه کنند و برای یاری آن دو ظالم در قریسا جمع شوند؛ ولی بر سر امارت با هم اختلاف کرده و بینشان نزاع شود و همگی نابود شوند.»(2)

ابوالجارود هم درباره کیفیت قیام حضرت صاحب الامر علیه السلام، روایت کرده که از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: قیام کننده ی شما چه زمانی قیام می فرماید؟ فرمودند:

«ای ابوالجارود! شما آن زمان را نخواهید دید. عرض کردم اهل زمانش را چگونه؟ فرمودند: «اهل زمانش را هم نمی بینید. مهدی ما بعد از مایوس شدن و ناامیدی شیعیان قیام می کند و مردم را سه بار به خود دعوت می کند و به کمک می طلبد؛ ولی هیچکس پاسخ او را نمی دهد، تا آنکه روز چهارم به پرده کعبه می چسبد و می گوید: خدایا یاریم کن، و دعایش رد نمی شود؛ خداوند نیز به ملائکه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در روز بدر یاری کردند دستور می دهد حضرت مهدی علیه السلام را یاری کنند و آنها که تا آن زمان آماده باش

ص: 272

1- . عن عبد العظیم بن عبد الله الحسني قال: قلت لمحمد بن علي بن موسى عليه السلام اني لأرجو أن تكون القائم من أهل بيت محمد الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً فقال عليه السلام يا أبا القاسم ما منّا إلا وهو قائم بأمر الله عزّ وجلّ و هادٍ إلى دين الله و لكنّ القائم الذي يطهر الله عزّ وجلّ به الأرض من أهل الكفر و الجحود و يملؤها عدلاً و قسطاً هو الذي تخفى على الناس و لا دته و يغيب عنهم شأنه و يحرم عليهم تسبّ ميثه و هو سيّ جيّ رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم و كنيته و هو الذي تطوى له الأرض و يدلّ له كلّ صعب [و] يجتمع إليه من أصحّ حابه عدّة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلاً من أقاصي الأرض و ذلك قول الله عزّ وجلّ ما تكونوا يأت بكم الله جميعاً إن الله على كلّ شيء قدير فإذا اجتمعت له هذه العدة من أهل الإخلاص أظهر الله أمره فإذا كمل له العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج بإذن الله عزّ وجلّ فلا يزال يقتل أعداء الله حتى يرضى الله عزّ وجلّ. قال عبد العظیم فقلت له يا سيدي و كيف يعلم أنّ الله عزّ و جلّ قد رضي قال يلقي في قلبه الرحمة فإذا دخل المدينة أخرج اللات و العزّي فأحرقهما. كمال الدين 377/2

2- . محمد بن عجلان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن وقعة قريصة يا فقال إن القائم عليه السلام إذا قام فنبشهما فما كتبت العرب في شرق الأرض و غربها فيجتمعون بقرقيسيا على نصرتهما فيقول اليمن فينا الأمير و يقول المضر منّا الأمير فيوقع الله بأسهم بينهم و يقع الصبر عليهم. منتخب الأنوار المضيئة / 192

بوده و زین اسب ها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند با حضرت بیعت می کنند، سپس سیصد و سیزده مرد با آن حضرت بیعت می نمایند و حضرت به مدینه رفته و مردم نیز برای رضایت خدا همراه ایشان به مدینه می روند، آنگاه حضرتش هزار و پانصد تن از قریش را که همه حرامزاده می باشند می کشد و سپس داخل مسجد شده و دیوار آن را می شکنند و بر زمین می ریزد و بعد، ازرق، و زریق، را (کنایه از دو تن از دشمنان اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ) که خدا هر دو را لعنت کند، از قبر بیرون کشیده و با آنها صحبت کرده و آنها هم پاسخ می دهند. دشمنان و اهل باطل در اینجا به تردید افتاده و تعجب می کنند که حضرت با مردگان می تواند صحبت کند، آنگاه آن حضرت، پانصد تن از آن اهل شک را در داخل مسجد کشته؛ و سپس آن دو تن را که از قبر بیرون کشیده بود به آتش می کشد و آنها را با همان هیزم هایی که می خواستند با آن، علی و فاطمه و حسن و حسین (عَلِیْهِمُ السَّلَامُ) را آتش بزنند می سوزاند، و آن هیزم های نزد ماست و ما (ائمه) آن را به یکدیگر ارث می دهیم. سپس حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ، کاخ مدینه را خراب می نماید، و آنگاه به سمت کوفه حرکت می نماید و شانزده هزار تن از بتریه (زیدیه ای هستند که ابابکر و عمر را دوست دارند) که مسلح بوده و قاریان قرآن و فقهاء در دین اند و از کثرت سجد، پیشانی آنها زخم شده و لباسهایشان مندرس گشته و نفاق تمام وجودشان را پر کرده است، به حضرت می گویند: "ای فرزند فاطمه! برگرد که ما نیازی به تو نداریم!" آنگاه حضرت در عصر روز دوشنبه در پشت نجف تا شب، تمامی آنها را به سرعت می کشد و هیچ یک از آنان، جان سالم به در نمی برد، و این در حالی است که اصحاب آن حضرت هیچ یک آسیبی نمی بینند؛ گرچه خون مقدس آنها وسیله ی تقرب به خداوند متعال می باشد؛ سپس حضرتش وارد کوفه شده، و آنقدر از جنگاوران را می کشد تا خدا راضی گردد. راوی می گوید: از آن جهت که درست مطلب را متوجه نشدم به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! خداوند چه زمانی راضی می شود؟

فرمودند: ای ابا جارود! خداوند به مادر موسی وحی کرد و حضرت مهدی علیه السلام از مادر موسی گرامی تر است، خداوند به زنبور عسل وحی می کند در حالی که آن حضرت از زنبور عسل، پیش خدا عزیزتر است. اینجا بود که مطلب را فهمیدم، آن وقت حضرت فرمودند: آیا مطلب را فهمیدی؟ عرض کردم: آری! فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام سیصد و نه سال به مقدار توقّف اصحاب کهف در غار، حکومت خواهند نمود، و جهان را پس از پرشدن از ظلم و ستم، پر از عدل و داد خواهند کرد و خداوند، شرق و غرب جهان را برای ایشان فتح کرده و آنقدر از مردم می کشند تا جز دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم باقی نماند و به مانند سلیمان بن داود حکم صادر کنند و چنانکه خورشید و ماه را بخوانند او را پاسخ می دهند و زمین در زیر پای حضرتش می پیچد (طی الارض) و مطابق امر و وحی خداوند عمل می نمایند. (1)

ص: 274

1- . عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: سَأَلْتُهُ، مَتَى يَوْمُ قَائِمِكُمْ؟ قَالَ: يَا أَبَا الْجَارُودِ، لَا تُدْرِكُونَ. فَقُلْتُ: أَهْلَ زَمَانِهِ. فَقَالَ: وَلَنْ تُدْرِكَ أَهْلَ زَمَانِهِ، يَوْمُ قَائِمِنَا بِالْحَقِّ بَعْدَ إِبَاسِ مِنَ الشُّبُعَةِ، يَدْعُو النَّاسَ ثَلَاثًا فَلَا يُجِيبُهُ أَحَدٌ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الرَّابِعُ تَعَلَّقَ بِأَسَدِ تَارِ الْكَعْبَةِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، انصُرْنِي، وَدَعْوَتُهُ لَا تَسْقُطُ، فَيَقُولُ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) لِلْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ نَصَرُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَدْرٍ، وَلَمْ يَحْطُوا سُرُوجَهُمْ، وَلَمْ يَصَدِّعُوا أَسَدَ لِحْتَهُمْ فَيَبَايَعُوهُ، ثُمَّ يَبَايِعُهُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، يَسِيرُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَيَسِيرُ النَّاسُ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)، فَيَقْتُلُ أَلْفًا وَخَمْسَمِائَةَ فَرَسِيًّا لَيْسَ فِيهِمْ إِلَّا فَرَسٌ رَنْبِيَّةٌ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيَنْفُضُ الْحَائِطَ حَتَّى يَضَعَهُ إِلَى الْأَرْضِ، ثُمَّ يُخْرِجُ الْأَرْزَقَ وَرُزِقَ غَضِينِ طَرَبِينِ، يُكَلِّمُهُمَا فَيُحْيِيَانِهِ، فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ، فَيَقُولُونَ: يُكَلِّمُ الْمَوْتَى؟! فَيَقْتُلُ مِنْهُمْ خَمْسَمِائَةَ مُرْتَابٍ فِي جَوْفِ الْمَسْجِدِ، ثُمَّ يُحْرِقُهُمَا بِالْحَطَبِ الَّذِي جَمَعَاهُ لِيُحْرِقَا بِهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)؛ وَذَلِكَ الْحَطَبُ عِنْدَنَا نَتَوَارِثُهُ، وَبِهِدْمُ قَصْرِ الْمَدِينَةِ. وَيَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيُخْرِجُ مِنْهَا سِتَّةَ عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الثُّبَرِيَّةِ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ، قُرَاءَ الْقُرْآنِ، فَفَهَاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ فَرَحُوا جِبَاهَهُمْ، وَشَمَّرُوا نِيَابَهُمْ، وَعَمَّهُمُ النِّفَاقُ، وَكُلُّهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، اذْجِعْ لَنَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ. فَيَضَعُ السَّيْفَ فِيهِمْ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ عَشْرَةَ الْإِثْنَيْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ، فَيَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا يَقُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ، وَلَا يُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانَ إِلَى اللَّهِ. ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ مُقَاتِلِيهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: فَلَمْ أَعْقِلِ الْمَعْنَى، فَمَكَثْتُ قَلِيلًا، ثُمَّ قُلْتُ وَمَا يُدْرِيهِ؟- جَعَلْتُ فِي ذَلِكَ- مَتَى يَرْضَى اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: يَا أَبَا الْجَارُودِ، إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ مِنْ مُوسَى، وَهُوَ خَيْرٌ مِنْ أُمِّ مُوسَى، وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ النَّحْلَ، وَهُوَ خَيْرٌ مِنَ النَّحْلِ. فَعَقَلْتُ الْمَذْهَبَ، فَقَالَ لِي: أَعَقَلْتَ الْمَذْهَبَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. فَقَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيَمْلِكُ ثَلَاثُمِائَةَ وَتِسْعَ سِنِينَ، كَمَا لَبِثَ أَصْحَابُ الْكُهْفِ فِي كَهْفِهِمْ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجُورًا، وَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ سُرُقَ الْأَرْضِ وَغَرْبَهَا، يُقْتَلُ النَّاسُ حَتَّى لَا يَرَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَسِيرُ بِسِيرَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، يَدْعُو الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَيُحْيِيَانِهِ، وَتَطْوِي لَهُ الْأَرْضَ، فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهِ، فَيَعْمَلُ بِأَمْرِ اللَّهِ. دلائل الإمامة / 455

جابر بن یزید جعفی نیز در باره چگونگی شروع قیام آن حضرت از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«ای جابر! به زمین بچسب و حرکتی مکن تا نشانه‌هایی را که برایت ذکر می‌کنم ببینی، البته اگر آن زمان را درک کنی. (معلوم است که امام عَلَیْهِ السَّلَامُ می‌دانستند عمر جابر به آن زمان نمی‌رسد؛ پس برای ما فرموده‌اند.) نخستین نشانه اختلاف بنی‌عبّاس است و نمی‌بینم که به آن بررسی؛ اما آن را پس از من، از قول من نقل کن. و نشانه‌ی دیگر؛ منادی ندا دهنده از آسمان، و صدای فتح، که از سمت دمشق به سوی شما می‌آید، و به زمین فرورفتن آبادی‌ای از آبادی‌های دمشق به نام جابیه، و فروریختن بخشی از جانب راست مسجد دمشق، و خروج کننده‌ای که از سمت تُرک بیرون می‌آید و هرج و مرج روم را در برگیرد، و پیشروی برادران ترک که در جزیره فرود می‌آیند، و جلو آمدن خروج کنندگان روم که در رمله فرود می‌آیند، و آن سال ای جابر! در هر ناحیه از مغرب زمین، اختلاف‌های فراوانی هست. نخستین منطقه‌ای که خراب می‌شود، سرزمین شام است؛ سپس به سه پرچم و دسته تقسیم می‌شوند: پرچم اصفه، پرچم اَبقع و پرچم سفیانی؛ سفیانی با اَبقع رو در رو می‌شود و با هم می‌جنگند و سفیانی او و پیروانش را می‌کشد. سپس اصفه را می‌کشد و آن‌گاه جز به روی آوردن به عراق نمی‌اندیشد و لشکرش از قرقیسا می‌گذرند و در آن‌جا می‌جنگند و صد هزار از جَبّاران، در آن‌جا کشته می‌شوند و سفیانی، لشکری به کوفه روانه می‌کند که شمارشان به هفتاد هزار تن می‌رسد و از کوفیان می‌کُشد و به دار می‌کشد و اسیر می‌گیرند و در این میان، پرچم‌هایی از سمت خراسان می‌آیند که به سرعت می‌تازند و تنی چند از یاران قائم عَلَیْهِ السَّلَامُ با آنها هستند. سپس مردی از ایرانیان مقیم کوفه همراه محرومان، خروج می‌کند که فرمانده سپاه سفیانی، او را میان حیره و کوفه می‌کشد. سفیانی، گروهی را روانه‌ی مدینه می‌کند؛

ص: 275

ولی مهدی از آن جا به مکه کوچ می کند و چون خبر خروج مهدی به سمت مکه به فرماندهی اعزامی سفیانی می رسد، لشکری را در پی او روانه می کند؛ ولی به او نمی رسند و مهدی همچون موسی بن عمران، بیمناک و مراقب، وارد مکه می شود. سپس فرماندهی لشکر اعزامی سفیانی، وارد بیداء می شود و منادی ای از آسمان، ندا می دهد: "ای بیداء! این قوم را هلاک کن" و همگی در زمین فرو می روند و جز سه تن از آنها نمی توانند بگریزند. خداوند، سر و صورت این سه تن را که از قبیله ی کلب هستند، وارونه می کند و این آیه در حق امثال اینها نازل شده است: "ای اهل کتاب! به آنچه فرستاده ایم که کتاب آسمانی نزد شما را راست می شمارد ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره هایی را ناپدید سازیم و آنان را واپس گردانیم یا آنان را لعنت کنیم چنان که «اصحاب سبت» را لعنت کردیم و فرمان خداوند، انجام یافتنی است." و قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ، آن روز در مکه است. پشتش را به کعبه تکیه داده و به آن پناه آورده، ندا می دهد: "ای مردم! ما از خدا یاری می جوییم. هر کسی از مردم که به ما پاسخ گوید، [بداند که] ما اهل بیت پیامبران، محمد، و سزاوارترین مردم به خداوند و به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستیم و هر کسی که با من درباره ی آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ هستم و هر کس با من درباره ی نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ هستم، و هر کس با من درباره ی ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ هستم و هر کس با من درباره ی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستم، و هر کس که با من درباره ی پیامبران احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به پیامبران هستم. آیا خداوند در آیه های استوار کتابش نمی فرماید: "خداوند، آدم، نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد در حالی که برخی از نسل برخی دیگرند و خداوند شنوایی داناست"؟ و من، امام بر جای مانده از نسل آدم،

ذخیره از نسل نوح، برگزیده از نسل ابراهیم و گزیده ی نسل محمّد که خداوند بر همه ی آنان درود فرستد. هان! هر کسی با من درباره ی کتاب خدا احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به کتاب خدا هستم. هشیار باشید که هر کسی که با من درباره ی سنّت پیامبر خدا احتجاج کند، من سزاوارترین مردم به سنّت پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هستم. امروز، هر کسی را که سخن مرا می شنود و در این جا حاضر است، به خدا سوگند می دهم که پیامم را به غایبان برساند، و به حقّ خداوند و نیز حقّ پیامبرش و به حقّ خودم که بر شما حقّ خویشاوندی با پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را دارم، از شما می خواهم که ما را یاری دهید و ما را در برابر کسانی که به ما ستم می کنند حمایت کنید؛ چرا که ما را هراسان کرده و به ما ستم نموده اند و از شهر و دیار و فرزندانمان رانده اند و بر ما ظلم شده و از حقّمان باز داشته ایم و اهل باطل بر ما دروغ بسته اند، پس خدا را، خدا را در حقّ ما! ما را و نگذارید و ما را یاری دهید تا خداوند متعال، یاری تان دهد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: خداوند، یارانش را که سیصد و سیزده نفر هستند، به گرد او فراهم می آورد، بی آن که قراری با هم گذاشته باشند؛ بلکه آنها را مانند ابرهای پاییزی از هر سو گرد می آورد و آن ای جابر! همان آیه ای است که خداوند در کتابش ذکر کرده است: "و هر کس را قبله ای است که روی بدان می کند، باری، در کارهای نیک از یکدیگر پیشی گیرید. هر جا که باشید خداوند همگی شما را جمع خواهد کرد، و خداوند بر هر کاری تواناست." آن گاه با او میان رکن حجر الأسود و مقام ابراهیم بیعت می کنند و با او عهد و وصیتی از پیامبر خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که از پدران به پسران تا به او ارث رسیده است، و ای جابر! مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، مردی از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَام است که خداوند، کارش را در یک شب برایش به سامان می کند. پس هر چه از این امور بر مردم مشکل بنماید، ای جابر اثبات این که او از نسل پیامبر خداست و نیز وراثت او از امامان عالم، عالمی از پی عالمی، برای آنها

مشکل نخواهد بود، و اگر همه ی اینها برایشان مشکل بنماید، شنیدن صدای آسمانی بر آنان مشکل نخواهد بود، هنگامی که نامش و نام پدرش و مادرش ندا داده می شود.»(1)

ص: 278

1- . قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحَرِّكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهَا أَوَّلُهَا اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ وَمَا أَرَاكَ تُدْرِكُ ذَلِكَ وَلَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي وَمُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَيَحْيِيكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشَقَ بِالْفَتْحِ وَتُحَسِّفُ قَرِيحَةً مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَتَسْقُطُ طَائِفَةً مِنْ مَسْجِدِ دِمَشَقَ الْأَيْمَنِ وَمَارِقَةً تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ وَيَعْقُبُهَا هَرَجُ الرُّومِ وَسَيُقْبِلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ وَسَيُقْبِلُ مَارِقَةَ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ فَيَلْتَمِسُ السَّنَةَ يَا جَابِرُ فِيهَا اخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَحْرَبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ الْأَصْهَبِ وَرَايَةَ الْأَبْقَعِ وَرَايَةَ السُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَمِسِي السُّفْيَانِيَّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتَتِلُونَ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبَ ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاقِ يَمُرُّ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسَ بِيَاءَ فَيَقْتَتِلُونَ بِهَا فَيَقْتُلُ بِهَا مِنَ الْجَبَّارِينَ مِائَةَ أَلْفٍ وَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَعَدْتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَصَلْبًا وَسَبِيًّا فَيَبِينَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتُ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ وَتَطْوِي الْمَنَازِلَ طَيًّا حَثِيثًا وَمَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي صُدْعَاءَ فَيَقْتُلُهُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ بَيْنَ الْحِيرَةِ وَالْكُوفَةِ وَيَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ بَعثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمَهْدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيَحْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كَلْبٍ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا الْآيَةَ قَالَ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسَدَ نَدَاهُ ظَهْرُهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيُنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَبَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ- إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَبَنِي فِي آدَمَ وَدَخِيرَةَ مِنْ نُوحٍ وَمُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةَ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَبَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ الْآلِ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ حَاجَبَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ وَمَنْ حَاجَبَنِي فِي كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبِ وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمَمْتُمَا وَمَنْعَتُمَا وَمَنْ يَطْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَنَا وَظَلَمْنَا وَطَرِدَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا وَبَغِي عَلَيْنَا وَدُفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا وَافْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهُ اللَّهُ فَيَنَالُ لَا تَخْذُلُونَا وَانْصُرُونَا يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى- قَالَ فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثِمِائَةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَيَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَفْرَعِ الْخَرِيفِ وَهِيَ يَا جَابِرُ الْآيَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ- أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَدْ تَوَارَثَتْهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْآبَاءِ وَالْقَائِمُ يَا جَابِرُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ بْنِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَمَا أَشْكَلَ عَلَى النَّاسِ مِنْ ذَلِكَ يَا جَابِرُ فَلَا يُشْكَلَنَّ عَلَيْهِمْ وَلَا دَنَتْهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوَرِثَتْهُ الْعُلَمَاءُ عَالِمًا بَعْدَ عَالِمٍ فَإِنَّ أَشْكَلَ هَذَا كُلُّهُ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِمْ إِذَا نُودِيَ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَأُمِّهِ.

غيبت نعمانی / 279 و اختصاص / 255 و ارشاد / 272 و غیبیت طوسی / 441 و الخرائج و الجرائح / 1156/3 و البرهان / 613/1 و

در حدیثی طولانی مفضل بن عمر درباره ی وقایع پس از ظهور از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

... «ای مفضل! او در وضع شبهه ناکی آشکار می شود، تا اینکه امرش روشن شود و نامش بالا رود و کارش آشکار گردد، و نام و کنیه و نسبش برده شود، و آوازه او در زبان پیروان حق و باطل و موافقین و مخالفین زیاد برده می شود؛ تا اینکه به واسطه ی شناختن او، حجت بر مردم تمام شود. به علاوه ما داستان ظهور او را برای مردم نقل کرده ایم و نشان داده ایم و نام و نسب و کنیه او را برده و گفته ایم که: او همان جدش پیغمبر خدا و هم کنیه اوست تا مبادا مردم بگویند اسم و کنیه و نسب او را نشناختیم. به خدا سوگند! کار او به واسطه ی روشن شدن نام و نسب و کنیه اش که بر زبان های مردم بالا گرفته، متحقق می شود. به طوری که آن را برای یکدیگر بازگو می کنند. همه اینها برای اتمام حجت بر آنهاست. آنگاه همان طور که جدش وعده داده، خداوند او را ظاهر می گرداند...»

مفضل گفت: آقا! مهدی در کدام سرزمین ظهور می کند؟ فرمودند:

«هنگام ظهورش هیچ کس او را نمی بیند هر کس جز این به شما بگوید او را دروغگو بدانید... در آخر روز سال دویست و شصت و شش از نظرها غائب می گردد و دیگر هیچ کس او را نمی بیند تا موقعی که همه چشمها به جمالش روشن گردد.»

مفضل گفت: در طول غیبت با کی انس می گیرد و با کی گفتگو می کند و کی با او سخن می گوید؟ فرمودند:

«فرشتگان خدا و افراد با ایمان طائفه جن با وی سخن می گویند و دستورات و (توقیعات) او برای موثقین و نمایندگان و وکلایش صادر می شود... ای مفضل! گویا او را می بینم که وارد شهر مکه شده و لباس پیغمبر را پوشیده و عمامه زردی بر سر گذاشته است، و نعلین وصله شده پیغمبر را به پا کرده و عصای آن حضرت را به دست گرفته و چند بز لاغر را جلو انداخته و بدین گونه به طرف خانه خدا می رود بدون اینکه کسی او را بشناسد و به سن جوانی، آشکار می گردد.»

مفضل گفت: آیا به صورت جوان بر می گردد یا با حالت پیری ظهور می کند فرمودند:

«سبحان الله مگر از حالا کسی می داند؟ وقتی خدا فرمان ظهورش را صادر کند هر طور او بخواهد و به هر صورتی که او صلاح بداند ظاهر می شود.»

مفضل گفت: آقا! از کجا ظاهر می شود و چگونه آشکار می گردد؟ فرمودند:

«ای مفضل! او به تنهایی آشکار می گردد و تنها به طرف خانه خدا می آید و تنها داخل کعبه می شود و چون شب فرارسد همچنان تنهاست، وقتی چشم ها به خواب رفت و شب کاملاً تاریک شد، جبرئیل و میکائیل و دسته دسته فرشتگان بر وی فرود می آیند و در آن میان، جبرئیل به وی می گوید: ای آقای من! هر چه بفرمائی پذیرفته است و فرمانت رواست. او (مهدی) هم دست بر رخسارش می کشد و می فرماید: خدا را سپاس می گذارم که وعده اش درباره ی ما راست در آمد و زمین را به ما واگذار کرد و هر جای بهشت را بخواهیم منزل می کنیم چه نیکوست پاداش عمل کنندگان به فرمان الهی! آنگاه در بین رکن و مقام می ایستد و با صدای رسا می گوید: "ای نقبا و مردمی که به من نزدیک هستید! و ای کسانی که خداوند شما را پیش از ظهور من در روی زمین برای یاری من ذخیره کرده است! برای اطاعت از من به سوی من بیائید!" صدای او به این افراد می رسد و آنها در شرق و غرب عالم، بعضی در محراب عبادت و گروهی خوابیده اند، و با این وصف با یک صدا می شنوند و با یک چشم به هم زدن در بین رکن و مقام نزد او خواهند بود. سپس خداوند به نور دستور می دهد که به صورت عمودی از زمین تا آسمان جلوه کند و هر که ساکن زمین است، از آن نور استضاء نماید و نور از میان خانه اش بر وی بدرخشد و از این نور دل های مؤمنین مسرور گردد، در حالی که هنوز آنها نمی دانند که قائم ما اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَامُ ظهور کرده است؛ ولی چون صبح شود همه در برابر آن بزرگوار خواهند بود و آنها سیصد و سیزده مرد به تعداد لشکر پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در روز جنگ بدر هستند.»

مفضل گفت: آقا! آیا آن هفتاد و دو نفر که با امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ در کربلا شهید شدند هم با آنها ظهور می کنند؟ فرمودند:

«حضرت ابا عبد الله، حسین بن علی عَلَیْهِ السَّلَامُ با دوازده هزار نفر از شیعیان امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ در حالی که حضرتش عمامه سیاه پوشیده است ظهور می کند. ای مفضل! هر بیعتی قبل از ظهور قائم، کفر و نفاق و نیرنگ است، خداوند بیعت کننده و بیعت گیرندگان آن را لعنت کند. او تکیه به خانه ی خدا می دهد و دستش را دراز می کند و نوری از آن می جهد و می گوید:

این دست خدا و از جانب خدا و به امر خداست سپس این آیه را می خواند: **إِنَّ الدِّينَ يُبَايِعُكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتْ عَلَى نَفْسِهِ (1)**

یعنی: "کسانی که با تو بیعت می کنند، در حقیقت با خدا بیعت می نمایند، دست خدا بالای دست های آنهاست، پس هر کسی آن بیعت را بشکند، کاری به زیان خود کرده است."

اول کسی که دست او را می بوسد، جبرئیل است، و سپس سایر فرشتگان و نجبای جنّ و بعد از آنها نقبا با وی متابعت می کنند. مردم در مکه فریاد می زنند و می گویند:

این مرد کیست و این جماعت که با او هستند کیانند و این علامت که دیشب دیدیم و نظیرش دیده نشده چیست؟

بعضی به بعضی دیگر می گویند: این مرد همان صاحب بزهاست! عده ی دیگر می گویند: نگاه کنید ببینید کسی از همراهان او را می شناسید؟ مردم می گویند ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه هستند و فلانی و فلانی می باشند، هیچ کدام آنها را نمی شناسیم.

این واقعه در آغاز طلوع آفتاب آن روز خواهد بود، موقعی که آفتاب طالع شد گوینده ای از چشمه ی خورشید به زبان عربی فصیحی بانگی می زند که اهل آسمان ها و زمین آن را می شنوند، و می گویند: "ای مردم عالم! این مهدی آل محمد است" و او را به نام و کنیه جدش پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می خواند و به پدرش حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ امام یازدهم تا حسین بن علی صلوات الله عليهم اجمعین نسبت می دهد.

آنگاه گوینده می گوید: با وی بیعت کنید که رستگار می شوید و مخالفت امر او ننمائید که گمراه خواهید شد. سپس به ترتیب، فرشتگان و جن و نقباء، دست او را می بوسند و می گویند: شنیدیم و اطاعت می کنیم، هیچ صاحب روحی در میان مخلوق خدا نمی ماند جز اینکه آن صدا را می شنود. کسانی که در جای دور و نزدیک و دریا و خشکی می باشند، می آیند و برای یکدیگر نقل می کنند که ما با گوش خود چنین صدایی را شنیدیم.

هنگامی که آفتاب خواست غروب کند؛ کسی از سمت مغرب زمین فریاد می زند: "ای مردم دنیا! خداوند شما به نام «عثمان بن عنبسه اموی» از اولاد یزید بن

ص: 281

معاویه، در بیابان خشکی از سرزمین فلسطین ظهور کرده، بروید و با او بیعت کنید تا رستگار شوید و با وی، سر به مخالفت بر ندارید که گمراه می شوید"، در آن وقت، فرشتگان و جن و نقبا گفته او را رد کرده تکذیب می کنند و به آن گوینده می گویند: "شنیدیم و نافرمانی می کنیم!" هر کسی شک و تردیدی به دلش راه یافته باشد و هر منافق و کافری، با این صدای دوم گمراه می گردد.

در آن وقت آقای ما، حضرت قائم علیه السلام تکیه به خانه ی خدا می دهد و می گوید: "الا ای اهل عالم! هر که می خواهد آدم و شیث را ببیند، بدانند که من همان آدم و شیث هستم، هر که می خواهد نوح و پسرش سام را ببیند، بدانند که من همان نوح و سام می باشم، هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بدانند که من همان ابراهیم و اسماعیل هستم، هر که می خواهد موسی و یوشع را ببیند بدانند که من همان موسی و یوشع هستم. هر که می خواهد عیسی و شمعون را ببیند، بدانند که من همان عیسی و شمعون هستم، هر که می خواهد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما را ببیند، بدانند که من همان محمد و علی هستم، هر که می خواهد حسن و حسین را ببیند، بدانند که من همان حسن و حسین می باشم، هر که می خواهد امامان اولاد حسین علیهم السلام را ببیند، بدانند که من همان ائمه اطهار هستم. دعوت مرا بپذیرید و به نزد من جمع شوید که هر چه خواهید به شما اطلاع دهم. هر کسی که کتاب های آسمانی و صحف الهی را خوانده است اینک از من بشنود." آنگاه شروع می کند به قرائت صحفی که خداوند بر آدم و شیث علیهما السلام نازل فرمود، پیروان آدم و شیث می گویند: به خدا قسم! این صحف حقیقی آدم و شیث است این مرد آنچه را ما از صحف آدم و شیث نمی دانستیم و بر ما پوشیده بود، و یا از آن حذف و یا تبدیل و تحریف شده بود، به ما یاد داد. سپس صحف نوح و ابراهیم و تورات و انجیل و زبور را می خواند؛ پس پیروان تورات و انجیل و زبور می گویند: به خدا قسم! این همان صحف حقیقی نوح و ابراهیم است که چیزی از آن ساقط نشده و تبدیل و تحریف نگردیده است، به خدا قسم! تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل، همین است و این بیش از کتبی است که آن را خوانده ایم؛ سپس قرآن می خواند و مسلمانان می گویند: به خدا قسم! این همان، قرآن حقیقی است که خداوند بر پیغمبر نازل کرده، چیزی از آن کم نشده و تحریف و تبدیل نگردیده است.

آنگاه دابه الارض در بین رکن و مقام ظاهر می شود و در صورت مؤمنین کلمه «مؤمن» و در صورت کافران کلمه «کافر» را می نویسد. سپس مردی که صورتش به عقب و پشتش به سینه اش برگشته است، به نزد مهدی آمده، جلو او می ایستد و می گوید: آقا! من بشر هستم، یکی از فرشتگان به من دستور داده که به خدمت شما برسم و نابودی لشکر سفیانی را در بیابان «بیداء» به شما اطلاع دهم.

امام به وی می گوید: داستان خود و برادرت را شرح بده. آن مرد می گوید: من با برادرم در لشکر سفیانی بودیم، از دمشق تا زوراء هر جا آبادی بود ویران ساختیم و به حال خراب گذاشتیم، سپس کوفه و مدینه را نیز خراب کردیم و منبر پیغمبر را شکستیم و قاطران خود را در مسجد بستیم.

آنگاه از آنجا خارج شدیم در حالی که نفرات ما سیصد هزار لشکر بود و می خواستیم به مکه بیاییم و خانه ی خدا را ویران سازیم و اهل مکه را به قتل رسانیم؛ ولی چون به سرزمین «بیداء» رسیدیم و در آنجا منزل کردیم، ناگاه صدائی شنیدیم که گفت: ای بیابان! این ظالمان را در کام خود فرو بر! با این صدا زمینشکاف برداشت و تمام لشکر را بلعید! به خدا قسم! از تمام آن لشکر جز من و برادرم باقی نماند. در آن هنگام، فرشته ای را دیدیم که سیلی به صورت ما زد و روی های ما به پشت برگشت چنان که می بینی! سپس آن فرشته به برادرم گفت: برو به شام نزد سفیانی ملعون و او را از ظهور مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بترسان و به وی اطلاع بده که خداوند، لشکر او را در سرزمین «بیداء» نابود گردانید. آنگاه به من گفت: تو هم برو به مکه و مهدی را به نابودی ستمگران بشارت بده و بر دست وی توبه کن که او توبه تو را قبول می کند؛ پس امام عَلَيْهِ السَّلَامُ دست روی صورت او می کشد و به صورت نخست برمی گرداند و با وی بیعت نموده و همراه او می ماند.»

مفضل گفت: آقا! آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار می گردند؟ فرمودند:

«آری و الله آشکار می شوند و با آنها سخن می گویند، مانند یک نفر آدمی که با بستگان خود سخن بگوید.»

عرض کردم: آقا! آیا فرشتگان و طایفه جن، همه جا همراه مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ می روند؟ فرمودند:

«آری! و الله که آنها در زمین هجرت، واقع در کوفه و نجف فرود می آیند، و عدد یاران او در آن موقع چهل و شش هزار نفر فرشته و شش هزار جن است (در روایت

دیگر فرمود چهل و شش هزار هم از جن) و خداوند او را پیروز می گرداند.»

مفضل عرض کرد: امام با اهل مکه چه می کند؟ فرمودند:

«آنها را دعوت به حکمت و موعظه ی حسنه می کند و آنها هم از وی اطاعت می کنند. سپس مردی از خاندان خود را در آنجا به نیابت از خود منصوب داشته و مکه را به قصد مدینه ترک می گوید»

مفضل عرض کرد: آقا! با خانه ی خدا چه می کند؟ فرمودند:

«آن را می شکند و بر همان پایه ای که روز نخست در عهد حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم و اسماعیل بالا برده بودند، بر پای می دارد و آنچه که بعد از آن در مسجد الحرام بنا شده که پیغمبری و جانشین پیغمبری آن را نساخته است، آن طور که خدا می خواهد آن را می سازد. و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می کند. مسجد کوفه را نیز خراب کرده و بر اساس اولی آن، بنا می کند. و همچنین قصر عتیق را نیز ویران می کند. خدا لعنت کند سازنده آن را، خدا لعنت کند او را.» مفضل عرض کرد: آقا! آیا مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ در مکه اقامت می کند؟ فرمودند:

«نه! بلکه نائب خود را در آنجا می گذارد؛ ولی چون اهل مکه دیدند که او از میان آنها رفته است، هجوم می آورند و نائب او را می کشند. امام به سوی آنها بر می گردد و آنها به طور سرشکسته و ذلیل و گریه کنان نزد وی می آیند و التماس می کنند و می گویند: "ای مهدی آل محمد! توبه کردیم توبه کردیم، آن حضرت نیز آنها را موعظه می کند و از غضب خدا می ترساند و شخصی از اهل مکه را به نیابت خود انتخاب می کند و از مکه خارج می شود. این بار نیز اهل مکه هجوم می آورند و نائب او را می کشند. امام هم یاوران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و سفارش می کند که جز افراد با ایمان یک نفر از آنها را باقی نگذارید. و می گوید: "اگر به خاطر رحمت پروردگار نبود که همه اشیاء را گرفته و من مظهر رحمتش می باشم، خودم با شما به سوی آنها باز می گشتم؛ زیرا آنها به کلی از خداوند و من فاصله گرفته و هر گونه پیوندی را قطع کرده اند." پس لشکر مهدی به سوی اهل مکه باز می گردند و به خدا قسم! از هر صد نفر آنها؛ بلکه از هر هزار نفر آنان یک نفر را باقی نمی گذارند.»

مفضل گفت: آقا! خانه ی مهدی در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می شوند؟ فرمودند:

«مقرّ سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه، و بیت المال و محل تقسیم غنائمش مسجد سهله واقع در زمین های صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است.»

عرض کرد: آقا جان! همه ی اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟ فرمودند:

«آری و الله! در آن روز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه می باشند، زمین آن به مساحت جولانگاه اسبی به دو هزار درهم می رسد. اکثر مردم آرزو دارند که کاش می توانستند یک وجب از زمین حوالی آن را به یک وجب شمش طلا بخرند. در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می رسد به طوری که کاخ های آن، مجاور کربلا باشد. خداوند در آن روز کربلا را محل آمد و رفت فرشتگان و مؤمنین خواهد نمود! و در آن روز، ارزشی به سزا دارد، چنان برکت به آن روی می آورد که اگر مؤمنی از روی حقیقت در آنجا بایستد و یک دفعه از خداوند طلب روزی کند؛ خداوند هزار برابر دنیا به او عطا می فرماید. (1)

آنگاه حضرت صادق علیه السلام آهی کشیده و فرمودند: ای مفضل! تمام اماکن روی زمین بر یکدیگر فخر می کردند. از جمله کعبه در مسجد الحرام بر زمین کربلا فخر نمود. خداوند وحی فرستاد که ای کعبه ساکت باش! و بر کربلا فخر مکن! زیرا کربلا بقعه مبارکی است که در آنجا از جانب خداوند به وسیله درخت به موسی بن عمران وحی شد. و همان تلی است که مریم و عیسی منزل کردند و محلی است که سر حسین علیه السلام را در آن شستشو دادند و مریم عیسی را شست و خودش هم بعد از ولادت وی غسل کرد. کربلا بهترین سرزمین هاست. پیغمبر هنگام معراجش از آنجا به آسمان بالا رفت و آنجا تا موقع ظهور مهدی علیه السلام، خیر و برکت زیادی برای شیعیان ما دارد.»

مفضل گفت: آقا! سپس مهدی به کجا می رود؟ فرمودند:

«به مدینه ی جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می رود و وقتی به مدینه برسد مقامی بس عجیب خواهد داشت که باعث مسرت مؤمنین و ندمت کفار می باشد.»

ص: 285

1- . شاید این گونه عددها که در روایات ذکر شده کنایه از زیادی مطلب مربوط به حدیث باشد و در این جا نیز کنایه از وفور نعمت و برکت و توجه خداوند به مؤمنین ساکن آن ارض اقدس و تربت مقدس باشد.

مفضل گفت: آقا! آن مقام عجیب چیست؟ فرمودند:

«به کنار قبر پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرشته و صدا می زند: ای مردم! آیا این قبر جد من است؟ مردم می گویند: ای مهدی آل محمد آری! این قبر پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و جد تو است. می پرسد: چه کسانی با وی در اینجا مدفون هستند؟ می گویند: دو نفر از اصحاب او. با اینکه او از هر کس بهتر آن دو نفر را می شناسد، در حالی که مردم همه گوش می دهند، باز سؤال می کند: آنها کیانند؟ چطور شد که در میان تمام مردم فقط این دو نفر در کنار جد من در اینجا دفن شدند، شاید کسانی دیگر مدفون باشند؟»

مردم می گویند: ای مهدی آل محمد! کسی غیر از این دو نفر در اینجا مدفون نیست. مهدی عَلَيْهِ السَّلَام سه بار این سؤال را تکرار می کند و سپس دستور می دهد که قبر آن دو نفر را بشکافند و مردم هم قبر آنها را باز می کنند در حالی که بدنشان تر و تازه است و اصلاً نپوسیده و تغییر نکرده اند. سپس مهدی می پرسد: آیا کسی در میان شما هست که اینان را بشناسد؟ مردم می گویند: ما آنها را به اوصافشان می شناسیم. اینان انیسِ جد شما هستند. می پرسد: آیا در میان شما کسی هست که جز این بگوید یا درباره ی اینان شک داشته باشد؟ مردم می گویند: نه! پس مهدی سه روز بیرون آوردن آنها را به تأخیر می اندازد و این خبر در میان مردم منتشر می شود. سپس مهدی به آنجا آمده و روی قبرهای آنها را بر می دارد و به نقبای خود می گوید: "قبرهای اینان را نبش کنید و آنها را جستجو کنید." نقبا هم با دست های خود آنها را جستجو کرده تا آنکه تر و تازه مانند روز نخست بیرون می آورند. پس دستور می دهد کفن های آنها را بیرون آورند و بر درخت پوسیده و خشکی بر دار کشند، فی الحال درخت، سرسبز و پر شاخ و برگ و خرم می شود! با مشاهده ی این وضع عجیب، دوستاناران آنها، می گویند: به خدا قسم! این شرافتِ حقیقی است که اینها دارند، و ما هم به دوستی اینان فائز و رستگار شدیم. پس هر که محبت اندکی از آنها در دل داشته باشد، می آید و آن منظره را می نگرد و با دیدن آن فریفته می گردد!

در این هنگام جارچی مهدی عَلَيْهِ السَّلَام صدا می زند: هر کسی دو صحابه ی پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و دو انیس او را دوست می دارد در یک سمت بایستد. مردم دو دسته می شوند: یک دسته دوست آنها و دسته ای دشمن آنان. مهدی به دوستان آن دو نفر دستور می دهد که از آنها بیزاری جویند. آنها هم می گویند: ای مهدی آل پیامبر! ما پیش از

آنکه بدانیم اینان در نزد خدا چنین مقامی دارند از آنها بیزاری نجستیم، اکنون که فضل و مقام آنها برای ما ظاهر شده، چگونه با دیدن بدن تر و تازه آنها و سبز شدن درخت پوسیده، از آنان بیزاری بجوئیم؟ بلکه به خدا قسم! ما از تو و کسانی که عقیده به تو دارند و آنها که به اینان ایمان ندارند و آنها را بردار زدند، و از قبر بیرون آوردند، بیزاری می جوئیم، در این وقت آن حضرت به امر خداوند دستور می دهد باد سیاهی بر آنها بوزد و آنان را مانند ریشه های پوسیده درخت نخل از میان می برد.

سپس دستور می دهد آن دورا از بالای دار، پائین بیاورند، و به امر خداوند زنده می گرداند و دستور می دهد تمام مردم جمع شوند. آنگاه اعمال آنها را در هر دوره ای شرح می دهد، تا آنکه داستان کشته شدن هاییل فرزند آدم و برافروختن آتش برای ابراهیم و انداختن یوسف در چاه و زندانی شدن یونس در شکم ماهی و قتل یحیی و دار کشیدن عیسی و شکنجه دادن جرجیس و دانیال پیغمبر و زدن سلمان فارسی، و آتش زدن در خانه امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و حسن و حسین عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و تازیانه زدن به بازوی صدیقه کبری فاطمه زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا و در به پهلوی او زدن، و سقط شدن محسن فرزند او و سم دادن به امام حسن عَلَیْهِ السَّلَامُ و کشتن امام حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ و اطفال و عموزادگان و یاوران آن حضرت و اسیر کردن فرزندان پیغمبر صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و ریختن خون آل محمد عَلَیْهِمُ السَّلَامُ، و هر خونی که به ناحق ریخته شده، و هر زنی که مورد تجاوز قرار گرفته، و هر خیانت و اعمال زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام مهدی از بنی آدم سرزده همه و همه را به گردن اولی و دومی انداخته و بر آنها ثابت نموده و ملزم می گرداند و آنها هم اعتراف می کنند. آنگاه دستور می دهد هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده قصاص کند آنها هم قصاص می کنند؛ سپس آنها را دوباره بر همان درخت به دار می کشد، و امر می کند آتشی از زمین بیرون آمده آنها را با درخت می سوزاند آنگاه به باد دستور می دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها بپاشد.»

مفضل عرض کرد: آقا! این عذاب آخر آنهاست؟ فرمودند:

«نه! نه! ای مفضل! به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری به صحرای محشر می آیند و آقای بزرگ ما رسول خدا صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و صدیق اکبر امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ و حضرت فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا و حسن و حسین عَلَیْهِمَا السَّلَامُ و ائمه اطهار عَلَیْهِمُ السَّلَامُ نیز حاضر می شوند و همه ی

آنها از آن دو نفر، قصاص می کنند. تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می کشند و باز به امر خداوند، به صورت اول بر می گردند تا باز عذاب شوند.

سپس مهدی از مدینه به کوفه می رود و در بین کوفه و نجف فرود می آید. در آن روز یارانش چهل و شش هزار فرشته و شش هزار نفر جن و سیصد و سیزده تن نقیب می باشند. مفضل عرض کرد: آقا! در آن روز دار الفاسقین (بغداد) چه وضعی دارد؟ فرمودند: مشمول لعنت و غضب خداوند است. فتنه ها و آشوب ها آن را ویران می سازد و به کلی متروک می ماند. ای وای بر بغداد و مردم آن! از خطر لشکری که با پرچم های زرد، و لشکری که با پرچم های مغربی از مغرب زمین می آیند و لشکری که از دور و نزدیک به آنجا می رود.

به خدا قسم! همه گونه عذاب که بر امت های متمرّد و سرکش از اول خلقت تا آخر عالم رسیده بر بغداد فرود می آید. عذاب هایی به بغداد می رسد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است طوفان شمشیر، آنها را فرو گیرد. وای بر کسی که آنجا را مسکن خود قرار دهد؛ زیرا هر کسی در آنجا مقیم شود با حالت شقاوت باقی می ماند و هر کسی هجرت کند در پرتو خدا به سر برد. به خدا مردم بغداد چنان غرق در ناز و نعمت و عیش و نوش می شوند که می گویند: زندگی حقیقی دنیا همین و خانه ها و کاخ های آن، قصرهای بهشت است و دختران آن (در زیبایی) حور العین و جوانان آن جوانان بهشت است. و چنین پندارند که خداوند، تمام روزی بندگانش را به بغداد ارزانی داشته است! افتراء به خداوند و پیغمبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ و حکم کردن بر خلاف قرآن و شهادت دروغ و شرابخواری و زناکاری و خوردن پلیدی ها، و خونریزی، چنان در بغداد شیوع باید که فجایع تمام دنیا به پای آن نرسد. آنگاه خداوند همین بغداد را به وسیله ی آن آشوب ها و آن لشکرها چنان ویران می سازد که وقتی رهگذری از آنجا می گذرد؛ می گوید: "شهر بغداد در اینجا بوده است!!"

آنگاه سید حسنی آن جوان زیبا از طرف سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا ندا دهد: ای آل احمد! دعوت آن کسی را که از غیبتش متأسف بودید اجابت کنید این صدا از ناحیه ضریح پیغمبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ بلند می شود؛ پس گنج های خدا از طالقان، او را بپذیرند. آنها گنج هائی هستند اما چه گنجی که نه طلا و نه نقره است؛ بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند، و بر اسب های چابک سوار و اسلحه به

دست گرفته و پی در پی، ستمگران را کشته تا آنکه وارد کوفه می شوند و در آن موقع اکثر روی زمین را از لوٹ وجود بی دینان صاف کرده اند. آنها کوفه را محل اقامت خود قرار می دهند.

چون خبر ظهور مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به سید حسنی و اصحابش می رسد، اصحابش به او می گویند: ای پسر پیغمبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟

سید حسنی می گوید: با من بیائید تا ببینم او کیست و چه می خواهد. به خدا قسم! سید حسنی می داند که او مهدی است و او را می شناسد، ولی برای این می گوید که به اصحابش بشناساند که او کیست.

سید حسنی بیرون می آید تا به مهدی می رسد و از وی می پرسد: اگر تو مهدی آل محمد هستی عصای جدت پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و انگشتر و پیراهن و زرهش موسوم به «فاضل» و عمامه مبارکش به نام «سحاب» و اسبش «یربوع» و «عضباء» شترش و «دلدل» قاطرش و «یعفور» الاغ آن سرور و اسب اصلیش «براق» و قرآنی کهامیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ جمع آوری کرده اند کجاست؟ مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ تمام اینها را بیرون آورده به سید حسنی نشان می دهد آنگاه عصای پیغمبر را گرفته و به سنگ سختی می زند، فی الحال سنگ مانند درخت، سبز می شود؛ و شاخ و برگ در می آورد. مقصود سید حسنی این است که بزرگواری مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ را به اصحاب خود نشان دهد تا حاضر شوند با وی بیعت کنند. آنگاه سید حسنی عرض می کند: الله اکبر! یا ابن رسول الله! دست مبارکت را بده تا با شما بیعت کنیم، مهدی هم دستش را دراز کرده و حسنی نخست خود؛ و سپس سایر لشکریانش با وی بیعت می کنند، مگر چهل هزار نفر که قرآن ها با خود دارند و معروف به «زیدیه» می باشند که از بیعت کردن امتناع می ورزند.

آنها می گویند این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می افتند، مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به طرف طائفه ی زیدیه آمده و سه روز آنها را موعظه می نماید و دعوت به آرامش و پذیرش خودش می کند؛ ولی آنها بر سرکشی و کيفر خود می افزایند؛ پس مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ هم ناچار دستور قتل آنها را صادر نموده و همه را از دم شمشیر می گذرانند. سپس مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به اصحاب خود می گوید: قرآن های آنها را نگیرید، بگذارید تا باعث حسرت آنها گردد؛ همان طور که آن را تبدیل کرده

و تغییر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند. مفضل عرض کرد: آقا! بعدا مهدی چه می کند؟ فرمودند: لشکری برای دستگیری سفیانی به دمشق می فرستد؛ او را گرفته و روی سنگی سر می برند. آنگاه حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفری که در کربلا از یاران او بودند و با وی شهید شدند، آشکار می شود. به آن رجعت نوری. سپس صدیق اکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَامُ ظهور می کند و خیمه ای که بر چهار پایه استوار باشد در نجف برای وی بر سر پا می کنند. یک پایه ی آن در نجف و پایه ای در حجر اسماعیل و پایه ای در صفا و پایه ای در زمین مدینه است.

گویا چراغ های آن را می بینم که مانند انوار مهر و ماه در آسمان و زمین می درخشد. در آن موقع، باطن هر کس آشکار می شود، و زنان شیرده از وحشت، بچه های خود را رها می کنند. آنگاه آقای بزرگ، محمد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ با انصار و مهاجرین و آنها که به او ایمان آوردند، و نبوت او را تصدیق کردند و در رکاب وی شهید شدند، رجعت می کند.

با ظهور حضرتش کسانی که دعوت آن حضرت را تکذیب کردند و در باره پیغمبریش شک نمودند و اعتنا به گفتار وی نکردند و کسانی که گفتند او ساحر و کاهن و دیوانه است و از روی هوای نفس سخن می گوید و آنها که با وی جنگ کردند را حاضر می کنند تا از روی حق و عدالت، انتقام اعمالی را که از بعثت آن حضرت تا موقع ظهور مهدی با هر امامی و در هر وقتی از اوقات مرتکب شده اند از آنها بگیرد. این است تأویل حقیقی آیه شریفه: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»

مفضل عرض کرد: آقا! فرعون و هامان در آن وقت کیستند؟ فرمودند:

«اولی و دومی»

عرض کرد: آقا جان! آیا پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ و علی عَلَیْهِ السَّلَامُ با قائم خواهند بود (رجعت می کنند؟) فرمودند:

«آری! و الله پیغمبر و علی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ ناگزیر می باید قدم روی زمین بگذارند، آری! به خدا آنها همه جا حتی به پشت کوه قاف و ظلمات و قعر دریاها هم می روند تا

آنجا که جایی نمی ماند جز اینکه پیغمبر و علی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ رفته و آثار واجب دین خدا را در آنجا برپا می دارند.

ای مفضل! گویا می بینم که ما ائمه آن موقع جلو پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جمع شده و به آن حضرت شکایت می کنیم که امت بعد از وی چه به روز ما آوردند، و می گوئیم امت، ما را تکذیب کردند و بی اعتنائی و نفرین و لعنت و تهدید به قتل نمودند، و والیان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آورده به پایتخت خود بردند و جمعی از ما را با سَم و حبس کشتند. در این وقت پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سخت گریه می کند و می فرماید: "ای فرزندان من! هر چه به شما رسید بیشتر از آن به جد شما رسید."

آنگاه فاطمه زهراء سَلَامُ اللَّهُ عَلَیْهَا می آید و از ظلم اولی و دومی و غصب فدک، ملک خود توسط آنها، و رفتن به میان مهاجرین و انصار و ایراد خطبه اش در خصوص غصب فدک، و جوابی که خلیفه در رد او گفت که: "پیغمبران ارث نمی گذارند"، و استدلال زهرا سَلَامُ اللَّهُ عَلَیْهَا به گفته ی زکریا و یحیی و داستان داود و سلیمان و اینکه دومی به او گفت: آن طوماری را که پدرت برای تو نوشت به من نشان بده و او در آورد و نشان داد و او آن را گرفته پیش روی قریش و مهاجرین و انصار و سایرین پاره کرد و گریستن آن بانو و برگشتن به طرف قبر پدرش رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حالی که می گریست و محزون بود و به خداوند و پدرش پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پناه آورده، همه را بازگو کند.

سپس داستان اولی را نقل می کند که چگونه خالد بن ولید و قنفذ و عمر و جمعی را فرستاد تا امیر المؤمنین را از خانه ی خود برای بیعت گرفتن در سقیفه بنی ساعده ببرند، و امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ بعد از آن حضرت، مشغول جمع آوری قرآن گردیدند، و قرض پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را که هشتاد هزار درهم بود، با فروش دارائی خود، پرداخت کردند.

و هم نقل می کند که چگونه عمر گفت "ای علی بیرون بیا و در آنچه مسلمانان شرکت کرده اند تو نیز شرکت کن و گرنه گردنت را می زنیم، و فضا گفت: امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ مشغول کاری است که اگر انصاف داشته باشید، خواهید دانست که او از آمدن معذور است؛ ولی آنها گوش نگرفتند و هیزم آوردند تا درب خانه ای را که امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین و زینب و ام کلثوم عَلَیْهِمُ السَّلَامُ و فضا در آن بودند آتش بزنند، و بالاخره، آن در را هم آتش زدند. فاطمه آمد پشت در و از همان جا صدا زد: ای عمر! وای بر تو! چگونه بر خدا و پیغمبر جسارت ورزیدی که با این

کار می خواهی نسل پیغمبر را از روی زمین براندازی و او را از میان ببری و نور خدا را خاموش کنی، با اینکه خدا نمی گذارد که نورش خاموش شود.

عمر گفت: ای فاطمه! فعلا نه محمد حاضر است و نه فرشتگان از جانب خدا برای امر و نهی و ترساندن می آیند، و علی هم مانند یک نفر از مسلمین است، اگر می خواهی بگو بیرون بیاید و با ابوبکر بیعت کند و گر نه همه ی شما را آتش می زدم و فاطمه در حالی که می گریست گفت: پروردگار! شکایت فقدان پیغمبر و رسول برگزیده ات و ارتداد امت و ممانعتی را که از رسیدن حقی که تو در کتاب خود برای ما قرار داده ای به عمل آوردند، به تو می کنم.

عمر گفت: ای فاطمه! این حرف های زنانه را کنار بگذار. خدا نبوت و خلافت را یک جا برای شما جمع نمی کند. سپس هیزم را آتش زد و قنفذ ملعون دستش را داخل نمود تا در را بگشاید، و عمر با تازیانه به بازوی فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَیْهَا زد به طوری که بازویش همچون بازویند سیاهی ورم کرد، و طوری با پا به در نیم سوخته زد که بهشکم دختر پیغمبر صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ خورد و او که حامله بود، محسن شش ماهه خود را سقط کرد. عمر و قنفذ و خالد بن ولید هجوم آوردند به درون خانه و فاطمه با صدای بلند گریه می کرد و می گفت: ای پدر! ای پیغمبر خدا! دختری را دروغگو می دانند و می زنند! و بچه اش را کشتند! سپس امیر المؤمنین عَلَیْهِ السَّلَامُ در حالی که چشمش از شدت غضب سرخ شده بود از داخل خانه بیرون آمد و عبایش را در آورد و روی فاطمه که غش کرده بود انداخت و او را به سینه چسبانید و به وی گفت: ای دختر پیغمبر خدا! می دانی که خداوند، پدر بزرگوارت را برای هدایت جهانیان برانگیخت. مبادا مقنعه خود را از سر برداری و نفرین کنی! ای فاطمه! به خدا قسم! اگر چنین کنی یک نفر در روی زمین نمی ماند که بگوید محمد و موسی و عیسی و ابراهیم و نوح و آدم، پیامبران خداوند و هر جنبنده ای که در روی زمین است و هر پرنده ای که در آسمان است خداوند همه را نابود می کند.

آنگاه به عمر گفت: ای پسر خطاب! وای بر تو از این کار که امروز نمودی و از عواقب آن. از خانه من بیرون برو پیش از آنکه شمشیرم را بکشم و امت جفا جوی را بکشم عمر هم با خالد بن ولید و قنفذ و عبد الرحمن بیرون رفتند. امیر مؤمنان عَلَیْهِ السَّلَامُ فضه را صدا زد و فرمودند: ای فضه! بانوی خود را دریاب که دچار درد

وضع حمل شده است. چون فضه به کار آن مخدره پرداخت. بچه ای که پیش از ولادت نام او را محسن گذارده بودند سقط گردید! امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ فرمودند: این بچه به نزد جدش رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می رود و به وی شکایت می کند.

امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ در تاریکی شب، زهرا سَلَامُ اللَّهَ عَلَيْهَا را برداشته و به اتفاق حسن و حسین و زینب و ام کلثوم به در خانه ی مهاجر و انصار می رفت، و آنها را به یاد خدا و پیغمبر و بیعت و پیمانی که پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در زمان حیات خود در چهار جا برای وی گرفت و در هر مورد، مسلمانان او را امیر المؤمنین دانستند می آورد و همه وعده می دادند که فردای آن شب، به یاری وی قیام کنند؛ ولی چون صبح می شد هیچ کسی حرکتی از خود نشان نمی داد.

سپس امیر المؤمنین عَلِيهِ السَّلَامُ محنت های عظیمی که بعد از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دیدند و با آنها امتحان خود را پس دادند، را بآن حضرت شکایت می کند. می گوید: یا رسول الله! داستان من، مانند داستان هارون است و من به شما همان را می گویم که هارون بهموسی گفت:

ابن أمّ إنَّ القوم استنصت عفوني و كادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء و لا تجعلني مع القوم الظالمين (1) یعنی: فرزند مادرم، مردم مرا تنها گذاشتند و نزدیک بود مرا بکشند پس تو کاری نکن که دشمن به من سرزنش کند، و مرا با مردم ظالم قرار مده. من هم صبر کردم و تسلیم حوادث شدم و راضی به رضای خدا گشتم و با مخالفتی که با من نمودند و نقض عهد خود که با آنها درباره من معاهده نمودی، حجت بر آنها تمام گشت.

یا رسول الله! من متحمل رنج ها و گرفتاری هایی شدم که هیچ جانشین پیغمبری در هیچ امتی متحمل نگشت، تا جایی که با ضربت عبد الرحمن بن ملجم مرا به قتل رساندند، و خداوند شاهد چگونگی نقض بیعت من است.

طلحه و زبیر، عایشه را به بهانه ادای مراسم حج و عمره به مکه بردند؛ ولی او را گردش داده به بصره آوردند. من هم ناچار برای جلوگیری از بلوای آنها بسیج کردم و خدا و شما را به یاد آنها آوردم؛ ولی آنها برنگشتند تا اینکه خداوند مرا بر آنها پیروز گردانید و خون بیست هزار نفر از مسلمانان ریخته و هفتاد دست که

ص: 293

می خواست مهار شتر عایشه را نگهدارد بریده شد.

یا رسول الله! آنچه در جنگ های شما و جنگ های بعد از شما دیدم از جنگ جمل بر من دشوارتر نبود؛ زیرا آن جنگ از سخت ترین و هول انگیزترین و بزرگ ترین جنگ هایی بود که من دیدم. همان طور که مرا بار آوردی و با تمسک به این آیه: فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ؛ و آیه وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ نِيز صبر کردم.

ای مفضل! آنگاه حسن علیه السلام برخاسته و خطاب به پیغمبر می گوید: ای جد بزرگوار! من هنگام آمدن پدرم امیر المؤمنین به کوفه با حضرتش بودم تا اینکه به ضربت عبد الرحمن بن ملجم ملعون شهید شد. همان طور که شما به او وصیت کرده بودید پدرم نیز به من وصیت فرمود. چون معاویه ی ملعون از شهادت پدرم مطلع شد، زیاد زنازاده را با دویست و پنجاه هزار سرباز به کوفه فرستاد و به وی دستور داد که من و برادرم حسین و سایر برادران و بستگان و شیعیان و دوستان مرا گرفتار سازد و از ما برای معاویه بیعت بگیرد. هر کدام از ما حاضر نشدند گردنش را زدند، و سر او را برای معاویه فرستادند چون من این را دیدم از خانه بیرون آمده، به مسجد جامع کوفه رفتم تا نماز بگذارم. بعد از نماز به منبر رفتم و بعد از حمد و ثنای الهی گفتم: "ای مردم! اوضاع دنیا عوض شده و آثار دین از بین رفته، و بردباری کم شده امروز دیگر از تحریکات شیطانی و حکم خائنین کسی آسایش ندارد.

به خدا قسم! دلیل های محکمی برای آنها آورده شد، و علائم زیادی بر ایشان روشن گردید، و مشکلاتشان آشکار گشت. ای مردم! به خدا قسم! جدم رحلت کرد و پدرم شهید شد و وسواس خناس در دل های مردم تخم و سوسه پاشید و فتنه جویان برای ایجاد فتنه عربده ها کشیدند و شما بر خلاف سنت رفتار کردید.

ای وای بر آن فتنه ی کر و کور که صدای کسانی که مردم را به راه راست می خوانند و برای پذیرش حق و حقیقت صلا می زنند، شنیده نمی شود، در آن فتنه است که سخن نفاق آمیز، آشکار می گردد و باطن تفرقه اندازان معلوم می شود و دولشکر خارجی شام و عراق به جان هم می افتند. خدا شما را رحمت کند بشتابید به سوی گشایش و نور آشکار و پرچم بزرگ و چراغی که هیچ گاه خاموش نمی شود و حقی که مخفی نمی گردد. ای مردم! از خواب غفلت بیدار شوید و از تاریکی گمراهی که

شما را احاطه کرده به در آید. شما را به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید و ردای عظمت پوشید، قسم می‌دهم که جمعی از شما که دارای دل‌هایی صاف و تبت‌هایی خالص باشند، بدون اینکه آمیخته به نفاق و قصد افتراق باشند برخاسته با من بیعت کنند، تا من بتوانم با شمشیر قیام‌کنم و اطراف کار را بر دشمن تنگ بگیرم و با نیزه‌ها و سم‌های اسب، لشکر آنها را از میان بردارم. ای مردم! خدا شما را رحمت کند سخن بگوئید و به من جواب بدهید!"

یا رسول‌الله! مثل اینکه مهر سکوت به دهان آنها زده بودند؛ زیرا جز بیست نفر کسی دیگر به من جواب نداد! آنها برخاستند و گفتند: "ای پسر پیغمبر! ما با شمشیرهای خود تا پای جان برای نصرت تو ایستاده ایم، فرمانبردار تو و هر کاری بکنی تصدیقت می‌کنیم، پس هر امری داری بفرما."

من به چپ و راست خود نگاه کردم دیدم جز آن بیست نفر، کسی دیگر نمانده است. در آن هنگام، پیش خود گفتم: من هم از جدم پیروی می‌کنم، چه او وقتیسی و نه نفر معتقد داشت در پنهانی خدا را پرستش نمود. چون خداوند او را به سن چهل سالگی رسانید با جماعت بیشتر امر خدا را آشکار کرد. اگر آن عده با من بودند به بهترین وجه در راه خدا جهاد می‌کردم، آنگاه سر به آسمان برداشتم و عرض کردم: "خداوند! من مردم را به راه راست دعوت کردم و از عذاب تو ترساندم و امر و نهی کردم؛ ولی آنها پاسخ مثبت به من ندادند و از یاری من سر باز زدند، آنها از اجابت دعوت داعی حق غافل بودند و از یاری وی خودداری کردند و در پیروی از او تقصیر نمودند و به کمک دشمنان او رفتند. پروردگارا! عذاب و بلای خود را که همیشه بر ستمگران می‌فرستی بر اینان نیز فرو فرست. این را گفتم و از منبر به زیر آمدم و از کوفه کوچ کرده رهسپار مدینه شدم! در کوفه دسته دسته، مردم می‌آمدند و می‌گفتند: معاویه دسته دسته سپاه خود را به شهر انبار و کوفه گسیل داشته و آنها هم دست به غارت و قتل مردم و زنان و اطفال آنها زدند؛ من هم به آنها فهماندم که وفا ندارند، لشکری فراهم آوردم، و به آنها گفتم که شما به طرف معاویه خواهید رفت و پیمان و بیعت خود را با من می‌شکنید، و همان طور هم که گفته بودم، تحقق پذیرفت. آنگاه امام حسین علیه السلام با بدنی آغشته به خون، خود و یارانش که با وی کشته شدند، در جلو پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌ایستاد. چون پیغمبر او

را می نگرد زار زار می گرید. از گریه ی او اهل آسمان و زمین نیز گریه می کنند. فاطمه زهراء سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا هم ناله ی جانکاه از دل پر درد بر می آورد. از ناله و شیون و گریه و زاری آن حضرت، زمین و اهل زمین متزلزل می گردند.

سپس امیر المؤمنین و امام حسن عَلَيهِمَا السَّلَامُ در سمت راست پیغمبر صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و فاطمه زهرا سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا در سمت چپ آن حضرت قرار می گیرند. پیغمبر صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ او را در آغوش می گیرد و می فرماید: یا حسین! فدایت گردم! دیدگانت روشن باد و دیدگان من هم روشن باشد؛ سپس حمزه سید الشهداء عموی پیغمبر در سمت راست آن حضرت می ایستد و در سمت چپ، جعفر بن ابی طالب (طیار) قرار می گیرد. ناگاه خدیجه کبری و فاطمه دختر اسد (مادر امیر المؤمنین)، محسن سقط شده ی حضرت فاطمه زهراء سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا را به دست گرفته ناله کنان به نزد پیغمبر صَلَّي اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می آیند و مادرش فاطمه سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا این آیه ی قرآن را می خواند: هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ، يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا (1) یعنی: "این است آن روزی که به شما وعده شده بود. امروز هر کس کار نیکی کرده یا عمل بدی نموده، کرده خود را خواهد یافت، امروز هر کس آرزو می کند که کاش میان او و عمل بدش زمان متمادی فاصله بود."

مفضل گفت: در این وقت حضرت صادق عَلَيهِ السَّلَامُ چنان گریست که محاسن مبارکش از سیلاب اشک تر شد! سپس فرمودند:

«روشن مباد چشمی که بر این گفتار، نگرید!!»

مفضل هم بسیار گریست و آنگاه عرض کرد: آقا! این گریه چقدر ثواب دارد؟ فرمودند:

«وقتی از روی حقیقت باشد، به شماره نمی آید!»

...مفضل عرض کرد: آقا! آنگاه چه می شود؟ فرمودند:

«حضرت صدیقه کبری سَلَامُ اللّهِ عَلَيْهَا برخاسته و عرض می کند: خدایا! آن روزی که به من وعده فرمودی که از کسانی که به من ظلم کرده اند و حق مرا غصب نمودند و مرا زدند و اولاد مرا به گریه آوردند، انتقام بگیری! (امروز است پس) به وعده خود وفا کن. در این وقت فرشتگان هفت آسمان و حاملین عرش الهی و ساکنان هوا و اهل

ص: 296

دنیا و آنها که در زیر طبقات زمین هستند، با ناله و فریاد می‌گیرند و به خدا شکایت می‌کنند. در آن روز، تمام قاتلان و ظالمان در حق ما و آنها که از آنچه بر سر ما آمده، راضی بودند، هزار بار به قتل می‌رسند، نه مثل کشته شدن آنها که در راه خدا شهید می‌شوند؛ زیرا شهیدان در حقیقت نمی‌میرند چنان که خدا فرموده: "گمان مکن آنها که در راه خدا کشته شدند مرده‌اند، نه! آنها زنده و در نزد خدایشان روزی می‌برند، آنها از آنچه خداوند از فضل خودش به آنان روزی داشته است خوشحال‌اند... (1)

... آنگاه جدم علی بن الحسین علیه السلام و پدرم امام محمد باقر علیه السلام برخاسته و آنچه را از امت جفاکار دیده‌اند به جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شکایت می‌کنند. سپس من بر می‌خیزم و از ظلم منصور، خلیفه عباسی شکایت می‌کنم، بعد از من، فرزندم موسی بن جعفر علیه السلام از هارون و بعد از او علی بن موسی علیه السلام از مأمون و بعد از وی فرزندش محمد بن علی علیه السلام از معتصم و بعد از وی فرزندش علی بن محمد علیه السلام از متوکل و بعد از وی فرزندش حسن بن علی علیه السلام از ظلم معتز شکایت می‌کنند.

آنگاه مهدی همانم جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که پیراهن آن حضرت را که آغشته به خون پیشانی و دندان پاکش می‌باشد پوشیده، و فرشتگان اطراف او را گرفته‌اند، آمده و جلو پیغمبر می‌ایستند، و می‌گویند: "ای جد بزرگوار، شما مرا به اوصافی معرفی فرمودی که مردم مرا از روی آن اوصاف بشناسند. و نام و نسب و کنیه ام را ذکر فرمودی. با این وجود، امت، منکر وجود من شدند و متمرّد گشتند و گفتند: مهدی متولد نشده و اصلاً نبوده است. اگر هست کجاست و کی می‌آید؟ پدرش مرده و اولاد نداشته است و اگر او موجود و سالم می‌بود خدا آمدن او را تا این موقع به تأخیر نمی‌انداخت، من هم تاکنون صبر کردم و اینک به فرمان الهی ظاهر گشته‌ام."

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: خدا را شکر می‌کنیم که وعده‌ی خود را درباره‌ی ما عملی ساخت، و ما را وارث زمین گردانید، و در بهشت هر جا بخواهیم مسکن می‌کنیم، چه خوب است پاداش عمل کنندگان و همچنین می‌فرمایند: موقع نصرت و پیروزی

ص: 297

خدا فرارسید. و آیه هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ امروز مصداق پیدا کرد، و تأویل شد.

... سپس حضرت فرمودند: پس مهدی به کوفه بر می گردد

...مفضل گفت: اگر یکی از شیعیان بمیرد و قرضی از برادران دینی یا بی دینان در گردن داشته باشد، چه می شود؟ فرمودند:

« کاری که مهدی می کند این است که در تمام دنیا اعلام می کند: هر کس طلبی از یکی از شیعیان دارد، بیاید و بگوید. حتی اگر سیر یا خشخاش هم به ذمه یکی از شیعیان باشد، مهدی آن را به صاحبش رد می کند، تا چه رسد به جواهرات گرانبهای طلا و نقره و املاک.»

مفضل عرض کرد: آقا! آنگاه چه می شود؟ فرمودند:

«مهدی بعد از گردش در شرق و غرب به کوفه می آید و وارد مسجد کوفه می شود، و مسجدی را که یزید بن معاویه بعد از شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بنا کرده خراب می کند، همچنین مسجدی را که برای خدا ساخته نشده ویران می سازد. خدا لعنتکند بانی آن را...» (1)

جناب جابر جعفی از حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت کند که فرمودند:

«چون قیام کننده ی آل محمد عَلَيْهِم السَّلَام ظهور فرماید؛ خیمه هایی سرا پا می کند و قرآن را به همان شکل که نازل شده بود به مردم می آموزد و آن روز، فراگرفتن قرآن بر کسانی که امروز آن را حفظ کردند دشوارتر خواهد بود؛ زیرا آن قرآن با قرآن فعلی از نظر جمع و تألیف، مخالف است.» (2)

امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده اند:

«چون مهدی آل محمد عَلَيْهِم السَّلَام ظهور کند، مردم را به اسلام تازه دعوت می کند و آنها را به آثاری که بر اثر ظلم و بیدادگری از میان رفته و کهنه شده و مردم از آنها بی خبر مانده اند رهبری می فرماید و آن حضرت را از آن نظر، مهدی گفته اند که مردم را به آئینی که مسلمانان از دست داده اند هدایت می کند و او را بدان جهت، قائم

ص: 298

1- . مختصر البصائر/ 432 و بحار الانوار 1/ 53. به دلیل طولانی بودن، متن این روایت، در اینجا آورده نشد.

2- . جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدْرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ. الإرشاد 2/ 386 و بحار الانوار 52/339

خوانده اند که برای ابراز حق و ظهور آن قیام می کند.»(1)

در زمان ظهور آن ولی خدا ارواحنا فداه چنان علم و دانش در بین مردم بسط و گسترش یابد که نسبت به پیش از آن، قابل قیاس نباشد.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ در این باره فرموده اند:

«علم و دانش، بیست و هفت جزء (حرف) است و همه ی آنچه پیامبران آورده اند تنها دو حرف از آن است و مردم تاکنون جز به آن دو حرف آشنایی نداشته اند و هنگامی که قیام کننده ی ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد، و آن را بین مردم، نشر و گسترش می دهد و آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و مجموع بیست و هفت حرف را در میان مردم منتشر می سازد.»(2) مردم در آن دوران از هیچ بیماری و مرضی در رنج و تعب نباشند. حضرت باقر العلوم عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«هر کسی که بیمار و یا ناتوان باشد و مهدی ما اهل بیت را درک کند (به زمان آن حضرت و خدمتشان برسد) بیماری و ضعفش برطرف خواهد شد.»(3)

در پایان این فصل به این سخن امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ که درباره ی رفاه عمومی جامعه مهدوی عَلَیْهِ السَّلَامُ فرموده اند، توجه فرمایید. آن حضرت فرمودند:

«همانا چون مهدی ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن شود، و مردم از نور خورشید بی نیاز گردند، و تاریکی یکسره از میان برود، و مردم در زمان سلطنت آن حضرت عمرهای طولانی کنند تا آنجا که (بعضی از ایشان) دارای هزار پسر شوند که در میان آنها هیچ دختر متولد نشود، و زمین، گنج های خود را آشکار سازد بدان سان که مردم در روی زمین گنج ها را ببینند و مردم برای احسان کردن به کسی با

ص: 299

1- . مُحَمَّدُ بْنُ عَجَلَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دُثِرَ فَضْلاً عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ قَدْ ضَلُّوا عَنْهُ وَ سُمِّيَ بِالْقَائِمِ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ. الإرشاد 2/ 383 / و إثبات الهداة 148 / 5

2- . قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ جُزْءاً (حرفاً) فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءٌ لَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى بَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفاً. الخرائج 2/841 و بحار الانوار 52/336

3- . عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهَةِ بَرّاً وَ مِنْ ذِي صَعْفٍ قَوِي.. الخرائج 2/839 و بحار الانوار 52/335

دادن زکات به او جستجو کنند و هیچ کسی را نیابند که احسان یا زکات را بپذیرد، و مردم به واسطه ی آنچه خداوند بدانها روزی کرده همگی بی نیاز و توانگر شوند»(1)

در اینجا جا دارد که با سوز دل بگوییم :

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ، وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، يَا اِزْحَمِ الرَّاحِمِينَ.

ص: 300

1- . الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ صَوْرِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يَعْمَرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ لَا يُوَلِّدُ فِيهِمْ أُثَى وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. الارشاد

2/381



سه ادب پیرامون امام زمان عجلتعالیه

۱۰

1. حرمت ذکر نام آن حضرت

یکی از موضوعاتی که درباره ی حضرت ولی امر عَلَیْهِ السَّلَامُ مطرح است حکم بردن نام مخصوص آن حضرت یعنی همان نام پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ است.

صفوان بن مهران از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ روایت کند که فرمودند:

«کسی که به همه ی امامان اقرار کند اما مهدی را انکار کند مانند کسی است که به همه پیامبران اقرار کند؛ اما نبوت محمد صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ را انکار نماید. گفته شد: یا ابن رسول الله! مهدی از فرزندان شما کیست؟ فرمودند: پنجمین فرزند از هفتمین امام، شخص او از شما نهان می شود و بردن نام وی بر شما روا نیست.» (1)

در حدیث دیگر، امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«نام صاحب الامر را نمی برد مگر کافر.» (2)

و امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ فرمودند:

«خدا لعنت کند کسی را که نام مرا در جمع مردم ببرد.» (3)

ص: 302

1- . عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ وَ جَدِّ الْمَهْدِيِّ كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَدِّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ نُبُوَّتَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ قَالَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ. كمال الدين 2/ 333

2- . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرٌ. کافی 1/333

3- . مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِيُّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ: خَرَجَ تَوْقِيْعٌ بِخَطِّ أَعْرَفُهُ مِنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ بِاسْمِي فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. كمال الدين 2/ 483

باید گفت که در میان فقهاء اختلاف است که آیا می توان نام صریح حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ که همان نام مبارک پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است را ذکر کرد یا نه؟

برخی از علماء، این کار را مطلقاً حرام می دانند؛ بزرگانی مانند شیخ صدوق(1) و شیخ مفید(2) و مرحوم مجلسی(3) و محدث نوری(4) و محقق داماد(5) که ادعای اجماع بر حرمت اینکار نموده است.

برخی از ایشان قائل به جواز می باشند کسانی چون مرحوم شیخ حر عاملی(6) و مرحوم فیض کاشانی(7) و شیخ بهائی(8) و محقق اربلی(9). این بزرگان، نهی در روایات را بر کراهت، حمل کرده اند.

گروه سوم قائل شده اند که در دوران تقیه اعم از آنکه تقیه بر جان آن وجود مبارک یا بر جان شیعه باشد، بردن این نام حرام است اما در غیر شرایط تقیه اشکالی ندارد.

گروه چهارم بر این باورند که حرمت بردن نام حضرت، به دوران غیبت صغری اختصاص داشته است.

بنابراین کسانی که قائل به حرمت نام بردن آن وجود مقدس می باشند از حروف جداگانه و مقطعه استفاده می کنند.

باید دانست که اختلاف فقهاء و علماء به جهت روایات متعدد و مختلفی است که وجود دارد. در نتیجه با وجود عبارات غلاظ شدادی که در روایات است، احتیاط در این باب ضروری می باشد.

ص: 303

1- .کمال الدین 1 / 307

2- . کشف الغمة 3 / 310

3- . مرآة العقول 4 / 17

4- . مستدرک الوسائل 12 / 287

5- . شرعة التسمية

6- . وسائل الشیعه 21 / 448

7- . الوافی 2 / 402

8- . مفتاح الفلاح

9- . کشف الغمة 3 / 310

2. صدقه دادن برای سلامتی امام علیه السلام

یکی از دیگر آداب منتظران نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام صدقه دادن برای ایشان و به نیابت ایشان است. سید بن طاووس می فرماید که هرگاه می خواهید صدقه ای بدهید به نیابت از امام علیه السلام، آن را پرداخت کنید و این دعا را بخوانید:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ لَكَ وَ مِنْكَ وَ هِيَ صَدَقَةٌ عَنْ مَوْلَانَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ بَيْنَ يَدَيِ أَسْفَارِهِ وَ حَرَكَاتِهِ وَ سَكَنَاتِهِ فِي سَاعَاتِ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ صَدَقَةٌ عَمَّنْ يَعْنِيهِ أَمْرُهُ وَ مَا يَعْنِيهِ أَمْرُهُ وَ مَا يَصِّحْبُهُ وَ مَا يَخْلُفُهُ وَ صَدَقَةٌ عَنِّي وَ عَن ذُرِّيَّتِي وَ أَهْلِ عِنَايَتِي وَ مَا أَصْحَبُهُ وَ مَا أَخْلَفَهُ وَ بَيْنَ يَدَيِ حَرَكَاتِي وَ سَكَنَاتِي فِي سَاعَاتِ الْأَسْفَارِ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لِتَكْفِيهِ وَ تَكْفِينَا بِهَا كُلَّ خَطَرٍ مَا بَطَّنَ أَوْ ظَهَرَ وَ تَقْتِحَ بِهَا عَلَيْنَا أَبْوَابَ الْمَسَارِّ وَ طَوْلَ الْأَعْمَارِ وَ الْإِنْتِصَارِ وَ تُلْهِمْنَا مَا فِيهِ رِضَاكَ وَ الدُّخُولَ فِي حِمَاكَ وَ الْأَمَانَ فِي الدُّنْيَا وَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَ مَا فِيهِ كَمَالٌ سَلَامَتِنَا وَ سَعَادَتِنَا فِي دُنْيَانَا وَ آخِرَتِنَا اللَّهُمَّ فَتَلَقَّهَا بِالْقَبُولِ وَ نَجَاحِ الْمَسْئُولِ وَ بُلُوغِ الْمَأْمُولِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

یعنی:

«بار خدایا! بی تردید این صدقه برای تو و موهبت توست و این صدقه ای است از جانب مولای ما صلوات الله علیه و پیشاپیش مسافرت ها و جنبش ها و آرامش های آن بزرگوار در تمامی لحظات شب و روز و صدقه ای است از جانب هر چیز و هر کس که به امر او اهتمام می ورزد و آن چه همراه اوست و آن چه پشت سر نهاده و صدقه ای است پیشاپیش حرکت ها و آرامش هایم در زمان سفر به هنگام شب و روز، از جانب خود و فرزندانم و آنان که مورد توجه من اند و هر آن چه هم راه دارم و آن چه به جای گذارده ام تا به سبب این صدقه، سرور ما "که درود خدا بر او باد!" و ما را از هر چه سلامتیمان را، چه پنهان و چه آشکار، تهدید می کند، رهایی دهی و درهای شادمانی و طول عمر و پیروزی را بر آن بزرگوار و ما بگشایی و آن چه را خوشنودی ات در آن است و ما را در ظلّ حمایت تو درمی آورد و سبب ایمنی در دنیا و روز ملاقات توست و نیز آن چه کمال آسودگی و کامیابی مان را در دنیا و آخرت فراهم می سازد، به ما الهام فرمایی. پروردگارا، از ما بپذیر و خواسته هایمان را برآورده ساز و ما را به آرزویمان برسان؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان.» (1)

ص: 304

3. قیام هنگام شنیدن نام آن حضرت و گذاشتن دست بر سر

به هنگام ذکر و یاد نگارِ خلقت؛ یعنی حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام و دعا برای آن حضرت، به تأسی از عمل معصومین علیهم السلام که اختصاص به ایشان ندارد و برای ابراز احترام و بزرگداشت آن حضرت، از جای بر می خیزیم و دست خویش را بر سر می گذاریم. همچنان که در روایت، نقل شده است که در حضور امام رضا علیه السلام اسم مبارک امام زمان علیه السلام برده شد، و آن حضرت برای احترام برخاستند و دست بر سر نهادند. ضمن آن که این عمل، نوعی استغاثه به آن حضرت است.

اگر چه در این زمینه، مستنداً روایتی از حضرات معصومین علیهم السلام وارد نشده است؛ اما از آنجا که علاوه بر قول و تقریر معصوم، فعل ایشان نیز به شرط اینکه دستور خاص نباشد، حجیت دارد؛ می توان از سیره ی ائمه طاهرين علیهم السلام در این باب الگو گرفت.

بزرگان شیعه در کتب خویش آورده اند: «زمانی که دعبل قصیده ی معروفش را که اولش (مدارس آیات) بود برای امام رضا علیه السلام خواند و در آن نام حضرت مهدی علیه السلام برده شد، پس امام رضا علیه السلام دست بر سر نهاده و متواضعانه ایستادند و برای تعجیل در فرج آن حضرت، دعا کردند.» (1)

مرحوم محدث نوری رحمت الله علیه نیز درباره ی قیام و دست گذاردن بر سر می نویسد:

«این نوع قیام، تعظیم در هنگام ذکر لقب مخصوص حضرت حجت علیه السلام است، که از قدیم الایام در میان تمام شیعیان؛ اعم از عرب و عجم و ترک و دیلم، در تمام شهرها و کشورها؛ بلکه حتی در نزد اهل سنت نیز مرسوم بوده است.» (2)

ص: 305

1- . لما قرأ دعبل قصیدته المعروفة التي أولها مدارس آیات علي الرضا علیه السلام و ذكره عجل الله فرجه، وضع الرضا علیه السلام یده علي رأسه و تواضع قائماً ودعا له بالفرج. مشکاة الانوار فی اثبات رجعة محمد و آله الاطهار (شيخ محمد بن علی بحرانی) / 352 و تنقیح المقال 26/326 و مستدرک سفینه 8/629

2- . القیام تعظیماً لسماع اسمه المبارك علیه السلام، وبالأخص إذا كان باسمه المبارك (القائم) علیه السلام، كما استقرت علیه سیرة الامامية کثرهم الله تعالی فی جميع بلاد العرب والعجم والترك والهند والديلم، وهذا کاشف عن وجود مصدر وأصل لهذا العمل ولو اني لم اعثر لحد الآن علیه، ولكن المسموع من عدة من العلماء وأهل الصلاح انهم رأوا خبراً فی هذا الباب، ونقل بعض العلماء انه سأل عن هذا الموضوع العالم المتبحر الجليل السيد عبد الله سبط المحدث الجزائري، وقد أجاب هذا المرحوم فی بعض تصانیفه انه رأى خبراً مضمونه انه ذکر يوماً اسمه المبارك علیه السلام فی مجلس الامام الصادق علیه السلام، فقام علیه السلام تعظیماً واحتراماً له. وهذه العادة متعارفة عند أهل السنة عند ذکر اسم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم المبارك. وقال سيد أحمد المفتي الشافعي المكي المعاصر فی سيرته: جرت العادة انه إذا سمع الناس ذکر وصفه صلی الله علیه وآله وسلم يقومون تعظیماً له، وهذا القیام مستحسن، لأن بهذا القیام تعظیم للنبي صلی الله علیه وآله وسلم وكثير من علماء السنة يعملون ذلك. النجم الثاقب 2/474

مرحوم حاج شیخ عباس قمی نیز می نویسد: «روایت شده که دعبل خزاعی وقتی که قصیده ی خود را برای حضرت امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ سرود چون به این شعر رسید:

خروج امام لا محاله خارج *** يقوم على اسم الله بالبركات

امام رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ چون نام "قائم" را شنیدند، برخاسته و سر خود را به سوی زمین خم کردند، و پس از آن، کف دست راست خود را بر سر گذاشته و فرمودند: "اللَّهُمَّ عجل فرجه و مخرجه و انصرنا به نصراً عزیزاً." (1)

تکریم کریمان و تجلیل از صاحبان جلال، همیشه و در همه جا پسندیده است؛ چنان که برای پیامبر صَدِّیِّ آلِهِ وَ سَلَمٍ و فرزندان معصومشان عَلَیْهِمُ السَّلَامُ بالاترین تکریم ها و تجلیل ها ضروری به نظر می رسد؛ لکن برخاستن و در حالت قیام «دست بر سر نهادن» تواضع و احترامی است که هنگام شنیدن نام هیچ کسی جز حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ به صورت سیره و سنت در نیامده است.

شاید از دلایل دیگری که می توان برای این عمل عنوان کرد این باشد که، ایستادن هنگام شنیدن صفت "قائم" برای امام زمان، به معنای آماده بودن برای قیام امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ است و دست بر سر گذاشتن یعنی تسلیم امر و فرمان امام زمان بودن است. و البته یک نوع سلام و عرض ادب به آن حضرت است همانطور که در تمام ملل دنیا هنگام شنیدن سرود ملی و یا در برابر بزرگان، حتی تصاویر ایشان، دست را بر سر و یا کنار سر می گذارند.

درباره ی فلسفه برخاستن و دست بر سر گذاشتن، روایتی هم ذکر شده است که علت آن را هم بیان می کند.

از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَامُ سؤال شد که چرا به هنگام شنیدن نام "قائم" لازم است برخیزیم؟ فرمودند:

«برای آن حضرت غیبتی طولانی است و این لقب، یادآور دولت حقه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت او است. لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانشان دارند، به هر کسی که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاه محبت آمیز می کنند و از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده ی خاضعی در مقابل

ص: 306

صاحب عصر خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد؛ پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند منان مسئلت بنماید.» (1)

در عرب و نیز در میان عقلای عالم رسم است که هرگاه گره ناگشودنی در کار بیفتد، به نشانه ناچاری و اضطراب، دست خود را بر سر می گذارد. معنای این کار در هنگام قرائت دعای فرج این است که دوری و غیبت امام برای ما بسیار دشوار و طاقت فرسا است.

همچنین باید گفت که دست بر سر گذاشتن هنگام بردن نام امام زمان عَلَیْهِ السَّلَامُ و یا سلام بر آن حضرت، نوعی احترام و تعظیم برای ایشان و نیز اعلام تسلیم بودن برای آن حضرت و آماده بودن برای خدمت به ایشان و پا در رکاب بودن ایشان است.

شاید از روایت حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ بتوان استفاده کرد که قیام حضرت رضا عَلَیْهِ السَّلَامُ به جهت خصوص لفظ "قیام" نبوده؛ بلکه به احترام نام آن حضرت بوده که در این صورت هر نامی از ایشان برده شود، ایستادن و دست روی سر نهادن خوب است. بی تردید این برخاستن، یادآور قیام و حکومت حضرت مهدی عَلَیْهِ السَّلَامُ هم هست، و تنها به انگیزه احترام صورت نمی گیرد؛ بلکه دلالتی بر آمادگی شیعه منتظر، برای قیام و همراهی با مولای خویش نیز دارد.

پیام این «قیام»؛ هم احترام به حضرت است، هم همسویی با آرمان های بزرگ قیام جهانی او. پیام این قیام؛ هم واکنش در مقابل نگاه مهرآمیز «مولای غایب» است، هم بیعتی برای همراهی با او در روز ظهور.

پیام این قیام؛ هم اکرام قیام آن حضرت است و هم اعلام آمادگی برای قیام و شاید چون چنین است ذاکر این نام، شایستگی نگاه لطف و نظر عنایت مولایش را پیدا می کند، «يَنْظُرُ إِلَى كُلِّ مَنْ يَذْكُرُهُ بِهَذَا اللَّقْبِ الْمُسْعِرِ بَدَوْلَتِهِ».

حضرت به هرکسی که او را با این نام، یاد می کند که خود نشان دهنده اعتقاد به پاخیزی او و دولتش دارد، نظر کرده و او را مورد توجه خویش قرار می دهد!

خداوندا، بار الها ما را در میان منتظران و یاران و یاوران حضرتش قرار ده و همواره دیده ی پر محبتش را به ما معطوف بدار.

خدایا! درود فرست بر ولی امرت، آن قیام کننده ی آرزو شده و دادگستر مورد انتظار، و

ص: 307

1- . سئل الصادق عَلَیْهِ السَّلَامُ عن سبب القیام عند ذکر لفظ القائم من ألقاب الحجّة. قال: لأنّ له غیبة طولانیة، و من شدّة الرأفة إلی أحبّته ينظر إلی کلّ من یذکره بهذا اللقب المشعر بدولته، و من تعظیمه أن یقوم العبد الخاضع لصاحبه عند نظر المولی الجلیل إلیه بعینه الشریفة، فلیقم و لیطلب من الله جل ذکره تعجیل فرجه. الزام الناصب 1/249 و منتخب الأثر / 640

او را در حمایت فرشتگان مقرب قرار ده و به روح القدس حمایتش کن. ای پروردگار جهانیان! او را دعوت کننده به کتابت و قیام کننده به آئینت قرار ده، او را جانشین خود روی زمین گردان، چنان که پاکان پیش از او را جانشین خویش قرار دادی، و دینی را که برایش پسندیده ای به دست او پا برجا بدار و ترسش را به امنیت تغییر ده تا با اخلاص کامل تو را بپرستد. خدایا، توانمندش بدار و به دیگران توسط او توانمندی بده و یاری اش کن و به دیگران از سوی او یاری ده و یاری اش ده، یاری پیروزمندانه و پیروزی آسان برایش بگشا و از پیش خود برای او سلطنتی پیروزی آفرین قرار ده.

خدایا! به وسیله ی او دینت و روش پیامبرت را آشکار کن تا چیزی از حق، از ترس احدی از مردم پنهان نماند. خدایا! به تو رغبت داریم برای یافتن دولت کریمه ای که اسلام و اهلش را به آن توانمند گردانی و نفاق و اهلش را به وسیله ی آن خوار سازی و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن، روزی ما کنی؛ خدایا! آنچه از حق به ما شناساندی تاب تحملش را نیز عنایت کن و آنچه را در رسیدن به آن کوتاهی کردیم، ما را به آن برسان.

خدایا! پریشانی ما را به یاری او جمع کن و پراکندگی ما را به او وحدت بخش و گسیختگی ما را با او پیوند ده و کمی ما را به او زیاد کن و خواری ما را به او عزت ده و تنگدستی ما را به او توانگری بخش و بدهی ما را از برکت او ادا کن و تهیدستی ما را به مدد او جبران فرما و جدایی و دو دستگی ما را به او برطرف کن و دشواری کار ما را به او آسان گردان و روی ما را به دیدار او سپید کن و اسیران ما را به یاری او آزاد گردان و درخواست های ما را به حق او برآور و وعده های ما را به ظهور او تحقق بخش و دعایمان را به خاطر او اجابت کن و خواسته هایمان را به حق او عطا فرما و ما را به یاری او به آرزوهای دنیا و آخرتمان برسان و بالاتر از آرزویمان را به ما اعطا کن، یا خیر المسؤلین و گشاده دست ترین بخشندگان، سینه های ما را به او شفا بخش و کینه ی دل هایمان را به او برطرف کن و ما را به مدد او به آنچه که از حق در آن اختلاف افتاده به اذن خود راهنمایی فرما، همانا تو هر که را بخواهی به راه راست هدایت می کنی و به وسیله ی او ما را بر دشمنان خود و دشمنان خویش یاری ده، ای معبود حق، آمین.

1. قرآن کریم
2. اثبات الهداه؛ شیخ حر عاملی. نشر اعلمی
3. الاحتجاج؛ احمد بن علی طبرسی. نشر مؤسسه اعلمی
4. الاختصاص؛ شیخ مفید. چاپ کنگره
5. ارشاد القلوب؛ دیلمی. نشر رضی
6. الارشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ شیخ مفید. چاپ کنگره
7. الاستبصار؛ شیخ طوسی. دارالکتب الاسلامیه
8. الاصول الستة عشر؛ دارالشبستری
9. اعلام الدین؛ حسن بن محمد دیلمی. مؤسسه آل البيت عَلَيْهِم السَّلَام
10. اعلام النساء المومنات؛ محمد حسون. دارالاسوه
11. اعلام الوری؛ فضل بن حسن طبرسی. نشر اسلامیه
12. امالی صدوق؛ شیخ صدوق. نشر مؤسسه البعثة
13. الامالی؛ شیخ صدوق. مرتضوی
14. الامالی؛ شیخ طوسی. دارالثقافه
15. الامالی؛ شیخ مفید. چاپ کنگره
16. الامامه و التبصره؛ شیخ صدوق. مؤسسه امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام
17. الامان من الاخطار؛ ابن طاووس. آل البيت عَلَيْهِم السَّلَام
18. بحار الانوار؛ علامه محمد باقر مجلسی. انتشارات دارالکتب الاسلامیه
19. البرهان في تفسير القرآن؛ علامه سید هاشم بحرانی. نشر مؤسسه البعثة
20. بشاره المصطفى لشيعه المرتضى؛ طبری آملی. مکتبه حیدریه

21. بصائر الدرجات؛ شيخ ابوجعفر صفار قمی. نشر مؤسسه امام مهدي عَلَيْهِ السَّلَام

22. البلد الامين؛ ابراهيم بن علي الكفعمي. موسسه اعلمی

23. تاج العروس؛ الزبيدي. دارالفكر

24. تاويل الآيات؛ آسترآبادی. موسسه نشر اسلامي

25. التحصين؛ ابن طاووس. موسسه دارالكتاب

26. تحف العقول؛ ابن شعبه حراني. جامعه مدرسين

27. التشریف بالمنن؛ ابن طاووس. موسسه صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَام

28. تفسير القمي؛ علي بن ابراهيم. دارالكتاب

ص: 309

29. تفسير امام حسن عسكري عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ نشر مدرسة الامام المهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ 1 .
30. تفسير عياشى؛ محمد بن مسعود العياشى. نشر مكتبه علميه اسلاميه
31. تقريب المعارف؛ ابوصلاح الحلبي. نشر الهادي
32. تنقيح المقال؛ عبدالله مامقانى. مؤسسه آل البيت عَلَيْهِم السَّلَامُ
33. تهذيب الاحكام؛ محمد بن حسن طوسى. دارالكتب الاسلاميه
34. ثواب الاعمال؛ شيخ صدوق دارالشريف الرضى
35. جامع الاحاديث؛ جعفر بن على القمى.
36. جامع الاخبار؛ محمد بن محمد شعيرى. مطبعه حيدريه
37. الخرائج و الجرائح؛ قطب الدين راوندى. دارالكتب الاسلامى بيروت
38. النخصال؛ شيخ صدوق. نشر اخلاق
39. دعوات الراوندى؛ قطب الدين راوندى. مدرسه امام مهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ
40. دلائل الامامه؛ محمدبن جرير طبرى. بعثت
41. رجال كشى؛ محمد بن عمر كشى. نشر آل البيت
42. روزنه هايى از عالم غيب؛ سيد محسن خرازى. مسجد جمكران
43. روضه المتقين؛ محمد تقى مجلسى. مؤسسه كوشانپور
44. روضه الواعظين؛ فتال نيشابورى. نشر رضى
45. رياحين الشريعه؛ ذبيح الله محلاتى
46. الزام الناصب؛ على حائرى يزدى. مؤسسه اعلمى
47. شرعه التسميه؛ سيد محمد باقر داماد
48. شيفتگان حضرت مهدي عَلَيْهِ السَّلَامُ احمد زاهدى. نشر حاذق
49. صحيفه سجديه؛ امام زين العابدين عَلَيْهِ السَّلَامُ

50. الصراط المستقيم؛ عاملی نباطی. مکتبه حیدریه

51. صفات الشیعه؛ شیخ صدوق. اعلمی

52. العدد القویه؛ علی بن یوسف حلی. کتابخانه مرعشی

53. عقد الدرر؛ یوسف بن یحیی. نشر جمکران

54. علل الشرایع؛ شیخ صدوق. نشر داوری

55. عوالی اللثالی؛ ابن ابی جمهور. دار سید الشهداء عَلَیْهِ السَّلَامُ

56. عیون أخبار الرضا عَلَیْهِ السَّلَامُ؛ شیخ صدوق. نشر دارالکتب السلامیه

57. عیون الحکم و المواعظ؛ علی بن محمد لیشی. نشر دارالحدیث

58. الغیبة؛ محمد بن ابراهیم نعمانی. نشر دارالهدی

ص: 310

59. الغيبه؛ شيخ طوسى. دارالمعارف الاسلاميه 1.
60. فضائل الاشهر الثلاثه؛ شيخ صدوق. نشر داورى
61. فضائل؛ ابن شاذان قمى. نشر رضى
62. القاموس المحيط؛ فيروز آبادى. دارالعلم بيروت
63. قصص العلماء؛ تنكابنى
64. الكافي؛ شيخ كلينى. نشر داركتب الاسلاميه
65. كامل الزيارات؛ ابن قولويه قمى. دارالمرتضويه
66. كتاب الزهد؛ حسين بن سعيد كوفى اهوازى. نشر علميه
67. كتاب سليم؛ سليم بن قيس هلالى. نشر الهادى
68. كشف الغمه؛ محقق اربلى. نشر هاشمى
69. كفايه الاثر؛ خزاز قمى. نشر بيدار
70. كمال الدين وتمام النعمة؛ شيخ صدوق. نشر مؤسسه نشر اسلامى
71. كنز الفوائد؛ كراچكى. دارالذخائر
72. متشابه القرآن و مختلفه؛ ابن شهر آشوب. دار بيدار
73. المجازات النبويه؛ سيد رضى. دارالحديث
74. مجموعه ورام؛ ورام بن ابى فراس. مكتبه فقيه
75. المحاسن؛ احمد بن محمد برقى. دارالكتب الاسلاميه
76. مختصر البصائر؛ حسن بن سليمان حلى. نشر اعلمى
77. مدينه المعاجز؛ سيد هاشم بحراني. نشر اعلمى
78. مرآه العقول؛ علامه محمد باقر مجلسى. دارالكتب الاسلاميه
79. المزار الكبير؛ محمد بن جعفر مشهدى. انتشارات اسلامى

80. مسائل علی بن جعفر؛ علی بن جعفر عربی. مؤسسه آل البيت

81. مستدرک الوسائل؛ شیخ حسین نوری. مؤسسه آل البيت

82. مستدرک سفینه البحار؛ شیخ علی نمازی. مؤسسه نشر الاسلامی

83. مشکاة الانوار فی اثبات رجعة محمد و آله الاطهار؛ شیخ محمد بن علی بحرانی

84. مشکاه الانوار؛ علی بن حسن طبرسی. مکتبه حیدریه

85. معجم تهذیب اللغه؛ ابی منصور ازهری. احیاء التراث العربی

86. من لا یحضره الفقیه؛ شیخ صدوق. دفتر انتشارات اسلامی

87. مناقب آل ابی طالب؛ ابن شهر آشوب. نشر علامه

88. منتخب الاثر؛ لطف اله صافی گلپایگانی. مؤسسه سیده معصومه

89. منتخب انوار المصنیه؛ بهاء الدین نیلی نجفی. نشر خیام 1.
90. منتهی الآمال؛ شیخ عباس قمی. نشر هجرت
91. مهج الدعوات؛ ابن طاووس. دارالذخائر
92. مهدی موعود؛ علی دوانی. اسلامیة
93. النجم الثاقب؛ میرزا حسین نوری
94. نهج البلاغة؛ سید رضی. نشر محمد دشتی
95. نهج الحق و كشف الصدق؛ علامه حلی. دارالکتب اللبنانی
96. نهج الفصاحة؛ دنیای دانش
97. هدایه الامه؛ شیخ حر عاملی. آستان قدس رضوی
98. الهدایه الكبرى؛ الخصیبی. نشر البلاغ
99. الوافی؛ فیض کاشانی. کتابخانه امیرالمومنین عَلَیْهِ السَّلَامُ
100. وسائل الشیعة؛ شیخ حر عاملی. نشر داراحیاء التراث العربی

آثار دیگر مؤلف

1. نگاهی نو به تاریخ صدر اسلام
2. درمان باقرآن
3. طوبای هدایت. پاسخی به شبهات و هابیت
4. مرآة الابرار. فضائل و صفات شیعیان؛ فارسی و عربی
5. شرح زیارت عاشوراء
6. النصوص. بیش از پانصد دلیل بر ولایت حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَامُ از منابع اهل سنت؛ فارسی و عربی
7. بهشت اندیشه. رویکردی نو به مباحث اعتقادی؛ فارسی و دانمارکی
8. الحبل المتین. فی وجوب البراءة عن اعداء الدین؛ عربی

9. راز شهادت. در بیان هدف حضرت اباعبدالله عَلَیْهِ السَّلَامُ از حرکت به کربلا

10. سیاه و سفید. در بیان فرقه های اسلامی و تبیین فرقه ناجیه

ص: 312

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

